

مطلوبیت یا توانایی پرداخت؟ نظریه مالیاتی مدرسی به مثابه سنتزی تحلیلی و رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی (صص. ۱-۲۴)

محمد حسین بهمن‌پور خالصی*، محمد جواد شریف‌زاده

تبیین مفهوم اقتصاد مردمی از منظر دوگانه اصالت فرد و جامعه (صص. ۲۵-۵۲)

سید محمد حسینی فرد، ابوالقاسم توحیدی نیا*، الیاس نادران

تحلیل حرمت و بیه‌خواری اقتصادی در آموزه‌های فقهی و حقوقی (صص. ۵۳-۷۸)

نادر علیزاده*، اصغر عباسی

تحلیل فقهی - اقتصادی مالیت رمز ارزش‌ها در اقتصاد اسلامی (صص. ۷۹-۱۲۲)

محمدرضا کشاورزی، محسن رضایی صدرآبادی، مهدی رعایانی*

تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی (صص. ۱۴۸-۱۲۳)

آسیه ادراکی*، سید جواد عمادی، مهدی جعفری

مفهوم و کاربرد روش استقراء در تدوین نظریه‌های اقتصاد اسلامی (صص. ۱۴۹-۱۸۰)

سعید محمدبیگی*

شناخت رفتار مصرفی مصرف‌کنندگان ایرانی به منظور پیشبرد اقتصاد مقاومتی (صص. ۱۸۱-۲۰۰)

مهناز سرخوندی، کیومرث سهیلی*، شهرام فتاحی

ممنوعیت بهره به مثابه حکمت شارع در راستای جلوگیری از کنش متقابل سفته‌باز و بانک در ایجاد

ادواری پدیده «ازجاد رفتگی سنجه ارزش» (صص. ۲۰۱-۲۲۸)

مهدی رزم‌آهنگ*، حسن سبحانی

مدلسازی تحقق اقتصاد مقاومتی با تأکید بر تأثیر برونگرایی اقتصاد بر رشد اقتصادی: رویکرد پویایی سیستمی

(صص. ۲۲۹-۲۶۰)

حسین رضائی*، سید حسن قوامی

بررسی ماهیت اسکناس از حیث سند یا مال بودن و ثمرات فقهی آن (صص. ۲۸۴-۲۶۱)

مهدی معتمدی*، سید مرتضی خاتمی سبزواری

بررسی نقش و اثرات نظریه طراحی بازار در حکمرانی اقتصادی با رویکرد اسلامی (صص. ۳۲۰-۲۸۵)

حمیدرضا مقصودی*، حسین بهرامی، علی سعیدی، ابوالفضل احسان‌فر

بررسی فقهی رابطه بین زکات و مالیات در دولت اسلامی (صص. ۳۴۶-۳۲۱)

اصغر متین‌پور*، علی سائلی

Utility or Ability to Pay? Scholastic Tax Theory as an Analytical Synthesis and its Implications for Islamic Economics (pp. 1-24)

Mohammadhossein Bahmanpour-Khalesi* and Mohammadjavad Sharifzadeh

Explaining The Concept of Popular Economy From The Dual Perspective of The Originality of The Individual And Society (pp. 25-52)

Seyyed Mohammad Hosseinifard, Abolghasem Tohidinia* and Elyas Naderan

Analysis of Economic Sanctity in Jurisprudential and Legal Teachings (pp. 53-78)

Nader Alizadeh*, Asghar Abbasi and Ali Ghorbani

Jurisprudential-Economic Analysis of the propertyness of Cryptocurrencies in Islamic Economics (pp. 79-122)

Mohammad Reza Keshavarzi, Mohsen Rezaei Sadrabadi and Mahdi Roayaei*

The effect of Qarz al-Hasna facilities on macroeconomic variables (pp. 123-148)

Asiyeh Edraki*, Mahdi Jafari and Seyed Javad Emadi

The Concept and Application of Induction Method in Formulating Theories of Islamic Economics (pp. 149-180)

Saeid Mohammadbeigi*

Cognition of Iranian Consumers Consumption Behavior in Order to Advance the Resistance Economy (pp. 181-200)

Mahnaz Sorkhvandi, Kiomars Sohaili* and Shahram Fattahi

Prohibition of interest as the wisdom of the "SHAR'E" in order to prevent the interaction of the speculator and the bank in creating a periodic phenomenon of "dislocation of the measure of value" (pp. 201-228)

Mehdi Razmahang* and Hasan Sobhani

Modeling the realization of a resistance economy with an emphasis on economic extraversion on Economic Growth: A systemic dynamics approach (pp. 229-260)

Hossein rezaee* and Seyed hasan Ghavami

Investigating the nature of banknotes in terms of being a legal instrument or property and its jurisprudential implications (pp. 261-284)

Mahdi Motamedi* and Seyyed morteza khatami sabzevari

Investigating The Role and Effects of Market Design Theory In Economic Governance with Islamic Approach (pp. 285-320)

Hamidreza Maghsoodi*, Hossein Bahrami, Ali Saeedi and Abolfazl Ehsanfar

Jurisprudential investigation of the relationship between zakat and taxes in the Islamic state (pp. 321-346)

Asghar Matinpoor* and Ali Saeli



مطالعات اقتصاد اسلامی

۲۹

دوفصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی
سال پانزدهم، شماره اول (پیاپی ۲۹)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق علیه السلام
مدیر مسئول: محمدهادی زاهدی وفا
سر دبیر: محمدهادی عسکری
مدیر داخلی: محمد قائداًمینی
اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب رتبه و الفبا):

کریم اسلاملوئیان استاد (تخصص: اقتصاد بین الملل) دانشگاه شیراز
مسعود درخشان استاد (تخصص: اقتصاد ریاضی و بهینه سازی) دانشگاه علامه طباطبائی
حسینعلی سعدی استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
محمدهادی عسکری استاد (تخصص: اقتصاد ریاضی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
محمدعلی فلاحتی استاد (تخصص: علوم اقتصادی) دانشگاه فردوسی
غلامرضا مصباحی مقدم استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
کاظم یآوری استاد (تخصص: اقتصاد بین الملل و توسعه) دانشگاه تربیت مدرس
محمدهادی زاهدی وفا دانشیار (تخصص: اقتصاد) دانشگاه امام صادق علیه السلام
عباس عرب مازار دانشیار (تخصص: اقتصادسنجی و توسعه) دانشگاه شهید بهشتی
حسین عیوضلو دانشیار (تخصص: اقتصاد پولی) دانشگاه امام صادق علیه السلام

* بر اساس مجوز شماره ۳/۱۸/۳۵۹۲۴ مورخ ۱۳/۰۳/۱۳۹۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دوفصلنامه «مطالعات اقتصاد اسلامی» از شماره ۷ (پاییز و زمستان ۱۳۹۰) دارای درجه علمی است.

مقالات نشریه در پایگاه های ذیل نمایه می شود:

پایگاه دو آج: <https://www.doaj.org>
پایگاه گوگل اسکالر: <https://www.scholar.google.com>
پایگاه استادی علوم جهان اسلام: <https://www.isc.gov.ir>
پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی: <https://www.sid.ir>
پایگاه مجلات تخصصی نور: <https://www.noomags.com>
پایگاه اطلاعات نشریات کشور: <https://www.magiran.ir>
پایگاه مرجع دانش: <https://www.civilica.com>
پرتال جامع علوم انسانی: <https://www.ensani.ir>

ویراستار فارسی و صفحه آرا: منصوره صادقی جعفرلو
تجدید کننده طرح جلد: محمد قائداًمینی

مقالات این نشریه لزوماً بیان کننده دیدگاه دانشگاه نیست. نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۳۶۴ صفحه / ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال / چاپخانه: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
مدیریت امور فنی: معاونت پژوهش و فناوری، تلفکس: ۸۸۰۹۴۹۱۵ (۰۲۱)
مدیریت امور علمی و تحریریه: دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، تلفن: ۸۸۰۸۱۴۰۴ (۰۲۱) و دورنگار: ۸۸۵۷۹۹۸۸ (۰۲۱)

نشانی وبگاه نشریه: <https://ies.isu.ac.ir>

E-mail(1): ies@isu.ac.ir

Email(2): ies.sadiqjournals@gmail.com

اهداف و سیاست‌های دوفصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی» با هدف تولید ادبیات در حوزه اقتصاد اسلامی به منظور ارتقاء و تحول این حوزه دانشی و پاسخ‌گویی به نیازهای کاربردی سازمان‌ها و نهادهای فعال در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصاد، ماحصل پژوهش‌های صاحب نظران و اندیشمندان این حوزه را منتشر می‌نماید. با توجه به رویکرد تخصصی و پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، اصلی‌ترین محورهای موردنظر برای انتشار آثار علمی در زمینه اقتصاد اسلامی عبارتند از:

الف) موضوعات بنیادین اقتصاد اسلامی:

- ارزیابی انتقادی مبانی و بنیان‌های اساسی علم اقتصاد از منظر معارف اسلامی؛
- فلسفه و روش‌شناسی علم اقتصاد و اقتصاد اسلامی؛
- مطالعات تطبیقی و انتقادی مکاتب اقتصادی و اقتصاد اسلامی؛
- تحلیل اندیشه‌های اقتصادی اندیشمندان مسلمان؛
- نسبت اخلاق و اقتصاد.

ب) کاربردها و تجربیات:

- بررسی تجربه سایر کشورها در تدوین و اجرای اقتصاد اسلامی؛
- بررسی عملکرد سازمان‌ها و نهادهای اجرایی از منظر میزان مطابقت با آموزه‌های اسلامی؛
- بررسی ابعاد اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛
- تبیین ربط و نسبت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی؛
- ارزیابی مسائل اقتصادی ایران با ملاحظه رهیافت‌های اقتصاد اسلامی.

ج) موضوعات بخشی

- ماهیت و نقش دولت اسلامی، منابع مالی و مخارج دولت اسلامی، انفال و...؛
- پول، بانکداری، بیمه، ابزارها و بازارهای مالی؛
- کاربردهای فقه در تحلیل مسائل اقتصادی کلان؛
- بازار و رفتار بخش خصوصی از منظر اسلامی؛
- تجارت بین‌الملل و تعاملات اقتصادی بین کشورهای اسلامی؛
- مباحث رفتاری و شناختی در حوزه اقتصاد اسلامی.

هـ) سایر موضوعات مرتبط.

فهرست مطالب

- مطلوبیت یا توانایی پرداخت؟ نظریه مالیاتی مدرسی به مثابه سنتزی تحلیلی و رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی ۱
محمدحسین بهمن‌پور خالسی* و محمدجواد شریف‌زاده
- تبیین مفهوم اقتصاد مردمی از منظر دوگانه اصالت فرد و جامعه ۲۵
سیدمحمد حسینی فرد، ابوالقاسم توحیدی‌نیا* و الیاس نادران
- تحلیل حرمت ویژه‌خواری اقتصادی در آموزه‌های فقهی و حقوقی ۵۳
نادر علیزاده*، اصغر عباسی و علی قربانی
- تحلیل فقهی - اقتصادی مالیت رمزارزش‌ها در اقتصاد اسلامی ۷۹
محمدرضا کشاورزی، محسن رضایی صدرآبادی و مهدی رعایانی*
- تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی ۱۲۳
آسیه ادراکی*، سیدجواد عمادی و مهدی جعفری
- مفهوم و کاربرد روش استقراء در تدوین نظریه‌های اقتصاد اسلامی ۱۴۹
سعید محمد بیگی*
- شناخت رفتار مصرفی مصرف‌کنندگان ایرانی به منظور پیشبرد اقتصاد مقاومتی ۱۸۱
مهناز سرخوندی، کیومرث سهیلی* و شهرام فتاحی
- ممنوعیت بهره به مثابه حکمت شارع در راستای جلوگیری از کنش متقابل سفته‌باز و بانک در ایجاد ادواری پدیده
«از جادورفتگی سنجه ارزش» ۲۰۱
مهدی رزم‌آهنگ* و حسن سبحانی
- مدل‌سازی تحقق اقتصاد مقاومتی با تأکید بر تأثیر برونگرایی اقتصاد بر رشد اقتصادی: رویکرد پویایی سیستمی. ۲۲۹
حسین رضائی* و سیدحسن قوامی
- بررسی ماهیت اسکناس از حیث سند یا مال بودن و ثمرات فقهی آن ۲۶۱
مهدی معتمدی* و سیدمرتضی خاتمی سبزواری
- بررسی نقش و اثرات نظریه طراحی بازار در حکمرانی اقتصادی با رویکرد اسلامی ۲۸۵
حمیدرضا مقصودی*، حسین بهرامی، علی سعیدی و ابوالفضل احسان‌فر
- بررسی فقهی رابطه بین زکات و مالیات در دولت اسلامی ۳۲۱
اصغر متین‌پور* و علی سائلی

Utility or Ability to Pay? Scholastic Tax Theory as an Analytical Synthesis and its Implications for Islamic Economics

Mohammadhosein Bahmanpour-Khalesi*
Mohammad Javad Sharifzadeh**

Abstract

So far, different interpretations of scholastic tax theory have been made. Some of them emphasized the adoption of utility approach and others emphasized the adoption of the ability to pay approach by scholastic thinkers. However, it seems that none of these interpretations have been able to address the scholastic tax theory in a comprehensive assessment by examining all angles of the theory. Accordingly, this study seeks to resolve the apparent conflicts by re-evaluating the scholastic tax theory and presenting a new interpretation of this theory. Our findings reveals that the main root of conflict goes back to the understanding of the society as an analytical unit of tax theory. As a result, the scholastic tax theory can be evaluated as an analytical synthesis between the classical approaches of taxation. Accordingly, taxation in a utilitarian attitude is an implicit contract between society and the government, and as long as governments pay attention to the common goods, society will be obliged to finance the government. But the share of each member of the community in this public payment is not the same. In this regard the ability to pay approach determines the share of each member of society.

Keywords: Tax, Ability to Pay, Utility, Scholastic Economics, Islamic Economics.

* Researcher and Phd Student, Economic Sciences, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran
m.bahmanpour@isu.ac.ir

 0000-0003-1021-6393

** Associate Professor of Economics, Imam Sadiq (pbuh) University, Tehran, Iran
sharifzadeh@isu.ac.ir

 0000-0002-6952-182X

Received: 2022/08/15

Accepted: 2022/12/03

مطلوبیت یا توانایی پرداخت؟ نظریه مالیاتی مدرسی به مثابه سنتزی تحلیلی و رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی

محمدحسین بهمن‌پور خالصی*

محمدجواد شریف‌زاده**

چکیده

تاکنون تفاسیر متفاوتی از نظریه مالیاتی مدرسی شده است که برخی از آن‌ها بر اتخاذ رویکرد مطلوبیت و برخی دیگر بر اتخاذ رویکرد توانایی پرداخت تأکید دارد، اما هیچ‌یک از این تفاسیر نتوانسته‌اند نظریه مالیاتی مدرسی را در ارزیابی جامع و با بررسی تمام زوایای آن مورد توجه قرار دهند. این مطالعه در تلاش است تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای-تحلیلی و با رویکرد پدیدارشناسانه به ارزیابی دوباره نظریه مالیاتی مدرسی و ارائه تفسیری جدید از این نظریه بپردازد و رویکرد سومی را در کنار دکرترین‌های رایج مالیاتی معرفی کند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که ریشه اصلی در تعارض تفاسیر موجود درباره نظریه مالیاتی مدرسی به فهم واحد تحلیل جامعه در تحلیل مدرسی از مقوله مالیات‌ها بازمی‌گردد. براین‌اساس می‌توان نظریه مالیاتی مدرسی را سنتز تحلیلی میان رویکردهای مالیات‌ستانی ارزیابی کرد. مالیات در نگرش منفعت‌گرایانه، قراردادی ضمنی میان جامعه و حکومت است و تا زمانی که حکومت‌ها در راستای منافع عمومی تلاش کنند، جامعه نیز مکلف به تأمین مالی حکومت خواهد بود، اما سهم هریک از اعضای جامعه از این پرداخت عمومی یکسان نیست و این سهم را توانایی پرداخت هریک از افراد جامعه مشخص می‌کند. درنهایت، ضرورت به‌کارگیری مقاصد شریعت - مانند رویکرد غایت‌نگری مدرسی - در موضوع‌شناسی پدیده‌های جدید و نیز تأکید بر تفکیک واحد تحلیل فرد و جامعه در تحلیل پدیده‌های اقتصادی ازجمله رهیافت‌های این پژوهش برای اقتصاد اسلامی است.

واژگان کلیدی: مالیات؛ توانایی پرداخت؛ منفعت؛ اقتصاد مدرسی؛ اقتصاد اسلامی.

* پژوهشگر و دانشجوی مقطع دکتری، علوم اقتصادی دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

m.bahmanpour@isu.ac.ir

0000-0003-021-6393

**دانشیار، علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

sharifzadeh@isu.ac.ir

0000-0002-6952-182X

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

تا پیش از قرون میانه پسین، مالیات‌های شرعی در قالب عشریه به‌عنوان یکی از نهادهای مالی کلیسا در اروپا رواج داشت، اما مالیات‌های حکومتی تا پیش از پولی شدن مناسبات فئودالی، افزایش تمرکز قدرت، رشد شهرنشینی و... رواج زیادی نداشتند. مناسبات در قرون میانه فئودالی اغلب در قالب اعطای زمین و حق تشکیل حکومت‌های محلی در مقابل ارائه خدمات به پادشاهان صورت می‌پذیرفت. در این نظام، با توجه به فقدان تمرکز قدرت و خودمختاری سیاسی و اقتصادی فیف‌ها^۱، نیاز زیادی به مالیات برای تأمین مالی هزینه‌های عمومی نبود، اما افزایش تمرکز قدرت، تبدیل هوماژ^۲ به قرارداد، استخدام مباشران اداری و نظامی در دربار، اعطای پول به‌جای خدمات نظامی توسط واسال‌ها^۳ که به آن اسکوتیج^۴ یا پول محافظ می‌گفتند و نیز رواج دستمزد پولی با عنوان فیف مالی جهت جبران خدمات (بیل، ۱۳۸۴، صص. ۹۶-۹۴) و نیز پولی شدن مجازات سبب شد نظام فئودالیسم^۵ در مدل تکامل‌یافته خود به فئودالیسم تجاری تبدیل شود که در آن بسیاری از تعهدات فئودالی به شکل پولی درآمد و زمینه تجاری شدن جامعه را ایجاد کرد (نعمتی و بهمن‌پور خالصی، ۱۳۹۹). این تحولات به سهم خود سبب شدند تا نیاز دولت‌ها برای اکتساب درآمدهای پولی دوچندان شود و مالیات‌ها بیش‌ازپیش مورد توجه حکومت‌ها قرار گیرد.

در کنار تغییرات مناسبات فئودالی، تحولاتی نیز به‌خصوص در قرون میانه پسین سبب افزایش بیش‌ازپیش دخالت دولت در مناسبات اقتصادی و افزایش هزینه‌های عمومی آن‌ها شد. این مسئله به سهم خود توجه حکومت‌ها را به راه‌های کسب درآمدهای پایدار مانند مالیات‌ها دوچندان کرد. از جمله این تحولات می‌توان به افزایش جمعیت، افزایش تمرکز قدرت، کم‌رنگ شدن سازوکارهای خصوصی حمایتی و نیز کاهش نفوذ کلیسا - که با کاهش درآمدهای آن نیز همراه بود - اشاره کرد. تا پیش‌ازاین، عمده حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی از طریق سازوکارهای خصوصی در قالب پیوندهای نظام فئودالی و نیز حمایت‌های کلیسا صورت می‌پذیرفت، اما با کم‌رنگ شدن این مناسبات و روابط، جایگاه دولت‌ها نیز در راستای ایفای نقش این نهادهای اجتماعی-اقتصادی دوچندان شد. در این راستا، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی اروپا در قرن ۱۵ مانند فقر، بیکاری و... (Schumpeter, 1994) که ازجمله نخستین تجارب جامعه اروپایی در این باره نیز به شمار می‌آمد - سبب دوچندان شدن ضرورت ورود حکومت‌ها به این چالش‌ها شد. پررنگ شدن نقش حکومت در این‌گونه از

مسائل به معنای افزوده شدن کارکردی جدید برای دولت‌ها بود. این کارکردها نیز بدون تأمین مالی امکان‌پذیر نبود. براین اساس، شکل‌گیری کارکردهای جدید برای حکومت‌ها اغلب به معنای توسعه و گسترش مالیات‌ها در جامعه بود.

توسعه شهرهای تجاری که با کم‌رنگ شدن مناسبات فئودالی نیز همراه بود (Pounds, 2014)، یکی دیگر از زمینه‌های توسعه مالیات در قرون میانه بود. اغلب مناسبات اجتماعی و اقتصادی شهرها به‌گونه‌ای سامان می‌پذیرفت که آن‌ها را به واحدهای اقتصادی وابسته‌ای تبدیل می‌کرد. براین اساس، شهروندان وجود نهاد حمایتی را ضروری می‌پنداشتند. شهرها برای حفظ امنیت و نیازهای عمومی خود در قبال پرداخت مالیات به پادشاهان، حمایت ایشان را به دست می‌آوردند. وجود گردش نقدینگی بالا به نسبت دیگر مناطق نیز (بلاخ، ۱۳۶۳، ص. ۱۳۶) پرداخت مالیات‌های شهری به‌صورت پول را رواج داده بود.

تحولات عملی پیش‌گفته سبب شد تا مسئله مالیات‌ها و تحلیل ابعاد مختلف آن به‌عنوان یکی از ضرورت‌های عملی اداره حکومت‌ها در قرون میانه برای متفکران مدرسی^۶ شایان توجه شود. باوجوداین، این تنها زمینه تحلیل مدرسی از مسئله مالیات‌ها نبود. ریشه‌های نظری مالیات‌ها به‌عنوان یکی از نهادهای ضروری برای حیات اجتماعی انسان‌ها را می‌توان در نظریه اجتماعی مدرسی و قانون طبیعی مشاهده کرد. از منظر متفکران مدرسی، مالیات‌ها ریشه در قانون طبیعی دارد. حکومت‌ها برای برآوردن خواسته‌هایی که انسان‌ها به‌تنهایی قادر به تهیه آن‌ها نیستند، ضروری است (Suárez, 1619). در صورتی که منشأ حکومت‌ها ریشه در نیازهای طبیعی انسانی داشته باشد، تمام ابزار و زمینه‌های عملکرد آن‌ها نیز ریشه در قانون طبیعی دارد. به تعبیر دیگر، حکومت بر اساس قانون طبیعی است، اما حکومت نمی‌تواند هدف خود یعنی خیر عمومی را انجام دهد مگر اینکه وسایل لازم را داشته باشد. از آنجاکه حکومت قیاس منطقی از قانون طبیعی است، باید درباره وسایل لازم برای عملکرد درست آن نیز همین‌طور گفته شود و ریشه آن را در قانونی طبیعی دانست. بنابراین، می‌توان ریشه مالیات‌ها را در قانون طبیعی دانست و اخذ آن‌ها را بر این مبنا برای حفظ بقای حکومت‌ها ضروری دانست. از آنجاکه حکومت یکی از ملزومات سعادت مجتمع انسانی است و با توجه به اینکه بقای حکومت‌ها نیز در گروی اخذ مالیات است، مالیات‌ها را نیز می‌توان از جمله ملزوماتی برشمرد که به‌صورت غیرمستقیم بر سعادت آن‌ها اثرگذار است. این رابطه سبب می‌شود که مالیات‌ها نیز بتواند به‌عنوان موضوعی تحلیل برای متفکران مدرسی مورد توجه باشد. از آنجاکه مالیات‌ها بر عدالت

مبادله‌ای^۷ و توزیعی^۸ در جامعه اثرگذار است، از بعد اخلاقی و به صورت خاص از منظر مسئله عدالت نیز برای متفکران مدرسی شایان توجه بود.

تاکنون مطالعات زیادی درباره نظریه مالیاتی متفکران مدرسی صورت پذیرفته است، اما اختلافات زیادی در میان قرائت‌های موجود از نظریه مالیاتی مدرسی وجود دارد. ریشه اصلی این اختلافات به ارزیابی نظریه مدرسی بر اساس دو دکتربین مطلوبیت^۹ (منفعت) و توانایی پرداخت^{۱۰} بازمی‌گردد. دسته‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده با تأکید بر ادبیات عدالت مالیاتی در اندیشه مدرسی، بر توسعه نظریه مالیاتی مبتنی بر اصل توانایی پرداخت در ادبیات مدرسی تأکید کرده‌اند (Curran, 1985; Finnis, 1998; Hamill, 2002; Perdices de Blas & Revuelta López, 2011). برخی دیگر از مطالعات - با تمرکز بر آثار سنت توماس آکوئیناس^{۱۱} - مانند مردیث^{۱۲} (۲۰۰۸م) و اوربان^{۱۳} (۲۰۱۴م) بر اساس تأکید متفکران مدرسی بر ماهیت قراردادی مالیات‌ها به عنوان قرارداد اجتماعی برای رفع نیازهای مالی دولت، بر شکل‌گیری نظریه مالیاتی مدرسی مبتنی بر دکتربین منفعت اصرار ورزیده و ماهیت بازتوزیعی مالیات‌ها در اندیشه مدرسی را انکار کرده‌اند. این مطالعه در تلاش است تا با بازخوانی نظریه مالیاتی مدرسی به ارزیابی این نظریه از منظر دکتربین منفعت و توانایی پرداخت بپردازد و قرائتی جدید از آن ارائه دهد. در این راستا، پژوهش می‌کوشد تا با ارائه قرائتی سازگار میان ابعاد مختلف نظریه مالیاتی مدرسی، نوآوری‌های این نظریه در سازگاری دکتربین‌های منفعت و توانایی پرداخت را تبیین کند و به اثبات این مدعا بپردازد که نظریه مالیاتی مدرسی را می‌توان نوعی سنتز تحلیلی میان دکتربین‌های مالیات‌ستانی تلقی کرد. این پژوهش با استفاده از متون کلاسیک مدرسی و بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای-تحلیلی و نگرش غایت‌نگر به منابع مورد پژوهش انجام می‌شود. در ادامه، ابتدا مروری بر نظریه مالیاتی مدرسی خواهیم داشت و ماهیت و انواع آن را با نگرش پدیدارشناسانه در ادبیات مدرسی مورد توجه قرار می‌دهیم. سپس این نظریه را از زاویه دکتربین منفعت (مطلوبیت) و توانایی پرداخت مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. در انتها نیز به ارائه قرائت خود از نظریه مالیاتی مدرسی به مثابه سنتز تحلیلی می‌پردازیم.

۱. نظریه مالیاتی مدرسی

در این قسمت، نگاهی کلی به نظریه مالیاتی مدرسی در قالب سه بخش ماهیت مالیات‌ها، طبقه‌بندی انواع مختلف مالیات‌ها و نیز عدالت مالیاتی خواهیم داشت.

۱-۱. ماهیت مالیات‌ها

متفکران مدرسی معتقد بودند که بدون مالیات، حکومت‌ها نمی‌توانند به اهداف مشخص شده خود بر اساس ضرورت‌های طبیعی و انسانی دست یابند. از این رو مالیات‌ها در زمره نیازها و لوازم ضروری برای پایداری حکومت‌ها قرار می‌گیرند که می‌توان آن‌ها را برآمده از قانون و نیازهای طبیعی انسانی دانست. اندیشمندان مدرسی اقدام به تشریح کارکردها و ضرورت‌های عملی مالیات‌ها برای حفظ و بقای حکومت کردند. از نظر ایشان، مالیات‌ها نوعی مشارکت عمومی در هزینه‌های حکمرانی کشور برای خدمات عمومی دولت بود. آکوئیناس تصریح می‌کند که مالیات به سبب مقام پادشاهی به حاکم تعلق می‌گیرد و به نوعی «... به عنوان نوعی حقوق برای مدیریت و وزارت او تلقی می‌شود» یا در جای دیگر تأکید می‌کند که پادشاه این گونه مالیات‌ها را برای بقا و حفاظت خود دریافت می‌کند، اما وظیفه او حفظ صلح عمومی است (Aquinas, 1929). پس از آکوئیناس نیز دیگر متفکران مدرسی تعاریف دقیق‌تر و تفصیلی‌تری از مالیات ارائه کردند که اغلب متضمن تعبیر پرداخت‌های عمومی به دولت برای حفظ مصالح مشترک جامع بود. برای مثال، ماریانا^{۱۴} (۲۰۱۱م) متفکر مدرسی قرن ۱۶ یکی از ایشان است که در ضمن تشریح جایگاه حکومت در جامعه بیان می‌کند: «... برای حفاظت از این قدرت به شیوه‌ای محترمانه، مردم درآمد ثابتی را ایجاد کردند که به موجب آن، پادشاهان می‌توانستند از شیوه زندگی اصلی خود حمایت کنند و همچنین، تصمیم گرفتند که چگونه این پول پرداخت شود. این فرایند، حق مالکیت پادشاه بر درآمدهای اعطاشده مردم و همچنین، آن دارایی‌هایی را که او به عنوان شهروند خصوصی به دست می‌آورد یا اینکه پس از پادشاه شدن از مردم دریافت می‌کند، مشخص می‌کند.»

سوارز^{۱۵} (۱۶۱۹م) نیز یکی دیگر از متفکران مدرسی است که در تعبیر مشابهی درباره ماهیت مالیات‌ها تصریح می‌کند «(مالیات) پرداختی عمومی است که میان همه مردم برای مخارج سلطنتی یا نیازهای مشترک جامعه توزیع و تحت قانونی مشخص پرداخت می‌شود»^{۱۶}. این تعاریف از مالیات به وضوح متضمن است که مالیات‌ها، پرداخت‌هایی است که ماهیت عمومی و نه شخصی دارد؛ به طوری که تنها برای مخارج و مصارف عمومی پادشاهان پرداخت می‌شود و با توجه به ریشه آن در قانون طبیعی، هر عضوی از جامعه مکلف به مشارکت در آن است.

۲-۱. طبقه‌بندی انواع مختلف مالیات‌ها

متفکران مدرسی در تحلیل درآمدهای عمومی حکومت‌ها، این درآمدها را همگن و یکسان نمی‌پنداشتند و میان آن‌ها با توجه به عوامل مختلف مانند مبانی اخذ، کارکردها، محل‌های مصرف و... تمایز قائل بودند. این تمایز سبب می‌شد تا ضمن آنکه اکتساب گونه‌های مختلف درآمدی برای دولت نیازمند مبانی مشروعیت متفاوتی باشد، احکام متفاوتی نیز بر هر کدام از این منابع درآمد عمومی وضع شود. مالیات‌ها نیز به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی حکومت‌ها در قرون میانه از این مسئله مستثنا نبود. یکی از ساده‌ترین نمونه‌های دسته‌بندی انواع مختلف مالیات‌ها را ماریانا (۱۹۶۹م) ارائه کرده که عمدتاً مبتنی بر کارکردها و مصارف مالیات‌هاست. او مالیات‌ها و درآمدهای حکومت را بر سه دسته می‌داند. دسته نخست، شامل درآمدهای سلطنتی است که کارکرد اصلی آن برای حفظ خانواده سلطنتی است. دسته دوم، مالیات‌های معمولی است که برای اداره کشور و حفظ صلح عمومی بهره‌برداری می‌شود و درنهایت، دسته سوم شامل درآمدهای فوق‌العاده می‌شود که اغلب برای پرداخت هزینه‌های جنگ اختصاص می‌یابد.

ازجمله دیگر شیوه‌های تقسیم‌بندی مالیات‌ها توسط متفکران مدرسی، تقسیم‌بندی مالیات‌ها بر اساس مابه‌ازای پرداخت مالیات بود. از آنجاکه در اندیشه مدرسی هدف از پرداخت مالیات‌ها مشارکت در حفظ مصالح عمومی و نیازهای مشترک جامعه است، اغلب متفکران مدرسی پرداخت‌هایی را که به سبب مابه‌ازای بهره‌برداری شخصی از برخی خدمات و امکانات پادشاهی صورت می‌پذیرفت، از دیگر مالیات‌ها که جنبه شخصی نداشت، تفکیک می‌کردند و حتی برای دسته نخست از درآمدهای دولت عنوان مالیات قرار نمی‌دادند. ازجمله قدیم‌ترین دسته‌بندی‌ها که متفکران مدرسی بر این مبنا صورت داده‌اند، مربوط به طبقه‌بندی آکوئیناس (۲۰۲۰م) است. او مالیات‌های *Tributum* را که با هدف اداره عمومی حکومت و حفظ صلح و آرامش در قلمرو سلطنتی بود، از مالیات‌های *Vectigal* که اغلب مشتمل بر پرداخت اجاره و دیگر عوارض بهره‌برداری از املاک سلطنتی یا مابه‌ازای انتفاع از بهسازی و مرمت راه‌ها، پل‌ها و... بود، تفکیک کرد.

یکی دیگر از طبقه‌بندی‌های مالیاتی، طبقه‌بندی مالیات‌ها به سه دسته «شخصی»، «غیرشخصی» و «مختلط» بود که مولینا^{۱۷} (۱۷۵۹م)، سوارز (۱۶۱۹م) و آزپیلیکوئتا^{۱۸} با تفاوت‌های اندکی ارائه کردند. مالیات شخصی شامل آن دسته از مالیات‌هایی می‌شد که

مابه‌ازای انتفاع شخصی افراد قرار داده شده بود مانند هزینه اجاره املاک پادشاهی، ترمیم جاده‌های مخصوص و... مالیات غیرشخصی درحقیقت، همان مالیات‌های مستقیم بود که بر اساس ارزیابی میزان دارایی و درآمد افراد به صورت تناسبی از ایشان اخذ می‌شد. مالیات مختلط نیز شامل مالیات بر اموال منقول می‌شد و از این رو مالیات بر فروش، عوارض گمرکی و... را شامل می‌شد (Schwartz, 2019). در کنار توجه به انتفاع خصوصی و عمومی، یکی دیگر از جنبه‌هایی که مولینا در این طبقه‌بندی مورد لحاظ قرار داد، توجه به اصابت مالیاتی انواع مختلف مالیات‌هاست. از نظر مولینا، مالیات بر دارایی و مالیات بر درآمد اشخاص (مالیات‌های مستقیم)، مالیات حقیقی به معنای واقعی کلمه هستند؛ زیرا اصابت نهایی مالیات‌ها به پرداخت‌کنندگان آن است، اما او معتقد بود که اصابت حقیقی مالیات بر فروش و تعرفه‌های گمرکی اغلب متوجه مصرف‌کنندگان است. از این رو باید میان این دو گونه از مالیات تفاوت قائل شد. توجه مولینا به مسئله اصابت مالیاتی^{۱۹} به عنوان مبنای این طبقه‌بندی سبب شد تا برای نخستین بار در تاریخ تحلیل اقتصاد، مفهوم اصابت مالیاتی (اگرچه به صورت ضمنی) ارائه شود. مولینا (۱۷۵۹م) در کنار طبقه‌بندی‌های یادشده، میان مالیات بر فروش و نیز تعرفه‌های گمرکی تمایز قائل شد. به گفته او، تعرفه‌های گمرکی را در اصل بازرگانان برای حمایت از تجارت در برابر راهزنان و دزدان دریایی به حکومت‌ها پرداخت می‌کردند. از این رو در اینجا مسئله منافع شخصی مطرح است و این هزینه‌ها به معنای دقیق کلمه مالیات نیستند.

۳-۱. عدالت مالیاتی

ضرورت برقراری عدالت برای حفظ بنیان اجتماعی جامعه ایجاب می‌کرد تا مسئله عدالت در تمام تحلیل‌های متفکران مدرسی نسبت به پدیده‌های مختلف اقتصادی وجود داشته باشد. مالیات‌ها نیز از این مسئله مستثنا نبودند. نبود عدالت مالیاتی می‌توانست مشروعیت اخذ آن را خدشه‌دار کند. با توجه به ضرورت طبیعی مالیات‌ستانی برای حفظ مصالح عمومی جامعه، تحقق عدالت مالیاتی برای حفظ مشروعیت این نهاد اقتصادی ضروری بود. مسئله عدالت مالیاتی و عوامل مؤثر در تحقق آن یکی از موضوعات تحلیلی شایان توجه برای متفکران مدرسی بود. از منظر اندیشه مدرسی، در صورتی که هر مالیاتی بخواهد عادلانه باشد، باید الزامات عدالت را در سه بعد محقق کند. این ابعاد شامل

عدالت در منشأ اعمال مالیات‌ها، عدالت در علت و هدف وضع مالیات‌ها و نیز عدالت در توزیع آن می‌شد.

نخستین مؤلفه تحقق عدالت مالیاتی این است که منشأ اعمال آن مشروع باشد. به عبارت دیگر، مالیات‌ها باید از سوی نهادی مشروع وضع شوند. پرسش شایان توجه برای متفکران مدرسی این بود که آیا حکومت حق دارد تا بدون نظرخواهی از مردم مالیاتی را وضع کند یا تغییراتی در نظام مالیاتی سابق ایجاد کند؟ متفکران مدرسی در پاسخ به این پرسش بر دو دیدگاه بودند. از نظر برخی از ایشان، رضایت و مشروعیت نظام حکومتی نوعی موافقت غیرمستقیم با اقداماتی بود که حکومت بر اساس رضایت برای مصالح عمومی جامعه انجام می‌داد. در نتیجه، اگر مردم حقوق معینی را به خودشان اختصاص ندهند، پادشاه دارای قدرت نامحدود است و بر مردم تسلط دارد؛ البته این قدرت نامحدود نیز مقید به رعایت ضوابط عدالت و حفظ مصالح عمومی جامعه است. از آنجاکه مالیات‌ها یکی از ضروریات و اقدامات حکومت در راستای رفع نیازهای عمومی جامعه به شمار می‌رود، در صورتی که مردم حق وضع آن را به خود اختصاص ندهند، پادشاه می‌تواند بدون نظرخواهی مستقیم از ایشان، اقدام به وضع مالیات‌های جدید کند. در چنین شرایطی، مشروعیت حکومت از دید مردم، رضایت غیرمستقیم ایشان از وضع مالیات‌های جدید است. این دیدگاه، رایج‌ترین نظر در میان متفکران مدرسی بود و افرادی مانند لوگو^{۲۰} و مولینا آن را توسعه دادند (Laures, 1928).

به رغم دیدگاه یادشده، برخی مانند ماریانا (۲۰۱۱م) دیدگاه متفاوتی ارائه کردند. از نظر ایشان، وضع مالیات جدید مانند تجاوز حکومت به حریم مالکیت خصوصی افراد تلقی می‌شد. با توجه به اینکه حکومت‌ها حق دست‌اندازی به املاک و دارایی‌های خصوصی افراد را ندارند، «مالیات‌های جدید نباید بدون رضایت آزادانه - نه با زور و تهدید - بر افراد تحمیل شود». ماریانا (۲۰۱۱م) در تشریح بیشتر دیدگاه خود تأکید می‌کرد.

«پادشاه قدرت اتخاذ تصمیمی را ندارد که منجر به از دست دادن کالاهای خصوصی افراد شود مگر اینکه صاحبان آن موافقت کنند. همچنین، نباید در هیچ بخشی از دارایی آن‌ها با برنامه‌ریزی و تحمیل مالیات جدید تصرف کند. چرا؟ زیرا پادشاه قدرتی از مردم گرفته است که درآمدی از ملت برای اداره امور بگیرد و مازاد بر آن در قالب مالیات

جدید نیازمند رأی و نظر مساعد جدید مردم است. این وظیفه آن‌ها (مردم) است که تحت این شرایط آنچه را که پادشاه به دنبال آن است و به نظر آن‌ها خوب است، اعطا یا انکار کنند»^{۲۱}.

چنان‌که اشاره شد، تحقق عدالت مالیاتی مستلزم این است که علت وضع مالیات‌ها نیز عادلانه باشد. از منظر اندیشه مدرسی، علت عادلانه وضع هر مالیاتی حفظ مصالح و نیازهای عمومی جامعه است. از این رو اخذ مالیات برای رفع نیازهای شخصی پادشاه دلیلی غیرعادلانه برای مالیات‌ستانی تلقی می‌شد. متفکران مدرسی مالیات‌ها را به‌عنوان آخرین راهکار حکومت‌ها برای تأمین نیازهای مالی خود تلقی و با اخذ مالیات‌های غیرضروری به‌شدت مخالفت می‌کردند. از نظر ایشان، حکومت تنها زمانی مجاز به اخذ مالیات از مردم است که هیچ راه دیگری جز آن برای جبران کسری درآمد خود نداشته باشد. مطابق با اندیشه مدرسی، هر زمان که علت اخذ مالیات‌ها به پایان می‌رسید، اخذ مالیات متناسب با آن نیز باید متوقف می‌شد. مولینا (۱۷۵۹م) در این زمینه تصریح می‌کند: «مالیات باید» به دلیلی عادلانه وضع شود و او (پادشاه) بیش از آنچه علت ایجاب می‌کند، خواهان آن نباشد و با از بین رفتن علت، مالیات نیز باید متوقف شود». مولینا معتقد است مالیات تنها زمانی توجیه می‌شود که نیاز مشترکی وجود داشته باشد و به‌عنوان یک قاعده، زمانی ناعادلانه است که علت آن دیگر وجود نداشته باشد. این بدین معنا نیست که همه مالیات‌ها باید موقتی باشند؛ زیرا هنگامی که نیازی برآورده می‌شود، ممکن است نیاز جدید و بیشتری به وجود آمده باشد یا برخی نیازها به‌صورت دائمی برای کشور وجود داشته باشد که در این صورت، مالیات می‌تواند ادامه یابد.

در ادبیات مدرسی، مؤلفه سوم در تحقق عدالت مالیاتی، مسئله توزیع است. متفکران مدرسی مالیاتی را عادلانه می‌دانستند که متناسب با توانایی پرداخت افراد اخذ شود. مولینا (۱۷۵۹م) معتقد است «اعضای جامعه باید بر اساس توانایی خود در مصالح و نیازهای عمومی جامعه مشارکت کنند». ناوارا^{۲۲} (۱۵۹۷م) نیز در این زمینه با تعبیر مشابهی می‌گوید «مالیات‌ها می‌توانند ظالمانه باشند؛ نه تنها در صورتی که کسی که آن‌ها را اعمال می‌کند، دارای قدرت قانونی نباشد، بلکه همچنین، اگر کسی مالیات سنگین‌تری نسبت به دیگران دریافت کند یا اگر از وجوه مالیاتی برای کالایی خاص یا سود شاهزاده به‌جای سود عمومی استفاده شود». برخی متفکران مدرسی مانند لوگو، سوارز و... پیشنهاد کردند تا فقرا به دلیل تمکن نداشتن

در پرداخت مالیات، از پرداخت آن معاف شوند. از نظر لوگو، این معافیت‌ها تنها نباید شامل فرودستان جامعه شود، بلکه باید شامل همه کسانی که تمام دارایی خود را صرف حمایت از خانواده می‌کنند نیز شود. پیشنهاد کاهش نرخ برخی از کالاهای اساسی مانند محصولات کشاورزی از سوی والنسیا و نیز افزایش نرخ مالیات بر فروش برای کالاهای تجملاتی یا وارداتی از سوی ماریانا (۲۰۱۱م)، از جمله دیگر پیشنهادهای متفکران مدرسی برای توزیع عادلانه بار مالیاتی در میان جامعه بود، اما این پیشنهادها همیشه مورد اتفاق همه متفکران مدرسی قرار نمی‌گرفت. مثلاً لوگو (۲۰۱۴م) با اعمال برخی از معافیت‌ها یا شمول مالیاتی تنها برای برخی از کالاها مخالف بود. او معتقد بود که محدود کردن بار مالیاتی به طبقات خاصی از جامعه نه تنها سبب توزیع عادلانه بار مالیاتی نمی‌شود، بلکه عدالت توزیعی را خدشه‌دار می‌کند و اعتماد برخی از طبقات اجتماعی را نسبت به حکومت کاهش می‌دهد.

۲. ارزیابی نظریه مالیاتی مدرسی

دکترین توانایی پرداخت و مطلوبیت (منفعت) دو مبنای رایج در مالیات‌ستانی در ادبیات مدرن اقتصادی به شمار می‌آید (Wicksell, 1958). دکترین توانایی پرداخت با تأکید بر اهداف بازتوزیعی مالیات‌ستانی، مبنای اخذ مالیات از مؤدیان را بر اساس توانایی ایشان در پرداخت مالیات قرار داده است. براین اساس، هر فرد تنها تا آن میزانی مشمول مالیات است که بتواند با توجه به سطح زندگی خود، آن را پرداخت کند (Eisenstein & Weisbach, 2010). برخلاف دکترین توانایی پرداخت، دکترین منفعت، روابط حکومت با مردم را مانند روابط دو فعال اقتصادی در بازار می‌داند که در ذیل قراردادی غیرصریح به مبادله مالیات با خدمات و کالاهای عمومی می‌پردازند. برخلاف رویکرد سابق که توجه اصلی خود را در به‌کارگیری نظام مالیاتی به عنوان ابزاری برای انتقال درآمد از ثروتمندان به طبقات فقیر جامعه قرار داده، در این رویکرد تأکید بر این است که هر فرد فارغ از اینکه در چه سطح درآمدی قرار داشته باشد، به میزانی که از خدمات عمومی استفاده می‌کند، باید مشمول مالیات شود (Musgrave, 1973).

شاید بتوان ریشه اصلی تفاوت قرائت‌های مختلف از نظریه مالیاتی مدرسی را در ادبیات ایشان درباره ماهیت مالیات‌ها و عدالت مالیاتی یافت. چنان‌که اشاره شد، متفکران مدرسی مالیات‌ها را پرداخت‌هایی عمومی در مقابل خدماتی می‌دانند که از طریق دولت‌ها

به صورت عمومی به همه اعضای جامعه ارائه می شود. در تعبیر دیگر، مالیات ها کمک هایی عمومی برای حفظ و بقای حکومت است. مبتنی بر این دیدگاه به نظر می آید که چنان که مردیث نیز بدان قائل بود، مالیات ها نوعی مابه ازای خدمات عمومی دولت هاست که در قالب قرارداد ضمنی پرداخت می شود. براین اساس، مانند دیگر قراردادهای، هر عضو از جامعه که منفعت بیشتری از کالاها و خدمات عمومی به دست آورد و به تبع آن، مطلوبیت بیشتری نیز کسب کند، مکلف به پرداخت مابه ازای (مالیات) بیشتری خواهد بود. از سوی دیگر، هنگامی که به بحث عدالت مالیاتی مدرسی می رسیم، در آنجا اغلب متفکران مدرسی تأکید زیادی بر ضرورت پرداخت مالیات بر اساس توانایی مادی هریک از اعضای جامعه دارند. این مسئله در ظاهر نوعی تعارض در نظریه مالیاتی مدرسی پدید می آورد؛ به طوری که برخی از شارحان را برمی انگیزاند تا مدرسیان را به عنوان متفکران طرف دار رویکرد توانایی پرداخت معرفی کنند. برای فهم بهتر نظریه مالیاتی مدرسی ضروری است که برخی از ابعاد آن را در این قسمت پررنگ و بر اساس آن، ارزیابی دوباره ای از نظریه مالیاتی مدرسی ارائه کنیم.

۲-۱. مالیات ها در مقابل منفعت اجتماعی

اشاره شد که در ادبیات مدرسی، مالیات ها پرداخت هایی عمومی در مقابل خدمات عمومی است که از سوی حکومت ها ارائه می شود. نخستین مؤلفه ای که باید در نظریه مالیاتی مدرسی بدان توجه کنیم، ماهیت عمومی خدماتی است که مالیات ها برای تأمین مالی آن به حکومت ها پرداخت می شود. متفکران مدرسی در تعریف خود از مالیات ها، آن را پرداخت هایی برای مصالح عمومی و نه خدمات و مطلوبیت های شخصی دانسته اند. درحقیقت، مالیات ها پرداخت هایی در مقابل دریافت خدمات خصوصی از سوی دولت نیست. مالیات ها در مقابل خدمات دولتی است، اما پرداخت آن به سبب تعهد اجتماعی افراد به جامعه ای است که در آن زندگی می کنند و حکومت نیز یکی از الزامات آن به شمار می آید که برای بقای خود نیازمند مشارکت های مالی است. مولینا (۱۷۵۹م) با تأکید بر ماهیت عمومی مالیات ها، تأکید می کند «اعضای ملت هرکدام متعهدند که کمک هایی را برای مصالح و نیازهای عمومی به اندازه وسع خودشان انجام دهند...». او همچنین، در جای دیگری به تشریح گزاره کلی خود پیرامون ماهیت عمومی مالیات ها پرداخت و تصریح کرد: «این یک کمک هزینه مناسب

از طرف مردم به شاهزاده است. این نیز بخشی از نیازهای عمومی مردم است (حفظ پادشاه). با توجه به این کمک‌هزینه و احترام و اطاعتی که رعایا نسبت به پادشاه خود ابراز می‌دارند، او نیز به سهم خود موظف است که به موجب قراردادی که برای حکومت و دفاع از آن‌ها بسته شده است، به اجرای عدالت و توجه به منافع عمومی بپردازد... مردم برای پادشاه نیستند، بلکه پادشاه برای مردم است؛ زیرا او برای نیکی و منافع مردم روی تخت سلطنت نشسته است. ... به همین دلیل، مالیات نباید با اراده و منافع شاهزاده سنجیده شود، بلکه باید با مصالح عمومی و نیازهای جامعه ارزیابی شود؛ زیرا او به عنوان مدیر، مدافع، نگهبان و حاکم تعیین شده است. بنابراین، او باید... به آنچه برای نیازهای عمومی کافی است، قناعت کند و مردم نیز موظف به پرداخت مبالغ بیشتر نیستند» (Molina, 1759).

از نگاه مولینا مالیات‌ها تنها وظیفه عمومی مردم در قبال حاکمیت است. سانچز^{۲۳} (۱۶۸۱م) نیز با تعبیر مشابه بر همین نکته تأکید می‌کند. او با اشاره به ضرورت تشکیل بنیان حکومت بر مبنای مصالح عمومی و نیز ضرورت عدم مصرف مالیات‌ها در مصارف شخصی پادشاه معتقد بود: «باید دلیل عادلانه‌ای برای وضع مالیات‌ها وجود داشته باشد که آن به گفته همه، منافع عمومی و نه منافع شخصی پادشاه است مگر اینکه آن نیز به منافع عمومی کمک کند مانند زمانی که تنگ‌دستی پادشاه یا ارباب آن قدر زیاد باشد که درآمدهای معمول او کفاف حفاظت او را ندهد یا توسط دشمن زندانی شده و ضروری باشد که آزاد شود... علت آن این است که پادشاه برای منافع عمومی مردم ایجاد شده است نه آنکه مردم برای منافع پادشاه باشند»^{۲۴}. درحقیقت، از آنجاکه از منظر اندیشه مدرسی سعادت انسانی در گروی زندگی اجتماعی است (Aquinas, 1975) و با توجه به اینکه حفظ و بقای اجتماع نیز در گروی حفظ و بقای دولت‌هاست (کاپلستون^{۲۵}، ۱۳۸۸، ص. ۵۲۷) و از سوی دیگر، با توجه به اینکه بقای دولت‌ها نیز در گروی اخذ مالیات‌ها و تأمین مالی خدمات عمومی ایشان از این طریق است، می‌توان گفت که متفکران مدرسی مالیات‌ها را مؤلفه‌ای مهم می‌پنداشتند که به صورت غیرمستقیم بر سعادت انسانی اثرگذار است. مالیات‌ها تنها پرداخت‌های شخصی و در مقابل منافع شخصی مکتسبه از حکومت تلقی نمی‌شود، بلکه پرداخت‌هایی است که هر عضو از جامعه مکلف است به سهم خود آن را برای حفظ و بقای جامعه و در نتیجه، سعادت انسانی خود بپردازد^{۲۶}. مالیات‌ها نوعی دین اجتماعی در راستای پیشبرد اهداف عمومی جامعه و نیازهای متناسب با آن است (Molina, 1759) و آنچه از منفعت در اینجا

مورد توجه است، تنها منفعت فردی نیست، بلکه منفعت اجتماعی است که از پرداخت مالیات نصیب مجتمع انسانی می‌شود. این نکته را می‌توان به‌وضوح در تقسیم‌بندی آکوئیناس از انواع مالیات‌ها و تفکیک ایشان میان *Tributum* و *Vectigal* مشاهده کرد. مالیات‌های عمومی که مشتمل بر دسته نخست می‌شود، آن دسته از پرداخت‌هایی است که در مقابل انتفاع عمومی و نه شخصی به حکومت‌ها پرداخت می‌شود. مثال دیگر تفکیک منافع عمومی و خصوصی دولت را می‌توان درباره مالیات کلیساها مشاهده کرد. از منظر اغلب متفکران مدرسی، اصحاب کلیسا به سبب خدمات مختلفی که به جامعه و حکومت از بعد مادی و غیرمادی ارائه می‌کنند، از پرداخت مالیات معاف هستند. درحقیقت، اموال ایشان از منظر متفکران مدرسی ماهیت خصوصی ندارد و هنگام نیاز در اختیار جامعه گذاشته می‌شود. ازاین‌رو ایشان ضرورتی در اخذ مالیات از اصحاب کلیسا نمی‌دیدند. از آنجاکه متفکران مدرسی میان مالیات‌های عمومی و دیگر پرداختی‌ها تفکیک قائل‌اند، اصحاب کلیسا را از همه انواع مالیات‌ها معاف نمی‌دیدند. از نظر مدرسیان، زمانی که دولت برخی خدمات مانند آبیاری، زهکشی رودخانه‌ها، ساخت جاده‌های فرعی تا ملک کشیش‌ها، استفاده از املاک سلطنتی و... را به‌صورت شخصی به کشیش‌ها ارائه می‌دهد، آن‌ها مکلف‌اند که سهم خود را از هزینه این خدمات به سبب انتفاع شخصی از آن بپردازند (Laures, 1928).

۲-۲. معیار تعیین بدهی مالیاتی

پرسش شایان طرح در اینجا این است که سهم هریک از اعضای جامعه از مجموع بدهی مالیاتی جامعه چه اندازه است؟ آیا این سهم را تنها منفعت شخصی افراد از مالیات‌ها تعیین می‌کند؟ چنان‌که اشاره شد، مالیات‌ها پرداخت‌هایی در مقابل منفعت اجتماعی است که از سوی دولت نصیب جامعه می‌شود. ازاین‌رو در سطح جامعه می‌توان مالیات‌ها را مابه‌ازای منفعت عمومی دانست، اما نمی‌توان مالیات‌ها را به پرداخت‌هایی در مقابل منفعت فردی تقلیل داد^{۳۷}. براین‌اساس، با توجه به ماهیت عمومی مالیات‌ها در چهارچوب ادبیات مدرسی، مطلوبیت‌های فردی نمی‌تواند معیار مناسبی برای تعیین سهم هریک از افراد از مجموع بدهی مالیاتی جامعه باشد. باوجوداین، متفکران مدرسی پاسخ روشنی به سهم هریک از افراد از پرداخت‌های مالیاتی ارائه کرده‌اند؛ مالیات‌ها اختصاص به خدمات و کالاهای عمومی دارد، اما این اختصاص سبب نمی‌شود که سهم همه شهروندان در پرداخت مالیات برابر باشد.

مولینا (۱۷۵۹م) معتقد است که همه افراد جامعه با توجه به میزان توانایی خود باید در مالیات‌ها مشارکت کنند. براین اساس، افراد ثروتمند و فقیر جامعه موظف به پرداخت مالیات یکسان نیستند؛ «اعضای جامعه موظف به مشارکت در مصالح و نیازهای عمومی جامعه با توجه به اندازه قدرت و توانایی خود هستند». لوگو نیز با مولینا هم عقیده است. او در این زمینه تصریح کرده است

«شرط سوم این است که در وضع مالیات، نسبت هندسی رعایت شود. هنگامی که نیازی برای همه مشترک است، همه باید بار (تهیه) آن را به طور مشترک و تا حد امکان مساوی تحمل کنند. به عقیده من، این برابری باید به صورت نسبت هندسی در نظر گرفته شود؛ به طوری که کسانی که منابع بیشتری دارند، بیشتر و کسانی که منابع کمتری دارند، کمتر پرداخت کنند. در غیر این صورت بار مشترک نه به صورت معمول، بلکه به صورت برابری مواد توزیع خواهد شد که بیشترین نابرابری را دربرخواهد داشت مانند زمانی که یک نوزاد و یک مرد بالغ بخواهند وزنه‌هایی با وزن یکسان را حمل کنند» (Laures, 1928).

اگر معیار مالیات‌ستانی بر اساس قدرت و توانایی افراد باشد، ضروری است که معیار یکسانی برای تعیین میزان توانایی افراد در پرداخت مالیات مشخص شود. متفکران مدرسی اشاره صریحی نسبت به معیار تعیین توانایی پرداخت افراد نداشته‌اند. به نظر می‌رسد عدالت مالیاتی در اندیشه مدرسی را باید در چهارچوب پیش‌گفته مورد توجه قرار داد. متفکران مدرسی سهمی نیز برای عدالت توزیعی در تعیین سهم هریک از افراد در پرداخت‌های عمومی مالیات‌ها قائل‌اند. ایشان ضمن اشاره به معافیت یا کاهش نرخ مالیاتی برای طبقات فرودست، بر تفاوت سهم مردم در پرداخت مالیات متناسب با ظرفیت‌های بالقوه مادی و نیز نقش‌آفرینی‌های اجتماعی ایشان تأکید دارند. هر عضو از جامعه باید سهم خود را در تحقق نیازهای مشترک عمومی و حفاظت از مصالح مشترک اجتماعی ایفا می‌کرد، اما این تکلیف لزوماً برای همه یکسان نبود. از منظر متفکران مدرسی، پزشکان، دانشمندان، سربازان و... که از طرق دیگری به جامعه خدمت می‌کردند، می‌توانستند از جانب پادشاه معاف از مالیات شوند. این امتیاز زمینه را برای تشویق جوانان برای الگو قرار دادن صاحبان این مشاغل و انتخاب آن در آینده ایجاد می‌کرد. در کنار این مشاغل، اصحاب کلیسا از اولویت ویژه‌ای برای معافیت مالیاتی برخوردار بودند. ماریانا (۱۹۶۹م) سعی دارد تا با

توجه به مبنای یادشده، اولویت معافیت کلیسا را به اثبات رساند. او تأکید می‌کند که اموال کلیسا متعلق به فقراست و برای مقاصد خیریه در نظر گرفته شده است. همچنین، می‌گوید در صورت وقوع فجایع و پیشامدها نیز کلیسا همواره با بخشندگی در همراهی با حکومت مشارکت کرده است. ازاین‌رو اموال کلیسا نوعی امانت عمومی نزد اوست تا در مواقع نیاز از آن استفاده شود. در نتیجه، او به صورت ضمنی بر این نکته تأکید می‌کند که کلیسا سهم خود را در حفظ مصالح عمومی جامعه به گونه دیگری ایفا می‌کند و اخذ مالیات از آن بی‌مورد است.

۲-۳. سنتز تحلیلی مدرسی

بر اساس مطالب پیش گفته می‌توان گفت نظریه مالیاتی مدرسی در قالب سنتز تحلیلی از هر دو دکتربین منفعت و توانایی پرداخت در قالب یک چهارچوب تحلیل اجتماعی - و نه فردی - بهره برده است. دکتربین توانایی پرداخت زمانی قابل جمع با دکتربین منفعت (مطلوبیت) نخواهد بود که منفعت تنها به صورت فردی نگریسته شود. در صورتی که نظریه منفعت را توسعه داد و آنچه مورد توجه افراد باشد، میزان مطلوبیت عمومی حکومت برای جامعه باشد، در این صورت ضمن اینکه می‌توان گفت که هر فرد موظف است مطابق با توانایی خود به وظیفه شخصی در قبال مصالح عمومی جامعه و پایداری خدمات حکومت عمل کند، می‌توان پذیرفت که در صورتی که حکومت به وظایف خود در قبال کل افراد جامعه عمل نکند و منفعت عمومی را برای ایشان محقق نکند، ایشان حق دارند که در پرداخت‌های مالیاتی خود تجدیدنظر کنند. در این رویکرد، همه اعضای جامعه مانند یک کل نگریسته می‌شود که با حکومت در قرارداد ضمنی برای پرداخت مالیات در قبال رفع نیازها و تحقق مصالح عمومی هستند. این قرارداد تنها به مثابه قرارداد انفرادی تک تک اعضای جامعه با دولت نیست، بلکه قرارداد کل جامعه - به مثابه یک واحد تحلیل - با دولت است. ازاین‌رو آنچه ملاک پرداخت مالیات است، میزان منفعتی است که خدمات عمومی به کل اعضای جامعه می‌رساند. بر اساس این قرارداد ضمنی، هر فرد از مجتمع انسانی مکلف است که بر اساس میزان توانایی خود اقدام به پرداخت مالیات کند، اما این مالیات مابه‌ازای خدمات دریافتی او از دولت نیست، بلکه مابه‌ازای خدمات عمومی است که کل جامعه از دولت دریافت

می‌کند. بر این مبنا، متفکران مدرسی معتقد بودند که مالیات‌ها تنها باید با هدف تأمین مالی کالاهای و خدمات عمومی و در موارد ضروری اخذ شود و هر فرد مکلف است که دیگر خدمات خصوصی دولت به خود را به صورت انفرادی تأمین مالی کند. بر اساس اصول عدالت توزیعی نیز در صورتی که فردی در جای دیگر دین و تکلیف خود را نسبت به تأمین هزینه‌های عمومی جامعه ایفا کرد، می‌تواند از بخشی یا همه تکالیف مالیاتی معاف شود. از آنجاکه مالیات، بخشی از قرارداد ضمنی حکومت با مجتمع انسانی است که در مقابل ارائه خدمات عمومی دولت پرداخت می‌شود، نظریه مالیاتی مدرسی نوعی نظریه مبتنی بر دکرین منفعت به شمار می‌آید و از این رو که هر فرد در این قرارداد به اندازه توانایی خود در قبال جامعه مسئول است، این رویکرد را به دکرین توانایی پرداخت نزدیک می‌کند.

مبتنی بر این تفسیر از نظریه مالیاتی مدرسی است که آکوئیناس (۲۰۲۰م) حکومت‌ها را چه از نظر عدم اخذ مالیات متناسب با توانایی پرداخت (بعد دکرین توانایی پرداخت) و چه از نظر عدم ارائه کالاهای عمومی (بعد دکرین منفعت) مورد انتقاد قرار می‌دهد. او در یکی از رساله‌های خود تصریح می‌کند در صورتی که حکومت بیش از آنچه مردم توانایی پرداخت آن را دارند یا بیش از آنچه در قانون مقرر شده است که در واقع، «نوعی توافق میان پادشاه و مردم است»، طلب مالیات کند، مرتکب گناه و عمل منافعی عدالت شده است. او به همین مقدار نیز بسنده نمی‌کند و در رساله‌ای دیگر تصریح می‌کند که در صورتی که پادشاه مالیات قانونی و مقرر را از مردم دریافت کند، اما نتواند به وظایف خود در قبال ایشان برای تأمین منافع عمومی عمل کند، مرتکب گناه و بی‌عدالتی شده است. از این رو پادشاه مکلف به بازپرداخت مالیات‌های اخذشده در صورت چشم‌پوشی از وظایف خود است؛ زیرا «حقوقی (مالیات) که به او داده می‌شود، درحقیقت، در مقابل حفظ عدالت در جامعه است» (Aquinas, 2014).

۳. رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی

در صورتی که مواجهه مدرسیان با مسئله مالیات‌ها را نمونه‌ای از مواجهه دینی با یکی از پدیده‌های نوظهور اقتصادی در قرون میانه به شمار آوریم، می‌توان رهیافت‌های زیادی از این مواجهه را برای اقتصاد اسلامی استخراج کرد. شاید بتوان مهم‌ترین رهیافت مواجهه مدرسی با مالیات‌ها

به مثابه نهاد اقتصادی را در روش مواجهه مدرسی با این مسئله دانست. تا پیش از توسعه مالیات‌ها، مفهوم بازتوزیع درآمد و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در ادبیات مدرسی مسبوق به سابقه بود و حتی مدرسیان محدوده مشروعیت مالکیت خصوصی را وابسته به رعایت حقوق مالی طبقات فرو دست جامعه کرده بودند (Aquinas, 2014)، اما حمایت مالی دولت توسط اقشار جامعه عنوان جدیدی بود که نیازمند اتخاذ موضع شرعی و اخلاقی در قبال آن بود. مدرسیان از دو مؤلفه غایت‌نگری و تفکیک واحد تحلیل در ارزیابی مشروعیت مالیات‌ها بهره بردند.

مدرسیان به این ادراک دست یافته بودند که مالیات‌ها اعتباراتی انسانی هستند و از آنجاکه در جهان‌بینی مدرسی انسان‌ها موجوداتی غایت‌نگر لحاظ می‌شوند، ساخت هر اعتبار انسانی نیز ناظر به غایتی در راستای کمال انسانی - فارغ از اینکه کمال انسانی را چه چیزی بدانیم - تصور می‌شود. این‌گونه جهان‌بینی کمک زیادی در اتخاذ روش غایت‌نگر در موضوع‌شناسی پدیده‌های مختلف - و از جمله پدیده‌های اقتصادی - در ادبیات مدرسی می‌کند. براین اساس، مدرسیان در موضوع‌شناسی غایت‌نگر، مالیات‌ها را نوعی مشارکت عمومی در هزینه‌های حکمرانی در راستای تحقق کمال ناقص انسانی می‌دانند. این رویکرد غایت‌نگر در تحلیل مالیات‌ها به متفکر مدرسی کمک می‌کند که مالیات‌ها را تنها حقیقتی ناشی از نیازهای طبیعی انسانی تصور نکند، بلکه با توجه به هم‌راستایی نقش مالیات‌ها در بقای حکومت به مثابه مؤلفه‌ای اساسی در سعادت جسمانی انسان‌ها، آن‌ها را اعتباری مشروع نیز بداند.

مبتنی بر این شیوه موضوع‌شناسی و نیز استفاده از غایات و اهداف شریعت اسلامی می‌توان در راستای تحلیل موضوعات جدید اقتصادی در شریعت اسلامی گام برداشت. در صورتی که نظام اقتصادی را مجموعه‌ای از اعتبارات انسانی بدانیم و همچنین، اگر انسان‌ها را موجوداتی غایت‌نگر و غایت‌مند تصور کنیم، دیگر نمی‌توان انتظار تحلیل نهادهای اقتصادی را مستقل از انسان و غایات او - مانند روشی که در علوم طبیعی برای تحلیل موضوعات طبیعی استفاده می‌شود - داشته باشیم.

در این راستا، علیدوست (۱۳۸۴) در کنار رویکردی که به طور کامل کارکرد مقاصد را منکر می‌شود، به چهار نگرش درباره نسبت اجتهاد با مقاصد شریعت در سنت فقه‌های اسلامی اشاره کرده است. رویکرد نخست، نص‌محور با گرایش به مقاصد است که در آن

تأکید بر منابع نقلی در فرایند اجتهاد اصالت دارد و در نبود منابع نقلی، مقاصد به مثابه نوعی مرجع هم‌ارز متون در فرایند اجتهاد تلقی می‌شود. رویکرد دوم، نگرش نص‌پذیر و مقاصدمحور است که در آن برخلاف رویکرد نخست، مقاصد شریعت در فرایند اجتهاد اصالت دارد، اما منابع نقلی نیز نفی نمی‌شود. رویکرد سوم که او بدان اشاره می‌کند، در فرایند اجتهاد تنها به مقاصد تأکید می‌کند و عملاً منابع نقلی را انکار یا بر اساس مقاصد، تفسیر به رأی می‌کند. درنهایت، در رویکرد آخر - که مورد قبول نویسندگان نیز قرار گرفته است - در فرایند اجتهاد تنها بر منابع نقلی تکیه می‌شود، اما در فهم این منابع از مقاصد شریعت نیز بهره برده می‌شود.

در کنار نگرش‌هایی که تاکنون در شریعت اسلامی درباره نسبت غایات شریعت با فرایند اجتهاد وجود دارد، مدرسیان نیز به کاربرست جدیدی از غایات در نظام‌سازی دینی دست یافته‌اند؛ به‌طوری‌که مبتنی بر روش‌شناسی اقتصاد مدرسی، در اقتصاد اسلامی نیز می‌توان نخست پدیده‌های جدید را در نسبت با غایات مفروض برای آن موضوع‌شناسی کرد و سپس بر اساس غایات شریعت نسبت آن پدیده‌ها را با ارزش‌ها و اهداف ثبوتی نظام اسلامی ارزیابی کرد. هر پدیده نوظهوری که بتواند در نسبت با غایات شریعت اسلامی موضوعیت داشته باشد - به شرط نبود دیگر موانع شرعی مانند عدم مخالفت با قواعد فقهیه و... - می‌تواند به عنوان نهادی در نظام اقتصاد اسلامی شایان طرح باشد. براین اساس، رویکرد مدرسی نیز می‌تواند به مثابه دکترینی مستقل در فهم موضوعات جدید، در فرایند اجتهاد مورد توجه قرار گیرد.

مهم‌ترین زمینه در ارائه قرائت‌های متعارض از نظریه مالیاتی مدرسی در عدم فهم تمایز واحد تحلیل اجتماعی^{۲۸} از فردی^{۲۹} است. با وجود این، نظریه اقتصاد مدرسی توانست با بهره‌گیری از نظریه اصالت جامعه، مبنایی جدید را در مالیات‌ستانی معرفی کند. از آنجاکه مدرسیان مالیات‌ها را اعتباری اجتماعی می‌دانستند، واحد تحلیل مناسب برای آن را نیز جامعه تلقی کردند. این فهم از انتخاب واحد تحلیل، زمینه ارائه رویکردی جدید درباره مالیات‌ستانی را برای آن‌ها فراهم کرد. در اقتصاد اسلامی نیز با تکیه بر نظریه اصالت جامعه می‌توان از واحد تحلیل جامعه برای تحلیل اعتبارات و نهادهای اجتماعی استفاده کرد. برای این منظور ضروری است تا برخی نهادهای اقتصادی مانند مالکیت - که از نهادهای بعدالاجتماع به شمار می‌رود - در

چهارچوب واحد تحلیل اجتماعی تحلیل شود. دیگر نهادها نیز دارای هویتی دوگانه خواهند شد؛ هویتی که در ساحت فردی آن با واحد تحلیل فردی تحلیل می‌شود و هویتی که در ساحت اجتماعی آن با واحد تحلیل اجتماعی تحلیل خواهد شد. امروزه تمایز میان واحد تحلیل فرد و جامعه در سطح برخی از احکام فقهی مانند مسئله شبهه موضوعیه محصوره و غیرمحصوره وجود دارد، اما ضروری است تا در روش‌شناسی فهم موضوعات اقتصادی و نهادسازی متناسب با آن نیز مورد توجه قرارگیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه به ارزیابی دوباره نظریه مالیاتی مدرسی با توجه به دو دکتربین توانایی پرداخت و منفعت پرداخت. در میان تفاسیر موجود درباره نظریه مالیاتی مدرسی اتفاق نظر وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد ریشه اصلی این اختلافات در عدم فهم واحد تحلیل مدرسی در نظریه مالیاتی باشد. متفکران مدرسی مالیات‌ها را پرداخت‌هایی در مقابل دریافت خدمات عمومی از سوی حکومت می‌پنداشتند و از این رو مالیات‌ها نمی‌توانست مابه‌ازای هرگونه خدمات خصوصی دولت‌ها به افراد مشخص قرار گیرد. مبتنی بر این نگرش، مالیات‌ها در قراردادی ضمنی با دولت‌ها به عنوان قانون مشروعیت می‌یافت و تا زمانی که دلیلی عادلانه برای اخذ آن وجود داشت، پابرجا می‌ماند. آنچه در اینجا بسیار حائز اهمیت است، این است که این قرارداد ضمنی میان افراد منفرد با حکومت‌ها نیست که از طریق آن به این جمع‌بندی برسیم که هرکه بیشتر منتفع شود، موظف به پرداخت مالیات بیشتری باشد (بنا بر اصل عدالت مبادله‌ای)، بلکه این قرارداد از منظر متفکران مدرسی به عنوان نوعی میثاق جمعی کل جامعه به عنوان واحد یکپارچه با حکومت‌هاست. بنابراین، آنچه در این میان شایان توجه است، میزان انتفاع کل جامعه از خدمات عمومی حکومت است. از این رو حتی اگر فردی از خدمات عمومی بسیار کمی بهره‌برد نیز باز هم مکلف به پرداخت مالیات خواهد بود. بر اساس این تحلیل و مبتنی بر دکتربین منفعت، تا زمانی که جامعه بتواند از حکومت و خدمات او منتفع شود، باید تأمین مالی آن (پرداخت مالیات‌ها) را نیز بر عهده بگیرد. از منظر متفکران مدرسی، سهم هریک از افراد جامعه از این پرداخت عمومی (مالیات‌ها) یکسان نیست.

آنچه در این رابطه مهم است، این است که هر فرد متناسب با میزان انتفاعی که به جامعه می‌رساند و نیز بر اساس معیار توانایی پرداخت، باید در این پرداخت عمومی سهیم باشد. مثلاً بر اساس معیار عدالت توزیعی، کلیسا - که در قالب‌های مختلفی به جامعه خدمات ارائه می‌کند - یا افراد تنگ‌دست می‌توانند از کل یا قسمتی از مالیات‌ها معاف شوند. براین اساس، متفکران مدرسی توانستند با تغییر واحد تحلیل از فرد به جامعه، نوعی سنتز تحلیلی میان دو رویکرد منفعت و توانایی پرداخت ارائه کنند؛ به‌طوری که نظریه مالیاتی ایشان بتواند هر دوی این رویکردها را در خود بگنجاند. توجه به واحد تحلیل جامعه، دستاورد روشی در تحلیل اقتصادی برای متفکران مدرسی به شمار می‌آید. ایشان با استفاده از این نوآوری به‌طور ضمنی بر اهمیت واحد تحلیل در نتایج تحلیل‌های اقتصادی تأکید کردند و جایگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی را روشن‌تر ساختند. براین اساس، غایت‌نگری و تفکیک واحد تحلیل را می‌توان از جمله دستاوردهای قابل استفاده در اقتصاد مدرسی - به مثابه رویکرد دینی نسبت به علم اقتصاد - برای اقتصاد اسلامی به شمار آورد.

یادداشت‌ها

1. Fief

۲. Homage؛ مراسم بیعت و اسال با پادشاه.

۳. Vassal؛ واسال‌ها حاکمانی محلی بودند که عمدتاً از شوالیه‌های وفادار انتخاب می‌شدند. این افراد در ازای ارائه خدمات نظامی و نیز حفظ وفاداری خود نسبت به ارباب یا پادشاه، زمین‌های اقطاع‌شده‌ای را که به آن‌ها فیف می‌گفتند، از پادشاه دریافت می‌کردند. معمولاً فیف‌ها و تعهدات مبتنی بر آن را پسر ارشد واسال به ارث می‌برد.

4. Scutage

5. Feudalis

۶. Scholastic Thinkers؛ متفکران مدرسی مجموعه‌ای از متکلمان دینی بودند که با پیوند علوم عقلی با منابع نقلی برگرفته از دین یهودیت و مسیحیت کوشیدند تا با ارائه قرائتی متفاوت از متون دینی، مواجهه تحلیلی متفاوتی را با پدیده‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند. براین اساس، برخی از محققان مانند شومپتر (۱۳۷۵م)، تحلیل‌های مدرسی را نخستین ادبیات تحلیلی در علم اقتصاد پس از آموزه‌های ارسطو دانسته‌اند. امروزه نیز مکتب

اتریش خود را میراث‌دار مدرسیان متأخر (Late Scholastic Thinkers) می‌داند (Holcombe, 1999).

7. Commutative Justice
8. Distributive Justice
9. Utility
10. Ability to Pay
11. Saint Thomas Aquinas.
12. Meredith
13. Urban
14. Mariana
15. Suárez

۱۶. «منظور از مالیات چیزی است که مردم به صورت اجباری در آن برای مطلوبیت عمومی و نیازهای عمومی مشارکت می‌کنند» (Lugo, 2014) یا «مالیات‌ها تعهدی است که بر اساس ماهیت موضوع و تعهد مردم به حکومت و احتیاجات پادشاه به سبب نهادهای حکومتی برای مصالح عمومی در راستای حفاظت، مدیریت و دفاع از آن‌ها پرداخت می‌شود».

(Molina, 1759).

17. Molina
18. Martín de Azpilcueta
19. Tax Incidence
- 20 Lugo

۲۱. ماریانا (۲۰۱۱م) در جای دیگری نیز با تعبیر مشابه تصریح می‌کند «پادشاهان بدون موافقت مردم نمی‌توانند قانونی را تصویب کنند که به آن‌ها آسیب برساند. به طور خاص، برای پادشاهان گناه است که مردم خود را از کالاها یا بخشی از کالاهایشان محروم کنند و این کالاها را به عنوان کالاهای خود مطالبه کند... از سویی این جوهر حاکم مستبد است که هیچ محدودیتی برای قدرت خود قائل نشود و فکر می‌کند که او بر همه چیز مسلط است. از سوی دیگر، پادشاه (عادل) حدی برای قدرت خود قائل است، بر امیال خود تسلط دارد، عادلانه تصمیم‌گیری می‌کند و از آن تجاوز نمی‌کند. پادشاهی مدعی است که اموال دیگران به او و تحت حمایت او سپرده می‌شود و مردم خود را از اموالشان مگر به موجب قانونی خاص محروم نمی‌کنند».

22. Navarra
23. Sanchez

۲۴. در صورتی که مالیات‌ها برای مصالح عمومی جامعه اخذ می‌شد و هر عضو جامعه نیز با توجه به بهره‌برداری از خدمات عمومی، مکلف به مشارکت در هزینه‌های تهیه کالاهای عمومی بود، بر چه اساسی حکومت‌ها می‌توانستند از بازرگانان و اتباع دیگر کشورها

مالیات (عوارض گمرکی، مالیات بر فروش و...) بگیرند؟ این پرسش یکی از چالش‌های نظری متفکران مدرسی به شمار می‌رود که برخی از ایشان به بررسی آن پرداخته‌اند. برای مثال، مولینا ضمن پذیرش این مسئله به عنوان یکی از کاستی‌های نظام مالیاتی، تأکید می‌کند که اخذ مالیات از اتباع و بازرگانان خارجی مطلوب نیست، اما اخذ آن تنها یک شر ضروری برای حاکمیت است. لوگو در بررسی تفصیلی‌تر، چند دلیل برای اخذ مالیات از بازرگانان خارجی ذکر می‌کند. نخست اینکه، در صورتی که از بازرگانان خارجی مالیات اخذ نشود، بسیاری از بومیان سعی خواهند کرد تا با تظاهر به خارجی بودن یا از طریق واسطه‌های خارجی، از پرداخت مالیات اجتناب کنند. از سوی دیگر نیز بازرگان خارجی با ورود به کشور از برخی از خدمات عمومی که حاکمیت برای اعضای جامعه تهیه کرده است (مانند امنیت)، بهره می‌برند. بنابراین، باید ایشان نیز سهمی در هزینه‌های تهیه این خدمات داشته باشند. او می‌گوید این واقعیت که تمام کشورها از بازرگانان و افراد خارجی مالیات اخذ می‌کنند، سبب می‌شود تا بی‌عدالتی‌های احتمالی ناشی از این اقدام جبران شود. لوگو در پایان تأکید می‌کند که سنت و رسم عمومی نیز اخذ مالیات از افراد خارجی را مجاز می‌شمرد که این نیز می‌تواند بر جواز اخذ مالیات از ایشان مؤثر باشد (Laures, 1928).

25. Copleston

۲۶. البته در اینجا آن سطح از مالیات‌ها مورد توجه است که واقعاً برای تأمین مالی خدمات عمومی گریزناپذیر باشد.

۲۷. این مسئله در جای خود نیز نافی منفعت افراد از انتفاع عمومی جامعه نیست؛ زیرا بالاخره افراد نیز عضوی از جامعه به شمار می‌آیند و منفعت جامعه در حقیقت منفعت افراد نیز تلقی می‌شود. اما نمی‌توان منفعت فردی را لزوماً منفعت جمعی نیز تلقی کرد.

28. Social Unit of Analysis

29. Individual Unit of Analysis

کتابنامه

بلاخ، مارک لئوپولد بن‌زامن (۱۳۶۳). *جامعه فتودالی* (بهزاد باشی، مترجم). (ج ۱). تهران: آگاه.
بیل، تیموتی (۱۳۸۴). *عصر فتودالیسم* (مهدی حقیقت‌خواه، مترجم). تهران: ققنوس.
شومپتر، جوزف آلويس (۱۳۷۵). *تاریخ تحلیل اقتصادی* (فریدون فاطمی، مترجم). تهران: نشر مرکز.

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *فقه و مقاصد شریعت. فقه اهل بیت (ع)*، ۱ (۴۳)، ۱۵۸-۱۱۸.

- کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۸). تاریخ فلسفه (جلال الدین مجتبی، مترجم). (ج ۲)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نعمتی، محمد؛ و بهمن پور خالصی، محمدحسین (۱۳۹۹). نظام فتوایسم. *دانشنامه اقتصاد*.
- Aquinas, S.T. (1975). *The summa contra gentiles*. Aeterna Press.
- Aquinas, S. T. (2020). *Commentary on Romans*. (O. P. Fr. Fabian Larcher, tran.). Aquinas Institute.
- Aquinas, S. T. (2014[1485]). *The summa theologica: Complete edition*. Catholic Way Publishing.
- Aquinas, S. T. (1929). *Commentaria in Omnes S. Pauli Apostoli Epistolas*. Turin: Marietti.
- Curran, C. E. (1985). Just taxation in the Roman Catholic tradition. *The Journal of Religious Ethics*, 113-133.
- Eisenstein, L.; & Weisbach, D. A. (2010). *The Ideologies of Taxation*. Harvard University Press.
- Finnis. (1998). *Aquinas: moral, political, and legal theory*. Oxford University Press.
- Hamill, Susan Pace. (2002). An argument for tax reform based on Judeo-Christian ethics. *Ala. L. Rev.*, 54, 1.
- Holcombe, R. G. (Ed.). (1999). *Great Austrian Economists, The*. Ludwig von Mises Institute.
- Laures, J. (1928). *The political economy of Juan de Mariana*. Ludwig von Mises Institute.
- Lugo, J. ([1642]2014). De justitia et jure. Sumptibus Petri Prost.
- Mariana, J. d. ([1611]1969). De Rege et regis institutione Libritres: Eiusdem de ponderibus & mensuris Liber. Germany: Aubrius.
- Mariana, J. ([1609]2011). *A Treatise on the Alteration of Money*. Christian's Library Press.
- Meredith, C. T. (2008). The ethical basis for taxation in the thought of Thomas Aquinas. *Journal of Markets & Morality*, 11(1).
- Molina, L. ([1609]1759). De justitia et jure: opera omnia, tractatibus quinque, tomisque totidem comprehensa. Editio Novissima. Huic diligenter recognita accessit Index Universalis Rerum, quae in hoc toto Opere tractantur, Genf.
- Musgrave, R. A. (1973). *Public finance in theory and practice*. McGraw-Hill Kogakusa.
- Navarra, P. (1597). Petri Nauarra ... De ablatorum restitutione, in foro conscientiae libri quatuor: in duos tomos diuisi, quorum prior De damnis illatis reintegrandis, posterior De rebus ablatis restituendis disputat. ex Officina Thomae Guzmanij.
- Perdices de Blas & Revuelta López, J. (2011). Markets and taxation: modern taxation principles and the school of Salamanca. *ESIC Market Economic and Business Journal*, 138, 91-116.
- Pounds. (2014). *an economic history of medieval Europe*. Routledge.
- Sanchez, T. (1681). R. P. Thomae Sanchez, Consilia, seu opuscula moralia. Duobus tomis contenta. Opus posthumum, editio ultima a mendis expurgata. Sumptib. Laurentii Arnaud, Petri Borde, Joannis, & Petri Arnaud.

Explaining The Concept of Popular Economy From The Dual Perspective of The Originality of The Individual And Society

Seyyed Mohammad Hosseinifard*

Abolghasem Tohidinia**

Elyas Naderan***

Abstract

Social thinkers are faced with the conflict between the individual and the society from various viewpoints, on the one hand, there is concern about the loosening of social ties and endangering the life of society, and on the other hand, about individual freedoms and their suppression by governments. The objective realization of the first view has been in the form of socialist states or welfare states; And the second view has appeared in the form of support for the free market and minimal government. In this article, the explanation of the dual bases of the market and the government is discussed regarding the difference of views on the originality of the individual and the society. Despite the disagreement of Islamic scholars regarding the originality of the individual and the society, the Hekmat-e-motealiyeh that considers the originality of both the individual and the society has been used in this article. Based on the selected basis, the only way to reduce the conflict between the individual and the society is to bring the culture and thought of the people closer to each other. Liberalism will be an obstacle to cultural unity. By intensifying the conflict, liberalism provides the ground for violence and the loss of real freedom. The objective realization of the selected basis in the field of economy is explained in this article under the title "Popular economy". It seems that popular economy has the ability to respond to both the concerns of individual freedom and social solidarity.

Keywords: Popular Economy; Individualism; Collectivism; Islamic Philosophy; Individual Freedom, Social Solidarity.

* Faculty of Economics, Tehran University, Tehran, Iran.

hosseinifard_sm@ut.ac.ir

 0009-0001-1577-5656

** teacher, Tehran university, Iran (Corresponding Author).

a.tohidinia@ut.ac.ir

 0000-0002-8425-5697

*** Faculty of Economics, Tehran University, Tehran, Iran.

enaderan@ut.ac.ir

Received: 2022/07/23

Accepted: 2023/07/04

تبیین مفهوم اقتصاد مردمی از منظر دوگانه اصالت فرد و جامعه^۱

سیدمحمد حسینی فرد*

ابوالقاسم توحیدی نیا**

الیاس نادران***

چکیده

اندیشمندان اجتماعی در مواجهه با تعارض فرد و جامعه، در طیفی از دیدگاه‌ها قرار گرفته‌اند که در سویی، نگرانی نسبت به سستی پیوندهای اجتماعی و خطر حیات جامعه برجسته است و در سوی دیگر، نگرانی درباره آزادی‌های فردی و سرکوب آن با دولت‌های اقتدارگرا وجود دارد. تحقق عینی دیدگاه نخست در بستر اقتصاد به صورت دولت‌های سوسیالیستی یا دولت‌های رفاه ذیل لیبرالیسم بوده و دیدگاه دوم در حمایت از بازار آزاد و دخالت حداقلی دولت در اقتصاد نمود یافته است. در این مقاله، به تبیین مبانی دوگانه بازار و دولت ناظر به اختلاف دیدگاه‌های موجود در زمینه اصالت فرد و جامعه پرداخته می‌شود. با وجود اختلاف نظر حکمای اسلامی درباره اصالت فرد و جامعه، در این مقاله از حکمت متعالیه که اصالت را هم برای فرد و هم جامعه قائل است، برای حل تعارض فرد و جامعه در لایه فلسفی استفاده شده است. بر اساس مبنای مختار (حکمت متعالیه)، تنها راهکار کاهش تعارض فرد و جامعه، نزدیک شدن فرهنگ و اندیشه افراد جامعه به همدیگر است. لیبرالیسم، فردگرایی افراطی و ممنوعیت ورود مباحث ایدئولوژیک در عرصه‌های عمومی، موانع اتحاد فرهنگی هستند. لیبرالیسم با تشدید تعارض فرد و جامعه، زمینه خشونت و از بین رفتن آزادی واقعی را فراهم می‌آورد. تحقق عینی مبنای مختار در عرصه اقتصاد، در این مقاله با عنوان «اقتصاد مردمی» تبیین شده است. اقتصاد مردمی این قابلیت را دارد که به هر دوی دغدغه آزادی فردی و هم‌بستگی اجتماعی پاسخ گوید.

واژگان کلیدی: اقتصاد مردمی؛ اصالت فرد؛ اصالت جامعه؛ فلسفه اسلامی؛ آزادی فردی؛ هم‌بستگی اجتماعی.

* دانشجوی دکتری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

hosseinifard_sm@ut.ac.ir

0009-0001-1577-5656

** استادیار، دانشکده اقتصاد، گروه اقتصاد اسلامی، اجتماعی و نهادی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

a.tohidinia@ut.ac.ir

0000-0002-8425-5697

*** دانشیار، دانشکده اقتصاد، گروه اقتصاد اسلامی، اجتماعی و نهادی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

enaderan@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۲۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

در اقتصاد دو نگاه دولتی و بازاری وجود دارد که متناظر با آن، در فلسفه و دیگر علوم اجتماعی نگاه‌های دوگانه‌ای وجود دارد؛ به‌طوری‌که در تعارض منافع فرد و جامعه، یکی از آن دیدگاه‌ها توجه خود را بیشتر به حقوق فردی معطوف کرده است (دیدگاه بازاری) و نگاه دیگر، نگرانی‌هایی نسبت به جامعه دارد (دیدگاه دولتی). در این مقاله، به تبیین ریشه‌های دوگانه بازار و دولت ناظر به اختلاف دیدگاه‌های موجود در زمینه اصالت فرد و جامعه پرداخته می‌شود. با وجود اختلاف‌نظرهای موجود میان حکمای اسلامی درباره اصالت فرد و جامعه، در این مقاله از حکمت متعالیه که اصالت را هم برای فرد و هم جامعه قائل است، برای حل تعارض فرد و جامعه در لایه فلسفی استفاده شده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی درصدد ارائه تبیینی از دوگانه بازار و دولت و ارائه راه سوم و رویکردی جدید (اقتصاد مردمی) در راستای کاهش آسیب‌های بازار و دولت است. «اقتصاد مردمی» که مبتنی بر حکمت متعالیه است، این قابلیت را دارد که هم به دغدغه‌های آزادی فردی پاسخ گوید و هم بر هم‌بستگی اجتماعی تأکید ورزد. گفتنی است که این مقاله، عمدتاً به بیان اختلاف دیدگاه‌ها میان لیبرالیسم و گونه‌های تعدیل‌شده آن پرداخته و دیدگاه‌های افراطی سوسیالیستی مطرح نشده است.

۱. پیشینه تحقیق

مطالعات مرتبط با این مقاله به مطالعاتی که درباره اقتصاد مردمی هستند و مطالعاتی که اختلافات مبنایی بازارگرایان و دولت‌گرایان را تحلیل و بررسی کرده‌اند، تقسیم می‌شود. برخی حامیان بازار و عدم دخالت دولت، عقاید خود را با عنوان اقتصاد مردمی بیان کرده‌اند. نوشته‌هایی که درباره مردم‌سالاری اقتصادی یا با عنوان اقتصاد مردم‌سالار انجام شده، اغلب منظورشان اقتصاد بخش خصوصی در برابر اقتصاد بخش دولتی است (یوسفی، ۱۳۹۱). یوسفی (۱۳۹۱) در مقاله «الگوی مردم‌سالاری اقتصادی، بستر آزادی اقتصادی»، معتقد است بر اساس مبانی بینشی و ارزشی اسلام می‌توان الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار را طراحی کرد که تمام نیروهای فعال اقتصادی اعم از صاحب سرمایه و نیروی کار (ماهر، نیمه‌ماهر و ساده)، آزادی واقعی در عرصه اقتصادی و حق تصمیم‌گیری و اظهارنظر در امور مهم اقتصادی را داشته باشند. از نظر ایشان، آموزه‌های اسلامی ما را به نظریه اصالت فرد و

جامعه ارشاد می‌کند. از دید آموزه‌های اسلامی، انسان ضمن استقلال در تصمیم‌گیری‌های شخصی، در برابر جامعه نیز مسئولیت‌هایی دارد. ایشان برای تحقق آزادی اقتصادی، راهبرد تعاونی تلفیقی واقعی را مهم‌ترین راهبرد می‌دانند. در این نوع تعاونی، هر سه گروه فعال اقتصادی (صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کنندگان) در کنار هم قرار می‌گیرند و هدف همه آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی تأمین می‌شود و همه آن‌ها در تصمیم‌گیری در امور مهم اقتصادی سهیم هستند. یوسفی (۱۳۹۳) در مقاله «مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی، بستر تولید ملی پایدار عدالت‌محور»، مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی را در عرض مدل سرمایه‌سالاری اقتصادی نظام سرمایه‌داری و دولت‌سالاری اقتصادی نظام سوسیالیسم دانسته است و آن را جریانی اقتصادی می‌داند که همه مردم بر اساس آموزه‌های اسلامی به معنای واقعی متولی امور اقتصادی باشند؛ یعنی بستر اقتصادی به گونه‌ای باشد که همه فعالان اقتصادی مالک منابع و محصول تولیدی باشند و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش جدی داشته و نیز بهره‌مند از تمام حقوق اقتصادی خود باشند و به تکلیف‌های خود در عرصه اقتصادی عمل کنند.

مؤمنی (۱۳۸۵) در مقاله «ارزیابی نهادگرا از جایگاه دولت و بازار در فرایند توسعه ملی»، به این نکته اشاره دارد که دولت و بازار در عین اینکه از توانمندی‌های مشخصی برخوردارند، کاستی‌ها و درماندگی‌های خاص خود را نیز دارند و دستیابی به ترکیب خردمندانه آن‌ها مستلزم در نظر گرفتن هر دو جنبه مسئله است. مهم‌ترین دستاورد رویکرد نهادگرایان با منطق حداقل‌سازی هزینه‌های مبادله، این است که به دقت مشخص می‌کنند چگونه می‌توان متناسب با شرایط و اهداف از این ابزارهای هماهنگی به گونه کارآمد استفاده کرد. کاظمی (۱۳۹۴) در مقاله «از شکست بازار تا شکست دولت؛ مناقشه بازارگرایان و دولت‌گرایان در دوران مدرن»، همین رویکرد را دارد و تأکید می‌کند که منازعه بر سر موضوع حدود مداخله دولتی و آزادی بازار در بین بازارگرایان و دولت‌گرایان بیش از هر چیز ماهیتی عمیقاً ایدئولوژیک دارد و هر رویکرد می‌کوشد تا شواهد تاریخی را به نفع خود صورت‌بندی کند. رویکرد نهادگرایی با تمرکز بر مقوله «کیفیت» مداخله به جای «کمیت» مداخله دولتی، در پی فراتر رفتن از منازعه ایدئولوژیک یادشده و نظریه‌پردازی درباره کیفیت تعامل مثبت دولت با نهادهای بازار است. مطابق چنین تحلیلی، مسیر توسعه کشورها نه از مسیر افزایش (برنامه‌ریزی) یا کاهش (تعدیل ساختاری) مداخله دولت، بلکه

از مسیر تحول نهادی با هدف دگرگونی «محیط نهادی» و جایگزین ساختن نهادهای مانع فعالیت مولد اقتصادی با نهادهای فراگیرتر و تسهیل کننده فعالیت خلاقانه و مولد نیروهای تولیدی است. وی یادآور می شود که مناقشه نسبت مطلوب دولت و بازار در وهله نخست در زیرمجموعه مناقشاتی مانند نسبت فرد و جمع، آزادی فردی و جمعی با اقتدار دولتی، آزادی و برابری و مانند آن در فلسفه سیاسی مدرن مطرح و در مرحله بعدی به یکی از مسائل محوری دانش اقتصاد بدل شد.

۲. کنش جمعی و مسئله تعارض منافع فرد و جامعه

تعارض نفع شخصی و نفع جمعی همواره مسئله ای جدی و زنده در اندیشه اقتصادی بوده است. توانایی حصول و حفظ نفع عمومی که منوط به کنش جمعی است، برای تداوم حیات جمعی و زیستنی بهینه و پایدار، ضروری است و حیات جمعی را ممکن می کند (Kallhoff, 2011). انواع کنش جمعی با وجود گستردگی در تعریف و شکل، ویژگی مشترکی دارند؛ آن ها شامل گروهی از افراد هستند که برای تحقق نفع عمومی با یکدیگر همکاری می کنند (Thomas & Louis, 2013). آنچه چالش کنش جمعی را موجب می شود، در محصول آن یعنی نفع عمومی نهفته است؛ زیرا نفع عمومی بنا به تعریف محروم کردنی^۲ نیست؛ یعنی چنانچه نفع عمومی محقق شود، «همگان» فارغ از اینکه در تحقق آن مشارکت داشتند یا نه، از آن بهره مند می شوند. این موضوع کنشگر عقلانی را ترغیب می کند که سواری مجانی^۳ کند و منتظر بماند تا دیگران کنش جمعی را صورت دهند (Olson, 1965).

نگارش کتاب منطق کنش جمعی^۴ اولسن در سال ۱۹۶۵، نقطه عطفی در مباحث مربوط به کنش جمعی شمرده می شود، اما باید کامونز^۵ (۱۹۳۱) را آغازگر مباحث مربوط به کنش جمعی تلقی کرد. وی کنش جمعی را از زاویه تحلیل نهادی تبیین کرد (Izanloo, Cheshomi, & Khodaparast Mashhadi, 1398) (ایزانلو، چشمی، خداپرست مشهدی، و ملک الساداتی، ۱۳۹۸). از نظر اقتصاددانان کلاسیک از جمله آدام اسمیت، در اقتصاد آزاد، جست و جوی منافع شخصی با مصلحت و منافع عمومی مطابقت دارد و در نتیجه، رفاه جامعه تأمین می شود (تفضلی، ۱۳۸۶، ص. ۸۰). از دیدگاه کامونز - از بنیان گذاران اقتصاد نهادگرا- یکی از ضعف های اساسی اقتصاد کلاسیک، فرض هماهنگی منافع است که به فراگیری اصل کلی کمیابی و تضادهای حاصل از آن توجه نمی کند. در واقع، این دست نامرئی آدام اسمیت نیست که موجب هماهنگی منافع می شود، بلکه دست

مرئی دادگاه‌های حقوقی عرفی است که آگاهانه و ارادی، رسوم و رویه‌های درست را برمی‌گزیند و آن‌ها را به افراد ناراضی تحمیل می‌کند (Commons, 1934, p. 162). به اعتقاد کامونز، کنش جمعی در عین اینکه کنش افراد را کنترل می‌کند، نوعی آزادسازی از اجبار، ارعاب، تبعیض یا رقابت ناعادلانه از جانب دیگر افراد را نیز شامل می‌شود. کنش جمعی، «بسط» خواسته‌ها و تمایلات فردی فراتر از آن چیزی است که افراد بر پایه توانایی اندک خود می‌توانند انجام دهند. برای همین، کامونز نهاد را این چنین تعریف می‌کند «نهاد، کنشی جمعی در راستای کنترل، آزادسازی و بسط کنش فردی است» (Commons, 1950).

هنگامی که اولسن منطقی کنش جمعی را منتشر کرد، فرض دیدگاه غالب در علوم اجتماعی بر این بود که گروه یا سازمان بر هدف مشترک تأمین منافع اعضا استوار است و اعضا نیز منطقاً در کنش جمعی گروه - که هدفش منافع آنان است - همکاری می‌کنند. اولسن این فرض را به چالش کشید و در رد آن استدلال کرد. او مانند نظریه پردازان انتخاب عمومی و نیز اقتصاددانان نئوکلاسیک بر این بود که ۱. افراد، عقلایی و بر مبنای محاسبه هزینه و فایده کنش تصمیم می‌گیرند و ۲. انتخاب‌های اجتماعی را باید بر اساس ترجیحات فردی توضیح داد (Nash, 2011, p. 146). در قسمت بعد سعی می‌شود راه‌حل‌های ارائه شده برای برطرف کردن کنش جمعی به‌طور خلاصه تبیین شود.

۱-۲. دیدگاه‌های اصالت فرد و اصالت جامعه برای حل مسئله کنش جمعی

جامعه و فرد و نسبت این دو، یکی از مسائل مهم فلسفی مورد توجه متفکران است. اهمیت این مسئله از این حیث است که هر پاسخی که به پرسش نسبت و اصالت فرد یا جامعه ارائه شود، مسیر تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی را شکل می‌دهد. علوم اجتماعی بیش از هر چیزی مبتنی بر نوع نگاه نسبت به مسئله رابطه و اصالت فرد و جامعه است. اگر متفکری برای جامعه وجود عینی قائل نباشد، برای تبیین و توجیه پدیده‌های اجتماعی باید به افراد و فهم کنش‌های آن‌ها رجوع کند، اما اگر متفکری تنها برای جامعه وجود عینی قائل باشد، به فهم کنش‌های افراد توجه ندارد و آن‌ها را حاصل جبر اجتماعی می‌داند. اصحاب علوم اجتماعی مدرن، سه دیدگاه در پاسخ به این پرسش ارائه کرده‌اند. برخی در برابر جامعه، به فرد اصالت داده و درصدد فهم و تفسیر کنش‌های اجتماعی

انسان‌اند. برخی دیگر در برابر فرد، جامعه را اصیل می‌دانند و درصدد کشف قوانین و سنت‌های جامعه با روش تجربی‌اند. برای مثال، درحالی‌که مارکسیست‌ها و دیگر چپ‌گراها معتقدند تضاد سازش‌ناپذیری در جامعه وجود دارد، لیبرال‌ها تأکید می‌کنند که در میان منافع و گروه‌های رقابت‌کننده هماهنگی وجود دارد. همین‌طور، درحالی‌که لیبرال‌ها گرایش دارند به اینکه جامعه را ساخته افراد برای تأمین نیازهای گوناگون خود بدانند، محافظه‌کاران به‌طور سنتی آن را به‌صورت ارگانیکی تصویر کرده‌اند و معتقدند که سرانجام نیروهای ضرورت طبیعی به آن سامان می‌دهند؛ یعنی حاصل قرارداد افراد نیست. شاید مهم‌ترین بحث به رابطه فرد و جامعه مربوط می‌شود و اینکه آیا واحدی به نام «جامعه» وجود دارد یا نه؟ رقابت بین دو شیوه متضاد فهم اجتماعی، فردگرایی^۶ و جمع‌گرایی^۷، در کانون این مسئله قرار دارد (هیوود، ۱۳۸۹، ص. ۲۷۷). دراین‌بین، گروهی دیگر نگاه ترکیبی بین فرد و جامعه را لحاظ و کوشیده‌اند اصالت هر دو را نشان دهند (بوذری‌نژاد، سلیمانی، و طالب‌زاده، ۱۳۹۹).

فردگرایی یا اصالت فرد باور به برتری و تقدم فرد بر هر گروه اجتماعی یا مجموعه جمعی است. این نظر با لیبرالیسم کلاسیک و در دوره مدرن با راست نو پیوند تنگاتنگ داشته است. از این چشم‌انداز، همه اظهارنظرها درباره جامعه باید درباره افراد تشکیل‌دهنده آن باشد. به بیان دقیق، به گفته مارگارت تاجر «چیزی به نام جامعه وجود ندارد». اساس این نظر به‌طور معمول این باور است که انسان‌ها به‌طور طبیعی سودجو و عمدتاً متکی به خودند و بابت استعدادها و مهارت‌های خود احساس دینی در برابر جامعه ندارند (هیوود، ۱۳۸۹، ص. ۲۷۸)، اما چگونه فردی باید محور کنش جمعی قرار بگیرد؟ لیبرال‌ها معتقدند برای اینکه تلاش‌ها برای حاکم کردن عقیده خود منجر به خشونت و تحمیل نشود، باید عقاید غیرنفع‌خواهانه افراد را محدود به زندگی شخصی‌شان کرد و آن‌ها را وارد عرصه عمومی نکرد. بدین ترتیب، سازوکار بازار و نظام قیمت‌های آزاد مسئول پیاده‌سازی این ایده در جامعه شد؛ به‌گونه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی متکثر به‌طور خودکار هماهنگ شوند و نیازی به درگیر شدن افراد در حوزه عمومی نباشد. لیبرال‌های کلاسیک و نئولیبرال‌ها معتقدند بازار آزاد می‌تواند تعارض نفع شخصی و نفع جمعی را حل کند و از طریق علامت‌دهی قیمت‌ها، منافع شخصی و رفتار حداکثرکننده سود را در راستای منافع جمعی و حداکثر کردن رفاه اجتماعی قرار دهد.

با آشکار شدن شکست‌های بازار و ناتوانی بازار در همسو کردن منافع فردی و جمعی و تدوین علمی نظریه‌های شکست بازار توسط اقتصاددانان بزرگی مانند مارشال، پیگو و کینز، نوع جدیدی از لیبرالیسم با عنوان لیبرال-دموکراسی شکل گرفت که خواهان دخالت دولت در اقتصاد برای اصلاح شکست‌های بازار بود (بشیریه، ۱۳۹۸، صص. ۲۶-۲۵؛ Medema, 2009, pp.56-59؛ Whitaker, 1975, p.232). چنین دولت‌هایی به دولت‌های رفاه شهرت یافتند. این نوع لیبرالیسم نیز تنها اصالت فرد را می‌پذیرد و بر فردگرایی تأکید دارد و معتقد است که دولت باید به لحاظ ایدئولوژیک خنثی و بی‌طرف باشد و نباید ارزش‌ها را وارد عرصه عمومی کرد، اما سوسیالیسم تنها اصالت جامعه را می‌پذیرد و برای حل تعارض منافع فرد و جامعه، مالکیت خصوصی و آزادی‌های فردی را نفی می‌کند.

در دهه‌های اخیر، رویکردهای میانه‌ای شکل گرفته‌اند و با همه تفاوت‌هایی که با هم دارند، آن‌ها را ذیل «راه سوم»^۸ طبقه‌بندی می‌کنند. اجتماع‌گرایی^۹ که از دهه ۱۹۸۰ در غرب مطرح شد، ضمن پذیرش هم‌زمان اصالت فرد و جامعه، معتقد است افراد بدون اصالت دادن به مناسبات و نظم جافتاده جامعه نمی‌توانند به‌طور پایدار از حقوق خود بهره‌مند باشند. حقوق و آزادی‌های فردی زمانی به‌طور کارآمدتر تحقق می‌یابد که خصلت اجتماعی داشته باشد. فرد در درون جامعه خودش را می‌یابد و تقویت و تثبیت جامعه به تثبیت و تعمیق موقعیت فرد کمک می‌کند. محور زندگی ما به‌عنوان اشخاص، حفظ جامعه است. انسان‌ها فقط در ارتباط با دیگری از نوع خود یعنی تنها در جامعه می‌توانند شخص شوند. مسیر «حقوق فردی» از معبر «تعهدات مدنی» می‌گذرد (Taylor, 1995, P. 110؛ به نقل از کاظمی و بوژمهرانی، ۱۳۸۹). تیلور معتقد است پاسخ به پرسش «من کیستم؟» تنها در ارتباط با دیگران مشخص می‌شود و تنها با قرار گرفتن در مکان و فضای خاص و در کنار دیگران معنا می‌یابد. به همین سبب، وی با فردگرایی غیراجتماعی و «خود» پیش‌فردیت‌یافته لیبرال‌ها مخالفت می‌کند (مالهال و سوئیفت، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۹). جامعه ماهیتی کاملاً متفاوت از جمع تک‌تک افراد آن دارد؛ به‌طوری‌که در نتیجه تعامل انسان‌ها با یکدیگر، تمایلات و گرایش‌های جدیدی پدید می‌آید که فراتر از گرایش‌های فردی است و منطق رفتاری افراد جامعه را دستخوش تغییر و تحول اساسی می‌کند (Skidelsky, 2018, p. 380).

دیدگاه میانه معتقد است انسان انگیزه نفع شخصی دارد، اما این همه انگیزه‌های او نیست. برای مثال، آمارتیا کامار سن^{۱۰} معتقد است بر اساس شواهد تجربی می‌توان نشان داد که

تجربه پیشرفت اقتصادی و صنعتی ژاپن تا حد زیادی مرهون پرهیز از اتخاذ رفتارهای معطوف به نفع شخصی و گرایش به رفتارهای مبتنی بر ادای تکلیف، وفاداری و حسن نیت است. در نگاه سن، تقلیل انگیزه انسان به «پیگیری صرف نفع شخصی در رفتار فردی» خطاست (سن، ۱۳۷۷، صص. ۲۴-۱۸). بسیاری از مردم مایل اند تا با تحمیل هزینه به خود، چیزی به دیگران ببخشند. در مقابل، آن‌ها یا انتظار دارند تا طرفشان مقابله به مثل کند یا آنکه به عنوان فردی بخشنده به نظر برسند (کارترایت، ۱۳۹۷، ص. ۴۳۳). تفکیک فرد از جامعه و فرض تقابل دائمی و قطعی بین آن دو، از حیث تجربه تاریخی و از لحاظ معرفت‌شناختی شایان دفاع نیست (آبدی^۱، ۲۰۰۷، ص. ۱۰۶؛ به نقل از کاظمی و بوژمهرانی، ۱۳۸۹). این تصویری اشتباه است که بازار و اخلاق در تقابل با هم هستند؛ به‌طوری‌که ناگزیر، بازار به همراه نفع شخصی طلبی به عنوان عامل رشد و پیشرفت اقتصادی تأیید شود و اخلاق به عنوان مانعی برای رشد اقتصادی مورد مخالفت قرار گیرد. هم نفی اخلاق و هم نفی نفع شخصی، هر دو رویکردهای افراطی و نادرستی هستند. سازمان‌دهی اقتصادی باید از انواع انگیزه‌های انسان بهره ببرد.

برای سامان گرفتن بی‌شمار فعالیت اقتصادی، افزون‌بر بازار به نهادهای دیگری هم نیاز است. نباید به گمان اینکه بازار کافی است، دیگر نهادهای اجتماعی را تخریب کرد. برای مثال، حق رأی سیاسی، سمت‌های حاکمیتی، کرسی‌های دانشگاه، تخت‌های اورژانس، نوبت‌ناوایی و... نباید از طریق بازار سازمان‌دهی شوند و قابل خرید و فروش باشند. این‌ها باید مطابق هنجارهای خاص خودشان سازمان‌دهی شوند. کسی حق ندارد رأی خود را بفروشد؛ دانشگاه باید بر اساس شایستگی، اساتید و دانشجویهای خود را انتخاب کند؛ اورژانس باید بر اساس فوریت نیاز به بیمارها تخت اختصاص دهد و ناوایی هم بر اساس صف و زودتر آمدن، نوبت اختصاص دهد. اگر امثال این امور به دست بازار بیفتد، ۱. تیغ بی‌عدالتی برنده‌تر می‌شود. ۲. در مواردی بازار نمی‌تواند کارآمدتر از آن هنجار خاص عمل کند؛ زیرا در برخی امور، انگیزه مالی ضعیف‌تر از دیگر انگیزه‌ها عمل می‌کند. ۳. ممکن است بازار کارآمدتر باشد، اما دیگر در این جامعه نمی‌توان زندگی کرد (سندل^۲، ۱۳۹۷، ص. ۳۳). این ایده با تلاش‌های استروم (برنده نوبل اقتصاد سال ۲۰۰۹) برای حل مسئله کنش جمعی همراه شد. وی نشان داد منابع طبیعی اشتراکی در قالب سازمان‌دهی‌های محلی کارا تر از دولتی کردن آن منابع یا

خصوصی سازی آن‌ها عمل می‌کند. وی روش سومی را برای حل چالش کنش جمعی معرفی کرد که قدرت را به استفاده‌کنندگان از خدمت می‌داد و آن را شهروندی خودحکمران^{۱۳} نامید. در این روش، اقدام دسته‌جمعی با ایجاد انجمن‌های استفاده‌کنندگان خدمت^{۱۴} تحقق می‌یابد و نیز پایش عملکرد ارائه‌کننده خدمت به جای اینکه با طرف ثالث یعنی دولت انجام شود، بر عهده استفاده‌کنندگان از خدمت گذاشته می‌شود و استفاده‌کنندگان یا کسی که به آن‌ها پاسخ‌گوست، خاطیان را تنبیه می‌کند. اوستروم در یکی از آخرین سخنرانی‌های خود می‌گوید «یکی از نکاتی که در تحقیقات کلانمان با آن مواجه شدیم که حتماً باعث شگفتی عده زیادی می‌شود، این بود که نظارت محلی یکی از مهم‌ترین عواملی است که بر شرایط منابع و موفقیت نظام‌های مدیریت منابع در شیلات، مرتع‌داری، جنگل‌داری، منابع آبی و... تأثیر می‌گذارد. اگر به مردم محلی حق برداشت از محصولات جنگل را بدهیم، به آنچه در جنگل‌ها می‌گذرد، توجه نشان می‌دهند. کاربران محلی هر زمانی در جنگل حضور دارند و با این روش، نظارت بر قواعد هزینه‌چندانی ندارد. اگر بخواهید مأموران دولتی را به عنوان ناظر استخدام کنید، بسیار گران تمام می‌شود و عموماً، وقتی مأموران دولتی را برای نظارت استخدام می‌کنید، نمی‌توانید دستمزد چندانی به آن‌ها بدهید و همین به فساد می‌انجامد» (اوستروم^{۱۵}، ۲۰۱۲) (Ostrom et al, 2012).

۲-۲. نقد راه‌حل‌های ارائه‌شده برای حل مسئله کنش جمعی

بازارها ممکن است مکان‌های اجتماعی تلقی شوند که انواع ویژه‌ای از توسعه شخصی را تقویت می‌کنند، اما بقیه را تنبیه می‌کنند. ممکن است برخی بگویند زیبایی بازار این است که به خوبی عمل می‌کند حتی اگر مردم نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت باشند و نیازی به ارتباطات پیچیده یا حتی اعتماد میان شرکت‌کنندگان خود ندارد، ولی این هم یک مشکل است. آنچه شبیه به سازگاری سرسختانه با نقطه ضعف ذات بشر به نظر می‌رسد، ممکن است درحقیقت، بخشی از مسئله باشد (Bowels, 1991؛ به نقل از هانل، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۱). آزادی سلبی یا منفی مورد نظر طرف‌داران بازار آزاد، فضایل مورد نیاز برای «خودمختاری» و آزاد زیستن را فراهم نمی‌کند (عزیزی، ۱۳۹۶). تأکید افراطی بر فردگرایی و نفع شخصی طلبی موجب تخریب هم‌بستگی‌ها، هنجارها و هویت جمعی می‌شود. فرهنگ

بازاری فقط به نفع شخصی (آن هم از نوع انگیزه‌های مالی) رسمیت می‌بخشد و دیگر انگیزه‌های درونی انسان را از بین می‌برد^{۱۶}. در نتیجه این دو عملکرد، اقتصاد با هزینه مبادله، آثار خارجی منفی و توزیع نابرابر شدیدتری مواجه می‌شود، اما چنانچه بازار تحت لوای هویت جمعی و هنجارهای اجتماعی عمل کند و افراد نسبت به جامعه بی تفاوت و بی تعهد نباشند، قدرت تخریبی بازار کنترل و افزون بر نفع شخصی، از مزایای دیگر انگیزه‌های انسانی نیز بهره‌برداری می‌شود.

از نظر سندل (۱۳۹۷)، «مهلک‌ترین تحولی که در سه دهه گذشته اتفاق افتاد، زیاد شدن طمع نبود، بلکه گسترش بازارها و سرایت ارزش‌های بازاری به حوزه‌هایی از زندگی بود که سنخیتی با آن‌ها نداشت. چاره این نیست که همه تقصیرها را به گردن طمع بیندازیم. لازم است در نقشی که بازار باید در جامعه ایفا کند، تجدیدنظر کنیم. دست‌اندازی بازار و تفکر بازاری به جنبه‌هایی از زندگی که از قدیم هنجارهای غیربازاری بر آن‌ها حاکم بوده، یکی از مهم‌ترین تحولات زمان ماست» (سندل، ۱۳۹۷، ص. ۴).

از نظر سندل، بی‌طرفی دولت در قبال خیرهای مشترک و محصور ماندن شهروندان در محدوده خیرهای فردی و خصوصی درنهایت، نه تنها باعث «قدرتمند شدن» افراد نمی‌شود، بلکه جدایی و تنهایی افراد منجر به زوال قدرت شهروندان در برابر دولت می‌شود. تضعیف اراده‌های مشترک و تجزیه آن به اراده‌های جداجدا به معنای مشکل‌تر شدن نظارت بر نهادها، روندها و تصمیم‌گیری‌های عمومی است (Sandel, 1996, p. 322)؛ به نقل از کاظمی و بوژمهرانی، (۱۳۸۹). لیبرالیسم کلاسیک و اقتصاد بازار آزاد به‌رغم جذابیت و زیبایی نظری اصول خود، در عرصه عمل باعث نابرابری دوچندان و حرمان طبقه عظیم و زحمت‌کش کارگر از کمترین امکانات برای معیشت منصفانه و شرافتمندانه شد. وضعیت ناپه‌نجار اقتصادی و اجتماعی، محور گفتمان متفکران برجسته غرب به‌ویژه در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بود. سرانجام متفکران لیبرال برای جلوگیری از فروپاشی نظام‌های سیاسی، دست به اصلاحات عمده‌ای در راستای ایجاد رفاه نسبی برای طبقات کارگر و اقشار آسیب‌پذیر جامعه زدند و دولت برخلاف اصول اولیه لیبرالیسم کلاسیک مجبور به مداخله در امور اقتصادی و وضع قوانین و مقرراتی مانند حداقل دستمزد و حداکثر ساعات کار، بیمه، بازنشستگی و مانند آن‌ها به نفع ایجاد تعادل در نظام‌های اقتصادی و سیاسی جوامع لیبرال شد (احمدی طباطبایی، ۱۳۹۶).

بنابراین، شکست‌های بازار موجب مداخله دولت‌ها شد. شاید تصور می‌شد در ساختار لیبرالیسم، هم می‌توان از مزیت نفع شخصی‌طلبی بهره برد، هم از طریق ابزارهای نظارتی و مالیاتی، آن انگیزه‌ها را در مسیر منافع جمعی قرار داد، اما تنها روح جمعی و هنجارها هستند که می‌توانند بر رفتارهای انسان‌ها کنترل داشته باشند و کنترل رفتار میلیون‌ها انسان توسط دولت بسیار پرهزینه، فسادزا و ناکارآمد خواهد بود؛ زیرا افزون‌بر اینکه انگیزه‌های شخصی تلاش می‌کنند کارمندان دولت و قانون‌گذاران را با خود همسو کنند، با فرض سالم بودن کارگزاران دولتی، این نظارت پرهزینه و ناکارآمد خواهد بود. تشویق افراد به پی‌جویی نفع شخصی و سپس اخذ مالیات سنگین از آن‌ها بیشتر موجب دلسردی و کاهش انگیزه می‌شود تا اینکه از ابتدا فرد در هویتی جمعی تربیت شود که داوطلبانه و بدون آنکه منافع شخصی خود را در تقابل با منافع جمع بداند، در چهارچوب منافع جمعی به دنبال منافع شخصی خود باشد. لیبرالیسم دچار تناقض شده است؛ زیرا از سویی به‌خاطر شدت نابرابری‌ها مجبور به تن دادن به تأمین اجتماعی دولتی بزرگ شده است و از سوی دیگر، این حجم از مالیات‌گیری با اصول لیبرالیسم (فردگرایی، آزادی اقتصادی، نفع شخصی‌طلبی و حرص به‌عنوان نیروی محرک اقتصاد) در تعارض است. چنین نظامی فقیر تولید می‌کند و سپس با دولت‌های رفاه ورشکسته به حمایت از آن‌ها می‌پردازد. پاسخ این پرسش که چرا نظام تأمین اجتماعی چاره‌ساز نیست، روشن است؛ زیرا نمی‌شود از سویی سازوکارهای نابرابری توزیع درآمد و ثروت را به کار انداخت و از سوی دیگر، با ابزارهای بسیار ضعیف‌تر به مقابله با آن برخاست. ناتوانی و بدهکاری نظام تأمین اجتماعی آمریکا از همین جا سرچشمه می‌گیرد (نمازی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷).

بوکانان^{۱۷} با رد دیدگاهی که دولت را دیکتاتوری خیرخواه متصور می‌شود، یکی از سه اصل اساسی نظریه انتخاب عمومی^{۱۸} مدرن را «سیاست به‌مثابه مبادله» می‌داند؛ یعنی دولت را نهادی می‌داند که مانند نهاد بازار، مردم در قالب آن مبادلات اقتصادی خود را انجام می‌دهند. بازارها نهادهای مبادله هستند. اشخاص وارد بازار می‌شوند تا شیئی را با شیء دیگر مبادله کنند. آن‌ها وارد بازار نمی‌شوند تا نتیجه ماورای مبادله یا ماورای فردگرایانه را پیش ببرند. تعمیم این مفهوم‌سازی از مبادله به حوزه سیاست در تقابل با پیش‌داوری کلاسیک است که اشخاص به‌خاطر جست‌وجوی مشترک برای خوبی، حقیقت و زیبایی در حوزه

سیاست شرکت می‌کنند. تفاوت مرتبط بین بازارها و سیاست به انواع ارزش‌ها یا منافع که اشخاص دنبال می‌کنند مربوط نمی‌شود، بلکه به شرایطی برمی‌گردد که تحت آن شرایط، آن‌ها منافع مختلف خود را تعقیب می‌کنند (بوکانان، ۱۹۸۶) (Buchanan, 1986). آشنایی با انتخاب عمومی موجب می‌شود تا افراد نگاه نقادانه‌ای نسبت به این دیدگاه که دولت درمان همه دردها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی است، بیابند. همچنین، از سوی مکتب شیکاگو واکنش شدیدی علیه دولت‌های رفاه صورت گرفت مبنی بر اینکه رفتار مبتنی بر نفع شخصی، همان‌طور که در موضعی، سازوکار بازار را مختل می‌کند (شکست بازار)، قادر است که عملکرد مداخله‌ای دولت را با چالش مواجه کند (شکست دولت) (Medema, 2009, p. 107).

بنابراین، تا زمانی که فردگرایی و پی‌جویی نفع شخصی بر جامعه حاکم باشد، هم بازار دچار شکست می‌شود، هم اینکه دولت در اصلاح شکست‌های بازار، شکست می‌خورد؛ زیرا در فضایی که اصالت به فرد و نفع شخصی داده شده است، نمی‌توان انتظار داشت دولتی شکل بگیرد که به دنبال خیر جمعی باشد. دولت نیز نمی‌تواند تعارض نفع شخصی و نفع جمعی را حل کند، بلکه خودش محلی برای تحقق این تعارض خواهد بود که منجر به شکست دولت می‌شود.

در خصوص دیدگاه استروم هم گفتنی است که این دیدگاه تلاش می‌کند میان منافع فرد و جمع آشتی برقرار سازد و بر همکاری افراد در جامعه برای نیل به خیر جمعی تأکید می‌ورزد، اما اولاً، این نظریه تنها به کارآمدی‌های اجتماعات محلی می‌پردازد و نکته‌ای درباره عوامل شکل‌گیری چنین اجتماعاتی و پایداری یا عدم پایداری آن‌ها بیان نمی‌کند. ثانیاً، تنها در حوزه مدیریت منابع طبیعی با مالیکت مشترک محلی مطرح می‌شود و سازمان‌دهی سراسری و ملی در سطح اقتصاد کلان را ورای دوگانه بازار و برنامه‌ریزی متمرکز دولتی مدنظر ندارد و ثالثاً، وقتی قرار است موضوع مشارکت همه مردم برای حل مسئله کنش جمعی و اصلاح شکست بازار و شکست دولت در سطح ملی مطرح شود، دیگر هویت مادی و کاملاً اقتصادی مانند منبع طبیعی مشترک و انگیزه مادی نفع‌طلبی مالکان منبع مشاع دیگر توان حل مسئله کلانی در این سطح را نخواهد داشت و نیاز به طرحی نو احساس می‌شود.

به‌طورکلی، دیدگاه‌های میانه‌ای که در دهه‌های اخیر رواج یافته‌اند، گامی به جلو در راستای خروج از نگاه‌های افراطی بازارگرایانه و دولت‌گرایانه بوده و بر اهمیت پیوندهای

اجتماعی و اجتماعات تأکید کرده‌اند، اما به دلیل اینکه در بستر اومانیزم (انسان‌گرایی) و مادی‌گرایی مطرح شده‌اند، نسبت به موفقیت آن‌ها در عمل تردیدهایی وجود دارد. عالم ماده، عالم تراحم و تعارض‌هاست و تا زمانی که انسان‌ها متحول نشوند به گونه‌ای که از عالم ماده متوجه عالم معنا بشوند، همچنان تعارض‌ها برقرار و اجتماعات آن‌ها ناپایدار خواهد بود. در دو بخش انتهایی مقاله، گونه‌ای خاص از هویت و کنش جمعی معرفی می‌شود که می‌تواند تعارض منافع فرد و جامعه را به صورت پایدار حل کند.

۲-۳. جمع میان اصالت فرد و جامعه مبتنی بر حکمت متعالیه

مزیت انسان‌ها نسبت به حیوانات حتی حیواناتی که جمعی زندگی می‌کنند، این است که می‌توانند نظام فکری خاصی را به طور مشترک بپذیرند و نظم اجتماعی متناسب با آن را میان خود ایجاد کنند و در قالب آن نظم اجتماعی، رفتار اجتماعی داشته باشند. مزیت انسان‌ها این است که می‌توانند اعتباریات ذهنی مشترک خود را تغییر دهند و در نتیجه، نظام اجتماعی جدیدی به وجود آورند. حیواناتی که جمعی زندگی می‌کنند، دارای نظم اجتماعی ثابتی هستند، اما انسان می‌تواند نظام اجتماعی خود را پیوسته تکامل ببخشد.

از نگاه ملاصدرا، انسان به طبع موجودی اجتماعی است و زندگی او جز با تمدن و اجتماع و تعاون نظم نخواهد گرفت؛ زیرا نوع انسان، منحصر در شخص نیست و وجود [و کمال] وی با زندگی فردی ممکن نیست. بدین سبب، افراد متعدد و احزاب مختلف و صنایع و شهرها شکل گرفته‌اند. این اجتماعات انسانی در معاملات، مناکحات و جنایات خویش به قانونی مطبوع نیازمندند که عموم مردم به آن رجوع و بر اساس آن به عدالت حکم کنند. در غیر این صورت بر یکدیگر غلبه خواهند کرد و اجتماع فاسد و نظام مختل خواهد شد؛ زیرا طبیعت هر فردی به آنچه بدان نیازمند است، تمایل دارد و بر کسی که مزاحم وی است، غضب می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴، ص. ۴۸۸). در نگاه وی، همین کثرات و افراد متعدد، جهت وحدتی دارند که آن جهت نیز وجود چنین نظامی را ضروری می‌کند. وی با تشبیه نسبت مدینه فاضله و افرادش با نسبت بدن و اعضایش می‌نویسد «مدینه فاضله مانند بدن سالمی است که همه اعضایش یاریگر هم در تأمین حیات حیوان‌اند» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴، ص. ۴۹۰). وی در ادامه، به وحدت بخشی

نفس به کثرت قوا و اعضای بدن اشاره کرده و معتقد است همان‌گونه که نفس وحدت‌بخش اجزای بدن و قوای خویش است، هیئت اجتماع نیز وحدت‌بخش افراد اجتماع است و تحقق و بقای سلامت این هیئت وحدت‌بخش، نیازمند تحقق عدالت اجتماعی است و همچنان‌که حرارت تب بیمار به دلیل انحراف مزاج انسان از حالت اعتدال طبیعی است، انحراف از عدالت اجتماعی نیز این هیئت را دچار التهاب خواهد کرد (گرائی و شریفی، ۱۳۹۸).

حیات انسانی با حرکت وجودی و جوهری خود، صور معدنی، نباتی و حیوانی را یکی پس از دیگری می‌پیماید تا اینکه به جهان انسانی وارد می‌شود و در قلمرو حیات انسانی، به ادراک صور معانی متنوعی که در قلمرو حیات انسانی قابل وصول است، دست می‌یابد. صور علمی به دلیل تجرد خود، مقید به امور مادی نیستند و در آن‌ها تغییر و حرکتی راه ندارد و نفوس انسانی با حرکت خود به سوی آن‌ها رهسپار می‌شوند. نفوس انسانی به دلیل اصل «اتحاد عالم با معلوم»، با متحد شدن با صور علمی از سویی، آن‌ها را به عرصه زندگی و حیات انسانی وارد می‌کنند و از دیگر سو، از طریق وحدت و یگانگی، انسان‌هایی می‌شوند که با آن‌ها وحدت می‌یابند. به بیان دیگر، این صور در حکم روح و جان واحد برای نفوس متعددی می‌شوند که با آن‌ها اتصال وجودی می‌یابند (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۰). به عبارت دیگر، انسان‌هایی که به حوزه معنایی مشترکی اقبال کرده‌اند، با یکدیگر نوعی ترکیب حقیقی می‌یابند و تبدیل به یک ارگانیزم (اندامگان) می‌شوند. منظور از وحدت حقیقی این است که عامل واحدی [معنای مشترک] در طول امور متکثر [انسان‌های مختلف متصل به آن معنا] قرار می‌گیرد و آن‌ها را در تحت پوشش خود، به رفتاری هماهنگ و سازمان‌یافته راه می‌برد (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۳). همان‌گونه که سلول‌های بدن را یک روح واحد منسجم می‌کند، یک نظام معنایی نیز انسان‌هایی را که به آن اقبال کرده‌اند، سازمان‌دهی می‌کند تا با یکدیگر همکاری کنند و به یکدیگر خدمت ارائه دهند (خورشیدی، ۱۳۹۰).

انسان‌ها با اقبال به نظام‌های معنایی مشترک با یکدیگر وحدت می‌یابند و «امت»‌های مختلف را تشکیل می‌دهند. از این رو «امت» دایر مدار «معنا» ست. چنان‌که گفته شد، معنا زمانی و مکانی نیست. از این رو امت نیز مرز زمانی و مکانی ندارد؛ یعنی حوزه ارتباط اعضای یک امت با یکدیگر لزوماً ارتباط و تعامل حسی و تاریخی نیست،

بلکه این ارتباط درونی است. ممکن است فردی در گوشه‌ای از دنیا با افرادی در گوشه دیگر آن ذیل یک «امت» قرار بگیرند. همچنین، ممکن است افرادی که در دوره‌های زمانی و تاریخی مختلف می‌زیسته‌اند، متعلق به امت واحدی باشند. آیات و روایاتی که بر حشر امت‌ها دلالت دارند، گواه همین نکته است. به بیان دیگر، اتحاد انسان‌ها ذیل یک معنا، ترکیبی مادی از سنخ بدن‌ها با یکدیگر نیست که نیازمند ظرف زمانی و مکانی باشد، بلکه صورتی مجرد دارد (خورشیدی، ۱۳۹۰).

معانی در سپهر وجودی خود به واسطه کنش‌های انسانی تنزل می‌یابند و فرهنگ متناسب با خود را شکل می‌دهند، اما انسان در حرکت جوهری خود که «جسمانیه الحدوث» «جسمانیه الحدوث» است، سیر خود را آغاز می‌کند و به تناسب فهم و همت خود، این مسیر را می‌پیماید. در این مسیر، انسان آنگاه که در حد حیوانیت است و قوه عاقله او به فعلیت نرسیده است، می‌کوشد تا انسان‌های هم‌جوار خود را به استخدام و استثمار در بیاورد. انسان تا وقتی که در بند طبع و تابع شهوت و غضب است، جز به استخدام، استبعاد و استثمار دیگران نمی‌اندیشد. چنین انسانی افزون‌بر خیال و وهم، عقل و فطرتش نیز به اسارت کشیده می‌شود و به فرموده امیرالمؤمنین (ع)، چه بسا عقل که اسیر فرمانروایی هوس است (امام علی (ع)، حکمت ۲۱۱). راه‌حل نهایی عبور از استخدام و استثمار، فعال شدن عقل نظری و عملی است (پارسانیا و سلطانی، ۱۳۹۰).

در نگاه حکمت متعالیه، نظام معنایی توحیدی، یگانه نظامی است که با عقل آینه‌گون و با فعال ساختن قوای عقل نظری و عملی در پرتوی اتحاد علم، عالم و معلوم و به مدد حرکت جوهری انسان می‌توان بدان دست یافت. نظام‌های معنایی دیگری نیز هستند که با زاویه‌ای که نسبت به چنین نظام معنایی دارند، در افق خیال متصل انسانی شکل می‌گیرند (پارسانیا و سلطانی، ۱۳۹۰).

«طبق انسان‌شناسی صدرایی، انسان ظرفی توخالی و بدون اقتضا نیست که بتواند با هر نظام معنایی به راحتی و با آرامش زندگی کند، بلکه مطابق نظریه فطرت، انسان از ادراکات و گرایش‌های فطری برخوردار است. از این‌رو دل‌داده نظام معنایی خاص است. تنها یک حوزه معنایی با فطرت و جان انسان پیوند تکوینی دارد و انسان تا وقتی به آن نرسد، دچار سیلان، سرگردانی و بی‌قراری است. بحران معنا، اضطراب، استرس و... توصیف انسانی است که با حوزه‌های معنایی‌ای متحد شده است که منطبق بر فطرت و

حقیقت او نیستند و آرامش ندارد. توضیح اینکه، هر نظام معنایی در پرتوی حضور خود در عالم انسانی، نظم و ساختار خاصی را در میان افراد و اشخاصی که از طریق آن‌ها به عرصه حیات اجتماعی وارد شده است، برقرار می‌سازد و جهان اجتماعی متناسب با خود ایجاد می‌کند. هریک از جهان‌های اجتماعی دارای فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است. از این رو، همچنان که برای بخش‌هایی از وجود انسان ظرفیت‌های جدیدی فراهم می‌سازد و آن‌ها را شکوفا می‌کند، ممکن است بخش‌هایی از وجود او را نادیده بگیرد و حتی نابود سازد. برای مثال، برخی جهان‌های اجتماعی از استعدادهای معنوی انسان غافل‌اند یا فرصت شکوفایی سطوح مختلف عقلانیت را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر نیز مانع از بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و با رویکرد زاهدانه خود از توانمندی آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند» (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۹). «براین اساس، این سنخ نظام‌های اجتماعی، بیگانگی انسان با خویش را در پی دارند و به اسارت انسانیت منجر می‌شوند. آدمی را در غل‌وزنجیر ساختار و محصولات اجتماعی خود قرار می‌دهند و او را از رسیدن به حقیقت خود دور نگه می‌دارند؛ چراکه برآمده از نظام‌های معنایی‌ای هستند که منطبق بر فطرت و حقیقت انسان نیستند. به عبارت دیگر، انسان که با اراده و عمل خویش، سازنده این نظام‌های معنایی و اجتماعی است، در فرهنگ، تاریخ و تمدنی که خود ایجاد کرده است، همواره احساس اسارت می‌کند، دچار شیء‌وارگی و از خود بیگانگی می‌شود و احساس می‌کند که خودش نیست. هرچند هر جهان اجتماعی حرکت افراد درونش را به سوی نظام معنایی متناسب با خویش تسهیل می‌نماید و موانعی در مسیر حرکت آنان به سوی حوزه‌های معنایی دیگر ایجاد می‌کند، اما هرگز قدرت و توان این را ندارد که مانع ارتباط و اتحاد انسان با حوزه معنایی دیگر شود. برخی تضادها و ستیزهای اجتماعی ناشی از همین مسئله است؛ یعنی فرد یا افرادی از یک جامعه از نظام معنایی متناسب با آن جامعه اعراض و به حوزه معنایی دیگری اقبال کرده‌اند و طبیعتاً سعی خواهند کرد تا مبتنی بر صور جدید آگاهی‌شان، کنش فردی و اجتماعی انجام دهند یا حتی آن صور معنایی را در میان دیگران بسط دهند. بنابراین، میان آنان و سایر اعضای جامعه و ساختارها و نهادهای اجتماعی مستقر در جامعه چالش و ستیز شکل می‌گیرد» (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۷).

۳. اقتصاد مردمی؛ رویکردی نو برای حل مسئله کنش جمعی

از مطالبی که گفته شد، مشخص می‌شود نگاه دوگانه به دولت و بازار ناشی از این است که یا اصالت را به فرد داده‌اند و مدافع بازار آزاد شده‌اند و با هرگونه هنجار اجتماعی که این آزادی را محدود کند، مخالفت کرده‌اند یا اینکه اصالت را به جمع داده و مخالف آزادی‌های فردی شده‌اند. با بیان نقل شده از حکمت متعالیه، مشخص شد که فرهنگ مشترک از کثرت افراد، واحدی به نام جامعه یا امت پدید می‌آورد که خود مصداقی از مفهوم «وحدت در عین کثرت» حکمت متعالیه است. در فضای لیبرالیسم که از بحث عمومی درباره ارزش‌ها ممانعت می‌کند (درحالی‌که خود لیبرالیسم ایدئولوژی‌ای است که سعی دارد خود را بر عرصه عمومی حاکم کند و مجالی به ارزش‌های رقیب ندهد)، نمی‌توان کثرت‌ها را از مجرای فرهنگ تبدیل به وحدت کرد. برای همین یا باید این وحدت و هم‌بستگی اجتماعی را با دولت‌های اقتدارگرا به افراد تحمیل کرد یا اینکه از وحدت و هم‌بستگی اجتماعی صرف‌نظر و از آزادی‌های فردی در مقابل سرکوبگری دولت‌ها حمایت کرد. با بیانی که از حکمت متعالیه شد، برای خارج شدن از دوگانه دولت و بازار لازم است که فضای لیبرالیستی و فردگرایی شکسته شود و افراد در مسیر گفت‌وگو درباره ارزش‌ها قرار بگیرند. از این طریق با شکل‌گیری و تقویت تدریجی هویت جمعی، زمینه به وجود آمدن اجتماعات و تشکل‌های داوطلبانه مردمی در ساختار اجتماعی جامعه مهیا می‌شود. با اتکا به چنین اجتماعاتی می‌توان نسبت به گستره و کیفیت بهره‌برداری از دو نهاد دولت و بازار تجدیدنظر کرد.

در اقتصاد مردمی، دولت حداقلی است؛ زیرا بازار در بستر هویت جمعی فعالیت می‌کند و شکست‌های بازار عمدتاً با اجتماعات و هنجارهای اجتماعی ناشی از آن هویت جمعی اصلاح می‌شود. در چنین ساختاری، هم مردم نسبت به مسائل عمومی احساس مسئولیت می‌کنند، هم اینکه حاکمیت، مردم‌سالاری و نقش‌آفرینی مردم را باور دارد و از تفویض اختیاراتش به تشکل‌های مردمی و داوطلبانه نگرانی ندارد. حاکمیت تلاش می‌کند اجتماعات و تشکل‌های مردمی را به رسمیت بشناسد و ایجاد آن‌ها را تسهیل کند و اختیارات خودش در حوزه قانون‌گذاری، اجرا، نظارت و حتی قضاوت را به تدریج و تا جای ممکن به این تشکل‌های مردمی تفویض و آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها دخیل کند؛ یعنی مدیریت از بالا به پایین، دستوری و متمرکز نیست.

آنچه بسیار مهم است، تفاوت اقتصاد مردمی با خصوصی سازی و بازار آزاد است. در جامعه‌ای که ارزش‌های لیبرالیسم حاکم است و جامعه اتمیزه شده است، اگر دولت حداقلی باشد، سرمایه‌داران تمام شئون جامعه را به دست می‌گیرند، انحصارها شکل می‌گیرد و استثمار و نابرابری نتیجه حتمی چنین ساختاری خواهد بود، اما چنانچه در جامعه‌ای هویت جمعی (آن‌گونه که بر اساس حکمت متعالیه تشریح شد) شکل گرفته باشد، تشکلهای داوطلبانه مردمی بسیاری به وجود خواهند آمد که شئون مختلف حاکمیتی را بر عهده خواهند گرفت و اجازه نخواهند داد در فضایی که دولت حداقلی است، سرمایه‌داران بر جامعه مسلط شوند.

این تشکلهای و اجتماعات مردمی در گونه‌های مختلفی ظاهر می‌شوند. مهم‌ترین گونه این اجتماعات، آن‌هایی هستند که بر مبنای خویشاوندی شکل می‌گیرند. گونه‌ای دیگر از آن‌ها با محوریت محله و نزدیک بودن به لحاظ مکان و موقعیت سکونت (همسایگی) شکل می‌گیرند. تشکلهای مهمی نیز می‌توانند مبتنی بر قرابت‌های شغلی و حرفه‌ای در نزدیکی محل کار ایجاد شوند؛ چیزی شبیه اتحادیه‌ها و اصناف امروزی. برای مثال، در ایران گونه‌های مختلفی از این تشکلهای مردمی وجود دارد که به شکلی درگیر بخشی از مسائل عمومی و جمعی هستند از جمله گروه‌های جهادی (در زمینه‌های مختلف بهداشت و درمان، عمران، فرهنگ و...)، سازمان‌های مردم‌نهاد^{۱۹}، گروه‌های خانوادگی و قومی و گروه‌های محلی (به‌خصوص مسجدمحور). حاکمیت باید بکوشد در راستای مردمی کردن حکمرانی، اجتماعات مردمی گوناگون را شناسایی، تقویت و حتی طراحی و ایجاد کند.

امروزه انجمن‌های بخش خصوصی در کشورهای مختلف از ارکان توسعه به شمار می‌آیند و از بازیگران اصلی فرایند تصمیم‌گیری‌اند (نصیری اقدم و مرتضوی فر، ۱۳۹۰). اقدامات جمعی (مانند ایجاد دادگاه‌های درون‌صنفی، تعریف رویه‌های تجاری و وضع استانداردها) از سوی صنف بازرگانان در دوران پیش از انقلاب تجاری، امنیت محیط فعالیت را فراهم آورد. ایجاد اصناف، ائتلاف‌ها و همکاری‌های بخش خصوصی برای بهبود محیط کسب‌وکار مؤثر است (گریف^{۲۰}، ۱۳۸۵). بدون تشکلهای اقتصادی، ارتباط سازمان‌یافته دولت با جامعه منتفی می‌شود و دولت نمی‌تواند به‌طور مستمر از مطالبات اجتماعی و واقعیت‌های اقتصادی، اطلاعات لازم را به دست آورد. تکیه بر جامعه مدنی

و نهادهای گروهی آن، گردآوری و اشاعه اطلاعات را تسهیل و حرکت جمعی را تسریع می‌کند (اوانز^{۲۱}، ۱۳۸۰).

بروز تعارض میان نفع فردی و نفع جمعی در قالب بازی معمای زندانی^{۲۲} مدل‌سازی می‌شود. در این بازی، تعادل «نش» - که نمادی از خروجی بازار مبتنی بر دنبال کردن نفع شخصی است - بر بهینه اجتماعی منطبق نیست. درحالی‌که اشخاص می‌توانند با همکاری، منافع تک‌تک افراد را افزایش دهند، اما به دلیل فرصت‌طلبی، سوءاستفاده از همکاری و اعتماد دیگران و سواری مجانی، راهبرد همکاری را انتخاب نمی‌کنند. بسیاری از گونه‌های شکست بازار از جمله کالای عمومی و آثار خارجی را می‌توان در قالب بازی معمای زندانی مدل‌سازی کرد. نهادگرایان عدم شکل‌گیری برخی بازارها و مبادلات را در چهارچوب نظریه هزینه مبادله تبیین کرده‌اند. ویلیامسون^{۲۳} مصداقی از بازی معمای زندانی پویا را با عنوان «مشکل اسارت»^{۲۴} مطرح کرده است. مشکل اسارت در مواردی است که زمینه رفتار فرصت‌طلبانه به دلیل تعیین سرمایه‌گذاری وجود دارد. در این گونه موارد به دلیل پدیده قراردادهای ناقص و هزینه مبادله زیاد، یا مبادله انجام نمی‌گیرد (فقدان بازار)^{۲۵} یا اینکه با هزینه مبادله بسیار زیادی برای ضمانت اجرایی قرارداد انجام می‌گیرد یا اینکه ادغام درون یک بنگاه صورت می‌گیرد. سرمایه‌داری و بازار آزاد با تأکید بر فردگرایی افراطی و تخریب سرمایه‌های اجتماعی اجازه نمی‌دهد که سطح تخصص‌گرایی از حدی فراتر رود؛ زیرا نبود اعتماد باعث می‌شود مشکل اسارت مانع از عمیق شدن همکاری‌ها شود. میزان تخصص‌گرایی بنگاه‌های مستقل کوچک در ژاپن در مقایسه با ادغام‌های افقی و عمودی بنگاه‌های آمریکایی، نشان از نقش بسیار مهم پیوندهای اجتماعی است.^{۲۶}

یکی از نقاط ضعف جدی بازار آزاد که از عوامل اصلی بحران‌های مالی و اقتصادی است، عدم توزیع ریسک فعالیت‌های تولیدی به اندازه بهینه است. در بازار آزاد به طور عمده، نیروی کار و سرمایه تمایل به دریافت نرخ دستمزد و نرخ اجاره ثابت (عقود غیرمشارکتی) دارند، اما نه عوامل تولید و نه کارفرما، تمایلی به مشارکت در ریسک و عقود مشارکتی ندارند. علت عمده این رفتار، احتمال کثرت‌فشاری در بستر اطلاعات نامتقارن است. بنابراین، ریسک تولید به تمامی بر عهده کارفرما خواهد بود. این وضعیت موجب دو اتفاق (یکی در زمینه رشد و دیگری در زمینه عدالت) در اقتصاد می‌شود. یکی اینکه، به دلیل لزوم تحمل ریسک و ناطیمنانی زیاد فعالیت‌های تولیدی با عده‌ای

اندک، بسیاری از فعالیت‌های تولیدی امکان تحقق نمی‌یابند و در نتیجه، رشد اقتصادی کمتر از حد بهینه خواهد بود. دیگر اینکه، کارفرما و کارآفرینانی که عمده ریسک را متحمل می‌شوند، در صورت ورشکست نشدن، عمده سود فعالیت اقتصادی را نیز تصاحب خواهند کرد. این موجب می‌شود که در بازار سرمایه و نیروی کار، کمترین اجاره به سرمایه‌های خرد و کمترین دستمزد به کارگران پرداخت شود و توزیع نابرابر تشدید شود. عمده‌تأ کسانی می‌توانند در این ساختار اقتصادی، کارفرما و کارآفرین شوند و ریسک زیاد اقتصادی را تحمل کنند که دارای ثروت اولیه کافی باشند. همچنین، آن‌ها هستند که می‌توانند با وثیقه گذاشتن ثروت خود، سرمایه‌های خرد اقتصاد را در نظام تأمین مالی جذب خود کنند. کسانی که ثروت اولیه اندکی دارند یا امکان تأمین مالی ندارند، با قیمت‌های بالایی در تأمین مالی مواجه خواهند بود (این افراد به دلیل اینکه عموماً افراد پرریسکی ارزیابی می‌شوند با نرخ‌های بهره بیشتر روبه‌رو می‌شوند). بنابراین، تنها گزینه چنین افرادی این است که سرمایه خرد و نیروی کار خود را در بازارهای سرمایه و نیروی کار، در مقابل نرخ‌های ثابت عرضه کنند. این افراد کمتر امکان کارفرما شدن دارند. کنترل مبادلات اقتصادی با اجتماعات مردمی متعدد و متنوع در سراسر کشور، با کاهش معضل اطلاعات نامتقارن و کز رفتاری‌ها، امکان بسیاری از مشارکت‌ها و توزیع ریسک‌ها را فراهم می‌آورد.

هرچه اقتصاد از حالت بنگاه‌های بزرگ (که بیشتر نیروی فعال را اجیر خود کرده باشد) به سمت بنگاه‌های کوچک تخصصی و خویش‌فرمایی بیشتر نیروی کار تغییر شکل دهد، هم به مردم‌سالاری اقتصادی نزدیک‌تر خواهد بود و هم درآمد به صورت عادلانه‌تری توزیع می‌شود. حل مسئله نابرابری از این طریق، کارآمدتر از دولت‌های رفاه است؛ زیرا در شرایطی که عمده ریسک تولید بر عهده کارفرماست، تلاش برای افزایش مالیات بر سود، افزایش نرخ بیمه و دستمزد کارگران و دیگر محدودیت‌ها، شرایط کارفرما را سخت‌تر می‌کند که موجب بیکاری و رفاه کمتر کارگران می‌شود.

اجتماعات به دلیل سرعت بالای گردش اطلاعات و امکان بروز انگیزه‌های دگرخواهانه کارآمدتر از دولت‌های متمرکز هستند. آن‌ها زمینه‌های فرصت‌طلبی را کاهش می‌دهند و حقوق مالکیت و امنیت قراردادها را تأمین می‌کنند. در نتیجه، هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهند و لایه‌های عمیق‌تری از همکاری و مشارکت اقتصادی را ممکن

می‌کنند. آن‌ها می‌توانند از منابع طبیعی حفاظت کنند (مطالعات اوستروم) و با بودجه‌های مشارکتی^{۲۷} به تولید کالاهای عمومی بپردازند. اجتماعات با حاکم کردن هنجارهای خود از ادغام فعالیت‌های اقتصادی جلوگیری می‌کنند و از طریق سازمان‌دهی پیوندی (نظریه ویلیامسون)، زمینه شکل‌گیری بنگاه‌های تخصصی کوچک را فراهم می‌آورند. اجتماعات با کاهش کژرفتاری‌ها^{۲۸} و کزگزینی‌ها^{۲۹} زمینه شکل‌گیری عقود مشارکتی را فراهم می‌کنند و اجیر شدن نیروی کار را کاهش می‌دهند. با مشارکت سرمایه و نیروی کار در ریسک فعالیت اقتصادی، بسیاری از طرح‌های اقتصادی امکان‌پذیر و توزیع درآمد عادلانه‌تر می‌شود.

اقتصاد مردمی و نقش‌آفرینی همه مردم در اقتصاد، با اقتصاد سرمایه‌داری که انحصار بنگاه‌های بزرگ بر آن حاکم است، تقابل دارد. علت عمده شکل‌گیری چنین انحصارهایی به تعارض نفع فردی و جمعی و عدم شکل‌گیری همکاری در موقعیت‌هایی که مصادیقی از بازی معمای زندانی هستند، برمی‌گردد. در شرایطی که هزینه مبادله باعث ادغام‌های افقی و عمودی و شکل‌گیری بنگاه‌های بزرگ می‌شود و کژرفتاری‌ها موجب عدم تسهیم ریسک می‌شود، عمدتاً کسانی می‌توانند به‌عنوان کارآفرین نقش‌آفرینی کنند که ثروت‌های شخصی زیادی داشته باشند؛ زیرا آن‌ها هستند که می‌توانند سرمایه زیاد مورد نیاز بنگاه‌های بزرگ را تأمین کنند (از طریق سرمایه شخصی و جذب سرمایه‌های خرد جامعه به واسطه توان وثیقه گذاشتن در نظام تأمین مالی) و ریسک‌های زیاد آن را متحمل شوند، اما اگر در فضایی که از اقتصاد مردمی ترسیم شد، امکان شکل‌گیری بنگاه‌های کوچک تخصصی و تسهیم ریسک فراهم شود، سرمایه مورد نیاز و ریسک تحمل‌شده به‌اندازه‌ای کاهش می‌یابد که تعداد بیشتری از افراد با عنوان کارآفرین در اقتصاد نقش‌آفرینی کنند و مجبور به اجیر شدن در بنگاه‌های بزرگ نباشند. در این شرایط است که رقابت واقعی ادعاشده در نظریه‌های مؤید بازار محقق و از انحصارها جلوگیری می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

بازار و دولت نهادهایی هستند که کمک بسیاری به توسعه همکاری‌های اقتصادی انسان‌ها کرده‌اند، اما بی‌توجهی به محدود بودن قابلیت این نهادها و به‌کارگیری افراطی آن‌ها در قلمروهایی از زندگی اجتماعی که خارج از محدوده کارایی آن‌هاست، موانعی

بر سر راه تعمیق همکاری‌های اقتصادی ایجاد کرده است. بازار باید باشد، اما تأکید بر فردگرایی، نفع شخصی‌طلبی و وارد کردن بازار در همه جنبه‌های زندگی اجتماعی باید کنار گذاشته شود. دولت باید باشد، اما به صورت حداقلی و با هدف تسهیل مشارکت مردم در اقتصاد. برای رهایی از بحران‌های بازاری و سرکوب‌های دولتی، بشر ناگزیر است که به شکل‌دهی هویت جمعی داوطلبانه و آگاهانه روی بیاورد. راه‌حل نیز در مشارکت جدی‌تر مردم در مباحثات سیاسی و اقتصادی است. لیبرال‌ها معتقدند برای آنکه تلاش‌ها برای حاکم کردن عقیده خود منجر به خشونت و تحمیل نشود، باید عقاید را محدود به زندگی شخصی کرد و آن‌ها را وارد عرصه عمومی نکرد. این دیدگاه مشکل را حل نمی‌کند، بلکه تنها پاک کردن صورت مسئله است. وقتی جامعه هیچ هویت جمعی نداشته باشد و افراد هیچ تعهدی نسبت به جامعه و دیگران نداشته باشند و ارزش‌های جمعی که رفتار انسان‌ها را کنترل کند، وجود نداشته باشد، زمینه بروز خشونت فراهم‌تر می‌شود و نگرانی اجتماع‌گرایان از زوال اخلاق و از بین رفتن پیوندها و سرمایه اجتماعی برای همین است.

با بیانی که از حکمت متعالیه شد، برای خروج از دوگانه دولت و بازار لازم است که فضای لیبرالیستی و فردگرایی شکسته شود و افراد در مسیر گفت‌وگو درباره ارزش‌ها قرار بگیرند. با شکل‌گیری و تقویت تدریجی هویت جمعی، زمینه به وجود آمدن اجتماعات و تشکل‌های داوطلبانه مردمی در ساختار اجتماعی جامعه مهیا می‌شود. با اتکا به چنین اجتماعاتی می‌توان نسبت به گستره و کیفیت بهره‌برداری از دو نهاد دولت و بازار تجدیدنظر کرد. سرمایه‌سالاری و دولت‌سالاری هر دو با مردمی بودن اقتصاد در تعارض هستند. پیوندهای اجتماعی حول ارزش‌ها، هنجارها و هویت مشترک اجتماعی است که از آسیب‌های بازار و دولت جلوگیری می‌کند.

متأسفانه در کشور ما وقتی بر اساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، اراده حاکمیت بر این شد که دولت کوچک شود و تصدیگری‌های دولتی تا جای ممکن به مردم واگذار شود، مردمی کردن اقتصاد به اشتباه با خصوصی‌سازی یکی دانسته شد و مشکل ناکارآمدی دولت جای خود را به مشکل ناکارآمدی بازار داد. حاکمیت باید قبل از تفویض اختیارات خود به مردم، زمینه شکل‌گیری اجتماعات و تشکل‌های داوطلبانه مردمی را فراهم کند و اختیارات خود را به آن‌ها تفویض کند نه اینکه به دست بازار بسپارد.

یادداشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران با عنوان نقش دین در تقویت همکاری‌های اقتصادی جهت اصلاح شکست بازار و دولت؛ رویکرد آزمایشگاهی است.

2. Non Exclusive
3. Free Riding
4. *The logic of Collective Action*
5. Commons
6. Individualism
7. Collectivism
8. Third Way
9. Communitarianism
10. Amartya Kumar Sen
11. Abdey
12. Sandel
13. Self-Governance Citizenary
14. User Associations
15. Ostrom

۱۶. یکی از نقدهای جدی به بازار این است که هنجارهای بازاری موجب به حاشیه رانده شدن هنجارهای غیربازاری مفید می‌شوند. شاید معروف‌ترین مثال برای این موضوع، مثال اهدای خون باشد. ریچارد تیتموس، جامعه‌شناس انگلیسی، در کتاب *رابطه اهدایی* (۱۹۷۱)، نظام جمع‌آوری خون در بریتانیا را با همتای آن در آمریکا مقایسه کرد. در بریتانیا همه خون را داوطلبانه و رایگان می‌دهند، اما در آمریکا مقداری از آن اهدا می‌شود و مقداری را بانک‌های خون خریداری می‌کنند. معمولاً افراد فقیر برای کسب درآمد، خونی را می‌فروشند. تیتموس معتقد است نظام بازاری از اهدای خون رایگان هیچ‌کس جلوگیری نمی‌کند، اما ارزش‌های بازاری وقتی بر نظام اهدای خون حاکم شوند، هنجار اهداگری را تحلیل می‌برند. «شکل‌هایی که جامعه برای ساختار و سامان نهادهای اجتماعی‌اش - مخصوصاً نظام سلامت و نظام رفاهی - انتخاب می‌کند، می‌تواند نوع دوستی را در انسان تقویت یا تضعیف کنند. این نظام‌ها می‌توانند هم‌بستگی پدید آورند یا تفرقه‌افکنی کنند. می‌توانند بگذارند اهداگری - بخشش به دیگران - در درون و در میان گروه‌ها و نسل‌ها رواج پیدا کند». تیتموس از این نگران بود که جوامع بازاری روزی به جایی برسند که دیگر مطلقاً نوع دوستی را تحمل نکنند و حتی آزادی اهداگری اشخاص را از آن‌ها سلب کنند». او نتیجه گرفت که «تجارتی شدن خون و

رابطه دهنده و گیرنده از ابراز نوع دوستی جلوگیری می‌کند و حس هم‌بستگی را تحلیل می‌برد» (Titmuss, 1971, pp. 255, 270-274, 277)؛ به نقل از سندل، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۸).

17. Buchanan

18. Public Choice

19. NGO

20. Greif

21. Evans

22. Prisoner's Dilemmas

23. Williamson

۲۴. وقتی سرمایه‌گذاری‌ها خیلی خاص باشد، اگر آن مبادله (رابطه) خاص قطع شود، آن سرمایه‌گذاری‌ها بی‌ارزش می‌شود. این سرمایه‌گذاری‌ها مشتمل بر مقادیر هنگفت هزینه‌های بازیافت‌ناپذیر (Sunk Costs) هستند که پس از صرف شدن دیگر قابل بازیابی نیستند. در توافقی قراردادی، ممکن است طرف مقابل از انعطاف‌ناپذیری طرف دیگر که سرمایه‌گذاری‌های کاملاً ویژه آن مبادله را انجام داده است، سوءاستفاده کند. این وضعیت را مشکل اسارت یا گرفتار شدن (Hold-Up) می‌نامند (گروینوگن، اسپیتهوون، و دن‌برگ، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۳).

25. Market Absence

۲۶. جفری دایر (۱۳۸۷) با به‌کارگیری چهارچوب هزینه‌های مبادله، به بررسی شیوه‌های حاکمیت شرکتی در صنایع خودروسازی ژاپن و ایالات متحده می‌پردازد. نتایج تجربی نشان می‌دهد که بنگاه‌های آمریکایی عمدتاً برای تسهیل مبادلات خود به بازارها و سلسله‌مراتب متکی هستند درحالی‌که بنگاه‌های ژاپنی بیشتر به حاکمیت شرکتی «پیوندی» یا هم‌پیمانی توجه می‌کنند. طبق این یافته‌ها، بنگاه‌های ژاپنی به دلیل نوع پیوندی خود توانسته‌اند کارآمدتر از هم‌تایان آمریکایی خود باشند. پیوندهایی که خودروسازان ژاپنی از آن استفاده می‌کنند، تقریباً همه مزایای سلسله‌مراتب را دارد بدون آنکه دچار معایب آن (از قبیل فقدان نظم بازار، فقدان انعطاف‌پذیری و افزایش هزینه‌های نیروی کار) باشد. زنجیره ارزش در صنایع خودروسازی ژاپن هزینه مبادله کمتری را به نسبت آمریکا ایجاد می‌کنند. برای مطالعه بیشتر درباره سازمان‌دهی پیوندی مطرح‌شده ویلیامسون به کتاب گروینوگن و همکاران (۱۳۹۱) مراجعه کنید.

27. Participatory Budgeting

28. Moral Hazard

29. Adverse Selection

کتابنامه

- احمدی طباطبایی، محمدرضا (۱۳۹۶). بازشناسی انتقادی فلسفه مایکل سندل در مناسبات اخلاق و سیاست. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۱۷، شماره ۵.
- اوانز، پیتر (۱۳۸۰). توسعه یا چپاول؛ نقش دولت در تحول صنعتی (عباس زندباف و عباس مخبر، مترجمان). تهران: طرح نو (نشر اثر اصلی ۱۹۹۵).
- ایزائلو، قاسم؛ چشمی، علی؛ خداپرست مشهدی، مهدی؛ و ملک‌الساداتی، سعید (۱۳۹۸). تحلیل هزینه‌های کنش جمعی عاملان سیاسی، اداری و اقتصادی برای تسهیل سرمایه‌گذاری. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۷، شماره ۹۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۸). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (جلد ۲). چاپ اول از ویراست جدید، چاپ مسلسل ۱۶، تهران: نشر نی.
- بودری نژاد، یحیی؛ سلیمانی، کیوان؛ و طالب‌زاده، الهه (۱۳۹۹). فرد و جامعه؛ کشاکش آرای فلاسفه معاصر مسلمان. نشریه آموزه‌های فلسفه اسلامی، شماره ۲۷.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲). جهان‌های اجتماعی. چاپ ۲، قم: کتاب فردا.
- پارسانیا، حمید؛ و سلطانی، مهدی (۱۳۹۰). بازخوانی جهان‌های اجتماعی جامعه‌شناسی پدید‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه. نشریه معرفت فرهنگی- اجتماعی، شماره ۹.
- تفضلی، فریدون (۱۳۸۶). تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر). چاپ ۷، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
- خورشیدی، سعید (۱۳۹۰). صورت‌بندی نظریه فرهنگ صدرایی (با الهام از دیدگاه‌های استاد حجت‌الاسلام پارسانیا). نشریه معرفت فرهنگی- اجتماعی، شماره ۹.
- دایر، جفری (۱۳۸۷). آیا نحوه حاکمیت شرکتی اهمیت دارد؟ هم‌پیمانی و تعین‌داری‌ها در نظام کایرتسو به مثابه ریشه‌های مزیت رقابتی ژاپنی‌ها (اصلان قودجانی، مترجم). فصلنامه اقتصاد سیاسی؛ تحول همه‌جانبه، سال ۳، شماره‌های ۷ و ۸.
- سندل، مایکل (۱۳۹۴). عدالت؛ چه باید کرد؟ (افشین خاکباز، مترجم). تهران: فرهنگ نشر نو.
- سندل، مایکل (۱۳۹۷). آنچه با پول نمی‌توان خرید؛ مرزهای اخلاقی بازار (حسن افشار، مترجم). چاپ ۹، تهران: نشر مرکز.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم (۱۳۵۴). المبدأ والمعاد (سیدجلال‌الدین آشتیانی، مصحح). تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.

- عزیزی، سیدمجتبی (۱۳۹۶). لیبرالیسم علیه اجتماع‌گرایی؛ نگاهی به انتقادهای لیبرال‌ها به اجتماع‌گرایان. *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۷، شماره ۲.
- کارترایت، ادوارد (۱۳۹۶). *اقتصاد رفتاری* (قهرمان عبدلی و سیدحسین میرشجاعیان حسینی، مترجمان). تهران: دنیای اقتصاد.
- کاظمی، حجت (۱۳۹۴). از شکست بازار تا شکست دولت؛ مناقشه بازارگرایان و دولت‌گرایان در دوران مدرن. *پژوهش سیاست نظری*، شماره ۱۸.
- کاظمی، علی‌اصغر؛ و بوژمهرانی، حسن (۱۳۸۹). بازسازی مناظره لیبرال‌ها و اجتماع‌گرایان بر مبنای انتقادات سندل بر لیبرال‌دموکراسی. *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دوم، شماره ۷.
- کامار سن، آمارتیا (۱۳۷۷). *اخلاق و اقتصاد* (حسن فشارکی، مترجم). چاپ اول، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- گرائی، عباس؛ و شریفی، احمدحسین (۱۳۹۸). کاربرست روش تبیین در فلسفه سیاسی بر اساس نظریه وحدت در عین کثرت حکمت متعالیه. *نشریه حکمت اسلامی*، سال ۶، شماره ۱.
- گروینوگن، جان؛ اسپیتیهون، آنتون؛ و دن برگ، آنتون (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر اقتصاد نهادگرایی* (اصلان قودجانی، مترجم). تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.
- گریف، اونر (۱۳۸۵). نهادها و تجارت بین‌الملل؛ آموزه‌های انقلاب تجاری (رضا مجیدزاده، مترجم). *اقتصاد سیاسی؛ تحول همه‌جانبه*، سال اول، شماره ۳ (نشر اثر اصلی ۱۹۹۲).
- مالهال، استفان؛ و سوئیفت، آدام (۱۳۸۵). *جامعه‌گرایان و نقد لیبرالیسم؛ گزیده اندیشه‌های سندل، مک‌ایتایر، والزر و تیلور* (به اهتمام جمعی از مترجمان). تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۵). ارزیابی نهادگرا از جایگاه دولت و بازار در فرایند توسعه ملی. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، سال ۶، شماره ۲.
- نصیری اقدم، علی؛ و مرتضوی‌فر، زینب (۱۳۹۰). بررسی نقش تشکل‌های بخش خصوصی در بهبود محیط کسب‌وکار. *مجلس و راهبرد*، شماره ۶۵.
- نمازی، حسین (۱۳۸۷). *نظام‌های اقتصادی*. چاپ ۵، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- هانل، رابین (۱۳۹۳). *عدالت اقتصادی و دموکراسی از رقابت تا مشارکت* (حسن اسماعیل‌زاده، مترجم). چاپ اول، تهران: نشر علم.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹). *سیاست* (عبدالرحمان عالم، مترجم). تهران: نشر نی.

- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۱). الگوی مردم‌سالاری اقتصادی، بستر آزادی اقتصادی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۱۲، شماره ۴۸.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۳). مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی، بستر تولید ملی پایدار عدالت‌محور. فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۱۴، شماره ۵۳.
- سید رضی (۱۳۸۹). نهج البلاغه (محمد دشتی، مترجم). تهران: نشر شهر.
- Azizi, S. M. (2017). LIBERALISM AGAINST COMMUNITARIANISM; LIBERAL'S CRITIQUES AGAINST COMMUNITARIANS. *POLITICAL QUARTERLY*, 47(2), 451-470. (In Persian)
- Bouzarinejad, Y., Soleimani, K., & Talebzadeh, E. (2021). Individual and Society; Controversy Over the Views of Contemporary Muslim Philosophers. *Islamic Philosophical Doctrines*, 15(27), 47-72. (In Persian)
- Bowels, S. (1991). *What Markets Can and Cannot Do*. Challenge Magazine, 34 (4), 11-16.
- Buchanan, J. (1986). Prize Lecture, The Constitution of Economic Policy. Lecture to the memory of Alfred Nobel.
- Commons, J. (1950). *The economics of Collective Action*. Madison (WI): University of Wisconsin Press.
- Commons, J. R. (1934). *Institutional Economics*. New York: The Macmillan Company.
- Geraei, A., & sharifi, A. H. (2019). The Application of the Explanation Method in the Political Philosophy according to Mulla Sadra's Theory of Unity within the Very Multiplicity. *Journal of Hikmat-e-Islami*, 6(20), 79-100. (In Persian)
- Groenewegen, John, Antoon Spithoven and Annette Van den Berg (2012). *Institutional Economics: An Introduction*, Translated by Aslaan Qoodjani, Trhran: Majlis Research Center. (In Persian)
- Izanloo G, Cheshomi A, Khodaparast Mashhadi M, Malek Sadati S. (2019). Analyzing the Costs of Collective Actions for Political, Administrative, and Economic Agents to Facilitate Investment . *qjerp*; 27 (90) :165-194. (In Persian)
- Kallhoff, A. (2011). *Why democracy needs public goods*. Lanham, MA: Lexington, a Division of Rowman & Littlefield.
- Kazemi, H. (2015). From Market Defeat to Government Defeat: Market-inclined and Government-inclined Controversy in Modern Age. *Pizhūhish-i siyāsati nazāri*, 18(10), 1-10. (In Persian)
- Medema, S. G. (2009). *The Hesitant Hand: Taming Self-Interest in the History of Economic Ideas*. Princeton University Press.
- Nash, K. (2011). *Contemporary Political Sociology*. Translated by Mohammad Taghi Delfrooz. Tehran: Nashr-e Kavir. (In Persian)
- Olson, M. (1965). *The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Ostrom, E., Chang, C., Pennington, M., & Tarko, V. (2012). The future of the commons-beyond market failure and government regulation. Institute of Economic Affairs Monographs.

Analysis of Economic Sanctity in Jurisprudential and Legal Teachings

Nader Alizadeh*

Asghar Abbasi**

Ali Ghorbani***

Abstract

Economic rent-seeking refers to the benefits and inconvenient incomes arising from monopolies in economic activities, the spread of which to other aspects of social life has given rise to new concepts such as political rent, judicial rent, etc. According to the religious doctrines and legal principles, the acquisition of any wealth and privilege that is due to the abuse of position and as a result of discrimination and conflict of interest, is illegitimate and suretyship. Therefore, the author, through research between the fields of economics law seeks to find the answer to what is the approach of officials and jurisprudential authorities and criminal law in this regard, given the lack of appropriate punishment? The results of this analysis based on descriptive and analytical methods indicate that it is important in the perspective of jurisprudential sources and criminal law when specialization is considered one of the forms of corruption and is based on abuse of position and inappropriate discrimination and rationalism. It has become a punishment in the economic system and deserves punishment. Therefore, in this paper, it is suggested to the officials, while reforming the country's economic system, they must establish comprehensive and efficient regulations to deal with this phenomenon.

Keywords: Rent-seeking, Economic crimes, Jurisprudence, Rent , corruption.

* Ph.D. Student of Criminal Rights and Criminology of Islamic Azad University, Chalous, Iran
(Corresponding Author).

Nader.alizadeh.lawyer@gmail.com

** Assistant Professor of Criminal and Criminology, Islamic Azad University, Chalous, Iran.
Drabbasi191@gmail.com

*** Assistant Professor of Criminal and Criminology, Islamic Azad University, Chalous, Iran.
agt1350@gmail.com

Received: 2021/11/08

Accepted: 2022/09/08

تحلیل حرمت ویژه‌خواری اقتصادی در آموزه‌های فقهی و حقوقی

نادر علیزاده*

اصغر عباسی**

علی قربانی***

چکیده

ویژه‌خواری اقتصادی به منافع و درآمدهای بدون تلاش ناشی از انحصار در فعالیت‌های اقتصادی اطلاق می‌شود که اشاعه آن به دیگر وجوه زندگی اجتماعی موجب پیدایش مفاهیم جدید مانند رانت سیاسی، رانت قضایی و... می‌شود. براساس آموزه‌های دینی و اصول حقوقی حاکم، به دست آوردن هرگونه ثروت و امتیازی که بر اثر سوءاستفاده از موقعیت و در نتیجه، تبعیض و تعارض منافع باشد، حرام و موجب ضمان است. نگارنده مقاله با تحقیق میان‌رشته‌ای اقتصاد در پی یافتن این پاسخ است که با توجه به عدم کیفرگذاری مناسب در این باره، رویکرد مسئولان و مراجع فقهی و حقوق کیفری چگونه است؟ نتایج این تحلیل مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی، گویای این مهم است که در منظر منابع فقهی و حقوق کیفری، زمانی که ویژه‌خواری یکی از صور فساد تلقی شود و مبتنی بر سوءاستفاده از مقام و موقعیت و اعمال تبعیض ناروا و رابطه‌گرایی باشد، موجب اختلال در نظام اقتصادی می‌شود و شایسته کیفر است. بنابراین، در این رهگذر به مسئولان پیشنهاد می‌شود ضمن اصلاح نظام اقتصادی کشور، مقررات جامع و کارایی برای مقابله با این پدیده وضع کنند.

واژگان کلیدی: ویژه‌خواری؛ جرائم اقتصادی؛ فقه؛ رانت؛ فساد.

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول).

Nader.alizadeh.lawyer@gmail.com

** استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

Drabbasi191@gmail.com

*** استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

agt1350@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

با توسعه روزافزون فعالیت‌های اقتصادی در عصر حاضر و پیچیده شدن زندگی اجتماعی و میل شهروندان به رقابت در این عرصه، عده‌ای از مسیر درست رقابت خارج شده‌اند و با سوءاستفاده از شرایط و امکاناتی که در اختیار دارند، راه فساد را پیش گرفته‌اند. این افراد به نادرست برای خود امتیاز و سهم ویژه‌ای قائل هستند و این سهم‌خواهی و استفاده از مسیر میان‌بر موجب بروز یکی از مظاهر فساد به نام ویژه‌خواری شده است. امروز ویژه‌خواری و رانت مانند ویروسی مهلک وارد زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم شده و خدمات و خسارات جبران‌ناپذیری به زندگی بشر وارد کرده است. ویژه‌خواری با مفهوم رایج امروزی خود پیشینه چندان در ادبیات حقوقی و اقتصادی ندارد، اما از مباحث درجه نخست در زندگی اجتماعی مردم شناخته و روزبه‌روز شدت اعتراض مردم به این پدیده بیشتر می‌شود و افکار عمومی جامعه منتظر مقابله کارآمد حاکمیت و ورود مؤثر نظام فقهی و حقوقی کشور به آن هستند. این در حالی است که نه تنها در قوانین موجود، بلکه در منابع فقهی نیز که زیربنای اصلی نظام تقنینی در ایران به شمار می‌رود، این پدیده جرم‌انگاری و کیفرگذاری نشده است. با این حال نباید چنین پنداشت که این خلأ قانونی به دلیل عدم نهی شارع از ماهیت این پدیده، در ذیل عناوین عام و خاص جداگانه دیگری است. بنا بر اصول و قواعد حاکم بر نظام فقهی و حقوقی ایران می‌توان با تعبیه سازوکارهای قانونی و اجرایی مناسب، راهکارهای قانونی شایسته‌ای در راستای جرم‌انگاری و کیفرگذاری ارائه داد تا با ویژه‌خواری نیز مانند دیگر رفتارهای فسادآور مقابله شود، اما تاکنون در باره تحلیل حرمت پدیده ویژه‌خواری در آموزه‌های فقهی و حقوقی تحقیق عمده‌ای صورت نگرفته و ایده‌های ناب و راهگشایی ارائه نشده و آثار پژوهشی در این عرصه بسیار کم‌رنگ است.

متأسفانه شواهد موجود در نظام سیاسی، اقتصادی و قضایی کشور حاکی است که امتیازدهی‌های ناروا به پشتوانه موقعیت سیاسی، شغلی یا خانوادگی افراد به معضلی اساسی تبدیل شده است که مظاهر دیگر فساد مانند اختلاس، رشوه و تبانی در معاملات دولتی و مناقصه‌ها، زمین‌خواری، احتکار و... را به همراه می‌آورد. از سوی دیگر، تنها جرم‌انگاری و کیفردهی کافی نیست و توجه به پیشگیری اجتماعی و فرهنگ‌سازی نیز اجتناب‌ناپذیر است. برای مقابله با این پدیده، افزون‌بر بزه‌انگاری نیاز است که با اعمال تدابیر وضعی و بازدارنده، از ارتکاب ویژه‌خواری جاذبه‌زدایی کنیم تا حرام بودن و قبح آن هر روز در نظر مردم و افکار

عمومی بیشتر متجلی شود. تضاد منفعت نمایان موجود که مصادیق آن پارتی‌بازی و خویشاوندگماری و درنهایت، کاهش شایسته‌سالاری و انحراف در امور اقتصادی و معیشتی مردم و تبعیض و فاصله طبقاتی است، به‌نوعی از عوامل و اسباب ظهور پدیده ویژه‌خواری است که با تدوین قوانین شفاف و متناسب تا اندازه‌ای کاهش می‌یابد.

۱. ادبیات و پیشینه پژوهش

درباره ویژه‌خواری تعاریف متعددی از سوی اقتصاددانان ارائه شده است. گروهی آن را درآمد مازاد بر هزینه فرصت‌های صرف‌شده می‌دانند.^۱ برخی دیگر معتقدند که ویژه‌خواری درآمد مازاد یا ارزش‌افزوده‌ای است که در شرایط کمیابی مطلق یا نسبی، نصیب عرضه‌کننده یا عامل تولید می‌شود (منتظرظهور، ۱۳۷۶، ص. ۱۱۳). برخی دیگر با تأکید بر غیرمولد بودن این مازاد، آن را همان مازاد غیرمولدی می‌دانند که به دنبال ایجاد کمیابی‌های طبیعی یا ساختگی است (درویشی، ۱۳۸۷، ص. ۳۳۱).

به‌هرحال، از ویژه‌خواری تعریف واحدی ارائه نشده است، اما می‌توان گفت ویژه‌خواری کسب هر نوع منفعتی است که بدون تناسب با تلاش و با سوءاستفاده از موقعیت باشد و به تبعیض و تضییع حق دیگران منجر شود. در این پژوهش نیز رانت‌خواری معنای مترادف ویژه‌خواری تلقی می‌شود.

به‌یقین، بررسی سابقه پژوهش‌ها کمک ارزنده‌ای به نویسنده مقاله ارزانی می‌کند، اما با توجه به اینکه ویژه‌خواری تاکنون جرم‌انگاری نشده، مقاله و کار تحقیقی ارزشمندی در این باره مشاهده نمی‌شود. دکتر فریبرز رئیس‌دانا طی مقاله‌ای در مجله حقوق و اقتصاد با عنوان «فساد، ویژه‌بر، ویژه‌خواری» به تعریف جنبه سیاسی و اقتصادی ویژه‌خواری پرداخته است. به نظر وی، «روش‌های بازیبنی و مداخله در سامانه‌های دمکراتیک بیشترین کارآمدی را در کشف و مجازات متجاوزان به حقوق مردمی و ملی دارند». به عقیده ایشان، دستگاه قضایی مستقل کنترل فساد را تضمین می‌کند.

درنهایت، با بررسی پژوهش‌های دسته‌گرفته گذشته و قیاس آن با تحقیق حاضر می‌توان گفت تاکنون تحقیق جامع و کاملی به‌گونه ویژه و خاص و مبتنی بر نگرش‌های حقوقی و فقهی توأم با ابعاد اقتصادی در این باره انجام نشده است. بحث‌ها و پژوهش‌های اندک در این عرصه بیشتر حول محور سیاست و تشکیلات سیاسی و قضایی است. در این

پژوهش، نگارنده تلاش دارد به تحلیل حرمت ویژه‌خواری اقتصادی در دیدگاه فقهی و حقوقی و تحلیل گفتمان واکنش‌محور مقنن و ضرورت جرم‌انگاری و کیفرگذاری کارآمد در این عرصه بپردازد.

۲. ویژه‌خواری اقتصادی در گفتمان تحلیل‌های حقوق کیفری

همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، با نگاهی به معانی گسترده لغوی و عرفی که از رانت یا ویژه‌خواری شده است، همیشه نمی‌توان این عمل را به‌عنوان موضوعی منفی و درنتیجه، فساد تلقی کرد. پس پرسش این است که با چه ملاک‌هایی، ویژه‌خواری در حقوق به‌عنوان فساد در نظر گرفته می‌شود؟ در واقع، ویژه‌خواری باید چه شرایطی داشته باشد تا به عمل مفسدانه تعبیر شود؟ مشابه این بحث در جستار فقهی نیز وجود دارد؛ ازاین‌حیث که ویژه‌خواری بنا به چه شروط و مؤلفه‌هایی مذموم و مورد تحریم شارع مقدس قرار می‌گیرد که در جای خود بحث خواهد شد. به‌هرصورت، در اینجا باید دید که تعبیر ما از فساد چیست و رابطه منطقی میان ویژه‌خواری و فساد کدام است؟ درنهایت، با توجه به ملاک‌های اطلاق فساد به اعمال مفسدانه، عناصر ویژه‌خواری به‌عنوان فساد را برمی‌شماریم.

۲-۱. فساد و قلمرو آن در قوانین کیفری

فساد در لغت به معانی مختلفی مانند تباه شدن، نابود شدن و به ستم گرفتن مال کسی آمده است (معین، ۱۳۷۹؛ دهخدا، بی‌تا)؛ زیرا فساد مساوی با شکستن قواعد و هنجارهاست. در قرآن کریم، احادیث و روایات بارها از واژگان و افعال فساد، مفسدین، یفسدون و دیگر مشتقات آن استفاده شده است و اغلب فساد مقابل عدل و صلاح و در کنار فسق و گناه قرار می‌گیرد.^۲

در حقوق مدنی نیز اصطلاح فساد را مقابل صحت قرار می‌دهند و آن وضعیتی است در عمل حقوقی که به اعتبار آن، آن عمل نمی‌تواند دارای آثار قانونی باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲). درباره معنای اصطلاحی فساد در حقوق کیفری، نظرهای گوناگونی وجود دارد؛ به‌طوری‌که برخی آن را به اعمالی مانند رشوه‌دهی محدود کرده‌اند. از نظر برخی دیگر، مفهوم فساد آن‌قدر وسیع است که هرگونه سوءاستفاده از مقام (حتی غیبت از محل کار) را نیز شامل می‌شود (دادخدایی، ۱۳۹۰، ص. ۲۹).

در نظام حقوقی ایران، تصویب قوانین مبارزه با فساد بدون استفاده صریح از واژه فساد سابقه‌ای قریب به یک قرن دارد که آخرین آن، قانون «ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» مصوب ۱۳۸۷/۰۲/۱۸ کمیسیون اجتماعی مجلس است که در تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۰۷ به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

پیش‌ازاین در ادبیات حقوق داخلی، واژه فساد غالباً به مفهوم ناهنجاری‌های اخلاقی و اعمال منافعی عفت عمومی استعمال می‌شد؛^۳ البته پیش از تصویب این قانون، جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا، ۲۰۰۳) ملحق شده بود، اما در عمل التزامی به مفاد آن وجود نداشت. بند الف ماده ۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در تعریف قانونی از فساد مقرر می‌دارد، فساد در این قانون هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمده و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منابع یا سلامت و امنیت عمومی یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشا، ارتشا، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفای اسناد و سوابق اداری و مالی.

۲-۲. رابطه عموم و خصوص من وجه ویژه‌خواری و فساد

همان‌طور که در بند پیشین دیدیم، فساد عنوانی بسیار گسترده و دارای مصادیق متعدد در حقوق جزایی است. فساد اداری و مالی هم موارد بی‌شماری را تحت پوشش قرار می‌دهد. تمام جرائم مانند رشوه، اختلاس، کلاهبرداری، کسب مال نامشروع، سوءاستفاده از قدرت، اعمال نفوذ برخلاف حق، جعل اسناد، تبانی در معاملات دولتی، احتکار، زمین‌خواری، پول‌شویی و حتی قاچاق مواد مخدر در زمره فساد به این معنا قرار گرفته‌اند و در اسناد بین‌المللی و داخلی از آن‌ها نام برده شده است. بنابراین، حتی اگر معنایی عام و گسترده را برای ویژه‌خواری قائل باشیم، نمی‌توان آن را معادل فساد دانست، بلکه ازاین‌حيث دامنه محدودتری از فساد دارد و ازاین‌روست که برخی از نویسندگان (سردارنیا، ۱۳۸۶، ص. ۳۶)، ویژه‌خواری را از مصادیق فساد دانسته‌اند.

رانت نیز همیشه دارای معنای منفی نیست. گاه درآمدهای نفتی و گازی کشور یا اختلاف قیمت‌هایی که به‌طور طبیعی (و نه در اثر اعمال نفوذ) درباره بعضی از اموال و کالاها به وجود می‌آید و نیز در مواردی که اعطای امتیاز و انحصار برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی یا گروهی خاص که به دلیل جایگاهشان نیاز به مساعدت یا حمایت دارند، به‌صورت قانونی، شفاف و موجه صورت می‌گیرد، رانت دیگر فساد تلقی نمی‌شود. مواردی هم وجود دارد که قضاوت درباره آن‌ها دشوار است، اما می‌توان گفت ویژه‌خواری همیشه فساد و انحراف تلقی نمی‌شود. بنابراین، در برخی مواقع میان این دو هیچ‌گونه انطباقی وجود ندارد و می‌توان گفت رابطه منطقی میان ویژه‌خواری و فساد، از نوع عموم و خصوص من وجه است.

معمولاً در جامعه معنای ویژه‌خواری، معنایی منفی و زیرمجموعه فساد است. اکنون باید دید که این مفهوم منفی از حیث حقوقی چه عناصر و شرایطی دارد تا با وجود آن‌ها بتوان گفت که ویژه‌خواری مصداقی از فساد به شمار می‌رود.

۲-۳. عناصر حقوقی ویژه‌خواری

برای ارائه تعریفی مناسب از موضوعی با ماهیت حقوقی، بهترین روش، روش «عنصرشناسی» است. در این روش، «هر چیزی که در ساختار ماهیت حقوقی نقش داشته باشد و موجود اعتباری مزبور بدون آن صورت خارجی نیابد، عنصر آن ماهیت حقوقی است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵). این روش بر پایه منطق حقوق که عمیقاً بر اصالت عمل و پراگماتیسم (عمل‌گرایی) نهاده شده است و حول محور روابط حقوقی اشخاص اجتماع می‌چرخد، قرار گرفته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۲۳). بنابراین، در عنصرشناسی ویژه‌خواری افزون‌بر توجه به معنای واژگانی و سیر تاریخی آن باید بیشتر به فهم عرفی و عملی از این رفتار تأکید کرد تا با بیرون کشیدن ملاک‌های یکسان، عناصر تشکیل‌دهنده پدیده ویژه‌خواری به‌عنوان عمل مفسدانه را معرفی کرد. در ادامه برخی عناصر ویژه‌خواری بیان می‌گردد:

الف. سوءاستفاده از مقام و موقعیت: برای کسب رانت و منافع نامشروع حاصل از آن باید یا از اختیار یا اقتدار قانونی یا از نزدیکی و نفوذ در مسئولان و کارکنان دولتی یا افراد دارای اختیارات عمومی سوءاستفاده شود. سوءاستفاده از مقام اعم از مقام خود یا دیگری است.

ب. اعمال تبعیض ناروا: به دست آوردن رانت به معنای دستیابی به امتیازها و منافع مالی‌ای است که دیگران نمی‌توانند در شرایط مساوی از آن بهره ببرند. بنابراین، جریان رانت‌دهی مقارن با

اعمال تبعیض نارواست و تنها افراد خاصی که به کانون‌های قدرت و تصمیم‌گیرندگان نزدیک هستند، می‌توانند اخبار مهم اقتصادی را که هنوز انتشار نیافته‌اند و ارزش بسیاری دارند، به دست آورند و از این رانت حاصل‌شده، برای کسب ثروت و ازدیاد مال استفاده کنند.

پ. **کسب مال یا امتیاز:** درنهایت، فعالیت‌های رانت‌جویانه از طریق هر قسم ابزار یا موقعیتی که صورت گیرد، برای به دست آوردن منافع مالی یا غیرمالی است. این منافع ممکن است به‌طور مستقیم مالی باشد مثل دریافت وام یا معافیت‌های مالیاتی از سوی رانت‌خواران یا اینکه اثر مالی داشته باشد. درهرصورت، بدون کسب مال یا امتیاز، امکان تصور ویژه‌خواری نیز وجود نخواهد داشت.

۲-۴. بسترهای ظهور و شیوع ویژه‌خواری

از میان زمینه‌ها و عوامل رانت‌زا که ویژه‌خواری را افزایش می‌دهند، می‌توان به ساختار نظام اقتصادی هر کشور، قوانین مبهم و تبعیض‌آمیز و سیاست‌های انحصارزا اشاره کرد که در ادامه درباره هریک توضیح داده می‌شود.

الف. **ساختار توسعه‌نیافته نظام اقتصادی:** در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، این قابلیت وجود دارد که تکیه بر اقتصاد تک‌محصولی و بدون پشتوانه تولید و تلاش، نوعی روحیه رانت‌جویی را در میان مسئولان و افراد جامعه به وجود آورد. در این دولت‌ها، اتکا به درآمدهای بادآورده حاصل از رانت و به‌ویژه رانت نفتی را دلیلی برای اثرگذاری منفی بر ساختار دولت، روابط دولت و جامعه و درنهایت، اقتصاد کشور می‌دانند (فضلی‌نژاد و احمدیان، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۹).
ب. **قوانین مبهم و تبعیض‌آمیز:** قوانین و تصمیمات غیرشفاف یا تبعیض‌آمیز به‌مثابه آبی گل‌آلود عرصه را برای سوءاستفاده ویژه‌خواران مهیا می‌کند. وضع قوانین به نفع عده‌ای خاص و واگذاری امتیازات و انحصارات به آن‌ها، موجب تمرکز ثروت و درآمد در دست آن‌ها و ایجاد رانت برای آنان می‌شود.

پ. **سیاست‌های انحصارزا:** کلمه رانت تداعی‌کننده انحصار است. بنابراین، تلقی بارز رانت، رانت انحصاری است. رانت‌های انحصاری^۲، انتقال منافع مازاد از مصرف‌کنندگان به انحصارگران دانسته می‌شود (Deacon & Rode, 2012, p. 5). در حال حاضر نقش دولت در اقتصاد و تصمیم‌گیری‌های ارکان دولت در راستای ایجاد و اعطای حقوق انحصاری، نقش مهمی در گسترش رانت دارد (آقانظری، ۱۳۸۳، ص. ۷۶).

۳. تحلیل بنیادی ویژه‌خواری در فقه اسلامی

اصطلاح رانت و ویژه‌خواری چه به معنای کلاسیک و چه در معنای جدید و گسترده آن، تحت مفهومی واحد در هیچ‌یک از منابع فقهی وارد نشده است. دلیل این موضوع هم با توجه به عدم طرح چنین عنوانی در زمان پیامبر و اهل‌بیت^(ع) و پس از آن در میان فقهای متقدم (با توجه به پیشینه غربی اصطلاح رانت)، کاملاً بدیهی به نظر می‌رسد. با توجه به جست‌وجوهایی که در این باره انجام شد، تنها برخی از فقهای معاصر با توجه به رخنه این اصطلاح در اجتماع حاضر، به طرح نظریاتی در این زمینه مبادرت ورزیده‌اند، اما این به معنای فقدان پوشش مفهوم رانت‌خواری در منابع و مبانی فقهی نیست، بلکه در منابعی مانند قرآن کریم، نهج‌البلاغه و احادیث پیامبر و ائمه اطهار، به انواع مفاسد اداری، اقتصادی و سیاسی پرداخته شده است و اعمالی که برخی از آنها کاملاً مصداق ویژه‌خواری هستند، مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است. با این مقدمه در ادامه بحث، برای به دست آوردن مفهوم فقهی رانت‌خواری، ابتدا آیات و روایات منطبق با مفهوم ویژه‌خواری یا در راستای مقابله با آن بررسی می‌شود و سپس عناوین مشابه با ویژه‌خواری در منابع فقهی و درنهایت، ارکان ویژه‌خواری اقتصادی با تکیه بر منابع فقه امامیه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳-۱. نگرش ویژه قرآن

در قرآن کریم بارها از واژگان و افعال فساد، مفسدین، یفسدون و دیگر مشتقات آن استفاده شده است و اغلب فساد، درمقابل عدل و صلاح و در کنار فسق و گناه قرار می‌گیرد^۵. بر اساس آموزه‌های قرآنی، عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیزی در جای مناسب خود و اعطای حق به هر صاحب حقی است. بنابراین، اگر کسی بخواهد از طریق موقعیت خویش یا دیگران، امتیاز انحصاری کسب کند تا بر موقعیت، ثروت و قدرت خود بیفزاید، ظلم روا داشته است (طهماسبی، ۱۳۹۳).

در آیه ۱۸۸ سوره اعراف^۶ آمده است «بگو جز آنچه خدا بخواهد، برای خودم اختیار سود و زبانی ندارم و اگر غیب (استقلالی نه تبعی) می‌دانستم قطعاً خیر بیشتری برای خود می‌اندوختم و هرگز به من آسیبی نمی‌رسید، اما من جز بیم‌دهنده و بشارتگر برای گروهی که ایمان می‌آورند، نیستم».

پیامبر گرامی (ص) هرگز از موقعیت خود سوءاستفاده نکرد و بر قدرت و ثروت خود نیفزود و گرایش به تکاثر و کثرت مال و ثروت نداشت؛ البته مردم و اعراب حجاز و نجد دوست داشتند که پیامبر (ص) به عنوان انسان مانند آنان از این موقعیت سوءاستفاده کند؛ زیرا آسیب‌های اجتماعی مانند فزون‌خواهی و سوءاستفاده از موقعیت برای انحصارگرایی در میان آنان رشد کرده و تقویت شده بود. به خاطر احتمال و امکان سوءاستفاده از موقعیت، خداوند زنان پیامبر (ص) را به عنوان مادران امت معرفی می‌کند تا کسی پس از پیامبر (ص) با آنان ازدواج نکند و این‌گونه شرایط برای سوءاستفاده از این زنان برای برتری‌جویی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فراهم نشود (احزاب/۶). بر اساس آیات قرآن (از جمله انعام/۱۹۰؛ هود/۲۹ و ۵۱؛ شعرا/۱۰۹، ۱۲۷ و ۱۴۵)، پیامبران مأمور شده‌اند که از موقعیت خود سوءاستفاده نکنند و چیزی از مردم نخواهند و خود را بر مردم تحمیل نکنند (طهماسبی، ۱۳۹۳).

در بسیاری از آیات قرآن نیز به اهمیت شایسته‌سالاری و دوری از رابطه‌پروری و پارتی‌بازی و توجه به ملاک‌هایی مانند ایمان و علم و تقوا به جای مال و فرزند و نژاد و... اشاره شده است. برای مثال، در آیه ۲۴۷ سوره بقره^۷، قرآن کریم نسبت به رانت‌های سیاسی و اجتماعی حساسیت نشان می‌دهد و خداوند با انتخاب طالوت به عنوان پادشاه، تأکید می‌کند که در انتصاب افراد باید به جای در نظر گرفتن ثروت و موقعیت سیاسی و اقتصادی و نفوذ آنان، بر ملاک‌های شایسته‌سالاری تمرکز کرد.

۳-۲. احادیث معصومان (ع)

دسته‌ای از روایات به جایز نبودن کسب سود و منفعت بدون تلاش نظر داشته‌اند؛ مسئله‌ای که درباره رباخواری نیز دیده می‌شود و از این حیث رباخواری تا حدی مشابه با رانت‌خواری است. افزون بر آیات و روایاتی که در تحریم رباخواری وجود دارد^۸، در احادیثی نیز به کسب منفعت بدون تلاش، اشکالاتی وارد شده است. امام صادق (ع)^۹ درباره کسی که خانه‌ای را اجاره می‌کند، سپس بیش از آنچه اجاره کرده است، به دیگری اجاره می‌دهد، می‌فرماید: این روا نیست مگر اینکه در خانه کاری (تعمیر یا نوسازی) کرده باشد.^۹ (کلینی، ۱۳۴۵، ج ۵، ص. ۲۷۳). همچنین، از یکی از امامان (ع)^{۱۰} پرسیده شد که اگر مردی عملی را بپذیرد، اما آن را انجام ندهد، بلکه به دیگری بسپارد و مقداری هم سود برای خود منظور دارد، حکمش چیست؟

امام پاسخ داد نه (جایز نیست)؛ مگر اینکه خود عملی در آن انجام داده باشد (حر عاملی، ج ۱۹، ص. ۱۳۲).

سوءاستفاده از موقعیت و رانت خواری و ویژه طلبی مسئله‌ای است که در فرمان امیر مؤمنان حضرت علی^(ع) به مالک اشتر هنگام فرمانداری مصر نیز مورد توجه بوده است. ایشان در آن فرمان می‌نویسد «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند. ریشه ستمکاری‌شان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچ‌کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نشود که به مردم زیان رساند مانند آبیاری مزارع یا زراعت مشترک که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند. در این صورت سودش برای آنان و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند... حق را به صاحب حق، هرکس که باشد، نزدیک یا دور، پرداز و در این کار شکیباش و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار. گرچه اجرای حل مشکلاتی برای نزدیکان فراهم آورد، تحمل سنگینی آن را به یاد قیامت بر خود هموار ساز...» (امام علی^(ع)، نامه ۵۳).

۳-۳. ویژه خواری در اندیشه فقهای معاصر

اغلب فقها نیز به تبعیت از منابع فقهی کمتر متعرض عنوان ویژه خواری شده و درباره ماهیت آن بحث کرده‌اند و تنها مباحثی را مطرح کرده‌اند که در مبانی و منابع فقهی وجود دارد و مرتبط با ویژه خواری است. با این حال، برخی از فقهای معاصر به صراحت ویژه خواری یا عناوین مشابه آن پرداخته و با شرایطی حکم به حرمت آن داده‌اند. اینان تأکید داشته‌اند که زمامداران و صاحبان قدرت و مسئولان حکومت اسلامی باید در مقابل افراد فرصت طلب و نان به نرخ روز خور هوشیار باشند و اجازه ندهند که اقوام و خویشاوندان آن‌ها در پناه مقام و جایگاه آنان به منافع نامشروع مادی برسند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ص. ۱۵۲).

برخی از فقهای معاصر با استفاده از عنوان مفت خواری و مفت خواران معادلی تقریباً نزدیک به ویژه خواری را مدنظر داشته‌اند؛ البته این اصطلاح بیشتر جنبه مالی دارد حال آنکه ویژه خواری درباره منافع غیرمالی نیز مصداق می‌یابد. ایشان در توصیف مفت خواری می‌گویند «عبارت از گرفتن مال دیگران بدون انجام دادن عملی هم‌ارزش آن است اعم از اینکه در مقابل آن کاری انجام دهد که هم‌ارزش آن مال نباشد یا اینکه اساساً کاری در مقابل

آن انجام ندهد. همچنین، کاری که از نظر شرعی بی‌ارزش شمرده می‌شود مانند قمار، شرط‌بندی، دزدی، رباخواری، کم‌فروشی و مانند این‌ها» (صادقی تهرانی، ۱۳۹۳). بنا بر این نظر، دریافت مال بدون انجام دادن عملی هم‌ارزش آن (همان مفهوم اقتصادی ویژه خواری)، گناه شمرده می‌شود و فعلی حرام است؛ زیرا درحقیقت، تساوی افراد را نقض می‌کند و حق دیگران را از بین می‌برد.

۳-۴. عناصر ویژه خواری مفسدانه در مبانی فقهی

اگر بخواهیم ارکان ویژه خواری به‌عنوان فعل مفسدانه را در فقه اسلامی بیابیم، با توجه به مبنا قرار دادن آیات و روایات و عناوین مجرمانه‌ای که بحث شد، به نظر می‌رسد این عناصر گفتنی است.

الف. منفعت بی‌تلاش

با بررسی آیات و روایات مشخص می‌شود که از یک جنبه علت تحریم بسیاری از درآمدها، به دست آوردن منفعت بدون کوشش و تلاش است که استحقاقی برای آن وجود ندارد. خداوند در قرآن در آیات ۳۹ و ۴۰ سوره نجم^{۱۰} می‌فرماید «و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و نتیجه کوشش او به‌زودی دیده خواهد شد. سپس هرچه تمام‌تر وی را پاداش دهند». از بررسی این آیات - که در کل مباحث اقتصادی، آیه مادر و مرجع است - به این نکته باارزش پی می‌بریم که انسان‌ها تنها استحقاق مالکیت آن چیزهایی را دارند که برای آن تلاش و کوشش کرده‌اند. این اصل حتی در شرایع گذشته نیز قانون مادر و عمومی بوده است. ازجمله پیامی که در آیات سوره‌های قرآن مانند انشقاق/۱۶، بقره/۱۸۸ و نساء/۲۹^{۱۱} وجود دارد.

به‌هرحال عنصر منفعت بی‌تلاش باید همراه با عنصر دیگری به نام بی‌عدالتی و ضرررسانی به دیگران باشد تا بتواند جنبه نامشروع به خود بگیرد؛ موضوعی که در بسیاری از ویژه‌خواری‌ها وجود دارد.

ب. سوءاستفاده از قدرت و انحصار

معمولاً هر سمت و مقامی قدرتی با خود می‌آورد که در صورت انحراف از مسیر، به مسائلی مانند ویژه‌خواری می‌انجامد. این سوءاستفاده از قدرت ممکن است به‌صورت رشوه‌خواری تحقق یابد یا اینکه با رفتار غیرعادلانه حاکم اسلامی، گروهی از افراد به پول، ثروت و مقام

برسند و در حق دیگران ظلم شود. همان‌گونه که دیدیم، در قرآن و روایات به تقبیح ثروت‌اندوزی و استکبار پرداخته شده است. انحصار هم در مواردی که باعث ظلم شود، کاملاً قبیح دانسته شده است.

پ. رابطه‌گرایی و قوم‌و خویش‌پروری

بر اساس آموزه‌های اسلامی هیچ نوع برتری میان افراد وجود ندارد و ملاک دریافت منافع و امتیازهای ویژه، شایستگی افراد و مصالح کشور است که البته آن هم باید با رعایت عدالت باشد. رابطه‌پروری و پارتی‌بازی به‌طور مستقیم به نقض عدالت و رفتار مساوی منجر می‌شود.

ت. تبعیض و بی‌عدالتی و اضرار به غیر

مهم‌ترین رکن ویژه‌خواری به‌عنوان فساد، تبعیض و بی‌عدالتی است که در آن ضرررسانی به دیگران وجود دارد. علت اصلی نهی از قوم‌گرایی، ایجاد انحصار، سوءاستفاده از قدرت و گرایش به سمت مفت‌خواری این است که در تمام این موارد اغلب به دست آوردن منفعت به بهای نقض عدالت و ضرررسانی ولو غیرمستقیم به دیگران است. رشوه‌ای که قاضی دریافت می‌کند، درنهایت، حق یکی از اصحاب دعوی را ضایع می‌کند؛ همان‌طور که انحصارطلبی و ایجاد قیمت‌های کاذب باعث انتقال ناحق دارایی افراد جامعه به سمت عده‌ای خاص می‌شود و نیز در توزیع توأم با پارتی‌بازی یا زدوبند و رشوه‌گیری اموال، امکانات، مشاغل و فرصت‌هایی که منشأ آن‌ها اقتدار مدیران و مأموران حکومت است، همیشه شایستگی افراد نادیده گرفته می‌شود و حق عده‌ای پایمال می‌شود. اما اگر اعطای یک امتیاز و رانت، به دیگران ضرری وارد نکند یا رقابت سالم را از بین نبرد، نمی‌تواند به‌عنوان فساد تلقی شود.

۴. تحلیل ویژه‌خواری در پیشینه قانون‌گذاری ایران

اکنون که با ماهیت و مسائل مهم مرتبط با رانت‌خواری آشنا شدیم، این پرسش مطرح می‌شود که توجه به ویژه‌خواری و مصادیق آن چه جایگاهی در قوانین و مقررات کنونی دارد؟ برای آشکار شدن این موضوع باید دید که آیا ویژه‌خواری با این مفهوم، در قوانین مربوط جرم‌انگاری شده است و قوانین کنونی چگونه به مقابله با آن پرداخته‌اند؟ برخی از عناوین مستقل مجرمانه در قوانین جزایی که با مفهوم ویژه‌خواری در ارتباط هستند، نقش مهمی در

کنترل این عمل دارند که باید به آن‌ها توجه و از حیث چگونگی ارتباط با ویژه خواری بررسی شود.

۴-۱. مقررات کارامحور در حوزه ویژه خواری

قوانین پراکنده بسیاری در نظام حقوقی ما وجود دارد که به گونه‌ای با عمل ویژه خواری در ارتباط هستند. این قوانین به ظاهر ممکن است نامی از ویژه خواری نبرده باشند، اما از راه‌های زیر با ویژه خواری مربوط می‌شوند.

الف. دسته‌ای از قوانین دارای تأثیر مهمی در پیشگیری از ویژه خواری هستند و اصولاً برای بستن گلوگاه‌های فساد و ایجاد سد در مسیر رانت خواری وضع شده‌اند.
ب. بسیاری از قوانین نیز با جرم‌انگاری اعمالی که با مفهوم ویژه خواری منطبق هستند یا رابطه‌ای قوی با رانت خواری دارند (مانند رشوه خواری، زمین خواری، احتکار، کسب مال از طریق نامشروع، اختلاس، پول شویی و...)، به نوعی در مقابله با ویژه خواری حائز اهمیت هستند که برخی از اهم این عناوین مجرمانه را به طور مجزا در مبحث بعدی مورد بحث قرار می‌دهیم.

تعداد قوانین و مقررات و حتی اسناد بالادستی که در رابطه با دو مورد فوق می‌توان مثال زد، بسیار است، اما در اینجا تنها برخی از مهم‌ترین آن‌ها^{۱۲} را بیان می‌کنیم و در عناوین بعدی به چگونگی مقابله با ویژه خواری با قوانین موجود و بیان خلاصه‌ای این قوانین می‌پردازیم.

- اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^{۱۳}.
- موادی از سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴.
- مواردی از سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز بیست‌ساله.
- فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری در رابطه با فساد، ابلاغی سال ۱۳۸۰.
- قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۸.
- قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۳.
- کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲.
- موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱.

- کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (۳۱ اکتبر سال ۲۰۰۳) بر اساس قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی به کنوانسیون فوق مصوب ۱۳۸۵/۰۳/۲۱ مجلس شورای اسلامی.
- طرح ۵۱ ماده‌ای با عنوان «مبارزه با جرائم اقتصادی» سال ۱۳۹۹.

۴-۲. تحلیل گفتمان واکنش محور قانون‌گذار در ویژه‌خواری

برای اینکه زوایای موردنظر قانون‌گذار در پیشگیری و مبارزه با ویژه‌خواری بیشتر آشکار شود و بتوان تحلیل خوبی از سیاست تقنینی کنونی در مقابله با ویژه‌خواری ارائه کرد، باید نگاهی نزدیک‌تر به قوانین مرتبط به آن داشته باشیم.

الف. قانون اساسی

نخستین منبع مهم مبارزه با ویژه‌خواری، قانون اساسی است. در بند ۹ اصل ۳ این قانون بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» تأکید شده است. همچنین، در اصل ۲۰ به حمایت یکسان قانونی از افراد ملت توجه شده است. در واقع، یکی از عناصر مهم ویژه‌خواری، تبعیض ناروا و تبعیض قانونی در میان افراد جامعه است که با رعایت اصول فوق می‌توان از ویژه‌خواری جلوگیری کرد. اصل ۴۹ نیز دولت را موظف به توقیف و بازپس‌گیری عواید و ثروت‌های نامشروع می‌کند که می‌توان آن را به عواید ناشی از ویژه‌خواری‌ها نیز تسری داد^{۱۷}.

در اصول ۱۴۱ و ۱۴۲ قانون اساسی به ترتیب با طرح ممنوعیت دوشغله بودن برای متصدیان برخی مشاغل و وظیفه رئیس قوه قضائیه در رسیدگی به دارایی رهبر، رئیس‌جمهوری، معاونان رئیس‌جمهوری، وزیران و همسر و فرزندان آنان (قبل و بعد از خدمت)، سعی شده است تا جلوی رانت و کسب منافع نامشروع برای افراد متنفذ و وابستگان آنان گرفته شود.

ب. قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴

در ماده ۵۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به‌صراحت گفته شده، «هرگونه کمک و اعطای امتیاز دولتی (ریالی، ارزی، اعتباری، معافیت، تخفیف، ترجیح، اطلاعات یا مشابه آن) به‌صورت تبعیض‌آمیز به یک یا چند بنگاه یا شرکت که موجب تسلط در بازار یا اخلال در رقابت شود، ممنوع است». در یکی از پرونده‌های رانت‌بخشی به شرکتی

خاص که از سوی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دادسرای دیوان محاسبات ارجاع شد، حکم دیوان چنین است «انعقاد تفاهم‌نامه موصوف... خارج از رویه مورد عمل و از مصادیق امتیاز ویژه (موضوع ماده ۵۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی) محسوب می‌گردد» (به نقل از روزنامه کیهان، بخش اقتصادی، صفحه ۴، دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۳).

ب. برنامه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد

شاید یکی از معدود اسناد مهمی که در کنار پرداختن به ویژه خواری به معنای عام، از اصطلاح ویژه خواری به معنای خاص (انحصار) استفاده کرده، برنامه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد باشد. در بند ۲ این برنامه آمده است «به منظور پیشگیری از بروز فساد در کلیه دستگاه‌ها، سازمان‌های دولتی و عمومی و مؤسسات و سازمان‌های وابسته به آن‌ها و ارتقای سلامت در نظام اداری و اجرایی کشور، کلیه دستگاه‌های مشمول این برنامه موظف‌اند لوایح مورد نظر ذیل را برای تسری، اصلاح یا اطلاق قوانین انجام و ظرف یک سال پس از ابلاغ این برنامه، به هیئت وزیران ارائه نمایند... د- قوانین مربوط به بازار سرمایه از جمله قانون تأسیس سازمان بورس اوراق بهادار در جهت ممنوعیت استفاده از اطلاعات قبل از انتشار عمومی آن و ممنوعیت معاملات کارگزاران و کارمندان بورس (وزارت امور اقتصادی و دارایی). ه- قانون راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری - مصوب ۱۳۳۷ - در جهت رفع ابهام و کاهش اشخاص مشمول و تصریح موارد استثنای آن (وزارت امور اقتصادی و دارایی). و - قانون تشدید مجازات ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری - مصوب ۱۳۶۷ - در جهت افزایش ریسک و ظرفیت‌های قانونی مقابله با مرتکبان فساد (وزارت دادگستری). ز - لایحه تشدید مجازات سوءاستفاده‌کنندگان از اطلاعات منتشر نشده و نیز افشای غیرقانونی اطلاعات اشخاص نزد دستگاه‌های مختلف (وزارت اطلاعات با همکاری وزارت دادگستری). ط- لایحه ضد انحصار و رانت خواری (وزارت امور اقتصادی و دارایی). ی- لایحه شایسته‌سالاری و همچنین، انتخاب و انتصاب مدیران با تأکید بر تعیین صلاحیت تخصصی مدیران و کارمندان واحدهای بازرسی، نظارتی و امور مالی و دستگاه‌های مشمول این برنامه و مکانیزم‌های ارزیابی آن‌ها (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور).

قوانین دیگری که به جرم‌انگاری مصادیق ویژه‌خواری یا جرائمی مانند رشوه‌خواری، تبانی در معاملات دولتی، احتکار، زمین‌خواری و... که بعضاً با ویژه‌خواری ارتباط تنگاتنگی دارند، پرداخته‌اند نیز از منابع مهم مقابله با رانت‌جویی و ویژه‌خواری به شمار می‌روند.

۴-۳. چالش‌های جرم‌انگاری ویژه‌خواری اقتصادی

درباره جرم‌انگاری ویژه‌خواری، مشکلات قانونی بسیاری وجود دارد. این مشکلات ناشی از دو عامل است. یکی مشکلات اجرایی مقابله با فساد در کشور و دیگر مشکلات ناشی از خلأ تقنینی. مشکلات اجرایی به نقایصی برمی‌گردد که در سطوح فرهنگی و اجتماعی و نیز عزم اجرایی قوای سه‌گانه وجود دارد. این مشکلات درباره تمام مصادیق فساد وجود دارد، اما مشکل نقص قانون‌گذاری در ویژه‌خواری موضوعی دیگر و به معنای بی‌توجهی قانون‌گذار به تصویب قوانین مناسب برای پیشگیری و مبارزه همه‌جانبه با مقوله رانت‌خواری است.

با توجه به قوانینی که پیش‌تر از آن‌ها یاد شد، مقابله نظام حقوقی و کیفری با مفاسدی که ارتباطی مستقیم یا غیرمستقیم با ویژه‌خواری دارند و اغلب با آن ملازمت و همراهی می‌یابند (مانند رشا و ارتشا، اخلال در نظام اقتصادی، احتکار، زمین‌خواری، پول‌شویی و تبانی در معاملات دولتی)، به‌طور گسترده‌ای صورت گرفته است و نهادهای بسیاری از قوه قضائیه و دیوان عدالت اداری گرفته تا دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور و نیز نهادهایی مثل وزارت اطلاعات، نظارت نمایندگان مجلس و کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی و نهادهای نظارت و بازرسی دولتی و صنفی در قوانین پیش‌بینی شده‌اند تا در پیشگیری، کنترل و مبارزه با فساد در حدود صلاحیت‌های خود اقدام کنند.

با این حال، به‌رغم جرم‌انگاری‌های صورت گرفته درباره اعمال مرتبط با ویژه‌خواری، هنوز هم ویژه‌خواران در مواردی بدون ترس از قانون به کار خود ادامه می‌دهند. این موضوع به‌خصوص درباره ویژه‌خواران اطلاعاتی و کسانی که رانت‌های اطلاعاتی را ارائه می‌دهند، به چشم می‌خورد؛ به‌طوری‌که به‌جز چند ماده محدود درباره بازار بورس و پاره‌ای از مواد کلی بدون ضمانت اجرایی کافی، در این باره صراحت قانونی لازم که اقتضای قوانین کیفری است، وجود ندارد. برای مثال، سوءاستفاده از اطلاعات و رانت‌های اطلاعاتی درباره نوسانات

نرخ سکه و ارز در ایران سود کلانی را به جیب برخی سرازیر می‌کند؛ زیرا راهکار مشخصی برای مبارزه با آن پیش‌بینی نشده است. مثال مهم دیگر، رانت اطلاعاتی و ارتباطاتی پرونده‌های اختلاس بزرگ است. متهمان این پرونده‌ها بعضاً با استفاده از ارتباطاتی که داشتند، امتیازات اقتصادی گزافی در مقابل رشوه دریافت کردند. همچنین، درباره بسیاری از کسانی که امتیازات و منافع اقتصادی، اداری، اجتماعی، آموزشی و قضایی را به‌خاطر نزدیکی خود به کانون‌های قدرت و مدیرانی که اختیار تصمیم‌گیری دارند، به دست می‌آورند، قوانین پیشگیری‌کننده، بازدارنده یا کیفری لازم‌الاجرا و منسجمی وجود ندارد.

۴-۴. مروری بر ماده ۲۳ طرح مبارزه با جرائم اقتصادی

در راستای اجرای سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۶، طرحی با نام «طرح مبارزه با جرائم اقتصادی» در ۵۱ ماده در کمیسیون قضایی مجلس به تصویب رسید و برای بررسی در صحن علنی مجلس به هیئت‌رئیس ارسال شد که از آن تاریخ تاکنون تصویب نشده است.

ماده ۲۳ این طرح بیان می‌دارد: تحصیل هرگونه منفعت یا امتیاز مادی ناشی از اعمال نفوذ برخلاف حق یا سوءاستفاده از مقام و موقعیت شغلی توسط کارکنان دستگاه‌های مندرج در ماده ۸ یا سوءاستفاده از اطلاعاتی که با توجه به سمت یا هرگونه رابطه با اشخاص موضوع قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴/۰۹/۰۸ در دسترس افراد قرار می‌گیرد، ویژه‌خواری (رانت) محسوب و ارائه‌دهنده اطلاعات و سوءاستفاده‌کننده آن علاوه بر ضبط مال تحصیل‌شده به حبس درجه ۵ یا جزای نقدی معادل دو برابر اموال یا وجوه تحصیل‌شده یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند. رسیدگی به این جرم با رعایت نصاب مندرج در ماده ۸ این قانون در صلاحیت سازمان است.

از موارد مهم این ماده، بحث ویژه‌خواری اطلاعاتی است که با توجه به تأثیر آن بر عرصه اقتصادی، در برقراری توازن از اهمیت فراوانی برخوردار است. بحث فناوری اطلاعات و ارتباطات، بحث نسبتاً جدیدی است که در دهه‌های اخیر بدان توجه خاص شده و تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی در فرایند توسعه کشورها، انکارناپذیر به نظر می‌رسد؛ به‌خصوص که امروزه با پیشرفت فناوری اطلاعات، داده‌های اطلاعاتی از نقش فزاینده‌تری برخوردار

شده‌اند. از آنجاکه در بیشتر احکام فقهی، موضوع حکم، فعل مکلف است، دانستن مقدار و میزان تأثیر اطلاعات بر فعل مکلف در حوزه اقتصادی، نقش مهمی در احکام یادشده ایفا می‌کند.

از نکات دیگر این ماده، مقید بودن آن به نتیجه است که این نکته را می‌توان از متن ابتدایی ماده که بیان می‌دارد «تحصیل هرگونه منفعت یا امتیاز مادی ...» و همچنین، قسمت میانی ماده در بحث مجازات ویژه‌خوار با آوردن جمله «علاوه بر ضبط مال تحصیل شده ...» پی برد. نکته بعدی ماده ۸ این طرح است که افزون‌بر جرائم اقتصادی موضوع تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، جرائم موضوع مواد ۲۲ و ۲۳ این قانون را هم مشمول جرائم اقتصادی دانسته است تا موضوع رانت اطلاعاتی را از زیرمجموعه‌های جرائم اقتصادی و مشمول رسیدگی در دادسراها و دادگاه‌های سازمان قرار دهد.^{۱۸}

بحث و نتیجه‌گیری

گسترش ویژه‌خواری و رانت‌جویی در جامعه افزون‌بر اینکه به‌تنهایی و به‌واسطه گسترش فساد، فقر، بی‌عدالتی و خروج سرمایه‌های مادی و معنوی از کشور موجب مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی و حتی تهدید علیه امنیت ملی می‌شود، به‌خاطر رابطه مستقیم یا غیرمستقیمی که با دیگر جرائم و مفاسدی مانند رشوه‌خواری، احتکار، زمین‌خواری، کسب مال نامشروع، اختلاس، پول‌شویی، کلاهبرداری و... دارد، منجر به افزایش جرائم مختلف در جامعه و ضربه‌های مهلک به پیکر اجتماع می‌شود. با این حال، باید دانست که رانت در معنای ریشه‌ای خود همواره مفهوم منفی به‌عنوان فساد نیست، بلکه در زمان‌هایی که اعطای امتیاز و ایجاد انحصار و کسب سود، به‌واسطه ضرورت حمایت دولت یا طبیعت بازار یا به علت پاره‌ای از مصالح و منافع عمومی باشد، نمی‌توان آن را به‌عنوان فساد تلقی کرد. در واقع، برای اینکه ویژه‌خواری به‌عنوان فساد تمیز داده شود، باید به تعریف حقوقی که عناصر ویژه‌خواری در آن جمع شده است، دست زد. بنا به این تعریف گسترده، ویژه‌خواری عبارت است از به دست آوردن منافع مالی و غیرمالی از طریق سوءاستفاده از مقام‌های قانونی و موقعیت‌های ویژه به‌طوری‌که همراه با برهم زدن عدالت و ایجاد تبعیض در افراد جامعه باشد. با این حال، برخی افراد از ویژه‌خواری معنای محدودی در نظر دارند که تنها شامل نفوذ در لایه‌های

قدرت برای ایجاد انحصار در عرضه و توزیع در راستای کسب منفعت است که این معنای محدودتر ویژه‌خواری است.

با وجود تمام قوانینی که مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با پیشگیری و مجازات رانت‌دهندگان و رانت‌خواران هستند، در هیچ قانونی، این عمل به‌طور مجزا مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته است و هنوز هم در زمینه رانت‌خواری مشکلات قانونی بسیاری وجود دارد. این مشکلات ناشی از دو عامل است. یکی مشکلات اجرایی مقابله با فساد در کشور و دیگر مشکلات ناشی از خلأ تقنینی. مشکلات اجرایی به نقایصی برمی‌گردد که در سطوح فرهنگی و اجتماعی و نیز عزم اجرایی قوای سه‌گانه وجود دارد. این مشکلات درباره تمام مصادیق فساد وجود دارد، اما مشکل نقص قانون‌گذاری در رانت‌خواری موضوعی دیگر و به معنای بی‌توجهی قانون‌گذار به تصویب قوانین مناسب برای پیشگیری و مبارزه همه‌جانبه با رانت‌خواری است. در نظام حقوقی ما با توجه به ابتدای قواعد حقوقی بر شرع اسلامی، بسیار ضرورت دارد که ماهیت ویژه‌خواری در فقه نیز بررسی شود. با بررسی آیات و روایات فقهی و نظریات علما در مذاهب اسلامی، ضمن اهمیت بسیار زیاد به موازنه سود و تلاش و عدالت در جامعه اسلامی و تأکید بر محو احتکار، انحصار، کنز، قماربازی، ربا، فریب‌کاری و کلاهبرداری در معاملات و اهمیت به رفاه همگانی، عناوین کلی مشابهی مانند اکل مال به باطل و اکل سحت و تصرف در بیت‌المال و همچنین، عناوین خاصی مانند رشوه‌خواری و احتکار بحث میشود. درباره ویژه‌خواری ملاک‌ها و مصادیقی دیده شد که بر اساس آن‌ها در فقه اسلامی ویژه‌خواری به‌عنوان فعل حرام به شمار می‌رود. بنا به یافته‌های تحقیق حاضر، ارکان ویژه‌خواری عبارت از منفعت بی‌تلاش یا نامتوازن با آن، سوءاستفاده از قدرت و انحصار، رابطه‌گرایی و قوم‌و خویش‌پروری و تبعیض و بی‌عدالتی و اضرار به غیر است. در واقع، به دست آوردن هر نوع منفعتی که بدون تناسب با تلاش و بر اثر سوءاستفاده از موقعیت و ایجاد انحصار یا پارتی‌بازی و قوم‌گرایی باشد و به تبعیض و پایمال شدن حق دیگران بینجامد، مصداق رانت‌خواری مفسدانه و از منظر شرعی حرام است.

قوانین پراکنده بسیاری در نظام حقوقی ما وجود دارند که به‌گونه‌ای با ویژه‌خواری در ارتباط هستند. این قوانین به‌ظاهر نامی از ویژه‌خواری نبرده‌اند، اما به‌گونه‌ای با ویژه‌خواری ارتباط دارند از جمله اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، موادی از سند

چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴، مواردی از سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز بیست‌ساله، فرمان هشت‌ماده‌ای مقام معظم رهبری در رابطه با فساد، ابلاغی سال ۱۳۸۰، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۸ و از همه مهم‌تر، طرح ۵۱ ماده‌ای با عنوان «مبارزه با جرائم اقتصادی» سال ۱۳۹۹.

با توجه به اهمیت استقرار نظام اقتصادی عدالت‌محور و شایسته‌سالار و نیز پرهیز از فعالیت‌های تعارض‌محور و مخل نظم اقتصادی، باید مسئولان اهتمام جدی و کارا در تدوین و تصویب مقررات جامع و فراگیر داشته باشند تا افزون‌بر فرهنگ‌سازی و پیشگیری از هرگونه رانت‌بازی و ویژه‌خواری، همه نهادهای دولتی و دستگاه قضایی و نهادهای نظارتی برای برخورد پیشگیرانه و واکنش‌محور وارد عرصه شوند.

یادداشت‌ها

1. Supria Guru. The Concepts of Rent for the use of Land in <http://www.yourarticlelibrary.com/economies>

۲. برای مثال رک به: سوره‌های رعد/۲۵؛ شعراء/۱۵۲؛ بقره/۲۲۰؛ اعراف/۱۴۲؛ صاد/۲۸؛ مائده/۳۳؛ بقره/۲۷ و ۲۰۵؛ قصص/۸۳؛ یوسف/۷۳؛ هود، ۸۵؛ انبیاء/۲۲ و

۳. برای مثال، در بند پ ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، این معنای فساد مدنظر بوده است «صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آن‌ها قابل تعویق و تعلیق نیست: ... پ- قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا».

4. Monopoly Rent

۵. برای مثال رک به: سوره‌های رعد/۲۵؛ شعراء/۱۵۲؛ بقره/۲۲۰؛ اعراف/۱۴۲؛ صاد/۲۸؛ مائده/۳۳؛ بقره/۲۰۵؛ قصص/۸۳؛ بقره/۲۷؛ یوسف/۷۳؛ هود، ۸۵؛ انبیاء/۲۲ و

۶. قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبُ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.

۷. وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا قَالُوا أَأَتَى بِكُنُ لَه أَلْمَلِكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مِنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

۸. برای مثال ر.ک به: روم/ ۳۹؛ نساء/آیه ۱۶۱؛ آل عمران/۱۳۰ و ۱۳۱.
۹. علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد، عن الحلبي، عن أبي عبد الله (ع) في الرجل يستأجر الدار ثم يؤجرها بأكثر مما استأجرها؟ قال: لا يصلح ذلك إلا أن يحدث فيها شيئا.
۱۰. وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (۳۹). وَ أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يَرَى (۴۰).
۱۱. يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (انشقاق ۶). وَكَأْتَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْغَلُوا بِهَا إِلَىٰ الْحُكَّامِ لَتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/۱۸۸). يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَكَأْتَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (نساء/۲۹).
۱۲. این قوانین با توجه به منابع مختلفی که به قوانین مرتبط با فساد اداری و اقتصادی نظر داشته و با استفاده از سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جست‌وجو، جمع‌آوری و ارائه شده‌اند (<http://rc.majlis.ir/fa/law>).
۱۳. اصول ۳، ۲۰، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۹۰، ۱۰۱، ۱۴۱ و ۱۴۲.
۱۴. ذیل فصل ۹ با عنوان «تسهیل رقابت و منع انحصار».
۱۵. به‌ویژه فصل ۱۳ این قانون، مواد ۵۹۸ تا ۶۰۶.
۱۶. مواد ۳۶، ۴۷ (بند ج)، ۱۰۹ (بند ب) و ۲۸۶.
۱۷. اصل ۴۹: دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمینه‌ای موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به‌وسیله دولت اجرا شود.
۱۸. علاوه بر جرائم اقتصادی موضوع تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، جرائم موضوع مواد ۲۲ و ۲۳ این قانون، جرائم موضوع فصل ۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و همچنین، کلاهبرداری، خیانت در امانت و تحصیل مال از طریق نامشروع نسبت به کلیه اموال و وجوه و اسناد مالی متعلق به هریک از دستگاه‌های موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷ و ماده ۲۹ قانون ۵ ساله برنامه ششم توسعه... یا متعلق به نهادها و سازمان‌های متکفل اداره اموال موقوفه یا متعلق به اشخاص حقوقی که تمام یا بخشی از اعتبارات آن‌ها از محل اعتبارات دستگاه‌های مذکور یا از محل بودجه عمومی تأمین

می شود یا متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی باشد، با رعایت مبلغ مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی جزو جرائم اقتصادی محسوب می شود. در کلیه موارد مذکور چنانچه میزان مال موضوع جرم یا عواید حاصل از آن یا جمع آن ها بیش از ۵۰ میلیارد ریال باشد، با هر میزان مجازات، رسیدگی در صلاحیت دادسرا و دادگاه های سازمان و در سایر موارد در صلاحیت سایر مراجع قانونی مقرر قرار دارد...

کتابنامه

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران* (جلد ۱). تهران: سمت.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران*. تهران: قومس.
- اسحاقی، سیدحسین (معاصر) (شهریور ۱۳۸۴). نگاهی به پدیده رانت و رانت جویی در ایران. *رواق اندیشه*، شماره ۴۵.
- افضلی، عبدالرحمان (۱۳۹۰-۱۳۹۰)، فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه؛ علل، پیامدها و راهکارهای برون رفت. *مجله حقوقی بین المللی*، سال ۲۷، شماره ۴۵.
- اکبرنژاد، مهدی؛ یعقوبی، مینا؛ و غلامی، فرزاد (بهار و تابستان ۱۳۹۳). بررسی فساد اداری از دیدگاه قرآن و احادیث. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی*، سال ۲۲، شماره ۱.
- امام علی (ع)، نهج البلاغه (ناصر مکارم شیرازی، مترجم).
- آرشیو روزنامه آفتاب (۲۸ آبان ۱۳۸۸). شماره ۲۷۸۲. (<https://www.magiran.com/article/1989120>)
- آفانظری، حسن (۱۳۸۴). عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام. *نشریه اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۴.
- توانایان فرد، حسن (معاصر) (۱۳۸۶). *فرهنگ تشریحی اقتصاد*. تهران: نشر جهان رایانه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ ۱۳، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۹). *دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- حبیبی، نادر (۱۳۷۵). *فساد اداری*. تهران: انتشارات وثقی.
- حر عاملی، محمدبن حسن. *وسائل الشیعه* (جلدهای ۹ و ۱۹). انتشارات آل البیت، کتابخانه مدرسه فقاقت (<https://www.lib.eshia.ir>).

- حسین‌خان، مشتاق (۱۳۸۶). رانت‌ها، رانت‌جویی و توسعه اقتصادی (محمد خضری، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خضری، محمد؛ و رنانی، محسن (معاصر) (دی ۱۳۸۳). «رانت‌جویی و هزینه‌های اجتماعی آن». نامه مفید، شماره ۴۵.
- دادخدایی، لیلا (۱۳۹۰). فساد مالی-داری و سیاست جنایی مقابله با آن. چاپ اول، تهران: میزان.
- دادگر، حسن (۱۳۸۲). فساد مالی در تاریخ معاصر ایران. نشریه زمانه، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر. شماره ۹.
- درازن، آلن (۱۳۹۰). اقتصاد سیاسی، اقتصاد کلان (دکتر جعفر خیرخواهان، مترجم). تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- درویشی، فرهاد (معاصر) (پاییز و زمستان ۱۳۸۷). انقلاب اسلامی و رانت سیاسی. علوم اجتماعی، شماره ۴۲.
- دهخدا، علی‌اکبر (بی‌تا). لغت‌نامه، انتشارات شرکت چاپ افست گلشن.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۳). توسعه و تضاد. چاپ ۲، تهران: چاپ دانشگاه شهید بهشتی.
- روزنامه همشهری (۲۸ فروردین ۱۳۹۱). آشنایی با قرارداد رژی (تالپوت) (<http://hamshahrionline.ir/details/166406>).
- رهبر، محمدتقی (آبان ۱۳۸۵). مافیای ویژه‌خواری یا تروریست‌های عرصه اقتصاد. مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۹۹.
- رئیس‌دانا، فریبرز (آبان ۱۳۸۸). فساد، ... ویژه‌خوار. مجله حقوق و اقتصاد، شماره ۶.
- زارع سنگ‌درازی، حسن (۱۳۸۸). سیاست جنایی ایران در قبال پدیده رانت‌خواری با نگرش به اسناد بین‌المللی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پردیس قم.
- زمانی، علی‌اکبر (تابستان ۱۳۸۸). درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرائم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی. فصلنامه کارآگاه، سال دوم، شماره ۷.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۸۹). حقوق کیفری اقتصادی. تهران، چاپ اول، انتشارات جنگل.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۶). تبیین ساختارگرایی سیاسی-اقتصادی از فساد اقتصادی در ایران (پهلوی دوم ۵۷ - ۱۳۴۲). پژوهش‌نامه علوم سیاسی، شماره ۱.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۹۳). مفت‌خواران از دیدگاه کتاب و سنت. انتشارات شکرانه و گروه محققین جامعه علوم القرآن.

طهماسبی، مرتضی (دی ۱۳۹۳). رانت خواری و ویژه خواری از منظر اسلام. سرویس خبری کیهان (<http://www.kayhan.ir/fa/news/34369>).

عبداللهیان، امید. رانت خواری در قوانین اقتصادی چه جایگاهی دارد؟. دفتر مطالعات رسانه‌ای اقتصاد اسلامی، قابل دسترس در: <http://www.ieconews.ir/2230/view.html>.

فرج‌پور، مجید (۱۳۸۳). فساد و تبعیض؛ موانع توسعه در ایران. تهران: رسا.
فضلی‌نژاد، سیف‌الله؛ و احمدیان، مرتضی (۱۳۸۹). اقتصاد رانتی در ایران و راه برون‌رفت از آن. مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل سیاست‌های اقتصادی، دور ۱۰، شماره‌های ۱۱ و ۱۲.
فیسمن، ریموند؛ و میگل، ادوارد (۱۳۸۸). تبهکاران اقتصادی (فرخ قبادی، مترجم). چاپ اول، تهران: نگاه معاصر..

قرآن کریم (ناصر مکارم شیرازی، مترجم).

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵). الکافی (جلدهای ۲ و ۵). تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
محقق، محمدجواد (بی‌تا). بررسی مفاسد اقتصادی از دیدگاه اسلام. مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری شورای هماهنگی دستگاه‌های نظارتی، انتشارات زمان نو، مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران: صدرا.
معین، محمد (۱۳۶۳ و ۱۳۷۹). فرهنگ فارسی (۶ ج). تهران: امیرکبیر.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۷). تفسیر نمونه. چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
منتظر ظهور، محمود (۱۳۷۶). اقتصاد؛ خرد و کلان، تهران: نشر دانشگاه تهران.
مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۶). نگاهی به نقش سازمان‌های اطلاعاتی در امنیت اقتصادی (با تأکید بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی). بولتن مطالعات امنیت اقتصادی، شماره ۱۲، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

وفایی، علی (۱۳۸۷). بحران سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز. روزنامه مشارکت.
همدمی خطبه‌سرا، ابوالفضل (معاصر) (۱۳۸۴). فساد مالی؛ علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یوسفی‌نژاد، علی (معاصر) (مرداد و شهریور ۱۳۸۵). رانت‌خواهی و فساد مالی در اقتصاد ایران. مصباح، شماره ۶۴.

Abdolahian,omid. Rantkhari dar ghavanin eghtesadi ch jaygahi darad? Daftar motaleat resanehi eghtesad eslami, ghabel dastres dar <http://www.ieconews.ir/2230/view.html>.

Afzali,abdolrahman(1390), fcsad edari va tasir an bar toseh, elall, payamadha va rahkarhay bron raft. Majaleh hoghoghi beynolmelali, sal 27, shomareh 45.

- Aghanazari, hasan (1384). Edalat eghtesadi az nazar aflaton, arasto va eslam. Nashriyeh eghtesad eslami, shomareh 14.
- Akbar nezhad, mehdi; yaghobi, mina; gholami, farzad (bahar va tabestan 1393). Baresi fesad edari az didgah ghoran va ahadis. Do faslnameh elmi- pazhoheshi modiriat eslami, sal 22, shomareh 1.
- Arshiv roznameh aftar (18 aban 1338). Shomareh 2782. (<https://www.magiran.com/article/1989120>)
- Azghandi, alireza (1376). Tarikh tahavolat siyasi va ejtemaei iran (jeld 1). tehran: samt.
- Azghandi, alireza (1385). Daramadi bar jamehshenasi siyasi iran. tehran: ghoms.
- Dadgar, hasan (1382). Fesad mali dar tarikh moaser iran. Nashriyeh zamaneh. Mahnameh andisheh, tarikh siyasi iran. Shomareh 9.
- Dadkhodaei, leyla (1390). Fesad mali-edari va siyasat jenaai moghabelen ba an. chap aval. Tehran: mizan.
- Darvishi, farhad (paeiz va zemestan 1387). Enghelab eslami, rant siasi. Olomejtemaei, shomareh 42.
- Dehkhoda, aliakbar (bita). Loghatnameh, entesharat sherkat chap ofset golshan.
- Derazan, alen (1390). Eghtesad siyasi, eghtesad kalan (doctor jafar kheyr khahan, motarhem). Tehran: moaseseh ali amozesh va pazhohesh modiriat, barnameh rizi.
- Emam ali, nahjobalaghe (naseri makarem shirazi, motarjem).
- Eshagh, seyedhossein (shahrivar 1384). negahi be padideh rant va rant joii dar iran, vavagh andisheh, shomareh 45.
- Farajpor, majid (1383). fesad, taniz: mananeh toseh dar iran. Tehran: rasa.
- Fazlinezhad, seyfolah: ahmadian, morteza (1389). eghtesad ranti dar iran, rah bronraft az an. Majaleh eghtesadi- mahnameh baresi masael siasathay eghtesadi, dor 10, shomrehay 11, 12.
- Fesmen, rimond; migel, ednard (1388). Tabahkaran eghtesadi (farokh ghobadi, motarjem). Chap aval, tehran: negah moaser.
- Ghoran karim (naseri makarem shirazi, motarjem).
- Habibi, nader (1375). Fesad edari, tehran: entesharat vesghi.
- Hajiyosefi, amirmohammad (1389). dolat naft va toseh eghtesadi dar iran. Tehran: markaz asnad enghelab eslami, chap aval.
- Hamdami khotbehsara, abolfazl (1384). Fesad mali: elal, zamineh ha va rahbordhay mobarezeh ba an. Tehran: pazhoeshkadeh motaleat rahbordi.
- Hasankhan, moshtagh (1386). Rantha, rantjoii va toseh eghtesadi (mohammad khazari, otarjem). Tehran: pazhoeshkadeh motaleat rahbordi.
- Horamoli, mohamadebn hasan. Vasaeshie (jeldhay 9, 19). Entesharat alalbeyt, ketebkhaneh madreseh fghahat. (<https://www.lib.eshia.ir>)
- Jafari langerodi, mohammadjafar (1382). Terminolozhi hoghogh. Chap 13, tehran: ketabkhaneh ganj danesh.
- Kelini, mohamadbn yaghob (1365). Alkafi (jeldhay 2, 5). Tehran: nashr darolkotob alsلامي.
- Khazar, mohammad; ranani, mohsen (dey 1383). Rantjoii, hazinehay ejtemaei an, nameh mofid, shomareh 45.
- Makarem shirazi, naser va hamkaran (1367). Tafsir nemoneh. Chap 4. Tehran: darolkotob alesلامي.

- Moasseh tahghighati tadbir egtesad (1386). negahi be naghshe sazmanhay eteaati dar amniat eghtesadi (ba takid bar siyasathay koli asl 44 ghanon asasi). Bolten motaleat amniat eghtesadi, shomareh 12, tehran: entesharat moasseh tahghighati tadbir eghtesad.
- Moein, mohamad (1363 va 1379). Farhang farsi (6j). tehran: amirkabir.
- Mohaghegh, mohamadjavad (bita). Baresi mafased eghtesadi az didgah eslam. Majmoe maghalat hamayesh erteghay salamat edari shoray hamahngi dastgahhay nezarati, entesharat zaman no.
- Montazer zohor, mahmod (1376). Eghtesad; khord va kalan, tehran: nashr daneshgah tehran.
- Motahari, morteza (1386). Nazari be nezam eghtesadi eslam, tehran: sadra.
- Pearce David w, Macmillan Dictionary of Modern Economic, Third edition (1989).
- Raeis dana, fariborz (aban 1388). Fesad vizheh khar. Majaleh hoghogh va eghtesad, shomareh 6.
- Rafipor, faramarz (1373). Toseh , tazad. Chap2, tehran: chap daneshgah shahid beheshti.
- Rahbar, mohammadtaghi (aban 1385). Mafiay vizhehkhari ya teroristhay arseh eghtesad. Majaleh pasdar eslam, shomareh 299.
- Roznameh hamshahri (28 farvardin 1391). Ashnai ba gharardad rezhi (talbot). (<http://hamshahrionline.ir/details/166406>).
- Sadeghi tehrani, mohammad (1393). Moftkharan az didgah ketab , sonst. Entesharat shokraneh va goroh mohagheghin jameh olom ghorani.
- Saki, mohammadreza (1389). Hoghogh keyfari eghtesadi. Tehran, chap avl, entesharat jangal.
- Sardarnia, khalilalh (1386). Tabiin sakhtargaray siasi- eghtesadi az fesad eghtesadi dar iran (pahlavi dovom 57-1342). Pazhohesh nameh olom sisi, shomareh 1.
- Supriya Guru, The Concepts of Rent for the Use of Land in <http://www.yourarticlelibrary.com/economics>.
- Tahmasebi, morteza (dey 1393). Rantkhari va vizheh khari az manzar eslam. Servis khabari keyhan. (<http://www.kayhan.ir/fa/news/34369>).
- Tavanayan fard, hasan (1386). Farhang tashrihi eghtesad. Tehran; nashr jahan rayaneh.
- Vafaei, ali (1387). Bohran sarmayeh gozari dar sanat naft , gaz. Roznameh mosharekat.
- Yosefinezhad, ali (mordad va shahrivar 1385). Rantkhahi , fsad mali dar eghtesad iran. Mesbah, shomareh 64.
- Zamani, aliakbar (tabestan 1388). Daamadi bar abad mafased , jaraem eghtesadi , payamdhay an bar amiat meli. Faslnameh kargah, sal dovom. Shomareh 7.
- Zare sangderazi, hasan (1388). Siasat jenaie iran dar ghebal padideh rantkhri ba negaresh be asnad beynolmelli (payan nameh karshanasi arshad). Daneshgah pardis ghom.

Jurisprudential-Economic Analysis of the propertyness of Cryptocurrencies in Islamic Economics

Mohammad Reza Keshavarzi*

Mohsen Rezaei Sadrabadi**

Mahdi Roayaei***

Received: 2022/06/19

Accepted: 2023/06/10

Abstract

According to jurisprudence, real property is one of the conditions for the contract validity (credibility). The agreed concept of different definitions of real value is that the exchanges have a transaction value so that the expenditure of property in return is correct. This trade is not possible unless the transaction fee has an interest that is exchanged to obtain it. Now, this trade value is either determined based on a reality (or is validated on a certain subject and has no reality in the real world). Therefore, considering the involvement of the real property issue with trade in societies, the difference of norms, and the elite choice in an economic system is significant. These days, with the proliferation of virtual encrypted currencies and assets (cryptocurrencies), the question has arisen as to how the real property on this phenomenon, as a virtual phenomenon, is determined and how the confrontation of the holy Sharia and the Islamic government should look like. In this research, an attempt has been made to explain the position of custom and Islamic government in determining and verifying the propertyness of objects, assets and money in a coherent structure by reviewing existing studies in order to provide a suitable answer to the question, based on valid jurisprudential methods, including *fiqh al-ma'alamat* and *fiqh nizam* based on the framework of Islamic economics. Then, the types of cryptocurrencies have been categorized based on the existing classifications, including asset and capital nature, as well as monetary nature, in a new classification, and finally, the propertyness of the types of cryptocurrencies has been examined. The results of the research show that first of all, the Holy Sharia has considered a special place for the people and common sense in the monetary and financial system and for determining the propertyness of assets and objects in exchanges, but it has mandated the Islamic government to supervise and control the approval and signing of the taxation of money and assets and other terms of transactions. Secondly, in addition to customary criteria, the Holy Sharia has considered other criteria for propertyness, and sometimes the Sharia has abolished the effects of propertyness on some objects that are rationally treated as wealth (such as wine). Thirdly, based on Islamic rules in individual jurisprudence, all cryptocurrencies, especially extractable cryptocurrencies such as Bitcoin, have the conditions of propertyness in Islam, but according to the conditions of the Islamic country, they may not comply with the terms and conditions of transactions in the government jurisprudence, but this does not lead to the loss of their propertyness, rather, the law can cancel the effects of its propertyness.

Keywords: Propertyness (Real Property), Virtual Objects, Money, Cryptography, Islamic Monetary System.

* Assistant Professor, Department of Fixed and Mobile Radio Communications, Information and Communication Technology Research Institute, Tehran, Iran.

mrkeshavarzi@aut.ac.ir

 0000-0002-1411-4207

** PhD in Economic Sciences, Islamic Studies and Economics Faculty, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

sadrabady@isu.ac.ir

 0002-0002-9157-8902

*** PhD Student in Economic Sciences, College of Social Sciences, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran (Corresponding Author).

roayaei@rihu.ac.ir

 0000-0002-0866-3007

Received: 2022/06/19

Accepted: 2023/06/10

تحلیل فقهی-اقتصادی مالیت رمزارزش‌ها در اقتصاد اسلامی

محمدرضا کشاورزی*

محسن رضایی صدرآبادی**

مهدی رعایانی***

چکیده

با توجه به کلام فقها در باب عقود، مالیت مورد معامله جزو شروط صحت عقود است. قدر متیقن از تعاریف مختلف مالیت، این است که عوضین ارزش دادوستد داشته باشند تا بذل مال در مقابل آن صحیح باشد و این میسر نمی‌شود مگر اینکه مورد معامله دارای منفعتی باشد که برای تحصیل آن، مبادلات شکل می‌گیرد. این ارزش دادوستدی یا بر اساس موضوعی واقعی تعیین یا موضوع معینی اعتبار می‌شود و در عالم واقع دارای عینیت نیست. با توجه به عینیت شدن بحث مالیت با دادوستد در جوامع بشری، جایگاه عرف و انتخاب عقلا در نظام اقتصادی حائز اهمیت است. این روزها با گسترش پول و دارایی‌های رمزنگاری شده مجازی (رمزارزش‌ها)، این پرسش به وجود می‌آید که مالیت این پدیده به‌عنوان پدیده مجازی، چگونه تعیین می‌شود و مواجهه شرع مقدس و حکومت اسلامی چگونه باید باشد؟ در این تحقیق سعی شده است با بررسی مطالعات موجود برای ارائه پاسخ مناسب به پرسش بر اساس روش‌های معتبر فقهی اعم از فقه‌المعاملات و فقه نظام مبتنی بر چهارچوب اقتصاد اسلامی، جایگاه عرف و حکومت اسلامی در تعیین و تأیید مالیت اشیاء، دارایی‌ها و پول در ساختاری منسجم تشریح شود. سپس انواع رمزارزش‌ها بر اساس طبقه‌بندی‌های موجود اعم از ماهیت دارایی و سرمایه‌ای آنان و همچنین، ماهیت پولی در طبقه‌بندی جدید (منتخب تحقیق)، دسته‌بندی و درنهایت، مالیت انواع رمزارزش‌ها بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اولاً، شرع مقدس در نظام پولی و مالی برای تعیین مالیت دارایی‌ها و اشیاء در مبادلات، جایگاه ویژه‌ای برای مردم و عرف عقلا در نظر گرفته، اما حکومت اسلامی را موظف کرده است که در راستای تأیید و امضای مالیت پول و دارایی‌ها و دیگر ضوابط معاملات نظارت و کنترل داشته باشد. ثانیاً، شرع مقدس افزون‌بر ملاک‌های عرفی، ملاک‌های دیگری برای مالیت در نظر گرفته و گاه آثار مالیت بعضی از اشیایی را که عقلاً با آن معامله مال می‌کنند (مانند شراب)، الغا کرده است. ثالثاً، همه رمزارزش‌ها به‌خصوص رمزارزش‌های قابل استخراج مانند بیت‌کوین، مبتنی بر قواعد اسلامی در دایره فقه فردی، شرایط مالیت در اسلام را دارند، اما با توجه به شرایط کشور اسلامی، در دایره فقه حکومتی ممکن است شرایط و ضوابط معاملات را رعایت نکنند که این منجر به ساقط شدن مالیت آنان نمی‌شود، بلکه شارع می‌تواند آثار مالیت آن را الغا کند.

واژگان کلیدی: مال؛ مالیت؛ اشیای مجازی؛ پول؛ رمزارزش؛ نظام پولی اسلامی.

* استادیار، گروه ارتباطات رادیویی ثابت و سیار، پژوهشکده فناوری ارتباطات، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، تهران، ایران.

mrkeshavarzi@aut.ac.ir

0000-0002-1411-4207

** دکتری علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

sadrabady@isu.ac.ir

0000-0002-9157-8902

*** دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، گرایش اقتصاد اسلامی، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

(نویسنده مسئول).

roayaei@rihu.ac.ir

0000-0002-0866-3007

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

مقاله برای اصلاح به مدت ۹۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

پول مانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی در بستر تاریخ بشر پدید آمده و عواملی مانند زمان، مکان، آداب و رسوم، نظام‌های سیاسی، وضعیت زندگی مردم و... در تکامل آن تأثیرگذار بوده است که هر از چندگاهی نمودی جدید در صحنه اجتماع می‌یابند (احمدوند، ۱۳۸۲، ص. ۷۵). با نگاهی به سیر تاریخی شکل‌گیری پول می‌توان گفت این پدیده تاکنون چهار مرحله را پشت سر گذاشته است. ۱. کالا به عنوان پول (پول کالایی)، ۲. پول فلزی، ۳. پول کاغذی با پشتوانه طلا و نقره و ۴. پول اعتباری بدون پشتوانه طلا و نقره که می‌توان آن را به سه نوع پول حکمی، پول تحریری یا بانکی و پول الکترونیکی تقسیم کرد (خزعلی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۶).

با ابداع موجودیت‌های رمزنگاری شده مجازی (رمزارزها، رمزارایی‌ها، رمزینه‌ها، رمزارزش‌ها، ارزهای مجازی و ارزهای دیجیتال) و گسترش آن‌ها، نوع جدیدی از پول و دارایی به نظام پولی و مالی جهان عرضه و رمزارزش‌ها^۱ با هدف از بین بردن نظارت و حاکمیت دولت‌ها ایجاد شدند. این هدف در سال‌های گذشته توسط فعالان و توسعه‌دهندگان دنبال شده و فرازونشیب‌هایی داشته است. با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه‌ای^۲ که از سوی این پدیده و نظام پولی مدرن برای نظام‌های اقتصادی ملی وجود دارد، در صورت عدم ورود به موقع در راستای تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری درباره آن، فرصت‌ها از بین می‌رود و تهدیدها بالفعل می‌شود.

با توجه به گسترش فرصت‌ها و تهدیدهای پدیده‌های فضای مجازی در عصر حاضر و لزوم تعیین موضع مناسب درباره این رمزارزش‌ها، شناخت دقیق ابعاد مختلف و تطبیق آن‌ها بر مسائل فقهی و شرعی ذیل اقتصاد اسلامی، موضوعی مهم و ضروری است. در این پژوهش سعی شده است تا یکی از ابعاد مهم در این زمینه یعنی مالیت رمزارزش‌ها از لحاظ فقهی و اقتصادی تبیین شود. برای تحقق این مهم، ابتدا انواع رمزارزش‌ها و سازوکارهای اجرایی و ماهیت آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته و سپس مفهوم مالیت در اسلام تبیین شده که ذیل عنوان ادبیات موضوع مطرح شده است. سپس به پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در بحث مالیت پول اشاره شده است. در ادامه بحث مالیت پول در اسلام، تبیین نظام پولی در اسلام مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در نهایت، به بررسی مالیت رمزارزش‌ها پرداخته شده است.

۱. ادبیات موضوع

۱-۱. سازوکار و انواع رمزارزش ها

لازمه بررسی مالیت رمزارزش ها، آشنایی با تاریخچه، سازوکار و همچنین، انواع رمزارزش هاست که با توجه به محدودیت حجم مقاله در این بخش به صورت مختصر مورد اشاره قرار می گیرد.^۳ در فوریه سال ۲۰۰۸، برنامه نویسی ژاپنی با نام مستعار ساتوشی ناکاموتو در مقاله ای پول مجازی «بیت کوین» را به کارشناسان و مردم جهان معرفی کرد. بیت کوین در سال های گذشته با فرازونشیب فراوان مواجهه بوده است، ولی اقبال عمومی و گسترش شناخت مردم باعث شد قیمت و استفاده از بیت کوین برای نقل و انتقالات مالی و مبادله ای افزایش یابد و امروزه بخشی از حجم مبادلات ارزی را به خود اختصاص دهد. برای آشنایی بهتر با رمزارزش ها و سازوکار آنان باید به مباحث فنی پیاده سازی و اجرایی کردن بیت کوین به عنوان نخستین ارز مجازی رمزنگاری شده اشاره کرد. در ادامه، به بررسی بستر فنی رمزارزش ها پرداخته می شود.

۱-۱-۱. سازوکار کلی رمزارزش ها^۴

مخترع یا مخترعان بیت کوین سعی داشتند سازوکار انتقال مالی ای ایجاد کنند که نقل و انتقالات مالی بدون نهاد واسطه مانند بانک ها و حاکمیت ها انجام شود و تبادلات مالی به صورت مستقیم میان افراد انجام شود. برای پیاده سازی این ایده دو مشکل بزرگ وجود داشت. مشکل نخست، مصرف دوگانه پول مجازی بود. در توضیح باید گفت پول مجازی، ماهیتی دیجیتالی است مانند فایل رایانه ای دیجیتالی. این فایل را می توان مانند بقیه فایل های رایانه ای کپی و برای چندین نفر ارسال کرد. از آنجاکه داده های رایانه ای به راحتی قابل کپی کردن هستند، افراد می توانستند پول های مجازی خود را به مقدار دلخواه کپی و چندین بار خرج کنند در حالی که مالکیت پول های فیزیکی بعد از خرج آن از عهده فرد خارج می شود. مشکل دوم، چگونگی تأیید اطلاعات و تراکنش ها بود؛ یعنی حالا که قرار بود دولت ها و بانک ها در بررسی صحت و سقم اطلاعات و تأیید آن نقشی نداشته باشند، پرسشی که مطرح می شد این بود که تأیید اطلاعات تراکنش ها چگونه انجام خواهد شد؟ مخترع بیت کوین برای رفع این دو مشکل، دو راه حل ارائه کرد. الف. بلاک چین که یک دفتر کل خدشه ناپذیر و تغییر ناپذیر است و همه رایانه های شبکه آن را به اشتراک گذاشته اند و ب. دستورالعمل پیمان نامه اجماع «اثبات کار»^۵ که به توافق عمومی و تأیید و ثبت تراکنش ها در بلاک چین

کمک می‌کند (Nakamoto, 2008, p.2) (ناکاماتو، ۲۰۰۹، ص. ۲). برای آشنایی بهتر باید دو مفهوم بلاک‌چین و دستورالعمل اجماع تبیین شود.

۱-۱-۱. بلاک‌چین

ناکاماتو برای حل مشکل مصرف دوباره پول در شبکه نقل و انتقالات پولی و از بین بردن واسطه‌ها، شبکه نقطه‌به‌نقطه بر مبنای بلاک‌چین را طراحی و برنامه‌ریزی کرد که تمام اطلاعات نقل و انتقال میان همه رایانه‌های فعال در شبکه که در سراسر جهان توزیع شده‌اند، به اشتراک گذاشته شود؛ به گونه‌ای که در این شبکه تمام جزئیات تراکنش‌ها (از جمله زمان و مقدار ردوبدل شده و...) ثبت شود تا امکان تقلب و خرج دوباره پول از بین رود (Nakamoto, 2008, p.2) (ناکاماتو، ۲۰۰۹، ص. ۲). در طراحی این شبکه، چالش تأیید اطلاعات و چگونگی بررسی صحت این اطلاعات وجود داشت؛ یعنی چالش اصلی در شبکه توزیع شده این بود که همکاری بین گره‌ها حتی با وجود خطا به گونه‌ای مؤثر و کارا انجام شود. از این رو چگونگی تأیید اطلاعات و مشخص شدن صحت اطلاعات ثبت شده در شبکه بلاک‌چین، چالش اجرایی کردن ایده پول مجازی بود که ناکاماتو با طراحی دستورالعمل پیمان‌نامه اجماع که توافق عمومی را ایجاد می‌کرد و سازوکار «اثبات کار» و مفهوم «استخراج»^۶ این کار را انجام داد.

۱-۱-۲. دستورالعمل پیمان‌نامه اجماع «اثبات کار» و توافق عمومی

توافق عمومی، فرایند توافق روی وضعیت نهایی داده (اطلاعات تراکنش‌ها) توسط گره‌های سیستم توزیع شده (سرورها و پردازشگرهای ثبت و تأییدکننده اطلاعات) است. دستیابی به چنین توافقی میان دو گره به سادگی امکان‌پذیر است، اما با وجود گره‌های متعدد که باید روی اطلاعات تراکنشی یکتا و واحد به اجماع برسند، بسیار دشوار است. ناکاماتو برای حل این مشکل با ادغام علم ریاضیات، نرم‌افزار، برنامه‌نویسی و سخت‌افزار، دستورالعمل پیمان‌نامه اجماع «اثبات کار» را طراحی کرد. دستورالعمل اجماع «اثبات کار» روشی است که به تأیید تراکنش‌های ضبط شده درون بلاک‌چین بیت‌کوین کمک می‌کند (Davidson, Primavera, & Potts, 2016). به عبارت دیگر، نخستین راه‌حل عملی برای مسئله شناسایی بین گره‌های مخرب و صحیح در شبکه بیت‌کوین با معرفی اثبات کار صورت گرفت.

سازوکار اثبات کار به‌نوعی بلاک‌چین را در شبکه بیت‌کوین تکمیل کرده و امنیت بیت‌کوین را بهبود بخشیده است. این سازوکار سبب می‌شود که رایانه‌های شبکه پیش از اینکه بلاک خاصی از تراکنش‌ها را تأیید اعتبار کنند، باید مسئله ریاضی و محاسباتی تصادفی و پیچیده‌ای را حل کنند که اگر از زاویه دیگر به آن نگاه کنیم، این سازوکار به‌نوعی مسابقه‌ای را راه‌اندازی می‌کند. در زنجیره بلاک، هیچ بلاک جدیدی به زنجیره افزوده نمی‌شود مگر اینکه همه رایانه‌های شبکه به اجماع درباره تراکنش‌های بلاک جدید برسند (Wright & De Filippi, 2015). از سوی دیگر، توکن‌های جدید بیت‌کوین به‌عنوان جایزه از سوی شبکه به نخستین کاربری که مسئله مرتبط با هر بلاک جدید را حل می‌کند، اهدا می‌شود؛ یعنی خلق بیت‌کوین در این سیستم به‌صورت خودکار و برنامه‌نویسی‌شده انجام می‌شود. فرایند مشارکت در شبکه و همکاری در ثبت و تأیید اطلاعات و دریافت جایزه (که همان توکن‌های خلق‌شده و اعتبارشده بیت‌کوین است) را فرایند «استخراج» نام‌گذاری کرده‌اند و جایزه‌ای که در ازای این فرایند اهدا می‌شود، به‌دلیل اهدای قدرت محاسباتی به شبکه بیت‌کوین است. این فرایند هم امنیت و هم رشد این شبکه را افزایش می‌دهد. فرایند استخراج به‌عنوان سازوکار انگیزشی درونی طراحی شده است تا افراد مختلف تمایل داشته باشند که دستگاه‌ها و سرمایه خویش را در اختیار شبکه بیت‌کوین قرار دهند، ثبت و تأیید اطلاعات را انجام دهند و در ازای آن بیت‌کوین دریافت کنند. همین سازوکار باعث خلق بیت‌کوین می‌شود و توکن‌های بیت‌کوین به‌عنوان جایزه انگیزشی به استخراج‌کنندگان تعلق می‌گیرد.^۷

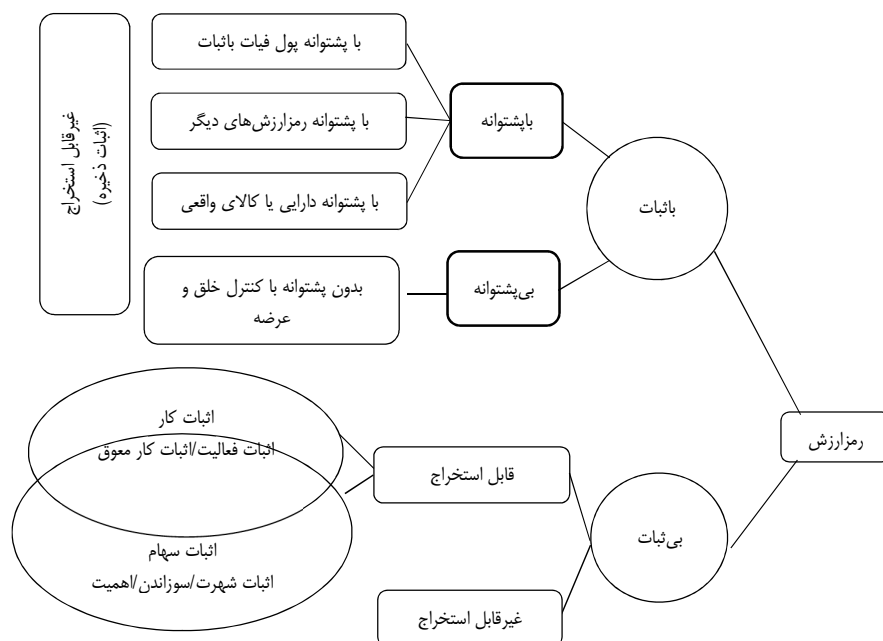
۱-۲. انواع رمزارزش‌ها بر اساس ماهیت و طبقه‌بندی‌های موجود

پس از پیدایش بیت‌کوین به‌عنوان نخستین رمزارزش و ارز مجازی، پیشرفت‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفت و انواع دیگری از رمزارزش‌ها به وجود آمدند. در اثر این تحولات، طبقه‌بندی‌های متعدد و مختلفی از رمزارزش‌ها در مطالعات خارجی و داخلی ارائه شده است. با توجه به اهداف تحقیق و پاسخ مناسب به مسئله در نظام حقوقی و اقتصادی کشور و در راستای بررسی جامع رمزارزش‌ها، ضروری است تا تمام رمزارزش‌ها با ساختارهای مختلف و طبقه‌بندی‌های موجود مورد بررسی قرار گیرند و طبقه‌بندی جامعی ارائه شود.

یکی از تحولات و پیشرفت‌هایی که در سال‌های اخیر پس از بیت‌کوین، برای رمزارزش‌ها به وجود آمد، طراحی رمزارزش‌های باثبات^۸ از نظر قیمت است که برای کاهش

نوسانات و ریسک تغییر قیمت در رمزارش‌های بی‌ثبات مانند بیت‌کوین و... برنامه‌ریزی شده است. رمزارش‌های باثبات از نظر قیمت یکی از انواع رمزارش‌های رمزپایه هستند که قیمت آن‌ها در بازار دچار نوسان نشده است و همیشه در ثبات قیمتی قرار دارند. ارزش این رمزارش‌ها با ارزش یک دارایی در دنیای واقعی مثل پول‌های بدون پشتوانه (دلار، یورو، یوان، ین و مانند این‌ها) یا با ارزش دیگر رمزارش‌های رمزپایه در دنیای مجازی یا در برخی موارد با طلا یا نفت همسان و یکسان شده است؛ به‌طوری‌که قیمت این رمزارش‌ها برخلاف بیت‌کوین و اتریوم که دارای نوسان قیمت هستند، ثابت می‌ماند.

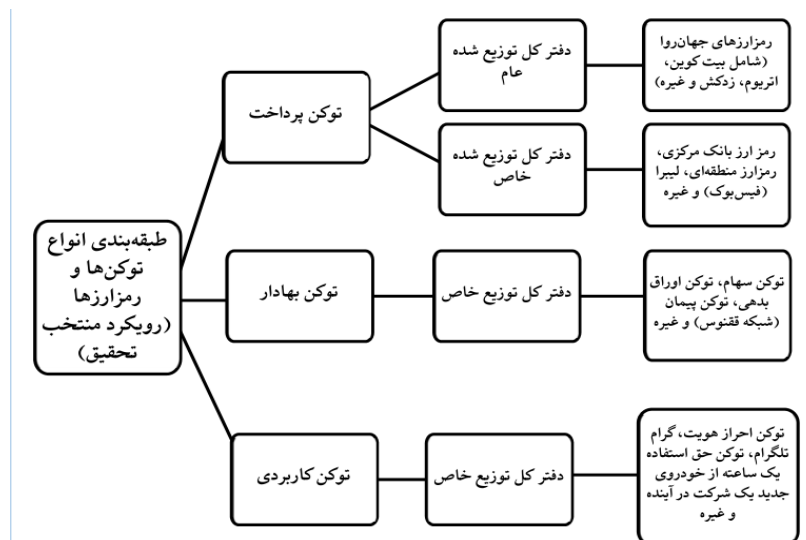
یکی دیگر از تحولات در حوزه طراحی رمزارش‌ها، تغییر در دستورالعمل‌های پیمان‌نامه‌های اجماع بود. با توجه به اینکه دستورالعمل پیمان‌نامه اجماع اثبات کار نیازمند مصرف برق و انرژی بسیار زیاد بود، دیگر پیمان‌نامه‌ها اعم از اثبات سهام، اثبات فعالیت، اثبات ذخیره و... به وجود آمدند. کشاورزی و رضایی صدرآبادی (۱۴۰۱) در تحقیق خود با توضیح این دستورالعمل‌ها پیمان‌نامه‌ها و تلفیق بین رمزارش‌های باثبات و بی‌ثبات، طبقه‌بندی زیر را ارائه کردند.^۹



شکل ۱: انواع رمزارش‌ها بر اساس تفاوت‌های ماهوی

منبع: کشاورزی و رضایی صدرآبادی، ۱۴۰۱، ص. ۴۰۶.

میثمی و بیابانی (۱۳۹۹) در تحقیق خویش بر اساس تلفیق رویکرد کاربردی و رویکردهای دیگر، برای بررسی احکام فقهی و حقوقی رمزارزها و توکن‌ها، طبقه‌بندی زیر را ارائه داده‌اند:



شکل ۲: طبقه‌بندی انواع توکن‌ها و رمزارزها

منبع: میثمی و بیابانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۰.

در توضیح این طبقه‌بندی باید گفت که الف. (لطفاً الف حذف شود) یکی از تحولات در رمزارزها، گسترش این پدیده در بازارهای مالی و سرمایه‌ای جهان بود؛ به‌گونه‌ای که طراحی و انتشار توکن‌ها در بازارهای مالی مورد توجه قرار گرفت. بر اساس تعریف نهاد نظارت بر بازارهای مالی انگلستان^{۱۰}، توکن موجودیتی رمزنگاری‌شده است که ارزش واقعی یا مجازی را در بستر پلتفرم زنجیره بلوک نمایندگی می‌کند (همان، ص ۲۱). (FCA, 2019, p. 22)^{۱۱}. به عبارت دیگر، توکن نماینده دارایی تأییدشده و دارای ارزش مانند حواله، اوراق بهادار، ارز رسمی کشورها یا کالا و خدمات مشخص است. بر اساس کاربردهای پولی و مالی این پدیده، نهاد نظارت بر بازارهای مالی انگلستان و نهاد نظارت بر بازارهای مالی سوئیس (فینما)^{۱۲} از رمزارزها تقسیم‌بندی‌ای به این شرح داشتند؛

الف. توکن پرداخت^{۱۳} یا مبادلاتی^{۱۴} که همان رمزارزشی است که نقش ابزار پرداخت یا پول را می‌یابد. این توکن را ممکن است هیچ نهاد متمرکزی منتشر نکند و ممکن است بانک مرکزی آن را منتشر کند.

ب. توکن بهادار^{۱۵} یا دارایی^{۱۶} نماینده دارایی بهادار مانند اوراق بدهی و سهام از طرف ایجادکننده آن است. توکن‌های بهادار ویژگی‌های خاصی دارند. بدین معنا که برای تبیین دسترسی سرمایه‌گذاری خاصی ارائه شده‌اند.

پ. توکن کاربردی^{۱۷} شامل توکن‌هایی است که دسترسی دیجیتال به یک برنامه یا خدمت را از طریق زیرساخت زنجیره بلوکی فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، این توکن‌ها به دارندگانشان اجازه دسترسی به محصول یا سرویس خاصی را ارائه می‌دهد.

لازم به ذکر است این دسته‌بندی به‌رغم تفکیک مناسب، یک اشکال دارد؛ از نظر ایشان، رمزارزهای جهان‌روا مانند بیت‌کوین، توکن پرداخت هستند؛ یعنی به‌عنوان ابزار پرداخت و پول در عرض رمزارز بانک مرکزی قرار دارند درحالی‌که بر اساس اطلاعات و آمارهای متعدد، به علت نوسانات بسیار زیاد و کارمزد تراکنش‌های شبکه انتقال آن‌ها، این رمزارزها تا امروز نتوانسته‌اند نقش ابزار پرداخت را در سطح خرد و عمومی پیدا کنند و در پرداخت‌های خرد و جزئی استفاده نشده‌اند؛ زیرا برای مثال، اکنون در هر تراکنش بیت‌کوین، کمترین کارمزد شبکه انتقال بیت‌کوین تقریباً بین ۰/۰۰۰۳۵ تا ۰/۰۰۰۴ بیت‌کوین است که با احتساب قیمت بیت‌کوین^{۱۸}، معادل با ۹/۵ تا ۱۰ دلار است. از این رو اگر فردی بخواهد در سطح اقتصاد خرد، کالا یا خدمتی را با ارزش ۱۰۰ دلار از طریق پرداخت بیت‌کوین دریافت کند، باید ۱۰ درصد معامله را به‌عنوان هزینه تراکنش شبکه بلاک‌چین بیت‌کوین پرداخت کند که مبلغ بسیار زیادی است. این مسئله در کنار نوسانات روزانه و غیرمعقول بیت‌کوین و دیگر ارزهای مجازی باعث شده است که این ارزها تا امروز در سطح تبادلات خرد جامعه استفاده نشوند؛ البته در معاملات بین‌المللی و جهانی با حجم مبادلات کلان مانند خرید ملک و... مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ زیرا هزینه تراکنش بسیار اندکی نسبت به دیگر ارزهای فیات دارند. از این رو دسته‌بندی و منحصر کردن ارزهای مجازی مانند بیت‌کوین در توکن‌های پرداخت اشتباه است.

جدا از این دسته‌بندی‌ها، واژه‌ای که اخیراً در دسته‌بندی‌های جهانی مورد توجه قرار گرفته است، واژه «Crypto Asset» یا همان رم‌دارایی است که در طبقه‌بندی‌ها و تعاریف متعدد مانند دانشگاه کمبریج (۲۰۱۹)، بانک مرکزی اروپا (۲۰۱۹)، سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق

بهادار (۲۰۲۰)، اداره بانکداری اروپا (۲۰۱۹)، کمیسیون اروپا (۲۰۲۰)، شورای اتحادیه اروپا (میکا) (۲۰۲۲) ارائه شده است. جمیع این تعاریف را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد.

جدول ۱: تعاریف رمزدارایی در منابع خارجی

تعریف‌کننده	عبارت	ترجمه
International Organization of Securities Commissions (OICV-IOSCO, 2020, p9)	Crypto-Assets more broadly as private assets that depend on cryptography and distributed ledger technology or similar technology, which are part of their inherent value. Such assets may represent a currency, commodity or security, or be a derivative instrument for a commodity or security	رمزدارایی‌ها به‌طور گسترده به‌عنوان دارایی‌های خصوصی که به رمزنگاری و فناوری دفتر کل توزیع‌شده وابسته و بخشی از ارزش ذاتی آن‌هاست، مطرح می‌شوند. چنین دارایی‌هایی ممکن است نماینده یک ارز، کالا یا اوراق بهادار باشند یا ابزار مشتقه یک کالا یا اوراق بهادار باشند
(EBA, 2019, p10)	Crypto-asset means an asset that: a. depends primarily on cryptography and distributed ledger technology (DLT) or similar technology as part of its perceived or inherent value, b. is neither issued nor guaranteed by a central bank or public authority c. can be used as a means of exchange and/or for investment purposes and/or to access a good or service.	سرویس نظارت بر بانکداری اروپا، رمزدارایی‌ها را به‌عنوان دارایی‌هایی تعریف می‌کند که الف. در درجه نخست به رمزنگاری و فناوری دفتر کل توزیع‌شده یا فناوری مشابه - به‌عنوان بخشی از ارزش درک‌شده یا ارزش ذاتی آن - بستگی دارد ب. نه توسط بانک مرکزی صادر می‌شود و نه توسط مقامات دولتی تضمین می‌شود پ. می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای برای مبادله و/یا برای مقاصد سرمایه‌گذاری و/یا دسترسی به کالا یا خدمات استفاده شود
(European Union, 2019)	Crypto-Assets more broadly and technologically neutrally as a digital representation of value or rights that can	کمیسیون اروپا رمزدارایی‌ها را به‌صورت ارزش یا حقوق دیجیتال تعریف می‌کند که

تعریف کننده	عبارت	ترجمه
	be transferred and stored electronically using distributed ledger technology or similar technology, and which can potentially bring significant benefits to both market participants and consumers	می تواند به صورت الکترونیکی با استفاده از فناوری دفتر کل توزیع شده یا فناوری مشابه منتقل و ذخیره شود و به طور بالقوه منافع شایان توجهی هم برای شرکت کنندگان بازار و هم برای مصرف کنندگان به همراه دارد
Mica (Council of the European Union) (2022)	MiCA employs its own definition of “crypto-asset”, as meaning “a digital representation of a value or a right which may be transferred and stored electronically, using distributed ledger technology or similar technology”.	میکا تعریف خود را از رمزداری این گونه ارائه می کند که یک نمایندگی دیجیتالی از ارزش یا یک حق که ممکن است به صورت الکترونیکی با استفاده از فناوری دفتر کل توزیع شده یا فناوری مشابه منتقل و ذخیره شود

۲-۱. ارائه طبقه بندی منتخب تحقیق

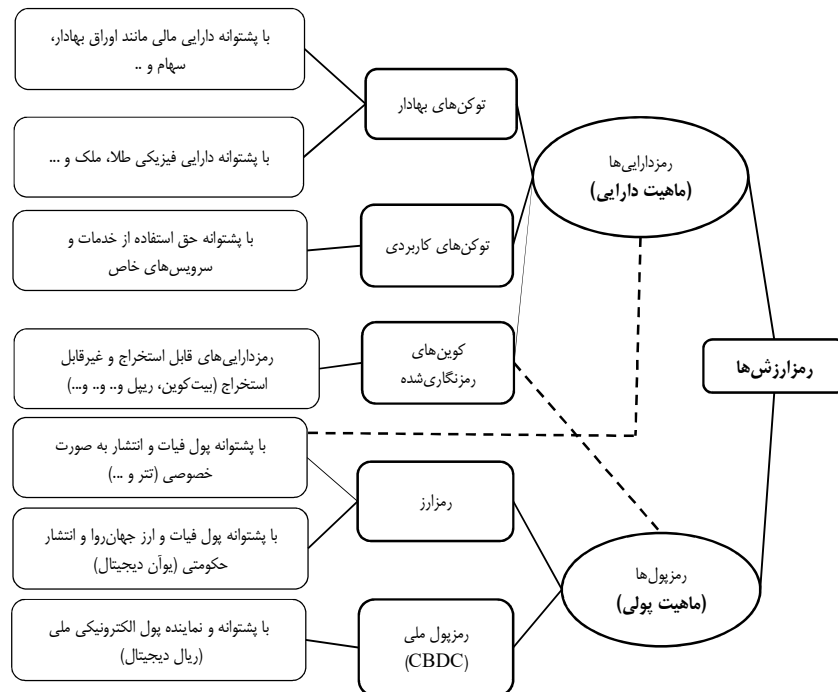
همان طور که مشاهده می شود، وجه اشتراک در تمام تعاریف یاد شده این است که اولاً، رمزداری ها مبتنی بر رمزنگاری و در بستر فناوری دفتر کل توزیع شده ایجاد می شوند و ثانیاً، به عنوان نماینده دیجیتالی از ارزش یا حق است که به شکل های مختلف منتشر می شود. از این رو واژه ارزش^{۱۹} در تمام این تعاریف وجود دارد و در بیشتر این تعاریف مشاهده می شود^{۲۰}. با توجه به تحولات و تغییرات این حوزه و نوظهور بودن پدیده موجودیت های رمزنگاری شده در سال های اخیر، در حال حاضر طبقه بندی و تعریف واحدی از ماهیت این موجودیت ها که در میان همه سازمان های جهانی و داخلی قابل اجماع باشد، وجود ندارد و هر سازمانی بر اساس نیاز خود، دسته بندی و تعریف منتخب خویش را ارائه داده است. همان طور که گذشت، با جمع بندی تمام طبقه بندی ها می توان گفت پدیده موجودیت های رمزنگاری با تحولات اخیر دو کارکرد پولی و مالی یافته است؛ یعنی برخی از این موجودیت ها در بازار پولی به عنوان ابزار پرداخت و وسیله مبادله طراحی شده اند و برخی دیگر، کارکردهای مالی یافته و در بازار سرمایه و مالی

به عنوان دارایی یا نماینده‌ای از دارایی و وسیله ذخیره ارزش مورد توجه قرار گرفته‌اند. از این رو از نظر ماهیت می‌توان این موجودیت‌ها را به دو دسته کلی ماهیت پولی و ماهیت دارایی (سرمایه‌ای) تقسیم کرد.

۱-۲-۱. رمزارز و رمزارز

با توجه به تعاریفی که گفته شد، واژه «رمزارز»^{۲۱} واژه مناسبی برای کل این موجودیت‌های رمزنگاری شده است که نشان از یک ارزش یا حق در پشت هریک از این موجودیت‌های رمزنگاری شده دارد. منظور ما از رمزارز نوعی ارزش دیجیتال است که الگوی ساخت نشانی (آدرس) حساب و رمز عبور، خلق ارزش دیجیتال و تسویه تراکنش با اتکا به نظارت و کنترل شخص ثالث یا بدون اتکا به کنترل و نظارت شخص ثالث بر پایه «فناوری دفتر کل توزیع شده» است و کارکردهای احراز یگانگی، حق دسترسی، پرداخت کارمزد عملیات توزیع شده، ذخیره ارزش، واسطه مبادله، سنجش ارزش و مانند آن بر رمزارزها متصور است و تمام موجودیت‌های رمزنگاری شده را شامل می‌شود.

در نظام حقوقی کشور، سیاست‌گذاری بازار پولی با بانک مرکزی است و سیاست‌گذاری بازار مالی و دارایی بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان بورس و اوراق بهادار است. در نظام حقوقی ایران استفاده از واژه «دارایی»، دارایی‌های مشهود با پشتوانه مانند اوراق بهادار و سهام را به ذهن متبادر می‌کند که متفاوت از پول است و در مقابل، استفاده از واژه «ارز و پول»، بازار پولی و سیاست‌گذاری بانک مرکزی را به ذهن متبادر می‌کند. از این رو مناسب است که واژه «رمزارز» برای آن دسته از رمزارزهایی تعریف شود که ماهیت دارایی و سرمایه‌ای دارند که در طبقه‌بندی‌های جهانی، توکن‌های بهادار و توکن‌های کاربردی و کوین‌های رمزنگاری شده (رمزسکه‌ها)^{۲۲} را شامل می‌شود. واژه‌های «رمزپول» و «رمزارز» نیز برای آن دسته از رمزارزهایی که ماهیت پولی دارند و به عنوان ابزار پرداخت کاربرد دارند، استفاده می‌شود. با ادغام طبقه‌بندی‌ها می‌توان طبقه‌بندی زیر را ارائه کرد.



شکل ۳: طبقه‌بندی انواع رمزارزش‌ها بر اساس ماهیت و کارکردهای پولی و مالی

منبع: یافته‌های پژوهش.

در ادامه، با توجه به اهمیت موضوع‌شناسی، تعاریف این رمزارزش‌ها بیان و مصادیقی از آنان معرفی می‌شود.

۱-۲-۱. توکن‌های بهادار

این نوع توکن‌ها که بستر دفتر کل توزیع آن محدود به دسترسی افراد خاص است، حتماً پشتوانه دارایی دارند. با نگهداری این توکن‌ها می‌توان انتظار بازده سرمایه‌گذاری و منفعت نیز داشت. امروزه توکنایز کردن دارایی‌ها یکی از ابزارهایی است بازارهای مالی و بورس را متحول کرده است. از موارد این توکن‌ها می‌توان به توکن سهام، اوراق بدهی، اوراق مشتقه و... اشاره کرد. می‌توان این توکن‌ها را متناسب با پشتوانه می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته نخست، پشتوانه مالی دارند مانند سهام و اوراق بدهی که بیان شد. دسته دوم، پشتوانه دارایی فیزیکی دارند که رمزارزهایی‌های طلاپایه و نفت‌پایه مانند وان‌گرام و پترو را شامل می‌شود.

۲-۱-۲. توکن های کاربردی

داشتن این توکن ها به معنای داشتن مجوز برای دسترسی به سرویس های شبکه است. به عبارت دیگر، این نوع توکن ها به دارندگانشان اجازه دسترسی به محصول یا سرویس خاصی را می دهند. از نمونه های این توکن به توکن های احراز هویت مشتری (کی وای سی و ایکس آرپی) می توان اشاره کرد. برای مثال، فرض کنید یک برند لباس، توکنی را ارائه می دهد که به دارنده آن اجازه دسترسی سریع به مد جدید لباس را با نرخ تخفیف می دهد. این روبه شبیه پلتفرم تأمین مالی جمعی مبتنی بر پاداش است که مشتریان در ازای دسترسی سریع تر به محصول مورد نظر خود (لباس جدید)، به طرح کمک کنند. یا فرض کنید که برند معروف خودرویی لوکس، توکنی را ارائه دهد که به دارندگان آن اجازه رانندگی با محصول آینده شرکت خودروسازی را به مدت مثلاً یک ساعت می دهد (میثمی و بیابانی، ۱۳۹۹، ص. ۲۱).

۳-۱-۲-۱. کوین های رمزنگاری شده (رمزسکه ها)

منظور از کوین های رمزنگاری شده یا رمزسکه ها همان مفهومی است که با واژه کریپتوکارنسی (رمزارز در فارسی) شناخته می شود؛ یعنی رمزدارایی های عمومی ای که مدیریت نشانی، خلق ارزش دیجیتال و تأیید تراکنش آن ها عموماً روی دفتر کل توزیع شده عمومی مانند بیت کوین، اتریوم و... انجام می گیرد. این نوع رمزدارایی ها عموماً قابل استخراج هستند و همان طور که کشاورزی و رضایی صدرآبادی (۱۴۰۱) اشاره کردند، گاهی هم ممکن است مانند رمزدارایی های ریپل و استلار غیرقابل استخراج باشند.

نکته بسیار مهم و شایان توجه در این نوع رمزارزش ها مانند بیت کوین، این است که امروزه هر دو ماهیت و کارکرد پولی و مالی را می توانند داشته باشند^{۲۳}؛ یعنی همان طور که گذشت، این نوع رمزارزش ها گاه در سطوح کلان اقتصاد و معاملات کلان به عنوان ابزار پرداخت و پول ایفای نقش می کنند و کاملاً ماهیت پولی می یابند و گاه هم نقش دارایی و سرمایه یافته و مردم به نیت سرمایه گذاری در بلندمدت و کسب سود، آن ها را خریداری کرده اند و می کنند. این ماهیت دوگانه حتی در مقررات و قوانین اتحادیه اروپا و آمریکا مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، کمیسیون مبادلات کالاهای آتی آمریکا بیت کوین را کالا^{۲۴} می داند و وزارت خزانه داری آمریکا، آن را نوعی ارز^{۲۵} عنوان می کند. دیگر آژانس دولتی،

کمسیون بورس و اوراق بهادار آمریکاست که بسیاری از دارایی‌های رمزنگاری شده از جمله بیت‌کوین را اوراق بهادار^{۳۶} می‌داند (SEC, 2021).

۱-۲-۲. رمزپول

با بیانی ساده، رمزپول‌ها، رمزارش‌هایی هستند که قیمت آن بر مبنای پول رایج دست‌کم یک کشور، در طول زمان دارای ثبات است و نرخ آن در بازارهای متشکل داخلی یا بین‌المللی تعیین می‌شود که عموماً بسته به جغرافیای اقتصادی و کارکرد در بازار داخلی و خارجی به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند.

۱-۲-۲-۱. رمزارزها

منظور ما از «رمزارز» تعریف مصطلح واژه «کریپتوکارنسی»^{۳۷} نیست؛ زیرا این واژه برای رمزارزهایی مانند بیت‌کوین استفاده شده است. در فارسی واژه «Currency» به «ارز» ترجمه شده است که با این مفهوم با توجه به توضیحات بالا، همخوانی ندارد. منظور از رمزارزها، رمزارش‌های با پشتوانه پول فیات هستند که عمدتاً شامل پول‌های دیجیتال بانک‌های مرکزی در کشورهای جهان می‌شوند که با پشتوانه پول فیات آن کشور خلق می‌شوند. از معروف‌ترین آنان می‌توان به یوآن دیجیتال چین و کدکوین کانادا اشاره کرد. کدکوین کانادا نوعی رمزارز بانک مرکزی است که تناظر یک‌به‌یک با دلار کانادا دارد و در شبکه دسترس خاص بانک مرکزی کانادا و تعدادی از بانک‌های تجاری این کشور حضور دارد.

گفتنی است گاه از طرف بخش خصوصی و بدون تأیید یک کشور، رمزارزهای با پشتوانه پول فیات در جهان ایجاد شده است که یکی از تفاوت‌های عمده آن‌ها با رمزارزهای بانک مرکزی، عدم تأیید از سوی آن کشور است. برای مثال، رمزارز تتر که با نماد «USDT» نمایش داده می‌شود، یکی از مشهورترین رمزارزهای باثبات است که در بسیاری از صرافی‌های رمزارزشی به‌عنوان جایگزین دلار استفاده می‌شود. این رمزارز ارزشی معادل یک دلار دارد و در واقع، نقش دلار دیجیتال را ایفا می‌کند (Sancheti, 2019). تفاوت دیگر این رمزارزها با رمزارزهای بانک مرکزی این است که قیمت برابری آن‌ها با دلار ثابت نیست و نوسانات جزئی در قیمت دارند. شاید ایراد گرفته شود که رمزارزهایی مانند تتر که طبق طبقه‌بندی کشاورزی و رضایی صدرآبادی (۱۴۰۱)، رمزارزش باثبات با پشتوانه پول فیات

هستند، ماهیت پولی ندارند و در دسته رمزارایی‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. در پاسخ باید گفت این رمزارزها وجهه قانونی و حمایت دولت در بازار بین‌المللی را ندارند و قیمت برابری آنان دقیقاً و مطلقاً معادل پول پشتوانه نیست، اما ماهیت و کارکرد پولی آنان نسبت به کارکرد دارایی‌شان بروز و ظهور بیشتری دارد. از این‌رو با توجه به اینکه برخی از این‌ها ماهیت دارایی هم دارند، با خط‌چین به رمزارایی‌ها متصل می‌شوند.

۱-۲-۲. رمزپول ملی

رمز پول ملی، رمزپولی است که نرخ برابری آن به پول رایج ایران یعنی ریال می‌بخشد. تنها توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب سیاست‌های پولی کشور منتشر می‌شود و از منظر شمولیت قوانین و مقررات، در حکم پول رایج کشور است. اکنون که انواع رمزارزها گفته شد، به بحث مالیت و تحلیل مالیت این رمزارزها پرداخته می‌شود.

۱-۳. مالیت در اسلام

در زبان فارسی، مال به «هر چیزی که انسان می‌تواند از آن استفاده کند و قابل تملک باشد» تعریف شده و بین «مال» و «شیء» فرق گذاشته و شیء اعم از مال دانسته شده است. «مال»، واژه‌ای عربی است که به زبان فارسی راه یافته است. بنابراین، برای تبیین ریشه آن باید به کتاب‌های لغت عربی مراجعه کرد (دهخدا، ۱۳۹۰، ص. ۲۵۵۳). در زبان عربی، برخی مال را از ریشه «مول» دانسته و آن را به «هر چیزی که شخص تملک می‌کند» تعریف کرده‌اند (معلوف، ۱۳۷۳، ص. ۸۱۹). برخی دیگر نیز معتقدند «مال» از ریشه «مول» است و در اصل به طلا و نقره اطلاق می‌شده، اما بعدها در معنای وسیع استعمال شده و به هر شیئی که دارای ارزش اقتصادی و قابل تملک باشد، اطلاق شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص. ۶۳۶). بررسی کتاب‌های لغت عربی و فارسی ثابت می‌کند که «مال» در لغت عرب و فارسی به اشیای مادی و موجود در خارج اطلاق می‌شود. تبیین مفهوم لغوی «مال» از این‌رو اهمیت دارد که مال «حقیقت شرعیه» نیست و در فقه اسلامی و قوانین موضوعه کشورهای مختلف، «مال» تعریف نشده است. بر این اساس، برای فهم معنای اصطلاحی مال در فقه و حقوق موضوعه باید به معنای لغوی آن توجه کرد (کاظمی و پیلوار، ۱۳۹۷، صص. ۱۸۵-۱۸۴).

این بحث در کتاب‌های فقهی اغلب در مباحثی با عناوین تجارت، مکاسب و شرایط عوضین در بیع گفته شده است. نزد فقیهان این موضوع مسلّم بوده است که در هر معاوضه و معامله‌ای باید عوض و معوض دارای حداقل منفعتی برای طرفین معامله باشد تا بذل و پرداخت مال در قبال آن صحیح باشد و چیزی که مالی در عوض آن پرداخت می‌شود، قطعاً در شرایط عادی باید دارای ارزش و مالیت باشد. ارزش مبادله و مالیت با هم مترادف هستند. بنابراین، در نوشته‌های اقتصادی، مقصود از ارزش مبادله همان مالیت است و مقصود از مالیت در نوشته‌های فقیهان، همان ارزش مبادله است. گفتارهای مختلف فقیهان در باب مال را می‌توان در چهار گروه دسته‌بندی کرد که در ادامه به‌صورت مختصر آورده شده است (نواب‌پور، ۱۳۹۷، صص. ۲۲-۱۸).

دسته نخست از گفتارها، در مقام بیان ضابط و تعریف برای مال نیست و توجهی به جنبه اثباتی تعریف مال ندارد، بلکه تنها طرف سلبی آن مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، علامه حلی می‌فرماید معامله چیزی مثل یک یا دو دانه گندم که هیچ‌گونه منفعتی ندارد، صحیح نیست؛ زیرا چنین چیزی مال شمرده نمی‌شود تا در عوض آن، مالی پرداخت شود (علامه حلی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۴۶۵). در دسته دوم از تعاریف، قید عرفی و عقلایی بودن منفعت ذکر شده است. برای مثال، شهید اول در *الدروس الشرعیة*، درباره چیزهای که معامله آن‌ها درست نیست، می‌نویسد معامله چیزهای که دارای منفعت عقلایی نباشد، مثل حشرات و زواید بدن انسان صحیح نیست (شهید اول، بی‌تا، ص. ۳۲۸). بدین ترتیب، چیزی که دارای منفعت عقلایی حلال نزد شارع نباشد، معامله آن درست نیست؛ زیرا اگر منفعت عقلایی نداشته باشد، عرفاً مال شمرده نمی‌شود مثل سوسک‌ها و اگر منفعت آن حلال نباشد، شرعاً مال شمرده نمی‌شود.

دسته سوم از تعاریف، مال را به عناصر تشکیل‌دهنده آن معرفی کرده‌اند؛ اگرچه در عناصر تشکیل‌دهنده مال با هم توافق ندارند. برای مثال، محقق ایروانی^(ره) در حاشیه خود بر مکاسب شیخ انصاری^(ره) در تحقق مفهوم مال، دو امر نیاز مردم در امر دنیا یا آخرت به یک شیء و عدم قابلیت دسترسی افراد به آن شیء بدون تلاش و کوشش را شرط مالیت می‌داند. مقدار مالیت اموال از لحاظ دو موضوع یادشده فرق می‌کند. شهید مطهری درباره مال و مالیت اشیا می‌نویسد ارزش و مالیت و همچنین، مراتب ارزش، نه ذاتی اشیاست؛ به‌این معنی که یک صفت واقعی شیء فی‌نفسه و قطع نظر از انسان باشد و نه اعتباری است؛ به‌این معنی که قراردادی محض باشد و با حالت واقعی اشیا بی‌ارتباط باشد، بلکه صفتی است که با حالت

واقعی شیء مربوط است؛ یعنی با خاصیت تکوینی اشیا به حسب جنس و ماهیت یا به حسب صفت عرضی یا عارضی آن‌ها مربوط است و اشیا به واسطه اثری که بر آن‌ها مترتب است، دارای ارزش می‌شوند (مطهری، ۱۳۷۸).

ویژگی مشترک دسته چهارم از تعاریف به رغم تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، تحلیل روانی رفتار عرف در ارتباط با مال است. برای مثال، طبق نظر محقق اصفهانی، مالیت اعتباری عقلایی است که از اشیا با ویژگی‌هایی انتزاع می‌شود که نوع انسان تمایل و رغبت به آن اشیا پیدا می‌کند و حاضر می‌شود در عوض آن‌ها، چیزی بذل کند (محقق اصفهانی، بی‌تا). همچنین، مرحوم حکیم مالیت را اعتبار عقلایی می‌داند که از شیئی ناشی می‌شود که دارای خصوصیتی است که موجب حادث شدن میل و رغبت مردم به آن می‌شود؛ به طوری که مردم در به دست آوردن آن، با هم رقابت می‌کنند و مسابقه می‌دهند؛ البته رقابت به مجرد منافع موجود در اشیا حاصل نمی‌شود، بلکه افزون‌بر آن، کمیابی آن نیز در تحقق سبقت و رقابت برای به دست آوردن آن لازم است (حکیم، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، صص. ۵ و ۳۲۵).

امام خمینی^(ره) مالیت هر چیزی را هم از جهت اصل وجود مالیت و هم از نظر مرتبه و مقدار مالیت، تابع عرضه و تقاضا می‌داند. بنابراین، اگر شیئی هیچ منفعتی نداشته باشد، اما یک غرض سیاسی و غیرسیاسی از اغراض عقلایی در فروش، حفظ و خرید آن وجود داشته باشد که چنین غرضی منشأ رغبت و میل به خرید آن شیء شود، آن رغبت و تقاضا باعث ایجاد مالیت در آن شیء می‌شود؛ همان‌طور که مراتب مالیت هم تابع فراوانی عرضه و تقاضاست (موسوی خمینی، ۱۳۷۳ ق، ج ۱، ص. ۱۶۴). شهید صدر^(ره) نیز معتقدند ارزش مبادله کالا کاملاً به اندازه رغبت و میل اجتماعی آن بستگی مستقیم دارد و اگر میل و رغبت اجتماعی نسبت به کالایی کاهش یابد، به دنبال آن، ارزش مبادله‌ای آن کالا نیز کاهش می‌یابد. طبق این دیدگاه، ارزش مبادله‌ای هر کالا با برآوردن نیازهای انسان با آن کالا در ارتباط است و میل و رغبت اجتماعی به کالا از فایده و ارزش استعمالی آن ناشی می‌شود (صدر، ۱۳۸۲). ورای تبیین مفهوم مالیت، پرداختن به این پرسش نیز اهمیت دارد که آیا شارع می‌تواند چیزی را که نزد عرف و عقلا مال شمرده می‌شود، از مالیت ساقط کند؟ در این مطلب دو نظر وجود دارد که طرف‌داران هر نظریه از میان فقیهان برجسته و بزرگ هستند. فقیهانی مانند محقق و آیت‌الله خویی^(ره) و نایینی^(ره) معتقدند شارع می‌تواند مالیت چیزهایی را که عرف مال می‌داند، ساقط کند. برای مثال، شراب و خوک اگرچه نزد عرف عام و عقلا مال شمرده

می‌شوند، اما شارع می‌تواند آن‌ها را از مالیت ساقط کند. در مقابل، به نظر گروه دیگری از فقها مانند آیت‌الله اراکی^(ره) و امام خمینی^(ره)، وقتی اصل مالیت و مال موضوعی عرفی و عقلایی شد، شارع نمی‌تواند مالیت اشیا را ساقط کند، بلکه فقط از بعضی یا تمام آثار مترتب بر آن نهی می‌کند. برای مثال، وقتی شراب نزد عرف و عقلا مال شمرده شود، شارع می‌تواند فقط از آثار مترتب بر مالیت آن مثل خرید، فروش، خوردن و... نهی کند نه اینکه اصل مالیت آن را ساقط کند (یوسفی، ۱۳۷۷).

۲. پیشینه تحقیق

نتیجه بررسی‌های صورت گرفته در زمینه موضوع پژوهش نشان می‌دهد که پژوهشی نیست که به صورت مستقل بحث مالیت رمزارزش‌ها را بررسی کرده باشد، اما مطالعات صورت گرفته در این راستا را می‌توان در چند دسته تقسیم‌بندی کرد که در ادامه بیان می‌شود. برخی مطالعات به صورت کلی مالیت در مباحث اسلامی را مورد مطالعه قرار داده‌اند از جمله به نظر کاظمی و پیلوار (۱۳۹۷)، مال مفهومی اعتباری و حقیقتی عرفیه است نه شرعیه و معیار تمیز آن هم شخصی است. یوسفی (۱۳۷۷) معتقد است تنها راه تشخیص اینکه شیئی مال است، وقوع معاوضات عرفیه روی آن است. ایشان در بخشی از مقاله به بررسی مالیت بیت‌کوین پرداخته و گفته است با وقوع معاوضه عرفیه روی بیت‌کوین، عنوان مال برای آن انتزاع می‌شود. بنابراین، نمی‌توان از این جهت به چنین معامله‌ای خدشه وارد کرد.

برخی از منابع و تحقیقات در خصوص مالیت در فضای مجازی مطرح شده است. از جمله مهم‌ترین این پژوهش‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد. بهمن‌پوری و همکاران (۱۳۹۳) معتقدند که داده‌های رایانه‌ای با تمام ملاک‌های مال بودن اشیا تطبیق‌پذیرند. عبدی‌پورفرد و وصالی ناصح (۱۳۹۶) توسعه مفهوم مال را با معرفی گونه جدیدی از اموال با عنوان «اموال مجازی»، بررسی و تجزیه و تحلیل کرده‌اند. فروغی و حسین‌زاده سرشکی (۱۳۹۸) با توجه به خصوصیات هر دسته از داده‌های دیجیتال و ویژگی‌های اموال در فقه و حقوق، هرکدام را ذیل یک نظام حقوقی قرار می‌دهند.

برخی از تحقیقات نیز که بیشترین قرابت را با موضوع این مقاله دارند، بحث رمزارزش‌ها را مطرح و در ذیل آن به صورت خاص‌تر و مصداقی بحث مالیت رمزارزش‌ها را بررسی کرده‌اند که از آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد. حجت‌الاسلام مروی در درس خارج

خویش درباره فقه رمزارزها به بحث مالیت و پاسخ به شبهات پرداخته است. ایشان در پاسخ به شبهه شک در مالیت بیت‌کوین بیان کرده است «در مورد هویت مال بحث‌های زیادی شده است. چند نکته در اینجا مهم است. نکته اول، رغبت فعلی عقلایی در صدق مال دخیل نیست. جمعی از عقلا که رغبت بالفعل و تسابق بالفعل به شیئی داشتند، بر آن شیء مال صدق می‌کند و اگر غرض عقلایی وجود داشت، هرچند تسابق بالفعل نباشد این غرض عقلایی، عقلا مجوز برای تسابق به آن می‌دادند که صدق مالیت می‌کند و ما قبول داریم. نکته دوم، مالیت یک امر انتزاعی است. به این معنا که یک امر واقعی خارجی داریم تحت عنوان "رغبة الناس الی شیء"؛ وقتی این رغبت مردم به یک چیزی به‌خاطر اغراض خاص بود، ما از این رغبت مردم به یک چیزی، مالیت را انتزاع می‌کنیم. نتیجه اینکه، مالیت عرفی یا مال عرفاً "ما یتاسبق جمع من الناس الی اخذه بالعمل او بالعوض"، این هویت مال است». سپس ایشان استدلال می‌کند که «نسبت به بیت‌کوین بدون شبهه امروز تسابق جمع زیادی از عقلا، ده‌ها میلیون نفر از ملل و نحل مختلف نسبت به این موضوع خاص هست و ارزش کنونی بیت‌کوین را در بازار حدود ۶۷۴ میلیارد و ۱۴۹ میلیون دلار می‌دانند. این تسابق الاناس به بیت‌کوین نیست؟! لذا با این توضیحات اصل مالیت بیت‌کوین ثابت است» (مروی، ۱۴۰۱، صص. ۸۹-۷۵)

همچنین، در تقریرات درس خارج آیت‌الله مدرسی طباطبایی یزدی که اخیراً به همت حجت‌الاسلام احمدی به تدوین درآمده است، مالیت بیت‌کوین بحث شده است و ایشان با چهار ادله، مالیت بیت‌کوین را اثبات می‌کند (مدرسی طباطبایی یزدی، ۱۴۰۱، صص. ۱۲۲-۱۰۹). میثمی و بیابانی (۱۳۹۹) به تحلیل ماهیت، استخراج و مبادله انواع رمزارزها و توکن‌ها از منظر فقه اسلامی و قوانین کشور پرداخته‌اند. نگارندگان در این تحقیق پس از گونه‌شناسی انواع رمزارزها و توکن‌ها با روش تحلیلی-توصیفی و در قسمت‌های فقهی با رویکرد اجتهادی، به حکم فقهی استخراج و مبادله انواع رمزارزها و توکن‌ها پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زیرساخت‌های پذیرش رمزارزها به‌عنوان ابزار، راهکار یا نهاد منطبق با شریعت فراهم است، اما در رابطه با رمزارزهای جهان‌روا (مانند بیت‌کوین) دو چالش «عدم احراز مالیت» و «غرر» به‌صورت جدی تأمل‌برانگیز است؛ نه مالیت رمزارزهای جهان‌روا قابل احراز است و نه عدم مالیت آن‌ها و برای همین، استفاده از آن‌ها در عمل می‌تواند با شبهه شرعی مواجه باشد.

سلیمانی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) بر پایه نظریه اعتباری بودن پول، احکام شرعی را درباره پول مجازی تبیین می‌کنند. ایشان معتقدند با توجه به فراملی و مجازی بودن این شکل پول،

طراحی نظام حقوقی ملی و بین‌المللی که ضامن مصلحت عمومی باشد، از ملاحظات اجتناب‌ناپذیر کاربرد پول‌های مجازی است. فراز آدام^{۲۸} (۲۰۱۷) سه شاخصه مالیت، تقوم و ثمن بودن را به‌عنوان شاخص‌های پول در فقه اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد. محمود و محمد^{۲۹} (۲۰۱۷) معتقدند برای شناخت حکم شرع باید سه وجه مال بودن رمزارز، عبور از فیلتر شریعت و برآورده شدن مقاصد الشریعه در نظر گرفته شود. ایشان برای بررسی وجه اول یعنی مالیت، شرایطی مانند ارزشمند بودن، قابلیت تملک و امکان ذخیره‌سازی را مطرح می‌کنند. ابوبکر (۲۰۱۸) مالیت بیت‌کوین را مورد تحلیل فقهی قرار داده و نتیجه گرفته است که مالیت بیت‌کوین مورد قبول اسلام و استفاده از آن حلال است. حبیب و ادکونل^{۳۰} (۲۰۱۹) به بررسی مالیت بیت‌کوین پرداخته و با توجه به وجود برخی ویژگی‌ها مانند مالکیت، قابلیت ذخیره و ارزشمند بودن، نتیجه گرفته‌اند که بیت‌کوین مال است. آدام و برکت‌الله^{۳۱} (۲۰۱۹) افزون‌بر متقوم بودن و ثمن واقع شدن، مالیت و ارزش داشتن را یکی از عناصر حقوقی لازم برای تحقق ارز از دیدگاه اسلام بیان می‌کنند. طبق نظر ایشان، مال باید دو ویژگی مطلوبیت از جانب مردم و قابلیت ذخیره‌سازی را داشته باشد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در بعضی پژوهش‌ها به‌صورت مختصر به مالیت رمزارزش‌ها اشاره شده است، اما پژوهشی یافت نمی‌شود که به‌صورت جامع با در نظر گرفتن جایگاه عرف و جایگاه حکومت در نظام پولی اسلامی، این مسئله را مورد بررسی قرار داده و مالیت انواع رمزارزش‌ها را نقد و بررسی کرده باشد. ازاین‌رو پژوهش حاضر برای بررسی این مهم تدوین شده است.

۳. مالیت پول و دارایی در نظام اقتصادی اسلام

همان‌گونه که در بخش ادبیات موضوع گفته شد، روی این موضوع توافق وجود دارد که مفهوم مالیت به عرف بازمی‌گردد. ازاین‌رو نقش عرف و مردم در تعیین و پذیرفتن مصداق پول یا مصداق دارایی از سویی و جایگاه حاکم شرع یا حکومت اسلامی در تأیید یا ساقط کردن مالیت یا آثار مالیت برخی از پدیده‌ها از سوی دیگر مهم است. با توجه به اینکه در حال حاضر رمزارزش‌ها به‌عنوان پدیده رغیب در مقابل پول‌های ملی شناخته می‌شوند و حکومت‌ها و دولت‌ها خلق و چاپ پول را به انحصار خود درآورده‌اند، بررسی مالیت رمزارزش‌ها به علت قرابت با مفاهیم پول و دارایی در نظام پولی منسجم اقتصادی اسلامی

لازم و ضروری است تا بتوان با فهم دقیق و نظام‌مند، رابطه میان مالیت و رمزارزها را تحلیل و بررسی کرد. در واقع، برای فهم دقیق این مسئله در حوزه پولی باید به این پرسش پرداخت که منشأ پیدایش پول چیست؟ برای بحث درباره پرسش بالا باید نگاهی ساختارمند داشت و مالیت پول را در چهارچوب نظام پولی مورد بررسی قرار داد. حال اگر بخواهیم عناصر اصلی نظام پولی را در چهارچوبی منسجم تشریح کنیم، می‌توان با افراز منطقی گفت که هر نظام پولی متشکل از سه عنصر و بازیگر اصلی شامل مردم، دولت‌ها و حاکمیت‌ها و بازار است؛ یعنی دولت‌ها و حاکمیت‌ها پول را برای رفع نیازهای اقتصادی مردم منتشر می‌کنند و در بازارها مبادله می‌شود. در ادامه، جایگاه عناصر نظام پولی یعنی مردم، حکومت و بازار در اسلام تشریح شده است. درنهایت، در پایان این بخش، با توجه به نظام پولی تبیین‌شده، شرط مالیت انواع رمزارزها تحلیل و بررسی می‌شود.

۳-۱. نقش و جایگاه مردم در نظام پولی اسلامی

پول و مال از جمله عناوین عرفی و عقلایی است و عنوان شرعی نیست. عناوین عرفی و عقلایی به اموری اطلاق می‌شود که شارع در ایجاد عنوان و مُعَنَوَن (مصدق) آن‌ها هیچ‌گونه دخالتی ندارد. این عناوین به اعتبار مُعَنَوَن آن‌ها قابل تقسیم به انواع زیر است.

الف. عناوینی که عرف و عقلا بر امور تکوینی موجود در خارج اطلاق می‌کنند مانند عنوان گندم.

ب. عناوینی که معنوی آن‌ها با عرف و عقلا وضع و اعتبار می‌شود یا اینکه عرف عام و عقلا آن وضع و اعتبار را می‌پذیرند. برای مثال، برای برطرف کردن مشکلات مبادلات پایاپای، آن‌ها پذیرفته‌اند که شیء خاصی با عنوان پول، با بر عهده گرفتن وظایفی، در مبادلات مورد استفاده قرار گیرد.

پ. عناوینی که عرفی و عقلایی شمرده می‌شوند، اما نه به این معنا که عرف و عقلا آن‌ها را وضع و اعتبار کرده باشند، بلکه آن‌ها بعضی از اشیا را به گونه‌ای مورد استفاده می‌دهند و به کار می‌گیرند که از نحوه به‌کارگیری و استفاده آن‌ها، آن عناوین خاص برای آن اشیا انتزاع می‌شود.

ت. عناوینی که با عرف خاصی وضع و اعتبار می‌شود مثل تورم، سود، ثروت و... که عرف اقتصادی آن‌ها را اعتبار می‌کند (یوسفی، ۱۳۷۷، ص. ۱۷).

با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد پول عنوانی عرفی از نوع دوم است، اما ممکن است عناوینی به پول ملحق شود که از نوع سوم باشد. برای مثال، اگر پول مال باشد، مال عنوانی است که از نحوه به‌کارگیری پول با عرف و عقلا انتزاع می‌شود. مسئله حائز اهمیت این است که اگر بر این عناوین عرفی احکامی مترتب شود، هرگاه آن عنوان بر هر مصداقی از نظر عرف منطبق شد، به دنبال آن، حکم آن عنوان بر آن مصداق مترتب می‌شود، اما اگر تطبیق عنوانی بر مصداقی مورد تردید قرار گرفت، در این صورت چه راهکاری می‌توان جست؟ درباره عناوینی که با عرف خاص وضع و اعتبار شده است، باید به عرف خاص آن مراجعه کرد تا با به دست آوردن ضابطه آن عنوان، مصداق مورد تردید را از شک و گمان خارج ساخت (یوسفی، ۱۳۷۷، ص. ۱۸).

بدین منظور درباره نوع دوم، روش ضابطه‌یابی و شناخت ویژگی‌های آن مانند نوع اول است، با این تفاوت که در مورد دوم، توجه و نظر در کشف آن ضابطه افزون‌بر اینکه ناظر به اموری است که با عرف و عقلا وضع شده، ناظر به شرایط و ویژگی‌هایی است که شارع مقدس در امضای آن مورد توجه قرار داده است. اکنون حتی در مقام شک در اینکه آیا در موضوعی مانند پول بما هو پول که قطعاً پیش از اسلام وجود داشته است، شرع بدون وضع شروطی آن را پذیرفته یا خیر؛ به‌صرف عرفی بودن نمی‌توان به امضای شرع حکم کرد، بلکه باید برای رفع شک ابتدا باید فحص کافی در ادله این موضوع انجام گیرد که مقدمه این فحص، تحلیل دقیق ماهیت پول است. پس از تحلیل ماهیت و فحص در ادله، در صورت عدم تفوق بر شروطی در این باب، می‌توان برای ایضاح موضوع به عرف رجوع کرد. بنابراین، اعتنا به عرف بما هو عرف بدون فحص ادله از حیث فقهی مردود است؛ البته این سخن بدین معنا نیست که مردم و عرف در نظام پولی اسلامی جایگاهی ندارند، بلکه با توجه به تاریخ صدر اسلام و روایات ائمه اطهار^(ع) می‌توان گفت مردم برای رفع نیازهای معاملاتی و مبادلاتی خویش انواع پول‌ها را مورد استفاده قرار می‌دادند و اسلام با این موضوع مشکلی نداشته و پول رایج هر عرف را که نوعی از پول خصوصی بوده، امضا کرده است، این امضا از تطبیق آن با اصول و شرایط بوده است نه صرف اینکه چون عرف آن را پذیرفته، آن را امضا کرده است (عیوضلو، رضایی صدرآبادی، و نوری، ۱۴۰۰، صص. ۶۳-۶۴).

برای مثال در روایتی از محمدبن مسلم آمده است «مردی از اهل سیستان نزد امام باقر^(ع) آمد و عرض کرد در سرزمین ما، درهم‌هایی رایج است که آن را شامی می‌گویند و به‌اندازه

دو دانگ مخلوط دارد یا زیاده‌تر است. فرمود این اشکال ندارد و تبادل آن جایز است»^{۳۲}. این روایت، بحث رواج انواع پول در عرف‌های مختلف را نشان می‌دهد و وجود دو نوع پول رایج و غیررایج را نیز بر فرض اینکه درهم‌های معمولی مندرج در پرسش پرسش‌کننده پول رایج به شمار آوریم، می‌توان برداشت کرد. از سوی دیگر، شرع مقدس این عنوان را امضا کرده است. افزون‌براین، هنگام بعثت پیامبر اکرم (ص)، آن حضرت معامله با سکه‌های رایج رومی را مورد امضا قرار داده است و خود و دیگر مسلمانان در معاملاتشان، همان سکه‌ها را مورد استفاده قرار می‌دادند^{۳۳}. همچنین، بعضی منابع تاریخی نقل می‌کنند که «رسول خدا (ص) دینارهایی را که قیصر روم برای آن حضرت فرستاده بود، پذیرفتند و آن‌ها را بین اصحاب خود تقسیم و بر همین نوع سکه‌ها، زکات اموال را واجب کردند» (فهیمی عزیز، ۱۹۶۵م، ص. ۳۰). بنابراین، اولاً، ماهیت پول بما هو پول مورد تأیید و امضای معصوم قرار گرفته است و ثانیاً، بر پایه مهم‌ترین منطق ایجاد پول که تسهیل در معاملات و مبادلات است، شرایط عام ثمن و مثنی در عقود معوض را می‌توان از عمده شروط حاکم بر ایجاد پول دانست.

پرسش اساسی این است که آیا می‌توان حکم به انحصار تعیین مصداق پول و خلق آن در ید حاکم داد یا خیر؛ یعنی آیا عرف و مردم در خلق پول و تعریف پول عرفی می‌توانند نقش داشته باشند یا تعیین مصداق پول و خلق آن در انحصار حکومت است؟ در پاسخ باید گفت با توجه به اینکه بیشتر روایات مشعر به ماهیت پول، نوعی روایت تاریخی است و مانند دیگر ابواب فقهی که احکام را می‌توان از مقام سائل و مُجیب استنتاج کرد، نیست، از این رو از این روایات فقط قاعده‌ای عام را که همان امضای رواج ماهیتی به نام پول در بازار و در مقام معاملات بوده است، می‌توان استنتاج کرد و بنا بر اصل اباحه فی نفسه و قطع نظر از مقام فقه حکومتی، می‌توان بدین قائل شد که تعیین مصداق پول در عرف و رواج آن به خودی خود مشکلی ندارد؛ البته خلق پول توسط نهادهای غیرحاکمیتی ضرورتی مستحدث است که مانند دیگر موضوعات مستحدثه باید از قواعد عام استخراج شود.

بنابراین، در نظام پولی اسلامی، در تعیین مصداق پول برای رفع مشکلات اقتصادی، تشکیل و رواج داشتن مصداق پول عرفی از نظر اسلام اشکالی ندارد، اما حاکمیت اسلامی وظیفه نظارت و کنترل اصول و شرایط حاکم بر پول را دارد و درنهایت، اعتبار مصداق مختلف پول را که در میان مردم و عرف (اعم از عرف خاص و عرف عام) پذیرفته می‌شود، تأیید یا رد نهایی می‌کند. برای توضیح بیشتر و روشن شدن جایگاه حکومت، در ادامه به

جایگاه حاکمیت اسلامی در امضای عنوان عرفی‌ای مانند پول و مال و بیان شرایط مختلف آن پرداخته شده است (عیوضلو، رضایی صدرآبادی، و نوری، ۱۴۰۰، صص. ۴۶۷-۴۶۶).

۲-۳. نقش و جایگاه حکومت در نظام پولی اسلامی

در نظام پولی اسلام، شارع مقدس دو نقش عمده برای حاکمیت و حکومت اسلامی در نظر گرفته است. نخستین نقش، تبیین موازین شرعی و معیارها و تطبیق دادن مقتضیات زمان و مکان با چهارچوب ثابت شریعت است. همان‌طور که گفته شد، موضوع و عنوان پول و مال عنوان شرعی نیست و برایش حکم شرعی مستقل مثل عنوان صلات (نماز) مطرح نیست، اما این موضوع باید مانند همه موضوعات از موازین شرعی تبعیت کند و باید بررسی کرد که از نظر شارع، چه معیارها و موازینی در این موضوع مورد توجه بوده است و حاکمیت هم وظیفه صیانت از این چهارچوب و معیارها را دارد.

نقش دوم حکومت اسلامی در نظام پولی بحث قدرت در اجرا و نظارت بر نظام پولی از سویی و از سوی دیگر، حفظ نظام اسلامی و منافع و مصالح مردم در مقابل حوادث غیرمنتظره یا حتی نظام سلطه با ابزار پول است که باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، پول جزو حوزه نفوذ حاکمیت است و حفظ ثبات پولی و نظارت بر ضرب و خلق پول و گاه دخالت در ضرب سکه از وظایف حاکمیتی حکومت اسلامی است.

برای اثبات این دو نقش باید به تاریخ صدر اسلام و روایات وارده در این باره توجه کرد. درباره نقش نخست واضح است که مراجعه مدام مردم (عرف) به امامان معصوم^(ع) و بیان مسائل خویش درباره پول و معاملات، نشان از جایگاه و نقش ایشان دارد و به‌طور کلی، روند امضا یا رد عنوان عرفی هم توسط حاکم شرع موضوعی اثبات شده است. برای مثال، امام رضا^(ع) می‌فرماید از موارد فساد و اسراف مال، شکستن پول مسکوک سالم برای مصرف دیگر و دور انداختن هسته خرماس^{۳۴}. همان‌گونه که از روایت برمی‌آید، رواج پول مسکوک در زمان امام رضا^(ع) که حکومت ضرب کرده بود، مورد عنایت امام^(ع) قرار داشته است و به دلیل صرف هزینه برای ضرب سکه، شکستن پول مسکوک را در غیر از معامله و استفاده در غیر از موارد معمول بهره‌مندی از پول را از مصادیق اسراف می‌دانند (عیوضلو، رضایی صدرآبادی، و نوری، ۱۴۰۰، صص ۴۶۹-۴۶۷).

درباره نقش دوم نیز باید گفت که از جمله موضوعات مطرح شده در موضوع پول، مرجع نظارت و تأیید ضرب، خلق و حجم نقدینگی در بازار است که بحث‌های اندکی درباره آن صورت گرفته است. به این موارد باید از منظر نظام اقتصاد اسلامی نگریسته شود و از حیث نقلی، عقلی و عقلایی و به‌طور کلی با توجه به منابع مورد استناد فقهی پاسخ مناسب داده شود. از حیث نقلی چند روایت در منابع شیعه و عامه از امامان معصوم^(ع) منقول است^{۳۵} که از حیث مضمون با یکدیگر وفاق دارند و کلیاتی را بیان می‌کنند که اهمیت بسیار زیادی در تأیید نقش مطرح شده در باب نظام پولی اسلامی دارد. طبق آنچه گذشت، هنگام ظهور دین اسلام، پیامبر اکرم^(ص) معامله با سکه‌های آن زمان را با همان مشخصات مورد تأیید و امضا قرار داد و دیگر مسلمانان در معاملاتشان بدون هیچ‌گونه تغییری در آن‌ها، همان سکه‌ها را مورد استفاده قرار دادند. طبق نقل‌های تاریخی، در شرایطی خاص، امیرالمؤمنین^(ع) یا حاکم اسلامی با راهنمایی و تأیید امام معصوم^(ع) به ضرب سکه پرداختند که این موضوع برای احیای ارزش‌ها و حفظ اصول اسلامی بود. برای مثال، با توجه به آنچه در *حیة‌الحوین*، *شذرات‌العقود* و... به نقل از کسائی (معروف، ۱۳۹۷ق، ج ۳، ص. ۲۱۴) آمده است، می‌توان فهمید که بحث ضرب سکه توسط حکومت اسلامی و جایگاه آن در مواجهه با کفار، در بیان جایگاه و نقش حکومت اسلامی در نظام پولی بوده است و به استقلال و نفوذ ایشان حتی از باب تطبیق مصداق نفی سبیل کفار بر مسلمین اشاره دارد و همچنین، استفاده از قوه قاهره حکومت اسلامی در یکپارچگی خلق و ضرب سکه توسط حکومت و بی‌اعتباری دیگر پول‌های خلق شده و سکه‌های ضرب شده است.

۳-۳. نقش و جایگاه بازار در نظام پولی اسلامی

جایگاه بازار در نظام پولی اسلام تعیین رابطه قیمتی میان انواع پول‌ها و همچنین قیمت پول است. این نقش در رفع مجهولیت ثمن و مثن و تعیین معیار ارزش پول تأثیر داشته است. در صدر اسلام دو نوع پول در عرض هم در مبادلات مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ درهم و دینار درحالی‌که هیچ‌گونه رابطه قیمتی مشخص بین آن دو وجود نداشت و رابطه با توجه به میزان عرضه و رابطه قیمتی درهم و دینار در زمان رسول‌الله یک به ده بود؛ یعنی هر دینار در مقابل ده درهم معامله می‌شد درحالی‌که در زمان عمر یک دینار به ۱۲درهم معامله می‌شد. این رابطه همچنان متغیر بود؛ به‌طوری‌که یک دینار به ۱۳درهم، ۱۵درهم، ۲۵درهم و گاه به

۳۵ درهم نیز معامله می‌شد (یوسفی، ۱۳۷۷، ص. ۱۱۹)^{۳۶}. از این رو در نظام پولی اسلام برای توازن و تعادل قیمتی بین انواع پول‌ها، جایگاه و نقش مهمی برای بازار در نظر گرفته شده است (عبوضلو، رضایی صدرآبادی، و نوری، ۱۴۰۰، صص. ۴۷۰-۴۶۹). حال که جایگاه اجزای نظام پولی اسلام مشخص شد، باید شروط حاکم بر روابط میان آن‌ها که برای رسیدن به اهداف با هم در ارتباط هستند، روشن شود که در ادامه، به این مهم پرداخته می‌شود.

۳-۴. بررسی مالیت به عنوان یکی از شرایط و ویژگی‌های حاکم بر پول در نظام پولی اسلامی

در نظام پولی اسلام، شرایط و ویژگی‌هایی بر روابط بین عناصر حاکم است که شارع مقدس در راستای تحقق اهداف و رعایت اصول نظام پولی و نظام اقتصادی اسلام مانند حق، عدل و قوام، آن‌ها را وضع کرده است. یکی از نکات مهم در بررسی این شرایط و ویژگی‌ها این است که بیشتر این شرایط حول نقطه مرکزی یعنی مفهوم پول و ویژگی‌های آن وضع و در ضمن شرایط معاملات و مبادلات تبیین و تشریح شده است. با بررسی منابع فقهی که در آن‌ها حتی استطراداً از پول سخن به میان آمده است و همچنین، کارایی‌هایی که از پول انتظار می‌رود، شروط لازم برای تحقق صحت مبادلات و حتی اطلاق پول بر مصداق خاص استخراج می‌شود که عبارت از «ارزش و مالیت» داشتن مصداق پول، «معلومات پول» از حیث جنس، وصف و مقدار و «وجود ثبات نسبی» در ارزش پول است (عبوضلو، رضایی صدرآبادی، و نوری، ۱۳۹۹). با توجه به موضوع مقاله و همچنین، محدودیت حجم مقاله، در ادامه تنها به بررسی شرط نخست یعنی ارزش و مالیت پول در نظام پولی اسلامی اشاره می‌شود.

یکی از مهم‌ترین شرایط پول، وجود ارزش و مالیت است؛ یعنی با عنایت دقیق به روایاتی که در مقام بیان نوعی مبادله هستند، چه این مبادله در مقام تجارت باشد مانند روایت عروه بارق، چه این مبادله در مقام جبران ضرر باشد مانند روایات ناظر به دیات و چه این مبادله در مقام صلح باشد، عوضی در مقام مبادله تعیین می‌شود که از حیث عرفی دارای ارزش و مالیت است؛ زیرا در هریک از مواضع مطرح‌شده، با توجه به روایات فارغ از بحث غبن عدم وجود ارزش معاملی، طرفین را در موقعیت انجام دادن عمل عبث قرار می‌دهد. با توجه به کلام فقها

در باب عقود، مالیت مورد معامله از شروط صحت عقود است. با رجوع به تعاریف مختلف فقها (انصاری، ۱۴۱۱ق، ص. ۱۱۰؛ مامقانی، ۱۳۱۶ق، ص. ۴۲۴؛ نائینی، ۱۳۷۳ق، ص. ۳۳۹) در رابطه با مفهوم مال، قدر متیقن از آن تعاریف، این است که عوضین ارزش دادوستد را داشته باشند تا بذل مال در مقابل آن درست باشد و این میسر نمی‌شود مگر اینکه مورد معامله دارای منفعتی باشد که برای تحصیل آن منفعت، مبادلات شکل می‌گیرد.

حال این ارزش دادوستدی یا بر اساس موضوعی واقعی تعیین می‌شود یا موضوع معینی اعتبار می‌شود و در عالم واقع دارای عینیتی نیست. اعتباریات و انتزاعیات بر اموری اطلاق می‌شود که قائم به وجود اعتبارکنندگان است. مانند کلیت، جزئیت و شیئیت. اعتباریات ممکن است در خارج منشأ انتزاع پیدا کنند و ممکن است انتزاع پیدا نکنند و تنها بر ساخته ذهن فعال بشر باشند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص. ۶۶). شهید مطهری^(۹) استعمال مفاهیم اعتباری را در اصطلاح فلسفی این‌گونه بیان می‌کند که فلاسفه معتقدند دو گونه مفهوم در ذهن بشر عارض می‌شود؛ اول، مفاهیمی که مستقیماً در خارج وجود دارند. این مفاهیم از مثال‌های خارجی اخذ و بر ذهن عارض می‌شوند. دوم، مفاهیمی که مستقیماً در خارج وجود ندارد و از مفاهیم دیگری که در خارج موجودند، انتزاع می‌شوند. این مفاهیم در اشیای خارجی صدق می‌کنند، اما مفهوم موجود درباره آن‌ها صدق نمی‌کند مانند مفهوم امکان. مهم‌ترین عنصر در این علوم نحوه اعتبار معتبر است که محتوای داشته‌های آن‌ها را برای مخاطبان مشخص می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹، صص. ۳۶۳-۳۶۲).

حقیقت مورد نظر در باب صحت معاملات این است که عوضین منفعت معتبر عقلایی داشته باشند منوط به اینکه منع شرعی نداشته باشند؛ زیرا شارع آثار مالیت بعضی از اشیایی را که عقلاً با آن معامله مال می‌کند، الغا کرده است. به این معنا که حکماً مال نیستند نه آنکه شارع مالیت برخی از اشیای کاملاً الغا کرده باشد. برخی از فقها نیز بر این نظرند که گاه شکل‌گیری مبادلات به دلیل مالیت آن‌ها و گاه به خاطر غرض دیگری است. در نتیجه، معاملاتی را که دیگر مقاصد عقلایی (غیر از مالیت) در آن‌ها موجود باشد نیز می‌توان صحیح دانست (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۲). احراز منفعت عقلایی یادشده بدین گونه است که منشأ عمل عقلاً مبتنی بر تسامح و سهل‌انگاری نباشد، بلکه بر پایه دقت استوار باشد؛ البته امام خمینی^(۹) در برخی از موارد، تسامح عرفی را پذیرفته‌اند که از محل بحث خارج است

(موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۲۷). در مجموع، باید گفت اعتماد به سیره عقلا زمانی است که عقلا بر اساس دقت نظر عمل کنند و این سیره در شرع مورد نفی واقع نشده باشد. بنابراین، اگر بخواهیم تمام نکات درباره مالیت پول و دارایی را در نظام اقتصادی اسلام با توجه به مفهوم مال و شرایط آن که در بخش نخست گذشت و همچنین، نقش عرف و حکومت در نظام پولی را جمع بندی کنیم، باید گفت که اولاً، از منظر اسلام، مالیت اشیا، پول و دارایی هم بعد عرفی دارد و هم بعد شرعی؛ یعنی هم عرف عقلا باید آن شیء یا پول یا دارایی را به عنوان مال پذیرفته باشد و هم شرع مقدس باید آثار مالیت آن را امضا کند. ثانیاً، در زمینه پول برای امضای مالیت پول توسط شرع می توان این گونه نتیجه گرفت که اساساً در نظر اسلام، پول یا باید ارزش ذاتی داشته باشد و مانند پول های کالایی یا مسکوکات فلزی باشد یا اگر امر اعتباری بود حتماً باید در عالم مابه ازایی ارزشمند و منشأ عقلایی داشته باشد و اعتبار کردن بدون مابه ازای بدون منشأ عقلایی در اسلام مورد قبول شارع نیست. فقها در حجیت سیره عقلا دارای اختلاف هستند و سه نظر برداشت می شود. نخست، نظریه امضا^{۳۷} یا احراز عدم ردع (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص. ۱۹۸)، دوم، نظریه اعتبار یا عدم احراز ردع (مغنیه، ۱۳۸۹، ص. ۲۲۲) و سوم، واگذاری برخی امور به عرف و عقلای جامعه توسط شارع مقدس (معرفت، ۱۳۷۴، ص. ۶۰). این سه نظریه با یکدیگر اختلاف مبنایی دارند، اما در یک نقطه اشتراک دارند و آن اینکه، اگر سیره عقلایی مورد مخالفت صریح شرع باشد، فاقد اعتبار است.

در پایان، این جمع بندی را می توان با نظر میرزای نایینی تأیید کرد؛ زیرا ایشان با ظرافت، شروط چهارگانه ای را برای مالیت بر شمرده است. اولاً، شیء باید دارای یکی از دو ویژگی «منفعت» یا «خاصیت» باشد. مراد از «منفعت»، قابلیت انتفاع از شیء با بقای آن است مانند سکونت در خانه. مراد از «خاصیت»، منفعتی است که بر شیء مترتب می شود و با از بین رفتن عین شیء همراه خواهد بود مانند سیری که بر خوردن نان به همراه از بین رفتن آن مترتب می شود. ثانیاً، عقلا به حسب عادتشان به خاطر منفعت یا خاصیت این شیء، آن را جمع آوری کنند. اشیایی که عقلاً آن را جمع آوری نمی کنند، هر چند منفعت و خاصیت داشته باشند، ولی به دلیلی همچون فراوانی، راغب به جمع کردن آن نباشند، مالیت ندارند. سنگ و خاک نمونه این مورد است. ثالثاً، عقلا در برابر این شیء مال پرداخت کنند. اگر عقلا برای آن مال پرداخت نکنند، مالیت ندارد. برای مثال، عقلا برای آب کنار نهر در عین داشتن منفعت و خاصیت، مال پرداخت نمی کنند. این سه شرط تعبیر به مالیت عرفی می شود و شرط چهارم،

مالیت شرعی را برمی‌شمرد. رابعاً، منفعت یا خاصیت مقوم مالیت شیء، مورد نهی شارع نباشد. برای مثال، شراب به واسطه نهی شارع مالیت ندارد (نائینی، ۱۳۷۳، ج ۲، صص. ۳۶۵-۳۶۴). از این رو مالیت شرعی در پول همان جایگاه حاکمیت و شارع مقدس در امضا یا رد مالیت پول عرفی است که در نظام اقتصادی اسلامی با توجه به فقه حکومتی و نظام قابل توجه است و مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴. بررسی مالیت رمزارزش‌ها

به خاطر مستحدثه بودن ماهیت رمزارزش‌ها، در این بخش این مسئله مورد بررسی قرار گرفته است که بر اساس شرط «وجود ارزش و مالیت» در مصادیق پول و همچنین، جایگاه حکومت و عرف در نظام پولی اسلام، مالیت این رمزارزش‌ها بر اساس چه نهاد و سازوکاری توجیه شرعی دارد؟ در ترسیم چهارچوب نظام پولی اسلامی به نقش و جایگاه مردم، حکومت و بازار و همچنین، به بحث مالیت اشاره شد که اگر تمام آن‌ها را در ستون‌های جدول و انواع رمزارزش‌ها را ردیف‌های آن جدول در نظر بگیریم، ماتریسی ایجاد می‌شود که می‌توان تطابق انواع رمزارزش‌ها را با برخی از مسائل چهارچوب نظام پولی بررسی کرد. بر اساس اهمیت جایگاه حکومت اسلامی در مالیت و همچنین، شروط و ویژگی‌های مالیت، می‌توان مالیت برخی از توکن‌ها را که از نظر ماهیت به هم شبیه هستند، با هم ادغام کرد. برای مثال، در میان رمزارزهایی‌ها، توکن‌های بهادار و کاربردی که مابه‌ازای عینی و ملموس دارند، در یک ردیف قرار می‌گیرند و کوین‌های رمزنگاری‌شده که کاملاً اعتباری و بدون دخالت دولت‌ها ایجاد شده‌اند، در ردیفی مجزا قرار می‌گیرند. همچنین، در میان رمزپول‌ها می‌توان گفت که ماهیتاً دو دسته عمده وجود دارد. دسته نخست، رمزارزهایی مانند تتر است که توسط بخش خصوصی و شرکت خاص با پشتوانه یک ارز بین‌المللی ایجاد شده‌اند و مهر تأیید حاکمیت و دولتی را ندارند. دسته دوم، رمزپول‌ها و رمزارزهایی هستند که به عنوان نماینده رمزنگاری‌شده از یک ارز و پول بین‌المللی ایجاد شده‌اند، اما برخلاف رمزارزهای خصوصی، مهر تأیید یک حکومت را دارند و با توجه به جایگاه حکومت در تحلیل مالیت، تفکیک این دو دسته هم مهم است.

جدول ۲: ماتریس تحلیل انواع رمزارزش‌ها با جایگاه حکومت، عرف و شروط مالیت در نظام پولی اسلام

انواع رمزارزش‌ها/ اصول چهارچوب	محدوده فقه حکومتی	ابعاد مالیت (فقه فردی)			
	جایگاه حکومت	جایگاه عرف و مردم	نقش بازار	مابه‌ازای عینی (یا)	یا/وجود مابه‌ازای اعتباری
توکن‌های بهادار و توکن‌های کاربردی	؟	✓	✓	✓	-
کوین‌های رمزنگاری‌شده (رمزسکه)	x	✓	✓	-	✓
رمزارزهای خصوصی	x	✓	✓	✓	✓
رمزارزها و رمزیول ملی	✓	✓	✓	✓	✓

منبع: یافته‌های پژوهش

پیش از توضیح ماتریس و تحلیل بخش‌ها، گفتنی است که علامت تیک نشانه مثبت بودن و رعایت اصل است. علامت ضربدر (x) نشانه منفی بودن و عدم رعایت اصل مربوط است و علامت پرسش (?) نشانه این است که اصل مربوط با توجه به شرایط ممکن است رعایت شود یا نشود و به مصداق و شرایط خاص بستگی دارد. در ادامه، تحلیل هریک از اصول در دسته‌بندی رمزارزش‌ها تشریح می‌شود.

۴-۱. تحلیل توکن‌های بهادار و کاربردی

توکن‌های بهادار و کاربردی که عموماً با پشتوانه دارایی و کالای واقعی مانند پشتوانه طلا (پکس‌گلد، ترگلد و...) هستند یا با پشتوانه اوراق بهادار یا خدمات رواج یافتند، با توجه به احکام شریعت درباره نقدین (مسکوکات طلا و نقره) و نیز نکاتی که در بخش اعتبارات گفته شد و احکام ناظر به بازار سرمایه و اوراق بهادار و بورس، می‌توان گفت بر اساس اصول و معیارهای چهارچوب نظام پولی اسلامی، سنخیت کامل با شروط را دارند. این نوع رمزارزش‌ها که دارای پشتوانه دارایی و کالای واقعی هستند، در بازارهای سرمایه‌ای دنیا و بورس اوراق بهادار رواج پیدا کردند و جنبه دارایی یافتند و مورد توجه عموم مردم دنیا قرار گرفتند. تنها نکته حائز اهمیت این است که سنخیت این نوع رمزارزش‌ها با چهارچوب، با فرض این است که در اجرای این نوع رمزارزش‌ها، کاملاً درست و مناسب عمل شود و

پشتوانه در عالم واقع وجود داشته باشد و به عنوان پشتوانه مسدود شده باشد یا با شرایط مورد استفاده قرار گیرد. در توضیح بیشتر باید گفت طبق اصول و شرایط وقتی نظام پولی مبتنی بر کالا یا دارایی مشخص به عنوان پشتوانه شکل گیرد، آنگاه خود به خود اصول و شرایط محقق می شود؛ زیرا نظام پولی مبتنی بر واقعیت شکل گرفته است و اعتباری نیست که مسائلی مانند خلق بی رویه، نبود ثبات و پایداری و فقدان معلومیت و مالیت و ارزش و... به وجود آید. این نوع رمزارزش ها نزدیک ترین قرابت را با نظام پولی اسلامی دارند؛ البته مانند رمزارزش های خصوصی این نوع توکن ها می توانند توسط شرکت های خصوصی ایجاد شوند مانند ترگلد که شرکت تتر ایجاد کرده است و لزومی ندارد که حاکمیت و حکومت خاصی ورود کرده باشد. از این رو رعایت معیار جایگاه حاکمیت بسته به شرایط تعیین می شود؛ یعنی ممکن است حکومت اسلامی یا غیراسلامی آن رمزارزش را با توجه به شرایط مورد پذیرش قرار دهد و اجازه معامله آن را به مردم دهد. با توجه به روایت تاریخی ضرب سکه توسط ملک بن مروان و سیره پیامبر اکرم (ص)، از منظر اسلام تا زمانی که این رمزارزش موجب وهن و تضعیف حکومت اسلامی و مسلمانان نشود، دلیلی ندارد که حکومت اسلامی مانع از خرید و فروش آن شود. همچنین، میثمی و بیابانی (۱۳۹۹) هم مالیت این توکن ها را پذیرفته اند و می توان گفت وجود مابه ازای عینی یکی از شروط مالیت است که این توکن ها در ماهیت خود دارند.

۴-۲. تحلیل کوین های رمزنگاری شده (رمزسکه ها)

همان طور که گذشت، معروف ترین این نوع رمزداری ها بیت کوین است. با توجه به سازوکار طراحی شده آن ها و بر اساس نوسانات بالا در دو دهه اخیر و تغییرات بسیار زیاد بازار حقیقی و اسمی در آن ها، می توان گفت این رمزداری ها را حکومت ها منتشر و خلق نکرده اند و مهر تأیید حکومتی را ندارند. از سوی دیگر، نقش مردم در شکل گیری این نوع رمزارزداری ها کاملاً کلیدی و حیاتی است و اگر بازار لازم شکل نگیرد و مردم تمایلی به این نوع رمزارزداری ها نداشته باشند، اصلاً گسترش نمی یابند. در مقابل، دولت و حکومت ها در کنترل، نظارت، خلق و مسائل دیگر این رمزارزش ها اصلاً دخالتی ندارند و حتی اگر حاکمیت هم سازنده آن باشد، در عمل نمی تواند دخالتی کند؛ زیرا دستورالعمل پیمان نامه اثبات کار و الگوریتم های آن مانع از دخالت مستقیم حاکمیت خاص یا دولت می شود و حکومت ها فقط

می‌توانند اعتباردهی به آن‌ها را قبول یا رد کنند. در این رمزارزش‌ها شروط پول با توجه به اینکه ارزش‌گذاری آن بستگی به اقبال مردم و کارایی دارد و بازار شکل می‌گیرد، عموماً شروط مالیت یعنی معلومیت را دارند. اکنون با توجه به نکاتی که در بخش مالیت اعتباری و وجود مابه‌ازای حقیقی در عالم واقع گفته شد، پرسش مهمی که باید به آن پاسخ داد، این است که مابه‌ازای حقیقی رمزارزش‌های قابل استخراج مانند بیت‌کوین چه چیزی است که منجر به افزایش تقاضای مردم و تمایل مردم به آن شده است؟ در این خصوص عیوضلو و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق خویش ذکر کرده‌اند:

«بیت‌هایی که در پروتکل اثبات کار با این مکانیسم خلق می‌گردد، هیچ مابه‌ازایی در خارج ندارند؛ یعنی طراحان بلاک‌چین و نظام ارز مجازی قابل استخراج مانند بیت‌کوین، به‌صورت ابداعی و بدوی یک ماهیت را اعتبار می‌کنند و آن را تحت عنوان پاداش به استخراج‌کنندگان می‌دهند. این در حالی است که طراحان برای خلق این پاداش زحمتی نکشیده‌اند و مابه‌ازایی برای آن‌ها در عالم واقع وجود ندارد و مشخص نیست که این پاداش را از کجا آورده‌اند و ارزش‌گذاری آن‌ها هم تابع عوامل مختلفی است که ملاک ارزش‌گذاری دقیقی را به دست نمی‌دهد. در نتیجه، ماهیت ارزش این بیت‌ها دارای ابهام است و از حیث فقهی، عدم تعیین و وجود ابهام در ارزش این بیت‌ها، مانع از صحت معامله با آن می‌گردد. شاید در پاسخ به استدلال مذکور ایراد گرفته شود که مابه‌ازای این رمزارزها، انرژی، هزینه و زمانی است که استخراج‌کنندگان جهت استخراج مصرف می‌کنند و یک بیت را خلق می‌کنند و مابه‌ازا دارد. در جواب باید گفت مسئله این است که استخراج‌کنندگان در ازای صرف هزینه، انرژی و سرمایه‌ای که می‌گذارند تا سیستم ارز مجازی مانند بیت‌کوین پابرجا و مستدام باشد، یک پاداشی دریافت می‌کنند که طراحان و خالقین این پاداش برای خلق آن مابه‌ازایی نداده‌اند و قطعاً کار و زحمت استخراج‌کنندگان نمی‌تواند مابه‌ازای کاری باشد که خودشان زحمت کشیده‌اند و دور به وجود می‌آید. همچنین از سوی دیگر، در بخش واقعی اقتصاد، ارزشی که ایجاد می‌شود باید عقلایی باشد و فعلی که شکل می‌گیرد، نتیجه و اثر واقعی در اقتصاد داشته باشد که در قسمت قبل بیان شد که از یک سو سیره عقلا برگرفته‌شده از عرف خاص قابل اعتنا نیست و از سوی دیگر با توجه به عدم وجود اعتبار صحیح در این ارزها، نقش صحیحی که ماهیت پول باید در قسمت واقعی اقتصاد ایفا نماید، عقیم خواهد ماند. در نتیجه، سیره عقلایی مفروض در مالیت این ارزها با توجه به عدم معلومیت ارزش آن‌ها با مانع مواجه است و از اعتبار ساقط می‌گردد. به عبارت دیگر، شارع به‌صورت حکمی مالیت

این ارزشها را نفی می‌کند که مانع مبادله با آنها خواهد بود» (عیوضلو، رضایی صدرآبادی، و نوری، ۱۳۹۹، ص. ۲۰۲).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ایشان معتقدند اگر کار و عمل استخراج را به‌عنوان مابه‌ازای این نوع رمزارزها در نظر بگیریم، دور به وجود می‌آید؛ زیرا در نتیجه همان کار و عمل بوده که بیت‌کوین خلق شده است و خود آن نمی‌تواند پاداش همان کار و عمل قرار گیرد. نکته شایان توجه در رد و ارتقای اصلاح نظر ایشان این است که سخن بیان‌شده درست است، اما به این نکته توجه نشده است که روزهای اولیه که بیت‌کوین طراحی شد، هیچ ارزش و قیمتی نداشت و همان زمان استخراج آن صورت می‌گرفت و بیت‌کوین‌ها خلق می‌شدند، اما عملیات استخراج به علت پایین بودن نرخ هش شبکه و سختی شبکه، کار بسیار ساده‌ای بود و هیچ هزینه‌ای نداشت. به‌مرور زمان، با توجه به استقبال برنامه‌نویسان و توسعه‌دهندگان، این پدیده دارای ارزش و قیمت شد و با گسترش کاربردها و کارایی‌های آن، عموم مردم در مرحله دوم تمایل یافتند تا آن را تهیه کنند. عده‌ای از طریق استخراج سعی در به دست آوردن آن کردند و عده‌ای هم با پرداخت بها و قیمت آن سعی کردند که این پدیده را تصاحب کنند. همین استقبال و تمایل مردم باعث شد که عملیات استخراج سخت‌تر و سنگین‌تر شود و هزینه‌های استخراج افزایش یابد و همچنین قیمت آن هم رشد و افزایش یابد. مسئله اصلی که عیوضلو و همکاران مورد بررسی قرار ندادند، این بود که دلیل افزایش اقبال مردم به این رمزارزها چه بود و مردم در خرید این پدیده چه مابه‌ازایی به دست می‌آوردند که حاضر به پرداخت قیمت و بها برای آن شدند و آیا این استقبال ناشی از منفعت عقلایی بوده یا مبتنی بر نظر میثمی و بیابانی (۱۳۹۹)، ناشی از توهم مالیت بوده است؟

در پاسخ باید گفت با توجه به تاریخ پول در نظام اقتصادی، از نظر عرف عقلا، هر آنچه مبادلات را برای بشر تسهیل کرده و سرعت نقل و انتقال مالی را افزایش و هزینه‌های مبادلاتی را کاهش داده است، از سوی بشر مورد استقبال قرار گرفته است. گواه این گزاره، تاریخ پول و پرسش‌های فلاسفه اقتصاد مانند منگر است که می‌پرسیدند چرا بشر طلا و نقره (مسکوکات فلزی) را که ارزش ذاتی دارد، رها کردند و پول‌های کاغذی و اعتباری را پذیرفتند؟ در پاسخ به این پرسش این اتفاق نظر وجود دارد که مشکلات نقل و انتقال و تجارت با طلا و هزینه‌های بالای انتقال آن باعث شد که بشر اقتصادی به فکر تهیه برات و کاغذ به‌عنوان نماینده طلا افتد. منفعت عقلایی که امروزه باعث شده است رمزارزها با فناوری بلاک‌چین روزبه‌روز

مورد استقبال مردم و حتی حکومت‌ها قرار گیرد، این است که ویژگی‌های شفافیت بلاک‌چین، سرعت بالا و هزینه پایین در نقل و انتقالات بین‌المللی باعث شده است که این استقبال افزایش یابد. می‌توان گفت مالیت این نوع رمزارزش‌ها با توجه به خدمتی که به تجارت و نظام اقتصادی داشته‌اند، دارای منشأ عقلایی بوده و مورد پذیرش است. پرسش دیگر این است که با توجه به شرایط حکومت اسلامی و مسائل اقتصادی کشور، آیا در دایره فقه حکومتی، استفاده از این رمزارزش‌ها و استقبال مردم از آن موجب تضعیف شرایط اقتصادی کشور می‌شود یا آن را تقویت می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش، با توجه به تجارب کشورهای مختلف، استفاده از فرصت‌ها و جلوگیری از تهدیدات رمزارزش‌ها بستگی به سیاست‌های اتخاذی دولت‌ها دارد که به علت محدودیت در نگارش در این فرصت نمی‌گنجد. می‌توان گفت مشروعیت این نوع رمزارزش‌ها منوط به شرایط پول، در محدوده فقه فردی نیست، بلکه در محدوده فقه فردی، مالیت آنان احصا می‌شود و مشروعیت آن‌ها در محدوده فقه حکومتی براساس شرایط زمان و مکان و تصمیمات حکومت اسلامی تعیین می‌شود.

بر همین مبنا، در حکم فقهی مقام معظم رهبری (دامت‌برکاته) درباره استخراج و خریدوفروش این نوع رمزارزهایی‌ها، به قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ارجاع داده و ذکر شده است که «حکم آن، تابع قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰^{۳۸}). این فتوا به‌زعم ما نشان از این است که مالیت توکن‌های رمزنگاری‌شده (رمزسکه‌ها) به‌خودی‌خود نقض نشده است؛ زیرا اگر از نظر معظم‌له، این رمزارزهایی‌ها مالیت نداشت و مانند مصادیقی مثل گوشت خوک، شراب، مواد مخدر و... بود، قطعاً حکم بر عدم مالیت می‌دادند و آن را منوط به قوانین و مقررات جمهوری اسلامی نمی‌کردند؛ زیرا اگر آثار مالیت شیئی از نظر شرع الغا شود، آنگاه حکومت اسلامی نمی‌تواند با احکامی مالیت آن شیء را معتبر بداند.

۴-۳. تحلیل رمزارزهای خصوصی

تطابق این نوع رمزارزش‌ها مانند رمزارز تتر، با اصول و معیارهای چهارچوب نظام پولی، بستگی به نوع پول فیاتی دارد که به‌عنوان پشتوانه آنان در نظر گرفته شده است. در تقسیم‌بندی اشاره کردیم که رمزارزهای با پشتوانه پول فیات را گاه شرکت‌های خصوصی ایجاد می‌کنند و گاه هم دولت‌ها و حکومت‌ها آن‌ها را طراحی می‌کنند. در حالتی که شرکت‌های خصوصی آن‌ها را ایجاد می‌کنند، با توجه به شرط مالیت شرعی و جایگاه حکومت، می‌توان گفت شرط تأیید حکومت

را ندارند. از سوی دیگر، سازوکار اثبات وجود پشتوانه برای این نوع رمزارزها هم مسئله دوم است که باید در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، تطابق رمزارزهایی مانند ارز تتر که پشتوانه آن ارز و پول فیات دلار یا دیگر پول‌های فیات است، از سویی به این بستگی دارد که آیا در خلق پول فیات و اعتباردهی حکومت به آن، حکومت یا دولت آثار مالیت آن را پذیرفته است و یا خیر و از سوی دیگر هم این پرسش مطرح می‌شود که آیا واقعاً به اندازه‌ای که رمزارزش تتر خلق اعتبار شده، پول فیاتی که مابه‌ازای عینی آن است یعنی دلار، وجود دارد و در حساب مشخص مسدود شده است یا خیر؟ در اینجا برای تحلیل در جدول، فرض می‌گیریم که رمزارز خصوصی دقیقاً سازوکار اثبات ذخیره را رعایت کرده باشد. در این صورت می‌توان گفت به علت رعایت ثبات در پشتوانه و همچنین، تناظر بین پشتوانه و توکن خلق شده، همه ضوابط و اصول را به‌غیر از معیار جایگاه حاکمیت رعایت می‌کند.

در توضیح بیشتر باید گفت نکته تأمل‌برانگیز در این نوع رمزارزها این است که شرکت‌های خصوصی می‌توانند این رمزارزها را ایجاد کنند مانند رمزارز تتر که شرکتی خصوصی ایجاد کرده است و لزومی ندارد که حاکمیت و حکومت خاصی ورود کرده باشد. از این رو رعایت معیار جایگاه حاکمیت بسته به شرایط تعیین می‌شود. برخی از حکومت‌ها می‌توانند این نوع رمزارزها را معادل ارز فیات که پشتوانه آن قرار گرفته است، در نظر بگیرند و قوانین و مقررات یکسان را وضع کنند و برخی دیگر از حکومت‌ها آن را تأیید نکنند. برای مثال، در حال حاضر حکومت آمریکا رمزارز تتر را نه نقض کرده و نه تأیید کرده است، بلکه می‌توان گفت در قبال معامله با آن سکوت کرده است. در این حالت، اصول و شروط مالیت عرفی رعایت می‌شود و اگر حکومت مورد تأیید قرار دهد، مالیت شرعی را هم می‌یابد.

۴-۴. تحلیل رمزارزها و رمزپول‌های ملی

این نوع رمزارزها و رمزپول‌ها در بحث مالیت، یک وجه اشتراک و یک وجه افتراق با رمزارزهای خصوصی دارند که تأمل‌برانگیز است. باید گفت این نوع رمزارزها با توجه به اینکه توسط حکومت‌ها و دولت‌ها طراحی و خلق می‌شوند، در حیطه فقه حکومتی، مهر تأیید حکومت را دارند، اما در حیطه شروط و ابعاد مالیت همان‌طور که گفته شد، نقش مردم، بازار و وجود مابه‌ازای عینی یا اعتباری برای آن بسیار مهم است. با توجه به اینکه دولت‌ها گاه در خلق پول اعتباری اصول مابه‌ازای حقیقی و عینی را رعایت نمی‌کنند و خلق پول بی‌رویه و

خلق پول از هیچ دارند، باعث می‌شود که ارزش این نوع پول‌ها در اقتصاد کاهش یابد و شروط مالیت در پول رعایت نشود و اگرچه ممکن است که مردم مجبور باشند به دلیل قوانین و مقررات با آن پول معامله کنند، رغبتی برای نگهداری آن نخواهند داشت و سعی می‌کنند آن را تبدیل به دارایی‌های دیگر کنند. در اینجا فرض می‌شود که حکومت اسلامی به وظیفه ذاتی خویش در نظام پولی اسلامی عمل کند و با فرض عدم خلق پول از هیچ و رعایت شرط مابه‌ازای حقیقی و عینی می‌توان گفت این رمزارزش‌ها تمام شروط مالیت را دارا هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجاکه مقاله حاضر در پی تبیین فقهی و اقتصادی مالیت انواع رمزارزش‌ها در اسلام است، ابتدا انواع رمزارزش‌ها با ابعاد پولی و مالی مورد بررسی قرار گرفت. سپس مالیت به‌عنوان یکی از شرایط و ویژگی‌های حاکم در نظام پولی اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، گفته شد که اولاً، نظام پولی اسلامی کلیدی‌ترین و اصلی‌ترین نقطه ارتباط میان بخش واقعی و حقیقی اقتصاد با بخش اسمی و مجازی اقتصاد است که باید تناظر میان آن‌ها برقرار باشد و خلق پول از هیچ، اصلاً مورد قبول نیست و در عالم واقع باید مابه‌ازای معتبری برای مال و پول وجود داشته باشد. ثانیاً، اسلام به‌خودی‌خود با تعیین مصداق مال و پول که توسط عرف اعم از خاص یا عام یعنی توسط مردم یک منطقه و عرف خاص یا عام شکل گرفته باشد، مشکل ندارد و آن را جایز می‌داند. ثالثاً، اعتبار همه پول‌ها با توجه به اصول و شرایط توسط حاکم شرع و حکومت اسلامی صادر می‌شود. همچنین، مشخص شد که بر اساس شرط مالیت و ارزش در پول، اساساً از نظر اسلام، پول یا باید ارزش ذاتی داشته باشد و مانند پول‌های کالایی یا مسکوکات فلزی باشد یا اگر اعتباری است، حتماً باید در عالم مابه‌ازایی ارزشمند و منشأ عقلایی داشته باشد و اعتبار کردن بدون مابه‌ازا و بدون منشأ عقلایی در اسلام مورد قبول نیست.

درنهایت، باتوجه به آنچه درباره سازوکار و انواع رمزارزش‌ها در ادبیات موضوع تبیین شده بود، مباحث مربوط به مالیت رمزارزش‌ها در انواع آن بیان و تحلیل شد. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که از میان چهار نوع رمزارزش مطرح‌شده، همه موارد با توجه به ماهیت دارایی و وجود مابه‌ازای عینی و حقیقی (توکن‌های بهادار و کاربردی) به‌عنوان پشتوانه یا وجود مابه‌ازای حقیقی و اقبال مردم مانند کوین‌های رمزنگاری‌شده که با توجه به استقبال عمومی و خدمتی که این نوع رمزارزش‌ها در کاهش هزینه‌های تبادل و افزایش سرعت مبادلات به

بشر و نظام اقتصادی ارائه داده‌اند، دارای منشأ عقلایی هستند و مورد استقبال مردم قرار گرفته‌اند و از نظر اسلام به‌خودی‌خود مالیت دارند و آثار مالیت آنان بسته به شرایط اقتصادی و تصمیمات حکومت اسلامی الغا می‌شود.

یادداشت‌ها

۱. گفتنی است تاکنون واژگان بسیار زیادی برای تعریف پدیده ارزهای مجازی و کریپتوکارنسی‌ها استفاده شده است که در بخش ادبیات موضوع به آن پرداخته می‌شود. واژه رمزارزش‌ها، واژه منتخب تحقیق است که دلایل آن ذکر خواهد شد.
۲. تهدیدهای این نظام پولی را می‌توان در مواردی مانند پول‌شویی، شفافیت اطلاعات اقتصادی و تبادلات بین‌المللی کشورها، شناخت سرعت گردش پول، ریسک و عدم اطمینان بالا و عدم کنترل و اعمال سیاست‌های پولی و مالی مناسب برای کنترل نظام پولی و... جست‌وجو کرد.
۳. علاقه‌مندان برای آشنایی بیشتر با انواع رمزارزش‌ها می‌توانند به مطالعات عربلو و دیگران، ۱۳۹۸ و رضایی صدرآبادی، ۱۳۹۹ مراجعه کنند.
۴. گفتنی است در این قسمت از ارز مجازی بیت‌کوین و راهکار فنی مخترعان آن سخن به میان آمده است، اما با توجه به اینکه امروزه به پیروی از اختراع بیت‌کوین، سازوکار بیشتر رمزارزش‌ها بر مبنای شبکه بلاک‌چین و دستورالعمل پیمان‌نامه اجماع اثبات کار است، این قسمت سازوکار کلی رمزارزش‌ها نامیده شده است.

5. Proof of Work

6. Mining

۷. برای شناخت کامل فنی عملکرد رمزارزش‌ها به‌خصوص بیت‌کوین باید به مسائلی مانند فرایند رمزنگاری، امضای دیجیتال، الگوریتم‌های ریاضی، مفهوم اثبات کار و ایجاد بلاک، دستورالعمل‌های پیمان‌نامه‌های اجماع و توابع هش و... توجه داشت که به دلیل رعایت اختصار از پرداختن به آن خودداری می‌شود.

8. Stable Coin

۹. علاقه‌مندان برای مطالعه بیشتر توضیحات این طبقه‌بندی و دلایل آن می‌توانند به مطالعه کشاورزی و رضایی صدرآبادی (۱۴۰۱) منتشرشده در مجله تحقیقات مالی اسلامی مراجعه کنند.

10. UK Financial Conduct Authority

11. Financial Conduct Authority (FAC)

12. Swiss Financial Market Supervisory Authority (FINMA)

13. Payment Tokens

14. Exchange Tokens
15. Security Tokens
16. Asset Tokens
17. Utility Tokens

۱۸. در روز محاسبه اعداد و ارقام یادشده در تحقیق، قیمت بیت‌کوین ۲۷۳۰۰ دلار بوده است.

19. Value

۲۰. علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه بیشتر تعاریف و دسته‌بندی‌ها به پایان‌نامه مهدوی (۱۴۰۱) مراجعه کنند.

21. Crypto Value

22. Crypto Coin

۲۳. البته همان‌طور که گفته شد، کارکرد مالی و وجه دارایی و سرمایه‌ای بودن این نوع رمزارزش‌ها پررنگ‌تر است و ذیل رمزارزهایی‌ها قرار می‌گیرند و با خط بریده به رمپول‌ها هم متصل شده‌اند تا نشان از این باشد که می‌توانند کارکرد پولی هم داشته باشند.

24. Commodity

25. Currency

26. Securities

27. Crypto Currency

28. Faraz Adam

29. Mahmud & Mohammad

30. Habib & Adekunle

31. Adam & Barkatulla

۳۲. «وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ جَاءَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ سَجِسْتَانَ فَقَالَ إِنَّ عِنْدَنَا دَرَاهِمَ يُقَالُ لَهَا الشَّامِيَّةُ تَحْمِلُ عَلَى الدَّرَاهِمِ دَانَقِينَ. فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ يَجُوزُ ذَلِكَ».

۳۳. قرآن کریم در سوره فیل به این مطلب اشاره کرده است: «رَحَلَهُ الشِّتَاءُ وَ الصَّيْفُ» (ن. ک به: یوسفی، ۱۳۷۷).

۳۴. رَوَى أَبُو هِشَامٍ الْبَصْرِيُّ عَنْ الرِّضَاءِ (ع) أَنَّهُ قَالَ مِنَ الْفَسَادِ قَطْعُ الدَّرَاهِمِ وَ الدِّينَارِ وَ طَرْحُ النَّوَى.

۳۵. اهم این روایات در این کتاب‌ها نقل شده‌اند: *التقوید الاسلامیه*، صص. ۷-۸؛ *حیوة الحیوان*، ص.

۷۹؛ *العقد المنیر*، ج ۱، ص. ۴۴. برای مطالعه بیشتر می‌توان به کتاب *ماهیت پول در اسلام*

نوشته یوسفی (۱۳۷۹) مراجعه کرد.

۳۶. با توجه به محدودیت حجم مقاله، متن کامل این روایت تاریخی در پیوست آمده است.

۳۷. به نقل از *الخراج و النظم المالیه للدولة الاسلامیه*، ص. ۳۸۲؛ *العقد المنیر*، ج ۱، ص ۹۶؛ به نقل از

وجدی، *دائرة المعارف*، ج ۱، ص. ۹۶ و *فهیمی عزیز*، ۱۹۶۵م، ص. ۳۵ و *الخطط التوفیقیه*،

ج ۲۰، صص. ۳۵ و ۴۳).

۳۸. پیروان این نظریه بیان می‌دارند که برای تحقق موافقت شارع از طریق تقریر و سکوت، لازم است که عدم منع و مخالفت معصوم^(ع) با سیره عقلایی اثبات شود.

۳۹. مشاهده استفتا در لینک <https://www.leader.ir/fa/content/25476>.

کتابنامه

- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان‌العرب*. بیروت: بی‌نا.
- احمدوند، معروف‌علی (۱۳۸۲). مروری بر ماهیت‌شناسی پول و دیدگاه فقیهان. *فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)*، شماره‌های ۳۶، ۷۵.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۱ ق). *کتاب‌المکاسب*. چاپ اول، قم: منشورات دارالذخائر.
- ایروانی، علی (۱۴۰۶ ق). *حاشیه‌المکاسب*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- بهمن‌پوری، عبدالله؛ شادمان‌فر، محمدرضا؛ و پورغلامی، مجتبی (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). بررسی فقهی حقوقی مال بودن داده‌های رایانه‌ای. *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، سال ۴۷، شماره ۲.
- حکیم، محمدتقی (۱۴۱۸ ق). *الاصول‌العامة للفقهاء المقارن*. قم: المجمع‌العالمی لاهل‌البیت^(ع).
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰). اجوبه الاستفتائات، استفتائات جدید بهمن ۱۴۰۰، قابل دسترس در: <https://www.leader.ir/fa/content/25476>.
- خزعلی، محسن (تابستان و پاییز ۱۳۸۳). خرید و فروش پول، تنزیل سفته و استفاده از حيله‌های شرعی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی و شهید مطهری. متین، شماره‌های ۲۳ و ۲۴.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سلیمانی‌پور، محمدمهدی، سلطانی‌نژاد، حامد؛ و پورمطهر، مهدی (۱۳۹۶). «بررسی فقهی پول مجازی»، *دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی*، ۶ (۱۲)، ۱۶۷-۱۹۲.
- شهید اول (بی‌تا). *الدروس‌الشرعیة*. بی‌نا.
- شهید صدر، محمدباقر (۱۳۸۲). *اقتصاد ما* (سیدمحمدمهدی برهانی، مترجم). قم: انتشارات دارالصدر.
- طباطبایی، سید محمد حسین؛ اصول فلسفه رئالیسم، ج ۲، ج ۴، قم: بی‌تا، ۱۳۸۷.
- عبدی‌پورفرد، ابراهیم؛ و وصالی‌ناصح، مرتضی (بهار ۱۳۹۶). توسعه مفهوم و مصادیق مال در فضای مجازی (مطالعه تطبیقی مالیت داده‌های رایانه‌ای در حقوق اسلام، ایران و کامن‌لا).
- پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۴، شماره ۱، ۸۵-۱۱۲.

عربلو، مرتضی؛ محمدزاده، احمد؛ و نوری، جواد (۱۳۹۸). معرفی و دسته‌بندی انواع ارزشهای مجازی دارای ثبات در قیمت و بیان مزایا و معایب آنها. تهران: کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری در هزاره سوم.

علامه حلی (بی‌تا). تذکرة الفقهاء (جلد ۱). بی‌نا.

عیوضلو، حسین (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، سال ۸، شماره ۲۹.

عیوضلو، حسین؛ و کریمی‌ریزی، مجید (۱۳۹۷). اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام. اقتصاد اسلامی، سال ۱۸، شماره ۷۱.

عیوضلو، حسین؛ رضایی صدرآبادی، محسن؛ و نوری، جواد (بهار و تابستان ۱۴۰۰). تحلیل فقهی اقتصادی مبانی، اصول و چهارچوب کلان نظام پولی اقتصاد اسلامی. تحقیقات مالی اسلامی، سال ۱۰، شماره ۲۰، ۴۹۴-۴۴۵.

عیوضلو، حسین؛ رضایی صدرآبادی، محسن؛ و نوری جواد (بهار ۱۳۹۹). تحلیل فقهی-حقوقی مبادله ارزهای قابل استخراج در اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، سال ۲۰، شماره ۷۷، ۲۱۰-۱۸۳.

فروغی، علیرضا؛ و حسین‌زاده سرشکی، اسماء (بهار و تابستان ۱۳۹۸). بررسی فقهی و حقوقی مالیت و مالکیت داده‌های دیجیتال در فضای سایبری. دوفصلنامه فقه و حقوق خصوصی، سال ۲، شماره ۳.

فهمی عزیز، عبدالرحمان (۱۹۶۵م). فجرالسکة العربیة. چاپ اول، مصر: مطبعة دارالکتب.

کاظمی، محمود؛ و پیلوار، رحیم (بهار و تابستان ۱۳۹۷). تبارشناسی مال؛ مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و غرب. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال ۱۹، شماره ۴۷، ۲۰۸-۱۸۱.

کشاوری، محمدرضا؛ و رضایی صدرآبادی، محسن (بهار و تابستان ۱۴۰۱). طبقه‌بندی و تحلیل فنی-اقتصادی انواع رمزارزش‌ها از منظر چهارچوب کلان نظام پولی در اقتصاد اسلامی. دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، سال ۱۱، شماره ۲ (پیاپی ۲۲).

کیوانیان، شبنم‌السادات (۱۳۹۶). مطالعه اثرات ترویج پول‌های مجازی، به‌خصوص بیت‌کوین بر توان نظارت بانک مرکزی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی، پردیس تحصیلات تکمیلی خودگردان.

مامقانی، محمدحسن (۱۳۱۶ق). غایة‌الامال فی شرح کتاب المکاسب (جلد ۳). چاپ اول، قم: نشر مجمع‌الذخائر الاسلامیة.

محقق اصفهانی (بی‌تا). تعلیقه بر مکاسب. بی‌نا. ۳.

مدرسی طباطبایی یزدی، سیدمحمدرضا (۱۴۰۱). فقه رمزارزها؛ تقریرات درس آیت‌الله سیدمحمدرضا مدرسی طباطبایی یزدی (جواد احمدی، پدیدآور). دفتر فقه معاصر حوزه علمیه قم، انتشارات حوزه‌های علمیه قم.

مروی، جواد (۱۴۰۱). فقه رمزارزها (سیدروح الله ذاکری و محمد شیبانی، پدیدآور). دفتر فقه معاصر حوزه‌های علمیه قم، انتشارات حوزه‌های علمیه قم.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی. چاپ اول، تهران: حکمت.

معروف، هاشم (۱۳۹۷ق). سیرة الائمة الاثنی عشر. بیروت.

معلوف، لویس (۱۳۷۳). المنجد فی اللغة. بیروت: دارالمشرق.

مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۹). علم الاصول الفقه فی ثوبه الجدید. چاپ اول، قم: دارالکتاب الاسلامی.

معرفت، محمدهادی (۱۳۷۴). نقد و نظر، شماره‌های ۴ و ۳، سال اول، تابستان و پائیز.

مهدوی، امیرحسین (۱۴۰۱). میزان ونحوه مداخله دولت اسلامی در قلمرو پول‌های رمزنگاری‌شده (مطالعه موردی: پول‌های مبتنی بر گواهی اثبات کار) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علم و صنعت.

میثمی، حسین؛ و بیابانی، زینب (۱۳۹۹). تحلیل ماهیت، استخراج و مبادله انواع رمزارزها و توکن‌ها از منظر فقه اسلامی و قوانین کشور. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۰ق)، المكاسب المحرمه، ج ۱، بی‌نا.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

نائینی، محمدحسین (۱۳۷۳). منیة الطالب فی حاشیة المكاسب (چاپ اول). تهران: المکتبة المحمدیة.

نواب‌پور، علیرضا (۱۳۹۷). تحلیل فقهی کارکردهای پول رمزنگاری‌شده (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۷۷). ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن. چاپ اول، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Abdi-Pourfard, Ebrahim and Wesali-Naseh, Morteza (2016), "Development of the concept and examples of property in virtual space (a comparative study of the property of computer data in Islamic, Iranian and common law)", Comparative Research of Islamic and Western Laws, Volume 4, Number 1, Spring, 112-85 (In Persian).

Abu-Bakar, Muhammad (2018), "Shariah Analysis of Bitcoin, Cryptocurrency, and Blockchain, Available for comment at: <https://blossomfinance.com/bitcoin-working-paper>.

- Adam, Faraz & Barkatulla, Abdul Kadir (2019), Currency in Islamic Law, Chapter in Fintech In Islamic Finance Theory and Practice, London Routledge.
- Adam, Faraz (2017), Bitcoin: Shariah Compliant, Amanah Finance Consultancy.
- Ahmadvand, Maarouf-Ali (2012), "Review on the nature of money and the views of jurists", Fiqh (New Research in Islamic Jurisprudence), No. 36, p. 75 (In Persian).
- Allama Halli, H, I, Y, (1363). The Essential Substance in the Explanation of the Logic of Abstraction. Qom, Islamic Library (In Persian) (In Persian).
- Ansari, S, M., (1411 AH). Al-Makasab (First Edition). Qom: Dar al-Zhaer Charters. (In Persian).
- Ayazlou, H., (2007). Principles and Foundations of Monetary System in Islamic Economy. Islamic Economics Quarterly, 8(29), 35-62. (In Persian).
- Ayazlou, H., (2018). Islamic Economic Methodology. Tehran: Publications of Imam Sadiq University (Academic Brochure). (In Persian).
- Ayazlou, H; & Karimirizi, M., (2017). Islamic Banking Principles and Strategies in the Framework of the Islamic Economic System. Islamic Economics Quarterly, 18(71), 5-35. (In Persian).
- Ayazlou, H; Rezaei Sadrabadi, M; & Nouri, J., (1400). Economic Jurisprudential Analysis of the Foundations, Principles and Framework of the Monetary System of the Islamic Economy. Islamic Financial Research Quarterly, 10(20), 445-494. (In Persian).
- Ayazlou, H; Rezaei Sadrabadi, M; and Nouri, J., (1399). Jurisprudential-legal Analysis of the Exchange of Extractable Currencies in Islamic Economy", Islamic Economy Quarterly, 20(77), 183-210. (In Persian).
- Bahmanpuri, Abdullah; Shadman Far, Mohammad Reza and Mojtabi Pourgholami (2013), "Jurisprudential examination of the ownership of computer data", Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, 47th year, Fall and Winter 2013, No. 2 (In Persian).
- Council of the European Union, "Proposal for a Regulation of the European Parliament and of the Council on Markets in Crypto-assets, and amending Directive (EU) 2019/1937 (MiCA)," *Letter to the Chair of the European Parliament*
- Davidson, Sinclair; de-Filippi, Primavera & Potts, Jason (2016), "Economics of Blockchain", Public Choice Conference, May, Fort Lauderdale, United States. ff10.2139/ssrn.2744751ff. fffal-01382002. Available in: <https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-01382002/document>.
- Decentralized Business Review, 21260.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1390), Dehkhoda Dictionary, Tehran: Tehran University Press (In Persian).
- EBA (European Banking Authority), (2019),"Report with advice for the European Commission on crypto-assets", 9 January 2019.
- EBA, "Report with Advice for the European Commission on Crypto-Assets," *Eur. Bank. Auth.*, no. January, 2019, [Online]. Available: [https://www.eba.europa.eu/sites/default/documents/files/documents/10180/2545547/67493daa-85a8-4429-aa91-e9a5ed880684/EBA Report on crypto assets.pdf](https://www.eba.europa.eu/sites/default/documents/files/documents/10180/2545547/67493daa-85a8-4429-aa91-e9a5ed880684/EBA%20Report%20on%20crypto%20assets.pdf).
- European Union (EU), (2019), "Report on the proposal for a regulation of the European Parliament and of the Council on markets in crypto-assets and amending Directive (EU) 2019/1937, 17.3.2022 - (COM(2020)0593 – C9-0306/2020 – 2020/0265(COD)).

- European Union, "REGULATION OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL on Markets in Crypto-assets, and amending Directive (EU) 2019/1937," vol. 0265, pp. 1-167, 2020, [Online]. Available: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A52020PC0593>.
- Fahmi Aziz, A. R. (1965 A.H). Fajr Al-Arabiya Coin (1st Edition). Egypt: Dar alKitab Press (In Persian).
- Foroughi, Alireza and Hossein-zadeh-Sareshki, Asma (2018). "Jurisprudential and legal examination of ownership and ownership of digital data in the cyberspace", Fiqh and Private Law Quarterly, Year 2, Number 3, Spring and Summer (In Persian).
- Habib, Farrukh & Adekunle, Salami Saheed (2019). Case Study of Bitcoin and Its Halal Dimension. In book: Billah M. (eds) Halal Cryptocurrency Management, Palgrave Macmillan, Cham, pp.235-255.
- Hakim, Mohammad Taghi (1418 AH), Al-Asul al-Umaa for Fiqh Al-Maqarn, Qom: Al-Jama' Al-Alami Lahl al-Bayt (A.S) (In Persian).
- Ibn Manzur, M, I, M. (1108 AH). Arabic Language (First Edition). Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi (In Persian) (In Persian).
- International Organization of Securities Commissions (OICV-IOSCO), (2020), "Investor Education on Crypto-Assets Final Report", FR12/2020 DECEMBER 2020,
- Kazemi, Mahmoud and Pilwar, Rahim (2017), "Property Genealogy: A Comparative Study in Islamic and Western Laws", Research Journal of Islamic Law, Q 19, No 47, Spring and Summer 181-208 (In Persian).
- Keivani, Shabnam Al-Sadat (2016). "A study of the effects of the promotion of virtual currencies, especially Bitcoin, on the central bank's supervisory power", Master's thesis, Allameh Tabatabai University, Self-governing Graduate School (In Persian).
- keshvarzi, Mohammad Reza; Rezaei Sadrabadi, Mohsen (1401), "Classification and technical-economic analysis of all types of cryptocurrencies from the perspective of the macro framework of the monetary system in Islamic economy", Islamic financial research quarterly, year 11, number 2 (consecutive 22), spring and summer 1401 (In Persian).
- Khazali, Mohsen (1383). "Buying and selling money, discounting promissory notes and using sharia tricks with an emphasis on the views of Imam Khomeini and Shahid Motahari", Matin, numbers 23 and 24, summer and autumn (In Persian).
- Mahdavi, Amirhossein, (1401). "The extent and manner of the intervention of the Islamic government in the field of cryptographic money (case study: proof-of-work-based money)" master's thesis, University of Science and Technology (In Persian).
- Mahomed, Ziyaad & Mhamed, Shasher (2017), Crypto mania: The shariah verdicts.
- Mamqani, M, H., (1316). Ghayal Amal fi Sharh Kitab al-Makasab (First Edition). Qom: Al-Zhakhar al-Islami. (In Persian).
- Maravi, Javad (1401). "Fiqh Ramzarzaha Ayatollah Javad Maravi", authored by Seyed Ruhollah Zakari and Mohammad Shibani, Contemporary Jurisprudence Office of Qom Seminaries, Seminaries Publications, Qom (In Persian).
- Markets in crypto-assets (MiCA), 2022, " regulation on markets in crypto-assets (MiCA)", EPRS European Parliamentary Research Service, PE 739.221 – November 2022 EN

- Maroof, H. (1382 AH). Biography of the Twelve Imams (Vol. 3). Najaf: AlHaydari Library (In Persian).
- Modarresi Tabatabai Yazd, Seyyed Mohammad Reza, (1401), "Fiqh Ramzarza, Lectures of Ayatollah Seyyed Mohammad Reza Tabatabai Madrasi Yazdi", edited by Ahmadi, Javad, Contemporary Jurisprudence Office of Qom Seminary, Qom Seminary Publications (In Persian).
- Moghniyyeh, Mohammad Javad (2009). Illam al-Asul al-Fiqqah fi Thaub al-Jadid, Ch. 1, Qom: Dar al-Katab al-Islami (In Persian).
- Mohaghegh Esfahani (Beta). Commentary on Makasab, Bina. P. 3 (In Persian).
- Motahari, Morteza (1378). A Commentary on Islamic Economic System, Tehran: Sadra Publications (In Persian).
- Motahari, Morteza (1389). An Overview of the Basics of Islamic Economics, Vol. 1, Tehran: Hekmat Publishing (In Persian).
- Mousavi Khomeini, S. R., (1421). Al-Bai (First Edition). Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. (In Persian).
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (1373 AH), al-Makasab al-Muharmah, vol. 1 (In Persian).
- Nakamoto, S. (2008). Bitcoin: A peer-to-peer Electronic Cash System.
- Nawabpour, A. R., (2017). Jurisprudential Analysis of Cryptocurrency Functions (Master's thesis). Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian).
- OICV-IOSCO, "Issues, Risks and Regulatory Considerations Relating to Crypto-Asset Trading Platforms Final Report," p. 55, 2020, [Online]. Available: <https://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCOPD627.pdf>.
- Rosner, Marcel T. & Kang, Andrew (2016). "Understanding and Regulation Twenty-First Century Payment System: The Ripple Case Study" , Michigan Law Review at University of Michigan Law School.
- Sancheti, Vivek (2019), What Is Tether? Everything You Need To Know About Tether Cryptocurrency; available At: <https://www.cryptoground.com/a/tether>.
- Satoshi Nakamoto (2009). "Bitcoin: A Peer-to-Peer Electronic Cash System", satoshi@gmx.com www.bitcoin.org.
- SEC. (2021). The Division of Examinations' Continued Focus on Digital Asset Securities *. 1-8. <https://www.sec.gov/news/public-statement/statement-im-finhub>.
- Sedgwick, Kai (2018). A Complete A-Z of Stablecoins; Available At: <https://news.bitcoin.com/a-complete-a-z-of-stablecoins>.
- Shahid Avval (Beta), Al-Dros Al-Sharia, Bina (In Persian).
- Shahid Sadr, Mohammad Baqer (1382). our economy, translated by Seyyed Mohammad Mehdi Burhani, Qom: Dar al-Sadr Publications (In Persian).
- Wright, Aaron & De Filippi, Primavera (2015), "Decentralized Blockchain Technology and the Rise of Lex Cryptographia", in <https://www.intgovforum.org/cms/wks2015/uploads/proposalbackgroundpaper/SSRN-id2580664.pdf>.
- Yousefi, A. A., (1377). The Nature of Money and its Jurisprudential and Economic Strategies (In Persian).

The effect of Qarz al-Hasna facilities on macroeconomic variables

Asiyeh Edraki*

Mahdi Jafari**

Seyed Javad Emadi***

Abstract

Standpoint of Islamic, Qarz al-Hasna, as an effective tool, has played an active role in solving the economic problems of society by establishing the flow of money from the rich to the low-income classes and by changing the pattern of production, increasing employment and meeting the essential needs of the needy. Considering this issue and based on theoretical discussions that testify to the positive effect of Qarz al-Hasna on the country's economy and economic variables, This paper seeks to investigation of the role of Qarz al-Hasna facilities on macroeconomic variables in Iran. For this purpose, using the time series data of 1989-2019 and Autoregressive distributed lag (ARDL) model has been used. The empirical study shows that according to the emphasis of verses and hadiths and other descriptive analytical studies on the importance of Qarz al-Hasna and its positive effect on economic variables, in Iran economics, granting of credit facilities by banks and credit institutions in the form of Qarz al-Hasna has a positive effect on macroeconomic variables. Of course, close supervision of the Central Bank on type of allocation of these facilities is a necessary condition for the success of Qarz al-Hasna facilities. All models have been approved in the short and long term.

Keywords: Qarz al-Hasna facilities, Macroeconomic variables, Iran economics, Autoregressive distributed lag model.

* Assistant Professor of Management and Accounting Department, Faculty of Management and Accounting, Kooshyar university, Rasht; Iran (Corresponding Author).

asiyeeedraki@kooshyarresearches.com

 000-0002-7628-1625

** Assistant Professor of Accounting Department, Faculty of Management and Accounting, Tolo Mehr University, Qom, Iran.

Jafari@tolouemehr.ac.ir

 0000-0002-0040-0018

*** Assistant professor of finance department, Faculty of Accounting, Rahbord shomal University, Rasht, Iran.

j.emadi.p@rahbordshomal.ac.ir

 0000-0001-5308-8892

Received: 2022/07/28

Accepted: 2022/12/31

تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی

آسیه ادراکی *

سیدجواد عمادی **

مهدی جعفری ***

چکیده

از دیدگاه اسلام، قرض الحسنه به عنوان ابزاری مؤثر، با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به طبقات کم درآمد و با تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری نیازمندان، نقش فعالی در راستای حل مشکلات کلان اقتصادی جامعه دارد. با توجه به این موضوع و بر اساس مباحث نظری که گواه بر تأثیر مثبت قرض الحسنه بر اقتصاد و متغیرهای اقتصادی است، مقاله حاضر به دنبال بررسی نقش تسهیلات قرض الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران است. برای این منظور، از داده‌های سری زمانی ۱۳۹۸-۱۳۶۸ و روش خودهم‌بسته با وقفه توزیعی بهره‌جسته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به تأکید آیات و روایات و دیگر مطالعات تحلیلی-توصیفی در باب اهمیت قرض الحسنه و تأثیر مثبت آن بر متغیرهای اقتصادی، در اقتصاد ایران نیز اعطای تسهیلات اعتباری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در قالب قرض الحسنه، تأثیر مثبتی بر متغیرهای اقتصاد کلان دارد؛ البته نظارت دقیق بانک مرکزی بر چگونگی تخصیص این تسهیلات، شرط لازم و ضروری موفقیت تسهیلات قرض الحسنه است. تمام مدل‌ها به لحاظ کوتاه‌مدت و بلندمدت تأیید شده‌اند.

واژگان کلیدی: تسهیلات قرض الحسنه؛ متغیرهای اقتصاد کلان؛ اقتصاد ایران؛ مدل خودهم‌بسته با وقفه توزیعی.

* استادیار گروه مدیریت و حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه غیرانتفاعی کوشیار، رشت، ایران (نویسنده مسئول).

asiyeedraki@kooshyarresearches.com  0000-0002-7628-1625

** استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه غیرانتفاعی طلوع مهر، قم، ایران.

Jafari@tolouemehr.ac.ir  0000-0002-0040-0018

** استادیار گروه مالی، دانشکده حسابداری، دانشگاه غیرانتفاعی راهبرد شمال، رشت، ایران.

j.emadi.p@rahbordshomal.ac.ir  0000-0001-5308-8892

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۷ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

قرض الحسنه به عنوان راهکاری برای حذف ربا از جامعه از دیرباز مورد توجه جوامع مختلف بوده است. در عین حال، قرض الحسنه یکی از ابزارها و راهکارهای اصلی مورد نظر اسلام برای حذف ربا از جامعه است. مسلمانان سعی می کنند به دستورات شرع مانند استفاده از پول مازاد خود برای اعطای قرض الحسنه عمل کنند و از دادن وام بابت بهره (ربا) خودداری کنند. یکی از تفاوت های اساسی مکتب اقتصادی اسلام با دیگر مکاتب اقتصادی، توجه خاص به نیازمندان، آسیب دیدگان و اقشار ضعیف جامعه است که برای تأمین نیازهای معیشتی آنان، راهکارهای انسانی و مناسب شأن و کرامت انسان در نظر گرفته است. یکی از این راه ها، اعطای قرض بدون بهره و به اصطلاح قرض الحسنه است. اهمیت تسهیلات قرض الحسنه به این نکته برمی گردد که راهکار مقابله با آثار منفی نرخ بهره (ربا) است. ربا یکی از عوامل اصلی بروز بحران های اقتصادی در جهان و افزایش بیکاری و کاهش رشد اقتصادی کشورهاست (صمصامی، ۱۳۸۹).

اعطای قرض الحسنه از جمله توصیه های اسلامی است که به صراحت در آیات متعدد قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. در قانون عملیات بانکی بدون ربا، قرض الحسنه در کنار صدقات، عقود مبادله ای و مشارکتی به عنوان یکی از جایگزین های ربا در تجهیز و تخصیص منابع معرفی شده است. نظام اقتصادی اسلام، قرض الحسنه را به عنوان یکی از شیوه ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته است که با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم درآمد و ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات یادشده، نقش فعالی در حل مشکلات اقتصادی جامعه دارد (هادوی نیا و بافرانی، ۱۳۹۵). از بارزترین آثار مثبت قرض الحسنه بر متغیرهای اقتصادی، اثر آن بر پس انداز است. پس انداز در واقع ترجیح فایده نهایی مصرف و قدرت خرید آینده به حال است که پیش بینی افراد از آینده و در واقع میزان بازدهی پس انداز در آینده، بر این رفتار بسیار مؤثر است. در علم اقتصاد متعارف، بازدهی مادی مدنظر قرار می گیرد، اما در جامعه اسلامی و رفتار فرد مسلمان، بازدهی معنوی و اخروی از عوامل مؤثر در تصمیم گیری هاست.

فرد مسلمان درآمد قابل تصرف را به مصرف حال (مصرف شخصی، صدقات، انفاقات و ...) و پس انداز تقسیم می کند و چون قرض ربوی حرام است، پس انداز را نیز به دو قسم می کند.

۱. قرض الحسنه.

۲. سرمایه‌گذاری و مشارکت برای کسب سود.

از آنجاکه ثواب زیادی برای قرض‌الحسنه در متون اسلامی گفته شده است، انتظار اختصاص بخشی از پس‌انداز به این عمل پسندیده خلاف واقع نیست (عبادی و جعفری، ۱۳۹۹). همچنین، اگر وجوه قرض‌الحسنه صرف خرید کالاهای مصرفی ضروری شود، تقاضا برای کالاهای ضروری افزایش می‌یابد و اگر عرضه این کالاها باکشتش باشد، مازاد تقاضا موجب افزایش قیمت و بلافاصله باعث افزایش تقاضا برای کار و در نتیجه، افزایش اشتغال، افزایش تولید و بازگشت قیمت به میزان اولیه می‌شود، اما اگر عرضه این نوع کالاها بی‌کشتش باشد، تنها اثر قرض‌الحسنه، افزایش قیمت کالاهای مزبور و تورم خواهد بود؛ البته حکومت اسلامی موظف است که همراه با گسترش نهاد قرض‌الحسنه، زمینه‌ای فراهم آورد تا همگام با افزایش تقاضا برای کالاهای مزبور، تولید آن‌ها نیز افزایش یابد (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۱). با توجه به اهمیت قرض‌الحسنه از دیدگاه اسلام و گسترش آن در جوامع اسلامی، انتظار می‌رود بررسی تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی گامی در راستای تقویت ادبیات نظری موجود و زمینه‌ساز استفاده بهینه از آن در مقام اجرای سیاست‌های اقتصادی باشد.

هدف این نوشتار، تبیین اجمالی نهاد قرض‌الحسنه در ایران است که با اشاره به مفهوم و اهمیت قرض‌الحسنه و تأثیر آن بر متغیرهای مهم اقتصاد کلان، در جست‌وجوی بررسی میزان اثربخشی و قابلیت استفاده از آن در راستای دستیابی به ثبات اقتصادی پایدار است. با توجه به اینکه مطالعه جامعی به بررسی تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی نپرداخته است، هدف این مقاله، بررسی تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ بیکاری و ضریب جینی است. فرضیه‌های این مطالعه به شرح زیر است.

فرضیه نخست: افزایش تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در قالب قرض‌الحسنه باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود.

فرضیه دوم: افزایش تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در قالب قرض‌الحسنه باعث کاهش تورم می‌شود.

فرضیه سوم: افزایش تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در قالب قرض‌الحسنه باعث کاهش بیکاری می‌شود.

فرضیه چهارم: افزایش تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در قالب قرض‌الحسنه باعث کاهش نابرابری درآمد می‌شود.

مقاله در ۴ بخش تهیه شده است که پس از مقدمه، به مرور مهم‌ترین مطالعات انجام‌شده می‌پردازد. در بخش دوم چهارچوب نظری تحقیق و در بخش سوم طراحی الگو و تجزیه و تحلیل آن تبیین شده است و بخش پایانی به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۱. مروری بر مطالعات انجام‌شده

هادوی‌نیا و عرب بافرانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «قرض‌الحسنه در اقتصاد اسلامی»، به روش تحلیلی-توصیفی، بیان کرده‌اند که یکی از آموزه‌هایی که در اسلام بر آن تأکید فراوان شده، مسئله قرض و قرض‌الحسنه است. قرض‌الحسنه یکی از اصول مهم اقتصادی است که دین اسلام برای آن اهمیت فراوانی قائل شده است. قرض‌الحسنه با مشخصه‌های خاصی مانند اخلاص، بدون ربا بودن، از مال حلال قرض دادن و بدون منت بودن شناخته می‌شود. یزدانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «قرض‌الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی»، به روش تحلیلی-توصیفی به تبیین ماهیت قرض‌الحسنه و آثار اجتماعی و اقتصادی در این شیوه تأمین مالی پرداخته است.

هادوی‌نیا و عرب بافرانی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض‌الحسنه پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که اوراق قرض‌الحسنه دربردارنده مزایایی مانند شفافیت و هماهنگی با ماهیت قرض‌الحسنه، اجتناب از ربا، فقرزدایی، تأمین مالی طرح‌های کلان و عمومی، قابلیت انعطاف قدرت نقدینگی، استفاده به‌عنوان وثیقه، مدیریت ریسک و جنبه بین‌المللی است. نقدینگی موجود در صندوق‌های قرض‌الحسنه یا تسهیلات قرض‌الحسنه با توجه به تأمین سرمایه در گردش لازم برای تولیدکنندگان، نقش مؤثری در ایجاد و تداوم اشتغال در سطح جامعه دارد.

حبیبیان نقیعی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «قرض‌الحسنه و راهبرد تأمین نیازهای اساسی»، با روش تحلیلی-توصیفی، به این نتیجه می‌رسد که نهاد قرض‌الحسنه با راهبردهای ناظر بر رشد (راهبردهای پولی، اقتصاد باز، صنعتی شدن و انقلاب سبز) و نیز راهبردهای سوسیالیستی سازگاری ندارد، بلکه با راهبردهای توزیع مجدد درآمدها به‌ویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، سازگاری شایان اعتنایی دارد و مواردی مانند توزیع متناسب درآمدها، افزایش کارایی طبقات پایین درآمدی، ایجاد

انگیزه کار و تلاش، بهبود شاخص‌ها، تأمین نیازهای تولیدی و خدماتی از جمله عوامل سازگاری نهاد قرض الحسنه و راهبرد تأمین نیازهای اساسی است.

مطیعی (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «قرض الحسنه و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری)»، با روش تحلیلی-توصیفی به تأثیر نهاد قرض الحسنه بر متغیرهای مهم اقتصادی پرداخته است که به اختصار به نقش قرض الحسنه بر مصرف، توزیع درآمد، پس انداز، خلق پول و دیگر متغیرهای اقتصادی اشاره می‌کند. در این مقاله، بارزترین آثار مثبت قرض الحسنه بر متغیرهای اقتصادی، اثر آن بر اشتغال، تولید و کاهش تورم است که تأمین امنیت اقتصادی را دربردارد که به تبع آن، بی‌ثباتی مالی در اقتصاد را کاهش می‌دهد.

سعیدی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «ارزیابی نقش تسهیلات شبکه بانکی در رشد اقتصادی»، نشان می‌دهد که تسهیلات بانکی به عنوان مکمل سرمایه تولیدکننده، نقش مهمی در سرمایه‌گذاری و رشد تولید دارد. در این مقاله، از دو روش توصیفی و پیمایشی استفاده و از طریق تحلیل رگرسیون و مدل پنل دیتا^۱ به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. جامعه آماری این پژوهش همه بانک‌های فعال استان گلستان در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۷ (شامل ۱۱ بانک تجاری و تخصصی) بوده است.

موسویان و ورمرزیاری (۱۳۹۱) به بررسی ارتباط میان تأمین مالی بانکداری بدون ربا و رشد اقتصادی در ایران با استفاده از روش خودهم‌بسته با وقفه‌های توزیعی و داده‌های فصلی در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۰ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، بانکداری بدون ربا اثر معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

نظریور و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی رابطه میان رشد اقتصادی، شاخص‌های بانکداری اسلامی (سیستم بانکداری غیرربوی) و نابرابری اقتصادی با استفاده از مدل رگرسیونی و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر متغیر جایگزین نابرابری اقتصادی (یعنی ضریب جینی) در کشورهای منتخب اسلامی در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد سیستم بانکداری غیرربوی تأثیر معناداری بر کاهش فقر و سطح نابرابری اقتصادی دارد.

مهرگان و خوش‌اخلاق (۱۳۹۵) به بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی میان سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۶۳ و روش مدل خودهم‌بسته با وقفه‌های توزیعی^۲ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تسهیلات قرض الحسنه اثر معناداری بر بهبود توزیع درآمد دارد. در این مطالعه، ضمن تأکید

بر احیای سنت الهی قرض الحسنه، پیشنهاد می‌شود با اجرای سیاست‌های تشویقی مناسب و بیان آثار معنوی و پاداش اخروی این عمل حسنه، انگیزه افراد را در سپرده‌گذاری این نوع حساب‌ها بیش از گذشته افزایش داد و با کاهش نرخ ذخایر قانونی سپرده‌های قرض الحسنه و نظارت دقیق در واگذاری تسهیلات به اقشار نیازمند، در راستای بهبود توزیع درآمد و کاهش شکاف طبقاتی در جامعه گام برداشت.

ایزدخواستی (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از تکنیک‌های توابع عکس‌العمل تحریک^۳ و تجزیه واریانس^۴ در دوره ۱۳۹۲-۱۳۶۳ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد وقوع شوک مثبت در لگاریتم تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی تا یک نیم‌دوره باعث افزایش نابرابری و پس از آن تا دوره دهم باعث کاهش نابرابری درآمد شده؛ هرچند کاهش نابرابری درآمد ناچیز بوده است. همچنین، نتایج تجزیه واریانس نشان می‌دهد که سهم لگاریتم تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در توضیح ضریب جینی، ۳۰/۵ درصد بوده است.

عبادی و جعفری (۱۳۹۹) به روش توصیفی و تحلیل محتوا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی، ضمن بیان مفهوم توسعه و تبیین راهبردهای توسعه اقتصادی، رابطه قرض الحسنه را با متغیرهای اساسی اقتصاد مانند توزیع درآمد، مصرف و پس‌انداز بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد میان نهاد قرض الحسنه و راهبردهای توزیع مجدد به‌ویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، رابطه سازگار وجود دارد.

هاکان و کایتانچی^۵ (۲۰۱۷) در مطالعه خود با عنوان «اثرات بانکداری اسلامی بر اشتغال»، بیان کردند که بانکداری اسلامی به لطف اصول حاکمیتی خود تأثیرات مثبتی بر اقتصاد دارد. این مطالعه به‌طور مقایسه‌ای رابطه میان وام‌های بانکی تجاری اسلامی و خصوصی و اشتغال بخشی در اقتصاد ترکیه را با استفاده از روش علیت گرنجر بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد وام‌های ارائه‌شده بانکداری اسلامی بر اشتغال در بخش‌های تولیدی و ساختمانی تأثیر مثبت می‌گذارد.

مشتاق احمد و بوخاری^۶ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان «مفهوم قرض الحسنه و اقدامات آن در صنعت بانکداری اسلامی پاکستان»، با روش تحلیلی-توصیفی بیان کردند که قرض الحسنه یکی از ویژگی‌های اصلی نظام اقتصاد اسلامی به شمار می‌آید. آن‌ها توصیه کردند که در بخش بانکی می‌توان از قرض الحسنه برای بهبود اقتصاد استفاده کرد. در این مقاله، استفاده از قرض الحسنه از دیدگاه بانک‌های اسلامی در پاکستان بررسی و مشاهده شده

است که با در نظر گرفتن محدودیت‌های صنعت، در حال حاضر هیچ بانک اسلامی قرض را به‌عنوان یک محصول ارائه نمی‌دهد، اما در برخی محصولات مانند حساب جاری، سپرده‌های کوتاه‌مدت، ضمانت‌نامه و اعتبار اسنادی از قرض الحسنه استفاده می‌شود. ساختار این محصولات نیز مورد مطالعه قرار گرفته و اقدامات اصلاحی در پرتوی شرع پیشنهاد شده است. این مقاله می‌گوید می‌توان از قرض الحسنه به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف نظام اقتصادی-اجتماعی اسلام استفاده کرد.

بوخاتم و بن‌موسی^۷ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد تولید ناخالص داخلی با استفاده از مدل‌های پنل دیتای هم‌انباشتگی در کشورهای منتخب منا در دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد توسعه مالی اسلامی می‌تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد درحالی‌که این ساختار نهادی توسعه‌نیافته مانع این تأثیر مثبت می‌شود. باث عطاالله^۸ (۲۰۱۹) با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی تأثیر بانک‌های اسلامی بر تولید ناخالص داخلی در دبی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بانک‌ها و منابع مالی اسلامی، تولید ناخالص داخلی را به‌اندازه زیادی افزایش می‌دهند.

با بررسی مطالعات داخلی و خارجی درمی‌یابیم که مطالعه جامعی به بررسی تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ بیکاری و نابرابری درآمد) نپرداخته است. با توجه به اهمیت تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی، این مطالعه به بررسی تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی فوق پرداخته است.

۲. مبانی نظری

در نظام مالی اسلام با توجه به حرمت ربا در اسلام، عقد قرض الحسنه همواره به‌عنوان جایگزینی مؤثر در راستای تعدیل ثروت طبقه مرفه و کمک به اقشار نیازمند برای تأمین مالی در فعالیت اقتصادی معرفی می‌شود. این موضوع تا آنجا مورد توجه بوده که در رغبت و گسترش آن، آثار مادی و معنوی فراوانی ذکر شده است. اسلام معتقد است آنچه دوام و بقای هر حکومتی به آن وابسته است، ایجاد زمینه‌های بسط عدالت در جامعه است و از لوازم اصلی حرکت به سوی رشد و کمال، ایجاد وسعت در معیشت برای زندگی مردم است (تابلی، ۱۳۹۲). با توجه به چنین اهدافی، بانکداری اسلامی در سطح جهان در سال‌های اخیر گسترش شتابانی یافته است و

ابزارهای مالی و بانکی مطابق با شریعت نیز جهان اسلام را به سرعت درنوردیده‌اند (نوری احمدآبادی، ۱۳۹۰) که تسهیلات قرض‌الحسنه یکی از این ابزارهاست.

۱-۲. مفهوم قرض‌الحسنه و اهمیت آن از دیدگاه اسلام

قرض‌الحسنه عقدی است که به واسطه آن مالی از ملکیت قرض‌دهنده خارج و به قرض‌گیرنده منتقل می‌شود و در مقابل، ذمه قرض‌گیرنده به بازپرداخت عین یا مثل یا قیمت آن مال مشغول می‌شود (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۱).

خداوند متعال در قرآن مجید از جمله سوره‌های تغابن، حدید، بقره، مائده و... اهمیت قرض و فضیلت آن را بیان می‌کند.

سوره تغابن آیات ۱۷ و ۱۸: «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ اگر به خدا وام نیکو بدهید، آن را برای شما چند برابر می‌کند و شما را می‌آمرزد و خدا، سپاسگزار، بردبار، دانای نهان و آشکار، عزیز و استوار است».

سوره حدید آیه ۱۸: «إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعَفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ؛ برای مردان و زنان انفاق‌کننده و آن‌ها که به خدا قرض می‌دهند، پاداشی چندین برابر هست و آنان پاداش ارزشمندی دارند».

سوره بقره آیه ۲۴۵: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ؛ کیست آن کسی که به خدا قرض نیکویی بدهد و خدا آن را چندین برابر می‌کند [و به او باز می‌گرداند]».

سوره مائده آیه ۱۲: «وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّا كُفْرًا عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ؛ به خدا قرض نیکو دهید [و سود نخواهید] تا گناهان شما را بیامرزم».

با توجه به آیات اشاره‌شده، قرض‌الحسنه سنت زیبایی است که خداوند آن را قرار داده است؛ زیرا گاه مشکلات مالی خواسته یا ناخواسته بر انسان عارض و انسان دچار کمبود می‌شود، اما این کمبود دلیل نمی‌شود که هرکس بخواهد شخصیت او را زیر سؤال ببرد و ممکن است بعد از مدتی گشایش صورت گیرد. از این رو دستوری که برای این مقطع زمانی داده شده، قرض‌الحسنه است (نورمحمدی، ۱۳۷۸). درحقیقت، آموزه‌های اسلام در کنار ممنوعیت ربا، مردم را به دادن «قرض‌الحسنه» تشویق می‌کند و معتقد است چنانچه مسلمانان به‌طور اختیاری و بدون توقع هیچ سودی اقدام به این امر خداپسندانه کنند، به توازن اقتصادی نزدیک‌تر می‌شوند (غفاری، ۱۳۸۵).

۲-۲. قرض الحسنه اعطایی

طبق ماده ۱۶ آیین نامه فصل ۳ قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانکها برای تحقق اهداف مقرر در بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی و همچنین، رفع نیازهای اساسی اشخاص، با تخصیص بخشی از منابع خود طبق ضوابطی که به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید، در موارد زیر مبادرت به پرداخت قرض الحسنه می کنند.

الف. تأمین وسایل و ابزار و سایر امکانات لازم برای ایجاد کار جهت کسانی که فاقد این گونه امکانات هستند در شکل تعاونی.

ب. کمک به امر افزایش تولید با تأکید بر تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی.

ج. رفع احتیاجات ضروری اشخاص حقیقی مانند هزینه های ازدواج، تهیه جهیزیه، تعمیر و تأمین مسکن، کمک برای ایجاد مسکن در روستا و سایر نیازهای متفرقه.

از آنجاکه قرض الحسنه از ویژگی های منحصر به فردی مانند غیرانتفاعی بودن و اختصاص به موارد اساسی و ضروری برخوردار است، در سطح کلان، تأثیرات مثبتی بر سطح معیشت افراد خواهد گذاشت. از این رو در نظام اقتصادی اسلام برای دستیابی به اهداف عدالت و تأمین اجتماعی و نیز کاهش فاصله طبقاتی از قرض الحسنه به عنوان ابزاری کارا در این زمینه استفاده شده است (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۱). در ادامه، به بررسی سازوکارهای اثرگذاری تسهیلات قرض الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ بیکاری و نابرابری درآمد) خواهیم پرداخت.

۲-۳. آثار اقتصادی قرض الحسنه

۲-۳-۱. کاهش نابرابری درآمد

مسئله توزیع در ادبیات اقتصادی اغلب با بحث عدالت همراه است. با توجه به موضع ادیان و به طور خاص دین اسلام درباره عدالت، توزیع عادلانه دغدغه اصلی آموزه های اسلامی است و نویسندگان حوزه اقتصاد اسلامی به این مسئله پرداخته اند. از جمله آیت الله صدر معتقد است دولت اسلامی وظیفه دارد با وضع مقررات قانونی و ازدیاد ثروت عمومی و بی نیاز کردن افراد جامعه، شرایطی فراهم کند تا تمام افراد از امکانات و موقعیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، شغلی و آموزشی موجود به صورت مساوی برخوردار شوند (صدر، ۱۴۱۷ ق). برای اجرای عدالت بر اساس نظریه اقتصاد اسلامی، ایجاد

فرصت‌های برابر لازم و ضروری است و توزیع عادلانه درآمد و ثروت نیاز به توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و آموزشی دارد (لشکری، ۱۳۹۰).

در مکتب اسلام توجه ویژه‌ای به رفع این معضل اجتماعی-اقتصادی شده است. قرض‌الحسنه می‌تواند سهم مؤثری در تأمین این هدف داشته باشد؛ زیرا در جامعه اسلامی وام‌دهنده قسمتی از درآمد قابل تصرف خود را به قرض‌الحسنه اختصاص می‌دهد. بنابراین، انتظار می‌رود که استمرار آن باعث شود که در هر مقطع زمانی، سهمی از درآمد ثروتمندان در اختیار نیازمندان قرار گیرد. افزون‌بر این، تأثیر قرض‌الحسنه بر توزیع نابرابر درآمدها دارای ویژگی‌هایی است که برخی از آن‌ها به شرح زیر است.

الف. قرض‌الحسنه برخلاف مالیات سبب انتقال درآمد افراد به دولت نمی‌شود. بنابراین، تخصیص بهینه آن‌ها در راستای عدالت اجتماعی منوط به وجود برنامه‌های مناسب در چهارچوب بودجه عمومی نیست.

ب. قرض‌الحسنه با مبانی توزیع درآمد در اسلام هماهنگی دارد؛ زیرا با رعایت احترام به مالکیت خصوصی اعطاکننده وجوه و به اختیار او چنین رفتاری صورت می‌گیرد. در واقع، مصرف‌کننده مسلمان درآمد خود را با توجه به مطلوبیت‌های مختلف میان مصرف خود و خانواده، سرمایه‌گذاری و مصرف نیازمندان برای بهره‌مندی از ثواب معنوی و اخروی تقسیم می‌کند.

پ. اختصاص مبلغ وام گرفته‌شده توسط قرض‌گیرنده‌ها به خرید کالاهای ضروری و اساسی، زمینه‌ای را به وجود می‌آورد که منابع موجود از تولید کالاهای لوکس به سوی تولید کالاهای ضروری سوق داده شود. بنابراین، انتظار می‌رود قرض‌الحسنه الگوی تولید را نیز متناسب با نیاز جوامع تغییر دهد.

ت. قرض‌الحسنه شاخص‌های توزیع مطلوب را داراست؛ زیرا اولاً، انگیزه‌های تلاش برای تولید بیشتر است و رشد از بین نمی‌رود. ثانیاً، قرض‌الحسنه پس از اعمال سازوکار قیمت‌ها در محدوده تولیدات مباح مطرح می‌شود و مانع عملکرد این ابزار در اقتصاد جامعه نمی‌شود. ثالثاً، از آنجاکه «نیاز» به عنوان یکی از ارکان قرض‌الحسنه مطرح است، در راستای ایجاد زندگی مناسب و تأمین نیازهای اساسی افراد جامعه است.

ث. در وام‌های قرض‌الحسنه تولیدی نیز به نیازمندان کمک می‌شود تا در عوامل تولید و در نتیجه، ارزش افزوده آن سهم باشند و با تحریم ربا انتظار می‌رود سهم آنان نیز افزایش یابد. در واقع، قرض‌الحسنه‌های تولیدی شرایطی را به وجود می‌آورند که حتی با سازوکار

بازار سهم بیشتری از ارزش تولید به افراد نیازمند تعلق بگیرد و در نتیجه، توزیع مناسب‌تر درآمدها را می‌توان انتظار داشت (عبادی و جعفری، ۱۳۹۹).

۲-۳-۲. اثر قرض الحسنه بر تورم و اشتغال

قرض الحسنه را می‌توان به مصرفی و تولیدی تقسیم کرد. اگر این وجوه صرف خرید کالاهای مصرفی ضروری شود، تقاضا برای کالاهای ضروری افزایش می‌یابد و اگر عرضه این کالاها باکاهش باشد، مازاد تقاضا موجب افزایش قیمت و بلافاصله باعث افزایش تقاضا برای کار و در نتیجه، افزایش اشتغال، افزایش تولید و بازگشت قیمت به میزان اولیه می‌شود. ولی اگر عرضه این نوع کالاها بی‌کاهش باشد، تنها اثر قرض الحسنه، افزایش قیمت کالاهای مزبور و تورم خواهد بود (حبیبیان نقیعی، ۱۳۸۱).

یکی از مفاسد مهم ربا این است که در تأمین سرمایه بر اساس آن، صاحب کار اقتصادی با قطع نظر از عملکرد فعالیت اقتصادی، متعهد به بازپرداخت اصل و فرع وام بانکی است که باعث به وجود آمدن متغیری «برونزا» در اقتصاد می‌شود و درآمدی خارج از عملکرد بخش حقیقی اقتصاد شکل می‌گیرد که خود آثار سوئی مانند ناعادلانه شدن توزیع درآمدها و تورم را در پی دارد و توازن اقتصادی کشور را در هم می‌کوبد (موسویان، ۱۳۸۱). با توسعه فرهنگ قرض الحسنه، درآمدی خارج از عملکرد بخش حقیقی اقتصاد شکل نمی‌گیرد و در اصطلاح پول کار نمی‌کند و از گسترش بی‌رویه نقدینگی جلوگیری و به تبع آن، نرخ تورم نیز کنترل می‌شود.

۲-۳-۳. اثر قرض الحسنه بر تولید و اشتغال

از دیدگاه اقتصاد خرد، تولیدکننده همیشه در پی حداکثر کردن سود اقتصادی است. سود از مابه‌التفاوت درآمد کل و هزینه کل حاصل می‌شود. این سود هنگامی به حداکثر می‌رسد که قیمت محصول، با هزینه نهایی برابر باشد؛ یعنی $P=MC$. حال اگر فرایند تولید را بلندمدت فرض کنیم، یکی از اقلام تشکیل‌دهنده هزینه نهایی (MC)، نرخ بهره است که تولیدکننده به‌ازای هر واحد اضافی می‌پردازد. نرخ بهره تعادلی در نظام بهره بر اساس الگوی کینزی یا نئوکلاسیک‌ها بر اساس تقاطع منحنی‌های عرضه و تقاضای پول تعیین می‌شود.

اگر تولیدکننده بر اساس وام دریافتی که به‌ازای آن نرخ ثابت و معینی را می‌پردازد، وارد تولید کالا شود، هزینه‌های تولیدی او به‌اندازه‌ای که نرخ بهره می‌پردازد، بالا می‌رود.

در صورتی که اگر به جای نرخ بهره از «قرض الحسنه» به عنوان جایگزین استفاده کند، این بخش از هزینه‌ها حذف می‌شود و در نتیجه، هزینه تولیدکننده کاهش می‌یابد و به تبع آن، هزینه نهایی و هزینه متوسط تولیدکننده کاهش می‌یابد. از این رو با توجه به حداکثر شدن سود بنگاه در برابری قیمت محصول و هزینه نهایی، در سطح قیمت مشخص با توجه به کاهش هزینه نهایی، امکان تولید بیشتری در همان قیمت برای تولیدکننده فراهم می‌شود در حالی که برای تولیدکننده‌ای که از وام بهره‌دار استفاده می‌کند، چنین امکانی فراهم نیست. همچنین، اگر قیمت بازار برای کالاهای مورد نظر به عللی کاهش یابد، تعطیلی برای تولیدکننده استفاده‌کننده از وام بهره‌ای اجتناب‌ناپذیر است در حالی که تولیدکننده استفاده‌کننده از قرض الحسنه به دلیل کاهش هزینه متوسط تولید می‌تواند به تولید ادامه دهد (به شرطی که کاهش هزینه متوسط تولید به اندازه کاهش قیمت باشد) (ماجدی و گلریز، ۱۳۷۳).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، استفاده از قرض الحسنه برای تأمین مالی چه در سیستم بانکداری اسلامی و چه به صورت شخصی توسط خود افراد، زمانی صورت می‌گیرد که فرد وام‌گیرنده توانایی بازپرداخت سود را ندارد. بنابراین، آنچه درباره کاهش هزینه‌های تولید گفته شد، تنها به واحدهای کوچک تولیدی که امکان بازپرداخت سود را ندارند یا افرادی از گروه‌های پایین درآمدی که قصد احداث واحدهای تولیدی کوچک یا متوسط را دارند، تعلق می‌گیرد. کاهش هزینه تولید طبق آنچه توضیح داده شد، افزایش سرمایه‌گذاری و تولید را دربردارد. در واقع، آن دسته از گروه‌هایی که پیش‌تر به دلیل بالا بودن هزینه‌های تولید و عدم دسترسی به منابع تأمین مالی ارزان، امکان تولید و سرمایه‌گذاری را نداشتند، با استفاده از منابع قرض الحسنه به تولید روی می‌آورند. در نتیجه، استفاده از قرض الحسنه در تأمین مالی این بنگاه‌ها به افزایش تولید می‌انجامد. اثر اقتصادی دیگر افزایش سرمایه‌گذاری که بر افزایش تولید پیشی دارد، افزایش اشتغال نهاده‌های تولیدی است. با افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری، زمینه برای فعال شدن دیگر منابع تولید مانند زمین، مواد اولیه، نیروی انسانی و... که بدون استفاده باقی مانده بودند، فراهم می‌آید. با توجه به مطالب فوق، انتظار داریم با جایگزینی سیستم تأمین مالی قرض الحسنه در برخی موارد به جای سیستم تأمین مالی نظام بهره یا سیستم مبتنی بر سود، شاهد بالا رفتن اشتغال و تولید باشیم (موسویان، ۱۳۸۱).

صندوق‌های قرض الحسنه تولیدی در راستای ایجاد اشتغال و بالا رفتن تولید اهمیت بسیار دارند. در قرض‌های تولیدی چون بدون واسطه، وجوه وام گرفته‌شده به تأسیس یا گسترش نهاد تولیدی اختصاص می‌یابد، می‌توان انتظار داشت که اشتغال افزایش یابد. در

این مورد هم باید دولت شرایطی را ایجاد کند تا این وجوه باعث نشود که در مؤسسه‌های تولیدی، سرمایه جایگزین کار شود؛ البته به‌خاطر اینکه قرض‌الحسنه‌های تولیدی به مراکز تولیدی کوچک و نیازهای ضروری آن‌ها اختصاص می‌یابد انتظار افزایش اشتغال به‌واسطه آن بیجا نیست (یزدانی، ۱۳۹۰).

۳. تصریح و تبیین مدل

در این پژوهش برای دستیابی به هدف پژوهش، از تکنیک‌های اقتصادسنجی و روش خودهم‌بسته با وقفه توزیعی^۹ استفاده می‌شود و دوره مورد بررسی مقاله سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۸ است.

۳-۱. معرفی مدل و متغیرها

پس از بررسی مدل‌های مختلف در این حوزه، به مدلی دست یافتیم که در آن تسهیلات قرض‌الحسنه به‌عنوان عامل اثرگذار بر تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری، نرخ تورم، نرخ بیکاری و ضریب جینی لحاظ شده است.

معادله $Y_t = K^\alpha L^\beta GH^\delta BOF^\gamma$ که در آن Y_t تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری، K موجودی سرمایه حقیقی، L تعداد نیروی کار شاغل و GH اعتبارات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در قالب قرض‌الحسنه است.

بعد از لگاریتم گرفتن از هر دو طرف معادله، شکل عمومی الگوی اول به‌صورت زیر است.

$$\ln(Y_{1t}) = \alpha \ln(K_t) + \beta \ln(L_t) + \delta \ln(GH_t) + U_t \quad (1)$$

مدل شماره ۲ بر اساس مطالعات میگوئیل ملو و یورک پونک (۲۰۲۰) که برای بررسی تأثیر متغیرهای کلان و سیاست مالی بر نرخ تورم به کار گرفته شده که در اینجا به‌جای متغیرهای سیاست پولی از تأثیر قرض‌الحسنه استفاده شده است، به شرح زیر است.

$$INF(\pi) = \alpha i + \beta_1 INF_t - 1(\pi) + \beta_2 INT + \beta_3 GH + \epsilon_{it} \quad (2)$$

در رابطه فوق، $INF(\pi)$ نرخ تورم و INT نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار و GH تسهیلات قرض‌الحسنه است که بر اساس روابط فوق اقدام به بررسی متغیرها در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌کنیم.

مدل سوم در این مقاله از تحقیق پایتختی اسکوی و عرب مازار (۱۳۹۴) گرفته شده است. براین‌اساس، برای بررسی و تجزیه و تحلیل اثر ابزارهای تأمین مالی اسلامی بر نرخ

بیکاری در اقتصاد ایران بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام گرفته، مدل اقتصادسنجی به صورت زیر تصریح می شود.

$$UNEP = F(GH, M, MB, GDP) \quad (3)$$

در این مدل، $UNEP$ بیان کننده نرخ بیکاری و GH ، M ، MB و GDP به ترتیب نرخ رشد تسهیلات اعطایی قرض الحسنه، عقود مشارکتی، عقود مبادله ای و اقتصادی را نشان می دهد که نسبت به سال گذشته محاسبه می شوند. GDP بیان کننده نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ است که به صورت درصد تغییرهای نسبت به سال گذشته محاسبه شده است و از ناحیه تقاضا برای نیروی کار وارد مدل می شود. تقاضا برای نیروی کار، تقاضای مشتق شده است و با افزایش تولید کالا و خدمات انتظار می رود تقاضا برای نیروی کار کاهش یابد.

مدل چهارم در این مقاله از مدل ابونوری و همکاران (۱۳۸۹) استفاده شده است که در این مدل، ضریب جینی به عنوان متغیر وابسته و تورم، بیکاری و هزینه های اجتماعی دولت به عنوان متغیر مستقل است. براین اساس، در مقاله حاضر به جای هزینه های اجتماعی دولت از نسبت تسهیلات قرض الحسنه به کل تسهیلات استفاده و نتایج بررسی می شود.

$$GINI = F(GH, INF, UNEP) \quad (4)$$

در خصوص معرفی متغیرها و منابع آنها باید گفت در محاسبه $\ln(Y_{it})$ از لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری، $\ln(inf)$ از لگاریتم نرخ تورم، $\ln(unep)$ از لگاریتم نرخ بیکاری و $\ln(gini)$ از لگاریتم ضریب جینی که از بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی حاصل شده، استفاده شده است. درباره $\ln(K_t)$ نیز از لگاریتم موجودی سرمایه خالص که توسط بانک مرکزی گزارش می شود، استفاده شده است. درباره $\ln(L_t)$ از لگاریتم نیروی کار فعال مرکز آمار بهره گرفته شده است. در محاسبه $\ln(GH_t)$ نیز از لگاریتم اعتبارات اعطایی بانکها و مؤسسات اعتباری در قالب قرض الحسنه که از بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی حاصل شده، استفاده شده است.

۲-۳. تخمین مدل

۱-۲-۳. آزمون مانایی

در این قسمت از تخمین مدل، ابتدا آزمون مانایی هریک از متغیرها بررسی می شود. همان طور که در جدول ۱ مشاهده می کنید، تمام متغیرها در اولین تفاضل مانا هستند.

جدول ۱: آزمون مانایی

متغیرها	در سطح	اولین تفاضل
inf	-۳.۵۹۳۲۳۹	-۴.۹۸۵۲۷۴
(K)	۳.۱۲۴۳۰۲	-۳.۷۱۶۲۹۵
L	-۰.۵۶۵۶۷۱	-۴.۳۸۱۵۳۳
GH	-۲.۰۵۰۴۹۱	-۵.۲۵۲۷۹۵
Y ₁	-۴.۲۰۹۲۵۷	-۷.۲۰۶۵۹۴
unep	-۲.۶۴۶۱۰۱	-۵.۸۷۰۲۰۲
Gini	-۲.۵۳۵۳۳۱	-۷.۳۰۹۶۸۱
M2	-۴.۴۷۲۸۲۸	-۹.۳۲۷۶۷۹
INT	-۰.۴۵۰۰۲۷	-۷.۳۹۶۱۰۲

منبع: نتایج تحقیق.

۲-۲-۳. آزمون هم‌انباشتگی و تخمین مدل شماره ۱

۱-۲-۲-۳. روش بنرجی، دولادو و مستر

در این روش، اگر مجموع ضرایب وابسته در رابطه کوچک‌تر از ۱ باشد، رابطه کوتاه‌مدت بین متغیرهای مدل به سمت تعادل بلندمدت حرکت خواهد کرد. بنابراین، فرضیه صفر در این آزمون به صورت زیر خواهد بود.

$$H_0: \sum \alpha_i \geq 1$$

$$H_1: \sum \alpha_i \leq 1$$

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در صورتی که فرضیه صفر قابل رد نباشد، نمی‌توان وجود رابطه بلندمدت را تأیید کرد، اما اگر فرضیه صفر به نفع فرضیه مقابل قابل رد باشد، می‌توان وجود رابطه بلندمدت را پذیرفت. آماره آزمون این فرضیه به صورت زیر قابل محاسبه است که S_{ai} بیان‌کننده انحراف معیار مربوط به ضریب α_i است.

$$\sum \alpha_i - 1 / S_{ai}$$

در صورتی که قدر مطلق آماره آزمون به دست آمده بزرگ‌تر از قدر مطلق آماره بحرانی بنرجی و دولادو و مستر بزرگ‌تر باشد، می‌توان فرضیه نبود رابطه بلندمدت را رد کرد (Banerjee, Dolado, & Master, 1992, pp.46-53)

در مدل شماره ۱، رابطه فوق برابر با ۴۶- که با توجه به ناحیه بحرانی برای ۳ متغیر توضیحی برابر با ۳/۴۷- است. بنابراین، فرضیه اول مبنی بر نبود تعادل رابطه در بلندمدت رد و فرضیه مقابل پذیرفته می‌شود.

در مدل شماره ۲، رابطه فوق برابر با $۲۰/۸۱-$ که با توجه به ناحیه بحرانی برای ۲ متغیر توضیحی برابر با $۳/۲۲-$ است. بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر نبود تعادل در بلندمدت رد و فرضیه مقابل پذیرفته می‌شود.

در مدل شماره ۳، رابطه فوق برابر با $۶/۰۱۹-$ که با توجه به ناحیه بحرانی برای ۴ متغیر توضیحی برابر با $۳/۶۷-$ است. بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر نبود تعادل در بلندمدت رد و فرضیه مقابل پذیرفته می‌شود.

در مدل شماره ۴، رابطه فوق برابر با $۸/۰۹-$ که با توجه به ناحیه بحرانی برای ۳ متغیر توضیحی برابر با $۳/۴۷-$ است. بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر نبود تعادل در بلندمدت رد و فرضیه مقابل پذیرفته می‌شود.

۳-۲-۳. تخمین مدل در کوتاه‌مدت

۳-۲-۳-۱. تخمین مدل شماره ۱ در کوتاه‌مدت

در این مدل، متغیر وابسته تولید ناخالص داخلی و متغیرهای مستقل سرمایه خالص، نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کل تسهیلات و نیروی کار فعال در تمام بخش‌های اقتصادی است. در این شرایط، ارتباطات متغیرها مبانی نظری را تأیید می‌کند و علامت‌ها قابل اتکا هستند. به عبارت دیگر، هرچه میزان تسهیلات قرض‌الحسنه بیشتر شود، سبب رشد اقتصادی می‌شود؛ گواه این قضیه این است که خالص نیروی فعال بخش‌های مختلف اقتصادی و همچنین خالص سرمایه برای رشد اقتصادی بیشتر می‌شود.

سرعت تعدیل مدل ۱۱ درصد است؛ یعنی هر تغییری در متغیرها با تغییر ۱۱ درصد اقتصاد مواجه می‌شود؛ البته این مدل به لحاظ مبانی نظری در علامت‌ها مناسب است.

جدول ۲: مدل کوتاه‌مدت شماره ۱

متغیرها	ضریب	Standard error	t-استیودنت	احتمال خطا
$\ln(Y_1)$	۰.۸۰۱۵۱۸	۰.۲۰۶۲۹۳	۳.۸۸۵۳۳۰	۰.۰۰۳۷
$\ln(K)$	۰.۸۲۰۱۲۱	۰.۱۰۵۲۶۴	۷.۷۹۱۰۵۸	۰.۰۰۰۰
$\ln(L)$	۲.۰۴۲۹۶۸	۰.۶۴۱۱۹۳	۳.۱۸۶۲۰۰	۰.۰۱۱۱
$\ln(GH(-2))$	۰.۱۷۱۰۵۳	۰.۰۵۵۰۷۳	۳.۱۰۵۹۰۷	۰.۰۱۲۶
$CointEq(-1)^*$	-۰.۱۱۷۵۸۰	۰.۰۳۱۰۲۵	-۳.۷۸۹۸۳۹	۰.۰۰۴۳

منبع: نتایج تحقیق.

۲-۳-۲. تخمین مدل شماره ۲ در کوتاه مدت

در این مدل، متغیر وابسته تورم و متغیرهای مستقل نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار، نسبت تسهیلات قرض الحسنه به کل تسهیلات است. در این شرایط، ارتباطات متغیرها مبانی نظری را تأیید می‌کند و علامت‌ها قابل اتکا هستند. به عبارت دیگر، هرچه میزان تسهیلات قرض الحسنه بیشتر شود سبب کاهش تورم می‌شود. سرعت تعدیل مدل ۶۸ درصد است؛ یعنی هر تغییری در متغیرها با تغییر ۶۸ درصد اقتصاد مواجه می‌شود. این مدل به لحاظ مبانی نظری در علامت‌ها مناسب است.

جدول ۳: مدل کوتاه مدت شماره ۲

متغیرها	ضریب	Standard error	t-استیودنت	احتمال خطا
Ln(inf(-1))	۰.۱۱۵۸۲	۰.۰۴۷۷۸۴	۲.۴۲۳۸۰	۰.۰۳۱۱
Ln(INT(-1))	۰.۲۵۷۳۵	۰.۰۹۱۴۱۸	۲.۸۱۵۰۹	۰.۰۰۸۱
Ln(GH(-3))	-۰.۱۵۷۲۵۶	۰.۰۳۷۹۶۳	-۴.۱۴۲۳۳۹	۰.۰۴۰۴
CointEq(-1)*	-۰.۶۸۷۱۳۷	۰.۱۳۳۲۳۸	-۵.۱۵۷۱۸۱	۰.۰۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق.

۲-۳-۳. تخمین مدل شماره ۳ در کوتاه مدت

در این مدل، متغیر وابسته نرخ بیکاری و متغیرهای مستقل نسبت تسهیلات قرض الحسنه به کل تسهیلات، تسهیلات مبادله‌ای، مشارکتی و تولید ناخالص داخلی است. در این شرایط، ارتباطات متغیرها مبانی نظری را تأیید می‌کند و علامت‌ها قابل اتکا هستند. به عبارت دیگر، هرچه میزان تسهیلات قرض الحسنه بیشتر شود سبب کاهش نرخ بیکاری می‌شود. همچنین، نرخ رشد مانده تسهیلات مبادله‌ای و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سبب کاهش نرخ بیکاری می‌شود. سرعت تعدیل مدل ۶۸ درصد است؛ یعنی هر تغییری در متغیرها با تغییر ۶۸ درصد اقتصاد مواجه می‌شود. این مدل به لحاظ مبانی نظری در علامت‌ها مناسب است.

جدول ۴: مدل کوتاه مدت شماره ۳

متغیرها	ضریب	Standard error	t-استیودنت	احتمال خطا
Ln(unep(-2))	۰.۳۸۲۷۳۴	۰.۱۵۶۱۸۴	۲.۴۵۰۵۲۱	۰.۰۰۵۳
Ln(M)	-۰.۱۵۴۹۰	۰.۰۰۷۸۲۶	-۱.۹۷۹۳۹۹	۰.۰۱۰
Ln(MB)	-۰.۰۴۵۶۴۱	۰.۰۱۸۱۲۱	-۲.۵۱۸۶۷۹	۰.۰۲۹۱
Ln(GDP)	-۰.۲۸۷۶۴۶	۰.۱۲۵۳۲۵	-۲.۲۹۵۲۰۰	۰.۰۰۰۰
Ln(GH)	۰.۳۸۴۵۵۷-	۰.۱۴۶۲۵۹	۲.۶۲۹۲۸۷-	۰.۰۱۶۷
CointEq(-1)*	-۰.۶۸۴۳۷۹	۰.۱۴۲۳۶۹	-۴.۸۰۷۰۷۸	۰.۰۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق.

۴-۳-۲-۳. تخمین مدل شماره ۴ در کوتاه مدت

در این مدل متغیر وابسته ضریب جینی و متغیرهای مستقل نسبت تسهیلات قرض الحسنه به کل تسهیلات، نرخ بیکاری و نرخ تورم است. در این شرایط، ارتباطات متغیرها مبانی نظری را تأیید می کند و علامت ها قابل اتکا هستند. به عبارت دیگر، هرچه میزان تسهیلات قرض الحسنه بیشتر شود سبب کاهش ضریب جینی می شود. سرعت تعدیل مدل ۲۳ درصد است، یعنی هر تغییری در متغیرها با تغییر ۲۳ درصد اقتصاد مواجه می شود. این مدل به لحاظ مبانی نظری در علامت ها مناسب است.

جدول ۵: مدل کوتاه مدت شماره ۴

متغیرها	ضریب	Standard error	t-استیودنت	احتمال خطا
Ln(gini(-1))	۰.۲۶۵۴۷۸	۰.۱۱۹۵۸۰	۲.۲۲۰۰۸۱	۰.۰۰۰۳
Ln(unep(-1))	۰.۴۰۲۶۹۸	۰.۳۲۱۴۸۶	۱.۲۵۲۶۱۴	۰.۰۰۰۰
Ln(INF(-1))	۰.۱۲۴۵۹۶	۰.۰۵۴۶۹۸	۲.۲۷۷۸۱۹	۰.۰۰۰۱
Ln(GH(-1))	-۰.۰۷۸۵۳	۰.۰۲۳۶۹۵	-۳.۳۱۴۲۰۱	۰.۰۲۰۲
CointEq(-1)*	۰.۲۳۶۵۴۷-	۰.۰۶۳۳۷۵	۳.۷۳۲۴۹۷-	۰.۰۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق.

۴-۳-۲-۳. تخمین مدل در بلندمدت

۴-۲-۳-۱. تخمین مدل شماره ۱ در بلندمدت

مدل شماره ۱ در بلندمدت معنادار نیست که بدین مفهوم است که این متغیرها در بلندمدت تأثیر معناداری بر تولید ناخالص داخلی ندارند.

جدول ۶: مدل بلندمدت شماره ۱

متغیرها	ضریب	Standard error	t-استیودنت	احتمال خطا
Ln(K)	۱.۶۷۵۸۰۲	۲.۲۸۳۷۷۶	۰.۷۳۳۷۸۶	۰.۴۸۱۸
Ln(L)	۸.۱۵۶۰۶۵	۱۳.۳۴۷۳۴	۰.۶۱۱۰۶۳	۰.۵۵۶۳
Ln(GH)	-۱.۳۷۱۸۱۹	۳.۳۶۸۱۱۵	-۰.۴۰۷۳۹۶	۰.۶۹۳۳

منبع: نتایج تحقیق.

۳-۲-۴. تخمین مدل شماره ۲ در بلندمدت

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌کنید، نتایج گویای تأثیر معکوس تسهیلات قرض الحسنه بر رشد تورم شده است. این نشان می‌دهد که در بلندمدت به دلیل تأثیر بر پایه پولی و حجم نقدینگی و جذب آن در بخش تولید سبب کاهش تورم می‌شود؛ زیرا حجم تولید وقتی افزایش یابد، هزینه‌های تولید کاهش می‌یابد و درنهایت، سبب کاهش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود.

جدول ۷: مدل بلندمدت شماره ۲

متغیرها	ضریب	Standard error	t-استیودنت	احتمال خطا
Ln(inf)	-۰.۱۰۲۲۷۲	۰.۰۵۸۳۱۷	-۱.۷۵۳۶۹۹	۰.۰۸۲۱
Ln(INT)	-۰.۲۰۴۸۹۰	۰.۰۹۱۴۱۸	-۲.۰۶۶۵۹۳	۰.۰۰۸۱
Ln(GH)	-۰.۳۰۹۵۴۷	۰.۱۳۷۷۳۹	-۲.۲۴۷۳۹۹	۰.۰۰۳۵

منبع: نتایج تحقیق.

۳-۲-۳. تخمین مدل شماره ۳ در بلندمدت

همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌کنید، نتایج کوتاه‌مدت در بلندمدت تأیید می‌شود و گویای تأثیر مثبت تسهیلات قرض الحسنه و تسهیلات مبادله‌ای بر کاهش بیکاری است. این نشان می‌دهد که تسهیلات عقود اسلامی به‌خصوص قرض الحسنه که بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری پرداخت می‌کنند، به سمت تولید می‌رود و سبب کاهش نرخ بیکاری می‌شود.

جدول ۸: مدل بلندمدت شماره ۳

متغیرها	ضریب	Standard error	t-استیودنت	احتمال خطا
Ln(M)	۰.۱۴۵۶۳	۰.۰۷۶۱۹۳	۰.۱۹۱۱۳۳	۰.۷۵۹۸
Ln(MB)	-۰.۲۶۵۴۱۳	۰.۱۲۳۶۵۴	-۲.۱۴۶۴۱۶	۰.۰۲۹۱
Ln(GDP)	۰.۶۵۴۸۹۲	۰.۳۸۹۵۲۴	۱.۶۸۱۲۶۲	۰.۰۷۲۳
Ln(GH)	-۰.۲۵۶۹۱۴	۰.۰۳۶۵۳۸	-۷.۰۳۱۴۱۹	۰.۰۰۲۸

منبع: نتایج تحقیق.

۳-۲-۴. تخمین مدل شماره ۴ در بلندمدت

همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌کنید، نتایج گویای تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر ضریب جینی است. این نشان می‌دهد که در بلندمدت تسهیلات قرض‌الحسنه تأثیر منفی دارد. به عبارت دیگر، این تسهیلات به سمت تولید و رشد اقتصادی می‌رود که در نهایت، سبب کاهش نابرابری بین اقشار کم درآمد می‌شود.

جدول ۹: مدل بلندمدت شماره ۴

متغیرها	ضریب	Standard error	t-استیودنت	احتمال خطا
Ln(unep)	۰.۳۷۵۴۱۲	۰.۲۶۳۵۴۷	۱.۴۲۴۵۵۹	۰.۰۷۶۵
Ln(INF)	۰.۱۶۲۳۴۵	۰.۰۶۵۳۹۸	۲.۴۸۲۴۱۵	۰.۰۰۰۱
Ln(GH)	-۰.۰۶۲۳۱۴	۰.۰۳۱۱۲۳	-۲.۰۰۲۱۸۴	۰.۰۴۰۲

منبع: نتایج تحقیق.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور، با استفاده از اطلاعات دوره زمانی ۱۳۶۸-۱۳۹۸ در اقتصاد ایران و روش خودهم‌بسته با وقفه توزیعی، تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ بیکاری و شاخص ضریب جینی بررسی شده است. با توجه به اهمیت تسهیلات قرض‌الحسنه، چهار فرضیه برای این مقاله مطرح شد.

فرضیه اول: نتایج بالا حاکی است که در کوتاه‌مدت رابطه مثبت و معناداری بین تسهیلات قرض‌الحسنه و رشد اقتصادی وجود دارد و فرضیه اول تأیید می‌شود. گواه این قضیه این است که خالص نیروی فعال بخش‌های مختلف اقتصادی و خالص سرمایه بیشتر می‌شود. فرضیه دوم: با توجه به نتایج بالا، رابطه میزان تسهیلات قرض‌الحسنه با نرخ تورم منفی است. از این رو فرضیه دوم تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: از نتایج بالا استنباط می‌شود که میان میزان تسهیلات قرض‌الحسنه و نرخ بیکاری رابطه معکوس وجود دارد. از این رو فرضیه سوم تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: با توجه به نتایج بالا، میان میزان تسهیلات قرض‌الحسنه و ضریب جینی رابطه معکوس وجود دارد. از این رو فرضیه چهارم تأیید می‌شود که گواه این قضیه است که

تسهیلات قرض الحسنه راهی به سمت تولید است و همچنان که سبب کاهش نرخ بیکاری و ارتقای سطح زندگی اقشار آسیب پذیر می شود، در نهایت، سبب کاهش ضریب جینی می شود. بر اساس مباحث نظری انتظار می رود تسهیلات قرض الحسنه تأثیر مثبتی بر اقتصاد کشور و متغیرهای اقتصادی داشته باشد. برای مثال جعفری و عبادی (۱۳۹۹) و ابونوری و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله های خود بیان کردند که تسهیلات قرض الحسنه منجر به توزیع عادلانه درآمد می شود و از فاصله طبقاتی در جامعه می کاهد. مشتاق احمد و بوخاری (۲۰۱۷) به نقش تسهیلات قرض الحسنه در راستای بهبود اقتصاد تأکید کرده اند. حبیبیان نقیبی (۱۳۸۱) و پایتختی اسکوی و عرب مازار (۱۳۹۴) نیز در مطالعات خود بیان کردند که در قرض الحسنه های تولیدی، انتظار افزایش اشتغال بیجا نیست. مطالعه تجربی انجام شده نیز گواه بر تأیید مطالعات پیشین در باب اهمیت این وام نیکو و خداپسندانه است. بررسی های آماری مقاله حاضر نشان می دهد که قرض الحسنه موجب افزایش رشد اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری، کاهش تورم و بهبود توزیع درآمد در جامعه می شود. از این رو می توان گفت که نظام اقتصادی اسلام قرض الحسنه را به عنوان ابزاری مؤثر برای توزیع عادلانه درآمد، تغییر الگوی تولید و افزایش اشتغال در نظر گرفته است.

با توجه به تأثیر مثبت قرض الحسنه بر متغیرهای اقتصاد کلان، در اقتصاد ایران نیز اعطای تسهیلات اعتباری بانک ها و مؤسسات اعتباری در قالب قرض الحسنه، نقش مؤثری بر متغیرهای اقتصاد کلان داشته است. با توجه به آیات و روایات و بررسی آثار اقتصادی قرض الحسنه در جامعه مشخص شد قرض الحسنه در توزیع درآمد، اشتغال، رشد اقتصادی و تورم تأثیرگذار است و باعث بهبود اقتصاد جامعه می شود. از آنجاکه خداوند پاداشی بیش از پاداش صدقه برای قرض قرار داده است، می توان گفت که قطعاً قرض موضوعی مهم است و رواج آن در میان افراد باعث سلامت اقتصادی جامعه می شود. در اعطای وام قرض الحسنه تکیه اصلی بر مشارکت جدی افراد است که با نظارت بانک مرکزی می توانند گام مؤثری در موفقیت این مهم بردارند. پیشنهاد می شود با توجه به حجم زیاد سپرده های جاری قرض الحسنه در بانک ها و مؤسسه های اعتباری غیر بانکی، حداکثر وام قرض الحسنه پرداخت شود و بانک مرکزی با نظارت دقیق بر عملکرد بانک های موجود کنونی که متولی تجهیز و تخصیص تسهیلات قرض الحسنه هستند، بتواند از هدایت اعتبارات قرض الحسنه به سمت مسیرهایی که منتج به کسب سود از طریق سفته بازی می شود، جلوگیری کند و با سوق دادن این تسهیلات به سمت

تولید، با افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات کم درآمد، نقش فعالی در راستای حل مشکلات اقتصادی جامعه داشته باشد تا حق نیازمندان واقعی که باید نهایت بهره را از این گونه اعتبارات ببرند، تضییع نشود. با سوق دادن تسهیلات قرض الحسنه به سمت تولید و نظارت دقیق و کنترل شده بر آن، می توان از این سنت الهی که مورد تأکید قرآن عظیم الشان و روایات اسلامی است، در راستای بهبود شرایط اقتصادی کشور گام برداشت.

یادداشت ها

1. Panel Data
2. Auto Regression Model Distributed Lag (ARDL)
3. Impulse Response Functions
4. Vector Autoregressive
5. Ergeç & Kaytancı
6. Mushtaq Ahmed & Bukhari
7. Boukhatem & Ben Moussa
8. Baaeth Atallah
9. ARDL

کتابنامه

قرآن کریم.

ابونوری، عباسعلی؛ مفتاح، سمیه؛ و پرهیزی گشتی، هادی (زمستان ۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل اثر تورم بر توزیع درآمد در ایران (تحلیل مقایسه ای مناطق شهری و روستایی ایران). فصلنامه علوم/اقتصادی، سال ۴، شماره ۱۳، ۷۸-۹۶.

انتشارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی (۱۳۶۲). قانون عملیات بانکی بدون ربا. ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۷). تأثیر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران. دوفصلنامه جستارهای/اقتصادی، (۱۵) ۳۰، ۵۰-۲۹.

پایتختی اسکویی، سیدعلی؛ و عرب مازار، عباس (بهار ۱۳۹۴). بررسی اثر عقده های بانکداری اسلامی بر نرخ بیکاری در ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی/اقتصاد/اسلامی، سال ۱۶، شماره ۶۱، ۷۷-۶۶.

تابلی، حمید؛ و کوچک زاده، اسماء (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در کشورهای اسلامی منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی. دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات/اقتصاد/اسلامی، سال ۶، شماره ۱۱، ۹۱-۱۰۶.

جعفری، مهدی؛ عمادی، سیدجواد؛ و رمضانپور، اسماعیل (بهار ۱۴۰۰). بررسی تأثیر هم‌زمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران. *اقتصاد کاربردی دانشگاه آزاد*، دوره ۱۱، شماره ۶۳، ۱۴۰۰، ص ۵۱-۳۹.

حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۸۱). قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی. *فصلنامه مفید*، (۸) ۳۱، ۱۵۰-۱۲۳.

حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۸۴). قرض‌الحسنه و راهبرد تأمین نیازهای اساسی. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۳۵، ۵-۳۶.

سعیدی، پرویز (۱۳۸۸). ارزیابی نقش تسهیلات شبکه بانکی در رشد اقتصادی. *پژوهش‌نامه اقتصادی*، شماره ۶ (ویژه‌نامه بانک)، ۱۶۷-۱۹۳.

صدر، سیدمحمدباقر (بی‌تا). *نقش دین در اقتصاد اسلامی* (محمد محمدی، مترجم). قم: انتشارات هادی.

صمصامی، حسین (۱۳۸۹). ربا و مشکلات اقتصاد ایران. *معرفت اقتصادی*، سال اول، شماره اول، ۱۴۰-۱۱۳.

عبادی، روح‌الله؛ و جعفری، مهدی (۱۳۹۹). قرض‌الحسنه راهبردی برای اقتصاد سالم. *فصلنامه اقتصاد بانکداری اسلامی*، (۹) ۳۲، ۹۱-۱۲۲.

غفاری، حسن محمد (۱۳۸۵). بررسی تأثیر قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد. *دانش‌پژوهان*، شماره ۹. لشکری، محمد (۱۳۹۰). تأمین عدالت و امکان استفاده برابر افراد جامعه از فرصت‌ها براساس بهبود توزیع درآمد. *مجله راهبرد توسعه*، شماره ۲۵.

ماجدی، علی؛ و حسن گلریز (۱۳۷۷). *پول و بانکداری از نظریه تا سیاست‌گذاری*. تهران: مؤسسه بانکداری ایران.

مطیعی، رضا (۱۳۹۳). قرض‌الحسنه و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری). *سومین همایش ملی پولی و بانکی صندوق‌های قرض‌الحسنه*.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۱). آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، (۲) ۵، ۵۹-۸۶.

موسویان، سیدعباس؛ و ورمزیاری، بهروز (۱۳۹۱). بررسی بانکداری بدون ربا بر رشد اقتصادی در ایران. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، (۱۲) ۴۸، ۲۹-۵۲.

مهرگان، نادر؛ و خوش اخلاق، مهدی (۱۳۹۵). اثر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها). *فصلنامه اقتصاد بانکداری اسلامی*، (۵) ۱۶، ۹۳-۱۱۹.

میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۷). ترسیم نظام اقتصادی اسلام بر اساس مکتب اقتصادی آن از دیدگاه امام خمینی. *نامه مفید*، شماره ۱۴، ۲۱۸-۱۸۵.

نظرپور، محمدنقی؛ اشراقی، فرشته؛ و خواجه سعید، زهره (۱۳۹۲). اثر بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی. *مطالعات کمی در مدیریت*، (۴) ۲، ۵۸-۴۳.

نورمحمدی، علی (۱۳۷۸). *قرض الحسنه*. تهران: انتشارات فروزان.

نوری احمدآبادی، حبیب (۱۳۹۰). بررسی مزیت‌های بانکداری اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران.

هادوی‌نیا، علی اصغر؛ و عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۵). بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض الحسنه. *نشریه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، (۵) ۱۶، ۳۶-۷.

هادوی‌نیا، علی اصغر و عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۶). قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی. *نشریه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۱۹، ۲۴۷-۲۲۹.

یزدانی، مریم (۱۳۹۰). قرض الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی. *ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره‌های ۶ و ۵.

Aldalaien, B. A. (2021). The Impact of Islamic Banks on the Gross Domestic Product (GDP): An Empirical Study in Dubai. *International Journal of Business and Management*, 14(4), 135-135.

Ahmed, M. M., & Bukhari, S. N. B. (2019). The Concept of Qarz-ul-Hasan and its Practices in Islamic Banking Industry of Pakistan. *Al Basirah*, 8 (2).

Abduh, M. and Azmi Omar, M. (2012). "Islamic banking and economic growth: the Indonesian experience"; *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 5(1), 35-47.

Boukhatem, J. and Ben Moussa, F. (2018). The effect of Islamic banks on GDP growth: Some evidence from selected MENA countries. *Borsa Istanbul Revue*, 18(3). 231-247.

Banerjee, A., J.J. Dolado, and R. Master (1992). On Some Simple Tests for Cointegration: The Cost of Simplicity, Bank of Spain, Working Paper, No. 9302. (46,53).

Ergeç, E. H., & Kaytancı, B. G. (2017). Effects of Islamic Banking on employment: Turkish experience. In *Handbook of Research on Unemployment and Labor Market Sustainability in the Era of Globalization* (pp. 235-254). IGI Global.

Miguel Mello, Jorge Ponce. (2020). "Fiscal policy and inflation expectations" Banco Central del Uruguay Working Papers, 7-2020.

- Alqoraan karim, In Persian Aboonoori, Abasali: Mofateh, Somayeh: Parhizigashti Hadi(1389).Tajziye va Tahlil Asar tavarom bar tozie daramad dar iran (tahlil moghayese manateghe shahri va roostae) faslname oloome eghtesadi, saal 4, shomare 13, zemestan 1389, p 78-96. In Persian
- eslami va roshde eghtesadi bar faghr va nabarabari eghtesadi dar keshvarhaye montakhabe eslami, motaleat kami dar modiriat, (4)2. P43-58. In Persian
- Ebadi, roohallah va jafari, Mahdi(1399). gharzolhasane rahbordi baraye eghtesad salem, faslname eghtesad bankdari eslami, (9) 32. P91-122. In Persian.
- Ghafari, hasan mohammad (1385). Barresi tasir gharzolhasane bar toziee daramad ,daneshpajooan, shomare 9. In Persian.
- Ghanoon amaliyat banki bedoone reba(1362). Entesharat bank markazi jomhoori eslami . In Persian
- Habibian , majid(1381). gharzolhasane va rahbordhaye tose eghtesadi, faslname mofid.31(8). P123-150. In Persian
- Habibian, Majid(1384). gharzolhasane va rahbord tamin niyazhaye asasi, pajooeshha va siyasathaye eghtesadi, shomare 35,p 5-36. In Persian
- Hadavi nia, Ali asghar va arab, b, behnam(1395). barresi mazaya va asar ejtemadi va eghtesadi oraghe gharzolhasane, nashriye elmi eghtesad va bankdari eslami,16(5) p7-36. In Persian
- Hadavi nia, Ali asghar va arab, b, behnam(1396). gharzolhasane dar eghtesad eslami, nashriye elmi eghtesad va bankdari eslami, shomare 19.p229-247. In Persian
- Izadkhasti, Hojat(1379). Tasir Tashilat gharzolhasane bar tozie daramad dar iran, faslname jostarha eghtesadi .30(15). P29-50. In Persian
- Jafari, Mahdi, seyyed javad Emadi, Ramzanpoor Esmaeel(1400) baresi tasir hamzaman siyasathaye pooli va mali bar nabarabari daramad dar iran, eghtesad karbordi, daneshgah azad, shomare 63. Bahar 1400.p39-51. In Persian
- Lashkari, Mohammad(1390). Tamin Edalat na emkan estefade barabar az forsatha barasas behbood toziee daramad, majale rahbord tosee, shomare 25. In Persian
- Mehrgan, seyyed hossein(1377). Tarsim nezame eghtedi islam barasas maktab eghtesadi an az didgah emam Khomeini, name mofid, shomare, 14, p185-218. In Persian
- Majedi, Ali, hasan golriz(1377). pool va bankdari az nazariye ta siyasat gozari, Tehran: moasse bankdari iran. In Persian
- Moosavian, seyyed Abas(1381). Asar eghtesadi nezame mosharekat bejaye nezame bahre, faslname eghtesad eslami(2)5.p59-68. In Persian
- Moosavian, seyyed Aba va ramzyari, behrooz(1391). Barresi bankdari bedoonr reba bar roshde eghtesad dar iran. Faslname eghtesad eslami.(12) 48.p 29-52. In Persian
- Moti, reza(1393). gharzolhasane va naghsh-e an dar tahaghogh eghtesad moghavemati, sevomin hamayesh meli pooli va banki sandogh gharzolhasane. In Persian
- Noori, Ahmad abadi, habib(1390) Barresi maziyaat haye bankdari eslami, payanname karshenasi Arshad, daneshgah Tehran. In Persian
- Noor mohammadi, Ali(1378). Gharzolhasaneh , Tehran, entesharat foroozan. In Persian
- Nazarpoor, mohammad naghi, eshraghi, fereshte, khaje saeed, zohre(1392). Asar bankdari. In Persian

- Paytajkti oskooyi, seyed ali: arab mazar, abas(1394).barresi asar aghdhave bankdari eslami bar nerkhe bikari dar iran, faslname eghtesad eslami. Sal 16. Shomare 61. Bahar 1394, p66-77. In Persian
- Saeedi ,parviz(1388). arzyabi naghshhe tashilate banki dar roshe eghtead, pajoooheshname eghtesadi, shomare 6. P167-193. In Persian
- Sadr, seyed mohammad bagher , naghshhe din dar eghtesad eslami, tarjome mohammad mohammadi, ghom, entesharat hadi. In Persian
- Samsami, Hossein.(1389). reba va moshkelate eghtesad iran, marefat eghtesadi, saal aval, shomare aval, p113-140. In Persian
- Tabli, Hamid, koochak zade , asma(1392). Barresi avamel moaser bar tozie daramad dar keshvarhaye eslami montakhabe ozve konference eslami, motaleat eghtesad eslami, sal 6. Shomare 11.p91-106. In Persian
- Yazdani , Maryam(1390). gharzolhasane va naghshhe an dar raf niazhave ejtemadi va eghtesadi, mahname Barresi masael va siasathaye eghtesadi, shomare 5,6. In Persian
- Aldalaen, B. A. (2021). The Impact of Islamic Banks on the Gross Domestic Product (GDP): An Empirical Study in Dubai. International Journal of Business and Management, 14(4), 135-135. In english
- Ahmed, M. M., & Bukhari, S. N. B. (2019). The Concept of Qarz-ul-Hasan and its Practices in Islamic Banking Industry of Pakistan. Al Basirah, 8 (2). In english
- Abduh, M. and Azmi Omar, M. (2012).“Islamic banking and economic growth: the Indonesian experience”; International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, 5(1), 35-47. In english
- Boukhatem, J. and Ben Moussa, F. . (2018). The effect of Islamic banks on GDP growth: Some evidence from selected MENA countries. Borsa Istanbul Revie, 18(3). 231-247. In english
- Banerjee, A., J.J. Dolado, and R. Master (1992). On Some Simple Tests for Cointegration:The Cost of Simplicity, Bank of Spain, Working Paper, No. 9302. (46,53). In english
- Ergeç, E. H., & Kaytancı, B. G. (2017). Effects of Islamic Banking on employment: Turkish experience. In Handbook of Research on Unemployment and Labor Market Sustainability in the Era of Globalization (pp. 235-254). IGI Global. In english
- Miguel Mello, Jorge Ponce.(2020). “Fiscal policy and inflation expectations” Banco Central del Uruguay Working Papers, 7-2020. In english

The Concept and Application of Induction Method in Formulating Theories of Islamic Economics

Saeid Mohammadbeigi*

Abstract

As a prominent general theory method in humanities, the induction method is one of the most practical strategic methods of information sources for theorizing in this field. Numerous frameworks have been mentioned in various research studies to identify and categorize the concept and application of the induction method. Still, no research has systematically and systematically examined the position and method of induction in Islamic economics, and in some cases, it has led to several structural, form, and content problems. In this regard, this study aims to investigate the concept and application of the induction method in the development of economic theories. The article has been done with the help of text analysis, rational, and library research techniques. According to the hypothesis of the article, if it has a correct understanding of its practical principles, the method of induction can be considered as one of the sources in the field of theorizing in Islamic economics. The results of the present study show that the inductive approach, as a general method of theorizing, provides a set of systematic methods for analyzing qualitative and quantitative data. Moreover, it can produce reliable and valid findings in economics and other general methods, which is less common in theorizing in humanities.

Keywords: Induction Method; Islamic Economics; Mathematical Induction; Methodology.

* Ph.D Student of Philosophy of Islamic Economics, Imam Khomeini Institute for Education and Research, Qom, Iran.

beigi@iki.ac.ir

 0000-0001-8594-1472

Received: 2022/06/28

Accepted: 2023/07/22

مفهوم و کاربرد روش استقراء در تدوین نظریه‌های اقتصاد اسلامی

سعید محمدیگی*

چکیده

روش استقراء به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های عام نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی ازجمله روش‌های راهبردی منابع اطلاعاتی نظریه‌پردازی در این حوزه شمرده می‌شود. در تحقیقات مختلف به چهارچوب‌های متعددی برای شناسایی و دسته‌بندی مفهوم و کاربرد روش استقراء اشاره شده است، اما پژوهشی که به‌طور منظم و نظام‌مند به بررسی جایگاه و روش استقراء در اقتصاد اسلامی پرداخته باشد، وجود ندارد و در مواردی دارای نقص‌های متعدد ساختاری، شکلی و محتوایی هستند. هدف پژوهش حاضر بررسی مفهوم و کاربرد روش استقراء در تدوین نظریه‌های اقتصادی است. مقاله با کمک گرفتن از روش تحلیل متون و روش عقلی و با استفاده از تکنیک پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است. بنا بر فرضیه مقاله، روش استقراء در صورت برخورداری از فهم درست مبانی کاربردی آن، به‌عنوان یکی از منابع در زمینه نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی شمرده می‌شود. نتایج مطالعه نشان می‌دهد رویکرد استقرایی به‌عنوان یکی از روش‌های عمومی نظریه‌پردازی، مجموعه‌ای از روش‌های نظام‌مند را برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و کمی فراهم کرده است و می‌تواند یافته‌های قابل اعتماد و معتبری را در حوزه علم اقتصاد تولید کند؛ موضوعی که در دیگر روش‌های عام نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی کمتر دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: روش استقراء؛ اقتصاد اسلامی؛ استقرای ریاضی؛ روش‌شناسی.

* دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمينی (ره)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

beigi@iki.ac.ir

0000-0001-8594-1472

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

مطالعه روش‌های پژوهش در علم اقتصاد نشان می‌دهد که طیف گسترده‌ای از پژوهش‌ها وجود دارند که مفروضات و رویکردهای اساسی مرتبط با تحلیل روش‌های پژوهش در اقتصاد را مستند و آن‌ها را تحلیل و بررسی می‌کنند. بسیاری از این مطالعات با رویکردها یا سنت‌های خاصی مانند نظریه داده‌بنیاد^۱ (Strauss & Corbin, 1990)، پدیدارشناسی^۲ (Van Manen, 1990)، تحلیل گفتمان^۳ (Potter & Wetherall, 1994) و تحلیل روایی^۴ (Leiblich, 1998) مرتبط هستند. با این حال، برخی از رویکردهای تحلیلی مرتبط با روش‌های نظریه‌پردازی در علم اقتصاد عام هستند و در یکی از رویکردهای خاص مربوط به رشته علمی خاص طبقه‌بندی نمی‌شوند (Ezzy, 2002; Pope, Ziebland, & Mays, 2000; Silverman, 2000). روش استقرا به عنوان یکی از روش‌های تدوین نظریات در حوزه علوم انسانی در این دسته طبقه‌بندی می‌شود.

روش‌های مورد استفاده در نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی اسلامی^۵ را می‌توان در دو نوع تقسیم‌بندی عنوان کرد. در تقسیم‌بندی نخست، علوم بر اساس روش بحث و شیوه بررسی و اثبات مسائل آن‌ها به پنج رویکرد عمده دسته‌بندی می‌شوند. این رویکردها شامل استقرا^۶، قیاس^۷، تمثیل^۸، پس‌کاوی^۹ و فرضیه‌ای-قیاسی^{۱۰} می‌شود (توکلی، ۱۳۹۸). در تقسیم‌بندی دوم که بر اساس شیوه آزمون نظریات انجام می‌گیرد، روش‌های مورد بحث در علوم انسانی شامل روش‌های استقرایی، عقلی-قیاسی، وجدانی و مختلط که بیش از یکی از روش‌های یادشده در آن به کار گرفته شده است، می‌شود (Guala, 2005). در این میان، روش استقرا به دلیل پیچیدگی‌ها و در برخی موارد اشکالاتی که به آن وارد شده، کمتر در نظریه‌پردازی علم اقتصاد مورد استفاده قرار گرفته است.

پژوهش حاضر در بررسی مطالعات روش‌شناسی که به عنوان واقع‌گرایی انتقادی^{۱۱} توصیف می‌شوند (Miles & Huberman, 1994)، دریافته است که عمده محققان حوزه روش‌شناسی اقتصاد که با رویکردهای عام روش‌شناسی نظریه‌پردازی در اقتصاد آشنا نیستند، معمولاً مجموعه‌ای از رویکردهای نظریه‌پردازی را بدون تفکیک درست مبانی در نظریه‌پردازی اقتصاد مورد استفاده قرار داده‌اند؛ البته تعدد روشی در نظریه‌پردازی مرسوم و گریزناپذیر است، اما در اغلب موارد منجر به نظریات ناصواب مرتبط با رشته اقتصاد شده است. پژوهش حاضر با درک این حقیقت و با کمک گرفتن از روش تحلیل متون و روش

عقلی و با استفاده از تکنیک پژوهش کتابخانه‌ای در پی تبیین و کاربرد روش استقرا به عنوان روشی عام در نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی به خصوص تدوین و تولید نظریه‌های اقتصاد اسلامی و بررسی محدودیت‌های کاربرد روش استقرا در چهارچوب تدوین نظریات اقتصادی است؛ البته اختلاف نظر نسبتاً گسترده‌ای در زمینه تعریف مناسب از موضوع و روش اقتصاد در میان کتاب‌ها و مقالات اقتصادی وجود دارد و میان بیشتر پژوهشگران حوزه روش‌شناسی اقتصاد اتفاق نظری در این زمینه وجود ندارد (محمدیگی، ۱۴۰۰، ص. ۳۹). در واقع، به تعبیر افرادی مانند مکلاپ (1987, p. 5) این گونه بیان شده است که روش مقدم بر معرفت‌شناسی و متافیزیک و همراه با هستی‌شناسی و کیهان‌شناسی است. به طور کلی، منظور از روش در این پژوهش، معنایی است که افرادی مانند Backhouse, 1994, p.3; Pheby, 1998, p. 4; Blaug, 1992, p. 25 به طور ضمنی مطرح کرده‌اند؛ یعنی «فراهم کردن معیارهایی برای قبول و رد برنامه‌های تحقیقاتی و نظریات علمی و به کارگیری شاخص‌هایی برای کمک به تشخیص سره از ناسره». درحقیقت، روش عقلی^{۱۲} اصلی‌ترین منبع معرفت بشری و مهم‌ترین روش پژوهش برای دستیابی به معرفت است. عقل کارایی بسیاری در دستیابی انسان به معرفت دارد. روش عقلی در پژوهش‌ها قلمرو گسترده و کارایی بسیاری دارد. روش عقلی از جمله روش‌هایی است که بخش گسترده‌ای از معرفت‌های بشری بدان مستند می‌شود و در کنار دیگر روش‌ها در دانش روش‌شناسی همواره مدنظر و کانون توجه بوده است. بنا به فرضیه مقاله، به رغم برخی انتقادات وارد شده بر روش استقرا در چهارچوب شکل‌گیری نظریات اقتصادی، این رویکرد در صورت استفاده درست از مبانی روشی خود می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای اصلی در تدوین نظریات اقتصادی به کمک اقتصاددانان بیاید.

۱. پیشینه موضوع

مرور پژوهش‌های انجام شده در زمینه ابزارهای مورد استفاده در روش‌شناسی اقتصاد حاکی از این حقیقت است که مفهوم و کاربرد روش استقرا در تدوین نظریه‌های اقتصادی به صورت موضوعی مستقل در پژوهش‌ها بررسی نشده است. عمده مطالعات صورت گرفته در زمینه روش‌شناسی اقتصاد، این موضوع را به صورت حاشیه‌ای و در لابه‌لای کتاب‌ها و مقالات به صورت پراکنده و در حدود تعریف مفهومی آن مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. مرور

این مطالعات در رویکرد اقتصاد متعارف به وضوح گویای این حقیقت است که روش استقرا تنها در شکل ریاضی و بدون توجه به کارکردهای دیگر این روش مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، به برخی از این پژوهش‌ها اشاره شده است.

توکلی (۱۳۹۸) در کتاب خود با عنوان *مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد* در فصل روش‌شناسی اقتصاد اسلامی به موضوع روش استقرا اشاره می‌کند. ایشان روش استقرا را مشتمل بر مشاهده جزئیات و تعمیم دانسته است که پژوهشگر اقتصاد اسلامی می‌تواند با بررسی وقایع اقتصادی در جامعه نظریه‌پردازی کند. همچنین، نویسنده استفاده از روش استقرا را دارای اشکالاتی می‌داند از جمله اینکه از طریق روش استقرا نمی‌توان با مشاهده و تجمیع جزئیات به حکم کلی دست یافت. در بررسی پاسخ‌هایی که به این اشکال داده‌اند، از بیانات شهید صدر استفاده کرده و معتقد است که از نظر شهید صدر افزایش تعداد مشاهدات با افزایش درجه احتمال، میزان اطمینان به صدق گزاره‌ها را تقویت می‌کند و باعث می‌شود که اعتماد به استنتاج استقرایی تقویت شود.

جابری و قاسمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جایگاه استقرا در روش شهید صدر در کشف مکتب اقتصادی اسلام» به طور خاص به بررسی رابطه میان دیدگاه شهید صدر در باب استقرا و روش کشفی پرداخته‌اند. نویسندگان با تقسیم ارکان روش کشفی به مکشوف، کاشف، منبع کشف، مراحل کشف و مبانی کشف، عمده مشکل در این روش را مرتبط با مبانی روش‌شناختی این رویکرد می‌دانند. ایشان در حل این مسئله، دیدگاه‌های منطقی و اصولی شهید صدر در زمینه استقرا را به عنوان راه‌حل مشروعیت این روش ارائه می‌کنند. همچنین، ایشان معتقدند پذیرش دیدگاه شهید صدر درباره استقرا مبتنی بر حساب احتمالات می‌تواند در راستای اعتبار دلیل استقرایی باشد.

شهید صدر (۱۳۸۷) در کتاب *الاسس المنطقیه للاستقرا* به صورت تفصیلی به بررسی مبانی و برخی اشکالات وارد شده به این روش اشاره کرده است. کتاب در چهار فصل روش استقرا را مورد بحث و بررسی قرار داده است. در فصل نخست، به بیان اشکالات رویکرد منطق ارسطویی در باب روش استقرا پرداخته شده است. در این فصل ناتوانی منطق ارسطویی در حل اشکالات وارد شده بر روش استقرا به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم به بررسی مکتب تجربی و اشکالات این مکتب از تفسیر استقرا پرداخته است. فصل سوم که گسترده‌ترین و درعین حال اساسی‌ترین قسمت کتاب را شامل می‌شود، به بررسی

نظریه احتمالات و مبانی روش استقرا می‌پردازد. فصل چهارم نیز به مبانی اساسی نظریه معرفت و ارتباط آن با روش استقرا پرداخته است. این کتاب به صورت تفصیلی به بررسی روش استقرا اشاره می‌کند، اما در باب کاربرد این روش در نظریه‌پردازی علم اقتصاد، بحث و بررسی تفصیلی صورت نگرفته است. افزون‌براین، کتاب بر اساس نقد رویکرد منطق ارسطویی و تجربی به روش استقرا بنا شده و عمده مطالب کتاب نیز در باب مبانی مکتبی این دو رویکرد در زمینه استقرا و بررسی و نقد این دو دیدگاه شکل گرفته است.

ارسطو و پیروان او در کتاب‌های مشایی برای روش قیاسی و استدلال استنباطی، شأن و منزلت فراوان قائل هستند و تنها روش رسیدن به حقیقت و یقین را روش قیاسی می‌دانند و در مقابل، حجتی برای روش تمثیل و استقرای ناقص قائل نیستند (ارسطو، ۱۳۵۷، ج ۱). درحقیقت، پیروان مکتب مشا میان استقرای ناقص و تجربه فرق گذاشته و تجربیات را از بدیهیات ثانویه و قضایای یقینی معرفی کرده و برای اعتبار بخشیدن به تجربه به همین روش متوسل شده‌اند. برای مثال، فارابی (۱۴۰۹) در *منطقیات* تفاوت میان تجربه و استقرا را در این نکته می‌داند که استقرا با یقین به حکم کلی حاصل نمی‌شود و در مقابل، تجربه با یقین به حکم کلی حاصل می‌شود. فارابی استقرا را به تام و ناقص تقسیم می‌کند. استقرای تام عبارت است از مرور جمیع مقولات موجود در موضوع مقدمه که بیان آن‌ها مقصود استقراست و استقرای ناقص عبارت است از مرور بیشتر مقولات موجود (فارابی، ۱۴۰۹، ص. ۱۷۴).

ابن‌سینا نیز ضمن تعریف استقرا، به احکام و انواع آن پرداخته و در باب چیستی استقرا معتقد است که استقرا قضاوت در مورد یک کل است که در مصادیق متعددی یافت می‌شود مانند حکم ما که هر حیوانی فک پایین خود را هنگام جویدن حرکت می‌دهد. ابن‌سینا معتقد است که استقرا در افراد، حیوانات و پرندگان موجبات علم را فراهم نمی‌کند؛ زیرا چه‌بسا موارد استقرانشده برخلاف موارد استقراشده باشند که غیر از آنچه را استنباط شده است، نتیجه داده‌اند (ابوعلی‌سینا، ۱۴۰۰، ص ۲۳۳)؛ البته ابن‌سینا استقرا را به کامل و ناقص تقسیم می‌کند و برخلاف فارابی، استقرای کامل را یقینی می‌داند و آن را به قیاس مقسم حمل می‌کند.

غزالی نیز به همان طریقت مشاییان اعتقاد دارد. ایشان در باب روش استقرا در کتاب *محک‌النظر* معتقد است که استقرا مشتمل بر بررسی امور جزئی است و با این جزئیات و حکم آن‌ها بر اموری که خصوصیات این جزئیات را دارند، حکمی بار می‌شود (غزالی،

۱۳۷۳، ص ۱۱۲). غزالی در کتابی دیگر با عنوان *معیار العلم فی فن المنطق*، استقرا را شامل بررسی امور جزئی که تحت معنای کلی قرار دارند، می‌داند و معتقد است زمانی که بتوان حکمی از این جزئیات استخراج کرد، این حکم را به کلی نیز می‌توان حمل کرد (غزالی، ۱۳۷۲، ص. ۱۳۳)؛ البته غزالی در مواردی میان استقرا و تمثیل خلط کرده و سریان حکم از جزئی به جزئی دیگر را نیز استقرا دانسته است (ص. ۱۳۳).

قطب‌الدین شیرازی مفسر فلسفه اشراق نیز در این مسئله از رویکرد مشایبان بهره جسته و استقرای ناقص را به انضمام قیاس خفی در مرتبه یقین می‌داند و تجربه را به قیاس تحویل برده است و در تبیین این چنین ادعایی معتقد است: «تجربه مشاهدات پرتکرار مفید یقین هستند که به واسطه آن تجربیات، برای فرد اطمینان قلبی حاصل می‌شود؛ چراکه قیاس مخفی در آن‌ها وجود دارد» (قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۹).

شارح *مطالع* در تفسیر استقرا و تجربه می‌نویسد: «استقرا عبارت از ثبوت حکمی کلی است که به واسطه جزئیات حاصل شده است. استقرا به تام و غیر تام تقسیم می‌شود. استقرای تام باید دربردارنده تمام جزئیات باشد که در این صورت همان قیاس مقسم و مفید یقین است، اما استقرای غیر تام دربردارنده تمام مصادیق حکم نیست مانند اینکه افراد انسان، اسب و پرند مورد استقرا قرار گیرند و ویژگی مشترک حرکت فک پایین در آن‌ها شناسایی شود و در نتیجه، حکم کلی بر این استقرا بنا شود در حالی که این استقرا مفید یقین نیست؛ چراکه در بعضی حیوانات ما شاهد حرکت فک بالا هستیم؛ همچون آنچه در مورد تمساح صدق می‌کند» (قطب‌الدین رازی، ۱۳۵۴).

خلاصه سخن اینکه، همه طرف‌داران مکتب عقل‌گرایی اعم از مشایی و اشراقی و حتی متکلمانی که با مشرب ارسطویی همخوانی نداشته‌اند، به این رویکرد گرایش داشته و نظریه تحویل‌گرایی را در باب استقرا پیاده کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر از دیدگاه قدما می‌توان به نظریه ابن‌سینا در کتاب *النجاه* (۱۳۵۰، ج ۱، ص. ۳۷۷)، عمرین سهلان ساوی در کتاب *تبصره والبصائر النصیریة فی علم المنطق* (۱۳۳۷، ج ۱، ص. ۲۰۹)، قطب‌الدین شیرازی در کتاب *دره‌التاج* (۱۳۴۳، ج ۲، ص. ۴۴۶)، علامه حلی در *القواعد الجلیه* (۱۴۱۴ق، ص. ۴۲)، شهرزوری در کتاب *شرح حکمه الاشراق* (۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۱۲۸) و صدر المتألهین شیرازی در کتاب *منطق نوین* (۱۳۶۲، ص. ۳) مراجعه کرد.

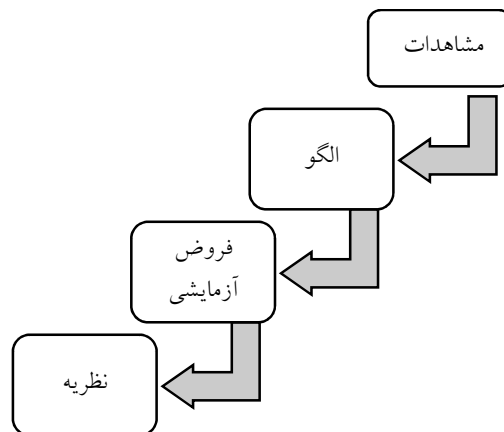
۲. مفهوم‌شناسی روش استقرا

رویکرد استقرایی که به استدلال استقرایی نیز شناخته می‌شود، با مشاهده پدیده‌هایی در جهان خارج شروع می‌شود و نظریه‌هایی در انتهای فرایند تحقیق و با توجه به نتیجه مشاهدات ارائه می‌شود (Goddard & Melville, 2004). تحقیقات استقرایی شامل جست‌وجوی الگوی مشاهده و توسعه نظریات مرتبط با آن‌ها از طریق مجموعه‌ای از فرضیه‌هاست (Bernard, 2011). در آغاز پژوهش و استفاده از روش استقرا در زمینه تدوین نظریات اقتصادی، هیچ نظریه یا فرضیه‌ای در مطالعات اقتصادی مبتنی بر روش‌شناسی استقرا کاربرد ندارد و محقق از نظر تغییر جهت مطالعه پس از شروع روند تحقیق به سمت دیگر روش‌ها آزاد است. این رویکرد در روش استقرا به معنای نادیده گرفتن نظریه‌ها هنگام تدوین پرسش‌ها و اهداف تحقیق نیست، بلکه هدف این رویکرد ایجاد چهارچوبی هدفمند از مجموعه داده‌های جمع‌آوری شده برای شناسایی الگوها و روابط برای ساختن یک نظریه اقتصادی است. رویکرد استفاده از استقرا مانع از استفاده محقق از دیگر نظریات موجود برای تدوین پرسش یا پرسش‌های پژوهش نمی‌شود (Saunders, Lewis, & Thornhill, 2012). درحقیقت، کاربرد روش استقرایی در روش‌شناسی اقتصاد مبتنی بر یادگیری از تجربه است. در این روش، الگوها، شباهت‌ها و نظم در تجربه به‌عنوان مقدمات در راستای دستیابی به نتیجه یا ایجاد نظریه از اهمیت بسزایی برخوردار هستند.

مبنای اصلی روش استقرا، استقرای منطقی^{۱۳} است. استقرای منطقی دلیلی است که در آن ذهن از قضایای جزئی نتیجه‌ای کلی را استخراج می‌کند و از محسوس به معقول یا از پدیده به قانون می‌رسد. در این استدلال، بخشی از قضایای جزئی دیده می‌شود و سپس حکم آن به همه موارد تعمیم داده و قانون کلی استخراج می‌شود.

درحقیقت، روش استقرایی با استفاده از بررسی و تحلیل جزئیات و داده‌های آماری و عینی، هدف دستیابی به نتایج، قواعد و احکام عام و کلی را دنبال می‌کند. این احکام عام پیش از شکل‌گیری روش استقرا وجود دارند، اما کشف آن‌ها منوط به استفاده از روش‌هایی مانند روش استقراست. این کلیات برای تمام نظریه‌پردازان حوزه اقتصاد تنها در صورت کاربست درست روش استقرا دست‌یافتنی هستند. به عبارت دیگر، حرکت از جزئی به کلی برای تدوین نظریه، روش استقرایی نام دارد. در این روش، ابتدا با تحقیقات تجربی پدیده‌های اقتصادی مورد مشاهده قرار می‌گیرند و سپس با تعمیم نتایج و روابط خاص مشاهده‌شده در

پدیده‌ها، قواعد و قضایای کلی و عام به صورت یک نظریه یا قانون اقتصادی ارائه می‌شوند.^{۱۴} در اینجا این نظریه یا قانون از این توانایی برخوردار است تا به عنوان فرض یک نظریه دیگر اقتصادی به صورت قواعد کلی در دیگر روش‌ها مورد استفاده قرار گیرد (هاشمی، داوودی، مصباحی، نظری، و محمدنقی، ۱۳۹۷، ص. ۴۸).



شکل ۱: روند تشکیل نظریه در روش استقرا

منبع: یافته‌های پژوهش.

بیشتر اندیشمندان متأخر اسلامی نیز بر روش عدم نقد کلیت روش استقرا پیش رفته و تنها به ذکر برخی از مبانی آن بسنده کرده‌اند. مرحوم مظفر (۱۳۷۹) در کتاب *المنطق می‌نویسد* اگر استقرا تنها مبتنی بر مشاهده باشد بدین معنا که با مشاهده بعضی از جزئیات یا اکثر آن‌ها حکم کلی بر جمیع جزئیات بار شود، در آن صورت حکم کلی، ظنی و غیرقطعی است و اگر با مشاهده در جست‌وجوی علت باشیم و با تفحص چند جزئی، وصف جزئیات روشن شود، عقل حکم می‌کند «العله لا یتخلف عن معلولها ابداً». در این حالت، تمام جزئیات مشاهده نشده‌اند، اما جزم می‌یابیم که این وصف برای تمام جزئیات این نوع ثابت است. بنابراین، استقرای ناقص مفید یقین نیست؛ زیرا تنها مبتنی بر مشاهده است، ولی استقرای معلل مفید یقین است؛ البته گاه استقرا بر مماثلت کامل بین جزئیات مبتنی است و از این طریق حکم کلی استنباط می‌شود (مظفر، ۱۳۷۹). علامه طباطبایی نیز در برابر این اشکال که چگونه از طریق حس و با جهل به علت، به تحقیق امور حسی خارجی پی می‌بریم، معتقد

است با استناد به عقل و سلوک علمی از احد المتلازمین به متلازم آخر می‌توان به علیت پدیده‌های محسوس پی برد (طباطبایی، ۱۳۸۸).

شهید مطهری نیز در شرح مبسوط منظومه به بسط و تبیین رویکرد عقل‌گرایان در باب حجیت استقرا پرداخته و مراحل چهارگانه تحصیل معرفت علمی را بیان کرده و از مدل فرانسویس بیکن و استوارت میل نیز بهره جسته است. وی در این باره می‌فرماید: معرفت علمی عبارت است از بررسی جزئیات و بعد ارائه تئوری (یعنی حدس و فرضیه‌ای که برای تفسیر و توجیه جزئیات به ذهن انسان منطقی می‌آید) و سپس آزمون و عمل و آزمایش و بالاخره در مرحله چهارم ارائه قانون کلی (مطهری، ۱۳۹۸، صص. ۳۶۷-۳۶۱).

سبحانی (۱۳۸۷) در نظریه/معرفه پس از تعریف استقرا به تصفح الجزئیات لاثبات حکم کلی و استدلال از خاص به عام، ارکان چهارگانه استقرا را به این شرح بیان می‌کند. ۱. اصل: جزئیاتی که وضعیت آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. ۲. فرع: جزئی که به دنبال شناخت وضعیت آن هستیم. ۳. جامع: جهت مشابهت بین اصل و فرع و ۴. حکم: آنکه به ثبوتش برای اصل علم داشته و غرض اثباتش برای فرع مطرح است.

سبحانی پس از تقسیم استقرا به تام و ناقص می‌فرماید در واقع استقرای تام از مقوله استدلال و استنباط نیست؛ زیرا در آن حال، مجهول از معلوم کشف نمی‌شود، بلکه جمع مشاهدات در قالب واحدی صورت می‌پذیرد، اما استقرای ناقص از اقسام استدلال شمرده می‌شود؛ زیرا اگر استقراکننده تنها به جست‌وجوی کم اکتفا کند شاید تحصیل گمان نیز نکند، اما اگر فحص بیشتری بکند، برای او علم عرفی حاصل می‌شود؛ برای اینکه فرض احتمال مخالف کالعدم است، اما از استقرای ناقص، اعتقاد جازم و غیراحتمال خلاف تحقق نمی‌یابد، اما عقلاً به چنین یقین غیرمنطقی اکتفا می‌کنند؛ البته هر اندازه استقرا قوی‌تر باشد، احتمال مخالف نیز ضعیف‌تر است و استقرای ناقص که استدلال از خاص به عام است، در تفحص پاره‌ای از جزئیات از حس مدد می‌جوید و برای انتقال از جزئیات به حکم عام، از عقل استفاده می‌کند.

نکته شایان توجه اینکه، تجربه برخلاف استقرای ناقص، مفید یقین است و نتیجه کلی را به ارمغان می‌آورد. وی پس از مرزبندی میان تمثیل، استقرا و تجربه و شرط وحدت نوعی و حقیقی میان افراد و مصادیق در تجربه و اختلاف نوعی در تمثیل و استقرا و همچنین، تفاوت میان استقرای معلل با تجربه، معتقد است در کنار تجربه یک حکم عقلی وجود دارد که موجب بسط حکم می‌شود که به تمام افراد در تمام ازمه تحقق می‌یابد؛ زیرا اولاً، تمام

جزئیات در حقیقت متحدند. پس فرض وجود خصوصیتی در بعض افراد دون بعض، مستلزم وجود این خصوصیت بدون علت است که محال است. ثانیاً، این فرض مستلزم ترجیح بلامرجح است و هو فی حکم فرض المعلول بلا عله. ثالثاً، این فرض مناقض حکم عقلی است که حکم الامثال فیما یجوز و فیما لایجوز واحد. در واقع، تجربه منوط به دو موضوع است. ۱. مشاهده و ۲. قیاس خفی و آن این است که لو کان اتفاقاً لما کان دائماً و لا اکثریاً ثم یستثنی نقیض التالی لنقیض المقدم (سبحانی، ۱۳۸۷، صص. ۱۷۱-۱۶۱). بنابراین، در استقرا فقط مشاهده وجود دارد و علت حکم استنباط نمی‌شود، اما در تجربه علت حکم کشف می‌شود. در این ارتباط، سبحانی در کتاب *نظریه‌المعرفه* مباحث گسترده‌ای در این زمینه ارائه و به تفصیل این موضوع را بررسی کرده است. به طور خلاصه و در جمع‌بندی مطالب بالا باید گفت که استفاده از روش استقرایی با روش‌های کیفی جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها همراه است درحالی‌که روش قیاسی مربوط به روش‌های کمی است. جدول زیر چنین سطح تحلیلی را به صورت تفصیلی نشان می‌دهد.

جدول ۱: مفاهیم مرتبط با نوع تحلیل روش‌های قیاس و استقرا

شرح	مفاهیم مرتبط با روش‌های کمی	مفاهیم مرتبط با روش‌های کیفی
نوع استدلال	قیاس عینی، علت و معلول	استقرای ذهنی
نوع پرسش	از پیش تعیین‌شده، نتیجه‌گرا	پایان‌باز، فرایندگرا
نوع تحلیل	برآورد عددی، استنباط آماری	شرح روایی، مقایسه

منبع: یافته‌های پژوهش.

با این حال، نتایج تحلیل این جدول در قالب چنین گزاره‌هایی مطلق نیست و در برخی موارد می‌توان از روش استقرایی برای تحقیقات کمی نیز استفاده کرد. جدول زیر نیز الگوهای تجزیه و تحلیل داده‌ها را با توجه به نوع روش تحقیق و بررسی نشان می‌دهد.

جدول ۲: الگوهای تجزیه و تحلیل اطلاعات مرتبط با روش استقرا و قیاس

شرح	کیفی	کمی
استقرا	نظریه داده‌بنیاد	تجزیه و تحلیل داده‌های اکتشافی
قیاس	تجزیه و تحلیل کیفی مقایسه‌ای	مدل‌سازی معادلات ساختاری

منبع: یافته‌های پژوهش.

۳. اهداف استفاده از روش استقرا در علم اقتصاد

اقتصاددانان معمولاً با دو هدف از روش استقرا در تدوین نظریه‌های اقتصادی استفاده می‌کنند. این دو هدف شامل ارائه مدل مطلوب و شناخت پدیده‌های واقعی اقتصادی می‌شود.

۳-۱. ارائه مدل مطلوب

هدف نظریه‌پرداز اقتصادی در اینجا ارائه موقعیت یا جهت حرکت مطلوب در چهارچوب مجموعه فرض‌ها برای مقصد یا حرکت یک پدیده اقتصادی است. هدف استفاده از روش استقرا برای موقعیت اقتصادی مطلوب تنها شامل تبیین، توضیح و تفسیر پدیده خارجی اقتصادی نیست. در استفاده از روش استقرا، روش‌شناسان اقتصاد ناچار از داشتن مجموعه معیارهای ارزشی برای انتخاب فرضیه ایدئال یا تشخیص موقعیت مطلوب از موقعیت‌های دیگر هستند. روش استقرا برای موقعیت مطلوب اقتصادی در واقع فرضیه اقتصادی است نه نظریه اقتصادی. در چنین روشی، اقتصاددان نگرانی از لحاظ تأیید تجربی فرضیه ساخته‌شده ندارد، بلکه آنچه در اینجا اهمیت دارد، این حقیقت است که روش استقرای به‌کارگرفته‌شده بر مبنای معیارهای ارزشی مدل‌ساز، موقعیت مطلوب پدیده خارجی اقتصادی را ترسیم کند.

۳-۲. شناخت پدیده‌های واقعی

در این مرحله، هدف استفاده از روش استقرا در علم اقتصاد، شناخت مجموعه عواملی است که حرکت پدیده اقتصادی را موجب می‌شود. درحقیقت، هدف در این مرحله، ارائه یک ایدئال، ارزش یا موقعیت مطلوب نیست، بلکه شناخت پدیده واقعی اقتصادی دارای اهمیت است. بنابراین، صرف‌نظر از اینکه حرکت پدیده اقتصادی برای روش‌شناس اقتصادی ایدئال و مطلوب باشد یا نه، روش استقرا به دنبال داشتن شناختی بهتر از عوامل مؤثر بر حرکت پدیده اقتصادی است. روش‌شناسان اقتصاد در اینجا ابتدا به دنبال یافتن و شناختن فرض‌های حاکم بر پدیده هستند و پس از آن، فرضیه رفتار (عملکرد) و حرکت پدیده بیرونی را می‌سازند. سپس با آزمون تجربی صحت فرضیه خود را درباره حرکت پدیده بیرونی مورد سنجش قرار می‌دهند و بعد از تأیید نسبی یا عدم رد، نظریه چگونگی رفتار پدیده را ارائه می‌دهند (هاشمی، داوودی، مصباحی، و نظری، ۱۳۹۷).

۴. کاربردهای روش استقرا در شکل‌گیری نظریات اقتصادی

روش استقرا در فرایند تولید نظریات در حوزه علوم انسانی کاربردهای فراوانی دارد. عمده این کاربردها را می‌توان در قالب دو رویکرد ترکیب چهارچوب‌های نظری یا توصیفی فروض با روش استقرا و شکل‌گیری نظریات اقتصادی در بستر عدم تحمیل دیگر مبانی روش‌های عام نظریه‌پردازی تقسیم‌بندی کرد.

۴-۱. ترکیب چهارچوب‌های نظری یا توصیفی فروض با روش استقرا

بین (۲۰۰۳) معتقد است در جایی که از نظریات روش استقرا برای تدوین پرسش و اهداف تحقیق استفاده می‌شود، می‌توان از پیشنهادات نظری که در تحقیق به کمک پژوهشگر آمده‌اند، به‌عنوان ابزاری برای ایجاد چهارچوبی برای سازمان‌دهی و تحلیل داده‌ها استفاده کرد. در این رویکرد، استفاده از ترکیب چهارچوب روشی در نظریات توصیفی تنها در تحقیقات کیفی به‌وضوح دارای نتایج است و در تحقیقات کمی باید با دقت بیشتر استفاده شود؛ البته درباره این رویکرد که در تجزیه و تحلیل کیفی دارای کاربردهای فراوان است، انتقاداتی نیز وجود دارد که براین (۱۹۸۸) به آن‌ها اشاره کرده است. درحقیقت، به دلیل این انتقادات براین معتقد است که استفاده از چهارچوب نظری برای طراحی و تجزیه و تحلیل تحقیقات باید شامل ترکیبی از دو رویکرد استقرایی و قیاسی شود.

آزمایش فرضیه‌ها یا گزاره‌هایی که با روش استقرا از داده‌ها^{۱۵} استخراج می‌شوند، دارای اهمیت بسزایی است. چنین آزمایش‌هایی می‌تواند با جست‌وجوی توضیحات جایگزین این فرضیه‌ها، مثال‌ها و شواهد منفی که با الگو یا رابطه مورد آزمایش مطابقت ندارد، مورد بررسی قرار گیرد. توضیحات جایگزین یا شواهد منفی در ارتباط با الگوی استخراج‌شده را به‌راحتی می‌توان یافت و اغلب در دسترس محقق قرار دارند. نکته حائز اهمیت در این باره، این حقیقت است که با آزمایش گزاره‌هایی که محقق با روش استقرا مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد، می‌تواند به سمت تدوین نتیجه‌گیری معتبر و نظریه توضیحی یا حتی نظریه ساده‌ای درباره پژوهش خود حرکت کند (Miles & Huberman, 1994).

البته لزوماً استفاده از توضیحات جایگزین با استفاده از شواهدی که در برابر نظریه تولیدشده با استفاده از روش استقرا وجود دارد، نمی‌تواند تضمینی یقینی برای صحت نظریه ارائه دهد و استفاده درست از مبانی روش استقرا نیز در این باره ضروری است. درباره

شواهد، توجه به این نکته لازم است که شواهد در این پژوهش تنها شامل منابعی که با مشاهده و آزمایش به دست می‌آیند، نمی‌شود. این حقیقت در حالی است که در منطق تجربه‌گرایی کسی می‌تواند ادعای داشتن دانش کند که باورهای او دلایل منطقی و تجربی داشته باشد. گروهی از استقراگرایان (پوزیتیویست‌ها) نیز ملاک معناداری جملات را آزمون‌پذیری آن‌ها از راه مشاهده دانسته‌اند. به نظر ایشان، تجربه حسی تنها سرچشمه شناخت و تنها منشأ معناداری است. به این ترتیب، اگر امکان ارائه شواهد عینی و محسوس برای درستی یا نادرستی گزاره وجود نداشته باشد، آن گزاره فاقد معنا خواهد بود. از نگاه این گروه، بخش عمده فلسفه سنتی، الهیات و علم اخلاق عاری از معناست (جولز آیر، ۱۳۸۵؛ اسمیت، ۱۳۹۲). درحقیقت، این شواهد این توانایی را دارند که به عنوان اطلاعاتی که توانایی توجیه یا رد ادعایی را دارند، مورد استفاده محقق قرار گیرند. در ارتباط با همین مسئله، دی (۱۹۹۳) معتقد است که ارتباط متغیری با متغیر دیگر زمینه کافی برای استنباط رابطه علی یا هرگونه ارتباط بین آن‌ها نیست (p. 48). یک متغیر مداخله‌کننده تنها از این امکان برخوردار است که توضیح معتبرتری از ارتباطی که در داده‌ها با روش استقرا حاصل شده است، ارائه دهد، اما اینکه لزوماً تضمینی برای صحت یقینی فرضیه ارائه دهد، افزون‌بر استفاده از این شواهد، مبتنی بر بهره‌برداری درست از روش استقرا نیز می‌شود.

ترکیب چهارچوب نظری یا توصیفی فروض با روش استقرا مزایای خاصی درباره تحقیقات در پی دارد. استفاده از این موضوع از این قابلیت برخوردار است که تحقیقات را به مجموعه دانش موجود در زمینه موضوعی مرتبط با چهارچوب‌های نظری یا توصیفی فروض ارتباط دهد؛ افزون‌بر اینکه چهارچوب تحلیلی اولیه را در اختیار محقق قرار می‌دهد. برای تدوین چهارچوب نظری یا توصیفی لازم است متغیرها، اجزا و موضوعات اصلی طرح تحقیقاتی و روابط پیش‌بینی‌شده یا مفروض بین آن‌ها شناسایی شود (Yin, 2003). چهارچوب توصیفی بیشتر به تجربیات قبلی محقق و آنچه انتظار دارد، متکی است؛ اگرچه این امکان نیز وجود دارد که چهارچوب توضیحی را بر اساس ترکیبی از نظریه و انتظارات محقق بررسی کنیم. این چهارچوب به عنوان وسیله‌ای برای شروع و هدایت تجزیه و تحلیل داده‌های اولیه نیز استفاده می‌شود. در این باره، مایلز و هوبرمن (۱۹۹۴) بحث گسترده‌ای درباره چگونگی توسعه چهارچوب نظری یا توصیفی مرتبط با روش استقرا ارائه داده‌اند.

۴-۲. شکل‌گیری نظریات اقتصادی در بستر عدم تحمیل دیگر مبانی روش‌های عام نظریه‌پردازی

یکی دیگر از کاربردهای روش استقرا در روند تدوین نظریات علم اقتصاد با چگونگی شکل‌گیری نظریه اقتصادی در ارتباط است. روش استقرا با توجه به رویکردی که در بررسی پدیده‌های اقتصادی دارد، به یافته‌های تحقیق این امکان را می‌دهد تا از مضامین غالباً ذاتی و مهم داده‌های خام بدون محدودیت‌های تحمیل‌شده با روش‌شناسی ساختاریافته دیگر روش‌های عام نظریه‌پردازی پدیدار شوند. به بیان دیگر، در تحلیل‌های روش قیاسی مانند آن‌هایی که در تحقیقات اقتصاد آزمایشگاهی یا آزمایش فرضیه استفاده می‌شوند، موضوعات کلیدی پژوهش مورد مطالعه اغلب مبهم هستند؛ موضوعی که موجب می‌شود تا محقق در غالب موارد مجبور باشد تا قالب‌بندی دوباره‌ای از فروض ارائه دهد. حقیقت این نقص در غالب دیگر روش‌های عام نظریه‌پردازی به این مسئله برمی‌گردد که به دلیل پیش‌فرض‌هایی که در جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها در این روش‌ها اعمال می‌شود، افزون‌بر ضعف مبانی و اشکالات ساختاری که غالباً این روش‌ها دارند، عمده فرضیات و نظریات تولیدشده در چنین چهارچوب‌هایی ابهام داشته باشند؛ به گونه‌ای که برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در سطح کلان جامعه اصلاً مناسب نباشند.

توصیف اسکریون (1991, p. 56) از ارزیابی بدون هدف^{۱۶} در روش‌های عام نظریه‌پردازی نیز با توجه به همین توصیفات و نقایصی که از رویکردهای رقیب روش استقرا انجام گرفت، ارائه شده است. به موجب این توصیفی که اسکریون از روش‌های عام نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی ارائه می‌دهد، محققان حوزه روش‌شناسی تمایل دارند که آثار برنامه واقعی مستخرج از پژوهش خویش را نیز توصیف کنند نه فقط آثار برنامه‌ریزی‌شده در ارتباط با فروض را. چنین توصیفی از اسکریون به وضوح حاکی از این حقیقت است که شناسایی هرگونه آثار پیش‌بینی‌ناپذیر یا برنامه‌ریزی‌نشده شایان توجه یا عوارض جانبی ناشی از اجرای برنامه می‌تواند به عنوان ارزیابی فروض طرح‌های مهم علوم انسانی در قالب روش استقرا در نظر گرفته شود و تحقق یابد.

در زیر برخی از اهداف زیربنایی استفاده از رویکرد تحلیل استقرایی در روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی در بستر عدم تحمیل مبانی دیگر روش‌های عام تدوین نظریات در قالب سه رویکرد عمده آورده شده است.

الف. فشرده‌سازی داده‌های خام و متنوع از مشاهدات گسترده جهان خارج در قالبی مختصر و خلاصه.

ب. ایجاد پیوندهای روشن بین اهداف تحقیق و یافته‌های خلاصه به‌دست‌آمده از داده‌های خام و اطمینان از شفافیت این پیوندها (قابل نشان دادن به دیگران) و قابل دفاع بودن آن‌ها (با توجه به اهداف تحقیق).

پ. ایجاد مدل یا نظریه درباره ساختار زیربنایی تجربیات یا فرایندهایی که در داده‌های متنی مشهود است؛ موردی که به‌وضوح و گسترده در قالب نظریه‌پردازی داده‌های خرد و کلان اقتصادی قابل استفاده می‌باشد.

۵. روش استقرا در علم اقتصاد اسلامی

در روش استقرا پژوهشگر اقتصاد اسلامی، پدیده‌های اقتصادی را در ضمن تجربه واقعیت زندگی جمع‌آوری و آن‌ها را به شکلی تنظیم می‌کند که حاصل آن، کشف قوانین علمی در چهارچوب مبانی این روش باشد (صدر، ۱۴۰۰، ص. ۳۳۳). در این روش، روابط بین متغیرهای اقتصادی بررسی و سپس گزاره علمی کلی در موضوع مورد مطالعه صادر می‌شود. برای مثال، با بررسی عملکرد مجموعه‌ای از بانک‌های بدون ربا و مصون ماندن آن‌ها از بحران‌های مالی در مقایسه با بانک‌های ربوی، می‌توان به این نتیجه کلی رسید که بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری ربوی نسبت به بحران‌ها مصون‌تر است (توکلی، ۱۳۹۸).

به نظر شهید صدر، تبیین علمی به شیوه استقرایی متوقف بر پیاده شدن مکتب اقتصادی اسلام در خارج است. پس از آن پژوهشگر اقتصاد اسلامی می‌تواند به بررسی این واقعیت اقتصادی بپردازد و قوانین عمومی آن را استخراج کند. به نظر شهید صدر، اقتصاددانان سرمایه‌داری در این زمینه موفق عمل کرده‌اند؛ زیرا در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که به سرمایه‌داری اعتقاد دارند و آن را اجرا کرده‌اند. از این رو آن‌ها می‌توانند نظریاتشان را بر اساس تجربیات واقعی در جامعه‌ای بنا نهند که در آن زندگی می‌کنند. به نظر شهید صدر، چنین کاری برای اقتصاددانان مسلمان تا زمانی که اقتصاد اسلامی از واقعیت زندگی دور است، ممکن نیست. آن‌ها به تجربیات اقتصاد اسلامی دسترسی ندارند تا بتوانند به‌واسطه آن به فهم ماهیت قوانین اقتصادی حاکم بر زندگی مبتنی بر اسلام همت گمارند (صدر، ۱۴۰۰).

روش نظریه‌پردازی شهید صدر در علم اقتصاد بر این فرض مبتنی است که نظریات مکتب اقتصادی اسلام زیربنای احکام اقتصادی است. از نظر ایشان، در پس احکام فراوان، انسجام و وحدتی وجود دارد که همه احکام را در راستای تحقق هدفی واحد که هدایت الهی است، قرار می‌دهد. احکامی که دنبال هم در یک موضوع قرار می‌گیرند، ریشه در حکم مبنایی (گزاره مکتبی) دارند؛ یعنی صرف توالی کور و تصادف مطلق نیستند. نظریه مکتبی سبب وجود مجموعه احکام مرتبط به هم شده است؛ زیرا تصادفی بودن این هماهنگی محال است. اگر تصادف مطلق را مشکوک بدانیم، یعنی وقتی نظریه مکتبی وجود ندارد، وجود چنین احکامی مشکوک است. در این صورت با استفاده از دلیل استقرایی و اجرای قواعد حساب احتمالات درباره همین قضیه مشکوک (استحاله تصادف مطلق)، می‌توانیم به یقین برسیم و استحاله تصادف مطلق را به دست آوریم. سپس از قضیه استحاله تصادف مطلق استفاده می‌کنیم و درباره رابطه میان مجموعه احکام و نظریه مکتبی دست به استنتاج می‌زنیم (جابری و قاسمی اصل، ۱۳۹۴، ص. ۷۳).

شهید صدر استقرای تام را موضوع اصلی کتاب *الاسس المنطقیة للاستقرای* خود نمی‌داند، ولی به‌اجمال در باب آن مطالبی را بیان کرده و معتقد است که اولاً، استقرای کامل برخلاف ادعای ارسطو، مبتنی بر اصل تناقض نیست. بدین معنا که اگر مقدمات پذیرفته و نتیجه رد شود، تناقض لازم نمی‌آید؛ زیرا رابطه سببیت و تلازم از مقدمات و نتیجه کشف نمی‌شود. ثانیاً، استقرای کامل برای استدلال به قضایای کلیه در علوم، کاربردی ندارد؛ زیرا دامنه استقرا هر اندازه وسعت یابد، مسلماً از محیط افرادی که اکنون تحقق دارند، خارج نخواهد شد. شهید صدر اشکال معروف را که استقرای کامل، مطلب جدیدی ارائه نمی‌دهد، به طرق مختلفی در کتاب پاسخ داده است (صدر، ۱۴۰۰، صص ۲۴-۱۷).

شهید صدر در بیان اشکال استقرای ناقص نیز می‌فرماید در استدلال استقرایی یا سیر از خاص به عام و مشاهده حرارت و انبساط در آهن و یکسان بودن دائمی آن دو پدیده در آزمایش‌های متعدد، نتیجه گرفته می‌شود که حرارت سبب انبساط است و سرانجام به تعمیم آن حکم اقدام می‌شود. به عبارت دیگر، از تقارن به تلازم و از تلازم به تعمیم فتوا صادر می‌شود درحالی‌که اولاً، باید قانون سببیت عامه و نیازمندی هر پدیده طبیعی به سبب روشن شود. ثانیاً، باید اثبات شود که سبب انبساط در آهن همان حرارت مجاور بوده است نه سبب

دیگر یا اینکه به تصادف تحقق یافته باشد. ثالثاً، ثابت شود که این سبب در آینده نیز سببیت دارد (صدر، ۱۴۰۰، صص. ۲۷-۲۵).

۶. محدودیت‌های روش‌های عام نظریه‌پردازی در اقتصاد

روش‌های عامی که در تولید نظریات اقتصادی دارای کاربرد بیشتری هستند شامل روش قیاسی^{۱۷}، روش استقرا^{۱۸} و روش فرضیه‌ای-قیاسی^{۱۹} می‌شوند. در این میان، اشکالات اساسی که به دو روش قیاسی و فرضیه‌ای-قیاسی وارد است، اعتبار استفاده از روش استقرا و جایگاه آن در روش‌شناسی اقتصاد را بیش‌ازپیش مورد توجه اقتصاددانان قرار داده است. روش استقرا نیز دارای برخی محدودیت‌ها و اشکالات است که محققان آن‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما این روش در مقایسه با دو رویکرد مقابل خود از جهات متعدد دارای مزیت‌هایی است که در ادامه بررسی می‌شود.

۶-۱. روش‌های قیاسی و فرضیه‌ای-قیاسی

روش فرضیه‌ای-قیاسی به‌عنوان ترکیبی از دو روش قیاس و استقرا شناخته می‌شود. در روش قیاسی حرکت از پدیده‌ای کلی و انتزاعی به سمت نظریه‌ای جزئی است (Zabell, 2005). درحقیقت، با پیروی از رویکرد استقرایی، محقق روش‌شناسی اقتصاد تمایل دارد که پیشرفت در تحقیقات خود را از طریق کلیات تجربی دنبال و روابط اولیه میان پدیده‌ها را شناسایی کند. نکته‌ای که در استفاده از روش استقرا توجه به آن ضرورت دارد، این حقیقت است که در مراحل اولیه استفاده از روش استقرا، هیچ فرضیه‌ای در مراحل اولیه تحقیق یافت نمی‌شود و محقق تا زمان اتمام مطالعه از نوع و ماهیت یافته‌های تحقیق مطمئن نیست. به بیان دیگر، روش استقرایی اغلب به‌عنوان رویکرد حرکت از جزئی به کلی برای نظریه‌پردازی در علم اقتصاد به کار گرفته می‌شود که در آن محقق از مشاهدات برای ایجاد انتزاع یا توصیف مشخصی از پدیده‌ای که در حال مطالعه است، استفاده می‌کند (Lodico, Spaulding, & Voegtler, 2010).

بحث و بررسی از روش فرضیه قیاسی در اقتصاد معمولاً با ایده‌های روش‌شناختی میلتون فریدمن و کارل پوپر همراه بوده است. درحقیقت، عمده تأثیرات و توسعه‌ای که در روش فرضیه‌ای-قیاسی داده شده است، به دو کتاب کارل پوپر با عنوان‌های *منطق اکتشافات علمی* (۱۹۳۴) و *فرض‌ها و ابطال‌ها* (۱۹۶۳) بازمی‌گردد. در این میان، حتی فریدمن را نیز می‌توان

تا حدودی ادعا کرد که تحت تأثیر پوپر بوده است و مقاله معروف او با عنوان «روش‌شناسی اقتصاد اثباتی» (۱۹۵۳)، رویکردی به‌وضوح فرضیه‌ای-قیاسی دارد. درحقیقت، روش فرضیه‌ای-قیاسی ریشه در سنت و رویکرد تجربه‌گرایی بسیار خاصی دارد که به آغاز قرن ۲۰ بازمی‌گردد؛ البته به عقیده برخی از تاریخ‌نگاری‌های اخیر استقراگرایی منطقی (نئوپوزیتیویسم) مانند یوبل (۱۹۹۱) و مایکل فریدمن (۱۹۹۹)، روش فرضیه‌ی قیاسی، ویژگی و وجه مشخصه نسخه‌های اولیه فلسفه استقراگرایی منطقی نبوده، بلکه از آثار استقراگرایان اقتصاد هترودکس مانند پوپر (۱۹۳۴) بوده و از آن‌ها نشئت گرفته است و در رویکرد جدید و تجدیدنظرشده استقراگرایی منطقی در دهه ۱۹۵۰ که گاه با عنوان تجربی‌گرایی منطقی^{۲۰} یا اثبات‌گرایی منطقی^{۲۱} نیز از آن‌ها نام برده می‌شود، تثبیت شده است.

در این ارتباط، همپل (۱۹۵۲) به‌صورت تفصیلی به بررسی این دیدگاه‌ها پرداخته است. بر اساس چنین سستی، علم بر دو پایه استوار است؛ شواهد تجربی و منطق. شواهد منبع اصلی اعتبار برای دانش محقق از جهان خارج به شمار می‌روند. از آنجاکه دانش با گزاره‌های کلامی بیان می‌شود، منطق برای استنتاج از یک مجموعه گزاره به دیگر مجموعه‌ای از گزاره یا گزاره‌ها ضروری است. همچنین، دیدگاه‌های متفاوتی درباره روش فرضی-قیاسی درباره نوع منطقی که برای علم لازم و کافی است، وجود دارد؛ از رویکرد افراطی کسانی که عقیده دارند منطق قیاسی کافی است تا دیدگاه کسانی که استدلال می‌کنند که محقق تنها باید متکی بر منطق استقرایی باشد.

بحث و بررسی درباره روش فرضیه‌ای-قیاسی را می‌توان در قالب دو طرح زیر مورد آزمون قرار داد.

طرح الف (ابطال)	طرح ب (تأیید)
(1) $H \rightarrow e$	(1') $H \rightarrow e$
(2) $\sim e$	(2') e
(3) $\sim e$	(3') H

علامت « $\rightarrow$ » مخفف رابطه «دال بر» یا به تعبیر دیگر، «اگر ... پس ...» (As ... if ...) است. علامت « $\sim$ » برای «نفی» یا «نه» استفاده شده است. در دو طرح بالا، H مخفف فرضیه‌ای علمی و e برای شواهد تجربی استفاده شده است. برای مثال، H ممکن است این فرضیه را مورد بررسی قرار دهد که تضعیف ارزش پول ملی باعث افزایش صادرات می‌شود و e پیش‌بینی این مسئله باشد که سیاست تضعیف ارزش پول ملی که بانک مرکزی ایران در سال

۱۳۷۱ انجام داد، باعث افزایش کالاهای صادراتی شد. مسئله تضعیف ارزش پول ملی در سال ۱۳۷۱ و پیامدها و نتایجی که به دنبال داشت، حاکی از این حقیقت است که تضعیف ارزش پول ملی در سال‌های آینده نیز همین پیامد را در پی خواهد داشت. برای آزمایش این فرضیه، باید به آمارهای بانک مرکزی و گمرک توجه کرد. اگر در سالی که رویکرد تضعیف ارزش پول ملی اجرا شده، مسئله افزایش صادرات رخ نداده است (طرح الف، سمت چپ)، به این نتیجه می‌رسیم که فرضیه افزایش صادرات به تبع تضعیف ارزش پول ملی درست نیست. به عبارت دیگر، چنین فرضیه‌ای توسط e رد و ابطال شده است. در مقابل، اگر آمارهای نهادهای ذی‌ربط حاکی از این موضوع باشد که تضعیف ارزش پول ملی باعث افزایش صادرات شده است، اعتماد به حقیقت H افزایش می‌یابد (طرح ب، در سمت راست). در این باره، آچینشتاین (۲۰۰۱) و گیری (۱۹۷۷) به صورت تفصیلی این طرح و امثال آن‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در این باره، موضوع نبود تقارن^{۲۲} بین این دو طرح قابل طرح و بررسی است. در طرح الف، نتیجه (۳) به طور منطقی از مفروضات (۱) و (۲) تبعیت می‌کند. این شکل از استدلال به عنوان استنتاج قیاسی معتبر شناخته می‌شود. در مقابل در طرح ب، این امکان وجود ندارد که تنها با منطق قیاسی نتیجه‌گیری شود که H بر اساس مفروضات (۱) و (۲) صادق است. چنین استنتاجی، مغالطه‌ای است که به عنوان تأیید نتیجه^{۲۳} نیز شناخته می‌شود. در طرح ب در واقع، محقق فقط به این نتیجه رسیده است که با توجه به مفروضات (۱) و (۲)، H احتمالاً درست است. درحقیقت، مشاهده e که فرضیه H از آن مشتق شده است، احتمال زیاد یا دست کم احتمال بیشتری نسبت به H قبل از e می‌دهد یا حتی مهم‌تر اینکه، e به طور کیفی صدق H را نشان می‌دهد.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که همه طرف‌داران روش فرضیه‌ای-قیاسی طرح ب را تأیید نمی‌کنند. پذیرش ب معادل این است که بدانیم روش علم تنها بر مشاهده و منطق قیاسی متکی نیست. درحقیقت، برای اینکه بتوان نظریه اقتصادی را با مجموعه‌ای از شواهد تأیید کرد، باید افزون‌بر مشاهده، از منطق استقرایی نیز استفاده شود. چنین منطقی به یقین می‌تواند تقویت‌کننده روند نظریه‌پردازی در علم اقتصاد نیز باشد؛ زیرا طریقی است که در آن صدق مجموعه‌ای از جملات که با H نشان داده شده، با صدق مجموعه‌ای از جملات e که با H مشخص شده است، مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، روش استقرا

مشخص می‌کند که به چه طریق محقق می‌تواند به نتیجه‌ای برسد که فراتر از مقدماتی باشد که فرضیه تحقیق بر آن استوار است.

منطق استنتاج استقرایی برخی از مهم‌ترین تألیفات فیلسوفان علم را به خود اختصاص داده است. در اصل، برخی فیلسوفان علم امیدوار بودند که برای استقرا، چیزی شبیه آنچه به نظر خود با موفقیت برای برخی دیگر از روش‌های عام نظریه‌پردازی در علوم انسانی در آغاز قرن ۲۰ شکل داده بودند، انجام دهند. درحقیقت، یکی از مسائلی که هنوز بررسی دقیق‌تری از جانب محققان این حوزه را طلب می‌کند، در ارتباط با بیان پیشینی قوانین دقیق حاکم بر این نوع روش استنتاج می‌شود. شاهد بر این مدعا نیز این حقیقت است که پژوهشگران این حوزه هنوز نیز درباره مسائل استنتاج استقرایی اختلاف نظر دارند. برخی از فیلسوفان حتی در روش استقرا به‌عنوان یک کل قابل اتکا نیز تردید کرده‌اند. کارل پوپر به‌عنوان حامی روش فرضیه قیاسی است که طرح (ب) از روش گفته‌شده در بالا را به‌طور کلی رد می‌کند. به گفته پوپر (۱۹۳۴) و (۱۹۶۳)، هر تلاشی برای دفاع و تأیید منطق استقرایی محکوم به شکست است. منطق علم برای پوپر کاملاً قیاسی است و او نیاز به تأیید یا استقرا را در فرایند نظریه‌پردازی ضروری نمی‌داند.

پوپر پیشرفت علم را وظیفه‌ای می‌داند که در آن نظریه‌های نادرست با استفاده از روش مورد تأیید پوپر که در بالا به آن پرداخته شد، حذف و نظریه‌های جدیدی ابداع و جایگزین می‌شوند. بااین‌حال، رد نکردن یک نظریه نشان نمی‌دهد که این نظریه محتمل است یا به‌گونه‌ای به حقیقت نزدیک است، بلکه تنها حاکی از این مسئله است که این نظریه هنوز نادرست نیست. این دیدگاه پوپر از مواضع مختلفی مورد انتقاد قرار گرفت. به‌طور خلاصه، مشکل اصلی چنین دیدگاهی این است که به نظر نمی‌رسد دانشمندان فرضیه‌ها و نظریه‌هایی را تنها برای رد کردن آن‌ها مطرح کنند. درحقیقت، پژوهشگران قصد دارند از این فروض برای پیش‌بینی رویدادهای آینده برای مداخله و ایجاد برخی پدیده‌ها یا وضعیت‌ها استفاده کنند. برای مثال، در اقتصاد از نظریه‌ها برای اهداف سیاستی به‌وفور استفاده می‌شود. به بیان دیگر، برای توجیه این‌گونه فعالیت‌های محققان، ادعای عدم ابطال یک نظریه به‌تنهایی کافی نیست. در هر لحظه از زمان، تعداد بی‌نهایتی از نظریه‌ها وجود دارد که ابطال نشده‌اند. همچنین، محقق در روند تولید فرضیات قصد دارد نظریه‌ای که استفاده می‌کند به روشی بهتر از رقبای بالقوه این نظریه تولید شده باشد. در این ارتباط، هاسمن (۱۹۹۲) و کالدول (۱۹۹۱)،

ابطال‌گرایی پوپر را در چهارچوب روش‌شناسی اقتصاد به تفصیل مورد انتقاد و بررسی قرار داده‌اند.

تلاش‌ها و تألیفات گسترده پوپریان برای طفره از چنین اعتراض‌ها و جواب‌هایی که به این چنین انتقاداتی داده‌اند، به چنان سطحی از پیچیدگی رسیده است که بحث تفصیلی درباره این انتقادات و جواب‌هایی که به آن‌ها داده شده است، در این مقاله غیرممکن است. برای مثال، محقق باید به تألیفات پژوهشگرانی مانند هاسمن (۱۹۹۲) مراجعه کند. به‌طور خلاصه، موضع صرفاً قیاسی در پژوهش‌های تحقیقاتی در زمینه روش‌شناسی اقتصاد نسبتاً منسوخ شده است. بیشتر محققان کارشناس در زمینه روش‌شناسی اقتصاد به‌خصوص فیلسوفان علم بر این باورند که استنتاج‌های استقرایی در فرایند نظریه‌پردازی اقتصاد جزو ضروری و جداناپذیر این علم به شمار می‌روند. درحقیقت، استفاده از سوابق گذشته یک نظریه (این واقعیت که در گذشته رد نشده باشد) برای اعتماد به استفاده از آن در آینده به‌عنوان ابزار پیش‌بینی‌کننده یا سیاستی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، به‌نوعی شامل یک مرحله استقرایی نیز می‌شود.

۶-۲. روش استقرا

یکی از مهم‌ترین اشکالات اساسی که به روش استقرا وارد شده است، در کتاب شهید صدر، *الاسس المنطقیه للاستقرا* (۱۳۸۷)، مورد بررسی قرار گرفته است. شهید صدر معتقد است استدلال به دو قسم اصلی استنباط و استقرا تقسیم می‌شود و استنباط را رویکردی تعریف می‌کند که در آن نتیجه از مقدمات اعم نیست و بلکه دائماً مساوی با مقدمات یا اخص است. در اینجا پرسشی که محقق حوزه روش‌شناسی با آن مواجه می‌شود، این است که مقدماتی که در روش استنباطی یا استقرایی وجود دارد، چگونه می‌تواند دلیلی برای صحیح بودن نتیجه‌ای که محقق اتخاذ کرده است، باشد و آن را توجیه کند؟ رویکرد استنباطی استنتاج از مقدمات، همیشه مبتنی بر فرض نبود تناقض است و دلیل منطقی صحیح بودن نتیجه از این منبع نشئت می‌گیرد؛ زیرا نتیجه در حالت استنباط همان‌گونه که به آن اشاره شد، مساوی مقدمات یا اخص از آن‌هاست و ضرورتاً در چنین حالتی اگر مقدمات صادق باشند، نتیجه نیز باید صادق باشد؛ زیرا فرض صدق مقدمات (در حالت اخص یا مساوی بودن نتیجه از آن‌ها) بدون فرض صدق نتیجه مستلزم تناقض منطقی است.

آنچه در حالت استقرا وجود دارد، انتقال از مقدمات خاص به سمت نتیجه عام است. این انتقال از خاص به عام نمی‌تواند از ناحیه نبود تناقض مانند آنچه در دلیل استنباطی وجود دارد، توجیه شود؛ زیرا اساساً فرض صادق بودن مقدمات و کذب نتیجه مستلزم تناقض نیست. به‌طور کلی، آنچه شهید صدر بعد از بررسی تفصیلی موضوع استقرا به آن اشاره دارد، نه از ناحیه موضوع اصل نبود تناقض، بلکه از ناحیه تجمیع ظنون است. شهید صدر معتقد است کثرت ظنونی که در مقدمات روش استقرا وجود دارد، موجب می‌شود اعتماد به روش استقرایی افزایش یابد. درحقیقت، تعداد مشاهدات با افزایش درجه احتمال، میزان اطمینان به صدق گزاره‌ها را تقویت می‌کند و باعث می‌شود اعتماد به استنتاج استقرایی تقویت شود.

یکی دیگر از اشکالاتی که به منطق ارسطویی وارد شده، در باب تقسیم‌بندی است که از استقرا به کامل و ناقص انجام می‌دهد. درحقیقت، آنچه در تعریف استقرا بررسی می‌شود که در قسمت مفهوم‌شناسی روش استقرا نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت، شامل سیر از پدیده‌های جزئی به سمت استنتاج کلی است. این تعریف با استقرای کامل سازگاری ندارد؛ زیرا در استقرای کامل، سیری از جزئیات به سمت کلیات صورت نمی‌گیرد. در این حالت نتیجه مساوی مقدمات است و اخص نیست و از این‌رو آنچه منطق ارسطویی از تعریف استقرا بیان می‌کند با آنچه در تقسیم‌بندی استقرا مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد، سازگار نیست و دارای اشکال است.

ارسطو و پیروان او در مکتب مشایی، یگانه روش رسیدن به حقیقت و یقین را روش قیاسی می‌دانند و حجیتی برای روش تمثیل و استقرای ناقص قائل نیستند (ارسطو، ۱۳۵۷، ج ۱، ص. ۲۸). برای همین، استقرای ناقص را با استمداد از قیاس منطقی به تجربه تبدیل می‌کنند؛ تجربیاتی که در منطق به‌عنوان بدیهیات ثانویه و قانون تصادف نسبی ارسطو شناخته می‌شوند.

شهید صدر در کتاب *الاسس المنطقیه للاستقرا* هفت اشکال به قانون تصادف نسبی ارسطو وارد می‌سازد از جمله اینکه اگر این قانون صادق باشد، باید قضیه ملازم این قانون یعنی «تصادف نسبی در ده تجربه پی‌درپی تکرارپذیر نیست» نیز صادق باشد (به عبارت دیگر، این قضیه شرطیه که اگر تصادف نسبی در نه بار آزمایش واقع شود، در دهمین بار حتماً واقع نخواهد شد) نیز صادق باشد. پیروان مکتب ارسطو این مطلب را نمی‌پذیرند حال آنکه اگر علم عقلی یقینی باشد به‌ناچار و به همان اندازه، قضیه ملازم او نیز یقینی خواهد بود (صدر،

۱۴۰۰، صص. ۶۵-۶۴). همچنین، اگر در آزمایش، اقتران الف و ب را مشاهده کردیم، هیچ دلیلی وجود ندارد که حتماً الف علت ب است. شاید پدیده‌ای که از آن غفلت داریم، علت باشد (صدر، ۱۴۰۰، ص. ۶۳). بنابراین، علم ما به اینکه تصادف نسبی تکرارپذیر نیست، موارد جمع تعدادی از احتمالات است (صدر، ۱۴۰۰، ص. ۶۲). درحقیقت، قاعده تصادف نسبی ارسطو، علم عقلی و ماقبل تجربه نیست؛ زیرا در این صورت یا اولی یا ثانوی است. در هر دو صورت، محمول برای موضوع ضرورت و حتمیت دارد. حال اگر ضرورت، ذاتی باشد، این قضیه از قضایای اولیه است و اگر ضرورت ناشی از سبب باشد، قضیه ثانویه خواهد بود و هیچ‌کدام از این دو تعبیر معنایی ندارند؛ زیرا پیام قضیه پیش‌گفته این است که تصادف واقع نخواهد شد نه اینکه واقع نشدنش ضرورت داشته باشد (صدر، ۱۴۰۰، صص. ۵۹-۶۰). اشکال دیگر شهید صدر به ارسطو این است که ارسطو در اصل احتیاج دلیل استقرایی به اصول مسلم استقرا نیز به خطا رفته است. ایشان در پایان کتاب *الاسس والمنطقیه للاستقرا* تبیین می‌کند که نتیجه استقرا بدون نیاز به اصول مسلم ارسطو تعمیم‌پذیر است و اصول مسلم ارسطویی در پرتوی استقرا ثابت می‌شوند (خسروپناه، ۱۳۸۰، ص. ۳۵).

در پایان باید به این نکته توجه کرد که فیلسوفان کوشیده‌اند به مسئله استقرا و انتقادهای واردشده به آن، پاسخ‌هایی ارائه دهند که در ادامه، به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. الف. پذیرش موضع شکاکانه در علم: می‌پذیریم که علم بر استقرا تکیه دارد و استقرا نیز توجیه منطقی ندارد. بنابراین، می‌پذیریم که علم دارای توجیه (دلیل) عقلانی نیست (چالمرز، ۱۳۷۹). به طبع این موضع، تسلیم شدن در برابر اشکال است نه حل آن.

ب. بی‌وجه (بی‌معنا) بودن توجیه استقرا: استقرا توجیه عقلانی ندارد، اما این مسئله چندان اهمیتی ندارد؛ زیرا استقرا بنیان توجیه فرضیه‌های علمی است و معنا ندارد که از موجه بودن یا نبودن خود استقرا بپرسیم. مانند اینکه اگر کسی نداند فلان عمل قانونی هست یا نه، باید به کتاب قانون مراجعه کند، اما معنا ندارد که بپرسد آیا خود قانون قانونی است؟ (اکاشا، ۱۳۹۳). روشن است که این پاسخ نیز فرار از اشکال است تا پاسخ به آن.

پ. احتمالی (غیرقطعی) دانستن نتایج استقرا: می‌پذیریم که نمی‌توان تعمیم‌های حاصل از استقرا را قاطعانه، صادق دانست و شناخت علمی را معرفتی اثبات‌شده به شمار آورد، اما با توجه به موارد زیادی که مشاهده کرده‌ایم، می‌توانیم ادعا کنیم، موارد مشاهده‌نشده نیز احتمالاً به همین صورت خواهد بود. به طبع، هرچه تعداد مشاهدات بیشتر باشد، احتمال

صدق تعمیم‌های استقرایی نیز بیشتر می‌شود (هورنر و وستاکوت، ۱۳۸۱؛ پاپینیو، ۱۳۹۱). این پاسخ نیز مشکل را حل نمی‌کند.

ت. پذیرش استقرا به دلیل کارایی آن: گرچه نتایج استقرا قطعی نیست و صدق مقدمات را نمی‌توان ضامن صدق نتیجه دانست، اما تجارب گذشته ما نشان می‌دهد که تعمیم‌هایی که در استقرا می‌دهیم، کارایی دارد و بر اساس آن توانسته‌ایم رویدادهای آینده را پیش‌بینی کنیم (پاپینیو، ۱۳۹۱). این پاسخ، استدلالی استقرایی برای حل مشکل استقرا و به اصطلاح، استدلالی دوری است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی مفهوم‌شناسی روش استقرا و کاربرد آن در روش‌شناسی نظریه‌پردازی در علم اقتصاد بود. بررسی مفهوم استقرا در مطالعات مرتبط با روش‌شناسی حاکی از این حقیقت است که مبانی روشی استقرا از استقرای منطقی نشئت گرفته است که حرکت خود را بر خلاف آنچه در روش قیاسی اتفاق می‌افتد، از جزء به کل شروع می‌کند. در این روش، پدیده‌های اقتصادی ابتدا با تحقیقات تجربی مورد مشاهده قرار می‌گیرند و سپس با تعمیم نتایج و روابط خاص مشاهده‌شده در پدیده‌ها، قواعد و قضایای کلی و عام به صورت نظریه یا قانون اقتصادی ارائه می‌شوند. این نظریه یا قانون خود از این توانایی برخوردار است تا به عنوان فرض یک نظریه دیگر اقتصادی به صورت قواعد کلی در دیگر روش‌ها مورد استفاده قرار گیرد. در این روش، محقق به طور خاص با مشاهده پدیده‌های جهان خارج کار خود را آغاز می‌کند. سپس با بررسی این مشاهدات، الگوهایی از آن‌ها استخراج می‌کند؛ الگوهایی که به عنوان فروض آزمایشی تحقیق در روند نظریه‌پردازی اقتصاد به کمک محقق می‌آیند. در ادامه نیز با استفاده از سه مرحله سابق، نظریه مورد انتظار استخراج می‌شود.

روش استقرا که با عنوان‌های استقرای منطقی یا فلسفی نیز شناخته می‌شود، با آنچه از استقرای ریاضی در روش‌شناسی علوم انسانی مورد بحث قرار گرفته است، تفاوت‌های مبنايي دارد. استقرای منطقی سیر از خاص به عام را دنبال می‌کند و از این رو می‌توان آن را رویکردی در راستای بررسی مصادیق و جزئیات از لحاظ تحصیل کلیات دانست، ولی آنچه در تحقیقات کمی به خصوص از استقرای ریاضی مورد بحث است، رویکردی است که به عنوان یکی از روش‌های بنیادی اثبات قضیه‌ها در ریاضیات است و صدق نتیجه آن در چنین روشی قطعی

و یقینی است. در واقع، استقرای ریاضی مشتمل بر رویکردی است که پذیرفتن دو مقدمه آن و رد کردن نتیجه به تناقض می‌انجامد؛ زیرا استقرای ریاضی در واقع نوعی قیاس منطقی است. در این میان، بررسی و بحث درباره مطالعات انجام‌شده در روش استقرا حاکی از این حقیقت است که بیشتر اندیشمندان مسلمان همچنان‌که در رویکرد روشی اقتصاد متعارف نیز اتفاق افتاده است، بررسی تفصیلی بین انواع استقرا یا حتی نقدها و اشکالات وارد بر این روش انجام نداده و بلکه تنها به ذکر و بررسی مختصر برخی از مبانی این روش بسنده کرده‌اند.

استفاده از روش استقرا در راستای تدوین نظریات اقتصادی اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند که می‌توان این اهداف را در دو هدف پایه‌ای ارائه مدل مطلوب و شناخت پدیده‌های واقعی اقتصادی خلاصه کرد. ارائه مدل مطلوب، جهت حرکت و ارائه طریق حرکت پدیده اقتصادی، مجموعه‌ای از فروض مشخص را دنبال می‌کند. در نتیجه، آنچه محقق از روش استقرا در این مرحله به دنبال آن است، تنها شامل توصیف و پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی نمی‌شود، بلکه جهت حرکت پدیده اقتصادی برای درک درست در زمینه نظریه‌پردازی اقتصادی نیز مورد توجه قرار گرفته است. شناخت پدیده‌های واقعی اقتصادی نیز هدف درک مجموعه عواملی است که حرکت پدیده اقتصادی را موجب می‌شود. در حقیقت، هدف در این مرحله ارائه یک ایدئال، ارزش یا موقعیت مطلوب نیست، بلکه شناخت پدیده واقعی اقتصادی نیز دارای اهمیت است.

روش استقرا به‌عنوان یکی از روش‌های عام نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی مانند روش قیاسی یا فرضیه‌ای-قیاسی با اشکالات و نقدهایی روبه‌رو بوده است. یکی از مهم‌ترین این انتقادات مرتبط با غیر یقینی بودن روش استقرا در روش نظریه‌پردازی است که البته به چنین نقدهایی و مانند آن پاسخ داده شده است. در حقیقت، کثرت مشاهدات که در روش استقرا مورد استفاده قرار می‌گیرد به‌عنوان نقطه قوت این روش در پوشش ضعف عدم یقینی بودن آن مطرح شده است. اشکالات اساسی که به دو روش قیاسی و فرضیه‌ای-قیاسی وارد شده است، اعتبار استفاده از روش استقرا و جایگاه آن در روش‌شناسی اقتصاد را بیش‌ازپیش مورد توجه اقتصاددانان قرار داده است. این پژوهش به‌عنوان درآمدی بر روش استقرا، مبانی این رویکرد و نقدها و پاسخ‌های آن را مورد بررسی قرار داد. پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند در راستای روشن‌تر شدن جایگاه روش استقرا در روش‌شناسی نظریه‌پردازی در علم اقتصاد،

در ادامه، مقالات آینده به بررسی مطالعات تطبیقی مبانی روشی استقرا با دیگر روش‌های عام نظریه‌پردازی مانند روش قیاسی یا فرضیه‌ای-قیاسی اختصاص یابند.

یادداشت‌ها

1. Grounded Theory

2. Phenomenology

3. Discourse Analysis

4. Narrative Analysis

۵. بر اساس تلقی رایج، علوم انسانی (Human Science) در مقابل علوم طبیعی و ریاضی، به مجموعه علومى اطلاق می‌شود که به شناخت انسان، توصیف، تبیین و تفسیر پدیده‌های فردی و اجتماعی (از آن رو که انسانی‌اند نه از جهت فیزیکی و زیستی) و جهت‌بخشی به افعال و انفعالات انسانی می‌پردازد. علوم انسانی مبانی خاصی دارد که عموماً زیرشاخه (فلسفه، هنر و اقتصاد) قرار می‌گیرند و باید بر اساس هدف محقق به آن‌ها پرداخته شود. از طرفی بر اساس برخی تعاریف، علومى مانند حسابداری، کتابداری، جغرافیا و هتلداری نیز از علوم انسانی شمرده می‌شوند، اما در این پژوهش، این سنخ از علوم مدنظر قرار ندارد. بدین ترتیب، علومى مانند اخلاق، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم تربیتی، علوم سیاسى و تاریخ و نیز مبانی این علوم شامل فلسفه، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه‌های مضاف شامل علوم انسانی می‌شود. علوم انسانی چنانچه در مبانی، اهداف و منابع با اسلام موافق باشند، اسلامى خواهند بود.

6. Inductive

7. Deductive

8. Rhetoric

9. Retrodution

10. Hypothetico-Deductive

11. Critical Realist

۱۲. مقصود از روش عقلی این است که برای تبیین و اثبات آموزه‌های اقتصاد اسلامى و دفاع از آن‌ها از تفکر عقلی استفاده شود. پیش‌فرض این روش این است که متکلم عقل را به‌منزله ابزاری مستقل برای کسب معرفت بشناسد؛ یعنی از نظر معرفت‌شناسی توانایی عقلی را در کسب معرفت بپذیرد و از جنبه شرعی نیز به حجیت عقل معتقد باشد.

13. Induction Reasoning

۱۴. استقرای منطقی یا فلسفی با استقرای ریاضی تفاوت دارد. استقرای ریاضی از چهار رکن گام بنیادی، فرض استقرا، گام استقرا و نتیجه تشکیل شده است (موحد، ۱۳۹۶؛ جفری، ۱۳۶۶؛ مصاحب، ۱۳۸۵).

۱۵. توجه به این نکته ضروری است که مراد از داده‌ها در بحث از واکاوی و بررسی آن‌ها تنها شامل داده‌های قابل شمارش می‌شود، همان‌گونه که مقالات متعددی مانند محمدبیگی (۱۴۰۰) به این موضوع پرداخته‌اند و داده‌های رخدادهایی مانند سنت برکت از موضوع بحث خارج هستند.

16. Goal-Free
17. Deductive Reasoning
18. Inductive Reasoning
19. Hypothetico-Deductive Reasoning
20. Logical Empiricism
21. Logical Positivism
22. Asymmetry
23. Affirming the Consequent

کتابنامه

ابوعلی سینا (۱۴۰۰). شرح الاشارات والتنبیها (حسن ملکشاهی، مترجم). چاپ ۱۰، تهران: سروش.

ابوعلی سینا (۱۳۵۰). النجاء. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ارسطو (۱۳۵۷)، منطق/ارسطو (عبدالرحمان بدوی، مصحح). (۳ ج)، بیروت: انتشارات دارالقلم. اسمیت، پیتز گادفری (۱۳۹۲). درآمدی بر فلسفه علم؛ پژوهشی در باب یک صد سال مناقشه بر سر چیستی علم (نواب مقربی، مترجم). چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

آکاشا، سمیر (۱۳۹۳). فلسفه علم (هومن پناهنده، مترجم). چاپ ۵، تهران: فرهنگ معاصر. بهمنیاربن مرزبان (۱۳۵۹). التحصیل (شهید مرتضی مطهری، تصحیح و تعلیق). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

پاپینیو، دیوید (۱۳۹۱). فلسفه علم (امیر مازیار، مترجم). چاپ اول، تهران: حکمت. توکلی، محمدجواد (۱۳۹۸). مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد. چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جابری، علی؛ و قاسمی اصل اصطهباناتی، محمدجواد (۱۳۹۴). تحلیل جایگاه استقرا در روش شهید صدر در کشف مکتب اقتصادی اسلام. معرفت/اقتصاد/سلامی، سال ۶، شماره ۲، ۸۶-۶۵.

- جفری، ریچارد (۱۳۶۶). *قلمرو و مرزهای منطق صوری* (پرویز پیر، مترجم). چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- جولز آیر، آلفرد (۱۳۸۵). *زبان، حقیقت و منطق* (منوچهر بزرگمهر، مترجم). چاپ ۲، تهران: شفیعی.
- چالمرز، آلن فرانسیس (۱۳۷۹). *چیستی علم* (سعید زیباکلام، مترجم). چاپ ۲، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). *القواعد الجلیه فی شرح الرسالة الشمسیه* (فارس حسون تبریزیان، محقق). چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۰). *منطق استقراء علمی، فصلنامه کلام اسلامی*، ش ۳۷، ص ۸-۱.
- ساوی، عمر بن سهلان (۱۳۳۷). *التبصره و البصائر النصیریه فی علم المنطق* (محمدتقی دانش‌پژوه، گردآوری، رفیق العجم، حاشیه‌نویس). لبنان: دارالفکر.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۷). *نظریه المعرفة* (حسن مکی عاملی، محرر و مقرر). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- شهرزوری، محمد بن محمود (۱۳۸۰). *شرح حکمه الاشراق سهروردی* (حسین ضیائی تربتی، تصحیح و تعلیق و مقدمه). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۷). *الاسس المنطقیه للاستقراء* (یحیی محمد، حاشیه‌نویس). چاپ اول، بیروت: مؤسسه العارف للمطبوعات.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۰). *اقتصادنا*. چاپ ۱۱، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۲). *منطق نوین مشتمل بر اللمعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه* (عبدالمحسن مشکوه‌الدینی، مترجم و شارح). تهران: آگاه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸). *نهایه الحکمه* (عباسعلی زارعی سبزواری، مصحح). (۲ ج)، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طوسی، محمد بن محمد (۱۳۷۵). *اساس الاقتباس* (مدرس رضوی، مصحح). تهران: نشر مرکز.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۳۷۲). *معیار العلم فی فن المنطق* (علی بوملحم، شارح). بیروت: دار و کتبه الهلال.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۳۷۳). *محک النظر* (رفیق عجم، محقق). چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۴۰۹ ق). *المنطقیات للفارابی* (۳ ج). (محمدتقی دانش‌پژوه، مقدمه‌نویس). قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی.

- قطب‌الدین رازی، محمدبن محمد (۱۳۵۴). شرح المطالع فی المنطق، قم: کتبی نجفی.
- قطب‌الدین شیرازی، محمودبن مسعود (۱۳۸۳). شرح حکمه‌الاشراق سهروردی (عبدالله نورانی و مهدی محقق، گردآورندگان). تهران: آثار و مفاخر فرهنگی.
- قطب‌الدین شیرازی، محمودبن مسعود (۱۳۴۳). دره‌التاج (سیدمحمد مشکوه، تصحیح و تعلیق). چاپ ۳، تهران: حکمت.
- محمدبیگی، سعید (۱۴۰۰). بررسی چهارچوب و دلالت‌های روش‌شناسی اقتصاد متعارف؛ دلالت‌هایی برای روش‌شناسی در چهارچوب اقتصاد اسلامی. عیار پژوهش در علوم انسانی، سال ۱۱، شماره ۲، ۴۵-۳۵.
- مصاحب، غلام‌حسین (۱۳۸۵). مدخل منطق صورت منطق ریاضی. چاپ ۳، تهران: حکمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۸). شرح مبسوط منظومه. چاپ اول، قم: صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۹). المنطق (غلامرضا فیاضی، تعلیق، رحمت‌الله رحمتی، تحقیق). قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- موحد، ضیاء (۱۳۹۶). درآمدی به منطق جدید. چاپ ۱۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- هاشمی، سید محمود؛ داوودی؛ مصباحی، غلام‌رضا؛ و نظری، محمدنقی (۱۳۹۷). مبانی اقتصاد اسلامی. چاپ ۱۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- هورنر، کریس؛ وستاکوت، امریس (۱۳۸۱). آشنایی با فلسفه علم (عاطفه خیاطی، مترجم). چاپ اول، تهران: سراج.
- Abu Ali Sina (1350). al-Najah, 1st Edition, Tehran, University of Tehran Publications.
- Abu Ali Sina (1400). Sharh al-Isharat wa al-Tanbihat, Translator: Hassan Malekshahi, 10th Edition, Tehran, Saroush Publications.
- Achinstein, P. (2001). *The book of evidence*. Oxford: Oxford University Press.
- Aristotle (1357). Mantiq Aristotle, Editor: Abdulrahman Badawi, 3 Volumes, Beirut, Dar al-Qalam Publications.
- Ayer, Alfred Jules (1385). "Zaban, Haqiqat va Manteq", Translator: Manuchehr Bozorgmehr, 2nd Edition, Tehran, Shafii Publications.
- Backhouse R.E., *New Directions in Economic Methodology*, London, Psychology Press, 1994.
- Bahmanyar ibn Marzban (1359). al-Tahsil, Edited and Annotated by: Shahid Murtadha Mutahhari, Tehran, University of Tehran Press and Publications Institute.
- Bernard, H. R. (2011). *Research methods in anthropology*. 5th edition, AltaMira Press.
- Blaug M., *The Methodology of Economics or How Economists Explain*, 2nd Edition, Cambridge University Press, 1992.

- Bryman, A. (1988). *Quantity and quality in social research*. London, Unwin Hyman.
- Caldwell, B. J. (1991). Clarifying Popper. *Journal of Economic Literature*, 29, 1–33.
- Chalmers, Alan Francis (1379). "Chisti-ye Elm", Translator: Saeed Zibakalam, 2nd Edition, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies of Universities.
- Dey, I. (1993). *Qualitative data analysis*. Routledge. 1st Edition, London,
- Ezzy, D. (2002). *Qualitative analysis: Practice and innovation*. Crow's Nest, NSW: Allen & Unwin.
- Farabi, Mohammad ibn Mohammad (1409). "Al-Manteqiyat lil-Farabi", 3 Volumes, al-Nusus al-Manteqiyah, Supervised by: Mahmoud Marashi, Introduction: Mohammad Taqi Daneshpajoo, Qom, Ketabkhaneh Omumi Hazrat Ayatollah Marashi Najafi.
- Friedman, M. (1953). The methodology of positive economics. in X (edition), *Essays in Positive Economics*, Chicago, University of Chicago Press.
- Friedman, M. (1999). *Reconsidering logical positivism*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ghazali, Mohammad ibn Mohammad (1372). "Meyar al-Ilm fi Fun al-Manteq", Commentator: Ali Boumelhem, Beirut, Dar al-Kotob al-Hilaliyyah.
- Ghazali, Mohammad ibn Mohammad (1373). "Muhak al-Nazar", Editor: Rafiq Ajam, 1st Edition, Beirut, Dar al-Fikr.
- Giere, R. N. (1977). *Testing vs information models of scientific inference*. University of Pittsburgh Series in the Philosophy of Science, Vol. 6. Pittsburgh: University of Pittsburgh Press.
- Goddard, W., & Melville, S. (2004). *Research methodology: An introduction*. 2nd edition, Blackwell Publishing.
- Guala, F. (2005). *The methodology of experimental economics*. Cambridge University Press.
- Hashemi, Seyyed Mahmoud; Davoudi, Parviz; Masbahi, Gholamreza; Nazari, Mohammad Naki (1397). "Mabani Eqtesad Eslami", 11th Edition, Tehran, SAMT.
- Hausman, D. M. (1992a). *The inexact and separate science of economics*. 1st Edition, Cambridge: Cambridge University Press.
- Helli, Hassan ibn Yusuf (1414), "Al-Qawaid al-Jaliyah fi Sharh al-Risalah al-Shamsiyah", Editor: Faris Husoon Tabrizian, 1st Edition, Qom, Islamic Publication Institute.
- Hempel, C. G. (1952). *Fundamentals of concept-formation in empirical science*. Chicago: University of Chicago Press.
- Horner, Chris; Westacott, Emrys (1381). "Ashna'i ba Falsafe-ye Elm", Translator: Atafeh Khayyati, 1st Edition, Tehran, Seraj Publications.
- Jabbari, Ali; Ghasemi Asl Ashtebanati, Mohammad Javad (1394), "Tahlil-e Jaygah-e Esteghra' dar Ravesh-e Shahid Sadr dar Kashf-e Maktab-e Eqtesadi-ye Eslami", Ma'arefat-e Eqtesade Eslami, Vol. 6, No. 2, pp. 65-86.
- Jeffery, Richard (1366). "Ghalamru va Marzha-ye Manteq-e Soori", Translator: Parviz Pir, 1st Edition, Tehran, Scientific and Cultural Publications Company.

- Leiblich, A. (1998). *Narrative research: Reading analysis and interpretation*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Lodico, M. G., Spaulding, D. T., & Voegtler, K. H. (2010). *Methods in educational research: From theory to practice*. 1st Edition, John Wiley & Sons.
- Machlup, F., *Methodology of Economics and other Social Science*, Consulting Editor: Karl Shell, New York, Academic Press, 1987.
- Miles, M. B., & Huberman, A. M. (1994). *Qualitative data analysis*. Thousand Oaks, 2nd Edition, CA, Sage.
- Mohammadbeigi, S. (2022). Religion and Subjective Well-Being: Evidence from PSM Approach. *Journal of Money and Economy*, 17(2), 219-246.
- Mohammadbigi, Saeed (1400). "Barrasi Charchoob va Dalalathaye Ravesh-Shenasiye Eqtesadi Mat'aref: Dalalathayi bar Ravesh-Shenasi dar Charchoob-e Eqtesadi Eslami", *Ayyar Pazhuhash dar Ulum-e Ensani*, Vol. 11, No. 2, pp. 35-45.
- Mohebbi, Zia (1396). "Daraami be Manteq-e Jadid", 11th Edition, Tehran, Scientific and Cultural Publications Company.
- Mosahab, Gholamhossein (1385). "Madkhal Manteq-e Soorat va Manteq-e Riyazi", 3rd Edition, Tehran, Hekmat Publications.
- Motahhari, Morteza (1398). "Sharh Mabsut-e Manzumeh", 1st Edition, Qom, Sadra Publications.
- Mozaffar, Mohammad Reza (1379). "Al-Manteq", Annotation: Gholamreza Fiyazi, Research: Rahmatollah Rahmati, Qom, Islamic Publication Institute.
- Okasha, Samir (1393). *Falsafe-ye Elm*, Translator: Hooman Panahande, 5th Edition, Tehran: Farhange Moaser Publications.
- Omar ibn Sahlān al-Sāwī (1337). "Al-Tabsarah wa al-Basa'ir al-Nasiriyyah fi 'Ilm al-Manteq", Collected by: Mohammad Taqi Daneshpajoo, Margin Notes: Rafiq al-Ajam, Lebanon, Dar al-Fikr.
- Pheby, J., *Methodology and Economics A critical introduction*, The Macmillan Press, London, 1988.
- Pope, C., Ziebland, S., & Mays, N. (2000). Qualitative research in health care: Analyzing qualitative data. *British Medical Journal*, 320, 114-116.
- Popper, David (1391). *Falsafe-ye Elm*, Translator: Amir Maziar, 1st Edition, Tehran, Hekmat Publications.
- Popper, K. R. (1934). *Logic of scientific discovery*. London: Hutchinson.
- Popper, K. R. (1963). *Conjectures and refutations*. London: Routledge.
- Potter, J., & Wetherall, M. (1994). *Analyzing discourse: Analyzing qualitative data*. London: Routledge.
- Qutb al-Din Razi, Mohammad ibn Mohammad (1354). "Sharh al-Matali' fi al-Manteq", Qom, Ketabi Najafi Publications.
- Qutb al-Din Shirazi, Mahmoud ibn Mas'ud (1343). "Durrat al-Taj", Edited and Annotated by: Seyyed Mohammad Mashkuh, 3rd Edition, Tehran, Hekmat Publications.
- Qutb al-Din Shirazi, Mahmoud ibn Mas'ud (1383). "Sharh Hikmat al-Ishraq Sohrawardi", Compiled by: Abdullah Nurani and Mahdi Muhaqqiq, Tehran, Asar va Mafakhir Farhangi Publications.
- Sabzavani Tabrizi, Jafar (1387). "Nazariyye-ye Ma'arefeh", Edited and Approved by: Hassan Makki Amoli, Qom, Imam Sadiq Institute.

- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim (1362). "Manteq-e Novin Moshtamel bar al-Lama'at al-Mashriqiyah fi al-Funun al-Manteqiyyah", Translator and Commentator: Abd al-Muhsin Mashkuh al-Din, Tehran, Agah Publications.
- Sadr, Seyyed Mohammad Baqir (1387). "Al-Asas al-Mantiqiyah lil-Isteghra", Margin Notes: Yahya Muhammad, 1st Edition, Beirut, Al-Arif Institute for Publications.
- Sadr, Seyyed Mohammad Baqir (1400). "Eqtesadna", 11th Edition, Beirut, Dar al-Ta'arif Liltawzi.'
- Saunders, M., Lewis, P. & Thornhill, A. (2012). *Research methods for business students*. 6th edition, Pearson Education Limited.
- Scriven, M. (1991). Pros and cons about goal-free evaluation. *Evaluation Practice*, 12(1), 55-76.
- Shahrazouri, Mohammad ibn Mahmoud (1380). "Sharh Hikmat al-Ishraq Sohrawardi", Edited, Annotated, and Introduced by: Hossein Ziaei Torbati, Tehran, Institute for Cultural Studies and Research.
- Silverman, D. (2000). *Doing qualitative research: A practical handbook*. London: Sage.
- Smith, Peter Godfrey (1392). Daraami bar Falsafe-ye Elm: Pazhuheshi dar Bab Yek Sad Sal-e Manaqeshe bar Sar-e Chisti Elm, Translator: Navab Moghrebi, 1st Edition, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies Publications.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research*. Newbury Park: Sage.
- Tabatabai, Mohammad Hussein (1388). "Nihayat al-Hikmah", Editor: Abbas Ali Zarei Sabzevari, 2 Volumes, Qom, Islamic Publication Institute.
- Tavakoli, Mohammad Javad (1398). Mabani Falsafi va Ravanshenasi Eqtesad, 1st Edition, Qom, Institute for Hawza and University Research.
- Tusi, Mohammad ibn Mohammad (1375). "Asas al-Iqtibas", Edited by: Madras Rezavi, Tehran, Nashr-e Markaz.
- Uebel, T. (1991). *Rediscovering the forgotten Vienna circle*. Dordrecht: Kluwer.
- Van Manen, M. (1990). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy*. London, Ontario: Althouse Press.
- Yin, R. K. (2003). *Case study research: Design and methods*. Thousand Oaks, 3rd edition, CA, Sage.
- Zabell, S. L. (2005). *Symmetry and its discontents: Essays on the history of inductive probability*. 1st published, Cambridge University Press.

Cognition of Iranian Consumers Consumption Behavior in Order to Advance the Resistance Economy

Mahnaz Sorkhvandi*

Kiomars Sohaili**

Shahram Fattahi***

Abstract

It is very necessary to understand the consumption behavior of consumers in order to institutionalize the correct and appropriate method of using material and non-material resources of the country, because according to paragraph 8 of the general policies of the resistance economy, this knowledge will improve people's life indicators and reduce costs. The main goal of this paper is to understand the behavior of Iranian consumers by extracting price and income elasticities using the linear approximation model of the almost ideal demand system based on seemingly unrelated regressions. For this purpose, 8 product groups including food, beverages and tobacco, shoes and clothes, housing, furniture and household appliances, health and treatment, transportation and communication, entertainment, culture and other groups during the period of 1971- 2019 is considered. The findings of this research showed that price elasticities are negative for all 8 subgroups of goods, and for all subgroups except foods, beverages, tobacco and other goods, the income elasticity is less than one. The non-eighth groups are less than 1 with a very small difference.

Keywords: Resistance Economics, Almost Ideal Demand System, Income Elasticity, Price Elasticity, Cross Elasticity.

* Postdoctoral Researcher, Economics Department, Razi University, Kermanshah, Iran.

sorkhvandi.mahnaz@razi.ac.ir

 0000-0002-3198-6453

** Scientific Board of the Economics Department, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author).

ksohaili@razi.ac.ir, qsoheily@yahoo.com

 0000-0002-2586-3131

*** Associate Professor, Economics Department, Razi University, Kermanshah, Iran.

sfattahi@razi.ac.ir

 0000-0002-7507-0439

Accepted: 2023/05/13

Received: 2022/08/17

شناخت رفتار مصرفی مصرف کنندگان ایرانی به منظور پیشبرد اقتصاد مقاومتی^۱

مهناز سرخوندی*

کیومرث سهیلی**

شهرام فتاحی***

چکیده

شناخت رفتار مصرفی مصرف کنندگان برای نهاده کردن روش درست و مناسب استفاده از منابع مادی و غیرمادی کشور بسیار ضروری است؛ زیرا با توجه به بند ۸ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، این شناخت باعث ارتقای شاخص‌های زندگی مردم و کاهش هزینه‌ها می‌شود. هدف اصلی در این مقاله، شناخت رفتار مصرف کنندگان ایرانی با استخراج کشش‌های قیمت و درآمد با استفاده از الگوی تقریب خطی سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل بر اساس روش رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب است. برای این منظور، ۸ گروه کالایی شامل خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، کفش و پوشاک، مسکن، اثاث و لوازم منزل، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات و تفریحات، سرگرمی و فرهنگی و دیگر گروه‌ها در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۵۰ در نظر گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد کشش‌های خودی قیمتی برای تمام زیرگروه‌های ۸ گانه کالایی منفی بوده و برای تمام زیرگروه‌ها غیر از زیرگروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات و دیگر کالاها کمتر از ۱ است. کشش درآمدی تمام گروه کالاها غیر از گروه ۸، با اختلاف بسیار ناچیز از ۱ کمتر است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی؛ سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل؛ کشش درآمدی؛ کشش قیمتی؛ کشش متقاطع.

* پژوهشگر پسادکتری، دانشکده اقتصاد و مدیریت کارآفرینی، گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

sorkhvandi.mahnaz@razi.ac.ir

0000-0002-3198-6453

** عضو هیئت علمی، دانشکده اقتصاد و مدیریت کارآفرینی، گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

(نویسنده مسئول مکاتبات).

ksohaili@razi.ac.ir

0000-0002-2586-3131

*** دانشیار، دانشکده اقتصاد و مدیریت کارآفرینی، گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

sfattahi@razi.ac.ir

0000-0002-7507-0439

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۳۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

اقتصاد در مفهوم علمی خود به چگونگی استفاده از منابع موجود در راستای برطرف ساختن نیازهای نامحدود در قالب سیاست‌های مختلف اطلاق می‌شود. یکی از سیاست‌های اقتصادی، سیاست اقتصاد مقاومتی است که بند ۸ آن به اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری پرداخته است. مطالعه رفتار مصرفی خانوارها و تحلیل چگونگی اختصاص درآمد محدود آنان به کالاها و خدمات یکی از مهم‌ترین مباحث مورد نیاز برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی در راستای پیشبرد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا اقتصاد مقاومتی مانند چراغ راهنمایی عمل می‌کند که سیاست‌های اجرایی باید با الهام از آن اجرا شوند. برای مطالعه رفتار مصرفی خانوارها نیاز به تحلیل کشش‌های تقاضاست تا با استفاده از آن بتوان واکنش افراد را نسبت به تغییرات قیمت و درآمد پیش‌بینی کرد و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی را به گونه‌ای انجام داد که موجب اصلاح الگوی مصرف شود. با استفاده از کشش‌های تقاضا و درآمد می‌توان حساسیت خانوارهای مختلف را نسبت به تغییرات درآمد و قیمت کالاها و خدمات نشان داد و اثربخشی سیاست‌های مختلف اقتصادی از جمله سیاست‌های مربوط به تنظیم بازار، کنترل یا افزایش عرضه محصولات، مدیریت یارانه، مالیات و تغییرات قیمتی بر امنیت غذا و سلامت افراد جامعه و رفاه مصرف‌کنندگان را در راستای رسیدن به اقتصاد مقاومتی بررسی کرد.

با توجه به اهمیت واکنش مصرف‌کنندگان به تغییرات قیمت و درآمد در برنامه‌ریزی کلان اقتصادی و دستیابی به اقتصاد مقاومتی، در این مطالعه به برآورد کشش‌های قیمتی و درآمدی برای گروه‌های ۸ گانه کالایی شامل خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، کفش و پوشاک، مسکن، اثاث و لوازم منزل، بهداشت و درمان، حمل‌ونقل و ارتباطات، تفریحات، سرگرمی و فرهنگی و دیگر گروه‌ها، بر اساس داده‌های آماری دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۵۰ پرداخته شده است. در این باره، ابتدا پیشینه پژوهش و روش‌های مورد استفاده بیان و در انتها، آزمون‌های اقتصادسنجی و نتایج آورده می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

دیتون و مولباو^۲ (۱۹۸۰) برای نخستین بار در مقاله‌ای مدل سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل^۳ را معرفی و سپس برای تحلیل رفتار مصرفی در کشور انگلستان در دوره ۱۹۷۴-۱۹۵۴ برای ۸ گروه اصلی مخارج مصرفی شامل غذا، پوشاک، مسکن، سوخت، نوشیدنی و دخانیات، حمل و نقل و ارتباطات و دیگر کالاها و خدمات به کار بردند. نتایج حاصل از این پژوهش عبارت‌اند از ۱. گروه کالایی غذا و مسکن جزو کالاهای ضروری و دیگر کالاها جزو کالاهای لوکس شمرده می‌شوند. ۲. از نظر کشش‌های قیمتی مختلف تنها گروه حمل و نقل نسبت به قیمت دارای حساسیت زیادی است. ۳. آزمون فرضیه تقارن به طور کامل و آزمون فرضیه همگنی به منزله نبود توهم پولی مصرف‌کنندگان برای ۴ گروه کالایی غذا، پوشاک، مسکن و حمل و نقل و ارتباطات رد شد.

تیفین و تیفین^۴ (۱۹۹۹) با استفاده از سیستم تابع تقاضای تقریباً ایده‌آل و داده‌های سری زمانی، به برآورد تابع تقاضای محصولات خوراکی در انگلستان پرداختند. یافته‌های مطالعه نشان داد که مواد غذایی هم به لحاظ درآمدی و هم به لحاظ قیمتی کشش‌ناپذیرند. هایز و همکاران^۵ (۱۹۹۵) تابع تقاضای گوشت را در کشور ژاپن را برآورد کردند. یافته‌ها نشان داد که بین گوشت قرمز و گوشت مرغ رابطه مکملی وجود دارد درحالی‌که گوشت ماهی جانشین آن است.

بلنکفورتی و همکاران^۶ (۱۹۸۶) با استفاده از داده‌های مربوط به مخارج ایالات متحده در دوره ۱۹۷۸-۱۹۸۴، تقاضای ۱۱ گروه کالا را به صورت سیستم مخارج خطی و تقاضای تقریباً ایده‌آل تخمین زدند. کالاهای مذکور عبارت از غذا، مشروبات الکلی و دخانیات، پوشاک، مسکن، خدمات عمومی، حمل و نقل، خدمات درمانی، کالاهای بادوام، دیگر کالاهای کم‌دوام، دیگر خدمات و کالاهای متفرقه بودند. برآورد حاصل از سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل نشان می‌دهد که کشش درآمدی کالاهای بادوام بیشتر از واحد است و این کالاها در زمره کالاهای لوکس قرار می‌گیرند. درضمن، کشش مستقیم ۱۰ کالا منفی و یازدهمین کشش نزدیک به صفر برآورد شده است. از میان ۱۱۰ کشش قیمتی متقاطع، ۶۰ کشش دارای علامت منفی و ۵۰ کشش دارای علامت مثبت هستند.

شکیبایی و همکاران (۱۳۸۵) به برآورد کشش‌های تقاضای خدمات درمانی با استفاده از سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که خدمات درمانی

برای همه گروه‌های درآمدی، کالایی ضروری است و با مسکن و پوشاک رابطه مکملی دارد. کشش قیمتی خدمات درمانی گروه‌های کم‌درآمد و با درآمد بالا به ترتیب ۰/۵۲- و ۰/۶۲- است.

صمدی (۱۳۸۴) رفتار مصرفی خانوارهای شهری و روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد را با استفاده از تابع تقاضای تقریباً ایده‌آل بررسی کرد. نتایج نشان داد که در مناطق روستایی این استان، پوشاک و کفش، مسکن و میوه جزو کالاهای ضروری و آرد و نان و غلات کالای لوکس هستند.

عزیزی و ترکمانی (۱۳۸۰) با استفاده از تابع تقاضای تقریباً ایده‌آل، تابع تقاضای گوشت را در ایران برای جوامع شهری و روستایی تخمین زدند. نتایج مطالعه نشان داد که کشش متقاطع گوشت قرمز با گوشت مرغ در جامعه شهری و روستایی به ترتیب ۰/۴۵ و ۰/۲۶ است. کشش قیمتی تقاضای گوشت قرمز نیز در جوامع شهری و روستایی به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۷۲ است.

حسن‌پور و خالدی (۱۳۷۹) با استفاده از داده‌های سازمانی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۰ و تابع تقاضای تقریباً ایده‌آل، الگوی مصرفی خانوار کشور را برای ۸ گروه کالا بررسی کردند. نتیجه مطالعه آن‌ها نشان داد که کشش درآمدی همه کالاها مثبت و حمل‌ونقل، خدمات خانگی و تفریحات جزو کالاهای لوکس است.

اسفندیاری (۱۳۷۵) در بررسی برخی از کالاهای خوراکی برای دوره زمانی ۱۳۷۲-۱۳۵۳ به این نتیجه رسیدند که تقاضا برای گوشت پرندگان، گوشت قرمز، لبنیات، تخم‌مرغ، میوه‌ها و سبزیجات بی‌کشش است.

حجرجشت (۱۳۷۷) در مطالعه تقاضای گروه‌های اصلی کالاهای خوراکی در ایران با استفاده از مدل رتردام نتیجه گرفت که کشش قیمتی غلات و گوشت‌ها نزدیک به ۱ است و دیگر کالاها بی‌کشش هستند.

محمدی (۱۳۸۹) به بررسی روند و کشش مخارج آموزش عمومی در سبد مصرفی خانوار پرداخت و با برآورد منحنی انگل به این نتیجه رسید که در ابتدای دوره مورد بررسی، خانوارهای روستایی و پس از مدتی خانوارهای شهری، آموزش را کالایی لوکس در سبد مصرفی خود تلقی کرده‌اند. بنابراین، شدت تغییر در مخارج آموزش عمومی، همسو با تغییر در هزینه کل خانوار و بیش از آن است.

قربانی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به برآورد الگوی تصحیح خطای سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل برای انواع گوشت در ایران پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد کشش‌ها در بلندمدت کوچک‌تر از کوتاه‌مدت هستند. کشش‌های درآمدی نیز مبین این است که در کوتاه‌مدت و بلندمدت گوشت ماهی کالایی ضروری است.

مجاور حسینی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای به برآورد و محاسبه کشش‌های قیمتی خودی و متقاطع و کشش‌های درآمدی ۱۳ گروه هزینه‌ای شامل ۹ گروه خوراکی و ۴ گروه غیرخوراکی برای سه جامعه شهری، روستایی و کل در قالب سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل و با استفاده از آمارهای بودجه خانوار (شهری و روستایی) مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۱ پرداخته است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که کشش قیمتی و درآمدی به‌طور شگفتی در گروه پوشاک بالا و در گروه بهداشت و درمان پایین است (حتی در مقیاس جهانی). در میان اقلام غذایی، لبنیات بیشترین و حبوبات کمترین کشش‌های قیمتی را دارند و کشش درآمدی گوشت و برنج از دیگر اقلام غذایی بسیار بالاتر است.

پژویان و احمدی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی مخارج مصرفی خانوارهای شهری در ایران با استفاده از الگوی تقریب خطی سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل، به استخراج کشش‌های قیمتی و درآمدی گروه‌های مدنظر پرداختند. برای این منظور، ۷ گروه از کالاها و خدمات در نظر گرفته شد. نتایج حاکی است که کشش قیمتی این گروه‌های مصرفی مبتنی بر انتظارات تئوریک و منفی است و شدت حساسیت این گروه‌ها نسبت به تغییرات قیمت در دهک‌های بالای هزینه‌ای بیشتر است. همچنین، کشش درآمدی بیان‌کننده این است که گروه‌های خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، کفش و پوشاک جزو کالاهای نرمال و ضروری و دیگر گروه، کالاهای نرمال و لوکس هستند.

شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶) به برآورد کشش‌های تقاضای بیمه‌های اشخاص و اندازه‌گیری آثار رفاهی افزایش حق بیمه‌ها با استفاده از سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که کشش‌های مارشالی و درآمدی حاکی از روابط ضعیف ناخالص بین بیمه‌های اشخاص و همچنین، تجملی بودن بیمه عمر و ضروری بودن بیمه درمان تکمیلی و حوادث است. کشش هیکس و آلن نیز حاکی از وجود رابطه جانشینی خالص ضعیف بین بیمه‌های اشخاص و قوی‌تر بودن این رابطه در بین بیمه‌های عمر و حوادث است.

نوآوری این مقاله در مقایسه با مقالات پیشین در این است که تاکنون هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام‌شده کل ایران را بررسی نکرده‌اند و همچنین، بازه زمان مورد استفاده در این مطالعه از سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۸ است که هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام‌شده در این بازه زمانی گسترده انجام نشده و محدود به چند سال بوده‌اند.

۲. روش تحقیق

۲-۱. مدل تقاضای مصرف‌کننده

با استفاده از مدل‌های سیستم تقاضا می‌توان به بررسی رفتار مصرف‌کنندگان و چگونگی واکنش آن‌ها به تغییرات قیمت و درآمد پرداخت. تا سال ۱۹۵۴، توابع تقاضای مورد بررسی شکل تک‌معادله‌ای داشتند درحالی‌که روابط اسلاتسکی بین معادلات، قیود بودجه‌ای و همگنی و... محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند که باید رعایت شوند. برای این کار، معادلات تقاضا باید به‌صورت سیستمی برآورد شوند. مزیت این الگوها نسبت به الگوهای تقاضای تک‌معادله‌ای در این است که در این الگوها به‌سهولت می‌توان شرایط تئوریک تقاضا را آزمون و اعمال کرد. به‌تدریج با کامل‌تر شدن تئوری‌های تقاضا، مبانی نظری سیستم معادلات تقاضا نیز مطرح شد و با پیشرفت تکنیک‌های اقتصادسنجی و افزایش قابلیت‌های نرم‌افزارهای مربوط به تخمین مدل‌های اقتصادسنجی، معادلات سیستمی در حوزه تجربی مورد آزمون قرار گرفت. سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل به دلیل ویژگی‌هایش کامل‌ترین مدل تقاضا شمرده می‌شود. این مدل هرچند که غیرخطی است، ولی می‌توان با یک تقریب خطی آن را برآورد کرد.

۲-۲. سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل

شکل تابعی اگر بتواند به یک تابع مطلوبیت مستقیم، تابع مطلوبیت غیرمستقیم یا تابع هزینه بدون ارتباط به شکل تابعی که از آن گرفته می‌شود، نزدیک شود، انعطاف‌پذیر است. مدل سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل می‌تواند به‌صورت سیستم ترانسلوگ خاصی باشد. روش اجماع دقیق و بودجه‌بندی دومرحله‌ای با مدل سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل امکان‌پذیر است. این مدل با تئوری تقاضای اقتصاد خرد هماهنگ است.

اگر تصمیمات مصرف‌کنندگان عقلایی باشد، برای محاسبه تقاضا، مدل سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل در جهت برآورد تعداد زیادی از سیستم‌های تقاضا بسیار توانمند است. سیستم

تقاضای تقریباً ایده‌آل با ویژگی‌های انعطاف‌پذیری، سازگاری با ثنوری، راحتی گروه‌بندی کالاها و راحتی برآورد آن به دلیل قابلیت خطی شدن آن، بیشترین کاربرد را نسبت به دیگر مدل‌های تقاضا دارد. این سیستم از جمله سیستم‌های انعطاف‌پذیر است که دیتون و مولباور (۱۹۸۰) پیشنهاد کردند. این سیستم تقاضا که آن را سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل نامیدند، از گروه ترجیحات^۷، به صورت تابع مخارج به دست می‌آید. این سیستم، اجماع غیرخطی دقیق برای برآورد تقاضا را امکان‌پذیر می‌کند (کهنسال و هاتف، ۱۳۸۴، ص. ۴).

دیتون و مولباور برای استخراج این سیستم تقاضا مراحل زیر را انجام دادند.

- تصریح هزینه که ارائه‌کننده ترجیحات باشد.
 - برای استخراج تابع تقاضای جبرانی از تابع هزینه مشخص شده در مرحله قبل، نسبت به قیمت‌ها مشتق گرفته شد.
 - برای استخراج تابع مطلوبیت غیرمستقیم، تابع هزینه معکوس شد.
 - با استفاده از تابع مطلوبیت غیرمستقیم، تابع تقاضای عادی به دست آمد (خسروی‌نژاد، ۱۳۸۳).
- برای استخراج تابع تقاضای تقریباً ایده‌آل نیز در ابتدا تابع هزینه‌ای را به صورت زیر در نظر می‌گیریم.

$$u \ln(p) + u \ln(a(p)) - (1 = \ln(c(p, u)) \quad (۱)$$

تابع هزینه (۱) به تابع مخارج تعمیم‌یافته لگاریتمی مستقل از قیمت^۸ معروف است. این تابع هزینه را نخستین بار مولباور^۹ (۱۹۷۴) معرفی کرد.

برای استخراج معادلات سهمی، شکل لگاریتمی لم‌شفارد $(\frac{\partial c(p, u)}{\partial p_i} = q_i)$ را به کار می‌گیریم.

لم‌شفارد بیان‌کننده این است که با مشتق گرفتن از تابع هزینه نسبت به قیمت اُمین کالا، اُمین تابع، تقاضای جبرانی استخراج می‌شود (خسروی‌نژاد، ۱۳۸۳).

q_i ، مقدار گروه کالایی اُم و درحقیقت، تقاضای جبران‌شده گروه اُم است. بنابراین، مشتق‌گیری تابع لگاریتمی هزینه نسبت به قیمت کالای اُم، تقاضای جبرانی برای کالای اُم را به صورت سهمی از کالاها نتیجه می‌دهد. سپس از آن تابع مطلوبیت غیرمستقیم را

استخراج کرده و در نهایت، تابع تقاضای غیر جبرانی را به دست آورده اند. معادلات سهمی غیر جبرانی سیستم تقاضای تقریباً ایده آل به صورت زیر است.

$$w_i = \alpha_i + \sum_{j=1}^n Y_{ij} Lnp_j + \beta_i \ln\left(\frac{M}{p}\right) \quad (2)$$

که $\ln p$ به صورت زیر معرفی می شود.

$$\ln p = \left[\alpha_i + \sum_{k=1}^n \alpha_k \ln p_k + \frac{1}{2} \sum_{k=1}^n \sum_{j=1}^n Y_{kj} Lnp_k Lnp_j \right] \quad (3)$$

بنابراین، مدل تقاضای تقریباً ایده آل در شکل کلی خود به صورت بالا، غیر خطی است. معمولاً برای خطی کردن این دستگاه از شاخص استون به عنوان جانشین به جای شاخص واقعی p استفاده می شود. شاخص استون نیز به صورت زیر است.

$$Lnp^* = \sum_{j=1}^n w_j Lnp_j \quad (4)$$

با به کارگیری معادله (۴)، مدل خطی و به راحتی قابل تخمین می شود که به آن به اصطلاح فرم تقریب خطی دستگاه معادلات تقاضای تقریباً ایده آل می گویند (دیتون و مولباور، ۱۹۸۰). دیتون و مولباور نشان می دهند که این تقریب به خوبی در کارهای تجربی پاسخ گوشت. قیود ثنوریک در سیستم تقاضای تقریباً ایده آل به شرح زیر است.

نخستین شرط، شرط اساسی جمع پذیری است که نشان می دهد حاصل جمع سهم کالاها از مخارج کل در هر دوره زمانی برابر ۱ است.

شرط بعدی نشان می دهد که توابع تقاضایی که از شرایط حداکثر کردن مطلوبیت با توجه به سطح درآمد حاصل می شوند، همگن از درجه صفر نسبت به قیمت ها و درآمد هستند. عنوان این شرط «همگنی» است. به طور خلاصه، قیودی که باید بر مدل سیستم تقاضای تقریباً ایده آل اعمال شود، به صورت زیر معرفی می شوند.

الف. قید جمع پذیری:

$$\sum_{i=1}^n \beta_i = 0 \cdot \sum_{i=1}^n Y_{ij} = 0 \cdot \sum_{i=1}^n \alpha_i = 1 \quad (5)$$

ب. قید همگنی:

$$\sum_{j=1}^n Y_{ij} = 0 \quad (6)$$

پ. قید تقارن:

$$Y_{ij} = Y_{ji} \quad (7)$$

از مجموعه قیدهای بالا، قیدهای همگنی و تقارن مورد آزمون قرار می گیرند و قید جمع پذیری بر مدل تحمیل شده است و احتیاجی به آزمون ندارد (دیتون و مولبور، ۱۹۸۰).

کشش های خودی و متقاطع قیمتی در مدل سیستم تقاضای تقریباً ایده آل به صورت زیر به دست می آیند.

کشش جبرانی (هیکسی):

$$\varepsilon_{ij}^* = -\delta_{ij} + \left(\frac{Y_{ij}}{w_i}\right) - \bar{w}_j \quad (8)$$

کشش غیر جبرانی (مارشالی):

$$\varepsilon_{ij} = \frac{Y_{ij}}{w_i} - \left(\frac{w_j}{w_i}\right) \beta_i \quad \forall i \neq j. i, j = 1, 2, \dots, n \quad (9)$$

کشش متقاطع قیمتی:

$$\varepsilon_{ij} = \frac{Y_{ij}}{w_i} - \left(\frac{w_j}{w_i}\right) \beta_i \quad \forall i \neq j. i, j = 1, 2, \dots, n \quad (10)$$

اگر δ_{ij} یا دلتای کرونکر^{۱۰} را به صورت زیر معرفی کنیم، داریم

$$\text{if: } i \neq j \Rightarrow \delta_{ij} = 0. \text{ if: } i = j \Rightarrow \delta_{ij} = 1 \quad (11)$$

و کشش درآمدی به صورت زیر محاسبه می شود.

$$\mu_i = 1 + \frac{\beta_i}{\omega_i} \quad (12)$$

در این تحقیق، تابع تقاضای تقریباً ایده آل برای ۸ گروه کالایی شامل خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات، کفش و پوشاک، مسکن، اثاث و لوازم منزل، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات، تفریحات و سرگرمی و فرهنگی و دیگر گروه ها در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۵۰ به قیمت پایه سال ۱۳۹۵ محاسبه شده است. داده های مورد نیاز شامل شاخص قیمت هر گروه کالا، سهم بودجه مصرفی هر گروه، هزینه مصرفی هر گروه و کل هزینه مصرفی است. این اطلاعات از مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمع آوری شده است. سیستم تقاضای تقریباً ایده آل برای گروه های کالا، به روش برآورد رگرسیونی به ظاهر نامرتب^{۱۱} و نرم افزار Eviews در راستای برآورد کشش های تقاضا و درآمد محاسبه شد. با استفاده از کشش های تقاضا و درآمد می توان واکنش مصرف کنندگان ایرانی را نسبت به تغییرات قیمت و درآمد کالاها و خدمات به دست آورد و از این طریق در راستای رسیدن

به آرمان‌های اقتصاد مقاومتی به تدوین سیاست‌های مختلف برای تنظیم بازار، کنترل یا افزایش عرضه محصولات، مدیریت یارانه، اثر مالیات و تغییرات قیمتی بر امنیت غذا و سلامت افراد جامعه و رفاه مصرف‌کنندگان و درنهایت، اصلاح الگوی مصرف پرداخت.

۳-۲. معادلات هم‌زمان و الگوهای رگرسیونی به‌ظاهر نامرتب

در مدل‌های رگرسیون تک‌معادله، متغیر وابسته به‌عنوان تابعی خطی از یک یا چند متغیر توضیحی در نظر گرفته می‌شود. در این مدل‌ها، رابطه علی یک‌طرفه از سمت متغیرهای توضیحی به طرف متغیر وابسته جریان دارد، اما در بسیاری موارد علیت یک‌طرفه معنا ندارد. از سویی، در سیستم معادلات هم‌زمان، تفکیک متغیرها به متغیرهای وابسته و توضیحی معنا ندارد. در چنین شرایطی، به بیش از یک معادله رگرسیون برای بیان روابط بین متغیرها نیاز است. اگر روش حداقل مربعات معمولی برای تخمین هر معادله از سیستم، بدون در نظر گرفتن اطلاعات دیگر معادلات استفاده شود، تخمین‌های حاصل نه تنها تورش‌دار هستند، بلکه ناسازگار نیز هستند. این بدین مفهوم است که با افزایش حجم نمونه به سمت بی‌نهایت، برآوردگرها به سمت پارامترهای صحیح هم‌گرا نیستند. از این رو باید از روش‌های سیستمی در برآورد چنین الگوهای استفاده کرد. برای افزایش کارایی بهتر است که همه معادلات به‌طور مشترک برآورد شوند. روش تخمین مشترک مناسب، به تخمین رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب معروف است (عباسی‌نژاد و تشکینی، ۱۳۸۹).

این فرض که تمام افراد یک جامعه مستقل از یکدیگر رفتار می‌کنند، در بسیاری از کاربردهای اقتصادی فرضی بسیار قوی به شمار می‌رود. برخی عوامل مشاهده‌ناپذیر (که در جمله اخلاص جای می‌گیرند) ممکن است تمام (یا بخشی از) افراد را در یک زمان تحت تأثیر قرار دهند و به کوواریانس هم‌زمان غیرصفر میان جملات اخلاص دو فرد متفاوت منجر شوند. بنابراین، از طریق ساختار کوواریانس پسماندها، یک رابطه هم‌بستگی متقابل در مدل وارد می‌شود. این ایده را نخستین بار زلنر^{۱۲} در مدل‌های به‌ظاهر نامرتب (رگرسیون به‌ظاهر نامرتب) معرفی کرد (اشرف‌زاده و مهرگان، ۱۳۸۷). یکی از مهم‌ترین موارد به‌کارگیری مدل‌های به‌ظاهر نامرتب در اقتصاد، در تخمین سیستم‌های معادلات تقاضاست. در رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب، ماتریس ضرایب، متغیرهای درون‌زای قطری است.

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. آزمون ایستایی

پیش از برآورد مدل، ابتدا ایستایی را با استفاده از آزمون KPSS بررسی می‌شود. آماره این آزمون مجموع مربعات پسماندهاست که اگر شوکی در سری زمانی اتفاق بیفتد و ماندگار باشد، مجموع مربعات پسماند را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و با گذشت زمان بزرگ می‌شود و در ناحیه بحرانی قرار می‌گیرد. در این صورت دیگر فرضیه H_0 را نمی‌توان پذیرفت (صدیقی، ۱۳۸۵).

جدول ۱: بررسی ایستایی متغیرها

متغیرها	آماره KPSS	LM-Stat.	وضعیت ایستایی	متغیرها	آماره KPSS	LM-Stat.	وضعیت ایستایی
LM	۰/۲۱۶	۰/۰۷۹	ایستا	LP8	۰/۲۱۶	۰/۰۶۹	ایستا
Lp*	۰/۲۱۶	۰/۰۶۶	ایستا	w1	۰/۲۱۶	۰/۰۶۹	ایستا
Lp1	۰/۲۱۶	۰/۰۶۹	ایستا	w2	۰/۲۱۶	۰/۱۹۴	ایستا
LP2	۰/۲۱۶	۰/۱۱۵	ایستا	w3	۰/۲۱۶	۰/۱۰۷	ایستا
LP3	۰/۲۱۶	۰/۱۵۱	ایستا	w4	۰/۲۱۶	۰/۰۹۵	ایستا
LP4	۰/۲۱۶	۰/۱۵۵	ایستا	w5	۰/۲۱۶	۰/۰۶۲	ایستا
LP5	۰/۲۱۶	۰/۱۶۵	ایستا	w6	۰/۲۱۶	۰/۰۵۶	ایستا
LP6	۰/۲۱۶	۰/۱۹۵	ایستا	w7	۰/۲۱۶	۰/۰۹۲	ایستا
LP7	۰/۲۱۶	۰/۱۰۸	ایستا	w8	۰/۲۱۶	۰/۰۹۴	ایستا

منبع: یافته‌های پژوهش.

نتایج حاصل از آزمون ایستایی نشان می‌دهد که متغیرهای به‌کارگرفته‌شده در معادلات تقاضا، همگی در سطح ایستا هستند و مشکل رگرسیون کاذب وجود ندارد.

۳-۲. برآورد مدل و تحلیل نتایج

بر اساس فرم نهایی مدل تقاضای تقریباً ایده‌آل، سهم هزینه مصرفی هر گروه کالا (w_i) از کل هزینه مصرفی خانوار به‌عنوان متغیر وابسته و شاخص قیمت هر گروه کالا (p_i) و مخارج واقعی یا بودجه واقعی خانوار ($\frac{C}{p}$) به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار در مدل تقاضا وارد و بر اساس تابع تقاضای هر گروه کالا، تابع تقاضای سیستمی تقریباً ایده‌آل برای هر گروه

کالا و خدمات برآورد شد. ضرایب Y_{ij} نشان می‌دهد که با فرض ثابت بودن بودجه واقعی خانوار، چنانچه قیمت کالای j ، ۱ درصد تغییر کند، سهم بودجه اختصاص یافته به خرید کالا چند درصد تغییر خواهد کرد. ضریب β_i نشان‌دهنده درصد تغییر در سهم مخارج یا بودجه هر کالا در اثر ۱ درصد تغییر بودجه واقعی خانوار است. در این مدل متغیر دایمی در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ در نظر گرفته شده است.

برای تخمین معادلات در نظر گرفته شده به روش به ظاهر نامرتب ابتدا لازم است با استفاده از آزمون بروش - پاگان^{۱۳} (۱۹۷۹) به بررسی وجود هم‌بستگی هم‌زمان پرداخته شود. فرضیه H_0 این آزمون بیان می‌کند که تمام کوواریانس‌ها برابر صفرند و در صورت تأیید، دیگر نیازی به استفاده از روش رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب نیست و می‌توان از طریق OLS به برآوردهای کارا دست یافت. نتایج آماره این آزمون در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: آزمون وجود هم‌بستگی هم‌زمان بین جملات اخلاص

آماره آزمون بروش پاگان	ارزش احتمال
۶۲۹/۶۸	۰/۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش.

با توجه به نتایج جدول ۲، فرضیه H_0 را نمی‌توان پذیرفت. در واقع، یکی از مقادیر کوواریانس مخالف صفر است که نشان‌دهنده وجود هم‌بستگی هم‌زمان است. بنابراین، باید از روش به ظاهر نامرتب تخمین استفاده شود.

با توجه به اینکه در سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل، متغیر وابسته، سهم گروه کالایی و متغیرهای مستقل، لگاریتم قیمت گروه‌های کالایی و درآمد هستند، برای سنجش حساسیت مقدار تقاضا نسبت به تغییرات قیمت کالاها و درآمد لازم است تا با استفاده از نتایج برآورد الگو، کشش‌های تقاضا محاسبه شود.

برای برآورد کشش گروه‌های مختلف کالایی ابتدا سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل به صورت غیرمقید برآورد می‌شود. سپس برای انتخاب مدل مناسب و همچنین، تبیین الگوی مصرفی خانوارها در تمام معادلات سیستم، قید همگنی و قید تقارن را آزمون کرد (البته سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل محدودیت قید بودجه یا جمع‌پذیری را خودبه‌خود داراست) و در صورت عدم پذیرش قیود همگنی و تقارن، مدل به صورت نامقید به قید همگنی و

تقارن برآورد خواهد شد. گفتنی است در سیستم معادلاتی که متغیر وابسته به صورت سهم گروهی است و حاصل جمع آن‌ها در هر زمان مساوی ۱ است، ماتریس واریانس-کوواریانس جمله اخلاص واحد است و برآورد مدل را با مشکل مواجه می‌کند. برای از بین بردن چنین مشکلی در سیستم یادشده، یکی از گروه‌ها را براین اساس که از درجه اهمیت کمتری برخوردار است، حذف و بقیه معادلات را برآورد می‌کنند. سپس ضرایب معادله حذف شده از طریق قید بودجه (شرط اساسی جمع پذیری) محاسبه می‌شود. براین اساس، معادله مربوط به سهم مخارج گروه انواع دیگر کالاها حذف شده و تخمین مدل صورت گرفته است.

نتایج حاصل از محاسبه کشش‌ها در جدول ۳ آمده است.

اعداد داخل قلاب نشان دهنده کشش خودی غیر جبرانی، اعداد داخل پرانتز نشان دهنده کشش خودی (جبرانی) و اعداد داخل آکاد نشان دهنده کشش متقاطع هستند.

جدول ۳: نتایج تخمین کشش‌های گروه‌های مختلف کالایی

گروه‌های کالایی	خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات	کفش و پوشاک	مسکن	اثاث و لوازم منزل	بهداشت و درمان	حمل و نقل و ارتباطات	تفریحات، سرگرمی و فرهنگی	دیگر کالاها
خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات	[-1.7763]							
	(-1.459)							
	-	{-0.5972}	{-0.018}	{0.7465}	{-0.0106}	{0.0899}	{-0.0537}	{0.7214}
		{-0.918}						
کفش و پوشاک		(-0.845)						
	{-1.1391}	-	{-0.091}	{0.4564}	{-0.2736}	{0.294}	{-0.0412}	{0.818}
			{-0.673}					
مسکن	{1.3716}	{0.7563}	-	{-0.5353}	{-0.3682}	{-0.4391}	{0.0415}	{-0.599}
				{-0.0161}				
اثاث و لوازم منزل				(0.03926)				
	{-0.9017}	{-1.070}	{-0.5857}	-	{0.7242}	{0.5526}	{-0.0594}	{0.4853}
					{-0.463}			
بهداشت و درمان					(-0.4072)			
	{-1.523}	{-0.885}	{-0.2902}	{0.7072}	-	{0.3399}	{0.034}	{1.261}
						{-0.32}		
حمل و نقل و ارتباطات						(-0.2031)		
	{-3.3667}	{-1.424}	{-1.6904}	{-1.235}	{-0.6107}	-	{-0.2815}	{8.08}
							{-0.978}	
تفریحات، سرگرمی و فرهنگی							(-0.9511)	
	{-0.0232}	{-0.588}	{-0.135}	{-0.0407}	{0.4856}	{0.525}	-	{-0.0869}
								{-20.193}
دیگر کالاها								(-19.868)
	{6.5517}	{3.62}	{2.605}	{-0.4165}	{2.328}	{-0.729}	{0.6651}	-
کشش درآمدی	0.9136	0.9105	0.5301	0.5301	0.8472	0.8731	0.8665	4.8764

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده از جدول ۳ نشان می‌دهد کشش‌های خودی قیمتی در ایران که در قطر اصلی جدول آورده شده است، برای تمام زیرگروه‌ها منفی بوده که منطبق بر انتظارات تئوریک مصرف کننده است. کشش خودی قیمتی برای تمام زیرگروه‌ها غیر از زیرگروه

خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات و دیگر کالاها کمتر از ۱ است که نشان می‌دهد تقاضا در این زیرگروه‌ها بی‌کشش است؛ یعنی با تغییر ۱ درصد در قیمت کالا، تقاضای کالا کمتر از ۱ درصد تغییر می‌کند، اما در زیرگروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات و دیگر کالاها کشش بزرگ‌تر از ۱ است؛ یعنی این زیرگروه‌ها با کشش هستند و تغییر ۱ درصدی قیمت تقاضا بیشتر از ۱ درصد تغییر می‌کند.

از نکته قابل توجه در تفسیر کشش‌های محاسبه‌شده، اهمیت اولویت مصرف زیرگروه‌های مختلف با توجه به نوع و درجه مکملی و جانشینی بین آن‌هاست. با توجه به علامت کشش‌های متقاطع بین زیرگروه‌های مختلف، رابطه جانشینی و مکملی به شرح زیر است.

نتایج کشش متقاطع نشان می‌دهد که خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات با گروه‌های کفش و پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان و تفریحات، سرگرمی و فرهنگی رابطه مکملی و با حمل‌ونقل و ارتباطات، اثاث و لوازم منزل و دیگر کالاها رابطه جانشینی دارد. گروه کفش و پوشاک با گروه‌های خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، مسکن، بهداشت و درمان و تفریحات، سرگرمی و فرهنگی رابطه مکملی و با حمل‌ونقل و ارتباطات، اثاث و لوازم منزل و دیگر کالاها رابطه جانشینی دارد. گروه مسکن با اثاث و لوازم منزل، بهداشت و درمان، حمل‌ونقل و ارتباطات و دیگر کالاها رابطه مکملی و با خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، کفش و پوشاک و تفریحات، سرگرمی و فرهنگی رابطه جانشینی دارد. گروه اثاث و لوازم منزل با خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، کفش و پوشاک، مسکن و تفریحات، سرگرمی و فرهنگی رابطه مکملی و با بهداشت و درمان و حمل‌ونقل و ارتباطات و دیگر کالاها رابطه جانشینی دارد. گروه بهداشت و درمان با خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، کفش و پوشاک، مسکن و تفریحات، سرگرمی و فرهنگی رابطه مکملی و با حمل‌ونقل و ارتباطات، تفریحات، سرگرمی و فرهنگی و دیگر کالاها رابطه مکملی دارد. اثاث و لوازم منزل، حمل‌ونقل و ارتباطات با تفریحات، سرگرمی و فرهنگی و دیگر کالاها رابطه جانشینی دارد. حمل‌ونقل و ارتباطات با همه گروه‌ها غیر از دیگر کالاها رابطه مکملی دارد. تفریحات، سرگرمی و فرهنگی با خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، کفش و پوشاک، مسکن، اثاث و لوازم منزل و دیگر کالاها رابطه مکملی و با بهداشت و درمان و حمل‌ونقل و ارتباطات رابطه جانشینی دارد. گروه دیگر کالاها با اثاث و لوازم منزل و حمل‌ونقل رابطه مکملی و با دیگر کالاها رابطه جانشینی دارد.

اعداد جدول ۳ نشان می دهد که رابطه جانشینی یا مکملی بین دو گروه کالا در یک آزمون قوی تر از آزمون بعدی است که این نشان دهنده اولویت بالاتر گروه کالایی است که نتایج آزمون قوی تری دارد. برای مثال، در رابطه بین خوراکی ها و آشامیدنی ها و مسکن عدد منفی به دست آمده است، اما رابطه مسکن و خوراکی ها و آشامیدنی ها مثبت و به صورت قدر مطلق بزرگ تر است. بنابراین، نتیجه گرفته می شود بین مسکن و خوراکی ها و آشامیدنی ها رابطه جانشینی وجود دارد. همچنین، نتایج جدول ۳ نشان می دهد که در بعضی آزمون ها، ارتباط برخی گروه های کالایی نسبت به یکدیگر متفاوت است. برای مثال، خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات نسبت به مسکن مکمل هستند و مسکن نسبت به خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات جانشین است که این به دلیل استفاده از تقاضای معمولی و داده سازی برای گروه دیگر کالاها، طبیعی است.

همان طور که نتایج جدول ۳ نشان می دهد، اعداد کشش درآمدی تمام گروه کالاها غیر از گروه ۸ با اختلاف بسیار ناچیز از ۱ کمتر هستند. در واقع بسیار نزدیک به ۱ هستند. بنابراین، ۷ گروه اول کالایی در زمره کالاها ضروری قرار می گیرند و عدد کشش درآمدی گروه ۸ از یک بیشتر است. بنابراین، گروه ۸ در زمره کالاها لوکس قرار می گیرد. در خصوص سیاست های اقتصاد مقاومتی که بر اصلاح الگوی مصرف تأکید دارد، باید به این نکته توجه کرد که زمانی که سیاست اصلاح الگوی مصرف بر کالایی اعمال می شود، آن کالا جانشین یا مکمل دارد یا خیر؛ زیرا با اعمال سیاست اصلاح الگوی مصرف که بند ۸ سیاست های اقتصاد مقاومتی است، با افزایش قیمت کالایی که جانشین دارد، مصرف کالای جانشین افزایش می یابد و با افزایش قیمت کالایی که با کالای دیگر مکمل است، باعث کاهش مصرف هر دو کالا خواهد شد. بنابراین، در اعمال سیاست های اصلاح الگوی مصرف که یکی از بندهای اقتصاد مقاومتی است، باید به این نکته و روابط کالاها با یکدیگر توجه کرد تا سیاستی اتخاذ شود که بهترین نتیجه را می دهد.

برای رسیدن به بهترین سیاست در خصوص اصلاح الگوی مصرف باید به لوکس، ضروری و پست بودن کالاها توجه کرد که نتایج تحقیق این دسته بندی را برای کالاهای مختلف مشخص کرده است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به بند ۸ سیاست های اقتصاد مقاومتی که بر مدیریت مصرف و اجرای سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف تأکید می کند، چگونه مصرف کردن، چه چیزی مصرف کردن، شناسایی

نیازهای واقعی و رعایت اعتدال مهم و ضروری به شمار می‌آید. در این مطالعه، ساختار مصرف و تقاضای ۸ گروه کالایی شامل خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، کفش و پوشاک، مسکن، اثاث و لوازم منزل، بهداشت و درمان، حمل‌ونقل و ارتباطات، تفریحات، سرگرمی و فرهنگی و دیگر کالاهای خانوارهای ایرانی در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۵۰ در نظر گرفته شد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که کشش قیمتی مطابق با تئوری تقاضا در تمام گروه‌ها منفی است و با افزایش قیمت تقاضا برای گروه‌های کالایی کاهش می‌یابد. کشش خودی قیمتی برای تمام زیرگروه‌ها غیر از زیرگروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات و دیگر کالاها کمتر از ۱ است که نشان می‌دهد تقاضا در این زیرگروه‌ها بی‌کشش است؛ یعنی با تغییر ۱ درصد در قیمت کالا، تقاضای کالا کمتر از ۱ درصد تغییر می‌کند، اما در زیرگروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات و دیگر کالاها کشش بزرگ‌تر از ۱ است؛ یعنی این زیرگروه‌ها باکشش هستند و تغییر ۱ درصدی قیمت تقاضا بیشتر از ۱ درصد تغییر می‌کند.

نتایج کشش متقاطع نشان می‌دهد خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات با گروه‌های کفش و پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان و تفریحات، سرگرمی و فرهنگی رابطه مکملی و با حمل‌ونقل و ارتباطات، اثاث و لوازم منزل و دیگر کالاها رابطه جانشینی دارد. گروه کفش و پوشاک با خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، مسکن، بهداشت و درمان، تفریحات، سرگرمی و فرهنگی رابطه مکملی و با حمل‌ونقل و ارتباطات، اثاث و لوازم منزل و دیگر کالاها رابطه جانشینی دارد. گروه مسکن با اثاث و لوازم منزل، بهداشت و درمان، حمل‌ونقل و ارتباطات و دیگر کالاها رابطه مکملی و با خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، کفش و پوشاک و تفریحات، سرگرمی و فرهنگی رابطه جانشینی دارد. گروه اثاث و لوازم منزل با خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، کفش و پوشاک، مسکن و تفریحات، سرگرمی و فرهنگی رابطه مکملی و با بهداشت و درمان و حمل‌ونقل و ارتباطات و دیگر کالاها رابطه جانشینی دارد. گروه بهداشت و درمان با خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، کفش و پوشاک و مسکن رابطه مکملی و با حمل‌ونقل و ارتباطات، تفریحات، سرگرمی و فرهنگی و دیگر کالاها رابطه مکملی دارد. اثاث و لوازم منزل، حمل‌ونقل و ارتباطات با تفریحات، سرگرمی و فرهنگی و دیگر کالاها رابطه جانشینی دارد. حمل‌ونقل و ارتباطات با همه گروه‌ها غیر از دیگر کالاها رابطه مکملی دارد. تفریحات، سرگرمی و فرهنگی با خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، کفش و پوشاک، مسکن، اثاث و لوازم منزل و دیگر کالاها رابطه مکملی و با بهداشت و

درمان و حمل و نقل و ارتباطات رابطه جانشینی دارد. گروه دیگر کالاها با اثاث و لوازم منزل و حمل و نقل رابطه مکملی و با دیگر کالاها رابطه جانشینی دارد.

کشش درآمدی برای تمام گروه‌ها مثبت است و در تمام گروه‌های کالایی غیر از گروه ۸ با اختلاف ناچیز کمتر از ۱ است که نشان می‌دهد ۷ گروه اول کالایی ضروری است و در گروه ۸ با اختلاف ناچیز بیشتر از ۱ است که نشان می‌دهد گروه ۸ در زمره کالاهای لوکس قرار می‌گیرد. بنابراین، رشد درآمد تأثیر مثبت بر تقاضای این گروه کالاها دارد و باید در سیاست‌های درآمدی یا سیاست‌هایی که با افزایش نقدینگی خانوارها در ارتباط است، کشش‌های به دست آمده را در نظر گرفت.

ردیف	سیاست‌های پیشنهادی
۱	کشش قیمتی محاسبه شده گروه‌های کالایی ۲ تا ۷ نشان می‌دهد که تقاضای این کالاها بی‌کشش است. گروه بهداشت و درمان در این دسته از کالاها قرار دارد. در صورت نبود سیاست‌های حمایتی مناسب، هزینه ناشی از افزایش قیمت کالاهای گروه بهداشت و درمان به مصرف‌کنندگان منتقل خواهد شد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران با اتخاذ سیاست‌های حمایتی مناسب برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد و حمایت از مصرف‌کنندگان این گروه کالایی، از افزایش شدید قیمت این گروه از کالاهای ضروری جلوگیری کنند.
۲	با توجه به بی‌کشش بودن تقاضا برای کالاهای گروه ۲ تا ۷ و لزوم دسترسی تمام افراد جامعه به حداقل مصرف این گروه‌های کالایی پیشنهاد می‌شود برای اصلاح الگوی مصرف این گروه کالاها، از سیاست‌های قیمتی استفاده نشود و اصلاح الگوی مصرف این گروه‌های کالایی از طریق ابزارهای غیرقیمتی از جمله فرهنگ‌سازی صورت پذیرد.
۳	با توجه به کشش‌پذیر بودن تقاضا برای گروه کالایی ۱ و ۸، اصلاح الگوی مصرف این گروه‌های کالایی با سیاست‌های قیمتی میسر است؛ البته در صورت به کارگیری سیاست‌های قیمتی برای اصلاح الگوی مصرف این گروه‌های کالایی، لازم است افزایش هزینه مصرف‌کنندگان بعضی از کالاهای موجود در این گروه‌ها از جمله کالاهای خوراکی و آشامیدنی ضروری برای گروه‌های کم‌درآمد جبران شود.

یادداشت‌ها

۱. این مقاله از پایان‌نامه دکتری مهناز سرخوندی با راهنمایی دکتر کیومرث سهیلی و مشاوره دکتر شهرام فتاحی در دانشگاه رازی استخراج شده است.

2. Deaton & Muellbauer
3. AIDS
4. Tiffin & Tiffin
5. Hayes et al.
6. Blanciforti et al.
7. Price Independent General Logarithm
8. PIGLOG
9. Muellbauer
10. Kronocker Delta
11. SUR
12. Zelner
13. Breusch & Pagan

کتابنامه

- اشرف‌زاده، سید حمیدرضا؛ و مهرگان، نادر (۱۳۸۷). *اقتصادسنجی پانل دیتا*. دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران: موسسه تحقیقات تعاون.
- پژویان، جمشید؛ و احمدی، سید محمد مهدی (۱۳۹۳). برآورد کششهای قیمتی و درآمدی گروه‌های مصرفی خانوارهای شهری با استفاده از سیستم تقاضای ایده‌آل مبتنی بر داده‌های تابلویی. *فصلنامه علوم اقتصادی*، ۸ (۲۶)، ۱۳-۳۱.
- حسن‌پور، ابراهیم؛ و خالدی، محمد (۱۳۷۹). بررسی ساختار تقاضای گروه‌های اصلی کالا و خدمات مصرفی خانوارهای شهری در ایران. *مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی مشهد*.
- خسروی نژاد، علی اکبر (۱۳۸۳). اثرات ناشی از کاهش یا حذف یارانه (در گروه کالاهای خوراکی) بر روی خانوارهای شهری ایران در چهارچوب شاخص هزینه زندگی و سیستم معادلات تقاضا. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران.
- شاه آبادی، ابوالفضل؛ سبحانی، بهرام؛ سلمانی، یونس؛ و ولی‌نیا، آرش. (۱۳۹۶). برآورد کشش‌های تقاضای بیمه‌های اشخاص و اندازه‌گیری اثرات رفاهی افزایش حق بیمه‌ها: کاربردی از سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل. *پژوهشنامه بیمه (صنعت بیمه)* ۳۳ (۲)، ۱-۲۰.

شکیبایی، علیرضا؛ حری، حمیدرضا؛ و ایرانی کرمانی، فاطمه (۱۳۸۵). برآورد کشش های تقاضای خدمات درمانی با استفاده از مدل تقاضای AIDS. *فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران* (۲۷)، ۱۹۹-۲۳۰.

صدیقی، حمید (۱۳۸۸). *اقتصادسنجی کاربردی رهیافت کاربردی*. ترجمه شیرین بخش، شمس الله. قم: انتشارات آوار نور.

صمدی، علی حسین (۱۳۸۳). ارزیابی انتقادی کاربرد سیستم تقاضای تقریباً ایده آل AIDS در تحلیل رفتار مصرفی: مطالعه موردی خانوارهای شهری و روستایی استان کهگیلویه و بویر احمد. *فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران*، ۶ (۲۰)، ۱۵۷-۱۸۷.

عباسی نژاد حسین؛ و تشکینی، احمد (۱۳۸۹). *اقتصاد سنجی کاربردی (پیشرفته)*. چاپ اول، تهران: انتشارات نور علم.

عزیزی، جعفر؛ و ترکمانی، جواد (۱۳۸۰). تخمین توابع تقاضای انواع گوشت در ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۹ (۳۴)، ۲۱۷-۲۳۷.

قربانی، محمد، شکری، الهام و مطلبی، مرضیه (۱۳۸۹). الگوی تصحیح خطای سیستم تقاضای تقریباً ایده آل برای انواع گوشت در ایران. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، (۶۹)، ۱۳۲-۱۱۲.

کهنسال، محمد رضا؛ و هاتف، حکیمه (۱۳۸۴). بررسی شکاف تقاضای گروه های عمده شهری و روستایی در ایران (تحلیلی بر سیاست هدفمند نمودن یارانه ها). *پنجمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*.

مجاور حسینی، فرشید (۱۳۸۶). برآورد کشش های قیمتی و درآمدی برای گروه کالاهای خوراکی و غیرخوراکی با استفاده از سیستم تقاضای تقریباً ایده آل. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۵ (۵۷)، ۱۹۹-۲۲۴.

محمدی، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی روند و کشش مخارج آموزش عمومی در سبد مصرفی خانوار. *محلّه تعلیم و تربیت*، (۱۰۴)، ۹۱ - ۱۱۶.

- Abbasi-Nejad, H and Tashkini, A. (2010). *Applied econometrics (advanced)*. First Edition. Tehran: Noor Elm Publications. (In Persian)
- Ashrafzadeh, S. H. and Mehregan, N. (2008). *Panel data econometrics*. University of Tehran. First Edition. Tehran: Taavoon Research Institute. (In Persian)
- Azizi, J and Torkmani, J. (2001). Estimation of demand functions for different types of meat in Iran. *Agricultural Economics and Development*, 9 (34) , 217-237. (In Persian)
- Blanciforti, L. A., Green, R. D., & King, G. A. (1986). US consumer behavior over the postwar period: an almost ideal demand system analysis. *Monograph*

- Breusch, T.S. and Pagan, A.R. (1979). A Simple Test for Heteroscedasticity and Random Coefficient Variation. *Econometrica*, 47, 1287-1294.
- Deaton and Muellbauer, J. (1980). An Almost Ideal Demand System. *American Economic Review*, 70, 312-36.
- Deaton, A., and Muellbauer, J. (1980). An almost ideal demand system. *The American economic review*, 70(3), 312-326.
- Ghorbani, M, Shokri, E and Motalebi, M. (2010). A model of almost ideal demand error correction system for different types of Meat in Iran. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 69, 132-112. (In Persian)
- Hassan-Pour, E and Khaledi, M. (2000). Investigating the demand structure of the main groups of goods and consumer services of urban households in Iran. *Proceedings of the Third Agricultural Economics Conference, Mashhad*. (In Persian)
- Hayes, D. J., Wahl, T. I., & Williams, G. W. (1990). Testing restrictions on a model of Japanese meat demand. *American Journal of Agricultural Economics*, 72(3), 556-566.
- Khosravi-Nejad, A.A. (2004). *Effects of reducing or eliminating subsidies (in the group of foodstuffs) on urban households in Iran within the framework of the cost of living index and the system of demand equations*. Ph.D. Thesis . Islamic Azad university. Science and Research Branch. Tehran. (In Persian)
- Kohansal, M, R, Hatef, H. (2005). Investigating the Demand Gap of Major Urban and Rural Groups in Iran (An Analysis on Subsidy Targeting Policy). *Fifth Iranian Agricultural Economics Conference*. (In Persian)
- Mohammadi, A (2010). Investigating the trend and elasticity of public education expenditure in the household consumption basket. *Journal of Education*, 104, 91-116. (In Persian)
- Mojaver-Hosseini, F. (2007). Estimating price and revenue elasticities for the group of food and non-food goods using an almost ideal demand system. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 15 (57), 199-224. (In Persian)
- Motafker-Azad, Mohammad Ali; Aghajani, Habib and Kazem Amjadi. (2007). The investigation and analysis of demand function and consumption behavior of urban households. *Productivity Management* 2, 199-226. (In Persian)
- Pajouyan J. and Ahmadi S.M.M.(2014) Estimation of price and income elasticities of consumption groups of urban households using almost ideal demand system based on panel data, *Financial Economics*, 8(26),13-32. (In Persian)
- Samadi, Ali Hussein (2004). A critical review of almost ideal demand system (AIDS) Application in consumer demand analysis: A case study of urban and rural Households of Kohghilouye-and- Boyer-Ahmad Province. *Iranian Journal of Economic Research*, 6 (20), 157-187. (In Persian)
- Shahabadi A., Sahabi B., Salmani Y., and Valinia A. (2017), Estimation of individual insurance dElasticities and measuring the welfare impact of premium increases: An application of almost ideal demand system. *Iranian Journal of Insurance Research*, 6(2), 1-20. (In Persian)
- Shakibaei, A, Hori, H and Irani Kermani, F.(2006). Estimation of elasticities of demand for health services using AIDS model. *Iranian Journal of Economic Research*, 27, 199-230. (In Persian)
- Tiffin, A., & Tiffin, R. (1999). Estimates of food demand elasticities for Great Britain: 1972–1994. *Journal of Agricultural Economics*, 50(1), 140-147.

Prohibition of interest as the wisdom of the "SHAR'E" in order to prevent the interaction of the speculator and the bank in creating a periodic phenomenon of "dislocation of the measure of value"

Mehdi Razmahang*
Hasan Sobhani**

Abstract

Economic societies have always experienced and will continue to experience deepening inequalities in the wake of repeated financial and banking crises. The specific question of the present study is which factors cause the metric of value to be dislocated during crises, and then, in what process, the value metric is re-established in the economic environment. To answer the above question, the library and documentary method has been used and to explain the concept of value metric, Allamah Tabatabaee's views have been referred to. The result of the research is that the flexible creation of credit by the bank, on the one hand, and the self-referentiality of speculation, on the other hand, lead to the occasional occurrence of monetary crises. Following each monetary crisis, we can only say that the initial and common understanding of the actors of metric has disappeared and in fact, there has been a revolution in the actors' understanding of the metric, so that the possibility to show the overall change in the metric through a definite, detectable, and measurable quantity is essentially eliminated. Under these circumstances, the metric, which was previously an objective being, now becomes a subjective being. Following the dislocation of the metric and the disappearance of the common understanding of the actors, self-reinforcing mechanisms will immediately start working and the inevitable result of which are: 1. Intrinsic increase of inequalities 2. Increasing dominance of the financial sector over the real sector of the economy.

Keywords: Bank, speculator, value metric, money, point of reference.

* Ph.D in economics, faculty of economics, Tehran university, Tehran, Iran and Director of the International Economics Department of the Islamic Council Research Center.

mehdi.razm@gmail.com, razmahang@ut.ac.ir

 0000-0003-2572-7399

** Professor of Economics, Faculty of Economics, University of Tehran, Tehran, Iran.

sobhanihs@ut.ac.ir

 0009-0008-7912-1185

Accepted: 2023/05/20

Received: 2022/07/01

ممنوعیت بهره به مثابه حکمت شارع در راستای جلوگیری از کنش متقابل سفته باز و بانک در ایجاد ادواری پدیده «ازجادر رفتگی سنجه ارزش»

مهدی رزم آهنگ*

حسن سبحانی**

چکیده

جوامع اقتصادی همواره متعاقب بحران‌های مالی و بانکی تکرار شوند، تعمیق نابرابری‌ها را تجربه کرده‌اند و خواهند کرد. پرسش مشخص پژوهش حاضر این است که کدام عوامل باعث می‌شوند معیار محاسبه ارزش در خلال بحران‌ها، نوبه‌نو دچار ازجادر رفتگی شود و در ادامه، در چه روندی دوباره سنجه ارزش در محیط اقتصاد استقرار جدید می‌یابد؟ برای پاسخ به این پرسش، روش کتابخانه‌ای و اسنادی مورد استفاده قرار گرفته و برای تبیین مفهوم سنجه ارزش، به آرای علامه طباطبائی مراجعه شده است. نتیجه پژوهش این است که خلق منعطف اعتبار توسط نهاد بانک ازسویی و به خودارجاعی سفته‌بازی از سوی دیگر، به صورت توأمان منجر به بروز گاه‌به‌گاه بحران‌های پولی می‌شوند. متعاقب بروز هر بحران پولی تنها می‌توان گفت که فهم اولیه و مشترک کنشگران از سنجه محو و نابود شده و درحقیقت، انقلابی در فهم کنشگران از سنجه رخ داده است؛ به طوری که امکان نمایش میزان تغییر کلی در سنجه با کمیته مشخص، قابل کشف و قابل محاسبه اساساً متفی است. در این شرایط، سنجه که تا پیش‌ازاین موجودیتی عینی بوده، اکنون به موجودیتی ذهنی تبدیل شده است. متعاقب از جا در رفتن سنجه و ناپدید شدن فهم مشترک کنشگران از آن، بلافاصله سازوکارهای خودتقویتگر به کار می‌افتند که نتیجه حتمی آن‌ها، افزایش ذاتی نابرابری‌ها و تفوق روزافزون بخش مالی بر بخش حقیقی اقتصاد است.

واژگان کلیدی: بانک؛ سفته‌باز؛ سنجه ارزش؛ پول؛ نقطه ارجاع.

* دکتری علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران، مدیر گروه اقتصاد بین‌الملل مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (نویسنده مسئول).

mehdi.razm@gmail.com; razmahang@ut.ac.ir  0000-0003-2572-7399

** عضو هیئت علمی، استاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

sobhanihs@ut.ac.ir  0009-0008-7912-1185

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

نابسامانی اقتصادی مانند افزایش افسارگسیخته قیمت دارایی‌های سرمایه‌ای، سفته‌بازی‌های گسترده، نابرابری‌های درآمدی، دوره‌های رونق و رکود و از همه مهم‌تر، بحران‌های مالی و بانکی تبدیل به رویدادهای تکرارشونده جوامع اقتصادی شده‌اند. رینهارت و راگاف نشان داده‌اند که از سال‌های ۱۹۰۱ تا ۲۰۰۰، حدود ۲۶۳ بحران بانکی در ۱۳۰ کشور جهان تجربه شده است. بررسی آمارها نشان می‌دهد که تواتر و عمق بحران‌های مالی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به شدت افزایش یافته است؛ به طوری که در دهه ۱۹۸۰، ۶۴ کشور و در دهه ۱۹۹۰، ۸۲ کشور درگیر بحران‌های بانکی بوده‌اند. به عبارت دیگر، در این ۱۰۰ سال، بحران بانکی پدیده‌ای متداول در بیشتر اقتصادهای دنیا بوده است. قرن ۲۱ نیز از این دست بلایا مصون نبوده است؛ بحران مالی سال ۲۰۰۸ آمریکا و سرریز گسترده پیامدهای آن به اقتصاد بیشتر کشورها، مثال بارزی از تعدی بخش پولی و مالی اقتصاد بر معیشت جوامع است (Reinhart & Rogoff, 2009, pp. 348- 392). بررسی‌های لاون و والنسیا در قالب گزارش صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که از سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۷، در سراسر جهان، ۱۵۱ بحران بانکی فراگیر رخ داده است (Laeven & Valencia, 2018, p. 1).

بحران‌های مالی و بانکی عامل زیربنایی و اصلی شکل‌گیری نابرابری‌ها در جوامع هستند؛ زیرا در بنبوچه این بحران‌ها، معیار محاسبه ارزش کارکرد خود را از دست می‌دهد و پس از کش‌ها و واکنش‌های متعدد اجتماعی و اقتصادی، معیار محاسبه ارزش واجد ساخت جدیدی خواهد شد. پرسش مشخص پژوهش حاضر این است که کدام عوامل باعث می‌شوند معیار محاسبه ارزش یا همان سنجه ارزش، نوبه‌نو دچار ازجادررفتگی (این مفهوم در خلال پژوهش توضیح داده خواهد شد) شود و در ادامه، در چه روندی دوباره سنجه ارزش در محیط اقتصاد استقرار جدید می‌یابد؟ وجه نوآوری پژوهش این است که برای تبیین مفهوم سنجه ارزش، به آرای فیلسوف و مفسر بزرگ قرآن کریم، علامه طباطبایی مراجعه شده است. در این پژوهش توضیح داده شده است که پول به‌عنوان معیار سنجش ارزش تنها زمانی می‌تواند کارکرد اصلی خود را به‌خوبی ایفا کند که فهم مشترکی از آن در ذهن کنشگران شکل بگیرد. چنانچه عامل یا عواملی باعث شوند که فهم مشترک کنشگران از سنجه (معیار سنجش ارزش) محو و ناپدید شود (یا به عبارت دیگر، «از جا در رفتن سنجه»)، آنگاه پول کارکرد اصلی خود را از دست خواهد داد و تا زمانی که دوباره فهم مشترکی از سنجه در ذهن کنشگران پدید نیاید، بروز دو رویداد

نابهنجار محتوم و قطعی خواهد بود. الف. تعمیق نابرابری‌ها و قطبی شدن جایگاه اقتصادی فرادستان و فرودستان و ب. تفوق روزافزون بخش مالی بر بخش حقیقی اقتصاد. درحقیقت، دو مورد بالا پیامد اقتصادی-اجتماعی از جا در رفتن ادواری سنجه در ساختار کنونی نظام پولی و مالی هستند؛ ساختاری که در آن، قیمت دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای در نتیجه عملکرد سفته‌بازان و بدون هیچ نسبتی با اقتصاد واقعی، دستخوش تغییرات انفجاری می‌شود و این افزایش قیمت‌ها از ناحیه بانک و از طریق خلق «درون‌زا»ی اعتبار پشتیبانی می‌شود.

توالی مباحث پژوهش به این شرح است. در بخش نخست، مبانی نظری پژوهش ذیل چهار محور مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش دوم، مبانی نظری چهارگانه تجمع می‌شود و پدیده «ازجادر رفتگی سنجه ارزش» و پیامدهای آن مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش سوم بیان می‌شود که بر پایه منطق عقلی و همچنین، از منظر شارع، هر عاملی که منجر به از جا در رفتن سنجه شود، محکوم است. در بخش چهارم، راهکارهای کنترل و کاهش پیامدهای اقتصادی-اجتماعی از جا در رفتن ادواری سنجه مورد بحث قرار می‌گیرد و درنهایت، محتوای پژوهش جمع‌بندی می‌شود.

۱. مبانی نظری

در این بخش، ذیل چهار محور، مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. پول اولاً و بالذات معیار محاسبه ارزش است

نظریه اعتباری پول در یک اختلاف زیربنایی با نظریه کالایی، بین پول و عینیتی که کارکرد پولی بر آن وضع شده است (ماده پولی)^۱، تفکیک قائل می‌شود و معتقد است در بحث ماهیت پول، عینیت آن در درجه دوم اهمیت قرار دارد. اندیشمندان مدافع نظریه اعتباری پول، تعبیر ارزشمندی درباره ماهیت پول بیان کرده‌اند. زیمل^۲ بر این باور است که «روزی پیشرفت فناوری، پول را از شکل فیزیکی آن آزاد می‌کند. آنگاه حقیقت پول به‌عنوان پدیده اجتماعی و نه شیئی فیزیکی آشکار خواهد شد» (Simmel, 1978, p. 165). «پول ارزش اشیاست به‌دور از خود آن‌ها». «پول نمایان‌کننده ارزش انتزاعی است» (Simmel, 1978, p. 120). «پول طلبی از جامعه است؛ به‌طوری‌که نام صادرکننده از آن حذف شده است» (Simmel, 1978, p. 177). بل^۳ پول را ماهیتاً رابطه بدهی یا تعهد به پرداخت می‌داند که

بین نوع بشر جریان دارد (Bell, 2001, p. 497). سیرله^۵ پول را حقیقت اجتماعی^۶ منبعث از روابط اجتماعی و سیاسی می‌داند. وی این گزاره را رد می‌کند که «اگر یک موجودیت بر اساس ویژگی‌های فیزیکی خود تعریف نشود، نمی‌تواند وصف "حقیقی" به خود بگیرد و بر جهان فیزیکی اثرگذار باشد». وی معتقد است که اثرگذاری حقیقی بر عالم فیزیکی، ویژگی تمام نهادها، روابط و حقایق اجتماعی است. در تعریفی گویاتر، وی پول را حقیقتی اجتماعی می‌داند که بر اساس قرارداد و پذیرش اجتماعی قوام می‌گیرد نه بر اساس قواعد طبیعت. به عبارت دیگر، قوام پول به هدفمندی جمعی^۶ و تبعیت از قواعد و هنجارهای رفتاری^۷ است (Searle, 2005, p. 19). از تعابیر فوق مشخص است که در نگاه مدافعان نظریه اعتباری، پول ذاتاً معیاری انتزاعی از ارزش و متکی بر رابطه‌ای اعتباری است و از این رو ماهیتاً متفاوت از دیگر کالاهاست و این ماهیت را باید متنوع از جهان فیزیکی در نظر گرفت.

یکی از محورهای اختلافی نظریه‌های کالایی و اعتباری پول، تفسیر آن‌ها از کارکرد اصلی پول است. در مقابل تأکید رویکرد کالایی بر نقش پول به عنوان «واسطه مبادله»، نظریه‌پردازان اعتباری کارکرد اصلی پول را ایفای نقش آن به عنوان «معیار (واحد محاسبه) ارزش» می‌دانند. کَنپ (۱۹۲۴) پول را پیامد مبادله بازاری نمی‌داند، بلکه جوهره اصلی پول را معیار محاسباتی معرفی می‌کند و معتقد است این معیار مقدم بر بازار است (Knapp, 1924, p. 25). کینز (۱۹۳۰) با نگارش رساله‌ای درباره پول با رد صریح طرز فکر متعارف (مبنی بر اینکه کارکرد محوری پول، نقش آن به عنوان «واسطه مبادله» است، بیان می‌دارد «پول حسابی (معیار محاسبه ارزش) یعنی آن چیزی که بدهی‌ها، قیمت‌ها و قدرت خرید با آن بیان می‌شوند، مفهوم اساسی در نظریه پول است» (Keynes, 1930, p. 3). به زعم وی، «آنچه با تحویل آن، قراردادهای بدهی و قراردادهای قیمت، تأدیه می‌شوند... تخصیص‌اش را از رابطه‌اش با پول حسابی می‌گیرد؛ زیرا بدهی‌ها و قیمت‌ها باید ابتدا بر حسب پول حسابی بیان شده باشند». به طور خلاصه، «زمانی انتقال از "عصر تهاتر" به "عصر پول" رخ داد که بشر نوعی پول حسابی را پذیرفت» (Keynes, 1930, p. 5).

۲-۱. سفته‌بازی؛ راهبرد به خودارجاع

نوسان‌های گسترده بازارهای مالی در بیشتر کشورها در دهه‌های متمادی، بیش از آنکه بر اساس فهم نئوکلاسیکی از اقتصاد توضیح‌دانی باشد، با تبیین‌های اقتصادی بدیل قرابت و

تناسب دارد. یکی از این چهارچوب‌های تحلیلی بدیل، رویکرد جامعه‌شناسانه به انسان اقتصادی است. این رویکرد دانشی میان‌رشته‌ای است که به مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده‌های اقتصادی می‌پردازد. وجه تمایز آن با علم اقتصاد متعارف، توجه به نقشی است که روابط و نهادهای اجتماعی در اقتصاد ایفا می‌کنند. زندگی در جامعه به معنای ارتباط با انسان‌های دیگر و شرکت در نهادهای اجتماعی آن‌هاست. این موضوع عمیقاً فعالیت‌های اقتصادی تمام کنشگران این عرصه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سوندبرگ، ۱۳۹۴، ص. ۱۱). در این رویکرد بدیل، اساساً وجود «انسان اقتصادی تنها یا ایزوله» متصور نیست که بتوان انگیزه کنش و مبانی رفتاری او را به صورت مجزا از دیگر کنشگران مورد تحلیل قرار داد، بلکه در مقابل، در این رویکرد نظری، انسان به عنوان موجودی اجتماعی و واجد فهم و کنش اساساً اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

این چهارچوب، کنش اقتصادی انسان‌ها را در قالب نهادهای اجتماعی تحلیل می‌کند. در ادامه، بر اساس این چهارچوب نظری توضیح خواهیم داد که راهبرد معامله کوتاه مدت در بازارهای مالی از منطقی پیروی می‌کند که هیچ نسبتی با انگاره «خودتنظیم‌گری بازار» ندارد. «به خودارجاعی پدیده سفته‌بازی» عنوانی است که به خوبی مدعای فوق را توضیح می‌دهد. در ادامه، ذیل دو محور، به تبیین مفهوم «به خودارجاعی پدیده سفته‌بازی» می‌پردازیم.

۱-۲-۱. تمایز نقطه ارجاع کنشگر اقتصادی در رویکرد سفته‌بازی و سرمایه‌گذاری بلندمدت

در راهبرد سرمایه‌گذاری بلندمدت، سرمایه‌گذار با بررسی مجموعه‌ای از پارامترها اعم از وضعیت فناوری، نیاز آینده به کالاها و خدمات، سلیقه مشتریان، سیاست‌های دولت در حوزه‌های واردات و صادرات، سیاست‌های دولت در حوزه‌های پولی و بانکی و... تصمیم به سرمایه‌گذاری واقعی در صنعتی خاص می‌گیرد. این تصمیم تنها در صورتی اتخاذ می‌شود که درآمدهای آتی انتظاری حاصل از این سرمایه‌گذاری از قیمت خرید منابع مورد نیاز برای شروع به کار کارخانه (اعم از زمین، تجهیزات، وجوه مالی و...) بیشتر باشد. در چنین شرایطی، نقطه ارجاع سرمایه‌گذار برای تصمیم به ورود یا عدم ورود به این سرمایه‌گذاری، وضعیت آتی اقتصاد واقعی است. برای مثال، وی نوسانات لحظه‌ای قیمت مواد اولیه را در فرایند تصمیم‌گیری خود وارد نمی‌کند.

در راهبرد سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت مالی (سفته‌بازی)، هدف، کسب جریان درآمدی از دارایی مالی نیست، بلکه هدف، کسب سود لحظه‌ای از نوسانات قیمت دارایی است. در چنین راهبردی، نقطه ارجاع کنشگر اقتصادی خارج از بازار مالی نیست، بلکه وی باید دائم جهت حرکت دیگر کنشگران را پیش‌بینی کند و بر اساس آن، اقدام به خرید و فروش دارایی‌های مالی کند.

تفکیک فوق یک دلالت مهم دارد؛ دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای ماهیتی دوگانه دارند. چنین دارایی‌هایی در آن واحد نقش سرمایه‌گذاری بلندمدت یا دارایی نقدشونده به خود می‌گیرند. زمانی که دارایی مالی نقش سرمایه‌گذاری بلندمدت به خود می‌گیرد، مالک آن از دریچه «آینده» به «حال» نگاه می‌کند و نقطه ارجاع وی، «پیش‌بینی وضعیت آینده اقتصاد واقعی» است. در مقابل، زمانی که دارایی مالی نقش دارایی نقدشونده را ایفا می‌کند، سفته‌باز از دریچه «حال» به «آینده» نگاه می‌کند و نقطه ارجاع وی، جهت‌گیری ذهنی و تصمیمات لحظه‌ای هم‌قطاران است. سفته‌باز به جای پیش‌بینی وضعیت آتی اقتصاد واقعی، تلاش می‌کند ذهنیت و تصمیمات کوتاه‌مدت دیگر کنشگران را به بهترین وجه تحلیل کند و بر اساس آن، موقعیت خرید یا فروش بگیرد (Keynes, 2018 (1936), p. 139).

۲-۲-۱. به‌خودارجاعی و گمان عرفی^۸

به‌خودارجاعی به این معناست که انسان اجتماعی در گرایش به تصاحب عینیتی که اولاً، واجد ویژگی نقدشوندگی است و ثانیاً، قیمت آن در حال افزایش است (دارایی‌های مالی واجد این دو ویژگی هستند)، توجهی به ماهیت آن عینیت (یا به تعبیر تفکر نئوکلاسیکی، ارزش انضمامی آن) ندارد، بلکه نقطه ارجاع وی در گرایش به آن عینیت، گرایش دیگران به آن است. از آنجاکه «گرایش دیگران» نیز زاییده اذهان کنشگران است، هر لحظه دستخوش تغییر و تحول می‌شود. از این‌رو در بازارهای «به‌خودارجاع»، کنشگران برای انتخاب کنش، به نقطه‌ای برون‌زا، ثابت و میخ‌کوب‌شده نگاه نمی‌کنند، بلکه به نقطه‌ای سیال و درون‌زا توجه می‌کنند که «گرایش دیگر کنشگران» در آن متجلی شده است. این نقطه، همان قیمت دارایی‌های مالی است. در چنین بازاری، به‌محض اینکه اطلاعات جدیدی درباره شرکت تولیدی به دست می‌آید (برای مثال، خبری مبنی بر اینکه شرکت به فناوری جدیدی در تولید دست یافته است)، سفته‌باز به‌جای بررسی تأثیر آن خبر بر آینده تولید شرکت (به‌عنوان یک

نقطه ارجاع بیرون از بازار) تنها می‌کوشد واکنش بازار به آن خبر را مورد تحلیل و پیش‌بینی قرار دهد.

کینز، چگونگی شکل‌گیری قیمت در بازار مشحون از سفته‌بازی و به‌طور خاص ویژگی به‌خودارجاعی آن را در قالب مثال توضیح داده است؛ «سرمایه‌گذاری حرفه‌ای را می‌توان به‌نوعی به مسابقه تشخیص زیبایی تشبیه کنیم که در آن باید شش چهره زیبا از میان صد قطعه عکس انتخاب شود. جایزه این مسابقه به کسی تعلق می‌گیرد که انتخاب وی به ترجیحات متوسط دیگر رقبا نزدیک‌تر باشد. در نتیجه، هر شرکت‌کننده در فرایند انتخاب شش چهره زیبا باید بکوشد ذهن دیگر رقبا را بخواند و پیش‌بینی کند که احتمالاً، کدام عکس‌ها بیشترین توجه را به خود جلب می‌کنند نه اینکه نظر شخصی خود را در انتخاب عکس‌ها مبنا قرار دهد. همه رقبا از همین زاویه به موضوع می‌نگرند. در چنین مسابقه‌ای، موضوع این نیست که هر شرکت‌کننده بر اساس نظر شخصی خود، زیباترین چهره‌ها را انتخاب کند. حتی به دست آوردن میانگین نظر جمع درباره زیباترین چهره‌ها نیز موضوع این مسابقه نیست، بلکه در اینجا آنچه اهمیت دارد، درجه سوم آگاهی است. به این معنا که هر شرکت‌کننده باید تمام دقت خود را به کار گیرد تا «انتظار نظر میانگین» از «نظر میانگین» را پیش‌بینی کند» (Keynes, 2018 (1936), p. 137).

در مثال بالا، اگر از شرکت‌کنندگان مسابقه خواسته شود که زیباترین چهره‌ها را بر اساس نظر شخصی خود انتخاب کنند، آنگاه سازوکار مسابقه کاملاً متحول می‌شود. در اینجا، شرکت‌کنندگان نیازی ندارند که ذهنیت یکدیگر را پیش‌بینی کنند و در نتیجه، مؤلفه زیبایی که ویژگی‌ای برون‌زاست (هرچند که سلیقه افراد در موضوع زیبایی متفاوت است)، تعیین می‌کند که کدام عکس‌ها برگزیده شوند. این سازوکار انتخاب، مشابه راهبرد سرمایه‌گذاری بلندمدت در بازار دارایی است؛ زیرا در این راهبرد سرمایه‌گذاران تلاش می‌کنند آینده اقتصاد واقعی را مورد پیش‌بینی قرار دهند، اما در مثال کینز، نقطه ارجاع شرکت‌کنندگان، خروجی تعاملات ذهنی خود آنهاست.

در رویکرد نئوکلاسیکی فرض بر این است که هریک از کنشگران بازار مالی بر اساس تخمین خود از ارزش انضمامی هر سهم عمل می‌کند. این تخمین را می‌توان «گمان ابتدایی»^۹ نامید. همچنین، بر اساس فرض «احتمال‌پذیری آینده» گفته می‌شود که تخمین همه کنشگران از ارزش انضمامی هر سهم مشابه یکدیگر خواهد بود. چنین نگاهی مشابه این است که در

تمثیل کینز، اولاً، هریک از شرکت‌کنندگان بر اساس نظر شخصی خود زیباترین چهره‌ها را انتخاب کند و ثانیاً، انتخاب همه کنشگران مشترک باشد. دانش مشترک و مشابه کنشگران از ارزش انضمامی دارایی‌های مالی یکی از بنیان‌های اقتصاد نئوکلاسیکی است، اما آیا این سطح از هماهنگی و اشتراک نظر، تناسبی با اقتصاد واقعی دارد؟ رویکرد بدیل به این پرسش پاسخ منفی می‌دهد؛ زیرا معتقد است ارزش هر دارایی مالی بستگی به محاسبات ذهنی هر کنشگر دارد و به‌طور خاص در راهبرد سفته‌بازی هرکس می‌کوشد خود را در جایگاه بالاتری از نردبان آگاهی (پیش‌بینی هر کنشگر از رفتار بازار) قرار دهد. در این راهبرد، گام نخست حرکت، شکل‌دهی گمان ابتدایی نیست، بلکه هر کنشگر ابتدابه‌ساکن، «گمان»ی را شکل می‌دهد که موضوع آن، «گمان دیگران» است. این گام را می‌توان «گمان درجه دوم»^{۱۰} دانست. حال اگر کنشگر بخواهد بر اساس این گام جلو برود، درحقیقت، فرض کرده است که دیگران بر اساس «گمان ابتدایی» خود عمل خواهند کرد درحالی‌که چنین فرضی دور از واقعیت است. در اینجا فرایندی شکل می‌گیرد که در آن، هر کنشگر می‌کوشد در درجه بالاتری از آگاهی نسبت به دیگران قرار بگیرد. به عبارت دیگر، هر سفته‌باز تلاش می‌کند گمان جمع را پیش‌بینی و بر اساس آن، اقدام به معامله کند. نتیجه توالی روند برتری‌جویی به این صورت خواهد بود؛ چنانچه هریک از کنشگران ذهن خود را بر پیش‌بینی گمان درجه n بازار متمرکز کرده باشد، راهبرد بهینه و عامل پیروزی کنشگر نوعی این است که گمان درجه $n+1$ را شکل دهد. این روند هیچ انتهای نخواهد داشت؛ دقیقاً مشابه انعکاس متقابل تصویر دو آینه‌ای که روبه‌روی یکدیگر قرار گرفته‌اند (Orléan, 2014, pp. 213-214)

پیرو تبیین بالا این پرسش مطرح می‌شود که آیا برتری‌جویی مداوم کنشگران در دستیابی به آگاهی درجه بالاتر از دیگران، درنهایت، منتهی به وضعیت پایدار خواهد شد؟ به عبارت دیگر، بر اساس این یافته که سفته‌باز هیچ‌گونه ارزش ذاتی برای دارایی‌های مالی قائل نیست و تنها عامل مهم در تصمیم‌گیری وی برای اتخاذ موقعیت‌های مالی (خرید یا فروش)، پیش‌بینی دیگران از روند آینده بازار است، اکنون این پرسش مطرح می‌شود که **هماهنگی بین‌الذهانی** سفته‌بازان چگونه حاصل می‌شود؟ همچنان‌که در دنیای واقعی مشاهده می‌شود که سفته‌بازان هماهنگ با یکدیگر عمل می‌کنند حال آنکه ارتباط حداقلی با یکدیگر دارند.

برای پاسخ به پرسش‌های بالا می‌توان از یافته‌های نظریه بازی‌ها^{۱۱} و همچنین، اقتصاد تجربی^{۱۲} کمک گرفت. مسئله بالا مشابه بازی همکارانه است که در آن بازیگران قادر به ارتباط با یکدیگر نیستند. همچنین، هیچ‌یک از گزینه‌ها واجد ویژگی خاصی نیست. در این بازی، تنها در صورت شکل‌گیری انتخاب‌های مشابه، امکان انتفاع از نتایج بازی فراهم می‌شود. نکته مهم این است که در چنین بازی‌هایی، پیامد هریک از بازیگران به تناسب تعداد انتخاب‌های مشابه افزایش می‌یابد. در چنین موقعیت‌هایی، راهبرد بهینه این است که همه بازیگران به صورت اجماعی، یک گزینه خاص را انتخاب کنند. در موقعیت‌هایی مانند موارد یادشده در قسمت یادداشت‌های انتهایی^{۱۳}، نظریه بازی‌ها قادر به ارائه پاسخ مشخص نیست؛ زیرا هیچ‌یک از گزینه‌ها، ویژگی خاصی ندارد و بازیگران در انتخاب میان آن‌ها کاملاً بی تفاوت هستند. بررسی‌های اندیشمندان در حوزه اقتصاد تجربی نشان می‌دهد که در چنین موقعیت‌های ساختگی نیز امکان حصول هماهنگی و وحدت نظر وجود دارد. شلینگ بر این باور است که افراد قادرند انتظارات و اهداف خود را با دیگران هماهنگ کنند به شرطی که هریک از آن‌ها بدانند که دیگران نیز چنین قصدی دارند. بیشتر موقعیت‌ها (و چه بسا تمام موقعیت‌هایی که بازیگران در صدد دستیابی به اجماع هستند) واجد نشانه‌هایی هستند که می‌توانند رفتار بازیگران را هماهنگ کنند. این نشانه‌ها در حقیقت، نقاط کانونی^{۱۴} هستند که انتظار هر فرد در مورد انتظار دیگران از او در راستای اینکه انتظار داشته باشد که رفتار انتظاری چه خواهد بود، به آن نقطه ارجاع داده می‌شود. به عبارت دیگر، انتظار هر فرد از انتظار دیگران از خود او، ایجادکننده دور است که به صورت مداوم ادامه خواهد داشت، اما نقاط کانونی مندرج در هر موقعیت، به بازیگران کمک می‌کنند که از دور نامتناهی فوق خارج شوند و در نهایت، به انتخاب‌های مشابهی دست یابند. هر نقطه‌ای که بازیگران به صورت ظرفینی نقطه کانونی تلقی کنند، در نهایت، تبدیل به نقطه کانونی می‌شود. شکل‌گیری نقطه ارجاع بیش از آنکه بستگی به منطق داشته باشد، متأثر از «تصور و پندار»^{۱۵} است. این نقطه می‌تواند خروجی قیاس، سابقه (ذهنی، تاریخی و...)، نظم اتفاقی، تشابه، شکل هندسی و... بوده یا حتی از ویژگی گروه بازیگران (اینکه بازیگران از چه صنف و طبقه‌ای هستند) یا میزان آشنایی پیشینی آن‌ها با یکدیگر نشئت گرفته باشد. ویژگی اصلی همه نقاط کانونی برگزیده‌شده در بازی‌های همکارانه بالا، برجستگی و انگشت‌نما بودن آن‌هاست^{۱۶}. به عبارت دیگر، به محض اینکه بازیگران در معرض چنین بازی‌هایی قرار می‌گیرند، ابتدائاً در

ذهن خود به دنبال یک نقطه قانونی می‌گردند تا به آن متوسل شوند. نخستین و برجسته‌ترین مفهوم یا انگاره‌ای که خود را بر ذهن بازیگر می‌اندازد، به عنوان نقطه قانونی برگزیده می‌شود. بدیهی است که این نقطه قانونی، هیچ ویژگی ذاتی خاصی ندارد و بسته به شرایط زمانی، مکانی و... تغییر خواهد کرد. در چنین موقعیت‌هایی، بسته به اینکه چه نقطه‌ای به عنوان نقطه قانونی انتخاب می‌شود، تعادل می‌تواند شکل‌های متفاوتی به خود بگیرد. از این رو نقطه تعادلی در چنین موقعیت‌هایی ساخته و پرداخته ذهن بازیگران است و هیچ ارتباطی با حقایق، بنیان‌ها و ویژگی‌های ذاتی (برون‌زا و از پیش تعیین شده) ندارد. درحقیقت، چنین تعادل‌هایی خروجی انتظارات خودکام‌بخش^{۱۷} هستند. متعاقب شکل‌گیری نقطه قانونی، بازیگران دیگر نیازی به بالارفتن مداوم از نردبان آگاهی و پیش‌بینی رفتار دیگران ندارند، بلکه از آن به بعد، توجه خود را به سمت «گمان عرفی» ایجادشده متمرکز می‌کنند؛ زیرا راهبرد غالب در این شرایط، پیروی از همان گمان عرفی است. (Schelling, 2015, p. 115). دلالت مشخص گزاره‌های بالا این است که در بازارهای معامله کوتاه‌مدت، دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای (راهبرد سفته‌بازی) به موجب تغییر مداوم در جانمایی نقطه ارجاع کنشگران، برخلاف رویکرد نئوکلاسیک، دیگر خبری از پدیده خودتنظیم‌گری بازار نیست و اتفاقاً در دوره‌های بروز شوک و تنش، شاهد حرکت هم‌راستا با چرخه در چنین بازارهایی هستیم. به این معنا که افزایش قیمت دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای باعث می‌شود که همان قیمت‌های رو به صعود تبدیل به نقطه ارجاع سفته‌بازان شود و هر افزایشی، افزایش دیگر را رقم بزند. دقیقاً در نقطه مقابل، شکل‌گیری بازار کاهشی (یا اصطلاحاً خرسی) باعث می‌شود که هر سطحی از نزول بازار، نزول بیشتر را رقم بزند.

۳-۱. درون‌زایی پول و نقش بانک در خلق منعطف اعتبار

شومپتر بر این باور است که بانک مدرن (بانک در اقتصاد سرمایه‌داری)، پول جدید را از طریق فرایند وام‌دهی ایجاد می‌کند؛ به‌طوری‌که سپرده ایجادشده در نتیجه وام‌دهی جدید به قرض‌گیرنده از طریق پس‌انداز موجود تأمین مالی نمی‌شود و هیچ نسبتی با سپرده‌های ورودی بانک ندارد (Schumpeter, 2006, p. 1080).

پس از بروز بحران‌های مالی و اقتصادی گسترده در قرن ۲۰ و به‌طور خاص، اواخر آن، برداشت‌های دگراندیش از چگونگی عملکرد نظام پولی دوباره مورد توجه قرار گرفت. در

ادامه، به گوشه‌ای از اظهارنظرهای اندیشمندان متأخر اشاره می‌شود. ری (۱۹۹۰) بر این باور است که پول از طریق فرایندهای طبیعی اقتصادی مندرج در اقتصاد سرمایه‌داری وارد فضای عمومی اقتصاد می‌شود و این‌گونه نیست که ورود پول به اقتصاد متوقف بر دستور و اجازه باشد. این نگاه مبتنی بر سه فرض اساسی است. الف. وام سپرده را می‌سازد، ب. سپرده ذخیره را ایجاد می‌کند و پ. تقاضای پول، عرضه آن را سبب می‌شود. دو فرض نخست، این نتیجه مهم را حاصل می‌کند که بانک‌ها برای اعطای وام، منفعلانه منتظر ورود سپرده نمی‌مانند، بلکه در موضوع اعطای وام فعالانه عمل می‌کنند. پس از پاسخ فعالانه بانک‌ها به تقاضای پول، با وجود نظام مالی توسعه‌یافته و به‌هم‌پیوسته، بیشتر مخارج صورت‌گرفته از محل وام‌ها دوباره در نقطه دیگری از نظام بانکی نمایان می‌شوند. مدیریت دارایی و بدهی، بازار بین‌بانکی، منابع بین‌المللی تأمین نقدینگی و وام‌های بانک مرکزی، روش‌ها و منابعی هستند که به‌واسطه آن‌ها بانک ذخایر مورد نیاز خود را تأمین می‌کند. رویه بالا توضیح‌دهنده فرض سوم یعنی سببیت تقاضای پول نسبت به عرضه آن است. در این نگاه، عرضه و تقاضای پول مستقل از یکدیگر نیستند. به این رویه، درون‌زایی پول^{۱۸} گفته می‌شود. بر اساس این نظریه، زمانی که چشم‌انداز سودآوری در اقتصاد نمایان می‌شود و تقاضا برای پول در راستای تأمین مالی خرید دارایی‌ها افزایش می‌یابد، عرضه پول از سوی نظام بانکی به‌صورت طبیعی افزایش می‌یابد؛ زیرا نهادهای مالی و به‌طور خاص بانک‌های تجاری، مشابه دیگر فعالان اقتصادی، چشم‌انداز مثبت اقتصادی را مشاهده می‌کنند (Wray, 1990, pp. 72-73 & 289).

در نگاه این‌گهام وجه تمایز نظام پولی سرمایه‌داری (نسبت به نظام‌های پولی پیش از آن) در این است که این نظام، شامل «سازوکار اجتماعی» است که روابط بدهکار-بستانکار در قراردادهای خصوصی (برای مثال، قراردادهای وام‌های بانکی یا کارت‌های اعتباری) از طریق این سازوکار به‌طور مرتب پولی (تبدیل به پول) می‌شود. بدهی خصوصی در قالب‌های مختلف (چک‌ها، کارت‌های اعتباری، اسناد کاغذی بانکی و...) قابل تبدیل به طرف‌دارترین «وعده به پرداخت» در رأس سلسله‌مراتب وعده‌ها می‌شود که همان پول منتشرشده حکومت است؛ یعنی پولی که برای پرداخت مالیات‌ها و تسویه حساب نهایی پذیرفته می‌شود. واسطه این روابط، بانک مرکزی است که با پذیرش یا به عبارتی، با «خرید وعده‌های پرداخت خصوصی نظام بانکداری» و تبدیل آن به «پول حاکمیتی (ملی)»، با انتشار آن وعده‌ها همسازی می‌کند و به آن رسمیت می‌بخشد. به این ترتیب، قالب‌های مختلف بدهی خصوصی تبدیل به

پول می‌شود؛ یعنی قابل معاوضه با اسناد بدهی حاکمیتی (مانند اوراق قرضه) می‌شود که در هر مکان از قلمرو پولی تعریف شده با «پول حساسی» مورد نظر کاملاً انتقال پذیر یا پذیرفتنی هستند (Ingham, 2004, p. 143).

۴-۱. سنجه ارزش و حرمت آن در جوامع انسانی بر مبنای آزادی علامه طباطبایی^(ده)

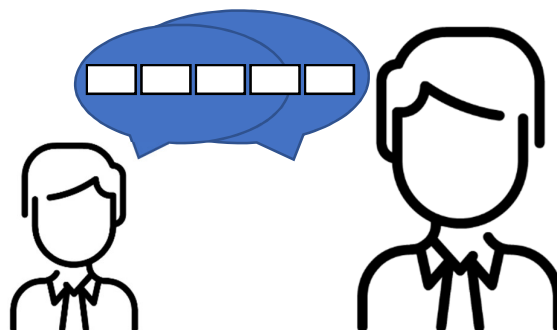
علامه طباطبایی مفسر بزرگ قرآن کریم، ذیل آیه‌های ۸۴ و ۸۵ سوره هود به بیان اهمیت مبادلات و مبادلات مالی در حیات اجتماعی انسان و آثار سوء کم‌فروشی پرداخته‌اند. «اجتماع مدنی که بین افراد نوع انسانی تشکیل می‌شود، اساسش حقیقتاً بر مبادله و دادوستد است... از روشن‌ترین مصادیق این مبادله، معاملات مالی است؛ معاملاتی که در کالاهای دارای وزن و حجم صورت می‌گیرد؛ کالاهایی که به وسیله ترازو و قیان سنجش می‌شود. این قسم دادوستدها از قدیم‌ترین مظاهر تمدن است... آنچه انسان در زندگی‌اش احتیاج ضروری دارد و آنچه هم که باید در مقابل به عنوان بها پردازد، با کیل یا وزن اندازه‌گیری می‌کند و زندگی خود را بر اساس این اندازه‌گیری و این تدبیر اداره می‌کند. بنابراین، اگر در معامله‌ای از راه نقص مکیال و میزان به او خیانتی شود که خودش ملتفت نگردد، تدبیر او در زندگی‌اش تباه و تقدیر و اندازه‌گیری‌اش باطل می‌شود... و این، خود فساد است. حال اگر این فساد از یک نفر و دو نفر تجاوز نموده و در کل افراد شیوع یابد، فساد در مجتمع شیوع یافته و چیزی نمی‌گذرد که وثوق و اعتماد به یکدیگر را از دست داده، امنیت عمومی از آن جامعه رخت برمی‌بندد و این خود نکبتی است عمومی که صالح و طالح و کم‌فروش و غیر کم‌فروش را به یک‌جور دامن‌گیر می‌شود و اجتماعشان بر اساس نیرنگ و فساد حیات اداره می‌شود نه بر اساس تعاون برای تحصیل سعادت» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۰، صص. ۵۴۵-۵۴۳). ایشان توضیح می‌دهند که چرا حضرت شعیب^(ع) از میان همه گناهان قوم، انگشت روی «کم‌فروشی» گذاشت. «و اینکه از میان همه گناهان قوم، خصوص کم‌فروشی و نقص در مکیال و میزان را نام برده، دلالت دارد بر اینکه این گناه در بین آنان شیوع بیشتری داشته و در آن افراط می‌کرده‌اند؛ به حدی که فساد آن چشمگیر و آثار سوء آن روشن شده بوده و لازم بوده که داعی به سوی حق، قبل از هر دعوتی، آنان را به ترک این گناه دعوت کند و از میان همه گناهانی که داشته‌اند، انگشت روی این یک گناه می‌گذارد» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص. ۵۴۱).

دست‌کاری سنجه (معیار وزن، اندازه، مسافت و...) و کوچک کردن مداوم آن، مصداق تمام‌وکمال کم‌فروشی است که نتیجه تبعی و حتمی آن عبارت از عدم تفاهم و اختلاف افراد جامعه در تلقی از سنجه است. به عبارت دیگر، چنانچه سنجه توسط بخش زیادی از کنشگران اقتصادی یا حاکمیت کشوری مورد دست‌کاری قرار گیرد، متعاقباً تک‌تک کنشگران در تلقی از مختصات سنجه دچار اختلاف بنیادین می‌شوند؛ به طوری که پیش از هر معامله‌ای، طرفین باید بر اینکه برای مثال، «یک متر، "آن"ی که من می‌فهمم است یا "چیز"ی که تو می‌گویی»، به تفاهم برسند. برای مثال، کنشگر الف، یک متر را ۱۰۰ سانتی‌متر می‌داند و کنشگر ب، یک متر را ۹۰ سانتی‌متر تلقی می‌کند. دستیابی به تفاهم در چنین موضعی بسیار دشوار است؛ زیرا مشکل تنها تفاوت فهم ذهنی نیست، بلکه منافع هریک از طرفین اقتضا دارد که «سنجه» را مصادره به مطلوب کند و تفسیری منفعت‌جویانه از آن ارائه دهد.

۲. تجمیع مبانی نظری چهارگانه

۱-۲. تعریف پدیده «ازجادر رفتگی ادواری سنجه ارزش» متعاقب کنش متقابل بانک و سفته‌باز

در قسمت مبانی نظری توضیح داده شد که پول، اولاً و بالذات معیار محاسبه ارزش است. از این رو تفسیر علامه طباطبایی درباره کم‌فروشی و مشخصاً دست‌کاری سنجه ارزش در مورد پول نیز مدخلیت دارد. در اینجا باید توضیح دهیم که فهم مشترک کنشگران از سنجه ارزش، چگونه و در چه روندی دچار ازجادر رفتگی می‌شود و بر اساس چه سازوکاری، فهم جدیدی از سنجه در ذهن کنشگران شکل می‌گیرد؟ همان‌طور که توضیح داده شد، خلق منعطف اعتبار توسط نهاد بانک از سویی و به‌خودار جاعی سفته‌بازی از سوی دیگر، به صورت توأمان منجر به بروز گاه‌به‌گاه بحران‌های پولی می‌شوند. تا پیش از هر بحران، همه کنشگران اقتصادی فهم مشترکی از سنجه دارند و در نتیجه، هنگام معامله، طرفین توجه خود را تنها معطوف کالاهای مورد معامله و کیفیت آن‌ها می‌کنند و هیچ چانه‌زنی درباره «خود» سنجه بین طرفین معامله شکل نمی‌گیرد. دقیقاً مشابه زمانی که خریدار و فروشنده هر دو فهم مشترکی از «یک متر» دارند و برای نهایی شدن معامله، خریدار تنها نیاز دارد که از کیفیت پارچه مطمئن شود و فروشنده نسبت به نقدشوندگی ثمن پارچه اطمینان حاصل کند. در چنین معاملاتی، سنجه تنها یک ابزار است نه موضوع گفت‌وگو و چانه‌زنی.

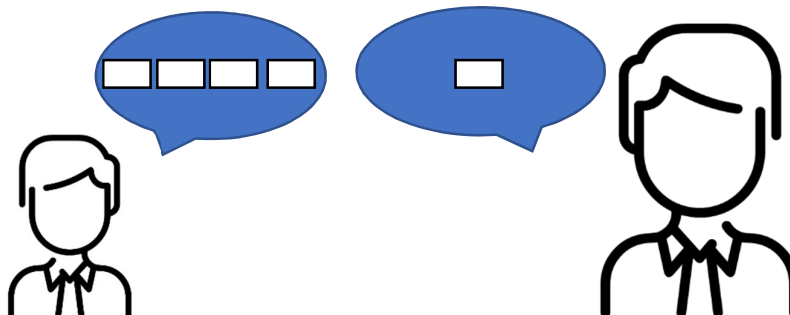


شکل ۱: فهم مشترک کنشگران از سنجه در دوره ثبات پولی

توضیح شکل ۱- کنشگر سمت راست، مالک انباشتی از دارایی‌های سرمایه‌ای است و درصد زیادی از درآمد وی از محل عایدی حاصل از دارایی‌های سرمایه‌ای است. کنشگر سمت چپ، فاقد هرگونه دارایی سرمایه‌ای است و درآمد ماهیانه وی به‌صورت نقد و به پول رایج ملی پرداخت می‌شود.

در بخش مبانی نظری توضیح داده شد که نهاد بانک، سفته‌بازی را در اقتصادها، تأمین مالی کرده است و به تبع آن، منابع مالی بسط می‌یابد و صرف خریدوفروش دارایی‌های از پیش موجود می‌شود. درنتیجه، قیمت دارایی‌های سرمایه‌ای شروع به افزایش می‌کند. افزایش مقطعی و کوتاه‌مدت قیمت بعضی دارایی‌های سرمایه‌ای منجر به بی‌اعتمادی کنشگران به فهم مشترک آن‌ها از سنجه نمی‌شود، اما زمانی که افزایش قیمت‌ها، مداوم، سراسری و افسارگسیخته می‌شود، بی‌درنگ این پرسش در ذهن کنشگران شکل می‌گیرد که «واقعاً پول من چقدر می‌ارزد؟». اینجاست که فهم مشترک و تثبیت‌شده کنشگران از سنجه ناپدید می‌شود و هریک از کنشگران فهم منحصربه‌فردی از سنجه می‌یابند. تفاوت در بسته مصرفی هریک از کنشگران باعث می‌شود که در دوران بحران پولی، فهم کنشگران از «میزان تغییر در سنجه» کاملاً متمایز از یکدیگر باشد. به عبارت دیگر، تفاوت قدرت خرید ثانویه و اولیه پول به تناسب هریک از کنشگران، «کمیت»ی منحصربه‌فرد است. متعاقب بروز هر بحران پولی (بحران در پول ملی) تنها می‌توان گفت که فهم اولیه و مشترک کنشگران از سنجه محو و نابود شده و درحقیقت، انقلابی در فهم کنشگران از سنجه رخ داده است؛ به‌طوری‌که امکان نمایش میزان تغییر کلی در سنجه با کمیت مشخص، قابل کشف و قابل محاسبه اساساً

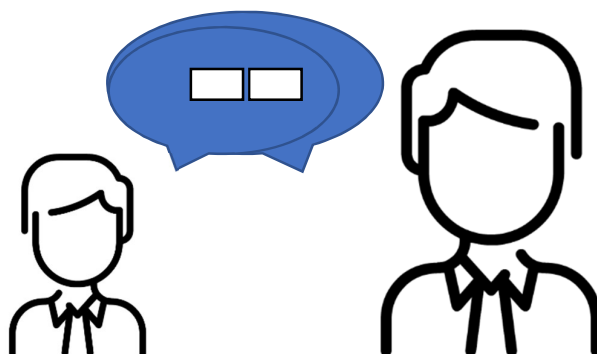
منتفی است. در این شرایط، سنجه که تا پیش از این موجودیتی عینی بود، اکنون به موجودیتی ذهنی تبدیل شده است.



شکل ۲: از بین رفتن فهم مشترک و تثبیت شده کنشگران از سنجه به تبع بحران پولی

توضیح شکل ۲- متعاقب بحران پولی و در نتیجه، صعود انفجاری قیمت دارایی‌های سرمایه‌ای، سنجه نزد کنشگر سمت راست به شدت کاهش می‌یابد. سنجه برای کنشگر سمت چپ هم کاهش یافته است، اما نه به اندازه کاهش ذهنی سنجه نزد کنشگر سمت راست.

حالا دیگر پول تنها یک ابزار نیست، بلکه موضوع بحث و چانه‌زنی است. اینجا دیگر کنشگران تنها توجه خود را به کیفیت و کمیت کالاها و خدمات مورد معامله معطوف نمی‌کنند، بلکه جنگی میان تلقی‌های ذهنی از سنجه بین آن‌ها شکل می‌گیرد؛ جنگی که اولاً، نابرابری‌ها را تشدید می‌کند و ثانیاً، باعث تفوق روزافزون بخش مالی بر بخش حقیقی اقتصاد می‌شود (شکل ۳).



شکل ۳: شکل‌گیری فهم مشترک جدید از سنجه پس از بحران پولی

توضیح شکل ۳- در دوره بحران پولی و پس از تقابل بین‌الذهانی کنشگران بر تلقی مختار از سنجه، درنهایت، تعادل جدیدی حاکم خواهد شد، اما نکته مهم این است که جانمایی این نقطه تعادل جدید کاملاً نزدیک و گراپیده به سمت تلقی مطلوب کنشگران فرادست (صاحبان دارایی‌های سرمایه‌ای) از سنجه است.

۲-۲. پیامد اقتصادی-اجتماعی از جا در رفتن ادواری سنجه در ساخت کنونی نظام پولی و مالی

متعاقب از جا در رفتن سنجه و ناپدید شدن فهم مشترک کنشگران از آن، بی‌درنگ سازوکارهای خودتقویتگر به کار می‌افتند که نتیجه حتمی آن‌ها، افزایش ذاتی نابرابری‌ها و تفوق روزافزون بخش مالی بر بخش حقیقی اقتصاد است

۲-۲-۱. تعمیق نابرابری‌ها و قطبی شدن جایگاه اقتصادی فرادستان و فرودستان

همان‌طور که گفته شد، متعاقب هر بحران پولی، ارزش واحد پولی که پیش‌تر موجودیتی عینی بود، تبدیل به موجودیتی ذهنی می‌شود. در این شرایط، ارزش پول برای هر کنشگر میزانی از رضایت است که او انتظار دارد از واحد پولی کسب کند نه رضایتی که در واقع از آن واحد کسب می‌کند. در چنین موقعیت‌هایی، کنشگران تلاش می‌کنند فهم خود را به یک نقطه ارجاع محکم و مورد اطمینان متصل کنند؛ نقطه‌ای که می‌دانند توجه دیگر کنشگران را به خود جلب خواهد کرد. پدیده‌ای که بارها در همه اقتصادها مشاهده شده، این است که هم‌زمان با هر بحران پولی و متعاقباً از بین رفتن فهم مشترک از سنجه، کنشگران برای آنکه بفهمند پولشان واقعاً چقدر می‌ارزد، توجه خود را به قیمت دارایی‌های سرمایه‌ای و در بیشتر

موارد به قیمت رو به بالای ارزش خارجی و معطوف می‌کنند و آن نقطه را محل ارجاع خود قرار می‌دهند. به محض اینکه قیمت یک یا مجموعه‌ای از دارایی‌های سرمایه‌ای توجه کنشگران را به خود جلب می‌کند و تبدیل به نقطه ارجاع آن‌ها می‌شود، شرایط برای افزایش روزافزون نابرابری‌ها فراهم می‌شود. نکته مهم اینکه این افزایش نابرابری، خودتقویتگر است. توضیح اینکه، در ساخت کنونی نظام پولی و مالی، مشکل تنها به «از جا در رفتن سنجه از محل سابق خود» ختم نمی‌شود، بلکه بی‌درنگ دو مؤلفه زیربنایی مندرج در ساخت کنونی نظام پولی و مالی (خلق منعطف پول اعتباری توسط بانک و به‌خودارجاعی سفته‌بازی) به‌صورت توأمان سازوکارهای مخرب را به کار می‌اندازند که در نتیجه فعالیت آن‌ها، فاصله میان تلقی دو گروه از کنشگران از سنجه به‌صورت فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. ۱. فرادستانی که پیش از شروع بحران، انباشتی از دارایی‌های سرمایه‌ای فراهم کرده‌اند و ۲. فرودستانی که فاقد دارایی سرمایه‌ای هستند و درآمد خود را به‌صورت ادواری و به پول رایج دریافت می‌کنند. درنهایت و پس از هر بحران پولی، دسته اول به‌واسطه قدرت و جایگاه برتر، تلقی خود از سنجه را به کنشگران دسته دوم تحمیل می‌کنند.

جنگ بین تلقی‌های ذهنی فرودستان و فرادستان از سنجه، زمانی اثر حقیقی خود را نشان می‌دهد که گروه نخست می‌خواهد دارایی‌های سرمایه‌ای مورد نیاز خود را برای مصرف شخصی و نه برای سرمایه‌گذاری و سفته‌بازی از گروه دوم خریداری کند. مصادیق چنین تلاقی‌های ذهنی و البته واجد آثار حقیقی عبارت از الف. بازار اجاره و خرید مسکن، ب. بازار خریدوفروش خودرو نو و دست‌دوم، پ. بازار خریدوفروش سکه و فلزات گرانبها و ت. بازار خریدوفروش ارزهای خارجی است. در هریک از این بازارها، زمانی که فرودستان برای تأمین دارایی‌های سرمایه‌ای در راستای مصرف شخصی با فرادستان تلاقی می‌کنند، بی‌درنگ تقابلی ذهنی شروع می‌شود و بی‌شک در این جنگ نابرابر، پیروز میدان فرادستان هستند.^{۱۹}

در اقتصادهای متعدد، بحران‌های پولی که عمدتاً منبعث از دو پدیده «خلق منعطف پول اعتباری توسط بانک» و «به‌خودارجاعی سفته‌بازی» هستند، تأثیر انکارناپذیری بر نابرابری درآمدی داشته و منجر به قطبی‌شدن جایگاه فرادستان و فرودستان شده‌اند. این موضوع در پژوهش‌های متعددی مورد تحلیل قرار گرفته‌است (Stockhammer, 2012, Dünhaupt, 2013, Tomaskovic-Devey & Lin, 2013, Golebiowski, et.al, 2017).

۲-۲-۲. تفوق روزافزون بخش مالی بر بخش حقیقی اقتصاد

متعاقب از جا در رفتن سنجه و به تبع آن، به کار افتادن سازوکارهای مخرب خودتقویتگر مندرج در ساخت کنونی نظام پولی و مالی (خلق منعطف پول اعتباری توسط بانک و به خودارجاعی سفته‌بازی)، تقابلی فراگیر میان تلقی‌های ذهنی بستانکاران و بدهکاران از سنجه شکل خواهد گرفت. بستانکاران یا همان طبقه سرمایه‌دار مالی که دسترسی بی‌قیدوشرطی به اعتبارات بانکی دارند و آن منابع را در اختیار تولیدکنندگان کالا و خدمات قرار می‌دهند، همواره نرخ بهره را به گونه‌ای تعیین می‌کنند که ارزش حال عایدی‌های حاصل از وام‌دهی با احتساب تورم مثبت باشد. متعاقب شکل‌گیری بحران و از جا در رفتن سنجه، بستانکاران نرخ بهره وام‌های خود را به تناسب عایدی حاصل از خریدوفروش دیگر دارایی‌های سرمایه‌ای تعیین می‌کنند؛ دارایی‌هایی که قیمت آن‌ها بدون هیچ ارتباطی با اقتصاد واقعی و در نتیجه صحنه‌گردانی سفته‌بازان و سوداگران بدهی (تعبیری که هایمن فیلیپ مینسکی^{۲۰} درباره بانک‌های سرمایه‌داری به کار می‌برد) به صورت فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. طبیعی است که در چنین شرایطی، تولیدکنندگان نیازمند منابع مالی نمی‌توانند بهره‌های سنگین بانکی را پرداخت کنند و درنهایت، یا مجبور به کاهش سطح فعالیت (تعدیل نیرو، ابطال قراردادهای خرید تجهیزات و خط تولید جدید و...) و فروش بخشی از دارایی‌ها در راستای بازپرداخت اصل و بهره بدهی‌ها می‌شوند یا تن به فروش مجموعه تولیدی خود می‌دهند و منابع مالی حاصل را وارد دنیای مالی می‌کنند و مشابه بسیاری از هم‌قطاران خود، تنور سفته‌بازی اقتصاد را شعله‌ورتر خواهند کرد. نتیجه چنین روندهای تکرارشونده‌ای، تفوق روزافزون بخش مالی بر بخش حقیقی اقتصاد خواهد بود (Epstein & Power, 2002; Duménil, G & Lévy, 2001 & 2004; Crotty, 2005, 2008; Palma, 2009, Stockhammer, 2004, palley, 2013).

درباره هر دو محور بالا می‌توان به گزاره‌هایی از اندیشمندان مطرح اشاره کرد. کینز (۱۹۳۰) چگونگی استفاده از اعتبار و به‌طورکلی معاملات را به دو بخش کلی تقسیم‌بندی می‌کند. الف. معاملات مرتبط با خرید کالاها و خدمات موجود که ارزش آن‌ها تابعی باثبات از ارزش پولی سطح تولید کنونی است (که همان تولید ناخالص اسمی است) و ب. معاملات مالی مشتمل بر تراکنش‌های سفته‌بازانه بر کالاها و دارایی‌های سرمایه‌ای. ارزش این نوع معاملات هیچ ارتباطی با سطح تولید کنونی ندارد و چه‌بسا سطح قیمتی که در آن‌ها، کالاها

و دارای‌های سرمایه‌ای معامله می‌شود، کاملاً متفاوت از قیمت مبادله کالاها و خدمات مصرفی باشد. در این شرایط، اعطای اعتبار در راستای تأمین مالی خرید کالاهای سرمایه‌ای موجود به صورت کاملاً غیرمتناسب با تقاضای اسمی موجود رشد می‌کند و به تبع آن، قیمت کالاهای سرمایه‌ای (که هم‌راستا با میزان عرضه اعتبار حرکت می‌کند) دچار واگرایی شدیدی با قیمت کالاها و خدمات موجود می‌شود. کینز این پدیده را نتیجه عملکرد هم‌زمان تأمین‌کنندگان اعتبار، سفته‌بازان و سرمایه‌گذاران می‌داند (Keynes, 1930, pp. 41-43).

توبین (۱۹۸۴) نیز می‌گوید «ما رفته‌رفته در حال منتقل کردن حجم بالایی از منابع مالی خود از بخش تولید کالا و خدمات به سمت بخش مالی اقتصاد هستیم؛ بخشی که عایدی خصوصی زیاد، اما نامتناسب با خیر عمومی تولید می‌کند» (Tobin, 1984, p. 14). مینسکی (۱۹۸۶) بر این باور است که «تحلیل‌های عرضه و تقاضا نمی‌توانند رفتار بخش مالی اقتصاد سرمایه‌داری را توضیح دهند؛ زیرا این بخش از اقتصاد سرمایه‌داری دارای نیروهای درون‌زای ثبات‌زداست. در نهایت، باید گفت شکنندگی اقتصادی که ملازم است با بی‌ثباتی مالی، به صورت بنیادین نتیجه روندهای درونی بازار در اقتصاد سرمایه‌داری است» (Minsky, 1986, pp. 280-281).

ورنر (۲۰۱۲) معتقد است «تزریق اعتبارات بانکی به سمت بازارهای سفته‌بازی، بازی‌ای با جمع صفر ایجاد می‌کند که در این بازی، اقلیت سود می‌کنند و اکثریت ضرر می‌کنند و پس از فرونشست قیمت دارایی‌ها، شاهد ورشکستگی‌ها، بحران‌های بانکی و از همه مهم‌تر، بازتوزیع گسترده منابع به ضرر اکثریت خواهیم بود» (Werner, 2012, p. 9). استیگلیتز (۲۰۱۲) بیان می‌دارد که مدل‌های استاندارد اقتصاد کلان اهمیتی برای موضوع توزیع درآمد قائل نیستند. این در حالی است که نقش بانک‌ها و چگونگی کنشگری آن‌ها در اقتصاد، محملی اساسی برای رشد طبقه به اصطلاح «یک درصد» ایجاد کرده است. وی با ارجاع به موضوع مقررات‌زدایی بیان می‌دارد که این دستور کار سیاستی، زمینه تفوق بخش مالی بر بخش حقیقی اقتصاد را فراهم کرده و دو پیامد اصلی در اقتصاد آمریکا بر جا گذاشته است. «اول، منجر به مالی‌شدن فزاینده اقتصاد شد؛ آن هم با تمام انحرافات و نابرابری‌های مرتبط و دوم، به بانک‌ها این امکان را داد تا افراد جامعه را از طریق وام‌های غارتگرانه، کارمزد‌های بسیار بالا بر کارت‌های اعتباری و دیگر روش‌ها استثمار کنند. بانک‌ها ریسک را به سمت فقرا و مالیات‌دهندگان منتقل کردند. وقتی همه چیز آن‌طور که وام‌دهندگان پیش‌بینی

کرده بودند، پیش نمی‌رفت، آنگاه دیگران مجبور بودند عواقب آن را متحمل شوند. فدرال رزرو نه تنها از این موضوع جلوگیری نکرد، بلکه آن را تشویق کرد. واضح است که از منظر اجتماعی، بانک‌ها به مردم در مدیریت ریسک کمک نکردند، بلکه آن را ایجاد کردند، اما وقتی نوبت به مدیریت ریسک خود می‌رسید، بانکداران موفق‌تر بودند. آن‌ها جنبه منفی اقدامات خود را گردن نگرفتند» (Stiglitz, 2012, ch. 9).

پیکنی (۱۳۹۸) نیز معتقد است «وقتی نرخ بازده سرمایه از نرخ بازده تولید و درآمد بیشتر می‌شود، نظام سرمایه‌داری به‌طور خودکار، نابرابری‌های بی‌قاعده و ناپایداری‌هایی می‌سازد که به‌شدت با ارزش‌های شایسته‌سالارانه (همان ارزش‌هایی که بنیان جوامع سرمایه‌دار هستند) در تضاد است» (پیکنی، ۱۳۹۸، ص. ۵۰).

۳. ممنوعیت بهره به‌مثابه حکمت شارع در راستای جلوگیری از کنش متقابل سفته‌باز و بانک در ایجاد ادواری پدیده «ازجادر رفتگی سنج»

بر پایه مطالب بالا می‌توان گفت هر سیاست و اقدامی (چه در سطح حاکمیت و چه توسط خود کنشگران) که منجر به «ازجادر رفتگی سنج» و به تبع، منجر به محو و مضمحل شدن فهم مشترک و تثبیت‌شده کنشگران از سنجه شود، بر اساس مبانی دینی ناپذیرفتنی است؛ چه بسا یکی از حکمت‌های حرمت ربا در ادیان توحیدی همین باشد. توضیح اینکه، چنانچه دریافت زیاده مشروط در قرارداد قرض در یک اقتصاد تبدیل به عرف شود و وجاهت یابد، الا و لابد یک انگاره زیربنایی در ذهن کنشگران اقتصادی تثبیت می‌شود و مورد پذیرش قرار می‌گیرد؛ اینکه قدرت خرید پول در آینده، قطعاً «آن»ی نیست که الان هست. در نتیجه، امکان وجود مقوله‌ای با عنوان «فهم مشترک کنشگران از کیفیت آتی سنج» اساساً منتفی است. چنین رویدادی زمینه «جنگ تلقی‌های ذهنی کنشگران متعارض» از سنجه را فراهم می‌کند. به این معنا که هر طبقه‌ای از کنشگران اقتصادی تلاش می‌کند بسته به قدرت خود، «فهم ذهنی خود از سنج» را به دیگر کنشگران تحمیل کند و از قبیل این تحکم، کسب منفعت کند.^{۲۱} بررسی ادبیات روایی نشان از آن دارد که در موضوع ربا، یک گزاره اساسی دائماً تکرار شده است؛ در حرام بودن ربا، کم یا زیاد بودن مقدار آن مطرح نیست، بلکه اصل آن محل اشکال است. به نظر می‌آید تأکید مداوم ادیان توحیدی بر حرمت «اصل» ربا (فارغ از زیاد یا کم بودن مقدار آن)، جلوگیری از وجاهت یافتن آن در اقتصاد جوامع بوده است.

توضیح اینکه، وجاهت یافتن «اصل» ربا (همان بهره) در اذهان کنشگران اقتصادی دو نتیجه تبعی مهم خواهد داشت. الف. کنشگران می‌پذیرند (یا مجبورند بپذیرند) که ارزش آینده سنجه، قطعاً و یقیناً مشابه ارزش حال آن نیست. به تبع این پذیرش از سر اجبار، جنگ تلقی‌های ذهنی کنشگران متعارض از سنجه نیز وجاهت عمومی می‌یابد. ب. کنشگران فرادست و صاحبان منابع مالی انباشت‌شده، در جنگ بین‌الذهانی با فرودستان در تلقی مختار از قدرت خرید آینده پول، بالاترین نرخ بهره رایج در اقتصاد را نقطه ارجاع خود قرار می‌دهند و به واسطه قدرت و استیلای خود، آن را به بیشتر کنشگران اقتصاد (فرودستان) تحمیل می‌کنند.^{۲۲}

۴. راهکارهای کنترل و کاهش پیامدهای اقتصادی-اجتماعی از جا در رفتن ادواری سنجه
بر پایه مطالب بالا می‌توان گفت که هر سیاست و اقدامی (چه در سطح حاکمیت و چه توسط خود کنشگران) که منجر به «ازجادر رفتگی سنجه» و به تبع، منجر به محو و مضمحل شدن فهم مشترک و تثبیت‌شده کنشگران از سنجه شود، از منظر مبانی دینی ناپذیرفتنی است.

۴-۱. حالت ایدئال؛ نوعی از تدبیر نظام پولی و مالی که در آن امکان سیستمی «از جا در رفتن سنجه» مبنائاً منتفی باشد

زمانی می‌توان درباره ساخت نظام پولی و مالی (یا «سازوکار بهره‌مندی افراد جامعه از پول» یا «نظام حکمرانی و تدبیر ساختار پولی و مالی») وصف بایسته، عادلانه، حق‌مدار و دین‌مدار به کار برد که در آن، امکان سیستمی «از جا در رفتن سنجه» مبنائاً منتفی باشد. به این معنا که کنشگر یا جمعی از کنشگران قادر نباشند از ظرفیت‌ها و محمل‌های موجود درون خود نظام پولی و مالی سوء استفاده کنند و مشخصاً با اقدامات فردی یا جمعی خود منجر به «از جا در رفتن ادواری» سنجه شوند. فقدان چنین موضوع بایسته‌ای در ساخت کنونی پولی و مالی باعث شده است که سفته‌بازان و سوداگران بدهی با استفاده از ظرفیت‌های موجود درون خود سیستم^{۲۳}، نوبه‌نو باعث از جا در رفتن سنجه شوند و در ادامه، زمینه جنگ نابرابر تلقی‌های ذهنی گروه‌های متعارض از سنجه را فراهم کنند.

ساختار بایسته پیشنهاد شده باید دو ویژگی مهم داشته باشد. اولاً، حاکمیت باید قدرت خلق پول را به تمامی در اختیار خود نگه دارد و ثانیاً، به گونه‌ای تدبیر کند که نیاز افراد جامعه به پول در راستای بسط ظرفیت‌های تولیدی بی‌پاسخ نماند. تدبیر کاملاً حاکمیتی پول (البته با همان دو ملاحظه اساسی بالا) ذیل این گفتمان تحلیل شدنی است؛ البته با توجه به تفوق زیاد رویکرد غالب اقتصاد در این حوزه، امکان پیاده‌سازی آن در شرایط کنونی بعید به نظر می‌رسد.

۴-۲. حالت واقع‌گرایانه؛ برقراری توازن قوا میان گروه‌های متعارض در جنگ بین‌الاذهانی کنشگران بر تلقی مختار از سنجه

در شرایط کنونی با حاکمیت نظامات پولی و مالی جریان غالب اقتصاد، آیا می‌توان سیاستی در پیش گرفت که کاربست آن مانع از تثبیت و تحکیم «فهم مشترک از سنجه در نقطه‌ای کاملاً نزدیک به خواست و میل کنشگران فرادست و رانتیرها» شود؟ پاسخ مثبت است. برای تحقق این هدف دو راهکار متصور است.

الف. راهکار سلبی این است که حاکمیت پیش از شروع چنین جنگ‌های بین‌الاذهانی و البته واجد آثار حقیقی، موازنه قدرت میان فرادستان و فرودستان و میان رانتیرها و تولیدکنندگان را تعدیل کند. به طور مشخص، حاکمیت باید اقداماتی در راستای کاهش قدرت سفته‌بازان و سوداگران بدهی (بانک‌ها) انجام دهد و اجازه ندهد نقطه ارجاع کنشگران جامعه مانند بادکنکی در طوفان، تحت صحنه‌گردانی مشترک دو گروه فوق، مرتب صعود کند و جانمایی لحظه‌ای آن نقطه، متأثر از کنش‌های منفعت‌طلبانه آن‌ها نوسان کند.

راهکار اجرایی و عملیاتی این است که موازنه قدرت کنونی بین فرادستان و فرودستان و سرمایه‌داران پولی و تولیدکنندگان تعدیل شود تا در زمان از جا در رفتن سنجه و به تبع، در جنگ بین‌الاذهانی فرادستان و فرودستان و بستانکاران و بدهکاران در تلقی مختار از سنجه، یک گروه به صورت پیش‌فرض، دست برتر را بر دیگری نداشته باشد. خطوط کلی چنین دستور کاری به شرح زیر بیان می‌شود.

- راهکارهای مرتبط با دسته اول: وضع مالیات بر عایدی حاصل از افزایش قیمت دارایی‌های سرمایه‌ای در راستای تحقق عدالت توزیعی و جلوگیری از انباشت و تکاثر سرمایه غیرمولد (Ingham, 2020, pp. 144-147).

- راهکارهای مرتبط با دسته دوم: کاهش نقدشوندگی دارایی‌های سرمایه‌ای در راستای مدیریت و کنترل نقطه ارجاع کنشگران (قیمت دارایی‌های سرمایه‌ای) در بحبوحه بحران‌های پولی، ایجاد اصطکاک در بازارهای مالی و افزایش مدت سرمایه‌گذاری‌ها (Orlean, 2014, pp. 207-211).

ب. راهکار ایجابی این است که حاکمیت پیش از آنکه سنجه از مکان تثبیت‌شده خود خارج شود یا دست‌کم پیش از تشدید بحران پولی، نقطه ارجاع شایسته و باثباتی را در نظرگاه کنشگران قرار دهد؛ نقطه ارجاعی که اولاً، تدبیر آن در دست خود اوست نه سفته‌بازان و سوداگران بدهی و ثانیاً، می‌داند مورد پذیرش کنشگران قرار خواهد گرفت. مثال‌های این راهکار عبارت از برقراری رابطه موقتی یا دائمی بین پول ملی و فلزی گران‌بها، تغییر در کابینه دولت، استفاده از گروه اقتصاددانان خوش‌نام در بانک مرکزی و... است (Orlean, 2014, pp. 166-171). نکته مهم اینکه، در زمان «از جا در رفتگی سنجه»، فهم منحصر به فرد کنشگران از قدرت خرید پول بیش از آنکه تحت تأثیر انبساط یا انقباض پولی باشد، متأثر از فضای اعتماد یا بی‌اعتمادی است. به عبارت دیگر، در چنین شرایطی، مهم این است که کنشگران قلاب ذهن خود را به چنگک کدام نقطه ارجاع آویزان می‌کنند؛ نقطه ارجاعی که تدبیر آن در اختیار حاکمیت است یا نقطه‌ای که جانمایی لحظه‌ای آن متأثر از کنش‌های منفعت‌طلبانه سفته‌بازان و سوداگران بدهی است.

بحث و نتیجه‌گیری

اجتماع انسان‌ها در کنار یکدیگر و تعامل اقتصادی آن با یکدیگر متوقف بر شکل‌گیری فهم مشترکی از سنجه (معیار وزن، اندازه، مسافت و...) میان آن‌هاست. معیار ارزش زمانی ذهن کنشگران را با یکدیگر هماهنگ و نقش خود را به عنوان «ابزار اجرای معامله» ایفا می‌کند که همه کنشگران، فهم مشترکی از سنجه داشته باشند. هر عاملی که باعث شود که سنجه از جا در رود و فهم مشترک کنشگران از آن مختل شود، از منظر عقلی و همچنین مبتنی بر اصول شریعت، محکوم و مطرود است. در این پژوهش توضیح داده

شد که فهم مشترک کنشگران از سنجه ارزش، چگونه و در چه روندی دچار ازجادررفتگی می‌شود و بر اساس چه سازوکاری، فهم جدیدی از سنجه در ذهن کنشگران شکل می‌گیرد. خلق منعطف اعتبار توسط نهاد بانک از سویی و به‌خودارجاعی سفته‌بازی از سوی دیگر، به‌صورت توأمان منجر به بروز گاه‌به‌گاه بحران‌های پولی می‌شوند. متعاقب بروز هر بحران پولی (بحران در پول ملی) تنها می‌توان گفت که فهم اولیه و مشترک کنشگران از سنجه محو و نابود شده و درحقیقت، انقلابی در فهم کنشگران از سنجه رخ داده است؛ به‌طوری‌که امکان نمایش میزان تغییر کلی در سنجه با کمیت مشخص، قابل کشف و قابل محاسبه اساساً منتفی است. در این شرایط، سنجه که تا پیش‌ازین موجودیتی عینی بود، اکنون به موجودیتی ذهنی تبدیل شده است. متعاقب از جا دررفتن سنجه و ناپدید شدن فهم مشترک کنشگران از آن، بی‌درنگ سازوکارهای خودتقویتگر به کار می‌افتند که نتیجه حتمی آن‌ها افزایش ذاتی نابرابری‌ها و تفوق روزافزون بخش مالی بر بخش حقیقی اقتصاد است. در این پژوهش، در راستای مقابله با دو پدیده بالا، راهکارهای سلبی و ایجابی نیز پیشنهاد شده است.

یادداشت‌ها

1. Money Stuff
2. Simmel
3. Bell
4. Searle
5. Social Fact
6. Collective Intentionality
7. Adherence to Rules and Norms of Behavior
8. Conventional Belief
9. Primary Belief
10. Second-Degree Belief
11. Game Theory
12. Experimental Economics

۱۳. توماس شلینگ در کتاب خود مثال‌هایی از این نوع بازی ارائه کرده است. ۱. زن و شوهر یکدیگر را در مجتمع تجاری گم می‌کنند. اکنون هریک باید به کدام نقطه از مجتمع مراجعه کند تا با احتمال بیشتری همسر خود را بیابد؟ ۲. دو نفر می‌خواهند با چتر از هواپیما به پایین بپرند، هر دو نقشه مشابهی در دست دارند که روی آن، چند نقطه با علامت‌های خاصی نشان داده شده است. این دو چتر باز امکان ارتباط با یکدیگر ندارند. در این شرایط، هریک

چگونه نقطه فرود را انتخاب خواهد کرد؟^۳ از چندین نفر خواسته می شود که بدون ارتباط با یکدیگر، از بین اعداد، ۷، ۱۰۰، ۱۳، ۲۶۱، ۹۹ و ۵۵۵ یک عدد را انتخاب کنند. بازیگران در صورتی جایزه می گیرند که همگی یک عدد خاص را انتخاب کنند. ۴. از بازیگران خواسته می شود که بدون هماهنگی با یکدیگر، از میان اعداد طبیعی، یک عدد را انتخاب کنند. اعطای جایزه به بازیگران منوط به این است که یک عدد به صورت اجماعی انتخاب شود (Schelling, ۲۰۱۵).

14. Focal Point

15. Imagination

۱۶. برای مثال، چنانچه از بازیگران خواسته شود که از بین عدد ۱ تا بی نهایت، عددی را انتخاب کنند و قرار بر آن باشد که به تناسب انتخاب های مشابه، جایزه هریک از کنشگران افزایش یابد، به احتمال بسیار زیاد، بازیگران عدد ۱ را انتخاب می کنند؛ زیرا نخستین عدد در مجموعه پیشنهادی است. عدد «۱» به این دلیل خود را بر ذهن بازیگر می اندازد که واجد برجستگی است.

17. Self-fulfilling Expectations

۱۸. Endogenous money؛ درون زایی پول در مقابل نظریه برون زایی پول قرار می گیرد. قائلین به نظریه برون زایی پول معتقدند که حجم پول در اقتصاد به صورت برونزا تعیین شده و عامل ایجاد تورم است. در نتیجه، با کنترل حجم پول می توان نرخ تورم را کنترل کرد (Davidson, ۲۰۰۶, p. ۱۴۲).

۱۹. برای مثال، مستأجران هر ساله باید سهم بیشتری از درآمد در دسترس خود را به عنوان اجاره بها به مؤجر بپردازند یا اینکه سال به سال، متراژ خانه خود را کاهش دهند یا به نقاط پایین تری از شهر و چه بسا شهرک های اقماری و حاشیه شهرها نقل مکان کنند.

20. Hyman Philip Minsky (1919 – 1996).

۲۱. در مقام تمثیل می توان شرایطی را تصور کرد که به تبع فعل و انفعالات کنشگران در لحظه t۰ (که در اینجا، وجاهت ربا در اقتصاد مدنظر است)، کیفیت آتی یک متر یا یک کیلوگرم به هیچ وجه مشخص نباشد. به عبارت دیگر، کنشگران، هریک در نقطه t۱، فهمی منحصر به فرد از کیفیت یک متر یا یک کیلوگرم دارند. در این لحظه، جنگ قدرت شکل می گیرد و طبقه ای که قدرت را در دست دارد، فهم خود از سنجه را به دیگران تحمیل می کند. برای مثال، اگر در لحظه t۱ تولیدکنندگان پارچه در قدرت باشند، فهمی تقلیل گرایانه از سنجه را به دیگران القا و تلاش می کنند فهم مشترک کنشگران از سنجه در لحظه ثانویه در حداقل میزان ممکن تثبیت شود.

۲۲. در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶، پرداخت نرخ بهره‌های سنگین بر سپرده‌ها توسط مؤسسات مالی غیرمجاز باعث شده بود که بسیاری از کنشگران اقتصادی، فهم خود از قدرت خرید آینده پول را بر اساس نرخ بهره پرداختی این مؤسسه‌ها شکل دهند. به بیان دیگر، نرخ بهره‌های گزاف این مؤسسات تبدیل به نقطه ارجاع کنشگران اقتصاد شده بود و به تبع آن، جنگ فراگیری میان بانک‌های و نهادهای مالی شکل گرفت و هریک از آن‌ها تلاش می‌کرد در راستای جذب بیشتر سپرده، نرخ‌های بهره بیشتری به سپرده‌گذاران پیشنهاد دهد. چنین رویه‌ای باعث شده بود که فهم رایج از قدرت خرید آینده پول در آن دوره بر اساس بالاترین نرخ بهره موجود در بازار رقم بخورد.

۲۳. مانند امکان سیستمی خلق منعطف اعتبار بانکی، امکان سیستمی سفته‌بازی و کسب عایدی از محل بازاریابی‌های لحظه‌ای قیمت دارایی‌های مالی، امکان سیستمی کسب سودهای هنگفت در بازارهای مالی آزادسازی شده و...

کتابنامه

- پیکنی، توماس (۱۳۹۸). *سرمایه در سده بیست و یکم* (ناصر زرافشان، مترجم). تهران: نگاه، تهران.
- سوئدبرگ، ریچارد (۱۳۹۴). *اصول جامعه‌شناسی اقتصادی* (سمیرا کاظم‌پوریان، مترجم). تهران: انتشارات دنیای اقتصادی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان* (سیدمحمدباقر موسوی همدانی، مترجم). (جلد ۱۰)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- Bell, S. (2001). The role of the state and the hierarchy of money. Cambridge Journal of Economics. (As reprinted in Concepts of Money: Interdisciplinary Perspectives from Economics, Sociology and Political Science, ed. G. Ingham, 496-510, Cheltenham: Edward Elgar, 2005).
- Crotty, J. (2005). The neoliberal paradox: the impact of destructive product market competition and 'modern' financial markets on nonfinancial corporation performance in the neoliberal era. Financialization and the world economy, 77-110.
- Crotty, J. (2008). If financial market competition is intense, why are financial firm profits so high? Reflections on the current 'golden age' of finance. Competition & Change, 12(2), 167-183.
- Davidson, P. (2006). Exogenous versus endogenous money: the conceptual foundations. Complexity, Endogenous Money and Macroeconomic Theory, Cheltenham and Northampton: Edward Elgar, 141-149.
- Duménil, G., & Lévy, D. (2001). Costs and benefits of neoliberalism. A class analysis. Review of International Political Economy, 8(4), 578-607.

- Duménil, G., & Lévy, D. (2004). The real and financial components of profitability (United States, 1952–2000). *Review of Radical Political Economics*, 36(1), 82-110.
- Dünhaupt, P. (2012). Financialization and the rentier income share—evidence from the USA and Germany. *International Review of Applied Economics*, 26(4), 465-487.
- Dünhaupt, P. (2014). An empirical assessment of the contribution of financialization and corporate governance to the rise in income inequality (No. 41/2014). Working Paper, Institute for International Political Economy Berlin.
- Epstein, G., & Power, D. (2002). The Return of Finance and Finance's Returns: Recent Trends in Rentier Incomes in OECD Countries, 1960-2000. University of Massachusetts Political Economy Research Institute Research Brief, 2.
- Ingham, G. (2004). The nature of money. Polity Press.
- Ingham, Geoffrey (2020), Money (What is Political Economy?), Polity, Cambridge, England.
- Keynes, J. M. (1930). Treatise on money: Pure theory of money Vol. I.
- Keynes, J. M. (2018 {1936}). The General Theory of Employment, Interest, and Money. Palgrave Macmillan.
- Knapp, G. F. (1924). The state theory of money. McMaster University Archive for the History of Economic Thought.
- Laeven, M. L., & Valencia, M. F. (2018). Systemic banking crises revisited. International Monetary Fund.
- Minsky, H. (2008 [1986]). Stabilizing an Unstable Economy. New York: MacGraw-Hill.
- Orléan, A. (2014). The empire of value: A new foundation for economics. MIT Press.
- Orhangazi, Ö. (2008). Financialisation and capital accumulation in the non-financial corporate sector: A theoretical and empirical investigation on the US economy: 1973–2003
- Palley, T. I. (2013). Financialization: What it is and Why it Matters. In Financialization (pp. 17-40). Palgrave Macmillan, London.
- Palma, J. G. (2009). The revenge of the market on the rentiers. Why neo-liberal reports of the end of history turned out to be premature. *Cambridge Journal of Economics*, 33(4), 829-869.
- Piketty, Thomas (2018). Capital in the 21st century, translated by Nasser Zarafshan, Negah Publishing House, Tehran, Iran.
- Reinhart, C. M., & Rogoff, K. S. (2009). This time is different: Eight centuries of financial folly. Princeton university press.
- Searle, J. R. (2005). What is an institution? *Journal of Institutional Economics* 1: 1–22.
- Schelling, T. C. (2015). The strategy of conflict. Pickle Partners Publishing, E-publication.
- Schumpeter, J. A. (2006). History of economic analysis. Routledge.
- Simmel, G. 1978 [1907]: The Philosophy of Money. London: Routledge

Modeling the realization of a resistance economy with an emphasis on economic extraversion on Economic Growth: A systemic dynamics approach

Hossein rezace*

Seyed hasan Ghavami**

Abstract

In the introduction of the announcement of the general policies of the resistance economy, it is stated that "with the aim of providing dynamic growth with a jihadist approach, endogenous and exogenous general policies of the resistance economy are announced." One of the goals of realizing a resistance economy is to achieve dynamic growth with an outward-looking approach to the economy, and choosing a suitable currency system is considered one of the necessary and necessary conditions to achieve this goal. The purpose of this research is to design a dynamic and systematic simulation model in order to determine the appropriate currency system for strong interaction with international markets (economic externalization). Therefore, the question is raised, which is the appropriate currency system to achieve dynamic economic growth with an emphasis on externalization of the economy? In this article, using the systemic dynamics approach and with the help of Vensim software, the macroeconomic model is designed. In order to find a suitable currency system, the nominal exchange rate changes on the variables of the external sector of the economy, i.e. export, import and balance of payments and national production for the period of 1396-1440 have been investigated. Changes in exports and imports have been evaluated in four states: stabilization, multiple jump, small initial increase, and mild and continuous increase in the exchange rate. The results of the implementation of the model show that the balance of payments (externalization) and as a result economic growth in inflationary conditions becomes positive only in the case of an increase in the exchange rate proportional to the inflation rate, and in a situation where the exchange rate is stabilized, the balance of payments has the most unfavorable conditions. As a result, the managed floating currency system is considered the best currency policy for the externalization of the economy.

Keywords: extroversion, resistance economy, systemic dynamics, balance of payments, economic growth.

* Assistant Professor, Department of Economics, PayamNoor, Tehran, Iran.

hrezaee@pnu.ac.ir

 0000-0001-5689-9543

** Assistant Professor, Department of Economics, allameh tabatabaee, Tehran, Iran.

h.ghavami@atu.ac.ir

Received: 2022/07/13

Accepted: 2023/06/13

مدل سازی تحقق اقتصاد مقاومتی با تأکید بر تأثیر برونگرایی اقتصاد بر رشد اقتصادی: رویکرد پویایی سیستمی

حسین رضایی*

سیدحسن قوامی**

چکیده

در مقدمه ابداعیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آمده است «با هدف تأمین رشد پویا با رویکرد جهادی...، درون‌زا و برون‌گرا، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» ابلاغ می‌شود. یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی، رسیدن به رشد پویا با رویکرد برون‌گرایی اقتصاد است و انتخاب نظام ارزی مناسب یکی از شروط لازم و ضروری برای رسیدن به این هدف شمرده می‌شود. هدف این پژوهش، طراحی مدل شبیه‌سازی پویا و سیستمی برای تعیین نظام ارزی مناسب برای تعامل قدرتمند با بازارهای بین‌المللی (برون‌گرایی اقتصادی) است. بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که نظام ارزی مناسب برای رسیدن به رشد اقتصادی پویا با تأکید بر برون‌گرایی اقتصاد کدام است؟ در این مقاله، با استفاده از رویکرد پویایی سیستمی و با کمک نرم‌افزار ونسیم، مدل کلان اقتصاد طراحی شده است. برای یافتن نظام ارزی مناسب، تغییرات نرخ اسمی ارز بر متغیرهای بخش خارجی اقتصاد یعنی صادرات، واردات، تراز پرداخت‌ها و تولید ملی برای بازه زمانی ۱۴۴۰-۱۳۹۶ بررسی شده است. تغییرات صادرات و واردات در چهار حالت تثبیت، جهش چندبرابری، افزایش اولیه اندک و افزایش ملایم و پیوسته نرخ ارز ارزیابی شده است. نتایج حاصل از اجرای مدل نشان می‌دهد تراز پرداخت‌ها (برون‌گرایی) و به تبع آن، رشد اقتصادی در شرایط تورمی فقط در حالت افزایش نرخ ارز متناسب با نرخ تورم مثبت می‌شود و در شرایطی که نرخ ارز تثبیت شده است، تراز پرداخت‌ها نامناسب‌ترین شرایط را داراست. در نتیجه، نظام ارزی شناور مدیریت‌شده، بهترین سیاست ارزی برای برون‌گرایی اقتصاد شمرده می‌شود.

واژگان کلیدی: برون‌گرایی؛ اقتصاد مقاومتی؛ پویایی سیستمی؛ تراز پرداخت‌ها؛ رشد اقتصادی.

* گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

hrezace@pnu.ac.ir

0000-0001-5689-9543

** دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

h.ghavami@atu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲

مقاله برای اصلاح به مدت ۹۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد. منظور از اقتصاد مقاومتی اقتصادی فعال و پویا است نه یک اقتصاد منفعل و بسته؛ به‌طوری‌که ضمن مقاومت در برابر موانع و نامایمات، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند» (رهبر انقلاب، ۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی روشی است که کشور تحریم‌شده برای مقابله با تحریم‌ها و فشارها اعمال می‌کند. اقتصاد مقاومتی نظام اقتصادی‌ای است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام، برای مقابله و مقاومت در برابر اقدامات تخریبی بین‌المللی شکل می‌گیرد تا در برابر فشار و ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی در چهارچوب اهداف تعیین‌شده ادامه مسیر دهد و رشد کند.^۱

اقتصاد مقاومتی در مقابل اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده قرار می‌گیرد و منفعل نیست و در مقابل اهداف نظام اقتصادی سلطه‌ایستادگی و بر اساس ظرفیت و توانمندی داخلی و اهداف بلندمدت خود برای اصلاح ساختار اقتصادی موجود و توانمندسازی تلاش می‌کند. در مقدمه ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بیان شده است سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌شود (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، بهمن ۱۳۹۲).

تحقق هدف برون‌گرایی اقتصاد مقاومتی مستلزم انتخاب نظام ارزی مناسب است که در کنار دیگر عوامل مهم اقتصادی، سبب بهبود تراز پرداخت‌ها شود. اقتصاد مقاومتی با رویکرد برون‌گرایی به این معنی است که بهبود تراز پرداخت‌ها با افزایش صادرات و مثبت شدن تراز پرداخت‌ها همراه باشد. تداوم این روند منجر به رشد اقتصادی پایدار می‌شود. نظام ارزی مناسب نقش مؤثری در افزایش مبادلات بین‌المللی با دیگر کشورها دارد و تاب‌آوری کشور را در عرصه جهانی افزایش می‌دهد. این هدف جز با افزایش مداوم تولید محصولات با قابلیت تجاری (رشد اقتصادی) ممکن نیست.

هدف این پژوهش، طراحی مدل شبیه‌سازی پویا برای تعیین نظام ارزی مناسب در راستای تعامل قدرتمند با بازارهای بین‌المللی با رویکرد برون‌گرایی برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی است. در این تحقیق، برای شبیه‌سازی آثار سیاست‌های مختلف ارزی بر

رشد تولید ملی، الگوی شبیه سازی پویا و سیستمی طراحی شده که در آن تأثیر سیاست های مختلف ارزی (تثبیت، کاهش چندبرابری ارزش پول ملی و تغییر ارز متناسب با روند قیمت ها در اقتصاد) بر صادرات، واردات و تولید در بلندمدت بررسی شده است. هر چقدر مبادلات تجاری با دیگر کشورها بیشتر شود و تراز پرداخت ها بهبود یابد، اقتصاد به هدف برون گرایی نزدیک تر می شود. استفاده از روش پویایی سیستم ها در تحلیل بازار ارز برای دستیابی به رویکرد برون گرایی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، نوآوری این مقاله است.

در ادامه، ابتدا مبانی نظری اقتصاد مقاومتی و سپس پیشینه تحقیق در دو بخش اقتصاد مقاومتی و نرخ ارز توضیح داده شده است. در روش شناسی پژوهش، چهارچوب کلی پویایی سیستمی توضیح داده شده است. سپس ساختار مدل به تفکیک حلقه های تشکیل دهنده آن تشریح می شود. در نهایت، نتایج حاصل از اجرای مدل در حالت های مختلف بازار ارز تبیین می شود.

۱. مبانی نظری

لازمه حرکت صحیح و اثربخش در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، شناخت کامل و درست مفهوم آن است. در ادبیات رایج اقتصاد، اصطلاح اقتصاد مقاومتی دیده نمی شود و بیشتر از اصطلاح «تاب آوری اقتصادی»^۲ استفاده شده است. تاب آوری اقتصادی را بریگالکیو^۳ (۲۰۰۶) «توان و از عهده برآمدن» معنی کرده است؛ یعنی قادر بودن هر کشور به ایستادگی و صیانت از شوک های خارجی. دوام آن را «توان نگهداشت سطح محصول در سطح ظرفیت پس تکانه ها» تعریف کرده است. آی جینز تاب آوری را «توان اقتصاد در برابر کاهش عمیق تر شدن بحران یا حداقل بهبود آثار بحران» می داند (ناکانو و فوجی، ۲۰۱۱، ۳). بریگالکیو بیان می کند که اصطلاح تاب آوری اقتصاد را می توان به دو مفهوم به کار برد. نخست، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از تکانه های اقتصادی تخریب کننده خارجی و دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این تکانه ها. این نوع تاب آوری هنگامی متصور است که اقتصاد از سازوکارهایی برخوردار باشد که اثر شوک ها را کاهش دهد که در واقع، با عنوان «جذب تکانه» نام برده می شود. بازار انعطاف پذیر به عنوان ابزاری برای جذب تکانه ها عمل می کند (بریگالکیو، ۲۰۱۱، ص. ۵).

در ادبیات متعارف اقتصادی، نزدیک ترین مفهوم به اقتصاد مقاومتی، تاب آوری اقتصاد است. منظور از اقتصاد مقاومتی تنها تاب آوری اقتصاد نیست. تاب آوری اقتصادی خود

زیرمجموعه اقتصاد مقاومتی است و اقتصاد مقاومتی افزون‌بر ویژگی‌های تاب‌آوری اقتصادی، ویژگی‌های دیگری نیز دارد که مخصوص اقتصاد مقاومتی است. در تاب‌آوری اقتصاد، توانمندی دوباره بعد از بروز شوک‌های منفی اقتصاد مطرح است. توانایی سیستم اقتصادی برای حفظ کارکرد هنگام وقوع شوک‌های منفی اقتصادی تاب‌آوری اقتصاد نامیده شده است. برای مثال، وقتی اقتصادی مورد تحریم واقع شود، در صورتی که شوک‌های منفی تحریم بر آن اقتصاد نتواند مؤثر واقع شود یا در صورت تأثیر بر آن، به سرعت آن اثر را خنثی کند، می‌گویند اقتصاد تاب‌آور است، اما اقتصاد مقاومتی، الگوی اقتصادی متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا و برون‌نگر، پویا و پیشروست و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصاد اسلامی است (متن ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بهمن ۱۳۹۲)^۴ مفهوم دیگر مستتر در اقتصاد مقاومتی، عدم آسیب‌پذیری اقتصادی است. در آسیب‌پذیری اقتصاد، شکنندگی اقتصاد مطرح است و اقتصاد توان مقابله با شوک‌ها و مخاطرات منفی را ندارد، ولی ساختار اقتصاد مقاومتی از ویژگی ضدشکنندگی برخوردار است و از فشارها و تنش‌ها نه تنها آسیب جدی نمی‌بیند، بلکه در مواجهه با آن‌ها قدرت می‌گیرد و تقویت می‌شود.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی پایدار است و از ظرفیت موجود در بهترین شکل آن بهره می‌گیرد و از منابع خود به‌طور کارا و مسئولانه استفاده می‌کند و عایدی بلندمدت را مورد توجه قرار می‌دهد. افزون‌بر ویژگی‌های بالا، اقتصاد مقاومتی دارای استحکام متقابل است یعنی هم اقتصاد تقویت می‌شود و هم تقویت اقتصاد موجب شکست ناپذیری آن می‌شود و به دنبال عمق‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی با ایجاد پایه‌های محکم، مشارکت و تعاون و اقدام متقابل است. این ویژگی در مقابل فردگرایی است. در کنار ویژگی‌های یادشده، اقتصاد مقاومتی دارای اقتصاد کلان باثبات است. به عبارتی، آسیب‌پذیری این اقتصاد از شوک‌های خارجی حداقل و مسیر رشد اقتصادی در این اقتصاد باز است و نااطمینانی در آن به حداقل می‌رسد. در اقتصاد مقاومتی، اقتصاد در تعادل است؛ یعنی تراز پرداخت‌ها با کسری مواجه نیست، بلکه صادرات بیش از واردات است و گرچه واردات هم برای تأمین مواد اولیه تولید افزایش می‌یابد، بیکاری و تورم در حد طبیعی است. افزون‌بر این، اقتصاد مقاومتی دارای مدل و نهادهای مقاوم است و سیستم اقتصادی در آن، توانایی مقابله با تغییرات را به شکلی که حالت باثبات اولیه حفظ شود، دارد. اقتصاد مقاومتی نه تنها از ویژگی اقتصاد تاب‌آور برخوردار است، بلکه ویژگی‌های دیگری نیز دارد؛ یعنی آسیب‌پذیر، شکننده و ناپایدار نیست و

استحکام، پیوستگی درونی و ثبات کلان اقتصادی دارد (قوامی، ۱۳۹۸). بنابراین، اقتصاد مقاومتی چشم انداز کلان اقتصاد اسلامی است و سبب تحقق اهداف بلندمدت آن می شود. رهبر انقلاب اقتصاد مقاومتی را این گونه بیان می کند «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیریش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکل های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا نکند» (۱۳۹۱/۰۶/۰۲)^۵. مفهوم اقتصاد مقاومتی و هدف آن در بیانیه آغازین سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی چنین است «با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکرد جهادی انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون زاء، پیشرو و برون گرا ابلاغ می گردد». برون گرایی رویکردی است که ضمن به کارگیری دیپلماسی سیاسی اقتصادی فعال و تعامل هوشمندانه و سازنده با اقتصاد منطقه ای و بین المللی، با ایجاد قابلیت صادرات گرایی با تنظیم درست سیاست های اقتصادی، مانع از مدیریت گلخانه ای صنعت کشور می شود. انتخاب سیاست ارزی مناسب به این هدف کمک می کند. در این باره رهبری بیان می کند «اقتصاد مقاومتی فقط جنبه منفی نیست. این جور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن به دور خود و فقط انجام کارهای تدافعی باشد، دورن گرا نیست. به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می کنیم و محدود می کنیم در خود کشور نه؛ درون زاست، اما برون گراست؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۵/۱۶)^۶.

رویکردهای رقیب درباره موضوع تعامل با جهان در چهار حالت رویکرد ارتباط حداقلی (درون زاء-درون گرا)، رویکرد تعامل محدود (برون زاء-درون گرا)، رویکرد وابستگی یک طرفه و رویکرد درون زاء-برون گرا قابل طبقه بندی است که مورد اخیر در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی تأیید و تأکید شده است.

در راهبرد اقتصاد مقاومتی با رویکرد انعطاف پذیر و فرصت ساز، حداکثر بهره برداری از امکانات موجود در جهان خارج در راستای بالندگی اقتصاد ملی صورت می گیرد. در این راهبرد، حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی کشور معیار اصلی در تعامل اقتصادی با جهان است. استفاده از رویکرد وابستگی متقابل ضمن بهره برداری حداکثری از فرصت های موجود

در اقتصاد جهانی، کمترین آسیب‌پذیری از مخاطرات جهانی را متوجه اقتصاد خواهد کرد. وجه درون‌زا بودن اقتصاد مقاومتی، استفاده کارآمد از کل ظرفیت‌ها، توانمندی‌های داخلی، ارتقای بهره‌وری، تقویت نظام مالی و کاهش وابستگی بودجه به نفت را موجب می‌شود و وجه برون‌گرایی آن، برنامه‌ریزی تولید ملی با قابلیت رقابت در بازارهای جهانی و متناسب با نیازهای صادراتی، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات و توسعه دیپلماسی اقتصادی را در پی دارد.

اقتصاد مقاومتی بر رشد پویای اقتصادی با رویکرد درون‌زایی همراه با برون‌گرایی تأکید دارد. این موضوع زمانی تحقق می‌یابد که حضور ایران در عرصه مبادلات بین‌المللی افزایش یابد. بر اساس نظریه‌های اقتصادی، چندین عامل در این باره نقش مؤثری دارند از جمله کیفیت و قیمت کالاهای تولیدی، درآمد کشورهای طرف تجاری و نرخ برابری ارز. بر اساس نظریه‌های اقتصادی، در بازار باثبات ارزی، افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) سبب کاهش قیمت کالاها و خدمات داخلی نسبت به تولیدات مشابه خارجی می‌شود و در نتیجه، صادرات افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه نرخ ارز نقش تعیین‌کننده‌ای در رقابت‌پذیری تولیدات داخلی در عرصه بین‌المللی دارد، در این مقاله سعی شده است مدلی برای تعیین نظام ارزی مناسب به‌منظور بهبود برون‌گرایی اقتصاد با استفاده از روش پویایی سیستمی ارائه شود.

۲. پیشینه تحقیق

۲-۱. اقتصاد مقاومتی

کلی‌وندی (۱۳۹۲)^۷ به تشریح و تبیین شاکله اصلی راهبرد اقتصاد مقاومتی پرداخته است. نوفرستی (۱۳۹۵) با توجه به بیانات مقام معظم رهبری چنین نتیجه‌گیری می‌کند که اقتصاد مقاومتی مفهومی نزدیک به تاب‌آوری اقتصادی به همراه پایداری اقتصادی است. فروزانفر و همکاران (۱۳۹۸) به تبیین مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن پرداخته است و مطابق مدل مفهومی به ده مؤلفه برای الگوی اقتصاد مقاومتی از جمله عدالت اجتماعی، مردمی بودن، درون‌زا بودن، رویکرد جهادی، کاهش وابستگی به نفت و... اشاره می‌کند. اسفندیاری (۱۳۹۵) به تبیین شاخص‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته و ۲۷ شاخص احصا کردند. اخباری و قلی‌زاده (۱۳۹۴) نشان می‌دهند اجرای سیاست‌های اقتصاد

مقاومتی و دستیابی به نتایج آن، مستلزم برنامه‌ریزی در مسیر بلندمدت، هماهنگی تمام دستگاه‌ها و افزایش کارایی اقتصادی است که این مهم از طریق نهادهای فعال و هنجارهای عاملان اقتصادی، ارزش‌ها و رفتارهایی مانند حس اعتماد، حس تعلق به اجتماع و ارزشمند بودن فرهنگ کار و تلاش در حوزه‌های مولد به دست می‌آید. پژوهنده (۱۳۹۴) نویسنده در این نوشتار کوشیده است آسیب‌هایی که از ناحیه کشورهای متخاصم به ایران وارد می‌شود همراه با راهکارهای عملی ارائه نماید. قوامی (۱۳۹۸) الگویی بر مبنای اقتصاد مقاومتی برای حل تورم ساختاری ارائه داده است.

سیف (۱۳۹۷) مدل مفهومی تولید صادرات محور را در اقتصاد مقاومتی ارائه داده است. راثی (۱۳۹۵) مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در نظام درآمدی دولت و تأثیر آن‌ها بر رشد اقتصادی ایران را بررسی کرده است. شقاقی شهری (۱۳۹۵) به تبیین آثار فساد بر درون‌زایی اقتصاد ایران پرداخته است. بدین منظور از شاخص ساده رشد اقتصادی بدون نفت و شاخص ترکیبی (سه شاخص نسبت کسری بودجه، سهم درآمدهای مالیاتی و نفت در بودجه) برای بیان اقتصاد درون‌زا استفاده شده است. خوش‌چهره و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی برای بررسی جامع ادبیات نظری و تدابیر و بیانات مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی و عوامل تأثیرگذار بر مقوله تولید ملی، الگوی راهبردی تولید ملی با رویکرد اقتصاد مقاومتی را طراحی کردند. دهمرده قلعه نو و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به تحلیل روابط کوتاه مدت و بلندمدت عوامل زمینه ساز در تحقق اقتصاد مقاومتی و رونق تولید داخلی پرداختند.

۲-۲. نظام ارزی

مشایخی (۱۹۷۸ و ۱۹۹۱) به بررسی ساختار اقتصادی ایران پرداخته است. پورمعصومی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی که بر پایه تحقیق مشایخی (۱۳۹۱) انجام شده است، به بررسی سیستم اقتصادی-اجتماعی ایران و بهبود این سیستم پرداخته‌اند. یاماگوچی (۲۰۱۳-۲۰۰۴) در سلسله تحقیقات خود از سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳، به بررسی و مدل‌سازی زیرسیستم‌های اقتصادی ژاپن پرداخته و در نهایت، با ترکیب آن‌ها مدل حسابداری اقتصاد کلان را ارائه کرده است. یاماگوچی در این سلسله تحقیقات، به تحلیل سیستم پویای نرخ ارز پرداخته است. لعل‌خضری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تثبیت نرخ ارز و تحقق اقتصاد مقاومتی» معتقدند که اقتصاد ایران به عنوان اقتصاد در حال توسعه و نفتی مانند دیگر کشورها

نیازمند انتخاب نظام ارزی مناسب در راستای دستیابی به اهداف اقتصادی خود است. مشخصه‌هایی مانند تنوع اندک در تولید، تنوع اندک در تجارت، بازارهای مالی ضعیف و توسعه نیافته و دیگر مشخصه‌های اقتصاد نفتی ایران، ایجاب می‌کند که انتخاب نظام ارزی کشور متناسب با این مشخصه‌ها تعیین شود. فانگ و تامسون^۸ (۲۰۰۴) اثبات کردند که اثر کاهش نرخ ارز بر صادرات تایوان مثبت، اما اثر ریسک نرخ ارز بر آن منفی است. فانگ و همکاران^۹ (۲۰۰۶) نیز آثار خالص تغییرات نرخ ارز و ریسک این تغییرات را بر صادرات هشت کشور آسیای شرقی آزمون کردند و پی بردند که افزایش نرخ ارز، صادرات را افزایش می‌دهد، اما افزایش نوسانات نرخ ارز ممکن است صادرات را کاهش دهد که این، تأثیر اصلی افزایش نرخ ارز را خنثی می‌کند.

حلافی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با استفاده از مدل بازه زمانی (۱۳۸۳-۱۳۳۸) نتیجه می‌گیرد بی‌ثباتی نرخ واقعی ارز و انحراف نرخ واقعی ارز از مسیر تعادلی خود، روی رشد اقتصادی ایران تأثیر منفی دارد. حسینی دولت‌آبادی و طاهری فرد (۱۳۹۳) در پژوهش «اثر شوک مثبت نرخ ارز بر تولید ناخالص ملی»، نشان دادند که شوک مثبت نرخ ارز یا کاهش ارزش پول ملی سبب کاهش تولید ناخالص داخلی بدون نفت و افزایش سطح قیمت‌ها نسبت به روند تعادلی خود در دوره‌های پس از اعمال شوک نرخ ارز می‌شود.

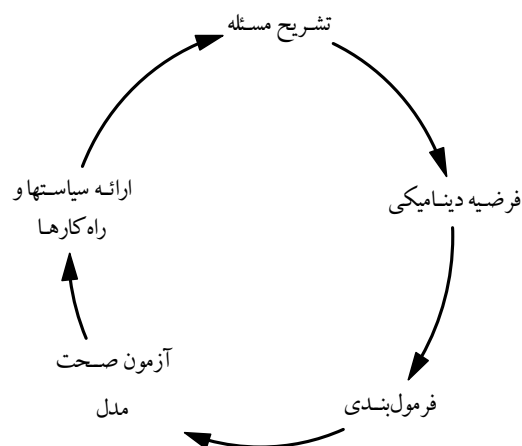
در مطالعه‌ای که راسخی و همکاران (۱۳۹۱) انجام دادند، به آثار نامتقارن نرخ ارز و نوسان آن بر صادرات غیرنفتی ایران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که اثر نرخ واقعی ارز بر صادرات واقعی غیرنفتی در زمان کاهش ارزش پول داخلی بیشتر از زمان تقویت پول ملی است. همچنین، در بحث تأثیر منفی نوسانات نرخ واقعی ارز بر صادرات غیرنفتی، نتایج حاکی است که اثر نوسانات نرخ واقعی ارز بر صادرات واقعی غیرنفتی در زمان کاهش ارزش پول داخلی بیشتر از زمان تقویت ارزش پول داخلی است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پویایی سیستمی روشی برای تجزیه و تحلیل حل مسئله و شبیه‌سازی سیستم است (Barlas, 2002). این تکنیک روشی برای تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و مسائل پیچیده به کمک ترسیم نمودارها و شبیه‌سازی رایانه‌ای است که در دهه ۱۹۶۰ توسط فارستر در دانشگاه MIT توسعه داده شد (Forrester, 1968; Forrester, 1969). در واقع، رویکرد پویایی

سیستمی روش مناسبی برای تجزیه و تحلیل اجزای سیستمی است که دارای روابط علی- معلولی، زیربنای منطقی و ریاضی، تأخیرات زمانی و حلقه های بازخورد است (Chen et al, 2005). نمودار علی- معلولی و نمودار جریان حالت، ابزاری است که برای فهم بهتر مدل سازی سیستم های پویا استفاده می شود.

در روش پویایی سیستمی برای تحلیل پدیده ها، روابط درونی و متقابل اجزای سیستم در طول زمان بررسی می شود. مدل سازی در پویایی سیستمی ابزاری است که به مدیران و سیاست گذاران کمک می کند تا به وظایف اصلی و تحلیل روندهای کلی توجه و از نگرش جزئی به مشکلات و مسائل پرهیز کنند. فرایند مدل سازی چرخشی و بازگشتی است. بدین معنا که این فرایند بر عملکرد افراد در دنیای بیرونی تأثیر می گذارد و عمل بیرونی نیز متقابلاً بر مدل و اصلاح آن تأثیر مستقیم دارد. مراحل مدل سازی در رویکرد پویایی سیستمی در شکل ۱ نشان داده شده است.



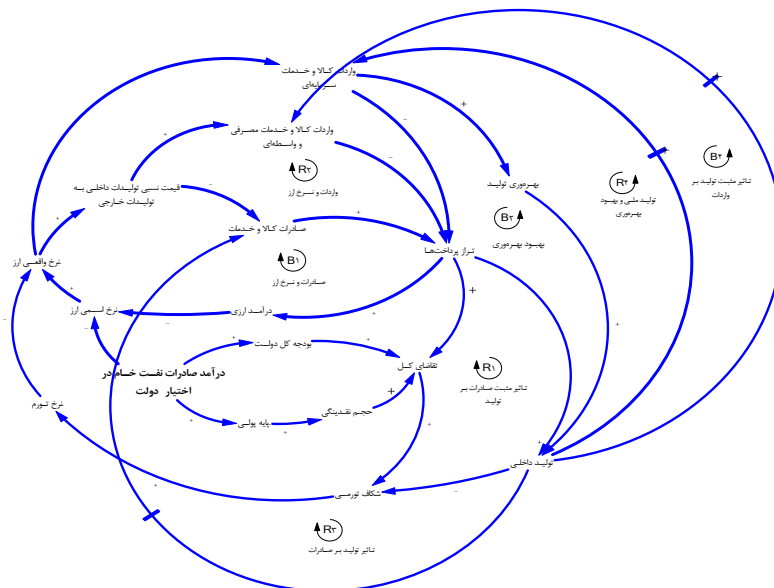
شکل ۱: ساخت یک مدل با استفاده از رویکرد پویایی شناسی سیستم

منبع: استرمن: ۲۰۰۰

۴. ساختار کلی مدل پیشنهادی

ساختار کلی مدل از دو زیرمدل تشکیل شده است. زیرمدل برون گرایی (بهبود تراز پرداخت ها همراه با افزایش تولید ملی) و زیرمدل جهش نرخ ارز که در ادامه، توضیحات هر کدام آمده است.

۴-۱. زیرمدل برون‌گرایی



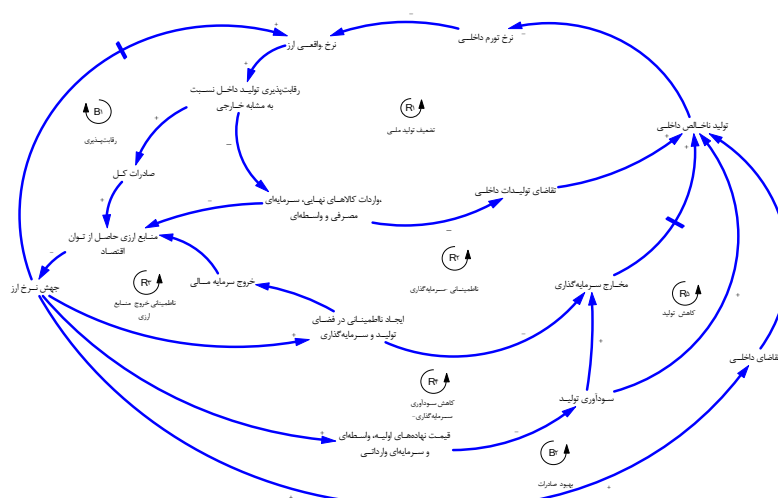
شکل ۲: برون‌گرایی اقتصاد
منبع: یافته‌های پژوهش

به واسطه سیاست‌های تثبیت نرخ ارز همراه با افزایش مداوم نرخ تورم، نرخ واقعی ارز کاهش می‌یابد. کاهش نرخ واقعی ارز به واسطه افزایش قیمت نسبی تولیدات داخلی سبب کاهش رقابت‌پذیری در بازارهای بین‌المللی می‌شود. این موضوع موجب کاهش صادرات و افزایش واردات کالاها و خدمات سرمایه‌ای، مصرفی و واسطه‌ای می‌شود (کازرونی و همکاران، ۱۳۹۴). افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای به دلیل بهبود بهره‌وری، به‌طور مستقیم تولید را افزایش می‌دهد (حلقه B_2)، اما از سوی دیگر، به دلیل کاهش صادرات، تقاضا برای تولیدات داخلی کاهش می‌یابد و به این ترتیب تولید داخلی آسیب می‌بیند (حلقه R_1). کاهش تولید سبب کاهش نیاز به واردات کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی می‌شود (حلقه‌های B_3 و R_2) (سیانلو و قنبری، ۱۳۸۹؛ محرابیان و توفیقی، ۱۳۸۱).

در صورتی که به دلیل کاهش نرخ واقعی ارز، مجموع واردات بیش از صادرات باشد، دو تأثیر متفاوت دارد؛ از سویی منابع ارزی کاهش می یابد و سبب افزایش نرخ ارز اسمی می شود

(حلقه های R_1 و B_1) و از سوی دیگر، بخش عمده درآمدهای دولت حاصل از فروش نفت است که فرایند تبدیل درآمدهای ارزی نفت به ریال توسط بانک مرکزی سبب افزایش پایه پولی و نقدینگی می شود. بنابراین، تقاضای کل اقتصاد تحت تأثیر مخارج افزایشی دولت و افزایش نقدینگی حاصل از تبدیل درآمدهای نفتی، همواره افزایش می یابد. افزایش نسبت تقاضای کل به تولید کل اقتصاد سبب افزایش شکاف تورمی و در نهایت، افزایش نرخ تورم می شود (گزارش های سالانه بانک مرکزی ایران). طبق آمار رسمی بانک مرکزی ایران، اقتصاد ایران جزو معدود کشورهایی است که در چهار دهه گذشته تورم دورقمی را تجربه کرده است. این مسئله در کنار سیاست های تثبیتی نرخ ارز سبب کاهش مداوم نرخ واقعی ارز شده است؛ هرچند بعد از یک دوره ثبات نسبی، نرخ ارز افزایش چند برابری داشته است که تأثیر بسیار مخربی بر ثبات اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصاد از جمله تولید کل دارد.

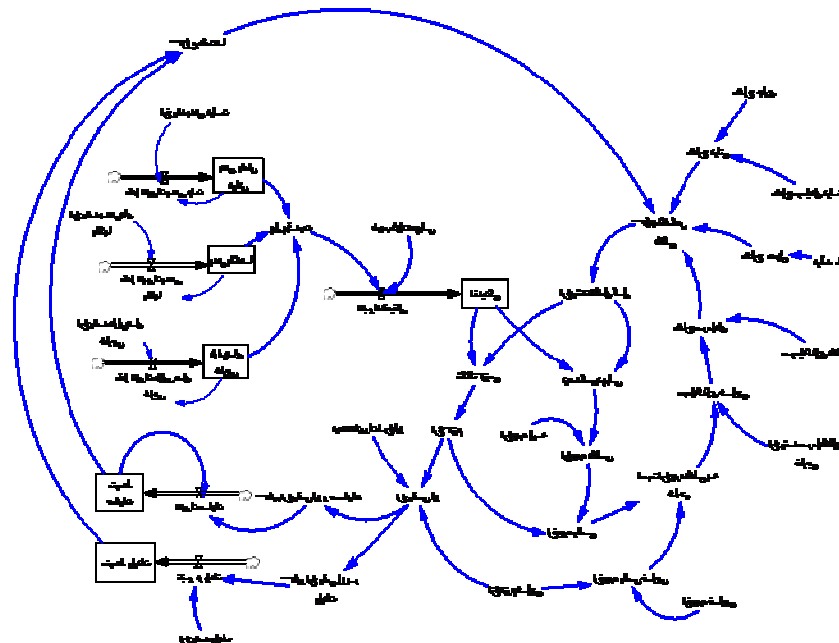
۴-۲. زیرمدل بازار ارز



شکل ۳: جهش نرخ ارز و کاهش تولید ملی
منبع: یافته های پژوهش

سیاست‌های تثبیت نرخ ارز در کنار نرخ بالای تورم داخلی سبب کاهش نرخ واقعی ارز می‌شود (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۳). کاهش نرخ واقعی ارز رقابت‌پذیری تولید داخلی نسبت به کالاهای مشابه خارجی را کاهش می‌دهد. در نتیجه، تقاضا برای محصولات داخلی کاهش می‌یابد (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۶) (حلقه R_1). از نتایج کاهش رقابت‌پذیری تولید داخلی می‌توان به افزایش واردات و کاهش صادرات اشاره کرد که دستاورد آن کاهش منابع ارزی داخلی است که در شرایط تحریم یا کاهش درآمدهای نفتی عامل مؤثری است که بانک مرکزی نمی‌تواند سیاست تثبیت نرخ ارز را ادامه دهد. درآمد نفت سهم زیادی از بودجه را به خود اختصاص داده است. به واسطه فشار تورم و کاهش درآمدهای نفتی در سال‌های اخیر، بانک مرکزی مجبور شده است بعد از دوره‌ای تثبیت نرخ ارز، آن را افزایش دهد (گزارش‌های دوره‌ای بانک مرکزی). این افزایش زیاد در نهایت، سبب تضعیف تولید ملی و افزایش بیکاری می‌شود (حسینی دولت‌آبادی و طاهری فرد، ۱۳۹۳). به این ترتیب افزایش نرخ ارز به دلیل ایجاد نااطمینانی در فضای کلان اقتصادی سبب کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌های ثابت و متغیر می‌شود (دودانگی، ۱۳۹۵) (حلقه R_2). خروج سرمایه و کاهش منابع ارزی از دیگر نتایج نااطمینانی در اقتصاد است (حلقه R_3). از سوی دیگر، به دلیل اینکه سال‌های متوالی نرخ ارز ثابت بوده، ظرفیت لازم برای تولید نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که کشور امکان تولید آن را داشته، ایجاد نشده است. بنابراین، به دلیل نیاز داخلی با وجود جهش نرخ ارز همچنان باید واردات نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با هزینه بالا ادامه یابد. این افزایش هزینه‌های تولید از سویی سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد (حلقه R_4) و از سوی دیگر، به دلیل کاهش تولید یا تعطیل شدن بنگاه‌های تولیدی، مستقیماً تولید کل اقتصاد را کاهش می‌دهد (حلقه R_5). جهش نرخ ارز سبب افزایش نرخ واقعی ارز (حلقه B_1) و افزایش رقابت‌پذیری تولیدات داخلی در بازارهای جهانی و افزایش صادرات می‌شود که با افزایش تقاضای داخلی، شرایط را برای افزایش تولید داخل مهیا می‌کند (حلقه B_2)^۱. نتیجه تحقیقات مختلف نشان می‌دهد تأثیر حلقه‌های تقویت‌کننده کاهش تولید ملی (R_1 تا R_5) بیش از حلقه‌های متعادل‌کننده (B_1 و B_2) تقویت تولید ملی است (مزینی، ۱۳۹۲).

۵. مدل کلی جریان حالت



شکل ۴: نمودار جریان حالت
منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۱. معرفی متغیرها در روابط ریاضی و توابع بخش ارزی در نرم افزار ونسیم

جدول ۱: روابط ریاضی مورد استفاده در مدل

1	$TD = Cex + Gex + Iex + Tca$	B rial
2	$Cex = \alpha (NI) + Ds$	B rial
3	$NI = INTEG(NI \times IN_r, NI(\cdot))$	B rial
4	$Gex = Gcu + G_{In}$	B rial
5	$Iex = DI + FI$	B rial
6	$DI = (I(\cdot) \times Ir) + ste$	B rial
7	$FI = Dfi$	B rial

ادامه جدول ۱

۸	Ir= constant	%
۹	s.e r= constant	%
۱۰	ste= INTEG(s er(o) × s. e. r,s er(o))	B rial
۱۱	rTD= TD/(۱+f.r.TD)	B rial
۱۲	r.TDg= (r TD-rTD(-۱))/rTD(-1)	%
۱۳	rTD(-۱)=DELAY FIXED(r TD, ۱, r TD)	B rial
۱۴	Ir= constant	%
۱۵	s.e r= constant	%

با توجه به روابط بالا، TD تقاضای کل اقتصاد، Cex مخارج مصرفی، Iex مخارج سرمایه‌ای، Gex مخارج دولتی، Tca تراز پرداخت‌ها، Brial میلیارد ریال، INr نرخ رشد درآمد ملی و NI (۰) مقدار اولیه درآمد ملی، NI درآمد ملی، rTD مجموع تقاضای واقعی اقتصاد، r.TDg نرخ رشد تقاضای واقعی کل اقتصاد و rTD(-۱) تقاضای واقعی دوره قبل است. Iex مخارج کل سرمایه‌گذاری از دو جزء DI سرمایه‌گذاری داخلی و FI سرمایه‌گذاری خارجی تشکیل شده است. سرمایه‌گذاری داخلی از دو جزء DI سرمایه‌گذاری ثابت و ste سرمایه‌گذاری متغیر (تغییر در موجودی انبار و اشتباهات آماری) تشکیل می‌شود. s.e r نرخ رشد تغییر در موجودی انبار و اشتباهات آماری، Ir نرخ رشد سرمایه‌گذاری داخلی و Dfi سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. همچنین، rTD مجموع تقاضای واقعی اقتصاد، r.TDg نرخ رشد تقاضای واقعی کل اقتصاد، rTD(-1) تقاضای واقعی دوره قبل، همچنین، SMOOTH تابع هموارسازی نمایی است که از دو بخش تشکیل شده است. در بخش نخست، نام متغیر مورد نظر و در قسمت دوم، تعداد دوره‌های هموارسازی نوشته می‌شود. برای اینکه مدل علی-معلولی قابل اجرا باشد، نمودارهای جریان حالت را بر اساس نمودارهای علی ترسیم و روابط ریاضی آن را وارد می‌کنند. چگونگی عملکرد مدل‌های پویایی سیستمی به این گونه است که با تغییر پارامترهای سیاستی، متغیرهای هدف تغییر می‌کنند و به این طریق می‌توان تأثیر سیاست‌های مختلف (پارامترها) را بر متغیرهای هدف مشاهده کرد. در این مدل، نرخ ارز اسمی و درصد تغییر نرخ ارز اسمی پارامترهای سیاستی و متغیرهای نرخ رشد ملی و تولید ملی و تراز پرداخت‌ها متغیرهای هدف شمرده می‌شود.

۶. داده‌های مورد استفاده

همان گونه که ملاحظه می‌شود، این مدل شامل پارامترهای برونزای متعددی است که مقادیر آن‌ها باید پیش از حل مدل، با توجه به وضعیت سال‌های گذشته اقتصاد کشور تعیین شود. عناوین این پارامترها و مقادیر مورد استفاده برای آن‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: مقادیر مفروض برای پارامترهای مدل

نام متغیر	علامت اختصاری	مقدار	نام متغیر	علامت اختصاری	مقدار
تقاضای اولیه کل اقتصاد	TD(0)	۱۹۱۲۸۸۴۰	نرخ رشد درآمد ملی (درصد)	INr	۲۰
مخارج مصرفی بخش خصوصی	Cex(0)	۹۲۸۱۱۵۴	مقدار اولیه درآمد ملی	IN (0)	۱۴۷۸۲۵۹۴
مخارج سرمایه‌ای	Iex(0)	۳۹۷۶۳۸۰	نرخ رشد تقاضای واقعی اقتصاد	r.TDg	-۶ درصد
مخارج دولتی	Gex(0)	۲۳۴۳۰۴۰	سرمایه‌گذاری داخلی	DI(0)	۶۷۱۴۲۵۰/۹
تراز پرداخت‌ها	Tca(0)	۲۶۸۸۹۶	نرخ رشد سرمایه‌گذاری داخلی	rDI	۲۶ درصد
سرمایه‌گذاری ثابت	dI(0)	۳۹۷۶۸۰	سرمایه‌گذاری متغیر	ste(0)	۲۷۳۷۸۷۱
نرخ رشد سرمایه‌گذاری داخلی (درصد)	Ir	۳۱/۵	نرخ رشد تغییر در موجودی انبار	s.e r	۱۹ درصد

منبع: سایت بانک مرکزی

۷. اعتبارسنجی مدل

اعتبارسنجی مدل‌های پویایی‌شناسی سیستم برای اطمینان بیشتر به صحت و درست بودن مدل است. از آنجاکه این روش برای رسیدگی به مشکل و رفع آن در زمینه‌های متفاوت در جامعه است، مدل طراحی شده برای تطابق با واقعیت مورد سنجش واقع می‌شود. شیوه عملیاتی و مراحل لازم اعتبارسنجی، از همان اوایل مدل‌سازی آغاز می‌شود. در این مراحل، بررسی ساختار مدل و ساختار سیستم واقعی، توجه به ابعاد معادلات مختلف و همخوانی آن‌ها با یکدیگر و اینکه آیا مدل شکل گرفته برای دستیابی به هدف مورد نظر مناسب است یا خیر، تحلیل و ارزیابی می‌شود (صمدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۸۴).

اعتبارسنجی در مدل‌های سیستم دینامیک به دو گونه اعتبار ساختاری^{۱۱} و اعتبار رفتاری^{۱۲} تقسیم شده است. اعتبار ساختاری به این معنی است که مدل باید به شکل دقیق و کافی نشان‌دهنده روابط جهان واقعی باشد. اعتبار رفتاری به این معنی است که رفتار مدل به اندازه کافی نشان‌دهنده رفتار پدیده در جهان واقعی باشد. اعتبار رفتاری وقتی به وجود می‌آید که مدل دارای اعتبار ساختاری مناسب باشد (سریزدی و همکاران، ۱۳۹۹) برای اعتبارسنجی مدل، آزمون‌های زیادی معرفی شده که عبارت از ۱. آزمون‌های کفایت مرزهای مدل، ۲. ارزیابی ساختار مدل، ۳. واحدهای اندازه‌گیری، ۴. سازگاری پارامترها، ۵. شرایط حدی، ۶. بررسی جزیه جز معادلات مدل ۷. خطای جامع، ۸. انحراف رفتار، ۹. رفتار غیرمنتظره، ۱۰. تحلیل حساسیت، ۱۱. بهبود سیستم و ۱۲. وارد ساختن تکانه به متغیرهاست (یوسفزی، ۱۳۹۸، ص. ۷۰). تحلیل حساسیت در سه نوع حساسیت عددی، رفتاری و سیاستی اعمال می‌شود.

برای اعتبارسنجی مدل‌های پویایی سیستمی روش‌های مختلفی وجود دارد. این روش‌ها در سه دسته کلی شامل تست‌های ساختار مدل، تست‌های رفتار مدل و تست‌های مضامین سیاست‌ها قرار می‌گیرد (حاجی‌غلام‌سریزدی، منطقی، و زارع مهرجردی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۵). ماهیت موضوع، نوع آزمون‌ها را تعیین می‌کند. در این مقاله، با توجه به ماهیت مدل‌های کلان اقتصادی، برای اعتبارسنجی از روش‌های زیر استفاده می‌شود.

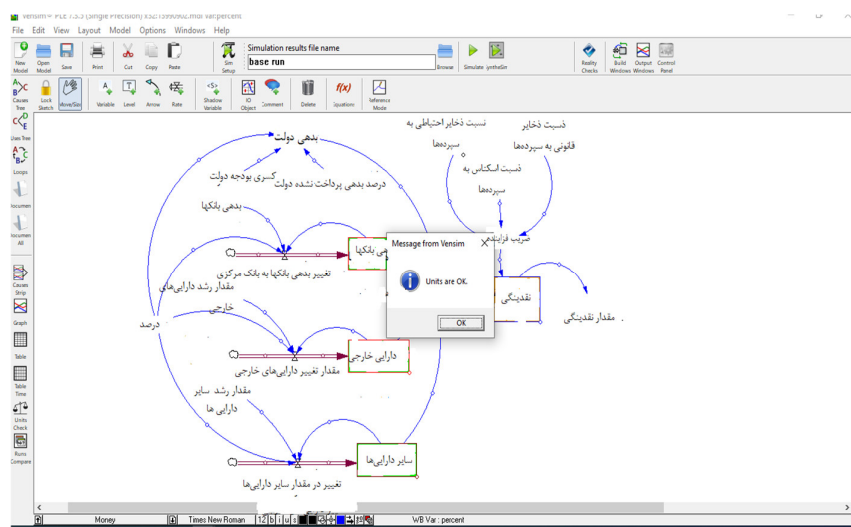
آزمون کفایت مرز: در این تست، کفایت متغیرها و ساختارهای رسم‌شده را با توجه به اهداف و مسئله مطرح‌شده بررسی می‌کنند. ساختار باید با اهداف مطالعه متناسب باشد. همان‌طور که در قسمت مدل‌سازی علت و معلولی بیان شد، تأثیر تغییرات نرخ واقعی ارز بر

متغیرهای مختلف اقتصادی مانند صادرات، واردات و تولید ملی مدل سازی شد. در نتیجه، ساختار مدل های طراحی شده هدف مطالعه را پوشش می دهد.

شرایط مرزی^{۱۳}: آیا مدل در حالت حدی نیز بامعناست؟ آیا مدل در شرایط حدی به سیاست ها، شوک ها و پارامترها به طور منطقی پاسخ می دهد؟ برای مثال آیا سیستم طراحی شده با قوانین اساسی اقتصاد همخوانی دارد؟ نرخ ارز را جهش دادیم و نتایج مدل منطبق با مبانی اقتصادی بود (نمودار ۱).

آزمون ارزیابی ساختار مدل^{۱۴}: این تست انطباق ساختار مدل را با دانشی که از سیستم هست، بررسی می کند. برای مثال، آیا سیستم طراحی شده با قوانین اساسی اقتصاد همخوانی دارد؟ در اجرای مدل مشاهده می شود نتایج حاصل از اجرای مدل از نظر اقتصادی کاملاً مورد تأیید است (نمودارهای ۱ تا ۶).

آزمون سازگاری ابعادی: این آزمون به تحلیل ابعاد و واحدهای معادلات مدل می پردازد. این کار در قسمت بررسی واحدها^{۱۵} در نرم افزار ونسیم مورد تأیید قرار گرفت (شکل ۵).



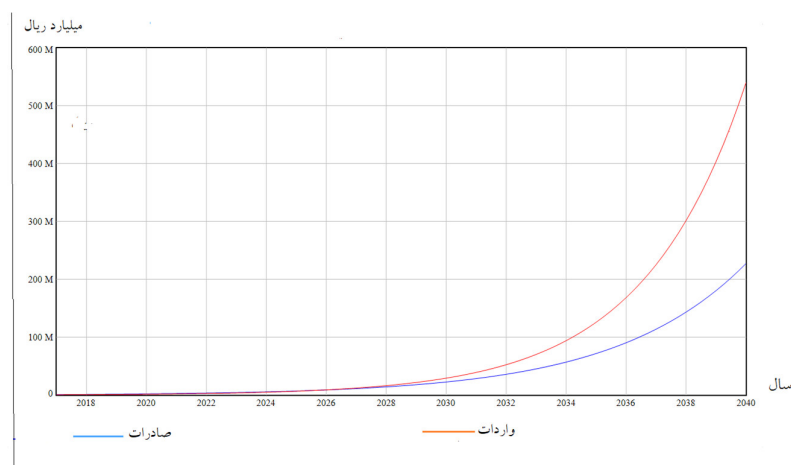
شکل ۵- تست سازگاری ابعادی

منبع: نتایج اجرای مدل.

۸. اجرای مدل و تحلیل‌های سیاستی

با استفاده از مدل پویای سیستمی یادشده می‌توان تأثیر تغییرات نرخ ارز را بر متغیرهای اقتصاد کلان مانند صادرات، واردات، تراز تجاری و تولید ملی ارزیابی کرد. مدل جریان حالت با استفاده از نرم‌افزار ونسیم و بر اساس سال مبنای ۱۳۹۷^{۱۶} اجرا می‌شود.

سناریوی نخست: تثبیت نرخ ارز در مقایسه با جهش چندبرابری
با فرض اینکه نرخ ارز اولیه ۳۲۰۰۰ ریال^{۱۷} است. روند تراز تجاری با فرض ثبات نرخ ارز اجرا می‌شود. سپس نرخ ارز در جهش چند برابری به ۱۲۰۰۰۰ ریال افزایش داده می‌شود.



نمودار ۱: مقایسه روند صادرات و واردات با فرض ثبات نرخ ارز

منبع: نتایج اجرای مدل

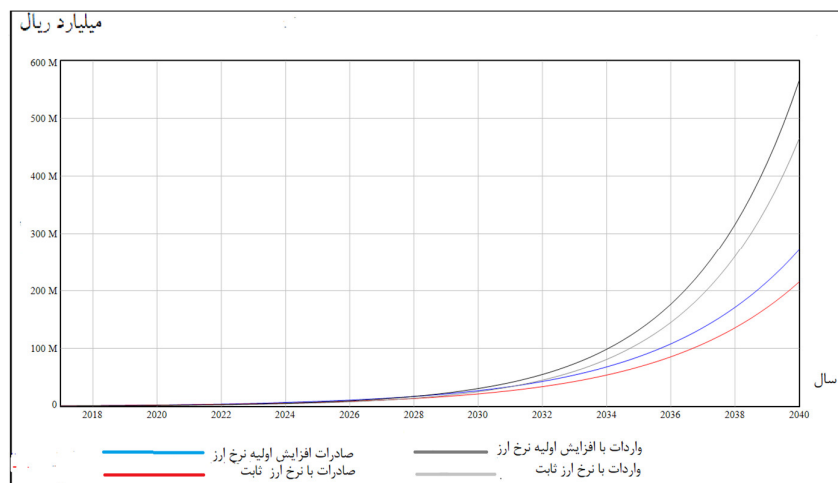
با توجه به نمودار ۱، در صورت تثبیت نرخ ارز، واردات همواره بیش از صادرات کالاهای غیرنفی است و در نتیجه، تراز پرداخت‌ها نیز همواره در طول دوره منفی می‌شود.
با توجه به نمودار ۲، با افزایش نرخ ارز از ۳۲۰۰۰ ریال به ۱۲۰۰۰۰ ریال، تراز پرداخت‌ها بهبودی نسبی اندکی خواهد داشت. در مطالعات پیشین بیان شد (Fang, Lai, & Miller, 2006) که نوسانات شدید نرخ ارز نتیجه منفی بر صادرات دارد؛ به گونه‌ای که تأثیر منفی حاصل از نااطمینانی و نوسانات نرخ ارز بر تراز پرداخت‌ها، تأثیر مثبت افزایش نرخ ارز را تا حدی خنثی می‌کند و تراز پرداخت‌ها در بلندمدت همچنان منفی خواهد بود.



نمودار ۲: روند تراز تجاری با فرض ثبات نرخ ارز و جهش چندبرابری

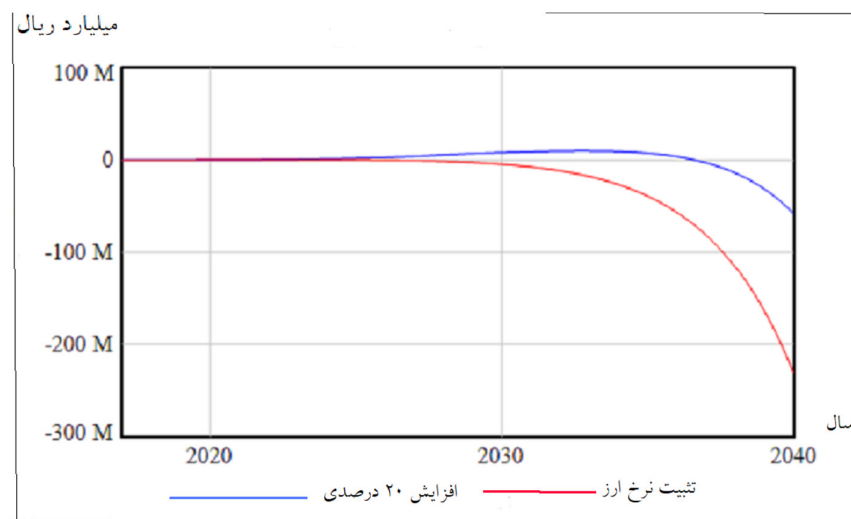
منبع: نتایج اجرای مدل

سناریوی دوم: افزایش ۲۰ درصدی نرخ ارز
 تضعیف پول ملی سبب افزایش قیمت کالاهای وارداتی و ارزان شدن کالاهای داخلی نسبت به مدت مشابه تثبیت نرخ ارز می شود. این موضوع موجب افزایش قدرت رقابت کالاهای تولید داخلی نسبت به مشابه خارجی آن می شود. بنابراین، حجم صادرات افزایش و واردات کاهش می یابد و در نتیجه، تراز پرداخت ها بهبود می یابد. نرخ ارز ۲۰ درصد افزایش داده می شود و تأثیر آن بر صادرات، واردات و تراز تجاری در مقایسه با شرایط ثبات نرخ ارز بررسی می شود (نمودار ۳ و ۴).



نمودار ۳: مقایسه روند صادرات و واردات در دو حالت ثبات و افزایش ۲۰ درصدی نرخ ارز
منبع: نتایج اجرای مدل

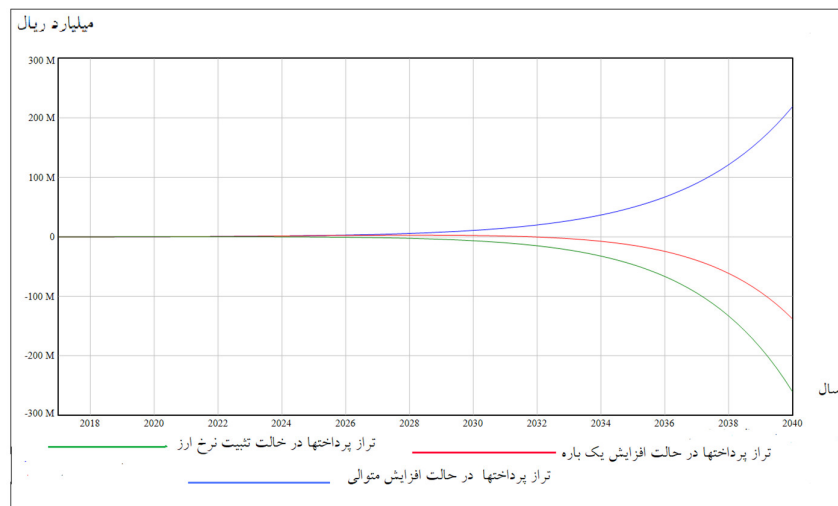
با توجه به نمودار ۳، صادرات هنگام افزایش نرخ ارز بیش از تثبیت نرخ ارز رشد خواهد داشت. این موضوع درباره واردات دقیقاً معکوس است. این نکته در نمودار تراز پرداخت‌ها (نمودار ۴) به خوبی نشان داده شده است. به این معنا که کاهش ارزش پول ملی سبب افزایش قیمت کالاهای وارداتی و کاهش قیمت کالاهای داخلی نسبت به مدت مشابه تثبیت نرخ ارز می‌شود. در نتیجه، موجب افزایش قدرت رقابت کالاهای تولید داخلی نسبت به مشابه خارجی آن می‌شود. بنابراین، حجم صادرات افزایش و واردات کاهش می‌یابد (امینی و همکاران، ۱۳۹۶). در نتیجه انتظار بر این است که کاهش ارزش پول ملی نسبت به زمان تثبیت نرخ ارز سبب بهبود خالص صادرات و به تبع آن، افزایش تراز پرداخت‌ها شود (نمودار ۴) (راسخی و همکاران، ۱۳۹۱).



نمودار ۴: مقایسه روند تراز پرداخت‌ها در دو حالت تثبیت و افزایش ۲۰ درصدی نرخ ارز
 منبع: نتایج اجرای مدل

سناریوی سوم: افزایش مداوم نرخ ارز

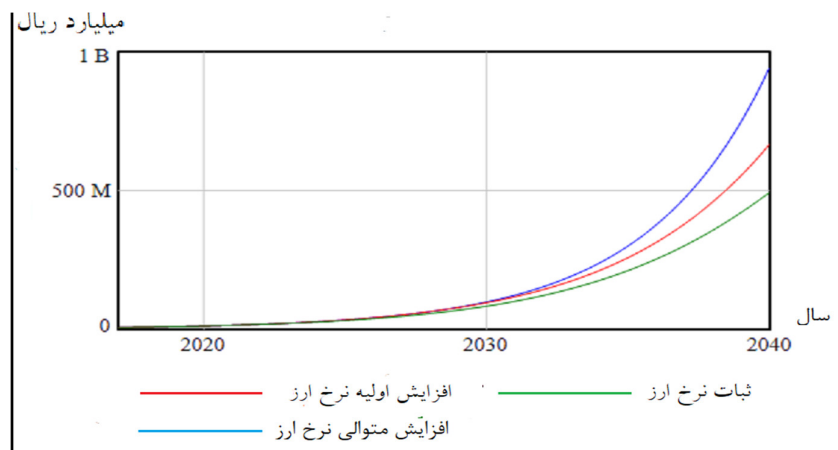
نرخ ارز به طور متوالی در سالیان مختلف افزایش داده می شود؛ به گونه ای که در سال اول، ۵ درصد و در سالیان مختلف، هر سال ۱۰ درصد افزایش می یابد. حجم صادرات به واسطه افزایش مداوم نرخ ارز نسبت به افزایش یکباره و تثبیت نرخ ارز (در شرایط تورم دورقمی) بیشتر خواهد بود. این موضوع درباره واردات معکوس است. به این معنا که حجم واردات در شرایط تثبیت نرخ ارز بیش از افزایش یکباره و متوالی آن است. با توجه به تغییرات صادرات و واردات نسبت به افزایش نرخ ارز، انتظار بر این است که تراز پرداخت ها بهبود یابد (نمودار ۵)؛ به گونه ای که تراز پرداخت ها برخلاف دو حالت پیشین، در تمام دوره مثبت است.



نمودار ۵: مقایسه روند تراز پرداختها در سه حالت تثبیت، افزایش یک باره و افزایش متوالی

نرخ ارز

منبع: نتایج اجرای مدل



نمودار ۶: روند تولید ملی در سه حالت تثبیت، افزایش یک باره و افزایش متوالی نرخ ارز

منبع: نتایج اجرای مدل

با توجه به اینکه مفهوم برون گرایی، افزایش مراودات تجاری با دیگر کشورهاست و انتظار بر این است که این مراودات سبب بهبود نسبی تراز پرداخت ها شود، رسیدن به این هدف مستلزم افزایش تولید ملی (رشد اقتصادی) است. براین اساس، تأثیر تغییرات نرخ ارز بر تولید ملی در حالات مختلف بررسی شد. با توجه به تأثیرپذیری متفاوت صادرات و واردات از تغییرات نرخ ارز و بهبود نسبی تراز پرداخت ها در تضعیف مداوم نرخ ارز متناسب با نرخ تورم، انتظار بر این است که تولید ناخالص داخلی در نظام ارزی شناور مدیریت شده نسبت به نظام ارزی ثابت و جهش نرخ ارز رشد بیشتری داشته باشد (نمودار ۶). این با هدف برون گرایی اقتصاد مقاومتی سازگار است.

بحث و نتیجه گیری

یکی از نکات یادشده در سیاست های اقتصاد مقاومتی برون گرایی اقتصاد است که در این مقاله سعی شده است رویکرد پویایی سیستمی تحقق اقتصاد مقاومتی با تأکید بر تأثیر برون گرایی اقتصاد مدل سازی شود. بدین منظور ابتدا بر اساس مبانی نظری، نمودارهای علی- معلولی برون گرایی و بازار ارز بر اساس پژوهش های اقتصادی ترسیم شد. سپس مدل جریان حالت، تغییرات نرخ ارز را در چهار حالت تثبیت، جهش چند برابری، افزایش اولیه اندک و افزایش متناسب با نرخ تورم اجرا کرد و تأثیرات این تغییرات بر صادرات، واردات و تولید اقتصادی بررسی شد.

با فرض اینکه نرخ ارز اولیه ۳۲۰۰۰ ریال^{۱۸} است، در صورت ثبات نرخ ارز، به جز چند سال اول شبیه سازی، همواره روند واردات بیش از صادرات است (نمودار ۱). در نتیجه، انتظار بر این است که تراز پرداخت ها پیوسته منفی باشد (نمودار ۲).

نرخ ارز ۲۰ درصد افزایش داده می شود. با توجه به نمودار ۳، صادرات هنگام افزایش نرخ ارز بیش از تثبیت نرخ ارز رشد خواهد داشت. این موضوع درباره واردات دقیقاً معکوس است. این نکته در نمودار تراز پرداخت ها به خوبی نشان داده شده است. در نتیجه، انتظار بر این است که کاهش ارزش پول ملی نسبت به زمان تثبیت نرخ ارز سبب بهبود خالص صادرات و به تبع آن، افزایش تراز پرداخت ها شود (نمودار ۴). در حالت سوم، نرخ ارز به طور متوالی در سالیان مختلف افزایش داده می شود؛ به گونه ای که در سال اول ۵ درصد و در سالیان مختلف، هر سال ۱۰ درصد افزایش می یابد. حجم

صادرات به واسطه افزایش مداوم نرخ ارز نسبت به افزایش یکباره و تثبیت نرخ ارز (در شرایط تورم دورقمی) بیشتر خواهد بود. این موضوع درباره واردات معکوس است. به این معنا که حجم واردات در شرایط تثبیت نرخ ارز بیش از افزایش یکباره و متوالی آن است. با توجه به تغییرات صادرات و واردات نسبت به افزایش نرخ ارز، انتظار بر این است که تراز پرداخت‌ها بهبود یابد؛ به گونه‌ای که تراز پرداخت‌ها برخلاف دو حالت پیشین در تمام دوره مثبت است (نمودار ۵).

با توجه به نتایج اجرای مدل به پرسش تحقیق پاسخ داده شد که نظام ارزی شناور مدیریت‌شده، نظام ارزی مناسبی برای رسیدن به رشد اقتصادی پویا با رویکرد برون‌گرایی است و فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه نظام ارزی شناور مدیریت‌شده برای رسیدن به رشد اقتصادی پویا با رویکرد برون‌گرایی، نظام مناسبی است، مورد تأیید قرار گرفت. نکته گفتنی اینکه، انتخاب نظام ارزی مناسب و پایبندی به آن، علت تامه در بهبود تراز پرداخت‌ها و رشد اقتصادی نیست، بلکه در نگاه سیستمی، برای تحقق هدف، تمام بخش‌های اقتصاد باید به صورت صحیح و بر مبنای اصول علمی اقتصاد عمل کنند و عملکرد صحیح هر بخش در تحقق آن هدف مؤثر است.

بر اساس یافته‌های تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می‌شود.

۱. برای دستیابی به برون‌گرایی اقتصاد و تحقق اقتصاد مقاومتی، اجرای سیاست نظام ارزی شناور مدیریت‌شده توصیه می‌شود.
۲. برای بهبود تراز پرداخت‌ها که در راستای هدف برون‌گرایی اقتصاد است، سیاست‌های پولی و مالی کشور باید در راستای کاهش نرخ تورم و پایدارسازی آن باشد.

یادداشت‌ها

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳

1. Economic Resilience
2. Briguglio
3. Bailey et al.

۴. متن ابلاغیه رهبر انقلاب به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت

نظام ۱۳۹۲/۱۱/۲۹. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>

5. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25365>

6. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26023>

۷. کلی وندی زینب (۱۳۹۲)، کنگره پیشگامان پیشرفت سال، دوره برگزاری ۳

8. Fang & Thompson

9. Fang et al .

۱۰. کتاب مالیة بین الملل.

11. Structural Validation

12. Behavior Validation

13. Extreme Conditions

14. Structure Assessment Test

15. Units Check

۱۶. با توجه به آخرین آمار در دسترس در تارنمای بانک مرکزی و مرکز ملی آمار، انتخاب سال

مبنا با محدودیت مواجه بود؛ زیرا باید سالی انتخاب می شد که تمام داده های مدل در اختیار باشد.

۱۷. نرخ ارز در سال شروع مدل.

۱۸. نرخ ارز در سال ۱۳۹۶.

کتابنامه

اخباری، محمد؛ و قلی زاده صدیقه (۱۳۹۴). ثبات اقتصاد (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان).

اسفندیاری صفا، خسرو، و دهقان، حبیب اله. (۱۳۹۵). مولفه های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه اله تعالی). مدیریت نظامی، ۱۶(۶۱)، ۶۰-۸۴.

اسماعیلی، زری (۱۳۸۸) تأثیر بهره وری بر نرخ واقعی مؤثر ارز در ایران طی دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ (آزمون اثر بالسا-ساموئلسون در اقتصاد ایران) (پایان نامه).

امیری طهرانی، سید محمد رضا (۱۳۹۴). مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی. جستارهای اقتصادی ایران، س ۱۲، ش ۲۳، ص ۳۳-۵۱

امینی، علیرضا، و زارع، سحر. (۱۳۹۶). تحلیل نقش نرخ واقعی ارز و نوسانات آن بر صادرات صنعتی ایران. اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، ۱۱(۳۸)، ۹۹-۱۲۰.

بهمنی اسکویی، محسن (۱۳۸۲). منشأ رکود تورمی در یک کشور نفتی؛ شواهدی از ایران. پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ۲۶-۱۲.

پژوهنده، محمدحسین. (۱۳۹۴). موانع تحقق اقتصاد مقاومتی. پژوهش های اجتماعی اسلامی، ۲۱(۳) (پیاپی ۱۰۶)، ۱۸۵-۲۳۸.

- پورمعصومی، سعید، شتاب بوشهری، سیدنادر، ارباب شیرانی، بهروز، و مشایخی، علی نقی. (۱۳۸۹). یک مدل دینامیک سیستم برای تجزیه و تحلیل سیستم اقتصاد-انرژی ایران. مهندسی صنایع و مدیریت شریف، ۲۶(۲)، ۷۱-۸۷.
- توفیقی، حمید، و محرابیان، آزاده (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای واردات کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای. پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۴، شماره ۱۳، ۷۴-۵۷.
- جلایی، عبدالمجید؛ حری حمیدرضا؛ و ایرانی کرمانی، فاطمه (۱۳۸۵). برآورد رفتار نرخ ارز واقعی در ایران. پژوهش‌نامه اقتصادی، ۲۲.
- حاجی غلام سریزدی، علی، رجب زاده قطری، علی، مشایخی، علی نقی، و حسن زاده، علیرضا. (۱۳۹۹). طراحی مدل پویایی شناسی سیستم تامین مالی جمعی در ایران. پژوهش‌های نوین در تصمیم‌گیری، ۵(۲)، ۴۹-۸۰.
- حاجی غلام سریزدی، منطقی، و زارع مهرجردی (۱۳۹۲). سیستم دینامیک، انتشارات الماس البرز، چاپ اول.
- حسینی دولت آبادی، سیدمهدی، و طاهری فرد، علی. (۱۳۹۴). اثر شوک مثبت نرخ ارز بر تولید ناخالص ملی. مجلس و راهبرد، ۲۲(۸۱)، ۱۷۱-۱۸۶.
- حلافی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). نرخ واقعی ارز و رشد اقتصادی ایران. تحقیقات اقتصادی، ۴۲(۷۹)، ۷۵-۵۹.
- خوش چهره، محمد، ایروانی، محمدجواد، حسینی، سیدشمس الدین، و علوی، حمید. (۱۳۹۸). ارائه الگوی راهبردی تولید ملی با رویکرد اقتصاد مقاومتی. مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۳(۱۱)، ۳۲۵-۳۷۲.
- دهمرده قلعه نو، نظر، آزادگان، علیه، و بهرامی، فهیمه. (۱۳۹۸). تحلیل روابط کوتاه مدت و بلندمدت عوامل زمینه ساز در تحقق اقتصاد مقاومتی و رونق تولید داخلی. مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، ۹(۳۵)، ۱۳۷-۱۶۲.
- راسخی، سعید، شهرازی، میلاد، و عبدالحی، محمدرضا. (۱۳۹۱). اثر نامتقارن نرخ ارز و نوسان آن بر صادرات غیرنفتی ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۲(۷)، ۱۴۹-۱۶۷.
- راسخی، سعید؛ شهرزادی، میلاد؛ و عبدالحی، محمدرضا (۱۳۹۱). اثر نامتقارن نرخ ارز و نوسان آن بر صادرات غیرنفتی ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۷.

رائی، نیره، و محسنی زنوزی، سیدجمال الدین. (۱۳۹۵). بررسی مولفه های اقتصاد مقاومتی در نظام درآمدی دولت و تاثیر آن بر رشد اقتصادی ایران. سیاست های راهبردی و کلان، ۴(ویژه نامه (اقتصاد مقاومتی))، ۱۱۵-۱۳۲.

سپانلو، هاشم؛ و قنبری، علی (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای واردات ایران به تفکیک کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی، پژوهش‌نامه بازرگانی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، ۲۳۳-۲۰۹.

سنگه، پتر (۱۳۷۷). پنجمین فرمان (حافظ کمال هدایت، مترجم). انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.

سیف، اله مراد، غضنفری، مهدی، دهقان، نبی اله، افقهی، بابک، و مرادسی، فیصل. (۱۳۹۷). مدل مفهومی تولید صادرات محور در اقتصاد مقاومتی. مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، ۸(۳۲)، ۲۴۵-۲۱۷.

شقاقی شهری، وحید، و کریم، محمدحسین. (۱۳۹۵). اثرات فساد مالی بر درون زایی اقتصاد ایران در راستای سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی. سیاست های راهبردی و کلان، ۴(ویژه نامه (اقتصاد مقاومتی))، ۶۳-۹۰.

غفارپور، داود؛ و پورحاتمی، زهره (۱۳۹۳) اقتصاد مقاومتی، راهبردها و راهکارها. گنجینه معارف، دوره ۳، شماره ۲۱

فروزان فر، محمدحسین، ملاحسینی، علی، ریاحی، محمد علی، و نجفی پور، امیرعباس. (۱۳۹۸). طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری. پژوهش های انقلاب اسلامی، ۸(۳۱)، ۱۷۹-۱۹۶.

قوامی، سیدحسن (۱۳۹۸). طراحی الگوی اثربخش برای تعدیل تورم ساختاری اقتصاد ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی. مدیریت فردا.

کازرونی، سیدعلیرضا، و رستمی، نسرين. (۱۳۸۶). اثرات نامتقارن نوسانات نرخ ارز بر تولید واقعی و قیمت در ایران (۱۳۴۰-۱۳۸۱). پژوهشنامه اقتصادی، ۷(۲) (پیاپی ۲۵)، ۱۷۷-۱۹۶. کلی وندي، زينب. (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی: زمینه ها، راهبردها و اقدامات اجرایی. کنگره پیشگامان پیشرفت.

لعل خضری، حمید و طاهری بازخانه، صالح و نجف زاده، صفیه. (۱۳۹۲). تثبیت نرخ ارز و تحقق اقتصاد مقاومتی

نوفرستی، محمد. (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی و راه های دست یابی به آن. سیاست های راهبردی و کلان، ۴ (ویژه نامه (اقتصاد مقاومتی))، ۱۵۷-۱۶۸.

یوسفزی، داود (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی سیاست های مالی دولت بر روی متغیرهای کلان از دیدگاه اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف با رویکرد پویایی سیستم، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه اهل بیت.

https://www.cbi.ir/category/EconomicReport_fa.aspx

Akhbari Mohammad, Qolizadeh Siddiq (2014). Macroeconomic stability in the resistance economy approach, Trend Quarterly, Meshode 71, pp. 55-78.

Amini, Alireza, and Zare, Sahar. (2016). Analysis of the role of the real exchange rate and its fluctuations on Iran's industrial exports. Financial Economics (Financial Economics and Development), 11(38), 99

Amiri Tehrani, Seyyed Mohammad Reza (2014). Systemic foundations of resistance economy. Economic essays of Iran, Q 12, No 23, pp 33-51

Bahmani Eskowi, Mohsen (2012). The origin of inflation stagnation in an oil country: Evidence from Iran. Economic researches and policies ۱۲-) , (۲۶

Baldwin, R. (1988) "Hysteresis in Import Prices: the beachhead effect", American Economic Review, 78(4), pp. 773-785.

Baldwin, R. and Krugman, P. (1989). "Persistent Trade Effects of Large Exchange Rate Shocks", Quarterly Journal of Economics, 104(4), pp. 635-654.

Baye, Michael. Managerial Economics and Business Strategy. Mc Graw-Hill, Singapore, 2008.

Birgوليو , L . (2011). Growth with resilience ; perspectives from the commonwealth and the Francophonie and recommend dations and la francophonie.

Blinder. A. S., & Rudd. J. B. (2010). The supply-shock explanation of the great stagflation revisited. Paper presented at the NBER conference on the great inflation, Woodstock, VT, February revision.

Brigوليو , L . (2004) , Economic Vulnerability an Resilience : concepts and Measurements. In Brigوليو , L . and Ieisinga, E.J. (eds), Vulnerability and Resilience of small states. Commonwealth secretariat and university of malta, 43-۵۳

Dehmarde Qala Nou, Nazar, Azadegan, Ali, and Bahrami, Fahima. (2018). Analysis of short-term and long-term relationships of underlying factors in the realization of resistance economy and prosperity of domestic production. Interdisciplinary studies of strategic knowledge, 9(35), 137-162.

Esfandiari Safa, Khosrow, and Dehghan, Habib Elah. (2015). Components of resistance economy from the point of view of the Supreme Leader (God Almighty). Military Management, 16(61), 60-84.

Espanello, Hashem; and Ghanbari, Ali (1389). Investigating the influencing factors on Iran's import demand by

- Fang Hu T. 1990. Fundamental determinants of the real exchange rate: A NATREX approach. Doctor thesis 'University of Oklahoma State. Evaluation of Research. CESifo Working Papers 525.
- Fang, W.S. and Thompson, H. (2004). "Exchange Rates Risk and Export Revenue in Taiwan", *Pacific Economic Review*, 9(2), pp. 117-129.
- Fang, W.S., Lai, Y.H. and Miller, S.M. (2006) "Export Promotion through Exchange Rate Changes: Exchange Rate Depreciation of Stabilization?", *Southern Economic Journal*, 72(3), pp. 611-626.
- Fang, W.S., Lai, Y.H. and Miller, S.M. (2009) "Does Exchange Rate Risk Affect Exports Asymmetrically?", *Asian Journal of International Money and Finance*, 28, pp. 215-239.
- Forozan Far, Mohammad Hossein, Mollah Hosseini, Ali, Riahi, Mohammad Ali, and Najafipour, Amir Abbas. (2018). Designing a resistance economy model based on the Supreme Leader's statements. *Islamic Revolution Research*, 8(31), 179-196.
- Forrester, J. W. (1968) Market growth as influenced by capital investment, *Industrial Management Review* 9(2), 83-105. Also reprinted in Roberts (1978).
- Forrester, J. W. (1969) *Urban Dynamics*. Waltham, MA: Pegasus Communications.
- Forrester, Jay W. *System Dynamics and the Lessons of 35 Years*, Germeshausen Professor Emeritus and Senior Lecturer, Sloan School of Management Massachusetts Institute of Technology, A chapter for *The Systemic Basis of Policy Making in the 1990s*. April 29, 1991.
- Forrester, Jay W. *The Beginning of System Dynamics*, Massachusetts Institute of Technology, Cambridge, Massachusetts, U.S.A., Banquet Talk at the international meeting of the System Dynamics Society Stuttgart, Germany, July 13, 1989.
- Ghafarpour, Daud; and Pourhatami, Zohra (2014) Resistance economy, strategies and solutions. *Treasure of Education*, Volume 3, Number 21
- Haji Gholam Serizdi, Ali, Rajabzadeh Qatari, Ali, Mashaikhi, Ali Naqi, and Hassanzadeh, Alireza. (2019). Designing a dynamic model of crowdfunding system in Iran. *New Researches in Decision Making*, 5(2), 49-80.
- Hajigholam Serizdi, Lagi, and Zare Mehrjardi (1392). *Dynamic System*, Almas Alborz Publications, first edition.
- Halafi, Hamidreza. (1386). Real exchange rate and economic growth of Iran. *Economic Research*, 42(79), 59-75.
- Hosseini Dolatabadi, Seyyed Mehdi, and Taherifard, Ali. (2014). The effect of positive exchange rate shock on GDP. *Majlis and Strategy*, 22(81), 171-186.
- Ismaili Zari h. 2018. The effect of productivity on the effective real exchange rate in Iran during the period from 1980 to 2005 (Balsa-Samuelson effect test in Iran's economy). Master's thesis. Faculty of Administrative Sciences and Economics. University of Esfahan.
- Jalai A, Hari H, Irani Kermani F. (1385). Estimation of the behavior of the real exchange rate in Iran. *Economic Research Journal*, 22.

- Kaoru Yamaguchi.(2005). Aggregate Demand Equilibria and Price Flexibility :SD macro economic modeling (2). In Proceedings of the 23rd International Conference of the System Dynamics Society, Boston, USA. The System Dynamics Society.
- Kaoru Yamaguchi.(2009). Integration of Real and Monetary Sectors with Lab or Market: SD macroeconomic modeling (3). In Proceedings of the 24th International Conference of the System Dynamics Society , Nijmegen, The
- Kaoru Yamaguchi.(2009). Logical vs Historical Time in a Price Adjustment Mechanism. In Proceedings of the 27th International Conference of the System Dynamics Society, Albuquerque, New Mexico. The System Dynamics Society.
- Kaoru Yamaguchi. (2004). Money Supply and Creation of Deposits : SD macro economic modeling (1).In Proceedings of the 22nd International Conference of the System Dynamics Society, Oxford, England. The System Dynamics Society.
- Kaoru Yamaguchi. (2010). On the Liquidation of Government Debt Under a Debt free Money System: Modeling the american monetary act. In Proceedings of the 28th International Conference of the System Dynamics Society , Seoul, Korea. The System Dynamics Society.
- Kaoru Yamaguchi.(2008). Open Macro economies As a Closed Economic System: SD macro economic modeling completed. In Proceedings of the 26th International Conference of the System Dynamics Society , Athens, Greece (2008). The System Dynamics Society.
- Kaoru Yamaguchi.(2003). Principle of Accounting System Dynamics– Modeling corporate financial statements –. In Proceedings of the 21st International Conference of the System Dynamics Society, New York. System Dynamics Society.
- Kazrooni, Seyed Alireza, and Rostami, Nasreen. (1386). Asymmetric effects of exchange rate fluctuations on real production and prices in Iran (1381-1340). Economic Journal, 7(2 (series 25)), 177-196.
- Kelly Wendy, Zainab. (2012). Resistance economy: fields, strategies and implementation measures. Pioneers of Progress Congress.
- Khush-e-Sherh, Mohammad, Irwani, Mohammad Javad, Hosseini, Seyyed Shamsuddin, and Alavi, Hamid. (2018). Providing a strategic model of national production with a resistance economy approach. National Defense Strategic Management Studies, 3(11), 325-372.
- Lal Khazri, Hamid and Taheri Bazkhane, Saleh and Najafzadeh, Safiya. (2012). Stabilization of exchange rate and realization of resistance economy
- Mashayekhi Ali Naqi., The impact of exchange rate policy on inflation rate in an oil exporting economy, SDR, 1991.
- Mashayekhi Ali Naqi., The impact of exchange rate policy on inflation rate in an oil exporting economy, SDR, 1991.
- Mehrabian, A, Tawfighi, H, (2017), study of the factors affecting the demand for the import of consumer, capital and intermediate goods, Iran Economic Research, Volume 4, Number 13, Pages 57-74.

- Netherlands, 2006. The System Dynamics Society Kaoru Yamaguchi. Balance of Payments and Foreign Exchange Dynamics: SD macro economic modeling (4). In Proceedings of the 25th International Conference of the System Dynamics Society, Boston, USA, 2007. The System Dynamics Society.
- Nofarsti, Mohammad. (2015). Resistance economy and ways to achieve it. Strategic and macro policies, 4 (special issue (resistance economy)), 157-168.
- Peter Sange, (1377) "The Fifth Command", translated by Hafez Kamal Hidayat, Industrial Management Organization Publications.
- Pourmasoumi, Saeed, Shatab Bushehri, Seyednader, Arbab Shirani, Behrouz, and Meshaikhi, Ali Naghi. (1389). A system dynamics model to analyze Iran's economy-energy system. Sharif Industrial Engineering and Management, 26(2), 71-87-
- Qavami Seyyed Hasan. Designing an effective model to moderate the structural inflation of Iran's economy with a resistance economy approach. Management of tomorrow. 2018.
- Rahman, S. and Serletis, A. (2009) "The Effects of Exchange Rate Uncertainty on Exports", Journal of Macroeconomics, 31, pp. 500-507.
- Sterman J., "Business Dynamics: Systems Thinking and Modeling for a Complex World", Irwin/ McGraw Hill, 2000.
- Rai, Nireh, and Mohseni Zenouzi, Seyyed Jamaluddin. (2015). Examining the components of the resistance economy in the government's revenue system and its impact on Iran's economic growth. Strategic and macro policies, 4 (special issue (resistance economy)), 115-132.
- Raskhi Saeed, Shahrazadi Milad and Abdullahi Mohammadreza, (2012) Asymmetric effect of exchange rate and its fluctuation on Iran's non-oil exports, Researches on economic growth and development, number 7.
- Raskhi, Saeed, Shahrazi, Milad, and Abdulahi, Mohammadreza. (2011). Asymmetric effect of exchange rate and its fluctuation on Iran's non-oil exports. Economic Growth and Development Research, 2(7), 149-167.
- Researcher, Mohammad Hossein. (2014). Obstacles to realization of resistance economy. Islamic Social Research, 21(3 (series 106)), 185-238.
- Seif, Elah Murad, Ghazanfari, Mehdi, Dehghan, Nabi Elah, Oghahi, Babak, and Moradsi, Faisal. (2017). Conceptual model of export-oriented production in resistance economy. Interdisciplinary Studies of Strategic Knowledge, 8(32), 217-245.
- Sepanlou, H., Ghanbari A. (2009), study of the factors affecting Iran's import demand by separating intermediate, capital and consumer goods, Business Journal | Course 15 | No. 57, 209-233.
- separating intermediate, capital and consumer goods, Journal of Commerce, Volume 15, Number 57, 209-233.
- Shaghaghi Shahri, Vahid, and Karim, Mohammad Hossein. (2015). The effects of financial corruption on the endogeneity of the Iranian economy in line with the general policies of the resistance economy. Strategic and macro policies, 4 (special issue (resistance economy)), 63-90.

Investigating the nature of banknotes in terms of being a legal instrument or property and its jurisprudential implications

Mahdi Motamedi*

Seyyed Morteza Khatami Sabzevari**

Abstract

One of the important topics in the jurisprudence of economics, which has received attention from contemporary jurists, is the subjectology of money and banknotes. Examining the nature of banknotes as one of the important cash instruments in economic transactions has significant implications in jurisprudential rulings. The main question regarding the nature of banknotes is to understand whether they are considered a legal instrument or property. After clarifying the importance of the issue and highlighting the jurisprudential implications of each hypothesis, the historical development of banknotes is explained. By considering these developments and the stages that banknotes have gone through so far, the correct theory regarding their nature becomes evident. This article, which uses the analytical method to examine the perspectives on the document or property nature of money in four periods, scrutinizes the evidence for each theory from a precise jurisprudential perspective. The article concludes that in the first period, banknotes are considered a trust instrument, in the second period, a debt security, in the third period, a pledge agreement, and in the current period, property according to social norm.

Keywords: Money, banknotes, cheque, promissory note, debt security, pledge agreement, historical period.

* Professor of Qom Seminary.
meabedi@armanrazavi-ihe.ac.ir

** Professor of Qom Seminary.
s.khatami@hsu.ac.ir

Received: 2021/07/05

 0009-0005-9935-0848

 0009-0001-7996-2282

Accepted: 2023/02/12

بررسی ماهیت اسکناس از حیث سند یا مال بودن و ثمرات فقهی آن

مهدی معتمدی*

سیدمرتضی خاتمی سبزواری**

چکیده

یکی از مباحث مهم در فقه اقتصاد که مورد توجه فقهای معاصر قرار گرفته، موضوع شناسایی پول و اسکناس است. بررسی ماهیت اسکناس به عنوان یکی از اوراق نقدی مهم در تبادلات اقتصادی، آثار بسیار زیادی در احکام فقهی دارد. پرسش اصلی درباره ماهیت اسکناس، شناخت ماهیت آن از حیث سند یا مال بودن است که پس از تبیین اهمیت مسئله با اشاره به آثار فقهی اتخاذ هر نظریه، ادوار تاریخی اسکناس تبیین می شود تا با در نظر گرفتن این ادوار و مراحلی که اسکناس تاکنون پیموده است، نظریه درست درباره ماهیت آن روشن شود. این مقاله که به روش تحلیلی، دیدگاه های مطرح در موضوع سند یا مال بودن پول را در چهار دوره بررسی کرده و شواهد هر یک از نظریات را مورد پژوهش دقیق فقهی قرار داده، به این نتیجه رسیده که در دوره نخست، اسکناس سند امانت، در دوره دوم، سند دین، در دوره سوم، سند تعهد و در دوره چهارم که دوره کنونی است، مال عرفی است.

واژگان کلیدی: اسکناس؛ چک؛ سفته؛ سند بدهی؛ سند تعهد؛ دوره تاریخی.

* استاد. حوزه علمیه. قم. ایران (نویسنده مسئول).

meabedi@armanrazavi-ihe.ac.ir

0009-0005-9935-0848

** استاد. حوزه علمیه. قم. ایران.

s.khatami@hsu.ac.ir

0009-0001-7996-2282

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۷۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

یکی از مباحث مهم در فقه اقتصاد که مورد توجه فقهای معاصر قرار گرفته، موضوع شناسی پول و اسکناس است. بررسی ماهیت اسکناس به عنوان یکی از اوراق نقدی مهم در تبادلات اقتصادی، آثار بسیار زیادی در احکام فقهی دارد که راهگشای مشکلات فقهی و شبهات متعدد در بانکداری اسلامی می شود. پرسش اصلی درباره ماهیت اسکناس، شناخت ماهیت آن از حیث سند یا مال بودن است. این مسئله متوقف بر شناخت ادوار تاریخی اسکناس است تا با در نظر گرفتن این ادوار و مراحل که اسکناس تاکنون پیموده است، نظریه درست درباره ماهیت آن روشن شود.

۱. پیشینه مطالعه

مسئله مال یا سند بودن اسکناس در برخی از آثار مطرح بوده است. شهید صدر در *البنک/اللا ربوی* ماهیت اسکناس را در دو دوره بررسی کرده است (صدر، ۱۴۰۱ق، صص. ۱۴۹-۱۵۱). آیت الله هاشمی شاهرودی در کتاب *قراءات فقهیه معاصره* دیدگاه خود را درباره سند بودن پول مطرح کرده و معتقد است که چهار دوره بر پول گذشته است. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، صص. ۱۷۷-۱۷۵). در برخی کتاب ها و مقالات نیز ماهیت پول از حیث مثلی یا قیمی بودن، از حیث مالیت اعتباری یا ذاتی داشتن و... بررسی شده است. در این نوشتار، مسئله فقط از حیث سند یا مال بودن پول به طور جامع بررسی می شود که ظاهراً در هیچ مقاله دیگری مورد بررسی مستقل قرار نگرفته است. این جامعیت هم از این روست که ادله طرفداران هر دو نظریه (سند یا مال بودن اسکناس) به طور مفصل طرح و بررسی شده و هم از این روست که به آثار سند یا مال بودن اسکناس نیز پرداخته شده است؛ افزون بر اینکه سند یا مال بودن اوراق مالی دیگر مثل چک های مسافرتی، کوپن، بن خرید کالا و تمبر نیز در لابه لای مباحث بررسی می شود. بنابراین، نوآوری مقاله، بررسی جامع و دقیق مسئله سند یا مال بودن پول و آثار مترتب بر این اختلاف است. این مقاله برگرفته از درس خارج «فقه پول» استاد شهیدی (دام عزه) است و با حمایت دفتر فقه معاصر حوزه های علمیه تهیه و تدوین شده است.

پیش از بررسی ماهیت اسکناس باید چند مسئله بررسی شود.

الف. مال از دیدگاه فقها

این مسئله را از لایه‌های مباحثی که فقها در معاملات و به‌خصوص بیع مطرح کرده‌اند، می‌توان پیگیری کرد. ایشان از جمله شرایط صحت عوضین در یک معامله را مالیت آن دانسته‌اند و در این اثنا و دیگر مباحث مرتبط، به تبیین مقصود خود از مال اشاره کرده‌اند. برخی به‌صورت سلبی به تبیین ماهیت «مال» پرداخته‌اند که البته خود این تبیین نیز با اختلافاتی در تعبیر روبه‌روست.

علامه حلی مال نبودن را در گروهی منفعت نداشتن دانسته‌اند؛ یعنی اگر کالایی منفعت نداشته باشد، بر آن اطلاق «مال» نمی‌شود (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص. ۳۵).

صاحب جواهر با افزودن نکاتی این تعریف را تکمیل می‌کند و می‌نویسد «فلا یصح بیع ما لا منتفعة معتداً بها غالباً» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص. ۳۴۳). بنابراین، مال بودن شیء در گروهی منفعت عقلایی داشتن آن است که در کتب فقهی نوعاً از این مسئله با عنوان «منفعت معتده» تعبیر می‌شود. شیخ انصاری نیز همسو با صاحب جواهر می‌نویسد «خرید و فروش چیزهایی که منفعت عقلایی و شرعی نداشته باشند، صحیح نیست» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۹).

برخی دیگر از فقیهان با تبیین اثباتی به تعریف مدنظر خود اشاره و مالیت را چنین تعریف کرده‌اند که عبارت است از «تنافس و رغبت عقلاً برای به دست آوردن چیزی» (حلی، ۱۴۱۵ق، ص ۸۰؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۱۴۲؛ جزایری، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص. ۳۸۶).

امام خمینی^(ره) در همین راستا می‌نویسد «جعل مالیت در یک شیء بدین جهت است که مورد رغبت واقع می‌شوند. لذا اگر چیزی مورد رغبت قرار نگیرد، عقلاً برای آن جعل مالیت نمی‌کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص. ۱۶۴).

در جمع‌بندی‌ای مختصر می‌توان چنین نتیجه گرفت که از نگاه فقیهان، ملاک در مالیت شیء این است که از نظر عرف و عقلاً دارای منفعت عقلایی باشد و بر آن اطلاق مال شود.

ب. ماهیت اوراق بهادار دیگر

برخی از اوراق بهادار مانند چک و سفته قطعاً سند مال در ذمه - یعنی سند دین و بدهی - هستند و مالیت ندارند، اما درباره ماهیت برخی دیگر از اوراق مانند چک مسافرتی اختلاف وجود دارد. در آغاز پیدایش چک‌های مسافرتی، عده‌ای از فقها آن‌ها را سند مال می‌دانستند

و معتقد بودند که این‌ها خود پول نیستند، بلکه سند پول هستند (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص. ۲۸۱؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص. ۲۱۲).

یکی دیگر از اوراق مورد اختلاف، کوپن است. دیدگاهی که کوپن را مال می‌داند، معتقد است برای کوپن از سوی دولت اعتبار مالیت انجام نمی‌شود، ولی به سبب تعهدی که دولت می‌دهد، رغبت عقلایی برای به دست آوردن آن شکل می‌گیرد و مالیت برای آن تحقق می‌یابد. در مقابل، برخی مثل آیت‌الله سیستانی معتقدند این اوراق، سند تعهد دولت است؛ یعنی دولت یا نهاد صادرکننده بن خرید کالا متعهد است به کسی که این کاغذ را ارائه می‌کند، کالای ارزان‌تر بدهد. این تعهد سبب می‌شود که فرد بتواند با قیمت کمتر یا بدون پرداخت پولی، تحصیل مال کند، اما خود این کوپن یا بن خرید مالیت ندارند.

به نظر می‌رسد اینکه کوپن مال نیست، دیدگاه درستی نباشد؛ به‌خصوص با توجه به این نکته که کوپن‌ها مورد رغبت عقلا قرار می‌گیرد و بنا بر تعریف بسیاری از بزرگان، مالیت بر آن اطلاق می‌شود (حلی، ۱۴۱۵ق، ص. ۸۰؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۱۴۲؛ جزایری، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص. ۳۸۶). از آنجاکه تنافس و رغبت عقلا موضوعی حقیقی است و قابل اعتبار نیست، مالیت حاصل برای این کاغذها مالیت حقیقی است؛ البته اعتبار معتبر و سبب‌های دیگر می‌تواند باعث رغبت عقلا در تحصیل شیء شود، اما نفس رغبت عقلایی، حقیقت است و اعتباری نیست. از فتاوی آیت‌الله تبریزی نیز چنین استفاده می‌شود که ایشان به مال بودن کوپن معتقد بوده‌اند به این دلیل که کوپن در بازار خرید و فروش می‌شود و اگر تلف بشود، دولت ملزم نیست کوپن جدیدی بدهد که این نکته با سند بودن سازگار نیست، بلکه کوپن مانند تمبر مال به شمار می‌آید (تبریزی، بی‌تا، ج ۱، صص. ۲۴۷، ۲۵۱ و ۲۷۲).

پ. معیار در تشخیص مال یا سند بودن یک چیز

همان‌طور که برخی از بزرگان نیز اشاره کرده‌اند، ملاک و معیار، قانون نیست، بلکه عرف است (انصاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۱۷۸؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ص. ۵۹). بنابراین، نکته مهم این است که اگر عرف و قانون در تعیین مال بودن چیزی اختلاف یافتند، برای ترتب آثار مال، نظر عرف مقدم است. این اختلاف درباره چک‌های مسافرتی و تراول وجود دارد. این چک‌ها از نظر قانون سند مال است. قانون، دولت یا بانک مرکزی را مجاز دانسته است که مقداری اسکناس با شرایطی چک مسافرتی چاپ کند. روی این چک‌ها نوشته شده است که وجه این چک تضمین می‌شود^۱ حال آنکه روی اسکناس چنین چیزی نوشته نشده است.

این بدین معناست که این چک‌ها از نظر قانون سند پول است. اسکناس پول است و این چک‌ها سند آن است.^۲ چاپ این چک‌ها سبب تورم در بازار می‌شود؛ زیرا قدرت اقتصادی کشور به اندازه همان اسکناس‌های چاپ شده است، اما چک‌ها نیز افزون بر اسکناس‌ها در دست مردم قرار دارد و با این چک‌ها نیز خرید می‌شود و در مقام پرداخت سند، به دادن آن اکتفا می‌شود. بنابراین، میزان تقاضا برای خرید افزایش می‌یابد درحالی که کالا به آن اندازه وجود ندارد و این سبب گرانی اجناس می‌شود.

این حقیقت چک‌های مسافرتی از منظر قانون است، اما عرف امروز فرقی میان پول کاغذی و چک مسافرتی نمی‌گذارد و احکام پول را بر این چک‌ها نیز مترتب می‌سازد. برای مثال، اگر بدهکار به طلبکار تراول بدهد، عرف این عمل را ادای دین می‌داند و ناگفته روشن است که ما در این موارد تابع عرف هستیم نه قانون؛ زیرا آنچه از نظر فقیه و در تحقق موضوع احکام معتبر است، صدق عرفی عناوینی مثل ادای دین، قبض و مانند آن است. بنابراین، معیار در تشخیص مال یا سند بودن، عرف است و صدق یا عدم صدق از نظر قانون معیار نیست.

۲. اهمیت بحث و آثار مال یا سند بودن اسکناس

اهمیت این بحث از آثار فقهی متعدد مترتب بر آن روشن می‌شود. اینکه اسکناس مانند چک سند است یا مانند تمیر - البته طبق نظر مشهور - مال است، مسئله‌ای است که آثار فقهی متعددی به شرح زیر دارد.

۲-۱. تحقق قبض

در برخی از عقود شرعی قبض معتبر است. برای مثال، عقد قرض مشروط به قبض است و بدون آن قرض محقق نمی‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، الف، ج ۱، ص ۶۵۳؛ خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۶۹). کسی که درصدد گرفتن وام بانکی است، اگر همه کارهای وام مانند امضای قرارداد و معرفی ضامن را نیز انجام داده باشد، مادامی که پول را دریافت نکرده، قرض محقق نشده است و از نظر شرعی حق اعتراض ندارد. بنابراین، تحقق قرض مشروط به حصول قبض مال مقترض است و گرفتن سند مال، قبض مال شمرده نمی‌شود. با توجه به این حکم، اگر اسکناس خود مال باشد، گرفتن اسکناسی که قرض داده می‌شود، قبض مال

مقترض است و با آن، شرط قرض و در نتیجه، عقد قرض حاصل می‌شود، اما اگر اسکناس مال نباشد، بلکه سند مال باشد، گرفتن آن قبض مال مقترض شمرده نمی‌شود و از این رو قرض حاصل نمی‌شود.

نمونه دوم هبه است که در آن قبض معتبر است (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۱۷۹) از آنجاکه گرفتن سند، قبض خود مال نیست، اگر اسکناس سند باشد، گرفتن اسکناس هبه شده، قبض مال موهوب نیست. از این رو هبه به صرف گرفتن اسکناس حاصل نمی‌شود. نتیجه اینکه، در هبه اسکناس به ذی‌رحم و هبه به قصد قربت و هبه معوضه - که هبه لازم است و پس گرفتن مال موهوب جایز نیست - می‌تواند اسکناس‌ها را پس بگیرد؛ زیرا گرفتن اسکناس قبض سند است و خود مال موهوب قبض نشده است تا هبه محقق شده و در این سه مورد لازم باشد و پس گرفتن آن جایز نباشد. همچنین، آثار اختلاف در بیع سلم که قبض ثمن در مجلس معتبر است (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۵۷)، روشن می‌شود.

۲-۲. خمس

اثر دوم این اختلاف در خمس ظاهر می‌شود. اگر شخص ۱۲۵۰ تومان داشته باشد و ۲۵۰ تومان را خمس بدهد و ۱۰۰۰ تومان برای او بماند، این ۱۰۰۰ تومان اگر بعد از یک سال و به سبب تجارت با آن، ۲۰۰۰ تومان شود، اما ارزش ۲۰۰۰ تومان به اندازه ۱۰۰۰ تومان سال پیش باشد، کسی که اسکناس را سند می‌داند، می‌گوید ادای خمس ۱۰۰۰ تومان اضافه سر سال خمسی جدید، واجب نیست؛ زیرا مال شخص افزوده نشده است. مال همان پشتوانه پول است که ارزش دارد و فرض این است که آن پشتوانه زیاده نشد و ارزش ۲۰۰۰ تومان امسال به اندازه همان ۱۰۰۰ تومان سال گذشته است که بعد تخمیس برای شخص باقی ماند، اما مشهور از جمله امام خمینی^(ره) (۱۴۲۱ق (الف)، ج ۲، ص. ۶۵۴) و آیت‌الله خویی (۱۴۲۲ق، ج ۲، ص. ۵۷۵) که اسکناس را مال می‌دانند، به وجوب خمس ۱۰۰۰ تومان حکم می‌کنند؛ زیرا مال شخص زیاد شده است و پشتوانه مهم نیست؛ زیرا خود اسکناس مال است نه اینکه اسکناس سند و تنها پشتوانه آن مال باشد. مانند اینکه سال گذشته شخصی یک گوسفند داشته است و امسال دو گوسفند دارد که باید خمس گوسفند دوم را بدهد؛ البته در این مورد، برخی از فقیهان مانند آیت‌الله زنجانی (۱۳۹۶، ج ۲، ص. ۲۲۶) و آیت‌الله هاشمی شاهرودی (۱۴۲۳ق، ج ۲، ص. ۱۹۷) با آنکه اسکناس را مال می‌دانند، این ۱۰۰۰ تومان را متعلق خمس

نمی‌دانند. وجه سخنشان این است که وقتی ارزش پول کم می‌شود، در ظاهر پول شخص زیاد شده است، اما بر این زیاد شدن، فایده صدق نمی‌کند و از نظر عرف، شخص سود نکرده است تا خمس به آن تعلق بگیرد.

۳-۲. کاهش ارزش پول

اگر قرض‌دهنده در ضمن عقد قرض شرط کند که هنگام ادای دین باید کاهش ارزش پول از سوی قرض‌گیرنده جبران شود، آیا چنین شرطی صحیح است؟

بر این مبنا که پول خود مال نیست، بلکه سند مال و ارزش و قدرت خرید است، قرض‌گیرنده در واقع در قالب این پول آن ارزشی را که پشتوانه این اسکناس است، قرض گرفته است و روزی که دین خود را پس می‌دهد، باید پولی به اندازه همان قدرت خرید را پرداخت کند. بنابراین، طبق این مبنا نیازی به چنین شرطی نیست و اگر در ضمن عقد قرض، شرط جبران کاهش قیمت نیز لحاظ نشود، قرض‌گیرنده ملزم به جبران آن است، اما بر اساس مبناي مال بودن پول، میان فقها اختلاف وجود دارد. عده‌ای معتقدند که این شرط ربا و حرام است؛ زیرا قرض‌دهنده ۱ میلیون تومان قرض می‌دهد و در ضمن آن شرط می‌کند که قرض‌گیرنده یک سال بعد، ۲ میلیون تومان پرداخت کند تا جبران کاهش ارزش پول شود. این شرط زیاده در قرض است و ربا و حرام است. عده‌ای دیگر از قائلان به مال بودن اسکناس معتقدند که این شرط ربا نیست (صدر، ۱۴۲۹ق، ص. ۲۰۹؛ گلپایگانی، ۱۳۷۲، ص. ۵۱۳).

یک وجه برای دیدگاه دوم، وجهی است که مرحوم شهید صدر بیان کرده است (صدر، ۱۴۲۹ق، ص. ۲۰۹) و آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز پیش‌تر پذیرفته بود و شاید ایشان اکنون نیز همچنان آن را قبول داشته باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲، ص. ۵۱۳) حاصل این وجه، این است که ربا شرط فایده و سود و منفعت است «إِذَا كَانَ قَرْضًا يَجْرُ شَيْئًا فَلَا يَصْلُحُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص. ۳۵۶) و شرط جبران کاهش ارزش پول، شرط فایده و منفعت نیست، بلکه شرطی است که دفع ضرر و زیان می‌کند. اگر بانک از مردم به عنوان قرض‌الحسنه پول می‌گیرد و متعهد می‌شود که هنگام بازپرداخت این پول، ارزش پول را در آن زمان در نظر بگیرد؛ یعنی اگر کسی ۱۰ میلیون تومان در بانک به عنوان قرض‌الحسنه قرار داد، بانک یک سال بعد حساب می‌کند که آن ده میلیون تومان معادل این مقدار طلا بود، قیمت این

مقدار طلا را امروز به شخص باز می‌گرداند و این‌گونه کاهش ارزش پول جبران می‌شود. ایشان معتقد است که شرط چنین ضمانی در عقد قرض، ربا شمرده نمی‌شود.

۳. دیدگاه‌های مختلف درباره سند یا مال بودن پول

مشهور فقها پول را مال می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق (الف)، ج ۲، ص. ۶۱۳؛ بحرانی، ۱۴۲۸ق، ص. ۲۸).

آیت‌الله خویی در این زمینه چنین می‌نویسد «تمام پول‌های کاغذی مانند دینارهای عراقی یا... مالیت دارند» (خویی، ۱۳۷۰، ص. ۴۹۷).

در مقابل، برخی دیگر از فقیهان با توجه به ادله‌ای، پول را سند می‌دانند که عده‌ای (توتونچیان، ۱۳۶۷، ج ۳، ص. ۱۵) مانند آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی آن را سندی اعتباری تلقی کرده است که هیچ‌گونه مالیتی ندارد (اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص. ۴۷۴) و بعضی (قرضاوی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص. ۲۷۳) نیز با اذعان به سند بودن پول، آن را حواله بر ذمه شمرده‌اند. شهید بهشتی در کتاب *بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام*، این دیدگاه را صحیح می‌داند و می‌نویسد: «بهترین تعبیر برای پول، در سطح عمومی بحث حواله انبار است...» (بهشتی، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۳).

۴. دوره‌های تاریخی پول کاغذی

برای بررسی این دو دیدگاه و استدلال‌های هریک، ابتدا باید دوره‌های مختلفی که پول پشت سر گذاشته است، مطرح شود. آنگاه با توجه به ویژگی‌های این اوراق در هر دوره، سند یا مال بودن آن بررسی و کشف شود.

همان‌طور که برخی از محققان به‌خوبی این مسئله را تبیین کرده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، صص. ۱۷۷ - ۱۷۵؛ صدر، ۱۴۰۱ق، ص. ۱۴۶) پول کاغذی چهار دوره به خود دیده است.

دوره نخست: سند امانت بودن پول

دوره نخست، دوره‌ای است که در آن صاحبان اموال دیدند نگهداری طلا و نقره در منزل با خطر سرقت، تلف و گم شدن همراه است، این اموال را در مقابل اجرتی نزد افراد پول‌دار شهر - که صراف نامیده می‌شدند و مخزن‌هایی برای نگهداری پول داشتند - امانت گذاشتند. امانت‌دار رسیدی به شخص می‌داد متضمن این معنا که این شخص خاص یا حامل این ورقه،

این مقدار دینار یا درهم نزد من امانت دارد و آنگاه این رسید را امضا می‌کرد. در این دوره اموال مردم در دست صراف‌ها به‌عنوان امانت گذاشته می‌شد. بنابراین، رسیدهایی که در دست مردم بود و گاهی با آن خرید می‌کردند و دست‌به‌دست می‌شد، سند امانت شمرده می‌شد.

دوره دوم: سند بدهی شدن پول

اندک‌اندک صراف‌ها متوجه شدند که بسیاری از مردم به سبب اعتماد به رسیدهای کاغذی، سراغ اموال خود نمی‌آیند و همان کاغذها میان مردم در خرید و فروش‌ها دست‌به‌دست می‌شود و بخش عمده‌ای از این مبالغ در صندوق امانت آنان باقی می‌ماند. از این‌رو تصمیم گرفتند از این بخش عمده درهم و دینارها که مطمئن بودند در دست آنان می‌ماند و افراد برای دریافت آن‌ها مراجعه نمی‌کنند، بهره‌مند شوند. کیفیت استفاده آنان از این پول‌ها یا به این شکل بود که این مبالغ را به افراد متقاضی به شکل قرض ربوی - یعنی همراه با شرط سود - قرض می‌دادند یا خود با این اموال تجارت می‌کردند و سود به دست می‌آوردند.

به‌مرور زمان، این عمل روشی متداول شد و صاحبان اموال هنگام تحویل پول به صراف، به او اجازه می‌دادند که در این پول‌ها تصرف کند و به صاحبان اموال بدهکار شود؛ البته به این شرط که هرگاه صاحب رسید، پولش را مطالبه کرد، پول او را به او بازگرداند. از آنجاکه این تاجر مورد اعتماد بود و تجارتش بر اعتماد مردم به او توقف داشت، او نسبت به پرداخت پول مردم به هنگام مطالبه تخلف نمی‌کرد تا اعتبار و جایگاهش نزد افراد متزلزل نشود. این‌گونه بود که امانت‌داری صراف‌ها به بدهکاری و رسیدهای کاغذی از سند امانت به سند دین و بدهی مبدل شد. با گذشت زمان، پول‌های واگذار شده برایشان سودهای هنگفت به ارمغان آورد. از این‌رو افراد زیادی به صرافی مشغول شدند. مردم نیز متوجه سودهای کلان صراف‌ها شدند. صراف‌ها برای دست‌یافتن به سرمایه‌های بیشتر، دیگر بابت نگهداری پول مردم هزینه‌ای دریافت نکردند، بلکه بابت نگهداری این پول‌ها سود و بهره‌ای نیز به مردم می‌دادند تا آنان را ترغیب کنند پول‌هایشان را نزد آنان بگذارند.

بنابراین، آغاز دوره دوم از زمانی است که درهم و دینارها دیگر به‌عنوان امانت به صراف سپرده نمی‌شد، بلکه صراف‌ها این پول‌ها را به‌عنوان قرض دریافت می‌کردند و سند بدهی به صاحبان اموال می‌دادند. ویژگی این دوره این است که بابت نگهداری اموال مردم، اجرتی از آنان گرفته نمی‌شد، بلکه برای ترغیب آنان، سودی نیز به آنان پرداخت می‌شد. در این

دوره نیز هنوز رسیده‌های کاغذی سند شمرده می‌شد؛ البته با این تفاوت که در دوره اول این رسیده‌ها سند ودیعه و امانت و در دوره دوم سند بدهی و ذمه بود.

دوره سوم: جایگزینی دولت‌ها (بانک‌ها) به جای صراف‌ها

دوره سوم، دوره‌ای است که دولت‌ها دیدند صندوق صراف‌ها سرشار از درهم و دینار مردم است و سودهای کلانی عاید آنان می‌شود. از این رو تصمیم گرفتند خود وارد این عرصه سودآور شوند و بانک‌ها برای جذب سرمایه‌های مردم تأسیس شد.

از آنجاکه اعتبار دولت‌ها بیشتر بود و خطر مرگ صراف و بالا کشیدن اموال از سوی وارثان وجود داشت، مردم به دولت‌ها بیشتر اعتماد کردند و پول‌ها از این‌پس به سوی بانک‌ها سرازیر شد. بانک‌ها درهم و دینار مردم را دریافت می‌کردند و به آنان رسید می‌دادند. این رسید، سند دین و بدهکاری بانک به صاحب آن بود. این رسیده‌ها بین مردم مبادله و در معاملات مانند پول جابه‌جا می‌شد.

این دوره زمانی از ادوار پول، مورد نظر محقق اصفهانی است که تصریح می‌کند پول‌ها، خود مال نیستند، بلکه سند مال هستند. یک دینار عراقی سند مقداری طلا در بانک مرکزی کشور عراق است که پشتوانه این اسکناس شمرده می‌شود (اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص. ۱۸۰).

آغاز دوره سوم همین جایگزینی دولت‌ها به جای صراف‌هاست؛ البته روشن نیست رسیدی که بانک در این دوره به افراد می‌داد، سند بدهی یا سند تعهد است.

رسیده‌هایی که بانک‌ها در دوره سوم به مردم می‌دادند، آرام‌آرام به شکل خاصی چاپ شد و اسکناس نام گرفت و روی اسکناس‌ها نوشته شد «دارنده این اسکناس این مقدار طلا از بانک مرکزی طلب‌کار است». شهید صدر در کتاب *البنک والاربوی* دو احتمال درباره رسید بانک‌ها در دوره سوم مطرح می‌کند. یک احتمال اینکه، این رسیده‌ها سند بدهی دولت به مردم بوده و احتمال دوم اینکه، سند تعهد دولت بوده است (صدر، ۱۴۰۱ق، ص. ۱۴۹).

در احتمال نخست، بانک نسبت به صاحبان اسکناس ضامن ذمه دارد و در احتمال دوم، ضامن عهده ثابت است؛ البته ترجیح شهید صدر این است که این اوراق در دوره سوم و حتی اواخر دوره دوم سند تعهد بوده است. شاهد ایشان بر این نظر، این است که اگر این رسید از بین برود، در فرضی که سند دین باشد، صادرکننده رسید و اسکناس باید مبلغ اسمی آن را به شخص پرداخت کند، اما اگر سند دین و اشتغال ذمه نباشد، بلکه سند عهده باشد، در فرض تلف شدن آن لازم نیست که چیزی پرداخت کند؛ زیرا می‌تواند تعهدی مقید داده

باشد. به این صورت که فقط اگر رسید یا اسکناس را بیاورید، متعهد هستیم که به اندازه اسمی آن طلا پرداخت کنیم. از این رو گاه دولت اعلام می‌کند اسکناس‌های قدیمی تا تاریخ مشخصی اعتبار دارد و با اسکناس جدید تعویض می‌شود، اما پس از آن، حقی برای دارنده اسکناس وجود ندارد و اگر کسی پس از آن تاریخ، اسکناس‌های قدیمی را به بانک ببرد، بانک هیچ چیز بابت آن پرداخت نمی‌کند.

این رفتار با سند عهده بودن اسکناس سازگار است؛ زیرا دولت تعهد مقید و مشروط داده است و نسبت به فرض تلف شدن اسکناس یا از اعتبار افتادن و گذشتن تاریخ تعویض آن تعهدی ندارد. حال آنکه اگر سند ذمه باشد، آن دین در ذمه مدین ثابت است و باید بدهی خود را به طلبکار پرداخت کند حتی اگر سند دینی که دست شخص است، از بین برود. ساقط کردن سند دین از اعتبار نیز معنایی ندارد (صدر، ۱۴۰۱ق، ص. ۱۵۱).

دوره چهارم: پایان سند بودن پول

دوره چهارم، دوره‌ای است که در آن به سر می‌بریم، که اسکناس سند چیزی نیست؛ نه سند ودیعه است و نه سند ذمه و نه سند تعهد. در این دوره، دولت‌ها به پشتوانه قدرت اقتصادی کشور و بدون پشتوانه طلا و نقره و بدون هیچ تعهدی به پرداخت طلا و نقره به دارنده اسکناس، پول کاغذی چاپ می‌کنند.^۳ این دوره از دو ویژگی برخوردار است.

ویژگی نخست این است که پشتوانه پول، دیگر طلا و نقره نیست و دولت‌ها اگر بخواهند دچار تورم نشوند، متناسب با بنیه اقتصادی کشور - که ذخایر طلا، نقره و درآمدهای ارزی نیز از عوامل مؤثر در آن است - اسکناس چاپ می‌کنند. در این دوره، اسکناس مانند دوره‌های گذشته نیست. پشتوانه چاپ اسکناس مجموع بنیه اقتصادی کشور است که دولت‌ها به آن هم ملتزم نیستند و خیلی وقت‌ها برای جبران کسری بودجه و تأمین هزینه‌های جاری بدون لحاظ قدرت اقتصادی پول چاپ می‌کنند. دولت برای پرداخت حقوق کارمندان و یارانه اقشار کم‌درآمد و پرداخت بدهی‌اش به پیمان‌کاران، نیازمند اعتبار و این عاملی است که بانک مرکزی را وادار به چاپ پول می‌کند.

ویژگی دوم این است که به نظر مشهور فقهای معاصر، پول در این دوره دیگر نه سند ذمه است و نه سند تعهد، بلکه خود این اسکناس‌ها مالیت یافته‌اند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص. ۷۷)؛ البته برخی هنوز معتقد به سند بودن اسکناس هستند و آن را سند ذخایر و دارایی‌های دولت می‌دانند (اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص. ۱۸۰).

ادعای سندیت اسکناس و عدم مالیت آن که برخی مطرح می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۰، صص. ۲۸۶ و ۳۰۴)، اگر بدین معناست که برای دولت‌ها ثروت و مال شمرده نمی‌شود، سخن درستی است، اما اگر مراد از مالیت نداشتن اسکناس این است که اسکناس مال به شمار نمی‌آید و سندی بیش نیست، سخن نادرستی است؛ همان‌طور که در میان فقهای معاصر دیدگاه مشهور این است که اسکناس در دوره چهارم وجه سندیت ندارد و نه سند دینی بر ذمه و نه سند عهده است، بلکه از نگاه عرف، اسکناس مال شمرده می‌شود. مسئله سند یا مال بودن اسکناس یکی از بحث‌های مهم درباره شناخت حقیقت اسکناس است. در بخش بعد، این بحث را مطرح و شواهد هریک از دو قول را ذکر می‌کنیم و مورد بررسی قرار می‌دهیم. پس از آن، آثار عملی سند یا مال بودن را از منظر فقهی و عقلایی بیان می‌کنیم.

۵. بررسی سند یا مال بودن اسکناس در دوره کنونی (دوره چهارم)

دو نظریه در این باره مطرح است. طبق نظر مشهور، اسکناس مال شمرده می‌شود و مانند چک سند نیست. در مقابل، برخی معتقدند هرکس مقداری اسکناس نزد اوست، در واقع سندی دارد که اثبات می‌کند او مالک مالی بر ذمه دولت یا بانک است (اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص. ۱۸۰).

۵-۱. شواهد اثبات نظریه مشهور (مال بودن اسکناس)

شاهد نخست

این شاهد که در کلمات شهید صدر مطرح شده (صدر، ۱۴۰۱ق، ص. ۱۵۱)، این است که اگر اسکناسی که در دست افراد جامعه است، از بین برود و شخص تکه‌های باقی‌مانده از اسکناس را به بانک ارائه کند، بانک خود را مسئول پرداخت معادل آن اسکناس نمی‌داند. این فرایند خارجی با سند بودن اسکناس سازگار نیست؛ زیرا در سند بدهی مانند چک، بدهکار باید دین خود را به طلب‌کارش ادا کند؛ هرچند سند بدهی از بین برود و شخص نتواند از راهی وجود چنین سندی را اثبات کند. در این صورت بدهکار باید بدهی خود را بپردازد و نمی‌تواند از بین رفتن سند را بهانه کند و از پرداخت دین خود سر باز زند.

همچنین، اگر اسکناس از اعتبار ساقط شود و در مدت معین شده به بانک عودت داده نشود، بانک ملزم به پرداخت معادل آن از اسکناس‌های جدید نیست. این در حالی است که شخص بدهکار نمی‌تواند مدت تعیین کند که اگر طلب‌کاران تا زمان معینی سند بدهی را نیاورند، دیگر ملزم به پرداخت بدهی خود به آن‌ها نخواهد بود. این رفتار از نظر عقلاً مردود است، اما درباره اسکناس‌های رایج، رفتاری عقلایی است و در صورتی که اسکناس خاصی از اعتبار ساقط می‌شود، اگر در مدت تعیین شده اسکناس‌های قدیمی به بانک بازگردانده نشود، دولت موظف به پرداخت اسکناس نو نیست.

اشکال بر شاهد نخست

شهید صدر به این شاهد چنین اعتراض کرده است که ملزم نبودن بانک به پرداخت اسکناسی معادل اسکناس تلف شده یا ساقط شده از اعتبار، سند بودن اسکناس را به طور مطلق نفی نمی‌کند؛ البته این رفتار با سند بدهی بودن اسکناس سازگار نیست، اما سند تعهد بودن آن را نفی نمی‌کند؛ زیرا ممکن است دولت در فرض از بین رفتن اسکناس یا سقوط آن از اعتبار و گذشتن تاریخ تعیین شده، تعهدی برای تبدیل نداشته باشد و تنها زمانی که اسکناس از بین نرفته یا مهلت برای تبدیل باقی است، متعهد باشد که معادل این اسکناس را به شخص بدهد. از جمله آثار سند تعهد و سند دین بودن اسکناس این نکته است که اگر سند تعهد باشد، می‌توان فرض کرد که این تعهد محدود باشد و دولت نسبت به فرض تلف یا گذشت مهلت معین بعد از سقوط از اعتبار، تعهدی نداشته باشد، اما اگر سند دین باشد، حد گذاشتن بدهکار برای بدهکاری خود عقلایی نیست؛ زیرا شخص برای دولت کار کرده و طلب‌کار شده است و از منظر عقلایی مقبول نیست که بدهکار از زمانی دیگر، خود را بدهکار نداند (صدر، ۱۴۰۱ق، ص. ۱۵۱).

شاهد دوم

در عرف، پرداخت اسکناس ادای دین شمرده می‌شود در حالی که با اعطای سند مال، ادای دین محقق نمی‌شود. از نظر مشهور فقها از جمله شهید صدر و آیت‌الله تبریزی، اگر چکی که بدهکار به طلب‌کار داده است، در دست طلب‌کار از بین برود، ادای دین محقق نشده است و اگر چک موجود باشد، ولی وصول نشده باشد نیز ادای دین حاصل نشده است، اما اگر پول نقد و اسکناس را به طلب‌کار بدهد، به محض اینکه او این پول‌ها را به دست می‌گیرد،

بدهکار بری الذمه می شود؛ گرچه اسکناس ها در دست طلب کار در همان لحظه بسوزد و از بین برود (صدر، ۱۴۰۱ق، ص. ۱۵۱؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص. ۴۳۱).

اشکال بر شاهد دوم

وقتی شخص به طلب کار خود یک بسته اسکناس می دهد، اگر این اسکناس ها تلف شود، لازم نیست که پول دیگری به طلب کار بدهد؛ زیرا این اسکناس ها قدرت خریدی برای بدهکار به وجود می آورند و با تلف آن ها در دست طلب کار بر فرض اینکه اسکناس سند باشد، ضرر و زیانی به بدهکار وارد می شود؛ زیرا طلب کار قدرت خرید او را از بین برده است.

بنابراین، اگر دلیل بر مال بودن اسکناس ارتکاز عرفی است و شاهد دوم به عنوان کاشف از این ارتکاز مطرح می شود، اشکالی وارد نیست؛ زیرا در واقع به ارتکاز استدلال شده است نه به این شاهد، اما اگر این اثر قانونی به عنوان دلیل بر مال بودن اسکناس مطرح می شود، بر این استدلال می توان اشکال کرد که چک های مسافرتی نیز از نظر قانون سند شمرده می شود و در آغاز مردم نیز به چشم سند به آن نگاه می کردند، اما این سندی بود که اگر بدهکار به طلب کار به عنوان ادای دین پرداخت می کرد، ذمه اش فارغ می شد، حتی اگر در دست طلب کار از بین می رفت؛ همین طور چکی که در وجه حامل کشیده شده و با چند واسطه به شخص رسیده است. اگر آن را به طلب کار خود بدهد و در دست او تلف شود، حق مطالبه دوباره طلبش را از بدهکار ندارد؛ زیرا برای بدهکار نیز یافتن صاحب چک آسان نیست. در این مورد، پرداخت سند برای تحقق ادای دین کافی است. بنابراین، ممکن است اسکناس نیز از این رو که جایگزین ندارد، ادای دین شمرده شود.

در پاسخ به این پرسش که چگونه اعطای سند می تواند ادای دین شمرده شود، چند مطلب را می توان ارائه کرد.

اول: شخصی که آن سند را گرفته و تلف کرده است؛ به این دلیل که آن سند قابل تعویض نیست، به شخص بدهکار زیان زده و ضامن اوست و از این رو تهاثر در بدهی ها رخ می دهد؛ البته ممکن است این راه حل در جایی که بدهکار این سند را مجانی به دست آورده است، قابل تطبیق نباشد.

دوم: از نظر عرف، این موارد حواله است؛ یعنی وقتی بدهکار چک حامل را به طلب کار می دهد، او را به صاحب چک که بدهکار او شمرده می شود، حواله می دهد و دیگر این شخص بدهکار نیست. درباره اسکناس نیز همین تصویر مطرح می شود؛ یعنی وقتی بدهکار

اسکناس‌ها را به عنوان ادای دین به طلب‌کار می‌دهد، بر فرض سند بودن اسکناس، در واقع، او را به دولت حواله می‌دهد و از این پس دولت بدهکار او شمرده می‌شود و شخص بدهکار ذمه‌اش نسبت به دین طلب‌کار فارغ می‌شود.

شاهد سوم

اگر اسکناس سند باشد، طلب‌کار مانند دیگر سندها می‌تواند از قبول آن سر باز بزند. این در حالی است که طلب‌کار نمی‌تواند اسکناس را قبول نکند. این نشان می‌دهد که شخص به خود این اسکناس‌ها بدهکار شده است، نه اینکه اسکناس سند باشد و حکایت کند از اینکه شخص به قدرت خرید این مقدار اسکناس یا به ذخیره طلا و ارزی که در بانک مرکزی است، بدهکار شده است. از این رو وقتی اسکناس به طلب‌کار می‌دهد، او باید قبول کند.

اشکال بر شاهد سوم

نکته امتناع طلب‌کار از پذیرش سند، سند بودن آن نیست، بلکه نامتعارف بودن آن در مقام ادای دین است. سیره عقلا بر این است که باید ادای دین به گونه متعارف میان مردم انجام شود. اگر بدهکار آن چیزی را که برای ادای دین در میان مردم رواج دارد، به طلب‌کار بدهد، از نظر عقلا، طلب‌کار باید قبول کند؛ خواه مال باشد یا سند و آنچه در مقام ادای دین رایج نباشد، طلب‌کار می‌تواند از پذیرش آن امتناع کند حتی اگر آن چیز مال شمرده شود مانند یک خروار پول خرد که در مقام ادای دین متعارف نیست.

تعبیر نقد رایج نیز به همین دلیل است که این نقد بین مردم رواج دارد. از این رو اگر بدهکار در مقام ادای دین، در عوض مالی که از طلب‌کار تلف کرده است، مثلاً دلار بدهد، طلب‌کار می‌تواند نپذیرد در حالی که دلار و ارز خارجی نیز مال شمرده می‌شود.

شاهد چهارم

اگر اسکناس سند باشد، در فرضی که شخص مال دیگری را تلف کند و سپس ارزش پول کشور بالا رود، نباید بیش از قدرت خرید سابق را ضامن باشد در حالی که چنین چیزی نزد عقلا مقبول نیست. برای مثال، اگر زمانی که یک میلیون تومان معادل صد دلار است، شخصی یک میلیون تومان دیگری را اتلاف کند، سپس یک میلیون تومان معادل دویست دلار شود، اگر اسکناس سند قدرت خرید باشد، شخص می‌تواند بگوید من به اندازه صد دلار یا به اندازه ده گرم طلا قدرت خرید آن شخص را از بین برده‌ام و اکنون ضامن همان اندازه قدرت خرید

هستم. از این رو صد دلار یا ده گرم طلا با نصف یک میلیون تومان می‌خرد و به او می‌دهد و می‌تواند بگوید من ضامن سند نبودم که اکنون مجبور باشم یک میلیون تومان پول به او بدهم. اگر اسکناس سند باشد، این سخن قانع‌کننده خواهد بود درحالی‌که عقلاً این سخن را نمی‌پذیرند و شخص را ملزم می‌کنند که همان یک میلیون تومان را بازگرداند؛ هرچند قدرت خرید آن پول نصف قدرت خرید یک میلیون تومان امروز باشد. این شاهد، شاهدی قوی است و اشکالی بر آن وارد نیست و می‌تواند دلیل بر مال بودن اسکناس باشد.

شاهد پنجم

امروز پول هیچ پشتوانه‌ای ندارد تا سند آن پشتوانه شمرده شود. زمانی در برابر ده دینار عراقی، ده مثقال طلا در بانک مرکزی عراق وجود داشت. در آن زمان، سخن از سند بودن اسکناس سخن شایان طرحی بود، اما امروزه اسکناس هیچ پشتوانه روشنی ندارد. دولت‌ها نیز تعهدی به پرداخت چیزی به عنوان پشتوانه به صاحب اسکناس ندارند. اگر اسکناس بسوزد و از بین برود نیز چیزی به شخص نمی‌دهند. مردم نیز نگاهی استقلال‌ی به اسکناس دارند و بین پول و چک فرق می‌گذارند. قدرت خرید نیز موضوع واضحی نیست که صاحب اسکناس مالک آن باشد و اسکناس سند آن شمرده شود. قدرت خرید موضوعی انتزاعی در مقابل پشتوانه طلا در گذشته است که موضوعی عینی بوده است. افزون‌براین، از نظر عرف، قدرت خرید ملک شخص نمی‌شود؛ یعنی این گونه نیست که وقتی کسی مالک ده هزار تومان می‌شود، عرف بگوید این مقدار قدرت خرید را به این شخص تملیک کردند. عرف آثار مال را بر خود اسکناس و نه بر قدرت خرید بار می‌کند.

بنابراین، اگر بپذیریم که پول در گذشته به سبب داشتن پشتوانه عینی و روشن، از نظر عرف سند بوده است، امروز دیگر ادعای سند بودن پول از دیدگاه عرف مقبول نیست؛ زیرا پول پشتوانه مشخصی ندارد. برخی امور اعتباری مانند توانایی یک دولت در تعهدات و ارائه خدمات، وضعیت اقتصادی و وضعیت سیاسی و اموری از این دست، در کنار هم ارزش پول را تعیین می‌کند. دولت‌ها نیز در بسیاری اوقات در چاپ اسکناس تابع توان اقتصادی کشور نیستند و برای کسری بودجه و پرداخت حقوق کارمندان و دیونشان به پیمان‌کاران، از بانک مرکزی استقراض می‌کنند و استقراض از بانک مرکزی به معنای چاپ پول جدید است که وقتی این پول‌ها به جامعه تزریق می‌شود، خود عامل تورم و افزایش قیمت کالاها و خدمات می‌شود.

ممکن است کسی بگوید در همان زمان نیز اسکناس، هم سند بوده و هم مال؛ به این معنا که از سویی دولت آن را صادر می‌کرده و تعهد به پرداخت پشتوانه آن می‌داده و از سوی دیگر، این سند در بازار مورد دادوستد قرار می‌گرفته و مال شمرده می‌شده است. از دیدگاه این مقاله می‌توان بین سند بودن و مال بودن اسکناس جمع کرد، اما امروز دیگر اسکناس پشتوانه‌ای ندارد و جنبه سند بودن آن از بین رفته است و در نگاه عرف تنها مال شمرده می‌شود.

البته نفی سند بودن اسکناس به این معنا نیست که عرف وصف قدرت خرید را در آن لحاظ نمی‌کند و کسی که به مال بودن اسکناس حکم کرد، دیگر نباید وصف قدرت خرید را مورد ضمان بداند. از این رو برخی از فقها (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص. ۱۸۷) بر مال بودن اسکناس تأکید دارند، اما وصف قدرت خرید آن را نیز مضمون می‌دانند. بدین معنا که پول سند نیست و قدرت خرید چیز مشخصی نیست که پول سند آن باشد، بلکه پول خودش مال است، اما قدرت خرید، وصف ذاتی عرفی اسکناس است؛ زیرا اسکناس منفعت استعمالیه‌ای مثل خوردن و پوشیدن ندارد و منفعتش تنها در این است که وسیله مبادله کالا است. بنابراین، اگر وصف قدرت تبادل کالا با آن کم شود، از نظر عرف، نقص در وصف عینی آن رخ داده و مورد ضمان است.

مبنایی که اسکناس را سند قدرت خرید می‌داند و این مبنا که آن را مال می‌داند و قدرت خرید را وصف عینی به شمار می‌آورد و کاهش قدرت خرید را نقص در وصف اسکناس ارزیابی می‌کند، در این حکم مشترک‌اند که هر دو در فرض کاهش ارزش پول، قدرت خرید را متعلق ضمان می‌دانند، اما بین این دو مبنا، اختلافی در افزایش قیمت پول وجود دارد. بر اساس این مبنا که اسکناس سند قدرت خرید است، در فرض افزایش ارزش پول، شخص بدهکار در مقام ادای دین، مبلغی به اندازه قدرت خرید گذشته به طلبکار بدهد، کافی است، اما بر اساس مبنای دیگر که اسکناس مال است و وصف قدرت خرید نیز مضمون است، شخص افزون‌بر قدرت خرید، ضامن ذات این مال نیز هست و نمی‌تواند به پرداخت مبلغ کمتر، با قدرت خرید برابر با پولی که قرض گرفته است، کفایت کند.

۵-۲. شاهد سند بودن اسکناس

دیدگاه دوم در مقابل مال بودن اسکناس، این است که اسکناس از نظر عرف مال نیست و مانند چک سند است. کسانی که اسکناس را مال می‌دانند از آنجاکه اسکناس مال اعتباری

است، وقتی می‌خواهند آن را به چیزی تشبیه کنند، از تمبر نام می‌برند که آن هم مال اعتباری است. دیدگاه مشهور فقها این است که تمبر خود مالیت دارد و سند مال نیست. تمبر خود ارزش مالی دارد و مبلغی روی آن نوشته می‌شود که ارزش تمبر به همان اندازه است و برای نامه فرستادن و کارهای دیگر از آن استفاده می‌شود.^۵ از آنجاکه تمبر مالیت دارد، اگر تا آخر سال مصرف نشود، ادای خمس آن واجب می‌شود.

البته شهید مطهری برخلاف دیدگاه معروف، معتقد است که تمبر مالیت ندارد و سند است. ایشان در کتاب مسئله ربی بیان می‌کند که من در حاشیه رساله آقای میلانی نوشته‌ام «این سخن که تمبر مال است و مثلاً یک تمبر دوریالی، دو ریال مالیت دارد، سخن درستی نیست. تمبر نوعی رسید است. اداره پست که نامه مرا می‌رساند، دو ریال بابت این کار پول می‌گیرد. تمبری که من روی پاکت می‌زنم، رسید پولی است که من به‌عنوان اجرت نامه‌رسانی پرداخت کرده‌ام؛ رسیدی است که نشان می‌دهد من دو ریال اجرت نامه‌رسانی اداره پست را پرداخت کرده‌ام. بنابراین، تمبر سند است و مالیت ندارد» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص. ۳۰۴). ایشان در ادامه بیان می‌کند که بعید نیست که این سخن درباره اسکناس نیز درست باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، صص. ۲۸۶ و ۳۰۴). به این معنا که اسکناس سند طلب شخص از دولت یا سند حق خرید باشد؛ یعنی دولت این مقدار به شخص حق خرید داده است مانند اینکه صاحب فروشگاه‌های برای برخی افراد قبضی به مبلغ مشخصی صادر می‌کند و آن افراد با آن می‌توانند از آن فروشگاه خرید کنند. این قبض، سند طلب صاحب آن از صادرکننده یا سند حق خریدی است که به او داده شده است.

مبنای سند بودن اسکناس ریشه در تاریخ پیدایش اسکناس دارد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، اسکناس در آغاز به‌عنوان سند طلب اشخاص از صراف‌ها پدیدار شد، اما تاریخ اسکناس نمی‌تواند شاهی بر سند بودن اسکناس امروزی باشد؛ زیرا دوره‌های مختلف بر اسکناس گذشته و پول کاغذی با گذشته خود اختلاف بسیاری یافته است.

تنها یک سخن را می‌توان به‌عنوان شاهد بر سند بودن اسکناس مطرح کرد و آن اینکه، تمدن بشری آرام‌آرام به سوی پول‌های الکترونیکی یا دیجیتالی در حال حرکت است. در برخی کشورها شاید در چند سال آینده هیچ اسکناسی چاپ نشود و تنها پول جامعه، اعتبارهای موجود در حساب‌های بانکی افراد باشد که با کارت از حسابی به حساب دیگر جابه‌جا می‌شود یا پول‌های دیجیتالی مانند بیت‌کوین، پول رایج میان مردم

باشد. در پول الکترونیکی یا پول دیجیتالی جز اعداد و ارقام در حساب‌های بانکی یا در رایانه‌ها، چیز دیگری در خارج وجود ندارد که مالیت داشته باشد. تنها همین اعداد وجود دارد که سند دارایی شخص است. این واقعیت شاهد است که اسکناس نیز مانند اعداد و ارقام حساب‌های بانکی، تنها سند یک ارزش اعتباری است. پول درحقیقت، موضوعی اعتباری و اسکناس سند آن است؛ همان‌طور که اعداد و ارقام ثبت‌شده در حساب‌ها و رایانه‌ها، سند آن ارزش اعتباری است؛ زیرا وقتی اسکناسی در کار نباشد، موضوع عینی وجود ندارد که مالیت داشته باشد و شخص مالک آن باشد^۶. بنابراین، واقعیت پیش رو شاهد است که پول بیش از موضوعی اعتباری نیست که ارقام و اعداد در حساب‌های بانکی و اسکناس و پول کاغذی تنها سند وجود آن است. مانند کوپن که سند مقدار قدرت خرید برخی اجناس به قیمتی ارزان‌تر از بازار است، اسکناس نیز سند مقدار ارزش اعتباری است که شخص واجد آن است که از آن ارزش اعتباری برای مثال، به ۱۰ هزار تومان تعبیر می‌شود.

اشکال بر شاهد سند بودن اسکناس

اگر روزی فرا برسد که هیچ اسکناسی در میان نباشد و با اعداد و ارقام بدون وجود خارجی پول سروکار داشته باشیم، مال اعتباری را می‌پذیریم که در این صورت در واقع، آن اعداد و ارقام، فرد اعتباری اسکناس خواهد بود، اما اکنون که اسکناس هنوز موجود است و فرد حقیقی آن در خارج وجود دارد و عرف آن را مال می‌داند - نه سند مال - چرا امروز این پول خارجی را مال ندانیم؟ البته زمانی که فرد اعتباری اسکناس رواج یافت، باید بررسی شود که آیا آن موضوع اعتباری نیز مصداق مال است یا نه؟ در آن زمان ممکن است برخی مال بودن آن موضوع اعتباری را بپذیرند و ممکن است برخی آن را نپذیرند و در امضای شارع نسبت به چنین مالی اشکال کنند مانند مسئله شخصیت‌های حقوقی و... بنابراین، اگر پول نیز روزی هیچ جلوه خارجی مانند اسکناس نداشته باشد مانند شخصیت‌های حقوقی، موضوع اعتباری محض خواهد بود و باید امضای شارع نسبت به چنین موضوعی بررسی شود، اما امروز که پول صورت خارجی دارد و در عرف، شخص مالک این اسکناس خارجی شمرده می‌شود، جایی برای اشکال در مال بودن اسکناس نیست.

بحث و نتیجه گیری

پس از بررسی موضوع ماهیت اسکناس از حیث سند یا مال بودن آن و بیان آثار فقهی هریک از دو نظریه، نتیجه این شد که اسکناس ادوار چهارگانه‌ای را پشت سر گذاشته و در هر دوره ماهیتی داشته است. در دوره نخست، اسکناس سند امانت، در دوره دوم، سند دین، در دوره سوم، سند تعهد و در دوره چهارم که دوره کنونی است، مال عرفی است. برای اثبات سند بودن اسکناس در دوره چهارم شاهی ذکر شده است، اما پس از بررسی دقیق آن مشخص می‌شود که این شاهد نمی‌تواند این ادعا را اثبات کند. از این رو با توجه به اتقان دو شاهد چهارم و پنجم اثبات مال بودن اسکناس، تردیدی در مال بودن آن نیست.

یادداشت‌ها

۱. پشت ایران‌چک‌های پنجاه هزارتومانی این جمله نوشته شده است «وجه این چک یک سال پس از تاریخ صدور، فقط در شعب منتخب بانک‌ها قابل پرداخت می‌باشد».
۲. شاهد بر این مطلب می‌تواند این قانون باشد که بانک مرکزی موظف است به‌اندازه‌ای که چک مسافرتی چاپ و منتشر می‌کند، اسکناس بلوکه کند. این قانون صرف‌نظر از اجرا شدن یا نشدن آن، شاهد خوبی است برای اینکه از منظر قانون، این چک‌ها سند برای اسکناس هستند و جایگزین آن شمرده می‌شوند.
۳. در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰)، دولت آمریکا تعهد خود به پرداخت طلا در قبال دلار را لغو کرد و اندکی پس از آن، کشورهای دیگر نیز تعهد خود را به پرداخت طلا لغو کردند (ویکی پدیا، شوک نیکسون؛ <https://fa.wikipedia.org/wiki/>).
۴. فرض افزایش ارزش پول ملی فرض نادری است، اما گاهی این اتفاق رخ داده است. برای مثال، پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ارزش پول ایران دو برابر یا بیشتر شد.
۵. غالباً در تمبرهای عادی مالیت آن به‌اندازه مبلغ اسمی آن است و گاه برخی تمبرها در بازار مورد رغبت مجموعه‌دارها قرار می‌گیرد و ارزش مالی بسیار بیشتری از ارزش اسمی آن می‌یابد.
۶. وقتی اسکناس نباشد، بر اساس دیدگاه آیت‌الله سیستانی که انتقال پول به حساب دیگری قبض آن شمرده نمی‌شود، دیگر هیچ‌گاه قبض رخ نخواهد داد. از این رو اگر سهم سادات را به

حساب فقیر واریز کند، مادام که فقیر پول را از حساب خود خارج نکرده و اسکناس دریافت نکرده باشد، قبض سهم سادات رخ نداده و ذمه مکلف همچنان مشغول است. این، لوازم فاسد را نیز مؤید قرار می‌دهد بر اینکه باید سند بودن اسکناس را پذیرفت.

کتابنامه

- اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۳۹۳ق). *وسيلة النجاة (مع حواشی الکلیایگانی)*. (جلد ۲). قم: مطبعة المهر.
- اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۴۲۲ق). *وسيلة النجاة (مع حواشی الامام الخمينی)*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۰ق). *کتاب المکاسب (المحشی)*. (جلد ۱). چاپ ۳، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب.
- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). *کتاب المکاسب (ط-الحديثه)*. (جلد ۴). چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بحرانی، محمدسند (۱۴۲۸ق). *فقه المصارف والتفود*. قم: مکتبه فک.
- بهشتی، سید محمد حسین (۱۳۸۶). *بانکداری ربا و قوانین مالی اسلام*. بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید دکتر بهشتی، تهران: بقعه.
- تبریزی، جواد بن علی (بی تا). *استفتائات جدید* (جلد ۱). قم: بی نا.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق). *صراط النجاة* (جلد ۵). قم: دارالصدیقه الشهیده.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ق). *منهاج الصالحین* (جلد ۱). قم: مجمع الامام المهدی (عج).
- توتونچیان، ایرج (۱۳۶۷). *نگاهی به پول و وظایف آن در اقتصاد اسلامی*. مجموعه مقالات اولین مجتمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی.
- جزایری، سید محمد جعفر (۱۴۱۶ق). *هدی الطالب فی شرح المکاسب* (جلد ۶). قم: مؤسسه دارالکتاب.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه* (جلد ۱۸). قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۳۹۳). *توضیح المسائل*. قم: بی نا.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *سرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام* (جلد ۲). چاپ ۲، قم: اسماعیلیان.

- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء (ط-الحدیثه)*. (جلد ۱۰). چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت^(ع).
- حلی، حسین (۱۴۱۵ق). *بحوث فقهیه*. چاپ ۴، قم: مؤسسه المنار.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *مصباح الفقاهة (المکاسب)*. قم: بی‌نا.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *توضیح المسائل* (جلد ۲). چاپ ۱۰، قم: مؤسسه احیای آثار الامام الخویی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۰). *توضیح المسائل*. چاپ ۷، انتشارات ایران.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *منهاج الصالحین* (جلدهای ۲ و ۳). چاپ ۲۸، قم: مدینه العلم.
- شیرازی زنجانی، سید موسی (۱۳۹۶). *استفتائات* (جلد ۲). قم: دفتر حضرت آیت‌الله شیرازی زنجانی.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۷۲). *نظرخواهی از فقهاء پیرامون مسائل حقوقی و فقهی ناشی از کاهش ارزش پول*. مجله رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۶.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۱ق). *البنک اللاریوی*. چاپ ۷، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۹ق). *الاسلام یقود الحیاة*، چاپ ۴، قم: دارالصدر.
- طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین* (جلد ۲). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۷۱). *فقه الزکاة* (جلد ۱). چاپ ۲، انتشارات فرهنگ اسلامی.
- مرتضوی لنگرودی، سیدحسین شمس (۱۳۷۵-۱۳۷۶). *احکام فقهی پولی*. فقه اهل‌بیت، شماره‌های ۷ و ۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری* (جلد ۲۰). چاپ ۸، قم: صدرا.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۲ق). *استفتائات* (جلد ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق) (الف). *تحریر الوسیله* (جلدهای ۱ و ۲). قم: دارالعلم.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق) (ب). *کتاب‌البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی^(ره).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). *المکاسب‌المحرمة* (جلد ۱). قم: اسماعیلیان.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام* (جلد ۲۲). چاپ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۴۲۳ق). *قراءات فقهیه معاصره* (جلد ۲). قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (تابستان ۱۳۷۴). احکام فقهی کاهش ارزش پول. فقه اهل بیت (ع)، شماره ۲. ویکی پدیا، شوک نیکسون (۱۴۰۰/۲/۲۸) (<https://fa.wikipedia.org/wiki/>).

شیخ مهدی آصفی، صالحی مازندرانی، ابوطالب تجلیل، محمد هادی معرفت، سیدمحمد موسوی بجنوردی.

Ansārī Dezfulī, Mortadhā bin Muḥammad Amīn. (1990). *Kitāb al-Makāsib* (al-Muḥashshī) (3rd ed., Vol. 1). Qom, Mu'assasah Maṭbu'ātī Dār al-Kitaab.

Ansārī Dezfulī, Mortadhā bin Muḥammad Amīn. (1995). *Kitāb al-Makāsib* (new print) (1st ed., Vol. 4). Qom, Kongereh Jahānī Bozorgdāshat Sheikh A'dham Ansārī.

Āsafī, M., Māzandarānī, S., Tejallī, A., Ma'refat, M. H., Mūsavī Bojnordī, M., Langarūdī, M., Shams, H. (1995-1996). Ahkām Fiqhī Pūlī. *Fiqh Ahl Bayt*, 7, 9. Baḥrānī, Muḥammad Sanad. (2007). *Fiqh al-Masārif wa al-Nuqūd*. Qom, Maktabat Fadak.

Beheshtī, Sayyid Muḥammad Ḥussein. (2007). *Bankdārī Ribā wa Qawānin Mālī-e Islām*. Bonyād Nashr wa Āthār wa Andīsheh hāye Shahīd Doctor Beheshtī, Tehrān, Baq'ah.

Hāshemī Shahrūdī, Sayyid Maḥmūd. (1995). Ahkām Fiqhī Kāheš Arzeš Pūl. *Fiqh-e Ahl-e Bayt*, 2.

Hāshemī Shahrūdī, Sayyid Maḥmūd. (2002). *Qirā'āt Fiqhīyah Mu'āshirah*. Qom, Mu'assasah Dā'irat al-Ma'ārif Fiqh Islāmī bar Madhhab-e Ahl-e Bayt.

Ḥillī, Allāmah, Ḥasan bin Yūsuf. (1993). *Tadhkirat al-Fuqahā* (new print) (1st ed., Vol. 10). Qom, Mu'assasah Āl al-Bayt.

Ḥillī, Muḥaqiq, Ja'far bin Ḥasan. (1988). *Sharā'i' al-Islām fī Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām* (2nd ed., Vol. 2). Qom, Ismā'īlīyān.

Ḥillī, Ḥusayn. (1994). *Buḥūth al-Fiqhīyyah* (4th ed.). Qom, Mu'assasah al-Manār.

Ḥurr Āmilī, Muḥammad bin Ḥasan. (1989). *Wasā'il al-Shī'ah* (Vol. 18). Qom, Mu'assasah Āl al-Bayt.

Ḥusaynī Sīstānī, Sayyid 'Alī. (2014). *Tawḍīḥ al-Masā'il*. Qom.

Isfahānī, Sayyid Abū al-Ḥasan. (1973). *Wasīlah al-Najāt* (with Ḥawāshī al-Gulpāyigānī) (Vol. 2). Qom, Maṭba'at al-Mehra.

Isfahānī, Sayyid Abū al-Ḥasan. (2001). *Wasīlah al-Najāt* (with Ḥawāshī al-Imam al-Khomeini), Qom, Mu'assasah Tanzīm wa Nashr Āthār Imam Khomeini.

Jazā'irī, Sayyid Muḥammad Ja'far. (1995). *Hudā al-Tālib fī Sharḥ al-Makāsib* (Vol 6). Qom, Mu'assasah Dār al-Kitaab.

Khomaynī, Sayyid Rūhollah Mūsavī. (1989). *al-Makāsib al-Muḥarramah* (Vol. 1). Qom, Intishārāt Ismā'īlīyān.

Khomaynī, Sayyid Rūhollah Mūsavī. (2000a). *Tahrīr al-Wasīlah* (Vols. 1-2). Qom, Dār al-'Ilm.

Khomaynī, Sayyid Rūhollah Mūsavī. (2000b). *Kitāb al-Bay'*. Tehran, Mu'assasah Tanzīm wa Nashr Āthār Imām Khomeinī.

- Khomaynī, Sayyid Rūhollah Mūsavī. (2001). *Istiftā'āt* (Vol. 2). Qom, Daftar Intishārāt Islāmī Vābastah be Jāme'ah Modaressīn.
- Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim. (1992). *Miṣbāḥ al-Fiqhah (al-Makāsib)*, Qom.
- Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim. (2001). *Tawḍīḥ al-Masā'il* (10th ed., Vol. 2). Qom, Mu'assasah Ihya' Āthār al-Imām al-Khū'ī.
- Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim. (1991). *Tawḍīḥ al-Masā'il* (7th ed.). Iran Publications.
- Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim. (1992). *Minḥāj al-Ṣāliḥin* (28th ed., Vols 2-3). Qom, Nashr Madīnat al-'Ilm.
- Mutahharī, Murtazā, (1993). *Majmū'ah Āthār Ustād Shahīd Mutahharī* (8th ed., Vol. 20). Qom, Sadra.
- Najafī, Muḥammad Ḥasan. (1984). *Jawāhir al-Kalām* (7th ed., Vol. 22). Beirut, Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Qaradāwī, Yūsuf. (1992). *Fiqh al-Zakāt* (2nd ed., Vol 1). Islamic Culture Publications.
- Ṣāfī Golpāyegānī, L. (1993). Nāzar Khāhī Az Fiqhā Pirāmoon Masā'il Hoqūqī va Fiqhī Nashī Az Kāheš Arzeš Pūl. *Majaleh Rahnamoon*, 6.
- Sadr, Sayyid Muḥammad Bāqir. (1980). *al-Bank al-Lāribawī* (7th ed.). Beirut, Dār al-Ta'āruf lil-Maṭbu'āt.
- Sadr, Sayyid Muḥammad Bāqir. (2008). *al-Islām Yaqūd al-Ḥayāt* (4th ed.). Qom, Dār al-Sadr.
- Shubayrī Zanjānī, Sayyid Mūsā. (2017). *Istiftā'āt* (Vol. 2). Qom, Daftar Ḥazrat Ayatollah Shubayrī Zanjānī.
- Ṭabāṭabā'ī Hakīm, Sayyid Muḥsin. (1989). *Minḥāj al-Ṣāliḥīn* (Vol. 2). Beirut, Dār al-Ta'āruf lil-Maṭbu'āt.
- Tabrīzī, Javād bin 'Alī. (n.d.). *Istiftā'āt-e Jadīd*. Qom.
- Tabrīzī, Javād bin 'Alī. (2006). *Ṣirāt al-Najāt* (Vol. 5). Qom, Dār al-Siddīqah al-Shahīdah.
- Tabrīzī, Javād bin 'Alī. (2005). *Minḥāj al-Ṣāliḥīn* (Vol. 1). Qom, Majma' al-Imām al-Mahdī.
- Tūtūnchīān, Īraj. (1988). A look at money and its duties in Islamic economics. *Collection of articles from the first complex of Islamic economic studies*.

Investigating The Role and Effects of Market Design Theory In Economic Governance with Islamic Approach

Hamidreza Maghsoodi*

Hossein Bahrami**

Ali Saeedi***

Abolfazl Ehsanfar****

Abstract

According to market design theory, every market needs regularity and regulation. Influential levers in the market include pricing, limiting, motivating, thickening, congestion removal, and clearing levers. In a parallel *Islamic* approach based on *Shahid Sadr* thoughts, it is of *Fiqh* or *Islamic Jurisprudence* to determine and regulate economic framework of the markets. In other words, *Fiqh* has the responsibility of just and fair allocation and distribution of goods among all the people in the Islamic society. Through this task, Islamic thoughts are weaved through social instructions and so we can expect the realization of shariah goals in the economy. Thus, we can see that Islamic Jurisprudence is a kind of market design based on shariah teachings. Investigating this conceptual relationship, we are aimed in this article to extract the implications of market design theory using Islamic approach. Based on the results of this research, economic governance based on Islamic rules in each of four sectors of government, public, cooperative and private sector depends on creating motivation, increasing thickness, removing congestion and safety in the logic of jurisprudential exchanges. To sort out and link different economic sectors and increase coordination and coherence, increase the thickness of the market and reduce congestion, it is necessary to conduct interactions based on fair behavior, anti-monopoly and anti-hoarding, as well as adherence to Islamic rules.

Keywords: Economic governance, Islamic governance, Market design theory, Islamic market design, Match making, Regularity, Regulation.

* Assistant Professor, Faculty of Economic Sciences and Management, Department of Islamic Economics, University of Qom, Qom, Iran (corresponding author).

hr.maghsoodi@qom.ac.ir

 0000-0002-3805-9409

** PhD student in Islamic Economics, Faculty of Economic Sciences and Management, Department of Islamic Economics, University of Qom, Qom, Iran.

h.bahrami@stu.qom.ac.ir

 0000-0001-8637-7949

*** Assistant Professor, Faculty of Economic Sciences and Management, Department of Islamic Economics, University of Qom, Qom, Iran.

a.saeedi@qom.ac.ir

 0000-0001-9379-7650

**** M.Sc. student in Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Department of Public Administration, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

a.ehsanfar@isu.ac.ir

 0009-0006-0013-8802

Received: 2023/03/14

Accepted: 2023/08/23

بررسی نقش و اثرات نظریه طراحی بازار در حکمرانی اقتصادی با رویکرد اسلامی

حمیدرضا مقصودی*

حسین بهرامی**

علی سعیدی***

ابوالفضل احسان‌فر****

چکیده

در این نوشتار در پی بررسی دلالت‌های نظریه طراحی بازار در حکمرانی اقتصادی با رویکرد اسلامی هستیم. بر اساس نظریه طراحی بازار، هر بازاری نیازمند قاعده‌مندی و تنظیم‌گری است. اهرم‌های تأثیرگذار در بازار اعم از اهرم‌های قیمت‌گذاری، محدودیت‌ساز، انگیزه‌بخش، ضخامت‌آور، رفع تراحم و تسویه‌کننده است. در رویکرد اسلامی مبتنی بر نظریه شهید صدر، تعیین و تنظیم چهارچوب‌ها و قواعد اقتصادی بر عهده علم فقه است. قواعد بازار فقهی در نسبت با قواعد بازارهای متعارف و هترودوکس، دارای نسبت‌های اعم و اخص من وجه است. منطق طراحی بازار در نگرش اسلامی همان منطق فقهی است که به دنبال تخصیص و توزیع عادلانه، منصفانه و مشروع مواهب به عموم مردم و جامعه است. بنابراین، مواهب اعم از کالاها و خدماتی که موضوع حکمرانی هستند، طبق چهارچوبی هدفمند و دقیق با مقصود مشخص، به معوض‌های معین پیوند می‌خورند و سازوکار تسویه مناسب در محیط بازار را متناسب با قواعد اسلامی شکل می‌دهند. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و گردآوری کتابخانه‌ای، به این یافته رسیدیم که حکمرانی اقتصادی مبتنی بر قواعد اسلامی در هریک از بخش‌های چهارگانه دولتی، عمومی، تعاونی و خصوصی، منوط به ایجاد انگیزه، افزایش ضخامت، رفع ازدحام و وجود ایمنی در منطق مبادلات فقهی است. برای جوسازی و پیوند بخش‌های مختلف اقتصادی و افزایش هماهنگی و انسجام و افزایش ضخامت بازار و کاهش ازدحام، لازم است تعاملات بر اساس رفتار منصفانه، انحصارزدا و احتکارزدا و نیز پابندی به احکام اسلامی صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: حکمرانی اقتصادی؛ حکمرانی اسلامی؛ نظریه طراحی بازار؛ طراحی بازار اسلامی؛ جوسازی؛

قاعده‌مندی؛ تنظیم‌گری.

* استادیار، دانشکده علوم اقتصادی و مدیریت، گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

hr.maghsoudi@qom.ac.ir  0000-0002-3805-9409

** دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و مدیریت، گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

h.bahrami@stu.qom.ac.ir  0000-0001-8637-7949

*** استادیار، دانشکده علوم اقتصادی و مدیریت، گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

a.saeedi@qom.ac.ir  0000-0001-9379-7650

**** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، گروه مدیریت دولتی،

دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

a.ehsanfar@isu.ac.ir  0009-0006-0013-8802

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۳۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

حکمرانی^۱ مقوله‌ای مرتبط با دولت است که بعد از گذشت نزاع‌های اقتصاددانان درباره دخالت یا عدم دخالت دولت در اقتصاد، توسط نهادهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در چند دهه اخیر با عنوان حکمرانی خوب^۲ مطرح شده است. حکمرانی عبارت از اعمال حاکمیت بر نهادهای مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی برای ارائه خدمات بهتر به شهروندان است (قلی‌پور، ۱۳۸۴). بانک جهانی، حکمرانی را فرایندها و نهادهایی تعریف می‌کند که از طریق آن‌ها تصمیمات اخذ و اختیارات در کشور اعمال می‌شود (World Bank, 1999, p. 3).

حکمرانی درحقیقت، تنظیم‌گری و طراحی فرایندها و نهادها میان بخش‌های مختلف جامعه برای بهره‌مندی هرچه بیشتر مردم از مواهب جامعه است. تنظیم‌گری در ادبیات اقتصادی دارای سه تعریف عمده است. در تعریف محدود، تنظیم‌گری نوعی از حکمرانی است که با نهادهای دولتی برای نظارت و هدایت بازارها انجام می‌شود. در تعریف موسع‌تر، تنظیم‌گری انواع تلاش‌های دولت برای هدایت بازار را شامل می‌شود. تعریف جامع نیز همه نوع روش‌های کنترل اجتماعی اعم از آگاهانه و غیرآگاهانه را شامل می‌شود (Baldwin, Scott, & Hood, 1998, p. 35). این نظریه، مبنای اصلی اغلب نظریات شکل‌گیری نهادهای تنظیم‌گر است. در این شرایط، دولت با دخالت خود، زمینه را برای تحقق منفعت عمومی فراهم می‌کند (Baldwin, Cave, & Lodge, 2012, p. 15). تنظیم‌گری یکی از کارکردهای حکمرانی اقتصادی و به این منزله است که قواعد، چهارچوب و فضای حاکم بر کارگزاران و بازیگران اقتصادی به‌ویژه در بازارها باید به‌گونه‌ای باشد که فرایندها، رویه‌ها و تعاملات به بهترین صورت انجام پذیرد (Degryse, 2012, p. 6). برای نیل به درست‌ترین و منصفانه‌ترین حالت‌هایی که تقاضاکنندگان را به عرضه‌کنندگان جفت می‌کند، نیاز به طراحی تنظیم‌گری وجود دارد. این تنظیم‌گری که با در نظر گرفتن چهارچوب فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی صورت می‌پذیرد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۵)، در واقع، طراحی بازار^۳ و جورسازی^۴ است که چگونگی جفت شدن و اتصال دو طرف بازار را فراهم و آسان می‌کند.

براین اساس، زمانی که از بازار و بازار آزاد سخن گفته می‌شود، نباید بازاری بی‌دروپیکر و رها در نظر گرفته و تصور شود، بلکه باید بازاری با قواعد خوش طرح تصور شود که

خوب، صحیح و معتمدانه کار کند. به عبارت دیگر، بازاری که روی محور خود آزادانه و با کمترین اصطکاک حرکت کند مانند چرخه‌ای که آزادانه بچرخد. چرخ برای چرخیدن به محور و باتاقان روغن کاری شده نیاز دارد. این بحث که چگونه باید محور فراهم شود و باتاقان روغن کاری شود، موضوعی است که طراحی بازار بدان می‌پردازد (راث، ۱۳۹۷، ص. ۲۸).

موضوع طراحی بازار گرایشی نوین در اقتصاد است. در سال ۲۰۱۲، جایزه نوبل اقتصاد به بنیان‌گذار این بحث نوین، الوین راث به همراه لویید شپلی اعطا شد. این نظریه پس از آن مطرح شد که اقتصاددانان به وضوح مشاهده کردند که تنها ابزار تسویه بازارها قیمت نیست و در بسیاری از بازارها عواملی دیگر در کنار قیمت در روند تسویه بازار تأثیرگذارند. راث و شپلی پس از پژوهش‌های متعدد، موانعی مانند عدم ضخامت، ازدحام و ایمنی را سه مشکل اصلی عدم تسویه بازارها عنوان کردند. راث تعبیر جورسازی را مطرح می‌کند و معتقد است که بازارها به طور کلی، با تمام متغیرهایی که دارند، از سویی عده‌ای در حال عرضه کالا هستند و از سوی دیگر، عده‌ای تقاضای آن کالا هستند. برای اینکه عرضه و تقاضا با هم تسویه شود و شکستی در بازار رخ ندهد، باید بازار را به گونه‌ای طراحی کرد که عرضه و تقاضا با هم جفت شوند و هر عرضه تقاضای خودش را پیدا کند و هر تقاضا کالای مدنظر خودش را بیابد. این فرایند با ابزار قیمت تسویه نمی‌شود و بازار جورساز است که عمل تسویه بازار را انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، در هر بازاری که قیمت تنها عاملی نباشد که بازار را تسویه کند و مشخص نکند که چه چیزی به چه کسی می‌رسد، بازار جورساز است که با استفاده از الگوریتم‌های خود و مبتنی بر علایق و شرایط دو طرف بازار، مشکل بازار را برطرف می‌کند (راث، ۱۳۹۷، ص. ۴).

مثال‌های زیادی از این بازارها در اقتصاد وجود دارد که به طراحی الگوریتم‌های حاصل از تعامل حکمرانی با بازار برمی‌گردد. برای مثال، بازار مسکن یکی از این بازارهای جورساز است که نیاز به طراحی جدی بازار در آن وجود دارد. مثال دیگر، بازار کار، شفافیت آن و جفت شدن کارجویان و کارفرمایان است. حتی خود سیاست و حکمرانی به نوعی نیاز به جورسازی و پرورش و انتخاب نخبگان و شایستگان را دارد. حکمرانی اقتصادی نیز خود موضوع مهمی است که در آن به چگونگی ارتباط بخش‌های مختلف اقتصادی با یکدیگر و ایجاد بازدهی مناسب هر بخش پرداخته می‌شود. این مقاله در شش بخش سازمان‌دهی شده است. در بخش نخست پس از مقدمه، نکات پژوهش‌های پیشین مرور شده است. در بخش

دوم، به بررسی ادبیات نظری در این حوزه پراخته شده است. در قسمت سوم، به مقوله‌های نظریه طراحی بازار و حکمرانی اقتصادی اشاره شده است. در بخش چهارم، اثر نظریه طراحی بازار در حکمرانی اقتصادی با رویکرد اقتصاد متعارف بررسی شده است. در بخش پنجم نقش نظریه طراحی بازار در حکمرانی اقتصادی با رویکرد اسلامی تبیین و بحث شده است. بخش پایانی مقاله به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های حکمرانی در منابع فارسی عمدتاً درباره حکمرانی خوب و شاخص‌های بانک جهانی صورت گرفته است. حکمرانی اقتصادی موضوع بدیعی است که در پژوهش‌هایی مانند «جهانی شدن ارزش‌های مجازی و حکمرانی اقتصادی دولت» (ارغوانی و میراحمدی، ۱۳۹۸)، «مقایسه جایگاه ایران با کشورهای منطقه غرب آسیا از جهت مشارکت در حکمرانی اقتصاد بین‌المللی» (مروی سمورچی و همکاران، ۱۳۹۵) و «تعیین مؤلفه‌های حکمرانی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیط‌زیست در بخش کشاورزی ایران» (رونقی و همکاران، ۱۳۹۸) اشاراتی به آن شده است. از سوی دیگر، نظریه طراحی بازار در پژوهش‌ها و مقالاتی مانند «طراحی بازار؛ چهارچوب تحلیل "راث" در درک عملکرد بازار» (نصیری اقدم و همکاران، ۱۳۹۳)، «پایداری در نظریه طراحی بازار بر اساس روش ارزش شپلی» (مولاییگی، ۱۳۹۸)، «نظریه طراحی بازار و کاربرد آن در بازار نیروی کار پزشکی (در بخش دولتی)» (عبادی و همکاران، ۱۳۹۴)، «طراحی سازوکار برای یک بازار کارآمد پیوند کلیه در ایران» (مولاییگی و همکاران، ۱۳۹۷) و «تسهیل جابه‌جایی نیروی انسانی در سازمان‌های پیچیده؛ کاربردی از نظریه طراحی بازار» (یزدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶) در مقام تحلیل و بررسی محتوایی قرار گرفته یا درباره کاربرد نظریه طراحی بازار در بخشی از اقتصاد کلان کشور مطالعاتی صورت گرفته است. همچنین، نخستین کتاب ترجمه‌شده از کتاب‌های حوزه طراحی بازار که به مقوله تنظیم‌گری در بازارهای مختلف جורسازی و عناصر طراحی بازار و نمونه‌های متمایز جورسازی پرداخته است، کتاب چه چیز به چه کس می‌رسد؟ چر؟/... (۱۳۹۷) از راث است که رهیافتی نوین از اقتصاد جورسازی و طراحی بازار در فضای تنظیم‌گری در آن ارائه شده است.

در منابع خارجی نیز درباره طراحی بازار و حکمرانی اقتصادی پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. در این مطالعات از نظریه طراحی بازار به‌عنوان مقوله‌ای در حوزه

تنظیم‌گری و چگونگی تنظیم‌گری در کلان‌بازارها و جوسازی عناصر آن به یکدیگر و حل مشکلات حکمرانی اقتصادی در فضای تنظیم‌گری استفاده شده است. از این رو به برخی پژوهش‌های خارجی مرتبط و نزدیک به موضوع طراحی بازار، حکمرانی و تنظیم‌گری اقتصادی اشاره می‌شود.

دو نظریه‌پرداز نظریه بازی‌ها، شپلی^۵ و اسکارف^۶، در پژوهشی با عنوان «هسته‌ها و تقسیم‌ناپذیری» در نخستین شماره مجله اقتصاد ریاضی، به بررسی تقسیم کالاهایی که ذاتاً تقسیم‌ناپذیرند، مانند خانه‌ها، از دیدگاه تئوری بازی‌ها پرداختند (Shapley & Scarf, 1974) و نشان دادند که تخصیص رقابتی همیشه در چنین بازاری وجود دارد. همچنین، این پرسش را مطرح کردند که چگونه می‌توان کالای مورد نیاز تقسیم‌ناپذیری را که همه به آن نیاز دارند، بدون پول با یکدیگر دادوستد کرد (راث، ۱۳۹۷، ص. ۵۳)؟

«اقتصاددان به‌عنوان مهندس نظریه بازی‌ها، اقتصاد آزمایشگاهی و محاسبات به‌عنوان ابزار طراحی اقتصاد» در سال ۲۰۰۲، عنوان پژوهشی است که برای نخستین بار نظریه طراحی بازار را مطرح کرد. در این مطالعه تصریح شده است که اقتصاددانان به این نتیجه رسیده‌اند که نه تنها بازارها باید تجزیه و تحلیل شوند، بلکه برای تنظیم‌گری در عرصه حکمرانی باید طراحی شوند. راث طراحی بازار را مسئولیتی برای جزئیات بازار قلمداد می‌کند که نه تنها شامل اصول اصلی آن است، بلکه مستلزم مقابله با همه مشکلات بازار و حکمرانی بر بازار است (Roth, 2002).

جان مک‌میلان^۷ در سال ۲۰۰۳، در پژوهشی به موارد استفاده از نظریه طراحی بازار در سیاست می‌پردازد. او استفاده از اقتصاد خرد جدید و طراحی بازار را در زمینه‌های مختلف مانند بازارهای طبقه‌بندی‌شده، برق، کاهش گازهای گلخانه‌ای، تدارکات دفاعی و اسناد خزانه‌داری و نیز قوانین واگذاری ضد انحصار، توزیع مجدد مبتنی بر بازار، قوانین ضد پول‌شویی و خصوصی‌سازی شایان کاربرد می‌داند؛ البته وی معتقد است که تمام رویکرد نظریه و زبان جدید نظریه طراحی بازار، تنها از جنس سیاست و قواعد حکمرانی نیست، بلکه طراحی حراج‌های دولتی و طراحی سازوکارهای واگذاری مالکیت نیز از ارکان نظریه طراحی بازار است (Mcmillan, 2003).

راث در سال ۲۰۰۸ در مقاله معروف خود با عنوان «چه چیزی از طراحی بازار آموخته‌ایم؟»، درباره ضخامت، رفع ازدحام، ایمنی و سادگی که در روند طراحی بازارها و حکمرانی برای رفع شکست بازار وجود دارد، بحث می‌کند. افزون‌براین، به نمونه‌های تنظیم

گری کلان طراحی بازار مانند تنظیم‌گری در بازارهای کار برای پزشکان و تبادل کلیه و انتخاب مدرسه در شهرهای بزرگ نیویورک و بوستون اشاره می‌کند. وی در این مطالعه به بررسی برخی از الگوهای متداول در شکست بازار و چگونگی رفع و تنظیم‌گری آنها پرداخته است (Roth, 2008).

النقی^۸ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «طراحی بازار برای اجرای موفقیت‌آمیز راهبرد انرژی ۲۰۵۰ امارات متحده عربی»، به بررسی عوامل مؤثر در حکمرانی اقتصادی انرژی‌های تجدیدپذیر و انتخاب پذیرفته‌ترین چهارچوب برای تجزیه و تحلیل طراحی بازار می‌پردازند. آنها معتقدند برای اجرای راهبرد انرژی‌های تجدیدپذیر در هر کشوری، نیاز به طراحی مناسب سازوکار تنظیم‌گری بازار برای دستیابی به نتایج موفقیت‌آمیز است. از این رو طراحی بازار به عوامل مختلفی از جمله زیرساخت، ظرفیت انسانی و نهادهای بستگی دارد. آنها انرژی‌های تجدیدپذیر فعلی در امارات را تجزیه و تحلیل کرده و سیاست‌ها و مکانیزم‌های بهبود یافته را برای دستیابی به اهداف پیشنهادی توصیه می‌کنند (Al Naqbi, Tsai, & Mezher, 2019).

راث (۲۰۱۸) در مطالعات اخیر خود اظهار می‌کند که بازارهای مرسوم اغلب قسمت‌های کوچکی از بازارهای بزرگ هستند و بازارها و بازارگاه‌ها انواع مختلفی دارند. طراحی بازار به دنبال این درک است که بازارگاه‌ها برای فعال کردن انواع مختلف بازارها باید چه کارهایی انجام دهند. در این میان، اگر بازارها از حمایت اجتماعی برخوردار شوند، بهترین عملکرد را دارند، اما برخی بازارهای منفور^۹ به این معنا که برخی فکر می‌کنند باید ممنوع شوند. حتی اگر دیگران بخواهند در آنها شرکت کنند، منجرکننده هستند. قوانین منع این گونه بازارها اغلب به طراحی بازارهای سیاه غیرقانونی کمک می‌کند (Roth, 2018). این رخداد، مسائل جدیدی را برای طراحان بازار در حوزه حکمرانی به‌ویژه حکمرانی اقتصادی به وجود می‌آورد.

درایسن^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی نظام‌مند طراحی بازار داده^{۱۱} پرداختند. آنها بازارهای داده را بسترهایی تعریف کردند که زیرساخت‌ها و خدمات لازم را برای تسهیل تبادل محصولات داده بین ارائه‌دهندگان و مصرف‌کنندگان داده از محیط‌های مختلف فراهم می‌کند. در دهه گذشته، بسیاری از بازارهای داده با سرمایه‌گذاری بر افزایش ارزش داده‌ها و ارائه خدمات به حوزه‌های مختلف ظهور کرده‌اند. آنها در این مطالعه، نخست با ترسیم نمای کلی از وضعیت هنر در تحقیقات دانشگاهی درباره طراحی بازارهای داده و مقایسه آن با روندهای موجود بازار، شکاف‌های بالقوه موجود را مورد بحث قرار

دادند. همچنین، آن‌ها حوزه‌ها و زمینه‌های کاربردی مهمی را که در آن بازارهای داده طراحی می‌شوند، تحلیل کردند. در نهایت، ایشان با ارائه انواع رایج بازارهای داده و بهترین شیوه‌های مربوط به طراحی آنها، به طبقه‌بندی مشکلات طراحی بازارهای داده و راه‌حل‌هایش پرداختند (Driessen, Monsieur, & Van den Heuvel, 2022).

چن^{۱۲} و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی مسیرهای مطالعاتی آینده را درباره چگونگی تأثیر حوزه‌های تحقیقاتی سرزنده و سرشار از انرژی و اشتیاق^{۱۳} مانند طراحی بازار و اقتصاد رفتاری بر علم و عملکرد مدیریت در هر دو بخش خصوصی و عمومی مورد بحث و بررسی قرار دادند. آن‌ها با استفاده از نمونه‌هایی از بازارهای مختلف حراج^{۱۴}، سیستم‌های اعتبار و بازخورد آن در بازارهای برخط^{۱۵} و بازارهای جورساز^{۱۶} در آموزش و بازار کار، نشان می‌دهند که ترکیب نظریه طراحی بازار با بینش‌های رفتاری و روش‌های تجربی منجر به اجرای پرثمرتر و مفیدتر طرح‌های بازاری برتر^{۱۷} در عمل می‌شود.

وجه تمایز این مقاله با دیگر پژوهش‌های نزدیک این است که نخست به‌طور خاص به نقش و جایگاه نظریه طراحی بازار در حکمرانی اقتصادی پرداخته می‌شود. در وهله دوم، مباحث حکمرانی اقتصادی بر اساس نظریه طراحی بازار مبتنی بر رویکرد اسلامی بحث و بررسی می‌شود. همچنین، در این پژوهش، برخی بخش‌های واقعی در حوزه گرایش جدید طراحی بازار و تأثیر آن‌ها در قواعد حکمرانی اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. ادبیات نظری

بازارها به‌طور معمول از طریق قیمت‌ها تسویه می‌شوند، اما همه بازارها به این صورت تسویه نمی‌شوند. برخی از این نوع بازارها دوجانبه هستند. به این معنا که فقط تمایل و توان تقاضاکننده برای انتخاب کالا در بازار کافی نیست، بلکه باید طرف عرضه‌کننده هم طرف مقابل را با توجه به دیگر ویژگی‌های غیرپولی انتخاب کند. به عبارت دیگر، هر دو طرف بازار باید یکدیگر را انتخاب کنند و با یکدیگر جفت شوند. بنابراین، هرگاه در بازاری تنها عامل تسویه‌کننده قیمت نباشد، با نوعی بازار به نام بازار جورساز مواجه هستیم که دیگر ویژگی‌ها در کنار قیمت و انتخاب دو طرف منجر به معامله و تسویه بازار می‌شود (راث، ۱۳۹۷، ص. ۴).

جورسازی مبحثی جدید است که اقتصاددانان مطرح کرده‌اند و درباره انتخاب دوسویه افراد برای به دست آوردن چیزهای بی‌شمار در زندگی و همچنین، انتخاب افراد برتر از میان

تقاضاکنندگان به وسیله آن چیزهاست (راث، ۱۳۹۷، ص. ۱۹). به عبارت دیگر، جورسازی نوعی مرتب سازی و همگام سازی انتخاب های جفت شده است؛ به گونه ای که هر فردی به جفت شایسته و مورد علاقه خود برسد. بنابراین، در این بازار دوسویه، دو طرف بازار درحقیقت، تقاضاکننده هستند. برای مثال کنکور سراسری نوعی جورسازی است که در آن از سویی دانش آموزان در پی تحصیل در رشته و دانشگاه مورد علاقه و اساتید و امکانات بهتر و مدرک معتبرتر هستند. از سوی دیگر، دانشگاه ها نیز در پی جذب دانشجویان توانمند، برتر و متناسب با دانشگاه هستند. در بازار کار نیز مثال های زیادی از جورسازی مانند بازار کارآموزی پزشکان و وکلا وجود دارد.

اقتصاد جدید طراحی بازار که می توان آن را «مهندسی اقتصاد خرد» نیز نامید (1, Vulkan, Neeman, & Roth, 2013)، علم را به سمت جورسازی و طراحی بازارها سوق می دهد. طراحی بازار موضوعی است که به حل مشکلاتی کمک می کند که بازارهای موجود نتوانسته اند به طور طبیعی آن ها را حل کنند. از این رو طراحی بازار بیش جدیدی است تا آنچه منجر شده است بازارها به ویژه بازار آزاد به طور صحیح و آزادانه کار کنند، کشف شود. بنابراین، تمام بازارها، از بازارهای بزرگی مانند بازار بزرگ نیویورک گرفته تا بازارهای کوچکی مانند بازارچه محلی روزفروش، همه و همه بر اساس قواعدی کار می کنند (راث، ۱۳۹۷، ص. ۲۳).

طراحی بازار عبارت است از طراحی سازوکارها، ابزارها و قواعد برای سازمان دهی هرچه بهتر و بهینه تر فرایندهای خرید و فروش. به عبارت دیگر طراحی بازار درحقیقت، طراحی قواعد بهینه و منصفانه برای بازار است که هر چقدر قواعد خوب طراحی شده باشند و خوب به کار گرفته شوند، بازار خوب خواهد بود والا منجر به شکست و نتیجه بد می شود (راث، ۱۳۹۷، ص. ۴). طراحی بازار چه در خردبازارها و چه در بازارهای کلان، نقش اساسی در طرح ریزی ساختار حکمرانی اقتصادی ایفا می کند. از آنجاکه بازارها با هم روابط دوسویه و چندسویه دارند و حتی با عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز پیوند دارند، در زمره مهم ترین مسائل در حکمرانی اقتصادی شمرده می شوند؛ افزون بر اینکه اقتصاد خود دارای تعدادی کلان بازار است که کشورها با حکمرانی اقتصادی در پی به تعادل رساندن آن و تخصیص حقوق به صاحبان حق هستند.

صندوق بین‌المللی پول حکمرانی را بهبود اداره منابع دولتی، حمایت از توسعه و نگهداری محیط قانونی و اقتصادی باثبات که هادی فعالیت‌های کارآمد بخش خصوصی باشد، تعریف می‌کند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۳، ص. ۴). همچنین، بانک جهانی، حکمرانی را فرایندها و نهادهایی تعریف می‌کند که از طریق آن‌ها تصمیمات اخذ و اختیارات در هر کشور اعمال می‌شود (World Bank, 1999, p. 3). در نظر کافمن^{۱۸} نیز حکمرانی، اعمال اقتدار از طریق نهادها و سنن رسمی و غیررسمی برای مصلحت عامه است. وی معتقد است حکمرانی دارای مراحل زیر است.

۱. فرایند انتخاب و جایگزینی دولت‌ها.
۲. ظرفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های مناسب و ارائه خدمات دولتی.
۳. احترام شهروندان و تعامل اجتماعی و اقتصادی که میان نهادها حاکم است (Kaufmann, 2003, p.5).

حکمرانی اقتصادی شامل فرایندهایی است که با حمایت از حقوق مالکیت، اجرای قراردادهای و اقدام جمعی برای تأمین زیرساخت‌های مناسب فیزیکی و سازمانی، از فعالیت اقتصادی و معاملات اقتصادی پشتیبانی می‌کند. همچنین، حوزه حکمرانی اقتصادی به مطالعه و مقایسه عملکرد نهادهای مختلف در شرایط گوناگون، سیر تکامل و تحول این نهادها و نیز انتقال از مجموعه‌ای از نهادها و مؤسسات به مجموعه دیگر می‌پردازد (Dixit, 2008). بنابراین، حکمرانی اقتصادی مؤثر به دنبال ایجاد ساختارهای خوب، سیاست‌های مالی، پولی و تجاری هماهنگ و هم‌افزا و ایجاد نظام پایش و نظارت برای ارتقا و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های مختلف اقتصادی است (Bertucci, 1999). براین اساس، اگر اقتصاد مجموعه‌ای از بازارها، نهادها و خانوارها و روابط بین آن‌ها تعریف شود، همه روابطی که در میان این سه رکن رخ می‌دهد، برای انسجام، عملکرد و کارایی هرچه بیشتر و نظم و هماهنگی نیاز به طراحی یکپارچه و منسجم و طراحی نظام‌های زیرین آن دارد. در نظام حکمرانی اقتصادی، طراحی بازار و قواعد و چگونگی ارتباطات میان این مجموعه‌ها به صورت کارا، از اجزای نظام حکمرانی مستقل شمرده می‌شود.

۳. نظریه طراحی بازار و حکمرانی اقتصادی

بازارها در نگاه بنیان‌گذار نظریه طراحی بازار یعنی راث، قدمتی به اندازه تاریخ زبان دارند. بازار قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد و در طول تاریخ بشر، طراحانی مانند حکیمان، علما،

سلاطین و حکمرانان در منطقه‌های مختلف، متناسب با آداب و رسوم و فرهنگ خاص آن منطقه، بازارهایی را تشکیل داده‌اند. بازارها، فرهنگ‌ها، سبک زندگی‌ها و به‌طور کلی، ارزش‌های موجود در زندگی هر جامعه، خودبه‌خود شکل نمی‌گیرند، بلکه در ورای آن‌ها، افراد مؤثر آن جامعه و نسل‌های قبل از قبیل حکیمان، علما، اندیشمندان، حکمرانان، ریش‌سفیدان و متفکران در طرح‌ریزی و نگارگری فرهنگ، سبک زندگی، بازار و به‌طور کلی، ساختارهای هر جامعه و نسل‌های بعد نقش بسزایی داشته‌اند.

بازارها برای اینکه طراحی بشوند، نیاز دارند که به دو سوی عرضه و تقاضا و به چگونگی تعامل و جنس و مؤلفه‌های ارتباط میان آن‌ها و به عبارت بهتر، به چگونگی جور شدن آن‌ها توجه کنند؛ زیرا تنظیمات حوزه تعاملات بازار تنها از جنس تنظیمات قیمتی نیست، بلکه فرهنگ، سنت و بردارهای قدرت اعم از سیاست، رسانه، پول، اهرم فشار، نفوذ و ارتباط‌های خارج از سیستم نیز بر مراودات اقتصادی یا حتی غیراقتصادی نیز تأثیر دارد. از این‌رو جوسازی به دلیل قاعده‌گرایی و چهارچوب‌گرایی برای پیوند میان عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان حقیقی و شایسته، ابزار خوبی است تا دولت‌ها از طریق آن بتوانند مواهب و منافع موجود در جامعه را به‌صورت بهینه در میان شایستگان توزیع کنند و در نتیجه، سهم بسزایی در کارایی و بهره‌وری بازارها و به‌طور کلی، حکمرانی اقتصادی هر کشور داشته باشد. در فرایند کنشگری، فرد یا گروه با زنجیره‌هایی از جفت‌وجور شدن میان بازارها مواجه است که در صورت بروز اشکال در هریک از حلقه‌ها، با چالش روبه‌رو خواهد شد. حال این مسئله در حکمرانی به‌صورت شبکه بازاری است که هریک از گروه‌های بازارهای بزرگ باید هم در درون و زیربازارهای خود و هم در فضای بین‌بازاری در پی فرایندهایی باشند که جفت‌وجور شدن‌ها را برای دستیابی به کمترین میزان هزینه و بیشترین میزان اعتماد و نیز بیشترین سرعت ممکن صرف کنند. این وظیفه متوجه نهادهای حکمرانی از بالا به پایین است که فرایند همکاری، هماهنگی و زمینه‌سازی بازارهای امن، پرسرعت و ضخیم را مهیا سازند.

بازارها، چه بازارهای کوچک روز و محلی و چه بازارهای بزرگ، بر اساس فرهنگ، دین، آیین، سنت‌ها، بزرگان و حکمرانان طراحی می‌شوند. در چند دهه اخیر، با پیشرفت‌هایی که در فناوری اطلاعات و ارتباطات^{۱۹} صورت گرفته است، بازارهایی طراحی می‌شوند که با هیچ‌یک از موارد فوق ارتباط و پیوندی ندارند. از این‌رو با بازارهایی مواجه هستیم که از سویی، تلاش حقیقی در برطرف کردن تقاضا و نیاز رفاهی و نه حقیقی مردم دارند و از سوی

دیگر، مقتضی فرهنگ بازارهای سرمایه‌محور، در پی انحصارگرایی و قاعده‌گذاری در آن بخش برای حکومت هستند؛ زیرا عمده‌تاً این نوع بازارها مبتنی بر خدمات در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و با تبلیغات فراوان شکل گرفته‌اند. از سوی دیگر، با فناوری‌های جدیدی که در دست دارند، اغلب تمام بازار را در دست می‌گیرند و با وابسته کردن سیر زندگی مردم به خدمات خود، با بروز مشکلات و پدیدار شدن مسائل حقوقی، در این باره پاسخگو نیستند و حتی دفتری برای مراجعه و پاسخ‌گویی ندارند. حتی گاه آن‌قدر با زندگی مردم عجین می‌شوند که برای دولت‌ها تعیین تکلیف می‌کنند. در نتیجه، در طول این فرایند، نوعی حکمرانی جدید در زمینه‌های مختلف اقتصادی از خود بروز می‌دهند که در این نوع حکمرانی، با دولت‌ها به مذاکره و چانه‌زنی می‌پردازند و حتی گاه آن‌ها را مغلوب می‌سازند! امروزه مثال‌های بسیاری از این نوع طراحی‌های بازار وجود دارد که به نوعی حکمرانی اقتصادی بین‌المللی یا حکمرانی اقتصادی شرکتی و پلتفرمی در عرصه‌های مختلف تبدیل شده است. برای مثال، شبکه اجتماعی تلگرام مثال بارزی است از نوعی حکمرانی اقتصادی که در قبال فراهم کردن بستر دریافت و پردازش و امکان تبادل انواع داده‌ها، از مشتریان خود در ظاهر هیچ وجهی دریافت نمی‌کند، اما با فروش داده‌های بزرگ گردآوری‌شده به انواع مشتریان خود به‌ویژه نهادهای امنیتی خارجی، بازار بزرگ پرسودی برای خود فراهم آورده است. این بازار بزرگ به جایی می‌رسد که امنیت کشورها را تهدید می‌کند و در قبال پاسخ‌گویی به دولت‌ها و مشتریان، حتی از تأسیس یک دفتر حقوقی ساده در کشورها امتناع می‌ورزد. از این‌رو با کشورها در این باره وارد مذاکره می‌شود و شروط مطرح‌شده کشورها را نمی‌پذیرد و در نتیجه، از سوی اغلب کشورها طرد می‌شود.

طراحی بازار تنها پدیده کوچک و ساده‌ای در سطح بنگاه نیست، بلکه طراحی بازار از بنگاه‌های کوچک گرفته تا بنگاه‌های بزرگ و در سطح کلان و فراملیتی مانند گوگل، موضوع مورد بحث در شاخه جدید طراحی بازار قلمداد می‌شود. طراحی بازارهای جدید در عین ارائه خدمات نوین، دارای پیامدهای سوء در حوزه حکمرانی اطلاعات و داده‌های اقتصادی و رفتاری است. در نتیجه، هر چقدر شرکت‌ها، خدمات و انباشت‌های منحصرت‌ری داشته باشند، مؤلفه قدرت و ثروت بزرگ‌تری در اختیار خواهند داشت مگر اینکه دولت و حکمرانان با استفاده از نظریه طراحی بازار، چهارچوب و قواعدی دقیق در حیطه حکمرانی اقتصادی وضع کنند تا تمام فرایندها

و جورسازی‌ها به صورت شفاف، منصفانه و غیرانحصاری انجام گیرد. از اینجاست که استفاده از نظریه طراحی در محیط حکمرانی ملی موجه می‌شود.

افزون‌براین، طراحی بازار در ساختارهای اجرایی هر حکومت منجر به دستیابی به بهترین و بهینه‌ترین عملکرد می‌شود. دولت برای بازار استخدام، بازارهای مالی، بازار مصارف دولت، بازار انقال و مواهب طبیعی و بازار زمین و مسکن و حتی بازارهای چندجانبه بین‌المللی نیازمند طراحی بازار در سطح کلان است. همچنین، دولت برای پدید آوردن پیوندگاه‌های مناسب برای ازدواج، اعضای بدن مانند کلیه و فرایند انتقال دانش‌آموزان از دبستان به دبیرستان و از دبیرستان به دانشگاه و نظام‌های کارآموزی در نظام مهندسی و نظام پزشکی و وکالت و قضاوت و... به طراحی بازار هوشمند و منصفانه احتیاج دارد.

طراحی بازار و حکمرانی اقتصادی به‌نوعی ملتزم به یکدیگر هستند. به این معنا که طراحی بازار فقط این نیست که از نقطه‌ای آغاز شود و در نقطه‌ای پایان یابد، بلکه فرایندی است که دائم میان طراحی و اجرا دست‌به‌دست می‌شود و بازخوردهای اجرایی گرفته می‌شود و اصلاحات صورت می‌گیرد و بار دیگر به مرحله عمل بازمی‌گردد. این سیکل منجر به اصلاح و احیای بازار و حکمرانی اقتصادی می‌شود و نشان می‌دهد که طراحی بازار تنها طرحی کاغذی نیست که روی کاغذ رسم شود، بلکه بر اساس واقعیت‌ها و مؤلفه‌های حقیقی و مطالعاتی بنا و طراحی می‌شود و در هر مرحله بازخورد، به پرورش و هرچه هوشمند و دقیق‌تر کردن فعالیت‌های صورت گرفته می‌پردازد.

۴. نظریه طراحی بازار در حکمرانی اقتصادی بازار آزاد

بازارها حتی در رویکرد بازار آزاد نیز طراحی می‌شوند. هر بازاری قواعد خاص خودش را دارد و حاکمان و بازیگران آن بازار، قواعد را ایجاد می‌کنند (راث، ۱۳۹۷، ص. ۶). همچنین، در هر تبادل بازاری و هر دادوستدی که رخ می‌دهد، امکان تقلب و زیان وجود دارد که دست‌های نامرئی نمی‌تواند آن‌ها را تشخیص دهد و حق را به ذی‌حقوق برساند. در نتیجه، وجود قوانین و مقررات و ساختارهای اجتماعی، لازمه پایداری هر بازار است.

بنابراین، تلقی‌ها در اقتصاد متعارف مبنی بر اینکه بازار آزاد به معنای عدم دخالت دولت و نظام حکمرانی در بازار است، برداشتی اشتباه است. در این راستا، برخی اقتصاددانان، سه ابزار اصلی دخالت دولت در بازار را وظایف تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری، تصدی، مالیاتی-

یارانه‌ای قلمداد می‌کنند (Le Grand, 1991, p. 423). در این میان، برخی دیگر نیز نقش‌های مهم دولت را شامل مالکیت، تولیدکننده، کارفرما، توزیع‌کننده، تنظیم‌گر و سیاست‌گذار عنوان می‌کنند (pierson, 1996, p. 97). از این رو دولت‌ها می‌توانند با طراحی‌های یکپارچه، شبکه‌ای و دارای قواعد ساختارهای اقتصادی و اتصال آن‌ها بر مبنای سرعت، دقت، امنیت و جامعیت به یکدیگر، حکمرانی مقتدرتری را در جامعه داشته باشند. بر این مبناست که آنچه در واقعیت کشورهای به اصطلاح توسعه‌یافته دیده می‌شود، وجود حمایت‌های دولتی از شرکت‌های بزرگ و نوزاد و همچنین، زیاد بودن اندازه دولت و تأسیس شرکت‌های راهبردی دولتی بالاست (مقیسه، ۱۳۹۷).

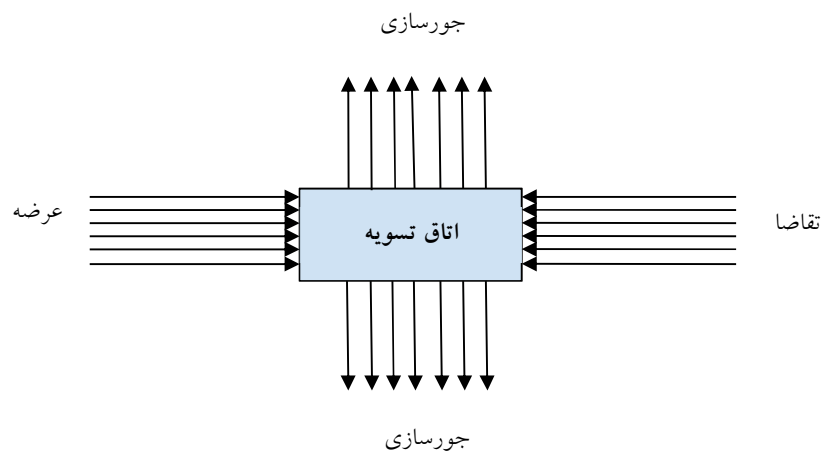
بنابراین، حتی بازار آزاد هم بازاری است که طبق پارادایم و با قواعد و چهارچوب خودش به وسیله اندیشمندان و حکما طراحی شده است. صحبت‌های اندیشمندان غربی درباره بازار آزاد نیز به طراحی شدن این بازار صحت می‌بخشد. هایک، اقتصاددان طرفدار بازار آزاد، در کتاب *راه بردگی خود می‌نویسد* «بسیار فرق است میان خلق آگاهانه نظامی که رقابت در آن به نافع‌ترین شکل ممکن عمل خواهد کرد با پذیرش منفعلانه نهادها به همان گونه که هستند» (Hayek, 2007). او می‌داندست که بازارها برای اینکه آزادانه کار کنند، نیاز به قواعد اثرگذار دارند. در نتیجه، حتی همین بازارهای آزاد خود دارای ضابطه هستند.

۵. جایگاه نظریه طراحی بازار در حکمرانی اقتصادی با رویکرد اسلامی

حکمرانی اقتصادی با رویکرد اسلامی عبارت است از مجموعه قواعد و چهارچوب‌ها و ارائه سازوکارها یا ترتیبات نهادی بر اساس مبانی اسلامی و برگرفته از هنجارهای اسلامی که بهره‌مندی جامعه یا اقتصادهای ملی را از این مواهب^{۲۰} به صورت منصفانه و عادلانه در جامعه بهینه می‌سازد. این تعریف به نوعی همان تعریف اتاق تسویه^{۲۱} در طراحی بازار است که به نقش تنظیم‌گری حکمران برمی‌گردد. اتاق تسویه در حقیقت، نهادی است که در آن تمام تبادلات در دوره‌های زمانی معین، برای دستیابی به مطلوب‌ترین مجموعه مبادله‌ها انجام می‌گیرد (راث، ۱۳۹۷، ص. ۵۸). این اتاق یکی از ارکان کلیدی در نظریه طراحی بازار است. در رویکرد اسلامی، بازارهای حقیقی و سرمنشأهای تولیدی آن و توزیع عادلانه مواهب اصالت دارند. بر این اساس، مقولات بازاری در نگرش اسلامی را می‌توان مبتنی بر سازوکار بهره‌مندی جامعه و افراد از مواهب و کالاها در چهار دسته زیر طبقه‌بندی کرد.

۱. کالاهای خصوصی.
۲. مواهب اعم از کالاها و خدمات عمومی.
۳. پول.
۴. ثروت‌های طبیعی شامل منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی و انفال (نعمتی، موحدی بک‌نظر، و رضایی، ۱۳۹۹).

این مقولات امروز به وجود نیامده‌اند، بلکه در اقتصاد وجود داشته‌اند و دارند. اختلاف مکاتب اقتصادی نیز در سازوکارهای مختلف و متنوع در بهره‌مندی از این مقولات و مواهب است. منظور از بهره‌مندی، تبیین و تعیین نوع مالکیت است. نهاد مالکیت به معنای بسته‌هایی از حقوق شامل حق دسترسی، حق برداشت، حق تولید، حق مدیریت، حق بهره‌مندی و... است که در اقتصاد پولی یا اقتصاد منابع طبیعی یا اقتصاد بخش عمومی (یا خصوصی) درباره آن‌ها استدلال و بحث می‌شود (نعمتی، موحدی بک‌نظر، و رضایی، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر، این بسته‌های حقوقی می‌توانند قواعد تولید، توزیع و مصرف هر موهبتی را در جامعه طراحی کنند. بنابراین، طراحی بازار بر اساس این بسته‌های حقوقی و شریعت و شرایط خاص زمانی و مکانی و مؤلفه‌های اقتصادی و دیگر مؤلفه‌ها طرح‌ریزی می‌شود.



شکل ۱: اتاق تسویه و جورسازی
منبع: یافته‌های تحقیق

با این تلقی از مقولات اقتصادی، طراحان بازار، نهادها یا سازوکارهایی مانند بازار، بنگاه، دولت، بانک مرکزی، بانک‌های تجاری و مانند آن را به گونه‌ای مهندسی و چینش می‌کنند و در جایگاه خود در جامعه قرار می‌دهند که درباره چگونگی و چرایی تولید، توزیع و مصرف این خیرات و مواهب در جامعه می‌توانند سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اقدام کنند. در نتیجه، هر کدام از آن‌ها در نقشه حکمرانی اقتصادی جامعه، در بخشی از اقتصاد و فرایندهای تولید، توزیع و مصرف خیرات و مواهب و ثروت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

اقتصاد متعارف به تبیین سازوکار بازار آزاد در تولید، توزیع و مصرف کالاها می‌پردازد. این اقتصاد برای کالاهای موسوم به کالاهای خصوصی نیز طراحی خاصی ارائه می‌کند. در وهله نخست، محدوده تعریف این نوع کالاها در اقتصاد متعارف مبتنی بر منابع، زمان، مکان، نوع، مقدار و چگونگی و ترکیب تولید، متفاوت از دیگر طراحی‌هاست (Clark, 1925, p. 137). دست‌کم در مقام دعوی اصحاب اقتصاد متعارف معتقدند که کالای خصوصی در رویکرد آن‌ها بسیار موسع‌تر از دیگر رویکردهاست. به عبارت دیگر، خود اقتصاد متعارف نیز گونه‌ای از طراحی بازار است، اما طراحان بازار این گونه را تنها طراحی ممکن نمی‌دانند و معتقدند می‌توان طراحی‌های متفاوتی برای بازار ارائه کرد.

در تعریف رایج، کالاهای خصوصی محصولاتی هستند که از سویی قابلیت رقابت‌پذیری دارند و از سوی دیگر، استثنایپذیر هستند. براین اساس، مقولاتی مانند خوراک، پوشاک، مسکن و وسایل نقلیه مانند خودرو و هر آن چیزی که تولید می‌شود و در بازار به فروش می‌رسد، از کالاهای خصوصی به شمار می‌روند (Ostrom, 2005, p. 23). از این رو به هر کالایی که امکان ایجاد رقابت سازنده و نیز قابلیت جداسازی برای شخص یا گروه‌های خاص حقیقی و حقوقی داشته باشد و بتواند در فرایند تبادل قرار بگیرد، کالای خصوصی اطلاق می‌شود. در اقتصادهای متعارف، قواعد بازارهای در ظاهر آزاد یا بازارهای ناقص از طریق چهارچوب قوانین وضع‌شده با ابزار قیمت و منفعت شخصی تعیین می‌شود.

بنابراین، طراحی بازار برای تولید، توزیع و مصرف کالاهای خصوصی در نگاه اسلامی مستلزم مشخص کردن محدوده تعریف کالای خصوصی است. آیا اقتصاد اسلامی کالای خصوصی را همان کالای رقابت‌پذیر و استثنایپذیر می‌داند یا محدوده‌ای دیگر برای آن تعریف می‌کند؟ برای پی بردن به این مسئله، قانون اساسی جمهوری اسلامی را که محصول فعالیت جمعی فقها و کارشناسان است، مرور می‌کنیم.

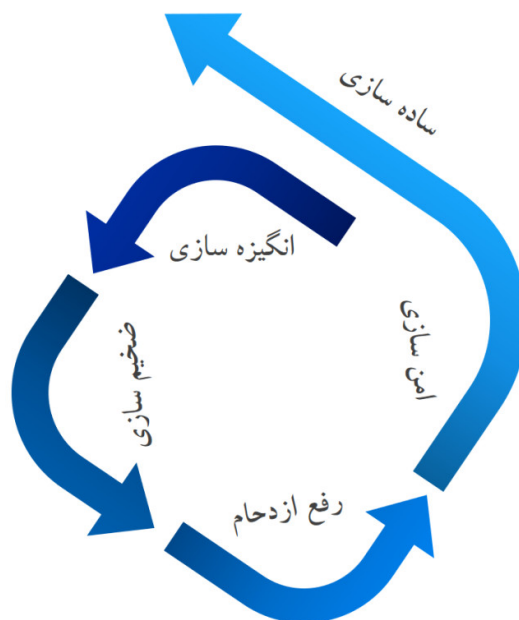
در قانون اساسی کشور مردم جایگاه مهمی در عرصه‌های مختلف جامعه و حکمرانی دارند. در اصل ۴۴، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار شده است.^{۲۲} در این چهارچوب، بخش خصوصی به‌عنوان مکمل بخش دولتی و تعاونی است. از این رو آنچه تعریف کالای خصوصی را در قانون اساسی حد می‌زند، تعریف بخش دولتی و بخش تعاونی است. در واقع، نقش مکمل بودن مالکیت خصوصی ایجاب می‌کند که تولیدات بخش خصوصی نیز مکمل محصولات بخش تعاونی و بخش دولتی باشد. این یعنی بخش خصوصی آنچه را تولید می‌کند که بخش‌های دولتی و تعاونی آن را تولید نمی‌کنند.

نقش تبعی و تکمیل‌کنندگی بخش خصوصی به این معنا نیست که اندازه بخش خصوصی لزوماً کوچک‌تر از دو بخش دیگر است. ممکن است بخش خصوصی بزرگ‌تر از دو بخش دیگر باشد، اما نسبت آن در پی تعیین اندازه و حدود بخش دولتی و بخش تعاونی تعیین می‌شود. اتاق تسویه در طراحی بازار منطبق بر قانون اساسی، ابتدا با استفاده از ظرفیت مالکیت دولتی به تشویق، تجهیز و راه‌اندازی بخش تعاونی مبادرت می‌ورزد. این موضوع در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ توسعه یافته است و دولت بخش عمده‌ای از تصدی‌های خود را به بخش‌های تعاونی و نیز خصوصی واگذار کرده است.

مسئله اصلی طراحی بازار در حکمرانی کالای خصوصی مبتنی بر قانون اساسی این است که چرخه طراحی بازار را برای شکل‌دهی و تقویت بخش تعاونی تکمیل کند. به بیان دیگر، انگیزه لازم برای تعیین و تبلور مالکیت‌های تعاونی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به وجود نیامده و ضخامت بخش تعاونی نزدیک به صفر است. افزون‌براین، طراحی بازار برای تعیین تکلیف مالکیت‌های دولتی و رفع قوانین متعارض و متناقض در آن بسیار راهگشاست. این سازوکارها در مصوبه مولدسازی دارایی‌های دولت (۱۳۹۹) و نیز در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بررسی نشده که همین باعث توسعه بخش خصوصی بدون ملاحظه حدود بخش‌های تعاونی و دولتی شده است درحالی‌که همان‌طور که پیش از این گفته شد، بخش خصوصی بر اساس قانون اساسی، در محدوده‌ای اجازه فعالیت دارد که بخش دولتی و تعاونی نخواهند یا نتوانند فعالیت کنند.

طبق بند ب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دست‌کم باید ۲۵ درصد از اقتصاد کشور به بخش تعاونی اختصاص یابد. برای تحقق این دستور قانون اساسی، در گام نخست باید اتاق تسویه

ای برای پیوند مالکیت‌های تعاونی شکل بگیرد. این اتاق تسویه برای رصد، هماهنگی و هم‌افزایی میان تولیدکنندگان، دولت و مردم شکل می‌گیرد و زنجیره تولید با مأموریت‌های جوسازی و وظایف ستادی در قالب ایجاد نهادهای تعاونی طراحی می‌شود. کارکرد این اتاق‌های تسویه ایجاد انگیزه برای تأسیس تعاونی‌ها، تقویت ضخامت مالکیت تعاونی، رفع تراحمات درون نهادهای مالکیتی و بین نهادهای مختلف و همچنین، مقابله با فضای تخریبگری، ناهماهنگی‌ها و شکست بازار است. شفاف‌سازی، هم‌افزایی و جوسازی میان فعالان بازار از دیگر کارکردهای اتاق تسویه است. کارکردهای اتاق تسویه را می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد.



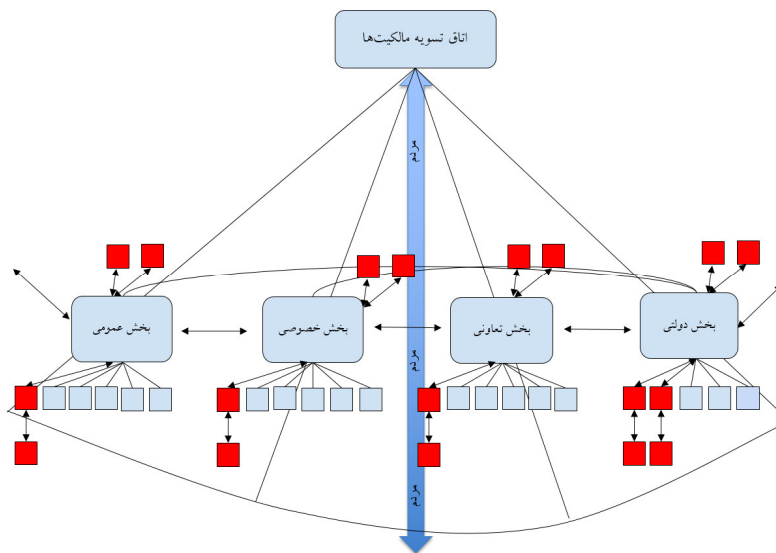
شکل ۲: کارکردهای اتاق تسویه

منبع: یافته‌های تحقیق

در فرایند طراحی بازار در بخش تعاونی، نخست چگونگی انگیزه‌سازی مطرح می‌شود. انگیزه‌سازی درحقیقت، نوعی عامل جذب مانند درآمدزایی، خانواده‌دوستی، رفع نیاز، کار

خیر، رفاقت و نوع دوستی و... است که باعث می شود افراد نسبت به حضور در تعاونی یا ایجاد تعاونی و بازار ترغیب شوند. مرحله دوم از این فرایند، ضخیم سازی تعاونی و بازار است. در این مرحله، طراح بازار برای افزایش ضخامت در تعاونی مربوط با اقداماتی مانند ایجاد شفافیت و ارائه آمارهای مفید و طبقه بندی شده به متقاضیان خرید و فروش، امکان انتخاب بهتر و تصمیم درست تر را فراهم می کند. در مرحله بعد که بازار دچار شلوغی و ازدحام می شود، طراح بازار در پی رفع این اختلال با اقداماتی مانند افزایش سرعت، ایجاد بدیل ها، مدیریت زمان و توسعه و الگوریتم های جدید و مانند آن برمی آید. در فرایند چهارم در کنار رفع ازدحام، طراح بازار در پی تثبیت و ایجاد اطمینان در امنیت حفظ منافع افراد و عدالت در بازار گام برمی دارد. در مرحله آخر نیز با فرایندهای ساده سازی مانند نام نویسی ساده و تعیین اولویت ها توسط افراد و حضور در فهرست بازار، گزینه های دوسویه را برای انتخاب دو طرف تقاضا برای یافتن جفتی مناسب ذخیره می کند و به نمایش درمی آورد.

ساختار کلی اقتصاد اسلامی از سه رکن اساسی تشکیل شده است. این ارکان ۱. اصل مالکیت چندگانه، ۲. اصل آزادی اقتصادی در یک قلمرو محدود و ۳. اصل عدالت اجتماعی هستند (صدر، ۱۳۹۳ الف، ص. ۳۳۷). یکی از مصداق های مهم در تحلیل نظریه طراحی بازار در حکمرانی اقتصادی، تعیین حدود و ثغور انواع مالکیت در جامعه است. در طراحی بازار اسلامی، منطق فقهی جایگاه هریک از بخش های مختلف اقتصادی را تعیین می کند. فقه در موضوع مالکیت معتقد به سه نوع مالکیت شامل مالکیت دولتی، مالکیت عمومی و مالکیت خصوصی است (صدر، ۱۳۹۳ الف، ص. ۳۳۹). در قانون اساسی طبق اصل ۴۴، مالکیت عمومی در اختیار دولت است و بخش تعاونی نیز شامل شرکت ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا طبق ضوابط اسلامی تشکیل می شود. بنابراین، اقتصاد کشور برحسب مالکیت طبق شرع و قانون اساسی به چهار بخش دولتی، عمومی، تعاونی و خصوصی دسته بندی می شود. در این پژوهش، مبتنی بر نظریه طراحی بازار باید به پرسش های زیر در چهار بخش مختلف اقتصادی پاسخ داد.



شکل ۳: اتفاق‌های تسویه مالکیت‌ها

منبع: یافته‌های تحقیق

۱. برای حضور در هریک از این حوزه‌ها چه انگیزه‌ای وجود دارد؟
۲. چه عواملی باعث افزایش ضخامت بازار در این حوزه‌ها می‌شود؟
۳. پس از افزایش ضخامت، چه راهکارهایی برای رفع ازدحام اعمال می‌شود؟
۴. ایمن‌سازی به چه طریقی در این بخش‌ها انجام می‌شود؟

۱-۵. بخش دولتی

بخش دولتی شامل تمام صنایع بزرگ، شرکت‌های دولتی و شرکت‌هایی است که مالکیت آن‌ها به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است (اصل ۴۴ قانون اساسی)^{۳۳}. فقهای شیعی مالکیت دولتی را از حیث منصب متعلق به امام می‌دانند و مالکیت عمومی را نیز در اختیار امام تعریف می‌کنند. در فقه شیعه، درباره مالکیت‌های عمومی و دولتی و تفاوت آنها با یکدیگر، دو رویکرد کلی وجود دارد. بر مبنای یک رویکرد، مالکیت دولتی از مالکیت عمومی متفاوت است و مبتنی بر رویکرد دیگر، مالکیت عمومی همان مالکیت دولتی است

و تفاوتی میان آن‌ها وجود ندارد. پذیرش هریک از این دیدگاه‌ها، آثار و پیامدهای متفاوتی در شیوه تصرف اموال مزبور پدید می‌آورد (منصوریان و سعدی، ۱۳۹۶).

فقیهانی که به تفکیک میان مالکیت عمومی و مالکیت امام (دولت) قائل هستند، به اختلاف تعبیر در روایات استناد کرده‌اند. آن‌ها روایاتی را که دارای عبارت «فهو لامام المسلمین...» هستند، تصریح بر مالکیت امام در نظر می‌گیرند و روایاتی مانند «... فهو لجميع المسلمین» را به عنوان مالکیت عمومی تلقی می‌کنند. طبق این نظر، «ملکۃ الامام اوالدولة» به مالکیت دولتی و «ملکۃ جمیع (او عموم) المسلمین» به مالکیت عمومی اشاره دارد (ایروانی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، صص. ۲۰۳-۱۸۳؛ عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص. ۵۳۶). شیخ طوسی نیز بر اساس روایت «سئل ابو عبدالله^(ع) عن السواد ما منزلته؟ فقال: هو لجميع المسلمین لمن هو الیوم و لمن یدخل فی الاسلام بعد الیوم و لمن لم یخلق بعد»^{۲۴} (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص. ۱۰۹)، چنین فتوا می‌دهد که هر چیزی که از دارالحرب گرفته شود، اگر از منقولات باشد، از آن امام جامعه است و اگر غیر منقول باشد، به همه مسلمین تعلق دارد (طوسی، ۱۳۷۵ق، ص. ۳۱۴). در حدیثی دیگر نیز از امام صادق^(ع) درباره معامله زمین خراجی پرسیده شد امام^(ع) فرمودند چگونه می‌توان زمینی را که متعلق به عموم مسلمانان است، خرید و فروش کرد؟!^{۲۵} (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص. ۱۱۰).

امام خمینی^(ره) معتقد به یکسان بودن مالکیت عمومی و مالکیت دولتی است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص. ۶۵). ایشان بر این باورند مواردی که در روایات به عنوان انفال و ملک امام^(ع) نام برده شده، همه از باب ذکر مصادیق بوده و متفاهم از مجموع روایات این است که آنچه مربوط به امام است، عنوان واحدی است که منطبق بر موارد زیادی می‌شود. ملاک در همه یکی و این است که هر چیزی اعم از زمین و غیر زمین که صاحب و مالکی نداشته باشد، برای والی است تا آن را در مصالح مسلمانان مصرف کند و این بین دولت‌ها نیز متداول است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص. ۴۱).

در نگاه شهید صدر، مالکیت عمومی و مالکیت دولتی از لحاظ محتوای اجتماعی نزدیک به یکدیگر هستند، اما از حیث شکلی و چگونگی به کارگیری و قالب حقوقی، میان این دو نوع مالکیت تفاوت وجود دارد و این اختلاف شکلی موجب می‌شود تا در شیوه بهره‌برداری و نیز نقشی که در بنای جامعه اسلامی دارند، تفاوت‌هایی به وجود آید (صدر، ۱۳۴۹ق، ج ۲، ص. ۸۳). نخستین تفاوت این است که برخلاف اموال دولتی، اموال عمومی به تملک

خصوصی در نمی آیند و تنها بهره برداری از آن ها در صورتی که منعی از سوی حکومت وجود نداشته باشد، بر اساس حیات و انجام کار، مجاز شمرده شده است (صدر، ۱۳۴۹ق، ج ۲، ص ۸۳). همچنین، دولت اسلامی مالک این ثروت ها نیست، اما در همه موارد از حق نظارت برخوردار است و با وضع قوانین و مقررات لازم، چگونگی استفاده مردم از این منابع را طبق شرع تعیین می کند و در صورتی که اصل منبع در خطر نابودی قرار گیرد، با وضع قوانین، استفاده از آنها را محدود می کند (کرمی و پورمند، ۱۳۹۰، ص ۶۳). همچنین، درآمدهای ایجاد شده از مالکیت عمومی باید به وسیله دولت با اذن امام به مصارف جمعی و عمومی و امور عام المنفعه برسد و نمی توان آن را مانند اموال دولتی برای تأمین نیازهای گروه خاصی از اجتماع اختصاص داد در حالی که اموال دولتی افزون بر مصارف عمومی می تواند برای کمک به گروه های اجتماعی و ایجاد اشتغال مصرف شود (صدر، ۱۳۴۹ق، ج ۲، صص ۸۴-۸۳؛ نمازی، ۱۳۸۹، صص ۳۴۶-۳۴۵). افزون بر این، هیچ کس نمی تواند بدون اذن دولت اسلامی در آنچه در مالکیت دولت اسلامی قرار دارد، تصرف کند، اما استفاده مردم از آنچه جزو اموال عمومی قرار دارد، چنانچه دولت طبق مصلحتی ممنوعیتی به وجود نیاورده باشد، مانعی ندارد (کرمی و پورمند، ۱۳۹۰، ص ۶۳). در این مطالعه، به دلیل بررسی چگونگی بهره برداری از هر بخش در فرایندهای چهارگانه طراحی بازار شامل نوع انگیزه، عوامل ایجاد ضخامت، راهکارهای رفع ازدحام و مؤلفه های ایمنی، نیاز است تا جداگانه به دو حوزه دولتی و عمومی مبتنی بر مالکیت پرداخته شود.

نظریه مبنا در بخش دولتی، تأمین، توازن، حفظ منافع اجتماعی و گسترش ثروت جامعه است (صدر، ۱۳۹۳ق، ب، ص ۱۳۱). انگیزه اصلی برای میزان ورود بخش دولتی به بازارها و معاملات در محدوده مرتبط، حفظ نظم جامعه و کاهش هزینه های اجتماعی و اقتصادی و کاهش بیکاری است. در وهله بعد، عدم کنز و مولدسازی برای نظام تولید و خدمات و زیرساخت از عوامل مهم ایجاد ضخامت در این حوزه است. این عوامل باعث می شوند نظام های تولیدی و توزیعی دولتی پویاتر و پربازده تر شوند و گسترش یابند و زیرساخت لازم برای فعالیت دیگر بخش ها را فراهم سازند.

پس از افزایش ضخامت و گسترش دایره نظام تولیدی و توزیعی دولتی، برای جلوگیری از کاهش سرعت و ازدحام و درهم پیچیدگی فرایندها و زوال فرصت ها و شلوغی یا خلوتی شدید برخی بخش ها، لازم است که راهکارهایی برای رفع ازدحام مطرح شود. برای این

منظور، ایجاد اتاق تسویه و طراحی سازوکار و رویه‌های همکاری و فعالیت و ارتقا و جابه‌جایی و اخراج ازجمله راهکارهایی است که برای بخش دولتی پیشنهاد می‌شود. این راهکارها درحقیقت، محورهایی هستند که مسیر جوسازی و اتصال برای تقاضاکنندگان دوسویه را هموارتر، دقیق‌تر و سریع‌تر می‌کنند و فرایند گزینش و پیوند و هزینه‌های انتخاب آنان را به حداقل می‌رسانند. برای مثال، اتاق تسویه، فضایی است که ازسویی به کشف نیازها و فرصت‌های بخش‌هایی از دولت و قابلیت‌ها و ویژگی‌های هریک می‌پردازد و از سوی دیگر، معیارها، توانایی‌ها و استعدادهای نهفته در بخش‌های دیگر دولت یا ملت را نمایان می‌سازد و آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌زند. درنتیجه، ازدحام یا خلوتی صف در دو طرف تقاضا در تمام مسیرها پخش می‌شود و تقاضاکنندگان به مسیرهای متعادل‌تر و متناسب‌تر با اولویت‌ها و جنس تقاضاهای آن‌ها هدایت شده و ازدحام رفع می‌شود.

در مرحله آخر، برای طراحی این نوع بازارها باید به ایمنی در رویه‌ها و فرایندها و برابری در ورود و خروج و انتخاب و نسبت منافع اجتماعی با بخش دولتی و زیربخش‌های دولتی با یکدیگر پرداخت. براین اساس، تدوین آیین‌نامه تعارض منافع، تعریف رویه‌هایی برای استفاده از افراد شایسته، تناسب نوع فعالیت و دستمزد و رفاهیات با کل جامعه، تدوین چهارچوب بازرسی و تناسب مجازات‌ها ازجمله مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای ارتقای ایمنی و اعتماد اجتماعی در داخل بازارهای دولتی و نسبت آن با بازارهای بخش‌های دیگر است.

۲-۵. بخش عمومی

بخش عمومی در فقه شامل همه ثروت‌های طبیعی و انفال است که برای عموم مردم است. این نوع مالکیت شامل معادن، جنگل‌ها، مراتع، سواحل رودخانه‌ها و دریاهاست که خود آن‌ها هرگز به مالکیت خصوصی در نمی‌آیند و تنها بهره‌برداری از مواد آن‌ها بر اساس حیازت و انجام کار مستقیم در فقه مجاز شناخته شده است (نمازی، ۱۳۹۵، ص. ۳۵۲). بر اساس احکام، بهره‌برداری افراد از این‌گونه اموال که مباحات عام هستند، در حد احتیاج جایز است، اما جواز برای بهره‌برداری از طریق اجیر کردن دیگران وجود ندارد. حتی در کتاب‌های فقهی مانند *الجامع للشرایع و ایضاح* آمده است اگر کسی بیش از احتیاج برداشت کند، باید از این عمل او جلوگیری کرد. همچنین، مالکیت ثروت‌های عمومی متعلق به عموم مردم است که تابعیت دولت اسلامی دارند و اختصاص به مسلمانان ندارد (نمازی، ۱۳۹۵، ص. ۳۵۲). همچنین، طبق اصل ۴۵ قانون

اساسی انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و دیگر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبان مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل کند. تفصیل و ترتیب استفاده از هریک را قانون معین می‌کند.

در اقتصاد متعارف، مقوله‌هایی مانند دفاع ملی، امنیت، آموزش، بهداشت، قضاوت، سیستم حمل‌ونقل عمومی و... مثال‌هایی از این مواهب بخش عمومی هستند (Ostrom, 2005, p. 24) که مالکیت عمومی را می‌توان برای هریک از این نظام‌ها و اموال و دارایی‌های آن‌ها اطلاق کرد. برای بهره‌برداری از این بخش باید سازوکارهایی را طراحی کرد که همگان امکان دسترسی و فرصت دستیابی به تحصیلات، مناصب و خدمات این حوزه‌ها را به‌آسانی و بدون مشکلات قیمتی، اداری و صف و... داشته باشند.

نظریه مبنا در بخش عمومی، عدالت و برابری در فرصت‌هاست (صدر، ۱۳۹۳ الف، صص. ۱۸۲-۱۱۳). شهید صدر برای تحقق برابری در فرصت‌ها و عدالت اجتماعی، برای حکومت اسلامی چند وظیفه را بیان می‌کند. ۱. ایجاد سازمان تأمین اجتماعی برای تأمین حداقل رفاه برای افراد جامعه، ۲. جلوگیری از احتکار و ممانعت از تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص برای ایجاد توازن اجتماعی در جامعه، ۳. برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از بخش عمومی در راستای توسعه و تعادل اقتصادی در جامعه و ۴. تلاش در راستای حفظ تعادل در قیمت‌ها و خدمات با قیمت‌های مبادله‌ای حقیقی (صدر، ۱۳۹۳ ب، صص. ۱۳۸-۱۳۷). انگیزه اصلی در این بخش، فراهم آوردن فرصت برابر و الزامات زندگی برای همه مردم و ریشه‌کن کردن و کاهش فقر است. در این پارادایم عواملی مانند امکان بهره‌برداری عادلانه، وقف غیرمتمرکز^{۲۶}، نذر و هبه و طراحی نظام خدمات داوطلبانه با دستمزد و قوانین منصفانه و مؤمنانه از مهم‌ترین راهبردها برای دستیابی به ضخامت و گسترش این بخش است. برای مثال، نهاد وقف، نهادی دینی است که متکفل اختصاص مواهب وقف‌شده مردم به عموم آن‌ها یا گروهی از آن‌ها است و در طول تاریخ رونق بسیاری داشته است، اما بعد از اداری شدن و ایجاد نهاد مرکز‌محور، از رونق وقف‌های خاص مردم به مردم یا اقشار خاص کاسته و تأثیر مواهب این نهاد در جامعه کم‌فروغ شد. افزون‌براین، نهادهایی مانند نذر و هبه (نعمت یا خدمت) در کنار نهاد وقف، نهادهایی هستند که امکان استفاده یا تغییر

مواهب شخصی به مواهب اجتماعی و بخش عمومی را با رشد انگیزه‌های دینی و اخروی، افزایش می‌دهند و بر ضخامت حوزه بخش عمومی می‌افزایند.

بعد از افزایش حجم فعالیت‌ها و توسعه حجم این بخش، این حوزه دچار تراحم و کاهش سرعت فرایندها خواهد شد. از این رو نیاز به رفع ازدحام به وجود می‌آید. برای کاستن از صف و شلوغی و افزایش سرعت رویه‌ها، راهکارهایی مانند ایجاد اتاق چرخه بازخورد و رشد و حذف خدمت و برگزاری مناقصه با مؤلفه‌های بازاری و نابازاری پیشنهاد می‌شود. برای مثال، اتاق چرخه بازخورد خدمت با دریافت کارنامه و گزارش‌های میدانی و مردمی و سنجش میزان استعداد و توانایی بخش تعاونی یا بخش خصوصی برای بهره‌برداری از هریک از حوزه‌های بخش عمومی اعم از معادن، منابع و... مطابق با درجه مقیاس، قابلیت‌ها، امکانات و میزان موفقیت در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، امتیاز بهره‌برداری از هریک از این منابع عمومی را جورسازی می‌کند و به بهترین گزینه‌ها پیوند می‌دهد. همین فرایند در انتخاب گروه اصلح در مناقصه‌های جورسازی شده شکل می‌گیرد. در وهله سوم، برای تثبیت بازیگران در این عرصه، طراحان بازار با اقداماتی مانند تعریف ضابطه‌ها و روندهای کنش و واکنش، طراحی چهارچوب اخذ رأی و نقد و شکایت و شفافیت و رتبه‌بندی خدمات ارائه‌شده، به اطمینان و اعتماد افراد حاضر در این عرصه برای فعالیت و حضور و دعوت از دیگران در این بخش به‌اندازه زیادی می‌افزایند.

افزون‌بر دو بخش دولتی و عمومی، گونه‌های دیگری از مالکیت وجود دارد که دارای مالکیت دولتی و عمومی نیستند. این مالکیت در فقه و قانون اساسی به مالکیت شخصی تعبیر شده و متعلق به یک یا چند نفر از اعضای جامعه است که به نام بخش مردمی و بخش خصوصی تعریف شده است. اگر این مالکیت از نوع مالکیت شخصی بزرگ باشد به مالکیت خصوصی تعبیر می‌شود و اگر مالکیت متعلق به اشخاص فراوان باشد و مالکیت جمعی وجود داشته باشد، به مالکیت تعاونی تعبیر می‌شود.

۳-۵. بخش تعاونی

در بخش تعاونی، انسان محور اصلی تمام فعالیت‌هاست (یوسفی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۱). در این بخش، هر شخصی در جایگاه‌های مختلف اعم از نیروی کار، مالکیت و مدیریت مشارکت دارد. همچنین، میزان مالکیت هریک از نیروی کار به‌گونه‌ای نیست که به وی در برابر دیگر نیروهای کار، حق مدیریت بیشتری بدهد یا اگر مالکیت بیشتری دارد، تفاوت در مالکیت،

سرچشمه تفاوت حق رأی و مدیریت بیشتر برای وی نمی‌شود (ویج، ۱۳۴۷، صص. ۲۰۶-۱۹۴). از این رو مالکیت در این بخش نیز جزئی از مالکیت خصوصی به شمار می‌آید که البته این نوع مالکیت به صورت مشاع است و همه صاحبان سهم در آن، چه کم و چه زیاد، دارای یک رأی هستند (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ص. ۵۵).

همیاری هم‌گرا و یاریگری، نظریه مبنا در حوزه تعاونی و مشارکت است (فرهادی، ۱۳۸۳، ص. ۴). انگیزه در این بخش، حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نهادهای بومی، محلی و مردمی جوامع در قالب کار، سرمایه‌گذاری و مالکیت‌های مشاع فراگیر و غیرفراگیر است. در این بخش، پس از تشکیل گروه‌ها و شرکت‌های مشارکتی و تعاونی، طراحی، سازمان‌دهی اتصال و زیرساخت شبکه‌های تعاونی محلی و منطقه‌ای در عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف کالاها، رویه‌ای راهبردی برای فراهم کردن حضور هرچه بیشتر افراد در بخش تعاونی و هرچه بزرگ‌تر کردن و در اصطلاح طراحی بازار، ضخیم‌تر کردن فعالان بازار در این حوزه از اقتصاد است.

بعد از افزایش ضخامت و ترافیک حضور و تعاملات، برای جلوگیری و رفع تراکم‌ها، نیاز است که راهکارهایی مانند ایجاد اتاق رتبه‌بندی و شفافیت سلسله‌مراتبی، قاعده‌گذاری در ورود و خروج و هجرت و نیز تعریف روندها و فرایندهای سلسله‌مراتبی به کار گرفته شود. درحقیقت، در این مرحله، طراحان بازار با برداشتن موانع، افزایش بدیل‌ها و مسیرهای موازی و طراحی الگوریتم‌های نو با سازوکاری جدید و مانند آن، متقاضیان در دو سمت تقاضا را به اهداف مورد نظرشان هدایت و جورسازی می‌کنند. برای مثال، اتاق رتبه‌بندی و شفافیت در این بخش از سویی در پی تعریف جایگاه، مقیاس، میزان رشد و موفقیت و ویژگی‌ها و دسته‌بندی و رتبه‌بندی تعاونی‌هاست و از سوی دیگر نیز به دنبال کشف و شناخت افراد و شرکت‌ها و بخش‌های دولتی و خصوصی برای همکاری و مشارکت و جورسازی با این بخش است. همین‌طور، قاعده‌گذاری‌ها و تعریف روندها و فرایندها موجب تسریع روند جورسازی یا افزایش مسیرها و بدیل‌ها و کاهش هزینه‌های جست‌وجو و ایجاد آرامش و رفع ازدحام در این بخش و توزیع صف و تجمع به دیگر بنگاه‌ها می‌شود.

در مرحله نهایی نیز برای تثبیت و نهادینه کردن امنیت و اعتماد به افراد و تسهیل امکان جابه‌جایی میان تعاونی‌ها لازم است بسته‌های حقوقی در شرایط مختلف مانند حق رأی، حق سهم و حق کار، ضوابط و حقوق کار و سرمایه‌گذاری تعاونی در قالب شرکت‌های تعاونی به صورت روشن و شفاف تعریف و قانونی شود.

۵-۴. بخش خصوصی

مالکیت خصوصی، مالکیتی است که شیئی را به شخص یا اشخاص معینی اختصاص می دهد. اسلام مالکیت خصوصی مباحات عمومی را بر اساس کار متناسب و لازم برای حیات آن ها، مشروع و قانونی قلمداد کرده است (صدر، ۱۳۴۹ق، ج ۲، ص. ۱۳۱). اموالی که ملک اشخاص نیست و افراد می توانند آن ها را مطابق مقررات مربوط تملک یا از آنها استفاده کنند، مباحات نامیده می شود (ماده ۲۷ قانون مدنی). همچنین، ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی نیز با ضوابط و شرایطی، مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته شده است.

فعالان اقتصادی برای پیگیری منافع مادی شخصی خود آزاد هستند. براین اساس، نظریه مبنای مالکیت در بخش خصوصی، آزادی است؛ البته همه فعالان اقتصادی در بهره مندی از این آزادی باید محدودیت های مسلم اسلام در زمینه هایی مانند ممنوعیت معامله های ربوی، ضرری، غری و اکل مال به باطل را رعایت کنند. به عبارت دقیق تر، اصل آزادی با روش امضا و تأیید که روش پذیرفته شده در فقه اسلامی است، با مقید ساختن برخی موارد، مورد تأیید واقع شده است (یوسفی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۶). انگیزه اصلی برای ورود به این بازارها مبتنی بر قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم»^{۲۷} و «علی الید ما أخذت حتی تؤدی»^{۲۸}، کسب سود و منفعت شخصی و ایجاد شغل، انگیزه های خیر و خدمت رسانی و انگیزه های اخروی است. با توجه به هدف آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی، رقابت به گونه ای که هرکس منافع مادی شخصی خود را حداکثر کند هرچند با خارج کردن دیگران از عرصه فعالیت اقتصادی تا حدی که این رفتار ضرری، غری، ربوی و... نباشد، مجاز است و هیچ دلیلی برای عدم امضای آن وجود ندارد (یوسفی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۷). بنابراین، رقابت و مقوله کیفیت از عوامل اصلی ایجاد ضخامت در بخش خصوصی است.

در صورت فراهم شدن زیرساخت ها برای ایجاد رقابت و افزایش کیفیت، فرایند تولید با ازدحام روبه رو خواهد شد. برای رفع ازدحام در این بخش، راهکارهایی مانند ایجاد اتاق تنظیم گری، تخصص گرایی و خلاقیت در تولید و توزیع و خدمات، ایجاد پلتفرم و تغییر زمان ازدحام پیشنهاد می شود. در ادامه نیز برای اطمینان بخشی و امن سازی در امور و رویه ها و تعاملات، راهبردهایی مانند طراحی سیاست صنعتی، تولیدی و بازرگانی، تعریف قراردادهای نظارت ها و رویه ها و زیرساخت های قانونی و تنظیم و تنقیح آیین نامه های اجرایی اطمینان بخش، اعتماد آفرین، شفاف و جامع توصیه می شود.

جدول ۱- مبانی و کارکردهای نظریه طراحی بازار در مالکیت‌های مختلف

مؤلفه بخش	نظریه مبنا	انگیزه	عوامل ایجاد ضخامت	راهکارهای رفع ازدحام	مؤلفه‌های ایمنی
خصوصی	آزادی	کسب سود و منفعت شخصی و ایجاد شغل، انگیزه‌های خیر و خدمات‌رسانی و انگیزه‌های اخروی	رقابت و کیفیت	ایجاد اتاق تنظیم‌گری، تخصص‌گرایی و خلاصیت در تولید و توزیع و خدمات، ایجاد پلتفرم و تغییر زمان ازدحام	طراحی سیاست صنعتی، تولیدی و بازرگانی، تعریف قراردادها، نظارت‌ها و رویه‌ها و زیرساخت‌های قانونی و تنظیم و تقیج آیین‌نامه‌های اجرایی اطمینان‌بخش، شفاف و جامع
دولتی	تأمین، توازن و حفظ منافع اجتماعی و گسترش ثروت جامعه	حفظ نظم جامعه و کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی و کاهش بیکاری	عدم کنز و مولدسازی برای نظام تولید و خدمات و زیرساخت	ایجاد اتاق تسویه و طراحی سازوکار و رویه‌های همکاری و فعالیت و ارتقا و جابه‌جایی و اخراج	تدوین آیین‌نامه تعارض منافع، تعریف رویه‌هایی برای استفاده از افراد شایسته، تناسب نوع فعالیت و دستمزد و رفاهیات با کل جامعه و تدوین چهارچوب بازرسی و تناسب مجازات‌ها
عمومی	عدالت و برابری در فرصت‌ها	فراهم آوردن فرصت برابر و الزامات زندگی برای همه مردم	وقف غیرمتمرکز و نادر و طراحی نظام خدمات داوطلبانه با دستمزد و قوانین منصفانه و مؤمنانه	ایجاد اتاق چرخه بازخورد و رشد و حذف خدمت، برگزاری مناقصه با مؤلفه‌های بازاری و نابازاری	تعریف ضابطه‌ها و روندهای کش و واکنش، طراحی چهارچوب اخذ رأی و نقد و شکایت و شفافیت و رتبه‌بندی خدمات ارائه‌شده
تعاونی	همیاری هم‌گرا و یاریگری	حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نهادهای بومی، محلی و مردمی جوامع	طراحی و سازمان‌دهی اتصال و زیرساخت شبکه‌های تعاونی محلی و منطقه‌ای در عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف	ایجاد اتاق رتبه‌بندی و شفافیت سلسله‌مراتبی، قاعده‌گذاری در ورود و خروج و هجرت و تعریف روندها و فرایندهای سلسله‌مراتبی	تعریف حق رأی، حق سهم و حق کار و دیگر بسته‌های حقوقی در شرایط مختلف و تعریف ضوابط و حقوق کار و سرمایه‌گذاری تعاونی در قالب شرکت‌های تعاونی

منبع: یافته‌های تحقیق.

بحث و نتیجه گیری

حکمرانی اقتصادی و نظریه طراحی بازار از طریق چگونگی سازمان‌دهی، ریل‌گذاری و قاعده‌مندی تعاملات و استفاده از مواهب در اقتصاد با توجه به اهداف دولت و حکومت به‌عنوان امین مردم، با یکدیگر پیوستگی مفهومی دارند؛ البته طراحی بازار در کنار رویکرد کلان، نظرگاه‌های خرد خود را نیز دارد. در رویکرد اسلامی نیز با طراحی منطق فقه، هدف دولت تخصیص و توزیع مواهب و امتیازها در جامعه به‌صورت عادلانه است. تحقق این هدف نیاز به ابزار و طراحی دارد که در قالب اتاق‌های تسویه بخشی و ارتباطات عمودی و افقی و تعاملی می‌تواند در بخش‌های مختلف در شبکه اتاق‌های تسویه تحقق یابد.

در این پژوهش، در وهله نخست اقتصاد برحسب مالکیت و شیوه بهره‌برداری به چهار بخش دولتی، عمومی، تعاونی و خصوصی تقسیم شده است. در وهله دوم، حکمرانی اقتصادی مبتنی بر نظریه طراحی بازار با رویکرد اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. طبق این مطالعه، نظریه مبنا در بخش دولتی، تأمین، توازن و حفظ منافع اجتماعی و گسترش ثروت جامعه و در بخش عمومی، عدالت و برابری در فرصت‌ها و در بخش تعاونی، همیاری هم‌گرا و یاریگری و در بخش خصوصی، آزادی است. در ادامه نیز به هریک از چهار بخش اقتصادی با توجه به فرایند طراحی بازار در چهار مرحله انگیزه‌سازی، عوامل ایجاد ضخامت، راهکارهای رفع ازدحام و ایجاد مؤلفه‌های ایمنی پرداخته شده است.

مرحله نخست از نظریه طراحی بازار، انگیزه‌سازی است. انگیزه‌ها در بخش خصوصی شامل کسب سود و منفعت شخصی و ایجاد شغل، انگیزه‌های خیر و خدمت‌رسانی و انگیزه‌های اخروی است. بخشی دولتی دارای انگیزه حفظ نظم جامعه و کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی و کاهش بیکاری در جامعه است. عدالت و برابری در فرصت‌ها نظریه مبنای بخش عمومی است. این بخش در اختیار امام و دولت است، اما دولت مالک آن نیست و وظیفه نظارت و طراحی برای بهره‌برداری از این بخش را بر عهده دارد. انگیزه در این بخش، فراهم آوردن فرصت برابر و الزامات زندگی برای همه مردم است. بخش تعاونی از مردمی‌ترین بخش‌های اقتصادی، دارای نظریه مبانی همیاری هم‌گرا و یاریگری است. انگیزه‌ها در این بخش مشتمل بر حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نهادهای بومی، محلی و مردمی جوامع است.

مرحله دوم فرایند طراحی بازار، ایجاد ضخامت در بازار است. مؤلفه‌هایی مانند رقابت، کیفیت و عدم انحصار در بخش خصوصی، عدم کنز و مولدسازی برای نظام تولید و خدمات و زیرساخت در بخش دولتی، وقف غیرمتمرکز و نذر و طراحی نظام خدمات داوطلبانه با دستمزد و قوانین منصفانه و مؤمنانه در بخش عمومی و نیز طراحی و سازمان‌دهی اتصال و زیرساخت شبکه‌های تعاونی محلی و منطقه‌ای در عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف کالاها در بخش تعاونی ازجمله عوامل ایجادکننده ضخامت در بازارها هستند.

مرحله سوم در نظریه طراحی بازار، یافتن راهکارهایی برای رفع ازدحام است. در بخش خصوصی، ایجاد اتاق تنظیم‌گری و تخصص‌گرایی و خلاقیت در تولید و توزیع و خدمات و ایجاد پلتفرم و تغییر زمان ازدحام و در بخش دولتی، ایجاد اتاق تسویه و طراحی سازوکار و رویه‌های همکاری و فعالیت و ارتقا و جابه‌جایی و اخراج ازجمله راهکارها برای رفع ازدحام است. در بخش عمومی، ایجاد اتاق چرخه بازخورد و رشد و حذف خدمت و برگزاری مناقصه با مؤلفه‌های بازاری و نابازاری و در بخش تعاونی، ایجاد اتاق رتبه‌بندی و شفافیت سلسله‌مراتبی، قاعده‌گذاری در ورود و خروج و هجرت، تعریف روندها و فرایندهای سلسله‌مراتبی از مهم‌ترین سازوکارها برای رفع ازدحام در این دو بخش هستند.

مرحله چهارم نظریه طراحی بازار شامل ترسیم مؤلفه‌های ایمنی‌بخش در بازارهاست. مقوله‌هایی مانند طراحی سیاست صنعتی، تولیدی و بازرگانی، تعریف قراردادها، نظارت‌ها و رویه‌ها و زیرساخت‌های قانونی، تنظیم و تنقیح آیین‌نامه‌های اجرایی اطمینان‌بخش، اعتمادآفرین، شفاف و جامع در بخش خصوصی و تدوین آیین‌نامه تعارض منافع، تعریف رویه‌هایی برای استفاده از افراد شایسته، تناسب نوع فعالیت و دستمزد و رفاهیات با کل جامعه، تدوین چهارچوب بازرسی و تناسب مجازات‌ها در بخش دولتی و تعریف ضابطه‌ها و روندهای کنش و واکنش، طراحی چهارچوب اخذ رأی و نقد و شکایت و شفافیت و رتبه‌بندی خدمات ارائه‌شده در بخش عمومی و تعریف حق رأی، حق سهم، حق کار و دیگر بسته‌های حقوقی در شرایط مختلف و تعریف ضوابط و حقوق کار و سرمایه‌گذاری تعاونی در قالب شرکت‌های تعاونی از مؤلفه‌های اصلی ایمنی‌بخش و اعتمادزا در بخش تعاونی است.

یادداشت‌ها

1. Governance
2. Good Governance
3. Market Design
4. Matchmaking
5. Shapley
6. Scarf
7. Mcmillan
8. Al Naqbi
9. Repugnant
10. Driessen
11. Data Market Design
12. Chen
13. Vibrant Research Areas
14. Auction
15. Reputation and Feedback Systems in Online Markets
16. Matching Markets
17. Superior Market Designs
18. Kaufmann
19. Information & Communication Technology (ICT)
20. Goods
21. Clearing House

۲۲. بخش دولتی شامل همه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست، تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتی‌رانی، راه و راه‌آهن و مانند این‌هاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی نیز شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.
۲۳. البته در سیاست‌های کلی اصل ۴۴، تخصیص‌هایی در این زمینه زده شده است.
۲۴. «از امام صادق (ع) از وضع اراضی عراق پرسیده شد، امام (ع) پاسخ فرمودند آن‌ها به همه مسلمانان، مسلمانان حاضر و آن‌هایی که بعد می‌آیند، تعلق دارد».
۲۵. قال قلت له (ع) کیف تری فی شراء ارض الخراج؟ قال: ومن یبیع ذلک وهی ارض المسلمین؟! ۲۶. Decentralize

۲۷. مردم مسلط بر اموالشان هستند.

۲۸. مسئولیت نگهداری از امانت به عهده گیرنده آن است تا زمانی که آن را بازگرداند.

کتابنامه

- ارغوانی، فربرز؛ و میراحمدی، سعید (۱۳۹۸). جهانی شدن ارزشهای مجازی و حکمرانی اقتصادی دولت. نشریه سیاست و روابط بین‌الملل، ۳ (۶)، ۶۸-۲۹.
- ایروانی، باقر (۱۴۲۷ق). دروس تمهیدی فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری (جلد ۳). قم: موسسه الفقه للطباعه والنشر.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰). جاودانه تاریخ؛ آشنایی با افکار و اندیشه‌های شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی: گفتارها ۲. چاپ ۲، تهران: انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی ایران.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (جلد ۳). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- راث، آلون (۱۳۹۷). چه چیز به چه کس می‌رسد؟ چرا؟ اقتصاد نوین، جوسازی و طراحی بازار (محمد صادق‌الحسینی و محسن رنجبر، مترجمان). تهران: نشر مرکز.
- رونقی، مرضیه؛ کهنسال، محمدرضا؛ و قربانی، محمد (۱۳۹۸). تعیین مؤلفه‌های حکمرانی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیط‌زیست در بخش کشاورزی ایران. مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۳۳ (۲)، ۱۴۹-۱۲۵.
- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴).
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۳ الف). اقتصاد ما (سیدابوالقاسم حسینی ژرفا، مترجم). (جلد دوم). قم: دارالصدر.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۳ ب). اسلام راهبر زندگی (مهدی زندیه، مترجم). قم: دارالصدر.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۴۹). اقتصاد ما (عبدالعلی اسپهبدی، مترجم). (جلد ۲). تهران: انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۳۷۵ق). الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد. تهران: کتابخانه جامع چهل ستون.
- طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار (حسن الموسوی خراسان، محقق). (جلد ۳). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عبادی، جعفر؛ عبدلی، قهرمان؛ و حدادمقدم، ملیحه (۱۳۹۴). نظریه طراحی بازار و کاربرد آن در بازار نیروی کار پزشکی ایران (در بخش دولتی). فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۵ (۴)، ۱۹۲-۱۷۳.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ق). فقه سیاسی (جلد ۱). چاپ ۴، تهران: امیرکبیر.
فرهادی، مرتضی (۱۳۸۳). ساخت‌های جهانی همکاری همه‌گامی و همه‌جایی بودن انواع جوهری یاریگری و مشارکت. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱ (۲۶)، ۲۳-۱.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).
قانون مدنی (۱۳۰۷).

قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۴). تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری. فرهنگ مدیریت، سال ۳، شماره ۱۰، ۱۲۷-۱۰۳.

کریمی، محمدمهدی؛ و پورمند (نبی‌زاده)، محمد (۱۳۹۰). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
مروی سماورچی، علی؛ بختیاری، صادق؛ رنجبر، همایون؛ و دایی کریم‌زاده، سعید (۱۳۹۵). مقایسه جایگاه ایران با کشورهای منطقه غرب آسیا از جهت مشارکت در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۹ (۷۲)، ۱۰۱-۱۲۳.

مقیسه، محسن (۱۳۹۷). الگوی راهبردی حمایت از تولید؛ ۷. شواهدی از نحوه حمایت دولت آمریکا از تولیدات داخلی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی.

منصوریان، مصطفی؛ و سعدی، حسینعلی (۱۳۹۶). بازشناسی فقهی-حقوقی مالکیت عمومی از مالکیت دولتی با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی. حکومت اسلامی، ۲۲ (۳)، ۱۲۸-۱۰۳.
مولاییگی، جلال (۱۳۹۸). پایداری در نظریه طراحی بازار بر اساس روش ارزش شیلی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۴ (۷۹)، ۱۷۶-۱۴۳.

مولاییگی، جلال؛ عبادی، جعفر؛ و امیرزرگر، محمدعلی (۱۳۹۷). طراحی سازوکار برای یک بازار کارآمد پیوند کلیه در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۸ (۴)، ۳۰-۱.

مؤمنی، فرشاد؛ قاسمی، عبدالرسول؛ شکوهی، محمدرضا؛ و عظیم‌زاده آرانی، محمد. (۱۳۹۵). تحلیل مقایسه‌ای اقتصاد تنظیم‌گری با توجه به موضوع حقوق رقابت از دیدگاه اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۹ (۱)، ۱۷۶-۱۴۹.

نصیری اقدم، علی؛ رضایی، محمدجواد؛ و موحدی بک نظر، مهدی (۱۳۹۳). طراحی بازار؛ چهارچوب تحلیلی «راث» در درک عملکرد بازار. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۱ (۷۹)، ۱۵۴-۱۲۳.

نعمتی، محمد؛ موحدی بک نظر، مهدی؛ و رضایی، محمدجواد (۱۳۹۹). «فقه تعاملات اجتماعی» یا نگاهی دیگر به هدف، روش و گستره موضوعی دانش اقتصاد. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۲ (۲)، ۲۶۳-۲۹۳.

نمازی، حسین (۱۳۹۵). نظام‌های اقتصادی. ویراست ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
ویج، دیوید (۱۳۴۷). به سوی دنیای تعاون. تهران: انتشارات سازمان مرکزی تعاون کشور.
یزدی‌نژاد، محسن؛ فیروزان سرنقی، توحید؛ و نصیری اقدم، علی (۱۳۹۶). تسهیل جابه‌جایی نیروی انسانی در سازمان‌های پیچیده؛ کاربردی از نظریه طراحی بازار. پژوهش‌نامه اقتصادی، ۱۷ (۶۷)، ۳۱۴-۲۹۱.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۰). ظرفیت آموزه‌های اسلامی در تأسیس بخش‌های اقتصادی (با تأکید بر اقتصاد بخش تعاونی). اقتصاد اسلامی، ۱۱ (۴۱)، ۱۳۰-۱۰۱.

Al Naqbi, S., Tsai, I., & Mezher, T. (2019). Market design for successful implementation of UAE 2050 energy strategy. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 116, 109429.

Bertucci, G. (1999). Economic Governance Guidelines for Effective Financial Management.

Baldwin, R., Scott, C., & Hood, C. (1998). A reader on regulation. Oxford University Press.

Baldwin, R., Cave, M., & Lodge, M. (2012). Understanding Regulation: Theory, Strategy, and Practice. Oxford University Press on Demand.

Clark, J. M. (1925). Law and Economic Life: I. the Legal Framework of Economic Life. *University Journal of Business*, 3(4), 350-377.

Chen, Y., Cramton, P., List, J. A., & Ockenfels, A. (2021). Market design, human behavior, and management. *Management Science*, 67(9), 5317-5348.

Degryse, C. (2012). The new European economic governance.

Dixit, A. (2008). Economic governance. *The new Palgrave dictionary of economics*, 1563-71.

Driessen, S. W., Monsieur, G., & Van den Heuvel, W. J. (2022). Data market design: a systematic literature review. *Ieee access*, 10, 33123-33153.

Hayek, F. A. (2007). The Collected Works of F. A. Hayek, vol. 2, The Road to Serfdom: Text and Documents The Definitive Edition, ed. Bruce Caldwell (Chicago: University of Chicago Press).

Le Grand, J. (1991). The Theory of Government Failure. *British journal of Political Science*, 21(04), 423-442.

Kaufmann, Daniel, 2003. "Rethinking Governance: Empirical Lessons Challenge.

- McMillan, J. (2003). Market design: The policy uses of theory. *American Economic Review*, 93(2), 139-144.
- Ostrom, Elinor (2005). Understanding Institutional Diversity, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Roth, A. E. (2008). What have we learned from market design?. *Innovations: Technology, Governance, Globalization*, 3(1), 119-147.
- Roth, A. E. (2002). The economist as engineer: Game theory, experimentation, and computation as tools for design economics. *Econometrica*, 70(4), 1341-1378.
- Roth, A. E. (1982). Incentive compatibility in a market with indivisible goods. *Economics letters*, 9(2), 127-132.
- Roth, A. E. (2015). Who Gets What — and Why_ The New Economics of Matchmaking and Market Design. Houghton Mifflin Harcourt, New York.
- Roth, A. E. (2018). Marketplaces, markets, and market design. *American Economic Review*, 108(7), 1609-58.
- Shapley, L., & Scarf, H. (1974). On cores and indivisibility. *Journal of mathematical economics*, 1(1), 23-37.
- Varian, Hal R., 1992, Microeconomic Analysis, third edition, New York, NY: Norton.
- Vulkan, Nir, Zvika Neeman, and Alvin E. Roth, eds. (2013), The Handbook of Market Design. Oxford, UK: Oxford University Press.
- World Bank. (1999), "Findings on Governance, Institutions and Development".
- Fund, I. (2003). The IMF's Approach to Promoting Good Governance and Combating Corruption—A Guide.
- Pierson, P. (1996). The path to European integration: A historical institutionalist analysis. *Comparative political studies*, 29(2), 123-163.
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran .(1979)
- General policies of Article 44 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran .(2005)
- Arghavani, Freeborz; Mirahamdi, Saeed .(2018). The Globalization of Virtual Currencies and the Government's Economic Governance, *Journal of International Politics and Relations*, 3(6), 29-68..
- Imam Khomeini, Seydrouhullah .(2000). Sales book, Vol. 3, Tehran: Imam Khomeini (R.A.) Editing and Publishing Institute.
- Irvani, Bagher .(2006). Introductory lessons in evidentiary jurisprudence based on the Jaafari doctrine, vol. 3, Qom: Fiqh Institute, for printing and publishing.
- Hosseini Beheshti, Seyed Mohammad. (2011). Eternal history; Acquaintance with the thoughts and thoughts of martyr Mazloun Ayatollah Beheshti: Speeches 2, Tehran: Press of the Islamic Republic of Iran, 2nd edition.
- Roth, Alvin (2015). "Who gets What - andWhy? "New economy, sorting and market design". Translation: Sadegh Al-Hosseini, Mohammad; Ranjbar, Mohsen (2017). Center Publishing, Tehran.
- Rounaghi, Marzieh; Kohansal, Mohammadreza; Ghorbani, Mohammad (2018). Determining the components of governance in the economic, political, social and environmental fields in Iran's agricultural sector, *Journal of Economics and Agricultural Development*, 33(2), .149-125
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher. (2013). A. Our Economy, Volume II. Translator: Seyyed Abulqasem Hosseini Zharfa, Qom: Dar al-Sadr.

- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher. (2013). b. Islam is the guide of life, translator: Mehdi Zandieh, Qom: Dar al-Sadr.
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher. (1970). Our Economy, Volume 2, translation by Abdolali Espahbodi, Tehran: Islamic Publications.
- Tusi, Muhammad ebn Al-Hassan. (1955). Economy guiding the path of al-Rashad, Tehran: Chehelstun Jame'ah School.
- Tusi, Muhammad ebn Al-Hassan. (1970). Insight into the differing news, edited by: Hasan al-Musawi al-Khurasan, vol. 3, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah.
- Ebadi, Jafar; Abdulli, hero; Haddad Moghaddam, Maleeha (2014). Market design theory and its application in Iran's medical labor market (in public sector), Economic Research Quarterly (Sustainable Growth and Development), 15(4), 173-192.
- Amid Zanjani, Abbas Ali. (2000). Political Jurisprudence, Volume 1, Tehran: Amirkabir Publications, 4th edition.
- Farhadi, Morteza. (2004). Global constructions of all-time cooperation and ubiquity of essential types of assistance and participation. Social Science Quarterly, 11(26), 1-23.
- Qolipour, Rahmat Allah, (2005). Analysis of the relationship between good governance model and administrative corruption, Culture of Management, third year, Vol. 10, 103-127.
- Karami, Mohammad Mahdi and Pourmand (Nabizadeh), Mohammad.(2011). Fundamentals of Jurisprudence of Islamic Economics, Tehran: University and Field Research Institute and Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities (Samt).
- Marvi Samavarchi, Ali; Bakhtiari, Sadiq; Ranjbar, Homayun; Daei Karimzadeh, Saeed (2015). Comparing the position of Iran with the countries of the West Asian region in terms of participation in international economic governance, Basij Strategic Studies Quarterly, 19(72), 101.
- Muqiseh, Mohsen (2017). The strategic model of production support; 7. Evidence of how the US government supports domestic products, Tehran: Islamic Council Research Center, Economic Studies Office.
- Mansourian, Mustafa; Saadi, Hossein Ali. (2016). Jurisprudential-legal recognition of public ownership from state ownership with emphasis on Article 44 of the Constitution. Islamic Government, 22(3), 103-128.
- Molabeigi, Jalal (2018). Sustainability in market design theory based on Shapley's value method, Iranian Economic Research Quarterly, 24(79), 176-143.
- Molabeigi, Jalal; Ebadi, Jafar; Amirzargar, Mohammad Ali (2017). Designing a mechanism for an efficient kidney transplant market in Iran, Economic Research Quarterly (Sustainable Growth and Development), 18(4), 1-30.
- Momeni, Farshad; Ghasemi, Abdul Al-Rasul; Shokohi, Mohammad Reza; Azimzadeh Arani, Mohammad. (2015). A comparative analysis of regulatory economics with regard to the issue of competition rights from the perspective of Islamic economics and conventional economics, Islamic Economics Studies, 9(1), 149-176.
- Nasiri Aghdam, Ali; Rezaei, Mohammad Javad; Mowhedi Baknazar, Mehdi (2013). market design; Analytical framework of "Roth" in understanding market performance, Majlis and Strategy Quarterly, 21(79), 154-123.

Jurisprudential investigation of the relationship between zakat and taxes in the Islamic state

Asghar Matinpoor*
Ali Saeli**

Abstract

One of the important issues in Islamic economics is determining the relationship between Islamic taxes such as zakat and conventional government taxes. Zakat is one of the branches of Islam and one of the important pillars of Islamic society. This issue has been taken into consideration in Islamic schools of thought and has found different divisions. This research using the library method analyzed in the ijtehad method, has tried to examine the relationship between zakat and taxes in the Islamic state and to present the reasons for the differences and the permissibility or impermissibility of replacing zakat and taxes. The results of the research show that according to the social nature of the principle of zakat obligation as the first obligatory ruling, the probability of applying zakat to the examples is enhanced compared to other possibilities, and the application of zakat to the nine famous cases can be considered from the sovereign affairs of the Holy Prophet. Considering the generalization of the sovereign dignity of the Holy Prophet and the infallible imams based on the authority of the jurisprudence to the jurisprudence, it can be claimed that at the discretion of the jurist and the Islamic ruler (Vali-e-Faqih), the taxes collected in the Islamic government can also be considered as one of the new examples of zakat. Vali-e-Faqih can add the nine examples given by the Holy Prophet and arranged the rulings and effects of zakat to these taxes. It is worth mentioning that according to the ruling of the government regarding the application of zakat to the cases, the change of the examples is acceptable in many ways, not less, and any kind of change in the famous nine cases that were forged and contracted by the Holy Prophet will not be acceptable in our opinion.

Keywords: Zakat; Taxes; Islamic State.

* Doctoral student, Jurisprudence Higher Education Complex, Jurisprudence and Principles Higher School, Islamic Jurisprudence, Al-Mustafa Al-Alamiya Society, Qom, Iran.
asgharmatinpoor1402@gmail.com  0009-0007-9910-0392

** Member of the faculty of Jamiat al-Mustafa, Qom, Iran.
alisaeli1963@gmail.com  0009-0000-6010-6542

Received: 2023/07/05

Accepted: 2023/09/21

بررسی فقهی رابطه بین زکات و مالیات در دولت اسلامی

اصغر متین پور*

علی سائلی**

چکیده

یکی از مباحث مهم در اقتصاد اسلامی، تعیین رابطه میان مالیات‌های اسلامی مثل زکات و مالیات متعارف دولت‌هاست. زکات یکی از فروع دین اسلام و از ارکان مهم دوام و بقای جامعه اسلامی به شمار می‌رود. این موضوع در مذاهب اسلامی مورد توجه قرار گرفته و شقوق مختلفی یافته است. این تحقیق که با استفاده از روش کتابخانه‌ای، منابع را بررسی کرده و به روش اجتهادی به تطبیق و تحلیل پرداخته، کوشیده است رابطه میان زکات و مالیات در دولت اسلامی را بررسی و دلایل مربوط به تفاوت‌ها و جواز یا عدم جواز جایگزینی زکات و مالیات را مطرح کند. نتایج تحقیق گویای این است که با توجه به سرشت اجتماعی اصل وجوب زکات به‌عنوان حکم اولی تکلیفی، احتمال ولایی بودن تطبیق زکات بر مصادیق در قبال دیگر احتمالات تقویت شده است و تطبیق زکات بر موارد نه‌گانه مشهور را می‌توان از شئون حاکمیتی و ولایی پیامبر اکرم دانست. این احتمال از میان دیگر احتمالات، راه‌حل مناسبی برای رفع اختلاف روایات درباره تغییر مصادیق زکات در زمان ائمه به شمار می‌رود. با توجه به تعمیم شأن حاکمیتی پیامبر اکرم و ائمه معصوم بر اساس مبنای ولایت فقیه به فقیه جامع‌الشرایط، می‌توان ادعا کرد که در صورت صلاحدید ولی فقیه و حاکم اسلامی، می‌توان مالیات‌هایی را که در حکومت اسلامی گرفته می‌شود، به‌عنوان یکی از مصادیق جدید زکات بر مصادیق نه‌گانه که پیامبر اکرم قرار دادند، افزود و احکام و آثار مترتب بر زکات را به این مالیات‌ها مترتب ساخت. گفتنی است با توجه به حکم حکومتی دانستن تطبیق زکات بر موارد متعلق زکات، اضافه‌شدن به متعلقات زکات مورد پذیرش واقع می‌شود و هیچ نوع تغییری در جهت تقلیل موارد نه‌گانه مشهور که پیامبر اکرم قرار داده است، مقبول نظر نویسنده نیست.

واژگان کلیدی: زکات؛ مالیات؛ دولت اسلامی.

* دانشجوی دکتری، مجتمع آموزش عالی فقه، مدرسه عالی فقه و اصول، رشته فقه اسلامی، جامعه المصطفی

العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

asgharmatinpour1402@gmail.com

0009-0007-9910-0392

** عضو هیئت علمی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

alisaeli1963@gmail.com

0009-0000-6010-6542

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۲ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

زکات یکی از فروع دین اسلام است. در تعدادی از آیات قرآن، زکات پس از نماز نشانه ایمان و عامل رستگاری شمرده شده است که نشان از اهمیت زکات در دین اسلام دارد. در شریعت‌های پیش نیز زکات به عنوان توصیه اخلاقی و نه واجب شرعی وجود داشته است. درباره زکات می‌توان از جهات مختلف بحث کرد؛ زیرا بحث درباره زکات بسیار گسترده است. یکی از مباحث درباره زکات که زاینده عصر متأخر و جزو مسائلی است که قدما درباره آن بحث نکرده‌اند، رابطه میان زکات و مالیات در دولت اسلامی است. علت آن نیز این است که در زمان‌های متقدم، حکومت به صورت رسمی به دست فقیهان نبوده است. امروزه در حکومت اسلامی با اموال کثیری غیر از موارد نه‌گانه متعلق به زکات روبه‌رو هستیم که موارد نه‌گانه بخش بسیار اندکی از سرمایه هر کشور را شامل می‌شود. در این عصر، سرمایه‌ها و اموال منقول و غیرمنقولی پا به عرصه اقتصاد نهاده‌اند که دارندگان آن‌ها با کرایه دادن یا تولیدی‌های حاصل از آن‌ها، صاحب منافع و سودهای کلانی می‌شوند. پرسش مطرح این است که آیا به درآمد و حقوق کلان این‌ها، زکات تعلق می‌گیرد یا نه؟ آیا متعلق زکات تنها امور نه‌گانه مربوط به زمان پیامبر است و آن یک حکم ثابت است؟ در عصری که در آن زندگی می‌کنیم، حکومت‌ها مالیات‌هایی را به صورت ویژه یا عمومی یا به صورت‌های نسبی یا تصاعدی به توده مردم تحمیل می‌کنند و درآمدهای حاصل از آن صرف مخارج عمومی دولت و تحقق برخی اهداف اجتماعی می‌شود. پرسش این است که آیا میان این‌گونه مالیات‌ها و زکات رابطه‌ای وجود دارد؟ در این مقاله، ابتدا به ادله جواز جایگزینی زکات و مالیات و سپس نقد و بررسی آن‌ها و در ادامه، به ادله عدم جواز جایگزینی این دو و نقد و بررسی آن‌ها و در نهایت، به نظر مختار درباره جایگزینی مالیات و زکات پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه تحقیق

در مقاله مؤمن (۱۳۸۰)، «رابطه خمس و زکات با مالیات‌های حکومتی»، ولی امر که مسئول اداره امور است و حق ولایت و زعامت را دارد، باید کشور اسلامی را با استفاده از اموالی که در اختیار اوست، اداره کند. حال اگر این اموال به هر دلیل برای اداره جامعه اسلامی کافی نبود - چه اینکه امکان استفاده از انفال وجود نداشت یا خمس و زکات به اندازه کافی در اختیار وی نبود - و ولی امر تشخیص داد مردم افزون‌بر خمس و زکات باید مبالغ دیگری

بپردازند تا او بتواند کشور را به خوبی اداره کند، در این صورت به مقتضای ولایت خود می تواند به هر اندازه که مصلحت می داند، مردم را به پرداخت مالیات وادارد.

عقیق و اصغرزاده (۱۳۸۵) در مقاله «مالیات و وجوهات شرعیه» بیان می دارند که یکی از شاخص های عدالت، مالیات است. در این مقاله افزون بر توجه به ماهیت مالیات، از ارتباط آن با درآمدهای شرعی و مالیات مصطلح امروزی سخن به میان می آید. نگارندگان بر این باورند که در حاکمیت اسلامی، مؤدیان مکلف به پرداخت هم مالیات و هم وجوهات نیستند. رضایی دوانی (۱۳۸۹) در کتاب *مقدمه ای بر مالیه عمومی در اسلام*، به بررسی علمی نقش دولت در اقتصاد و حدود آن، منابع درآمدی به ویژه مالیات و تأثیر انواع درآمدهای دولت بر تخصیص منابع، توزیع ثروت و تثبیت اقتصاد و همچنین، انواع هزینه های عمومی و شیوه کارای تحقق هزینه می پردازد. در این کتاب، سعی بر این است مجموعه مباحث اقتصاد دولت اسلامی مطرح و تشریح شود. در این اثر، وظایف دولت اسلامی و تفاوت آن با دیگر مکتب ها، منابع مالی اعم از مالیاتی و غیرمالیاتی و... مطرح شده است.

کاشیان و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی دوگان های تقدم وجوهات شرعی یا مالیات و مکمل یا جانشین بودن آن ها با تأکید بر ابعاد حکومتی خمس و زکات در اقتصاد اسلامی ایران»، به این نتیجه رسیده اند که مالیات های متعارف مکمل مالیات های شرعی هستند و اصل اولیه در طراحی نظام مالیاتی، تقدم مالیات های شرعی است. یافته های پژوهش حاکی است که در نظام اسلامی، خمس و زکات مقدم بر مالیات های متعارف است. در این چهارچوب، مالیات های متعارف می توانند به صورت ثانوی و مکمل به درآمدهای حکومت اسلامی اضافه شوند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که در شرایط کنونی اقتصاد ایران، هیچ کدام از این دو نوع مالیات نمی توانند جایگزین هم شوند.

بابایی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی تطبیقی مالیات های اسلامی با مالیات های حکومتی» (مطالعه موردی: خمس و زکات) بیان می کند خمس و زکات به عنوان مالیات به دولت اسلامی تعلق می گیرد و توسط مراجع معظم تقلید به مصرف می رسد و اساساً دست دولت نیست تا دولت از حاصل آن ها به اداره جامعه بپردازد، اما حاکم اسلامی می تواند زمینه های ضمانت اجرای دولتی و حکومتی را فراهم آورد و سازوکار وصول و مصرف آن را تغییر دهد.

دانش (۱۴۰۰) در مقاله «چیستی و چرایی زکات و تفاوت های آن با مالیات»، پس از بیان چیستی و چرایی زکات و چگونگی تعلق زکات به اموال و موارد تعلق و مصارف زکات، به

فرق زکات با خمس و مالیاتی که دولت از مردم اخذ می‌کند، می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که میان زکات و مالیات به اصطلاح تفاوت از زمین تا آسمان است. بررسی مقالات بالا نشان می‌دهد نظرها درباره جایگزینی زکات و مالیات متفاوت است. مقاله حاضر با بررسی دقیق فقهی، در پی اثبات این فرضیه است که مالیات‌ها را به عنوان مصادیق جدید زکات افزون بر مصادیق نه‌گانه‌ای که پیامبر اکرم قرار دادند، معرفی کند.

۲. ادله جواز جایگزینی

دلیل نخست: وجوه اشتراک زکات و مالیات

وجوه اشتراک موارد زیر است.

الف. وحدت در غرض: غرض هر دو رفع نیاز نیازمندان، کنززدایی و مبارزه با تجمع ثروت و تکاثر انبوه دارایی است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۱۰).
ب. اتحاد در هزینه شدن متعلق مالیات و زکات: همان‌طور که مالیات در یک کشور طبق تشخیص حکومت در هر کار خیری هزینه می‌شود، در زکات نیز به همین صورت است. این اصل با توجه به تفسیر قائلان سهم «سبیل‌الله» در مصارف زکات (توبه/۶۰) به هر نوع عمران و آبادی و رفاه اجتماعی و اطلاق آن به همه مصارف خیر، توجیه‌پذیر است. مشهور فقها، معنای «فی سبیل‌الله» را هر چیزی که خیری برای مسلمانان داشته باشد یا باعث پیشرفت دین و تعظیم شعائر دینی باشد (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۴، ص ۱۱۲) می‌دانند؛ برخلاف اهل سنت که آن را مختص و منحصر به جهاد در راه خدا و مقاتله با دشمنان دین می‌دانند... (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۴، ص ۱۱۲).

پ. لزوم تحویل به حکومت مرکزی: مالیات باید به حکومت مرکزی پرداخت شود. زکات نیز همین‌گونه است؛ زیرا زکات را باید به کسانی داد که قرآن از آن‌ها به «عاملین علیها» تعبیر کرده است و آن‌ها نیز زکات را به دستگاه حکومتی تحویل می‌دهند.

ت. اجبار در پرداخت: فریضه زکات چنان اهمیتی دارد که تنها به صدور حکم آن اکتفا نشده است، بلکه رسول‌الله مأمور بودند آن را از مالکین اموال زکوی اخذ کنند ولو به قتال، محاربه و لشکرکشی هم منجر شود. در آیاتی از قرآن کریم، پیامبر^(ص) مأمور به جهاد با کسانی می‌شود که حاضر به پرداخت زکات نیستند. همچنین، در قصص و روایات متعدد، پیامبر^(ص) پس از امتناع قوم یا قبیله‌ای از پرداختن زکات، دستور آماده شدن لشکر و تجهیز قوا برای

جنگ را صادر فرمودند. در کتاب‌های معتبر تاریخ و سیره رسول الله (ص) مثال‌هایی از آن‌ها ذکر شده است (ابن هشام، بی‌تا، ج ۴، ص. ۲۲۴).

نقد و بررسی دلیل نخست

این سخنان به صورت کلی مقبول است، اما اینکه بتواند به عنوان علت و ملاک حکم، مورد پذیرش واقع شود بسیار بعید و ناشی از سطحی‌نگری است. آیا صرف اینکه این دو عنوان در اموری با هم مشترک هستند، دلیل بر اتحاد آن دوست؟ آیا این چیزی غیر از استحسان و قیاس باطل است؟ بر فرض نادیده گرفتن این اشکال، خواهیم گفت که امور اختلافی که میان این دو بسیار زیادتر از امور اشتراکی این دوست پس چرا برای عدم اتحاد و عدم جاگزینی به وجوه اختلاف استناد نشود.

دلیل دوم: حکومتی بودن متعلقات زکات

اگر قائل شدیم که تعیین مصادیق و متعلقات زکات از سنخ حکم حکومتی است و فقیه می‌تواند دایره متعلقات زکات را به شرایط زمان و مکان تطبیق بدهد، در این صورت مالیات را نیز از مصادیق زکات خواهیم دانست. در نتیجه، مصادیق زکات با مالیات دو چیز نخواهد بود تا نیاز باشد که جایگزینی ثابت شود؛ زیرا مالیات قراردادی عقلایی است، اما وقتی در حکومت فقهی مورد امضای حاکم فقیه قرار گرفت از جمله احکام حکومتی به شمار می‌آید. به عبارتی، همان مصادیق جدید زکات خواهد بود؛ زیرا کارشناسان در علوم اقتصاد و هر علمی که به گونه‌ای دخالت در تشخیص احراز لزوم مالیات را دارد، از مشاوران فقیه حاکم به شمار می‌آیند. به عبارتی، کارشناسان اقتصادی به حاکم شرع مشورت می‌دهند، اما بعد از صدور حکم از طرف حاکم شرع، جزو حکم حکومتی و ولایی به شمار می‌آید و برای تأیید اصل این نظریه می‌توان به عملکرد ائمه در شرایط مختلف استناد کرد؛ چه بسا بتوان خمس بر مازاد را نیز از همین نوع دانست (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۸ق، ص. ۴۳).

برای مستدل کردن این ادعا، احتیاج به تحلیلی در فضای روایات یادشده در متعلقات زکات است.

پرسش مطرح در این روایات این است که آیا متعلقات زکات منحصر به موارد نه‌گانه است یا می‌توان مواردی را به آن اضافه کرد؟ این پرسش محل اختلاف است و منشأ اختلاف، روایاتی است که از ائمه به ما رسیده است. روایات در این باره در نگاه کلی به چهار دسته تقسیم می‌شود (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۵۰).

۱. اخباری که فقط گزارش از واقع می‌دهد که در زمان نبی، زکات در امور نه‌گانه بوده و در غیر آن موارد، حضرت رسول (ص) عفو کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، صص. ۳۴ و ۳۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۵۰۹).
 ۲. اخباری که افزون بر مضمون طایفه اول، ثابت می‌کند که در زمان امام (ع) نیز این‌گونه بوده است که نتیجه آن، عدم جایگزینی است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص. ۳۳).
 ۳. اخباری که زکات را در غیر موارد نه‌گانه ثابت می‌کند که نتیجه آن، در نگاهی وحدت آن دوست و در نگاه دیگر، قول به تفصیل ثابت می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، صص. ۳۹، ۴۰ و ۴۱).
 ۴. اخباری که متضمن طایفه دوم و سوم است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۵۱۰).
- حال شکی نیست که طایفه‌های سه و چهار با طایفه دوم تعارض دارد؛ زیرا مفاد طایفه‌های سه و چهار صریح در عدم انحصار است در حالی که طایفه دوم صریح در انحصار است، اما طایفه نخست چون تنها گزارش می‌دهد به اینکه پیامبر نسبت به نه مورد زکات جعل و نسبت به موارد دیگر عفو کرده‌اند، این سخن منافاتی با زمان متأخر از پیامبر ندارد که در آن زمان‌های متأخر عفو نسبت به بقیه موارد نه‌گانه نباشد (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۵۸).
- اکنون برای جمع بین این طوایف از روایات، چند راه‌حل از طرف فقها پیشنهاد شده است.
۱. راه‌حل یونس بن عبدالرحمان (حمل بر سنن نبی): از یونس بن عبدالرحمان در کافی آمده است که در اوایل نبوت، همان‌گونه که نماز از طرف خداوند دو رکعت جعل شده بود و بعد از آن توسط پیامبر دو رکعت به نمازهای ظهر، عصر و عشا و یک رکعت به نماز مغرب افزوده شد، حکم زکات نیز همین‌گونه است؛ یعنی زکات در اول نسبت به نه مورد توسط نبی جعل شد و بعد از آن توسط ایشان مواردی مانند حبوبات به آن افزوده شد. ظاهر کلینی در کافی نیز قبول و پذیرش قول یونس است؛ زیرا ایشان در کافی سه باب متوالی برای زکات یاد کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۵۰۹).
- در نقد این قول می‌توان گفت چون مستفاد از برخی روایات این است که حصر در نه مورد در زمان ائمه نیز وجود داشت، راه ایشان این دسته از روایات را دربر نمی‌گیرد و شامل نمی‌شود؛ زیرا بنا بر وجه الجمع یونس باید قائل شویم که زیاد شدن از سنن نبی است

درحالی که در بعضی از اخبار صادر شده از ائمه، حصر فهمیده می شود درحالی که سنت پیامبر قابل تغییر نیست.

۲. راه حل شیخ مفید (حمل بر استحباب): شیخ مفید در *المقنعة* و شاگرد ایشان شیخ طوسی در *تهذیب و استبصار* قائل به این شده اند که اخباری را که دلالت بر نه مورد می کند، حمل بر وجوب کنیم و اخباری که غیر آن موارد را نیز شامل می شود، حمل بر استحباب کنیم. بعد از شیخ، این حکم مورد پذیرش واقع شد و شهرت یافت که اساس این شهرت، فهم شیخ مفید در *المقنعة* است که در این وجه، سرایت از عناوین نه گانه را به عنوان زکات مشروع می داند؛ اگرچه به عنوان واجب نمی پذیرد.

در نقد این قول می توان گفت جمع باید عرفی باشد مانند حمل مطلق بر مقید و حمل عام بر خاص، اما جمع تبرعی - بین دو دلیلی که به حسب ظاهر با هم تنافی دارند - مقبول نیست. حمل دلیلی بر استحباب دلیل می طلبد و صرف تنافی دو دلیل با یکدیگر، مجوز حمل یکی از آن بر استحباب نمی شود؛ همان گونه که بعضی از شاگردان شیخ مفید نیز این وجه الجمع را نپذیرفتند و خودشان وجه الجمع دیگری را پیشنهاد دادند؛ افزون بر اینکه راه جمع منحصر به این وجه نمی شود.

۳. راه حل سید مرتضی (حمل بر تقیه): سید مرتضی شریف که از بزرگ ترین شاگردان شیخ مفید است، حمل شیخ را نپذیرفته است و خودشان قائل به این شده اند که اخباری که تصریح به وجوب زکات در غیر نه مورد دارد باید حمل به تقیه شود. صاحب *حدا یق* نیز از ایشان تبعیت کرده است. در این وجه، جمع سرایت مشروعیت ندارد؛ زیرا تقیه در حکم کاشف از حکم واقعی نیست. مؤیدات قول ایشان هم «قرینه خارجی» است؛ یعنی شهرت فتوایی در غیر موارد نه گانه در بین عامه وجود دارد و این شهرت مؤید و قرینه بر تقیه بودن است؛ زیرا موافق با اهل سنت است و هم «قرینه داخلی» یعنی وجود اخباری که این قول را تأیید می کند، صریح در حصر است.

این وجه الجمع دارای چند اشکال است. ۱. لازمه آن این است که ائمه در مقابل گفتن احکام واقع و اظهار آن، انسان های ضعیفی بوده اند که با کوچک ترین اتفاق و مخالفت مخالف، حق را کتمان می کردند درحالی که بنای ائمه بر بیان حق و ممانعت از انحراف در دین است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۶۳). ۲. تقیه ضرورت است و معروف و مقبول این است که «الضرورات تنقذ بقدرها». حال اگر حکم به غیر منحصر بودن زکات در عناوین

نه‌گانه، تقیه‌ای و از باب ضرورت بوده، چگونه است که به‌اندازه ضرورت اکتفا نشده و روایات در آن کثیر و زیاد است. تا جایی که حتی در یک روایت واحد به مقدار اقل اکتفا نشده است و امام^(ع) در بیان و توضیح مطلب، سخن را طولانی می‌کنند درحالی‌که این نوع بیان با تقیه بودن همخوانی ندارد. ۳. اگر از دو اشکال قبلی نیز چشم‌پوشی کنیم، گفته می‌شود که انحصار مختص به شیعه نیست و از اختصاصات شیعه شمرده نمی‌شود، بلکه بعضی از عامه نیز به آن قائل هستند واحادیثی نیز از طریق آن‌ها گفته شده است.

در صورت مقبول نبودن سه وجه‌الجمع یادشده، نوبت به وجه‌الجمع چهارم می‌رسد که این وجه‌الجمع مقدمه استدلال عینیت یا جایگزینی زکات و مالیات است.

۴. راه‌حل برخی از فقهای معاصر (توسعه مصادیق بر اساس شرایط زمان و مکان): مطابق این دیدگاه، موارد وجوب زکات به موارد نه‌گانه اختصاص ندارد، بلکه به دلیل تغییر و تحول در منابع و موارد ثروت و احتیاجات جوامع بشری در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، حاکم اسلامی می‌تواند به اقتضای مصلحت و نیاز جامعه اسلامی، موارد وجوب زکات را توسعه دهد. برخی از فقهای معاصر از جمله شهید سیدمحمدباقر صدر در کتاب *الاسلام یقود الحیاه* (۱۳۸۲، صص. ۵۲-۴۳)، با تقسیم احکام اسلام به احکام ثابت و متغیر، مرحوم علامه محمدتقی جعفری (۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۶۶) و آیت‌الله منتظری (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۶۷)، این نظریه را پذیرفته یا آن را محتمل دانسته‌اند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۶، ج ۱، ص. ۷؛ گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۶، ج ۱، ص. ۱۲۴). وقتی فرض این است که حاکم جامعه فقیه جامع‌الشرایط است، چه لزومی دارد آنچه از مردم در موقع نیاز جامعه به اسم مالیات گرفته می‌شود به نام مالیاتی که متفاوت با زکات است، باشد، بلکه این خود از مصادیق زکات است.

نقد و بررسی دلیل دوم^۱

۱. مخالفت با اجماع: اگر این موارد نه‌گانه از تطبیقات رسول باشد و حکم حکومتی و ولایی باشد، با اجماع فقهای شیعه و سنی سازگاری ندارد (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۵۵؛ شریف، ۱۴۱۵ق، ص. ۲۰۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۵ق، ص. ۲۷۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص. ۶۵).
۲. ظهور روایات در حصر موارد نه‌گانه: با وجود روایات کثیر در حصر متعلقات زکات و اینکه در هیچ زمانی از دوران ائمه تقلیلی نسبت به متعلقات زکات وجود نداشته و اگر مواردی نیز وجود داشته، تنها در ازدیاد متعلقات بوده، جای این پرسش است که اگر تمام نه مورد از باب تطبیقات پیامبر بوده، چرا در هیچ زمانی در این نه مورد نقصانی

وجود نداشته است؟ اگر در پاسخ این پرسش گفته شود فضای زمان پیامبر تا پایان زمان حیات ائمه تغییر نکرده، پس نیازی به تقلیل موارد نیز نبوده، باز اشکالی وارد است و آن اینکه، لحن روایات به گونه‌ای است که ظهور قوی در موضوعیت داشتن موارد نه‌گانه دارد و دست کشیدن از این ظهورات را می‌طلبد و آنچه به عنوان اشکال ذکر می‌شود که زکات مربوط به رفع نیاز جامعه است و موارد نه‌گانه به گونه‌ای نیست که امروز نیاز جامعه را برطرف کند، این گونه پاسخ می‌دهیم که راه حل اشکال یادشده - اینکه در دنیای امروز موارد نه‌گانه پاسخ‌گو نیست - منحصر در آن چیزی نیست که مدعی قائل به عینیت زکات و مالیات پیشنهاد داده است. راه حل مقبول‌تری نیز وجود دارد که هم اسیر مخالفت با ظهور روایات نمی‌شود و هم توانایی برطرف کردن مشکلات اقتصادی و نیازهای مختص به هر زمان را دارد که در ادامه می‌آید.

۳. روایات دال بر عدم تغییر موارد نه‌گانه با گذر زمان (ابدی بودن حکم پیامبر): از اینکه در روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۰۹) زکات در کنار نماز قرار گرفته است، استفاده می‌شود که زکات نیز در حکم نماز و حکمی ابدی است و اگرچه دو رکعت آن فرض‌النبی و دو رکعت آن فرض‌الله است، با تغییر شرایط زمانی و مکانی تغییر نمی‌کند. در اینکه در روایات زکات فرض‌النبی است شکی وجود ندارد، اما به قرینه اینکه در کنار نماز قرار گرفته است، معلوم می‌شود که فرض‌النبی دائمی است.

آنچه نباید از نظر دور داشت، این است که در برخی روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۵۶) حتی سائل خودش داوطلب است که بیش از موارد نه‌گانه بدهد، اما امام به او می‌گوید که پیامبر افزون‌بر آن را بخشیده است. پس معلوم می‌شود که بر فرض که حکم حکومتی نیز باشد، حکم حکومتی و ولایی دائمی است نه موقتی والا معنی نداشت امام^(ع) برای استمرار حکم به قول پیامبر استناد کند.

۳. ادله عدم جواز جایگزینی

وقتی به منابع و ادله مراجعه می‌کنیم، با دو موضوع مستقل و دارای دو حکم متفاوت مواجه می‌شویم. یکی زکات که دارای حکم وجوب شرعی است و دیگری مالیات که از پرداخت آن نهی شده و دارای حکم تحریم است. این خود دلیل روشن و واضح بر عدم اتحاد این دو (زکات و مالیات) و همچنین، دلیل بر عدم جایگزینی این دوست و اینکه این دو نمی‌توانند

بدیل یکدیگر قرار گیرند؛ زیرا ممکن نیست دو حکم متفاوت با دو موضوع مستقل، قابلیت جایگزینی یکدیگر را داشته باشند. روایات مورد بحث درباره عدم جایگزینی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

دسته نخست: روایاتی که از مالیات گرفتن (عشرگیری) نهی می‌کند

در اینجا برخی روایات پراکنده را که از آن‌ها به صورت اجمالی مذمت عَشْر (مأموران اخذ مالیاتی که موظف به اخذ یک‌دهم از جانب حکومت بودند) استفاده می‌شود، یادآور می‌شویم. ناگفته نماند که این‌گونه روایات در کتاب‌های فریقین بسیار زیاد است (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص. ۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۹، ص. ۳۲).

نقد و بررسی دسته نخست

در تحلیل نسبت به این احادیث می‌توان این‌گونه ادعا کرد که لفظ «عَشْر» به کسانی که به صورت غیرشرعی از مردم ده‌یک دریافت می‌کنند، منصرف است؛ زیرا شکی وجود ندارد که هر حکومتی چه حکومت حق باشد چه حکومت باطل، به مأمور مالیاتی، خبرچین و پاسبان نیاز دارد. پس ممکن است گفته شود این تعبیرات که در روایات وارد شده است، با همه غلظت و شدت آن برای بیان پرمخاطره بودن این مشاغل و لزوم دقت و احتیاط در آن است؛ زیرا لغزشگاه‌ها در آن بسیار است و هر مأمور مالیاتی مرهون عمل خویش و حساب اموالی است که جمع‌آوری می‌کند و حساب بسیار ظریف، دقیق و پرمخاطره است. ممکن است روایات مذمت درباره کسانی از آنان باشد که هنگام دریافت حقوق مالی مردم بر آنان ستم روا می‌دارند. اینان در آن زمان‌ها بسیار بودند و مانند این روایات تهدیدآمیز درباره «خبرچینان و مأموران اطلاعات» نیز وارد شده است.

دسته دوم: روایات مربوط به جواز سوگند دروغ برای فرار از مالیات

در روایات ما وارد شده است که می‌توان برای فرار از مالیات به دروغ سوگند یاد کرد. این سخن دلیل بر این است که مالیات غیر از زکات و امر حکومتی است و نه تنها پرداخت آن واجب نیست، بلکه برای فرار از آن سوگند دروغ نیز جایز است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۳، ص. ۲۲۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص. ۱۳۶).

نقد و بررسی دسته دوم

ظاهراً این‌گونه روایات درباره مالیاتچیان و گمرکچیان حکومت‌های جور و ستم است؛ زیرا پرداخت مال به آنان به گونه‌ای تقویت آنان شمرده می‌شد. پس بهتر این بود که به هر شکل

ممکن حتی زکات‌های واجب را از دسترس آنان دور نگه داشت (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص. ۲۶۳). صاحب *وسایل* نیز از این روایات برداشت کرده که مربوط به زمان تقیه و ظلم حاکمان جور و ستم بوده؛ زیرا ایشان بعضی از این احادیث را در همین باب ذکر کرده است؛ یعنی «باب جواز قسم دروغ خوردن به خاطر تقیه مانند دفع ظلم از خودش یا مالش یا جان و مال مؤمن» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۳، ص. ۲۲۴).

دسته سوم: احادیث دال بر منحصر بودن حقوق مالی در زکات

مشهور فقهای اهل سنت معتقدند غیر از زکات هیچ حق دیگری در اموال وجود ندارد و مستند آن‌ها روایات وارده از طریق خودشان است. بخاری و مسلم از طلحه نقل کرده‌اند که گفته است «شخصی از اهل نجد نزد پیامبر آمد و با او سخن می‌گفت، اما صدای سخنانشان مبهم بود و واضح نبود. از این رو به پیامبر نزدیک شد و با او سخن گفت و در رابطه با اسلام پرسید. رسول خدا فرمود اسلام یعنی اینکه نمازهای واجب را به جا بیاوری. او دوباره پرسید آیا بیش از این نیز لازم است؟ رسول فرمودند نمازهای دیگر اختیاری است؛ اگر خواهان ثواب بیشتری هستی، آن را انجام بده. سپس رسول خدا فرمودند که در ماه رمضان نیز روزه بگیر. او پرسش را تکرار کرد که آیا بیش از این چیزی بر من واجب است؟ دوباره رسول او را اختیار داد و فرمود اینکه زکات واجب مالت را بپرداز. آن شخص پرسید آیا بیش از زکات مال انفاق کردن زیادتری بر من واجب است؟ باز رسول همان پاسخ را تکرار کرد. آن شخص بعد از شنیدن سخنان پیامبر رفت و آنجا را ترک کرد و با خود می‌گفت به همین اندازه انجام خواهم داد. نه چیزی را کم خواهم کرد و نه زیاد خواهم کرد. رسول خدا درباره او فرمود که این شخص از اینجا رفت در حالی که رستگار شد؛ به شرط اینکه در گفته خود صادق باشد» (ابی داود، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص. ۲۹۱). همچنین، حدیثی که ابن ماجه روایت کرده است که در مال حقی غیر از زکات وجود ندارد (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص. ۵۷۰).

نقد و بررسی دسته سوم

در حدیث نخست اشکال سندی وجود ندارد، ولی حدیث دوم ضعیف و تحریف شده است. دلیل بر این، روایتی است که در صحیحین وجود دارد.

۱. مخالفت با قرآن: ابن عباس ذیل آیه ۱۷۷ سوره بقره می‌گوید در مال، حقوق واجبی غیر از زکات نیز هست و آیه نیز به آن دلالت دارد. شعبی نیز گفته است این آیه بر وجوب

ادای حقوق غیر از زکات که به مال شخص تعلق می‌گیرد از قبیل انفاق بر کسانی که واجب‌النفقه هستند، انفاق به اندازه «سد رمق» بر کسی که در معرض تلف قرار گرفته است و از قبیل ادای نذرها و کفاره‌ها دلالت دارد (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۴۷۷)؛ البته منافاتی ندارد که آیه اموالی را که انسان بر وجه مستحب می‌دهد نیز شامل بشود؛ زیرا همه این‌ها جزو «برّ» یعنی نیکوکاری است که در آیه ذکر شده است.

۲. مخالفت با روایات: در میان روایات شیعه، تنها روایتی که به‌صراحت بر جواز وضع مالیات به شکل مطلق دلالت کند، روایت صحیح محمدبن مسلم و زراره از امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) است که فرمودند امیرالمؤمنین^(ع) برای هر اسب تازی که در چراگاه چریده باشد، برای هر سال دو دینار و برای هر اسب غیرعربی یک دینار قرار داد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص. ۷۷).

در این روایت به امیرالمؤمنین^(ع) نسبت داده شده است که آن حضرت بر اسب‌های عربی و غیرعربی در هر سال دو دینار یا یک دینار قرار داد. وضع این مالیات که به امیرالمؤمنین نسبت داده شده است، فعل آن حضرت شمرده می‌شود. ظاهر روایت این است که این عمل در زمان زمامداری آن حضرت و اعمال ولایت او بر امت اسلامی بوده است؛ زیرا آن حضرت تنها در آن دوران می‌توانست مالیات وضع کند و خود یا کارگزارانش آن مالیات را از مالکان دریافت کنند. پس این نکته از حدیث دریافت می‌شود که امیرالمؤمنین^(ع) در مورد خاصی، مالی از مردم اخذ می‌کرد و همین مصداق وضع مالیات است.

۳. دلیل عقلی: نیازهای مالی حکومت اسلامی افزون‌بر راه‌های شرعی تأمین آن مانند خمس، زکات و انفال، می‌تواند با وضع مالیات نیز تدارک یابد؛ زیرا ولی امر در حکومت اسلامی از جانب خداوند بر اموال مردم ولایت دارد و می‌تواند برخلاف میل آنان در اموالشان برای حفظ مصالح دین و مردم تصرف کند. حال مصالح و اهدافی که می‌تواند نسبت به وضع مالیات از طرف ولی امر وجود داشته باشد و به ولی امر اجازه تصرف بدهد، یا تأمین نیازهای ضروری و واجب مردم یا رسیدگی به امور رفاهی مانند کاشت درخت برای پاکیزگی هوا، توسعه مراتع و فضاهای سبز و احداث یا توسعه راه‌ها و خیابان‌هاست. این تصرفات از طرف ولی امر، یا به‌خاطر کفایت نکردن وجوهات شرعی مانند خمس و زکات و... است یا اینکه اموال تحت اختیار ولی امر برای رفع نیازهای کنونی امت کفایت می‌کند، اما او نظر به مصالح نسل‌های آینده، به استخراج کامل معادن و ذخایر طبیعی همچون نفت نمی‌پردازد تا آیندگان

نیز از آن بهره‌مند شوند. برای همین، منابع مالی حکومت پاسخ‌گوی نیازهای کنونی مردم نیست و ولی امر برای رفع حاجات ضروری و غیرضروری آنها، مالیات‌هایی وضع می‌کند. نوع دیگر مالیات، عوارض و گمرکاتی است که بر ورود کالاهای طبیعی و صنعتی به کشور وضع می‌شود. گاه قیمت تمام‌شده این کالاهای وارداتی به مراتب کمتر از انواع مشابه آن در داخل کشور است و اگر مالیاتی از واردکنندگان این کالاها گرفته نشود، ضرر اقتصادی بزرگی به تولیدکنندگان این‌گونه کالاها در داخل کشور وارد می‌شود. از این‌رو برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی، مالیاتی مناسب با نوع کالاهای وارداتی قرار داده می‌شود. گاه تولیدکنندگان برخی کالاهای داخلی که دارای کارخانه‌ها و صنایع بزرگ تولیدی هستند، هزینه‌های صرف‌شده برای تولیدشان به مراتب کمتر از هزینه‌های تولیدی تولیدکنندگان کوچک است. بنابراین، اگر در قیمت‌گذاری کالاهایشان آزاد باشند، چه‌بسا به گروه بسیاری از تولیدکنندگان خرده‌پا که توان رقابت با تولیدکنندگان بزرگ را ندارند، ضررهای جبران‌ناپذیری وارد شود که منجر به آسیب‌های جدی به امت اسلامی شود. ولی امر برای جلوگیری از این خسارت، مالیاتی بر تولیدات این‌گونه کارخانه‌ها و صنایع بزرگ وضع می‌کند.

گاه نیز دولت اسلامی اقدام به تولید بعضی محصولات صنعتی مانند خودرو می‌کند و آن را با قیمت مناسب در اختیار مردم قرار می‌دهد و از سوی دیگر، بر تولیدکنندگان همان کالا از بخش خصوصی، مالیاتی قرار می‌دهد تا سود آنان را به حداقل کاهش دهد و رغبت آنان را به تولید بیشتر کم کند تا به این وسیله از برخی آفات فزونی آن کالا مانند آلودگی هوا جلوگیری کند (مؤمن، ۱۳۸۵، ص. ۳).

۴. نظر مختار درباره جایگزینی مالیات و زکات

جعل حکم حکومتی و ولایی نسبت به افزودن متعلقات زکات - طبق مصالحی که حاکم تشخیص داده - پذیرفته می‌شود، اما از حیث کم کردن موارد نه‌گانه حاکم دارای چنین حقی نیست؛ یعنی حاکم شرع می‌تواند در موارد مخصوصی، چیزهای دیگری را هم مشمول زکات قرار دهد، اما عکس آن را اجازه ندارد.

توضیح: آن نه چیز را به‌عنوان اصول ثابت قبول می‌کنیم؛ یعنی آن نه چیز در هر حالتی و در هر زمانی باقی است و مشمول حکم حکومتی نمی‌شود و در همه زمان‌ها زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد و روح تعبد در آن وجود دارد؛ زیرا موضوع ثابت است و غیر آن نه مورد در اختیار حاکم اسلامی

است. برای مثال، اگر مصلحت ایجاب کرد، برای خودرو زکات وضع خواهد کرد با اینکه خودرو از موارد نه‌گانه نیست؛ زیرا یکی از عواملی که کار انطباق اسلام با مقتضیات یا نیازمندی‌های زمان را آسان می‌کند، اختیارات بسیار وسیعی است که خود اسلام به حاکم شرع داده و دلیل آن، کارهای پیامبر است. پیغمبر اکرم بسیاری از کارها را به حکم اختیاراتی که به او به‌عنوان صاحب مسلمانان و ولی امر داده شده است، انجام می‌داد. از این رو خیلی چیزها را در فواصل مختلف نهی می‌کرد، امر می‌کرد، باز نهی می‌کرد و باز امر می‌کرد. وی اختیار داشت و هیچ‌کس هم نمی‌گفت که این «نسخ» است. پس موضوع اختیارات وسیع حاکم راهی است که اسلام در بطن خودش برای آسان بودن انطباق با نیازهای واقعی قرار داده است. شکی نیست که بعضی از احکامی که نبی یا ائمه صادر می‌کردند، مختص زمان خودشان و به مقتضای مصالحی بود که آن را تشخیص می‌دادند و این انشای حکم از طرف آن‌ها، ولایتی است که خداوند برای آن‌ها قرار داده و جعل حکم این‌چنینی از سوی آن‌ها کثیر است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص. ۸۴).

دلیل نخست: اطلاق آیات و امکان تطبیق روایات بر اساس شرایط زمان و مکان

در جهان امروز نوع مالیات‌ها به‌گونه‌ای است که یا اصلاً ارتباط با این موارد نه‌گانه ندارد یا اگر داشته باشد، قسمت خیلی از آن را دربرمی‌گیرد. از طرفی، بررسی دلایل قرآنی و روایی نسبت به این موضوع نشان می‌دهد که نه تنها هیچ آیه‌ای بر چنین انحصاری دلالت ندارد، بلکه آیات گوناگون حکایت از اطلاق و عمومیت در موارد زکات دارد. روایات نیز اگرچه در این زمینه متعارض به نظر می‌رسد، جمع مطلوب میان آن‌ها اقتضا می‌کند که تفاوت آن‌ها را برخاسته از تغییر شرایط زمانی و مکانی بدانیم. این گویای این نکته است که شارع مقدس موارد خاصی برای زکات تعیین نکرده، بلکه تعیین آن را به حاکم سپرده است که بحث تحلیلی درباره آن در حکومتی بودن متعلقات زکات ذکر شد.

اکنون بعد از عدم پذیرش قول مشهور- انحصار زکات در موارد نه‌گانه - و قول به تسری از موارد نه‌گانه، این پرسش مطرح می‌شود که تسری به چه صورت و چگونه مقبول است؟

یکی از راه‌های تسری به این صورت است که قائل شویم که آنچه در روایات به‌عنوان زکات آمده است، از احکام ثابت و لایتغیر باقی بماند و به‌عنوان نماد دینی باشد و روح تعبیدی بودن^۲ در آن وجود داشته باشد. دلیل بر این سخن این است که این نه مورد تا زمان ائمه وجود داشته است؛ نه تنها وجود داشته، بلکه موضوعیت داشته است؛ البته موضوعیت داشتن این نه مورد به‌صورت به‌شرط لا نبوده است؛ بدین‌گونه که حق تسری نداشته باشیم و نتوانیم از این نه مورد تجاوز کنیم،

بلکه حاکم شرع در عرض آن نه مورد، زکات‌های دیگری می‌تواند جعل کند مانند کاری که امام علی^(ع) انجام دادند. فرض بحث بر این مناسبت که زکات چیزی غیر از مالیات نیست؛ یعنی اگر در دین از موارد نه‌گانه زکات می‌گیرند، این اخذ، همان مالیات است و موارد دیگر نیز که ائمه دیگر بدان افزوده‌اند، همان زکاتی است که ما آن را مالیات به شمار آوردیم.

حال با مفروض گرفتن این مقدمات، این‌گونه ادعا می‌کنیم که نسبت به این نه مورد در تمام زمان‌ها و مکان‌ها زکات وجود دارد و هیچ تغییری در این نه مورد نه از حیث کمیت و نه از حیث کیفیت وجود نخواهد داشت؛ یعنی در زمان‌های مختلف نه مقدار آن کم می‌شود و نه تبدیل در آن صورت می‌پذیرد و اگر توسط معصوم یا ولی فقیه به مقتضای زمان مالیاتی جعل می‌شود، این جعل مکمل و جبران‌کننده نقصان زکات نه‌گانه است. حال وقتی چیزی مکمل و جبران‌کننده شیء دیگر بود، جانشین و بدل آن به شمار نمی‌آید، بلکه همین که گفته می‌شود این شیء جبران‌کننده شیء دیگر است، بدین معناست که شما استقلال و بودن شیء جبران‌شده را پذیرفته‌اید؛ زیرا تا آن شیء نباشد و وجودش استقلالی نباشد، جبران کردن برای آن معنا ندارد.

یکی از فقهای معاصر، زکاتی را که افزون بر موارد معین است، از نوع حکم حکومتی می‌داند. ایشان قائل است که مستفاد از بعضی روایات در ابواب زکات و خمس این است که امام در بعضی موارد حق تشریع دارد مانند آنچه در صحیح محمد بن مسلم و زراره آمده است که «امیر المؤمنین^(ع) بر اسبانی که به چرا می‌روند، در هر سال دو دینار و بر یابو یک دینار زکات قرار داد». اصحاب نیز به مضمون این حدیث فتوا داده‌اند.

بعد می‌نویسند انصاف این است که گرفتن زکات از غیر موارد نه‌گانه، از احکام جزئی ولایی و از باب تطبیق عناوین ثانویه بر مصادیق خود است و علت جعل چنین حکمی را ضرورت زمان می‌داند.

ایشان این حکم را از باب تطبیق در احکام ثانویه می‌داند که در برابر آن، دیگر موارد زکات قرار دارد که از احکام اولیه کلی، عام و همیشگی است و سخن خود را - که زکات اسب از نوع حکم دائمی و عام نیست - این‌گونه تعلیل کرده است که در جعل امام علی^(ع)، نصاب وجود ندارد درحالی‌که زکات دارای نصاب است و درنهایت، آن را نوعی از مالیات به شمار آورده است و آن را برای فقیه نیز در موارد ضرورت جایز می‌داند و احتمال این را که جعل حکم مربوط به اموال مجوس باشد، رد می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص. ۵۲۸)، ایشان در زیاده‌تر از موارد نه‌گانه، زکات را به‌عنوان حکم ثانوی پذیرفته، اما درعین حال، نه مورد را نیز به‌عنوان حکم ثابت پذیرفته است.

اشکال: در روایات، سخن از موارد نه گانه شده است و بیش از آن را شامل نمی‌شود. پاسخ: روایات در مقام بیان این است که موارد نه گانه در هیچ زمانی کم نمی‌شود، ولی نسبت به زیاده ساکت است و بر فرض پذیرش، این گونه نیست که روایات در حد تواتر باشد؛ زیرا ادعای تواتر درباره حصر موارد نه گانه مشکل است؛ زیرا شرایط تواتر در آن موجود نیست؛ یعنی این گونه نیست که در هر طبقه به اندازه‌ای برسد که توافق کذب عادتاً مشکل باشد، زیرا در طبقه، امام به بیش از ۱۴ نفر نمی‌رسد و در اول سند نیز به بیش از سه نفر - صدوق، کلینی و شیخ - نمی‌رسد؛ البته مستفیض بودن روایات قابل انکار نیست، ولی در دلالت آن سخن وجود دارد (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۳، ص. ۱۳۳).

دلیل دوم: برخی روایات دال بر توسعه مصادیق زکات

الف. علی بن مهزیار به سند صحیح، روایت کرده است در نامه عبدالله بن محمد به امام هادی^(ع) خواندم که این طور نوشته بود «فدایت کردم! از امام صادق^(ع) روایت شده است که فرمودند پیامبر اکرم^(ص) زکات را در نه چیز قرار داد؛ گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، گوسفند، گاو و شتر و نسبت به غیر موارد نه گانه زکات را مورد عفو قرار دادند. شخصی به حضرت (امام صادق^(ع)) گفت در نزد ما چیزی وجود دارد که چندین برابر این هاست. حضرت پرسیدند آن چیست؟ آن شخص به حضرت گفت برنج. امام صادق^(ع) فرمودند به تو می‌گویم رسول الله^(ص) زکات را در نه چیز قرار داد و غیر آن‌ها را بخشید و تو می‌گویی نزد ما برنج و ذرت هست؟! خب در زمان رسول الله^(ص) هم ذرت بود. حضرت امام هادی^(ع) در جواب این چنین نوشتند بله؛ همین طور است و در هر آنچه با پیمان سنجیده شود، زکات هست.

دوباره عبدالله بن محمد به حضرت^(ع) نوشت غیر همین شخص از امام صادق^(ع) روایت کرده است که از حضرت درباره حبوب پرسید. حضرت پرسیدند حبوب چیست؟ آن مرد گفت کنجد، برنج و ارزن و این‌ها از جمله غلات است مثل گندم و جو. حضرت (امام صادق^(ع)) در جواب فرمودند در همه حبوبات زکات هست.

همچنین، از امام صادق^(ع) روایت شده است که فرمودند هر آنچه در سنجش آن پیمان به کار رود، آن چیز حکم گندم، جو، خرما و کشمش را دارد. محمد بن عبدالله به حضرت امام هادی^(ع) گوید به من خبر بده - فدایت کردم - آیا بر برنج و آنچه شبیه آن است از حبوبات مثل نخود و عدس زکات هست؟ حضرت امام هادی^(ع) در جواب نوشتند راست گفته‌اند؛ هر چیزی که با پیمان سنجیده شود، در آن زکات است». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۵۱۰).

این روایت دارای دو مضمون متفاوت است. ۱. ثبوت زکات در نه چیز و ۲. ثبوت زکات در غیر نه چیز که ظاهراً با هم متعارض اند؛ به طوری که از این روایت استفاده می شود، امام هادی^(ع) صدور دو نوع روایت متعارض را از طرف ائمه پذیرفته است. مرحوم آیت الله خوئی^(ره) وجود این حدیث را قرینه بر استحباب زکات در غیر موارد نه گانه می داند.

در مقابل، صاحب *حلائق* اصرار بر حمل تقیه دارد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص. ۱۰۸؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۳، ص. ۱۳۳).

حق این است که تحلیل آیت الله خوئی^(ره) از حدیث بعید است؛ زیرا اگر امام می خواست استحباب را برساند، با عبارت های ساده تر می توانست این معنی را برساند. حتی امام هادی^(ع) با صراحت می توانست استحباب را اعلام کند چه نیاز بود که از راه تصدیق تعارض این کار را انجام بدهد. اگر امام هادی^(ع) هر دو حکم را تصدیق کرده و واقعاً نیز تصدیق کرده، آیا این غیر از این است که دو نوع حکم متفاوت برای دو شخص متفاوت وجود دارد که همان حکم ولایی است. در این حدیث فقط سخن از زیاده است و اصلاً در هیچ حدیثی سخن از تقلیل در موارد نه گانه نیست.

ب. در روایتی که محمد بن طیار نقل کرده، آمده است بعد از اینکه امام به او می گوید زکات در نه مورد است، طیار می گوید نزد ما حب کثیری وجود دارد که همان برنج باشد، امام به او اعتراض می کند و می فرماید من به تو می گویم رسول الله^(ص) در نه مورد قرار داد، دوباره می گوئی در نزد ما حب کثیری است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص. ۵۵). حدیث ظهور در حصر موارد نه گانه دارد، ولی تأمل دقیق در آن نشان می دهد که امام از پرسش کننده می خواهد حساسیت نشان ندهد. شاید که امام نمی خواهد شیعیان بیش از این موارد نه گانه، اموال خود را به حکومت وقت بدهند، اما اینکه آیا بیش از موارد نه گانه را می توان با حکم حکومتی اخذ کرد، روایت به آن تصریح ندارد.

۵. نقد و بررسی ادله تفصیل در جایگزینی مالیات از زکات

نقد حکم حکومتی بودن: تقیید زدن و محدود کردن دایره حکم حاکم و اختصاص دادن حکم حاکم به توسعه موارد نه گانه بدون اینکه حق تصرف در امور نه گانه — از حیث تقلیل — را داشته باشد، نیازمند به دلیل است.

منشأ و علت این ادعا از دو حالت خارج نیست؛ یا منشأ آن تحلیل عقلایی است که موجب فرق بین این دو می‌شود یا تعدی است، اما اینکه عقلایی باشد، انصاف این است که از نظر عقلاً میان موارد نه‌گانه و غیر آن تفاوتی وجود ندارد، اما اینکه منشأ تعدد باشد، دلیل می‌طلبد و اگر دلیل آن روایات یادشده در دلیل دوم باشد، آن نیز خالی از اشکال نیست. به نظر می‌رسد علت اینکه در روایات سخن از تقلیل از موارد نه‌گانه نشده است، این نیست که آن امور نه‌گانه تعدی است و قابلیت کم و زیاد شدن ندارد و همیشگی است، بلکه عدم تعرض در امور نه‌گانه بدین خاطر است که مورد پرسش نبوده و نزد پرسش‌کننده زکات در این امور، موضوعی مفروغ عنه بوده و هنوز فضای زمان صدور روایت با زمان پیامبر تغییر نکرده و حکم حکومتی پیامبر با امضای ائمه یا توسط حکام آن زمان و تأیید ائمه - به سبب سکوت - برقرار است.

۶. پیشینه تاریخی نظریه مختار

از اصحاب، نخستین شخصی که تعدی از موارد نه‌گانه را پذیرفته، یونس بن عبدالرحمان است؛ شخصی که در اخبار و فتاوایش دارای جایگاه ویژه‌ای در تراث فقهی شیعه است. ایشان معتقد است که در اوایل نبوت همان‌گونه که نماز از ناحیه خداوند دو رکعت جعل شده است و بعد توسط پیامبر دو رکعت به نمازهای ظهر، عصر و عشا و یک رکعت به نماز مغرب افزوده شد، درباره زکات نیز همین‌گونه است، یعنی زکات در اول نسبت به نه مورد توسط نبی جعل شد و سپس توسط ایشان مواردی مانند حبوبات به آن افزوده شد. ظاهر کلینی در کافی نیز قبول و پذیرش قول یونس است

آنچه در سخنان یونس تأمل برانگیز است اینکه، زکات را به‌صورت کامل مانند نماز قرار نداده است، بلکه جعل متعلق زکات در نه مورد را در همان ابتدا منسوب به نبی می‌داند. به عبارتی، اصل وجوب زکات را از سوی الله می‌داند - چون در قرآن ذکر شده است - ولی تطبیق را از همان اول در اختیار پیامبر می‌داند. نه اینکه تطبیق فقط در غیر موارد نه‌گانه به عهده پیامبر باشد. این برخلاف آن چیزی است که در جعل نماز آمده است که اصل نماز و دو رکعت اول آن به جعل الله است - یعنی فرض الله است - و افزون بر آن - یعنی دو رکعت آخر در نمازهای چهار رکعتی و یک رکعت در نماز مغرب - فرض النبی و جعل نبی است؛ توضیح بیشتر اینکه، طبق سخنان یونس، خداوند در رکعات نماز نیز دارای جعل است، اما در متعلقات زکات - تعیین مصداق - جعلی به خداوند نسبت داده نشده است. طبق این سخنان، دیگر جای این اشکال باقی نمی‌ماند که زکات نیز مانند

نماز است. آنچه از سخنان یونس استفاده می‌شود اینکه، متعلقات زکات از نظر کمیت ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه شأنیست و قابلیت زیاد شدن را نیز دارد.

آنچه از کلمات یونس برای بحث ما مفید است اینکه، تسری مورد قبول واقع و زیادتر از موارد نه‌گانه به‌عنوان واجب پذیرفته شده است. مهم این است که این فهم از روایت غریب و دور از واقع نیست و این‌گونه نیست که سخنی جدید و بیگانه از فضای حدیث و فقه باشد. همین که ایشان قائل به توسعه مصادیق زکات شده‌اند، زمینه مناسبی برای ورود در نظریه مختار را فراهم آورده‌اند؛ مهم این است که ایشان تعدی را به‌عنوان زکات پذیرفته‌اند.

۷. دیگر ادله نظریه مختار

۱. اصل زکات از عناوینی است که خداوند در قرآن جعل کرده و وظیفه مالی‌ای است که شارع آن را در اسلام - و حتی پیش از اسلام و در شرایع پیش - در کنار نماز که از مهم‌ترین عبادات است، قرار داده است، اما در هیچ کجای قرآن سخنی درباره متعلقات زکات ذکر نشده است، بلکه آیه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا، انْفِقُوا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا کَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَکُمْ مِنَ الْأَرْضِ» (بقره/۲۶۷)، ظهور در وجوب زکات در جمیع آنچه برای انسان حاصل می‌شود و به دست می‌آید، دارد؛ یعنی فرقی نمی‌کند که به‌صورت کسب یا به‌صورت استخراج به دست انسان برسد. همچنین، ظاهر آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّیهِمْ بِهَا...» (توبه/۱۰۳)، ظهور در گرفتن زکات از جمیع اموال دارد؛ زیرا اموال جمع است و اضافه به زکات‌دهندگان شده است. پس حکم از حیث دایره متعلق، عمومی است و شامل جمیع اموال می‌شود. به عبارتی، در مرحله اقتضا و انشای حکم عمومی است و محدود شدن حکم یا تخصیص آن به موارد نه‌گانه دلیل متقن می‌طلبد.

۲. فلسفه و حکمت وجوب تشریع: شریعت اسلام دینی است که مخصوص زمان، مکان و شرایط خاص نیست و دائمی است. از سویی زکات نیز حکمی همیشگی است و فلسفه تشریع زکات رفع احتیاجات فقر است در حالی که ثروت‌ها و دارایی‌های مردم نیز در زمان‌ها، مکان‌ها و شرایط خاص متفاوت است. نتیجه مجموع این مقدمات این می‌شود که مصادیق زکات باید قابلیت توسعه و زیاد شدن برحسب شرایط زمانی را داشته باشد.

پس اگر پیامبر زکات را در نه چیز قرار داده، بدین دلیل است که او حاکم و امام مسلمانان در زمان خود است و عمده ثروت عرب در آن زمان این موارد نه‌گانه بوده و این امور و

دارایی‌های نه‌گانه غرض از وضع زکات را استیفا می‌کرده است. از این رو پیامبر نسبت به غیر این موارد نه‌گانه، زکات دادن را مورد عفو قرار داده‌اند. بدیهی است که عفو حکم نسبت به موردی، در جایی صدق می‌کند که آن مورد قابلیت و اقتضای فعلیت حکم را دارا بوده، اما به عللی آن فعلیت محقق نشده است که از جمله علل مانع از فعلیت - همان‌گونه که در بعضی از روایات به آن اشاره شده است - کافی بودن این موارد نه‌گانه نسبت به احتیاجات جامعه است. مثال‌هایی از این روایات پیش‌تر ذکر شد. برای مثال، در روایتی امام‌صادق^(ع) فرمودند خداوند در ثروت اغنیا برای فقیران و مستمندان به اندازه کفایت قرار داده است. اگر می‌دانست برای زندگانی آنان کافی نیست، بیشتر وضع می‌کرد.

بنابراین، ممکن نیست فقیهی در چنین زمانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، قائل به حصر زکات در امور نه‌گانه شود؛ زکاتی که غرض از جعل آن، اداره امور مربوط به جامعه و محو کردن فقر در جامعه است. این درحالی است که مصادیق منصوص زکات مانند طلا و نقره مسکوک و انعام سه‌گانه با شرایط یادشده در روایات، قابلیت رفع احتیاجات جامعه و حکومت اسلامی را ندارد و امروزه عمدتاً سرمایه‌گذاری مردم در غیر این موارد نه‌گانه است. بنابراین، در صورتی که مصادیق زکات را منحصر در این موارد نه‌گانه قرار دهیم، شبهه عدم جامعیت دین نسبت به اداره امور حکومت لازم خواهد آمد؛ زیرا علت وجوب زکات تنظیم و تأمین معاش خانواده یا افرادی از جامعه است که نمی‌توانند کار کنند یا کارشان برای اداره زندگی‌شان کافی نیست. همچنین، برای دیگر مصارف اجتماعی از قبیل انتظامات و... است. اکنون در روزگار ما، این مواد نه‌گانه برای تأمین معاش مستمندان و سامان دادن به امور اجتماعی کافی نیست. با اندک توجه به فقه اسلامی و قوانین آن این مطلب روشن می‌شود که اگر مقدار مقرر، حتمی، ابدی و تغییرناپذیر بود مانند (عدد رکعات نمازها)، افزودن ماده دیگری به مواد زکات به وسیله امیرالمؤمنین علی^(ع) باید خلاف قانون اسلامی شمرده می‌شد. نتیجه اینکه این روایات صریح و منصوص‌العله در فلسفه تشریع وجوب زکات است که از آن‌ها استفاده می‌شود معیار و ملاک وجوب زکات، فقرزدایی از جامعه اسلامی است و تا این نیاز در جامعه وجود داشته باشد، وجوب زکات قابل توسعه به اشیای دیگر خواهد بود.

تنها اشکالی که در اینجا ممکن است مطرح شود، این است که بر فرض پذیرش اینکه اصل تشریع کلیت زکات، از احکام اولیه به شمار آید و تطبیق آن از اختیارات رسول‌الله باشد، دلیلی وجود ندارد که این اختیار و تفویض در تطبیق، بعد از وجود مبارک ایشان نیز ادامه

داشته باشد و اثبات آن محتاج به وجود دلیل است و دلیلی در این باره در دسترس نیست و در صورت شک، اصل عدم چنین دلیلی است و به خصوص اثبات آن در زمان غیبت توسط فقها، سخت تر است و صعوبت بیشتری دارد.

پاسخ به اشکال

احکام دو نوع است. الف. احکامی ثابت و دائمی که قابلیت تغییر ندارند مانند عبادات و جمله‌ای از عقود و ایقاعات که ثابت و همیشگی هستند و علت ثبات، دائمی بودن ملاکات و مصالح آن‌هاست و مختص به زمان خاصی نیست و با گذشت زمان و تحولات دوران، متحول و متغیر نمی‌شوند مگر در صورتی که شرایط آنان تغییر یابد و ب. احکامی که دائمی و ثابت نیستند و قابلیت تغییر دارند و مخصوص به زمان خاصی هستند.

تشریعاتی که از جانب پیامبر برای مسلمانان جعل شده نیز به دو صورت است؛ تشریعات دائم مانند اضافه کردن رکعاتی به نماز و تشریعات غیردائم مانند تحریم گوشت حمار در بعضی از غزوات که این تشریعات موقت، احکام حکومتی و ولایی پیامبر به شمار می‌آیند و بنابراین نباید در اصل آن حکم توقف کرد، بلکه باید علت صدور آن حکم را در نظر گرفت. اگر آن علت زمان و مکان خاص دارد، با انقضای آن، حکم نیز منقضی می‌شود. تشریعات موقتی که از سوی معصوم به عنوان حاکم اسلام جعل و صورت می‌پذیرد، گاه ممکن است در اصل جعل حکم ظهور کند مانند حکم به حرمت گوشت حمار توسط پیامبر و گاه در تطبیق عنوان کلی بر مصادیق مانند حرمت ازدواج موقت نسبت به علی بن یقطین بنا بر بعضی از برداشت‌ها. ادعای ما در این نوشتار این است که تطبیق عنوان زکات بر مصادیقش که پیامبر وضع کرده، از همین قسم است. به عبارت دیگر، پیامبر به عنوان صاحب شریعت این عنوان را بر موارد نه‌گانه تطبیق کرده‌اند. بنابراین، حاکم جامعه اسلامی در صورت صلاحدید می‌تواند دایره مصادیق زکات را گسترده‌تر کند؛ همان‌گونه که در زمان حکومت امیرالمؤمنین با زکات بر اسب و در زمان ائمه متأخر در حیوانات، این توسعه محقق شد. از این رو در جامعه اسلامی طبق مبنای قائلان ولایت فقیه، برای حاکم مسلمانان این توسعه به تشخیص ولی فقیه ممکن است در مصادیق جدید زکات محقق شود. از این رو می‌توان مالیات‌ها را از مصادیق جدید زکات به شمار آورد. نکته شایان توجه اینکه، برای عدم مخالفت با اجماع و شهرت در این مسئله، ما این تغییر در مصادیق زکات را در جانب زیاده و توسعه خواهیم پذیرفت.

بنابراین، حاکم مسلمین در صورت صلاحدید می‌تواند مصادیق جدید زکات را افزون‌بر مصادیق نه‌گانه به‌عنوان زکات فقهی و شرعی دریافت کند.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مباحث مهم در اقتصاد اسلامی، تعیین رابطه میان زکات و مالیات است که در این باره دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. این مقاله، ابتدا به ادله جواز جایگزینی زکات و مالیات و سپس نقد و بررسی آن‌ها و در ادامه، به ادله عدم جواز جایگزینی این دو و نقد و بررسی آن‌ها پرداخت و در پی اثبات این فرضیه بود که مالیات‌ها را به‌عنوان مصادیق جدید زکات افزون‌بر مصادیق نه‌گانه‌ای که پیامبر اکرم قرار دادند، معرفی کند. براین اساس، با روش تحلیلی به این نتیجه دست یافت که نسبت به نه مورد در تمام زمان‌ها و مکان‌ها زکات وجود دارد و هیچ تغییر و تبدیلی نیز در این نه مورد وجود نخواهد داشت؛ نه از حیث کمیت و نه از حیث کیفیت؛ یعنی در زمان‌های مختلف نه مقدار آن کم می‌شود و نه تبدیل در آن صورت می‌پذیرد و اگر توسط معصوم یا ولی فقیه به مقتضای زمان مالیاتی جعل می‌شود، این جعل، مکمل، ترمیم‌کننده و جبران‌کننده نقصان زکات نه‌گانه است.

یادداشت‌ها

۱. آنچه در اینجا به‌عنوان نقد ذکر می‌شود، منافاتی با آنچه در نظریه مختار خواهد آمد، ندارد؛ زیرا منافاتی که بر این نقد نیز نقدی وجود داشته باشد.
۲. منظور از تعبدی بودن به معنای عبادتی که قصد قربت نیاز دارد، نیست، بلکه منظور از تعبدی، یعنی واجبی که در آن نباید توقع تحلیل عقلایی داشت.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸ق). سنن ابن ماجه. بیروت: دارالجیل.
ابن هشام، عبد الملک بن هشام (بی تا). السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفة.
ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق). سنن أبی داود. قاهره: دارالحديث.

- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان* (۱۴ ج). چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بابایی، عیسی (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی مالیات‌های اسلامی با مالیات‌های حکومتی (مطالعه موردی: خمس و زکات). *تحقیقات جدید در علوم انسانی*، دوره ۶، شماره ۱۸.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم آل عصفور (۱۴۰۵ق). *الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة* (۲۵ ج). چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- جعفری، محمد (۱۴۱۹ق). *رسائل فقهی* (جلد ۱). تهران: منشورات کرامت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حلی، ابوصلاح (۱۴۰۳ق). *الکافی فی الفقه*. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع).
- حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرایع الاسلام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعة الامام الخوئی* (جلدهای ۲۳ و ۲۴) قم: مؤسسه احیای آثار الامام الخوئی.
- دانش، محمد عیسی (۱۴۰۰). چستی و چرایی زکات و تفاوت‌های آن با مالیات. *مجله در مسیر / استنباط*، سال ۱۱، شماره ۲۵.
- رضایی دوانی، مجید (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۸ق). *دلیل تحریر الوسیلة - ولایة الفقیه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- شریف، سید مرتضی علی بن حسین (۱۴۱۵ق). *الانتصار فی انفرادات الامامیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شریف، سید مرتضی علی بن حسین (۱۳۸۷ق). *جمل العلم والعمل*. نجف: مطبعة الآداب.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۲). *الاسلام بقود الحیة*. تهران: دارالصدر.
- صدوق، ابن بابویه (۱۴۱۵). *المقنع*. قم: مؤسسه امام هادی (ع).
- طبرسی، حسن (۱۴۰۶ق). *تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن* (جلد ۱). بیروت: دارالمعرفه.
- طرابلسی، ابن براج قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). *المهذب*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، ابوجعفر (۱۳۷۵ق). *الاقتصاد الهادی الى طريق الرشاد*، تهران: کتابخانه جامع چهل ستون.
طوسی، ابوجعفر (۱۴۰۷ق). *الخلاف*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، ابوجعفر (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: المكتبة المرتضوية للاثر الجعفرية.
طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام* (۱۰ ج). چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طوسی، محمدبن علی بن حمزه (۱۴۰۸ق). *الوسيلة الى نيل الفضيلة*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی^(ره).
عاملی، شمس الدین محمدبن مکی (۱۴۱۷ق). *الدروس*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عفیف، ابوذر؛ و اصغرزاده، احمد (۱۳۸۵). *مالیات و وجوهات شرعیة. الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)*، شماره ۷۳.

کاشیان، عبدالمحمد؛ شعبانی، احمد؛ و عسکری، محمد مهدی (۱۳۹۴). *بررسی دوگان های تقدم وجوهات شرعی یا مالیات و مکمل یا جانشین بودن آنها با تأکید بر ابعاد حکومتی خمس و زکات در اقتصاد اسلامی ایران*. معرفت / اقتصاد اسلامی، شماره ۱۲.

کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط - الاسلامیه)* (۸ ج). چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

گروهی از نویسندگان (۱۳۷۶)، *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام* (۵۶ ج). چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت^(ع).

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول* (جلد ۷۹). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵). *أنوار الفقاهة - کتاب البیع*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب^(ع).
مفید، محمدبن محمدبن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق). *المقنعة* (۱ ج). کنگره جهانی هزاره شیخ مفید^(ره)، قم.

منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۰۹ق). *کتاب الزکاة* (۴ ج). مرکز جهانی مطالعات اسلامی، قم.
مؤمن، محمد (۱۳۸۰). *رابطه خمس و زکات با مالیات های حکومتی*. اقتصاد اسلامی، شماره ۲.
مؤمن، محمد (۱۳۸۵). *مالیات در حکومت اسلامی*. مجله فقه اهلیت، شماره ۴۵.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام* (جلد ۱۵). بیروت: داراحیاء التراث العربی.

The Holy Quran.

Ibn Majah, Muhammad bin Yazid (1998). *Sunan Ibn Majah*. Beirut: Dar al-Jeil.

Ibn Hisham, Abdul Malik Ibn Hisham (Beta). *Sirat al-Nabawiyya*, Beirut: Dar al-Marfet.

Abu Dawud, Suleiman bin Ash'ath (1999). *Sanan Abi Dawood* Cairo: Dar al-Hadith.

Ardabili, Ahmad bin Mohammad (1982). *Majmaal al-Faidah and al-Burahan* in the commentary of *Irshad al-Azhan*. 1st edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated to the Qom Theological Seminary Society of Teachers.

Babaei, Isa (2017). Comparative study of Islamic taxes with government taxes (case study: Khums and Zakat). *New Research in Human Sciences*, Volume 6, Number 18.

Bahrani, Yusuf bin Ahmad bin Ibrahim al-Asfur (1984). *Al-Hadaiq al-Nazrah* in *Ahkam al-Atrah al-Tahira* (25 c.) 1st edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated to the Qom Theological Seminary Society of Teachers.

Jafari, Muhammad (1998). *Jurisprudential treatises* (volume 1). Tehran: Karamet Charters.

Har Aamili, Muhammad bin Hasan (1988). *Tafsil vasael of Shia to the tahsil of Shari'a*. Qom: Al-Bayt Foundation (AS).

Halabi, Abu Salah (1982). *Al-Kafi fi al-Fiqah*. Isfahan: Public Library of Imam Amirul Momineen (AS).

Hali, Najmuddin Jafar bin Hasan (1987). *Sharia al-Islam* Qom: Ismailian Institute.

Khoi, Sayyadabul Qasem (1997). *Al-Imam Al-Khoei Encyclopedia* (Volumes 23 and 24) Qom: Institute for Revival of Imam Al-Khoei's Works.

Danesh, Muhammad Isa (2021). What and why zakat and its differences with taxes. *Journal in the Path of Inference*, Volume 11, Number 25.

Rezaee Devani, Majid (2010). *An introduction to public finance in Islam*. Tehran: Organization for studying and compiling humanities books of universities (Samt).

Saifi Mazandarani, Ali Akbar (2007). *The reason for Tahrir al-Wasila - Wilayat al-Faqih*. Tehran: Institute for organizing and publishing the works of Imam Khomeini (RA).

Sharif, Seyyed Morteza Ali Bin Hossein (1994). *Al-Intisar fi Infradat al-Imamiya*. Qom: Islamic publishing office affiliated with the teachers community of Qom seminary.

Sharif, Syed Morteza Ali Bin Hossein (1967). *Jamal al-Illam and action*. Najaf: Al-Adab Press.

Sadr, Seyyed Mohammad Baqer (2003). *Islam Yagud al-Hayya*. Tehran: Dar al-Sadr.

Sadouq, Ibn Babouyeh (1994). *Al-Muqnaq*, Qom: Imam Hadi Institute.

Tabarsi, Hassan (1985). *Tafsir Majmaal Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Volume 1). Beirut: Dar al-Marafa.

Tripoli, Ibn Baraj Qazi Abd al-Aziz (1985). *Almohazzab*. Qom: Islamic publishing office affiliated with the teachers community of Qom seminary.

- Tusi, Abu Jaafar (1955). Al-Ekhtisad al-Hadi al-Tarq al-Rashad, Tehran: Chehlsetun Jame Library.
- Tusi, Abu Jaafar (1986). Al-Khalaf Qom: Islamic publishing office affiliated with the teachers community of Qom seminary.
- Tusi, Abu Jaafar (1967). Al-Mabusut in al-Imamiyah jurisprudence. Tehran: Al-Muktab Al-Mortazawieh Lalathr Al-Jaafari.
- Tusi, Abu Jaafar Muhammad bin Hasan (1986). Tahdeeb al-Ahakam (10 c.) 4th edition, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyeh.
- Tusi, Muhammad bin Ali bin Hamzah (1987). Al-Wasila to Nile Al-Fazilah. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library.
- Ameli, Shams al-Din Muhammad bin Makki (1996). Eldros. Qom: Islamic publishing office affiliated with the teachers community of Qom seminary.
- Afif, Abuzar; and Asgharzadeh, Ahmed (2006). Taxes and Islamic funds. Islamic Theology and Education (Islamic Studies), No. 73.
- Kashian, Abdul Mohammad; Shabani, Ahmed; and Askari, Mohammad Mahdi (2015). Investigating the duality of the priority of Sharia funds or taxes and their complementarity or substitution with emphasis on the governmental dimensions of khums and zakat in the Islamic economy of Iran. Knowledge of Islamic Economics, No. 12.
- Kalini, Muhammad bin Yaqub bin Ishaq (1986). Al-Kafi (i-Islamiyya) (8 c.) 4th edition, Tehran: Dar al-Kutb al-Islami.
- A group of writers (1997), Fiqh magazine of Ahl al-Bayt, peace be upon them (56 volumes). First edition, Qom: Islamic jurisprudence encyclopedia institute on the religion of Ahl al-Bayt (AS).
- Majlesi, Mohammad Bagher (1983). The merat of al-Aqool in the description of the news of al-al-rasul (Volume 79). Tehran: Darul Kitab al-Islamiyeh.
- Makarem Shirazi, Nasser (2004). Anwar Al-Fiqahah - The Book of Sale. Qom: Madrasa al-Imam Ali bin Abi Talib (a.s.).
- Mofid, Muhammad bin Muhammad bin Nu'man Akbari (1992). Al-Maqna (1 c). World Hazara Congress of Sheikh Mofid (RA), Qom.
- Montazeri Najafabadi, Hossein Ali (1988). Al-Zakah book (4 c.) World Center for Islamic Studies, Qom.
- Momen, Mohammad (2001). The relationship between khums and zakat and government taxes. Islamic Economy, No. 2.
- Momen, Mohammad (2006). Taxation in Islamic government. Ahl al-Bayt Jurisprudence Magazine, No. 45.
- Najafi, Mohammad Hassan (1983). Jawahar al-Kalam in the description of Sharia al-Islam (Volume 15). Beirut: Darahiya al-Tratah al-Arabi.

Contents

Utility or Ability to Pay? Scholastic Tax Theory as an Analytical Synthesis and its Implications for Islamic Economics	1
<i>Mohammadhosein Bahmanpour-Khalesi* and Mohammadjavad Sharifzadeh</i>	
Explaining The Concept of Popular Economy From The Dual Perspective of The Originality of The Individual And Society	25
<i>Seyyed Mohammad Hosseini-fard, Abolghasem Tohidinia* and Elyas Naderan</i>	
Analysis of Economic Sanctity in Jurisprudential and Legal Teachings	53
<i>Nader Alizadeh*, Asghar Abbasi and Ali Ghorbani</i>	
Jurisprudential-Economic Analysis of the propertyness of Cryptocurrencies in Islamic Economics	79
<i>Mohammad Reza Keshavarzi, Mohsen Rezaei Sadrabadi and Mahdi Roayaei*</i>	
The effect of Qarz al-Hasna facilities on macroeconomic variables	123
<i>Asiyeh Edraki*, Mahdi Jafari and Seyed Javad Emadi</i>	
The Concept and Application of Induction Method in Formulating Theories of Islamic Economics	149
<i>Saeid Mohammadbeigi*</i>	
Cognition of Iranian Consumers Consumption Behavior in Order to Advance the Resistance Economy	181
<i>Mahnaz Sorkhvandi, Kiomars Sohaili* and Shahram Fattahi</i>	
Prohibition of interest as the wisdom of the "SHAR'E" in order to prevent the interaction of the speculator and the bank in creating a periodic phenomenon of "dislocation of the measure of value"	201
<i>Mehdi Razmahang* and Hasan Sobhani</i>	
Modeling the realization of a resistance economy with an emphasis on economic extraversion on Economic Growth: A systemic dynamics approach	229
<i>Hossein rezaee* and Seyed hasan Ghavami</i>	
Investigating the nature of banknotes in terms of being a legal instrument or property and its jurisprudential implications	261
<i>Mahdi Motamedi* and Seyyed morteza khatami sabzevari</i>	
Investigating The Role and Effects of Market Design Theory In Economic Governance with Islamic Approach	285
<i>Hamidreza Maghsoudi*, Hossein Bahrami, Ali Saeedi and Abolfazl Ehsanfar</i>	
Jurisprudential investigation of the relationship between zakat and taxes in the Islamic state.....	321
<i>Asghar Matinpoor* and Ali Saeli</i>	

In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

29

Islamic Economics Studies

Bi-quarterly Journal of Islamic Economics Studies
Vol.15, No.1 (Serial 29), Autumn & Winter 2022-2023

Publisher: Imam Sadiq University

Managing Director: Mohammad Hadi Zahedi Vafa

Editor in Chief: Mohammad Mahdi Askari

Editorial Board & Manager Assistant: Mohammad Ghaedamini

Editorial Board (In Alphabetical & Academic Rank Order):

Masoud Derakhshan

Professor (Expertise: Mathematical Economics & Optimization) Allameh Tabatabaei University

Karim Eslamluian

Professor (Expertise: International Economics) Shiraz University

Gholam Reza Mesbahi Moghaddam

Professor (Expertise: Economic Jurisprudence) Imam Sadiq University

Hosein Ali Sadi

Professor (Expertise: Economic Jurisprudence) Imam Sadiq University

Mohammad Mahdi Askari

Professor (Expertise: Mathematical Economics) Imam Sadiq University

Mohammad Ali Fallahi

Professor (Expertise: Economics) Ferdowsi University

Kazem Yavari

Professor (Expertise: International Economics & Development) Tarbiyat Modarres University

Abbas Arabmazar

Associate Professor (Expertise: Econometrics & Development) Shahid Beheshti University

Mohammad Hadi Zahedi Vafa

Associate Professor (Expertise: Economics) Imam Sadiq University

Hossein Eivazlou

Associate Professor (Expertise: Monetary Economics) Imam Sadiq University

Persian Editor, Voter: Mansoure Sadeghi Jaafarlou

The Articles in this Publication do not Necessarily Reflect the Views of the University
The Quotes Are Only Full References

Address: Imam Sadiq University, Modiriat Bridge, Shahid Chamran Highway, Tehran, Iran
P.O. Box: 14655-159

Management of Technical and Printing: Deputy of Research and Technology,
Telfax: +9821-88094915

Management of Scientific & Editorial Affairs: Islamic Sciences & Economics Faculty,
Tel: +9821-88081404 Fax: +9821-88579988

Address of the Dedicated Journal System: <https://ies.isu.ac.ir>

Email(1): ies@isu.ac.ir Email(2): ies.sadiqjournals@gmail.com